

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# اصلاح عمل

حبيب الرحمن فهميم

نشر پرنده، ۱۴۰۱

سرشناسه:	فہیم، حبیب الرحمن
عنوان و نام گزارنده:	اصلاح عمل (چگونه می توانیم یک مسلمان خوب باشیم؟) / حبیب الرحمن فہیم
مشخصات نشر:	کابل، نشر پرند، ۱۴۰۱
مشخصات ظاہری:	رقعی / ۵۰۷ صفحہ
گونه ی اثر:	دینی - اسلامی



- نام کتاب: اصلاح عمل (چگونه می توانیم یک مسلمان خوب باشیم؟)
- نویسنده: حبیب الرحمن فہیم
- ناشر: نشر پرند
- ویراستار: دانش فہیم
- طراحی جلد و برگ آرای: سید مہدی موسوی
- ناظر فنی چاپ: باحث رہنما
- تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
- سال چاپ: بہار ۱۴۰۱
- نشانی برقی: [parand.publication2015@gmail.com](mailto:parand.publication2015@gmail.com)
- شماره تماس: ۰۷۹۶۶۲۳۴۲۳

## تقدیم به...

بهترین انسان های که در راستای خدمت گزاری و دعوت به دین اسلام و رساندن پیام جاودان و حیات بخش الهی به گوشه و کنار این دنیا سفر کردند، دعوت نمودند، رزمیدند و اندک ترین غفلت، سستی و ترس برای بلند نمودن صدای دین و شریعت غرای محمدی صلی الله علیه وسلم، از خود نشان نداده اند؛ تقدیم به آنهای که برای اصلاح و تغییر عمل خود، خانواده و جامعه به گونه شبانه روزی در تکاپو و تلاش اند، آنان که می خوانند، و عمل می کنند. و به تمام آزاد مردانی که نیک می اندیشند و عقل و منطق را پیشه خود نموده و جز رضای الهی و پیشرفت و سعادت جامعه اسلامی، هدفی ندارند. دانشمندان، بزرگان، و جوان مردانی که جان و مال خود را در حفظ و اعتلای ارزش های دینی و اسلامی فدا نموده و می نمایند.



## تشکر و قدردانی:

سپاس بی کران پروردگار یکتا را که هستی مان بخشید و به طریق علم و دانش رهنمون مان شد و به هم‌نشینی رهروان علم و دانش مفتخرمان نمود و خوشه چینی از علم و معرفت را روزی مان ساخت. بهتر است در نخست از جناب محترم استاد عبدالروف توانا رئیس کانون علمی-فرهنگی شهید استاد عبدالقادر توانا که در امر مشوره این کتاب مساعدت نمودند و در این امر نهایت مراقبت، توجه و دقت خود را مبذول فرموده اند کمال تشکر و امتنان را داشته باشم؛ برای ایشان از پروردگار سلامت و سعادت ابدی را خواهانم.

تشکر قلبی و لسانی خود را از استاد عالی قدر جناب حنیف ثابتی، که زحمت بازنگری این کتاب را عهده دار گردیدند و در تمامی مراحل انجام کتاب از راهنمایی های مدبرانه ایشان استفاده نمودم ابراز می دارم و توفیقات روز افزون ایشان را توأم با صحت و سعادت خواستارم.

جا دارد سپاس‌گزاری نمایم از فرزندان عزیزم عطاء الرحمن فهیم دانشجوی کارشناسی ارشد در خارج کشور و ضیاء الرحمن دانش فهیم، مسؤل مرکز رسانه‌ای فجر، که در تحقیق، تنظیم و جمع‌آوری منابع این کتاب صبورانه و صادقانه من را همراهی نموده اند تا بتوانم در کمال آرامش و آسایش به تهیه و تنظیم مطالب این کتاب بپردازم؛ از تیم تولیدی مرکز رسانه‌ای فجر، که در زمینه

تایپ و ترتیب این کتاب تلاش ورزیدند؛ همچنان از تمام دوستان و بزرگواران که در زمینه چاپ این کتاب ما را همکاری مالی نمودند. خدایا توفیق خدمت سرشار از شور و نشاط و همراه و همسو با علم و دانش و پژوهش جهت رشد و شکوفایی سرزمین عزیز ما افغانستان عنایت بفرما!



## فهرست مطالب

آغاز سخن .....	۱۵
تقریظ (استاد عبدالروف توانا) .....	۱۹
نقش عمل کردن در زندگی یک مسلمان .....	۲۳
چگونه می‌توان تشخیص داد که اعمال ما صالح و خوب است .....	۲۵
ویژگی های اعمال صالح: .....	۲۶
مسلمان خوب، اهل آزار و اذیت نیست .....	۲۷
اخلاص در عمل و ارزش آن در زندگی یک مسلمان .....	۲۹
الاخلاص سر من اسراری اودعه فی قلب من احبته .....	۳۰
اخلاص در عمل به دو گونه است: .....	۳۱
اهمیت حدیث .....	۳۲
اعمال نیک باعث ادامه زندگی ۳ جوان شد .....	۳۴
سبقت در عمل نیک .....	۳۹
پرهیزگاران کی‌ها اند؟ .....	۴۳
عمل با شتاب زدگی و تندروی .....	۴۵
میانه روی در انجام اعمال .....	۵۱
ریا کاری و خودنمایی .....	۶۵
حکایت بهلول عاقل و مرد ریا کار .....	۶۹
علایم و نشانه های ریا .....	۷۰

- ۷۱ ..... علل و عوامل ریا
- ۷۱ ..... نتایج و آثار ریا
- ۷۵ ..... حرمت به شعائر الله
- ۸۱ ..... ویژگی های مسلمان خوب
- ۸۵ ..... حقوق مسلمانان بر همدیگر
- ۹۱ ..... تواضع و فروتنی
- ۹۷ ..... چگونه می توان یک مسلمان خوب شد؟
- ۹۷ ..... راه رسیدن به الله سبحانه و تعالی
- ۱۰۱ ..... تفکر و تدبر سنت فراموش شده
- ۱۱۱ ..... امر به معروف چیست و وظیفه ی کیست؟
- ۱۱۸ ..... آنهای که می گویند ولی عمل نمی کنند
- ۱۲۳ ..... صداقت و راستی راز موفقیت
- ۱۲۷ ..... راست گویی مرد که باعث نجات کاروان، از رهنمان شد
- ۱۲۹ ..... حکایت تاجر که صادق بود
- ۱۳۱ ..... درجه صداقت در اعمال
- ۱۳۵ ..... تقوی و پرهیزگاری رمز رستگاری
- ۱۳۶ ..... حق تقواء چیست؟
- ۱۴۳ ..... تقوا و فواید دنیوی و اخروی آن
- ۱۴۵ ..... نفرین و دشنام دادن
- ۱۴۷ ..... همسایگان خوب و حقوق آنان
- ۱۴۷ ..... همسایه خوب
- ۱۵۴ ..... همسایه بد
- ۱۶۱ ..... از ترس الله سبحانه و تعالی باید گریست
- ۱۷۱ ..... آنهای که قابل توقیر (احترام) اند
- ۱۸۱ ..... حرمت به آموزگار
- ۱۸۷ ..... غنیمت های روزگار

۱۹۳	ستودن و ستایش انسانها.....
۱۹۹	حقیر شمردن انسانها.....
۲۰۷	نکات اساسی و خلاصه؛ عزت دیگران عزت ما است: .....
۲۰۹	خیانت کار از امت من نیست.....
۲۱۷	با سه شخص الله (ع) سخن نمی گوید.....
۲۲۵	گناه سخن نگفتن یا ناراحت شدن بالاتر از سه روز .....
۲۳۳	شفقت و مهربانی .....
۲۳۳	مسلمان خوب نسبت به اطرافیان اش مشفق و مهربان می باشد .....
۲۳۷	داستان حیرت انگیز از گفت وگویی یک جوان با پیامبر صلی الله علیه وسلم .....
۲۴۱	رفتار نیک با زنان .....
۲۴۶	حقوق زن بالای شوهر .....
۲۴۸	حقوق شوهر بالای زن .....
۲۵۵	در خانه‌ی که یتیم است.....
۲۶۰	از گریه یتیم عرش الله ﷻ می لرزد .....
۲۶۳	حکایت نیکویی با یتیم .....
۲۶۵	بخشش و ایثار .....
۲۷۵	قناعت و صرفه جویی.....
۲۸۵	ستمگر نباشید .....
۲۹۰	مفلس کیست؟ .....
۲۹۲	حالا شناختید که مفلس کیست؟ .....
۲۹۷	به غیر پدر نسبت دادن .....
۳۰۱	شبیه سازی و گناه آن .....
۳۰۷	استعمال ابریشم و طلا برای مردان .....
۳۱۵	چه کسی شما را آب میدهد؟ .....
۳۲۱	آیا دروغ گفتن جواز دارد؟ .....
۳۲۲	دروغ گفتن نشان منافق است .....

- ۳۲۶..... خواب های دروغین و گناه بزرگ آن.....
- ۳۲۹..... برای راحت خوابیدن چی باید کرد ؟.....
- ۳۳۷..... سوگند و قسم.....
- ۳۴۰..... اقسام سوگند ها و کفاره آن:.....
- ۳۴۳..... مبارزه با شهوات.....
- ۳۴۷..... فواید کم خوری و نقش آن به ویژه در مهار شهوات.....
- ۳۴۹..... فواید کم خوری.....
- ۳۵۰..... فایده ظاهری و مادی کم خوری.....
- ۳۵۱..... فواید باطنی و معنوی کم خوری.....
- ۳۵۲..... آثار زیان بار پر خوری.....
- ۳۵۳..... ضرر های پر خوری.....
- ۳۵۹..... زیارت قبور (گورستان).....
- ۳۶۱..... آداب زیارت قبور.....
- ۳۶۵..... ترحم و غم شریکی با خانواده‌ی میت.....
- ۳۷۱..... آنگاه که راه می روید.....
- ۳۷۹..... هنگام رانندگی.....
- ۳۸۵..... حفاظت زبان.....
- ۳۹۳..... فال بینی و کفایت.....
- ۴۰۱..... حکم وجود سگ و تصویر در خانه.....
- ۴۰۳..... زندگی در شهر ها و قریه ها چی نیازی به نگهداری سگ دارد ؟.....
- ۴۰۸..... نگهداشتن سگ ها در کدام حالات و برای کی ها توصیه می شود؟.....
- ۴۰۹..... حکایت از وفاداری سگ برای صاحب اش.....
- ۴۱۰..... سگ فروشی و حکم آن:.....
- ۴۱۳..... احتکار و قیمت فروشی.....
- ۴۱۹..... رشوه و اختلاس.....
- ۴۲۹..... مهلت دادن قرضدار.....

۴۳۳.....	رسول الله صلى الله عليه وسلم جنازه قرضدار را نخواند .....
۴۳۷.....	طلب و جست و جوی رزق حلال.....
۴۴۳.....	صحت ثروت بی بدیل.....
۴۴۷.....	به شهر و بء یا امراض واگیر نروید.....
۴۵۳.....	مادر زشتی ها(مشروبات الکولی).....
۴۵۸.....	ضرر های مشروبات الکولی بر اساس معتبرترین منابع علمی:.....
۴۶۳.....	محاسبه روز رستاخیز.....
۴۷۱.....	عصیت و قوم گرایی.....
۴۷۷.....	زندگی ابتلاء یا آزمون.....
۴۸۵.....	نا امیدی.....
۴۹۳.....	محافظت از اعمال نیک.....
۴۹۶.....	ثبات و پایداری در انجام اعمال نیک.....
۵۰۳.....	منابع و ماخذ.....



## آغاز سخن

الحمد لله و الصلوة والسلام على رسول الله صلى الله عليه وعلى آله و صحبه اجمعين.

سپاس و ستایش بی پایان خدایی را باد که توان خواندن و نوشتن را برای انسان بخشید و وی را اشرف مخلوقات آفرید و برای هدایت انسان، انبیاء و کتب جاودان را با پیام بیدارگر و انسان ساز فرستاد تا خالق کائنات را با تمام صفات اش شناخته و به اوامر و فرمان‌هایش سمع و طاعت نشان داده و عمل نمایند. زندگی را در زیر سایه‌ی اسلام سپری کرده و برای کسب رضای الله ﷻ تلاش کنند. هر عمل را که انجام می‌دهند به هدف رضای خداوند ﷻ بوده باشد و بس. انسان مسلمان مکلف است تا لحظه‌ای هم از یاد الله ﷻ، غافل نشود و به اصول و قواعد اساسی زندگی در محور اسلام، خود را آگاه ساخته و آنچه را که الله ﷻ و پیامبرش ﷺ دستور داده است به آن عمل نماید و برای اصلاح و تغییر خود و جامعه اش تلاش ورزد تا زمین الله ﷻ را، از فساد، ظلم، بی‌عدالتی و اعمال ناشایست ضد بشری نجات دهد تا باشد که خود ناجی گردد و دیگران منجی. سیاره‌ای زمین با این همه وسعت و بزرگی در خدمت انسان آفریده شده است تا انسان مومن و مسلمان از ظلم، ستم و گناهان مختلف دیگر دوری

نموده و در زندگی خویش فرمان‌برداری عام و تام از الله ﷻ، نماید، و زندگی خود را در روشنایی قرآن و سنت وفق دهد. اگر جرم و گناهی را مرتکب شود فوراً به الله ﷻ، رجوع نموده توبه نماید و به مخلوق الله ﷻ، در روی زمین آزار و اذیت نرساند، برای معلومات بهتر در هر موضوع و مسائل که در زندگی با آن روبرو می‌شود در صورت ندانستن با علماء و دانشمندان مراجعه نموده خود را آگاه بسازد. با مطالعه چند جلد کتاب و خواندن چند سال مدرسه و مکتب و دانش‌گاه، انسان نمی‌تواند همه چیز را بداند، و از پرسیدن و سوال نمودن چیزی که در آن علم ندارد نباید شرم و حیا نماید؛ زیرا این حکم پروردگار است (اگر مسئله‌ی را نمی‌دانید از عالم و دانشمندی بپرسید) پرسیدن عیب و گناه نیست، چیزی را که نمی‌دانید، برای دانستن آن سعی و تلاش نمایید. حتی در صورت ضرورت، به محل و یا منطقه دور دست که عالمی در آنجا باشد سفر باید کرد و مسئله را از وی باید آموخت؛ در غیر آن با مشکلات جهل و نادانی در زندگی ادامه خواهیم داد که این به نفع و خیر ما تمام نخواهد شد؛ مگر داستان موسی و خضر را نخوانده ایم؟ و یا نشنیده ایم؟ که برای معلومات بیشتر سفر می‌کند که تا بدانچه نمی‌داند، سفر نماید، بیاموزد و سوال نماید. زندگی در روشنی علم و کتاب و تجربه‌های آموزشی لذت بخش و در کنار علماء و اهل دانش عزت بخش است. مسلمانان مکلف اند با در نظر داشت اصلاح و تغییر عمل در امور زندگی با هم، هم‌کار و پشتیبان باشند و به حیث یک مسلمان خوب در جامعه زندگی نمایند؛ زیرا زندگی در محور دین اسلام، عقیده‌ی پاک و خدا ترسی تضمین‌کننده‌ی خوشبختی‌ها و موفقیت در دنیا و آخرت است.

اسلام بدون عمل و ایمان، عاری از تقوی، خدا ترسی و اخلاق نیکو، برای نجات از دشواری‌ها و سختی‌های آخرت چندان کارساز نیست. پایه‌های ایمان، توسط اعمال صالح و نیت پاک اساس‌گذاری شده است. برای تحکیم بیشتر ایمان و مسلمانی، به عمل شایسته و نیکو نیاز است؛ عملی که



نجات دهنده است. برای اینکه چگونه می توان یک مسلمان خوب بود؟ باید سعی و تلاش کرد، در این زمینه از اخلاق و روش پیامبر ﷺ و مسلمانان که در صدر اسلام زندگی می نمودند، باید پیروی نمود. روش و طریقه ای که در زندگی مردم انقلاب به وجود آورد، اصلاحات و تغییرات به وجود آورد، فساد و جهالت از میان برداشته شد، ریشه های ارتباط مردم با الله ﷻ، مستحکم گردید، دنیای تاریک، ظلم، جهل و نادانی به روشنی و نور آزادی بخش مبدل شد، محیط مناسب و خوب برای مردم فراهم گردیده و زندگی سرشار از خوبی ها، شادمانی ها، عشق و محبت نسبت به الله ﷻ، پیامبر ﷺ، کتاب، سنت و علم در قلب های مردم زنده شد، ایثار و فداکاری برای طبقه ضعیف و بیچاره، انسان دوستی، رابطه های مفید و موثر با اطرافیان، ایجاد محیط سالم خانواده گی، تامین حقوق بشر، حقوق زن، حقوق اطفال و حتی حقوق حیوانات صورت گرفت، نظم، قانون و عدالت اجتماعی بر پا شد. این همه توسط قدرت ایمان، مفاهیم اساسی اسلام و با عمل بدان به وجود آمده بود که رابطه ای مستقیم با اعمال و افکار مسلمانان آن عصر و آن دوره ای طلائی داشت که از روش درست زندگی پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم پیروی نموده و جامعه ای عمل بدان پوشانیدند. دین اسلام در تمام بخش های زندگی از سیاست تا اقتصاد و از خانواده تا روش حکومت داری رهنمود ها و ارشاداتی دارد که مسلمانان مکلف اند در امور زندگی خویش آن را به عنوان دستورالعمل در زندگی فردی، اجتماعی و حتی سیاسی خود قرار دهند و خود، جامعه و عنصر های آنرا تغییر داده و اصلاح سازند و در نتیجه، یک مسلمان خوب در میان همه ی مسلمانان و انسان ها باشد.

بدون شک کتاب که اکنون در دست دارید «اصلاح عمل» بیشتر در زمینه ی طرح مفاهیم و غور روی موضوعات که مربوط به اعمال کاربردی زندگی روزمره ی یک فرد مسلمان می شود، بحث می کند، آن هم در وقتی که موج از

چراغ های سنت های پیامبر ﷺ، و احکام عبادی دیگر آن در حال خاموشی، فراموشی و کم رنگ شدن است و از هرسو تهاجم فکری و فرهنگی برای از بین بردن آن صورت گرفته است. بنابراین در این کتاب ما بیشتر تلاش و سعی به خرچ داده ایم تا با استناد از آیات، احادیث و تحقیقات بروز ازساینس و علم روز، مسائل متفاوت دینی و عبادی را به تحلیل و تجزیه بگیریم، این کتاب با موضوعات و بحث های عام ولی مهم و ارزش مند با زبان سلیس و روان ساده نگاری شده است تا خواننده گرامی بدون کدام زحمت، به عمق موضوعات آن پی برده و آنرا به آسانی هضم نماید.

چگونه می توانیم یک مسلمان خوب باشیم؟ این پرسش باعث شد که من چند برگه نوشته خدمت مطالعه گران مسلمان به ویژه نسل جوان و اهل علم و قلم عرض نمایم، این هم برگ سبز و تحفه درویش تقدیم شما عزیزان و خواننده گان گرامی.

### خواننده گرامی...

پس از این ملاحظات بر کتابی که پیش روی توست آرزومند مطالعه ای لذت بخش و مفید برایت هستم و تو را فرا می خوانم که کتاب را به صورت دقیق و عمیق با صبر و حوصله مندی به خوانش بگیری، امیدوارم نتیجه و استفاده خوب بدست آوری و در جریان مطالعه اگر با خطا یا لغزش روبرو شدی ما را مورد عفو و بخشش قرار داده و برای بهبودی آن در چاپ های بعدی تذکر دهید. از همکاری تان قبل از قبل سپاسمند و ممنون ام

حبیب الرحمن فهیم

۲۴ / قوس / ۱۴۰۰ هـ ش

کشم - بدخشان

## تقریظ (استاد عبدالروف توانا)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ (۱) مَا أَنْتَ بِمَجْنُونٍ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ (۲) وَإِنَّ لَكَ  
لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ (۳) وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ (۴)

نون. به قلم و به آنچه می‌نویسند سوگند. که تو به خاطر (لطف و) نعمت  
پروردگار دیوانه نیستی. و همانا برای تو پاداش بی‌پایان است. و حَقّاً که تو بر  
اخلاق بزرگی استواری.

نیاز امروز جامعه بشری به گوهر جهاد، آن هم از نوع «جهاد فرهنگی»  
نیازی مبرم و حیاتی است. هرچه هجوم فرهنگی و تبلیغات انحرافی و عوامل  
غفلت آفرینی در رسانه های شیطانی، بیش تر و گسترده تر و قوی تر باشد، و  
قلب و روح و روان انسان‌ها، بیش تر در تیررس اعوان و انصار شیطان قرار گیرد،  
ضرورت جهاد فرهنگی بیش تر و شدیدتر احساس می شود. جهاد فرهنگی»  
تلاشی بزرگ و مقدس برای نگرهبانی از افکار الهی، نگاه الهی، و آرمانهای بلند  
اجتماعی و سلامت اندیشه و قلب و احساس جامعه اسلامی است. این جهاد،  
فقط دفاعی و برای جلوگیری از بیماریهای روحی، روانی نیست، بلکه انسان

وظیفه دارد برای پیشگیری از این گونه امراض و رهایی گرفتاران و آزادی اسیران جامعه بشری بکوشد و خود و دیگران را از سقوط و هبوط در دامهای شیطان حفاظت کند. این جهاد، مرز نمی شناسد و محدود به مرزهای کشورهای اسلامی و منطقه خاص نیست، بلکه کوششی با انگیزه معنوی برای تحول فکری، اخلاقی در سراسر جهان است. «جهاد فرهنگی» تلاش برای جریان جویباری از لیلۃ القدر است که فرهنگ آسمان را به زمینیان و دورافتادگان از ملکوت الهی می رساند. بازتابی از درخشش انوار الهی در کوه حراست که با نام خدا و برای خدا و با پیام «إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» آغاز می شود و آفاق نگاه و اخلاق و رفتار انسان را گسترش می دهد و سرآغاز «تمدن و توسعه» انسانی است.

آغاز حرکت در «جهاد فرهنگی»، کار خداست. سخن او آسایش را از برگزیدگان آفرینش و پیامبران خود گرفت و آنان را به قیام واداشت. در این سیر، روح خاتم الانبیاء محمد صلی الله علیه و آله نیز در زیر بارش وحی دگرگون شد. نیمی از شب یا بیش تر را بپا می خاست و با قلب هستی به گفتگو می نشست.

{يَا أَيُّهَا الْمُرْتَلُّ \* قُمْ الْيَلَّ إِلَّا قَلِيلًا \* نِصْفَهُ وَأَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا \* أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا}

ای جامه به تن پیچیده، شب را بپای خیز، مگر اندکی، نیمی از آن یا اندکی از آن بکاه یا کمی بیفزای و قرآن را با دقت و تأمل تلاوت کن.

جهاد فرهنگی جهادی کبیر است و کسی می تواند در این جهاد پیروز شود که گوش به سخنان قدرت های طاغوتی نسپرد و به فرهنگ قرآن مجهز باشد. «فَلَا تَطْعِ الْكٰفِرِيْنَ وَ جَهْدُهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيْرًا»؛

از کافران اطاعت نکن و به وسیله قرآن در برابر آنان به جهادی بزرگ برخیز.

جهاد فرهنگی برخلاف درگیری‌های نظامی، مبارزه‌ای کوتاه مدت و موقت و زودگذر نیست. این جهاد وظیفه جاودانه انسان در صحنه زندگی اجتماعی است. در میدان رزم، در حلقه‌های درسی مدرسه و دانشگاه، در درون بازار، در پشت میز اداره، در محراب و منبر، در درون خانه و کارخانه و... جریان دارد. در قرآن کریم بیش از چهل بار واژه جهاد به کار رفته و ابعاد گوناگون آن تبیین شده است.

خداوند متعال را شاکر و سپاسگزارم که در هر عصری و نسلی وارثین انبیاء<sup>(ع)</sup> و فرهیختگان امت اسلامی دست از جهاد فرهنگی در راستای بیداری جامعه اسلامی و انسانی نبرداشته و سعی همه جانبه نموده اند تا مسؤلیت‌های الهی و وجوبیه ایمانی خویش را ادا کنند.

کتاب «اصلاح عمل» اثری ممتاز و ارزشمند در حوزه‌ی معارف اسلامی است که با قرائت موجود از احکام مهم و اساسی در زندگی یک مسلمان و بازتعریف مبانی و منابع آن، بر پایه‌ی یقینات و مسلّمات اسلامی و بر کنار از پیش فرض‌ها و راهبردهای ظنی، به سوی اقامه‌ی اسلام کامل و خالص دعوت می‌کند.

نگارنده‌ی دانشمند و فرزانه‌ی این کتاب، مولوی صاحب حبیب الرحمن فهیم، از شخصیت‌های دلسوز به اسلام که ایشان از نبوغ خاصّ خدادادی بر خوردار بوده با دقت و بصیرت تلاش نموده اند عباراتی گویا و قابل فهم را مطرح کنند و با بی‌اعتنایی عمدی به اصطلاحات رایج و اجتناب آگاهانه از لفاظی‌ها و زیاده‌گویی‌های معمول، معارف اسلام را با ساده‌ترین و شفاف‌ترین اسلوب، به رشته‌ی تحریر در می‌آورد و با وارستگی کامل و آزادگی دلیرانه از قالب‌ها و جریان‌های سیاسی، در هیئت یک مبارز حنیف ظاهر می‌شود و با پای‌افزار خرد در روشنایی کتاب خداوند و سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم که چنان چراغی در پیش روی او می‌درخشد، به لطف خداوند متعال به

والاترین علوم و معارف اسلامی دست می‌باید. او بی‌گمان با اندیشه‌ای والا و ژرف، کتابی را به رشته‌ی تحریر درآورده است که می‌تواند نقش موثری را بر بیداری مسلمانان و رهایی‌شان از ذلت و مسکنت کنونی‌شان باشد. بر این اساس کانون علمی فرهنگی شهید استاد عبدالقادر توانا، از همه‌ی کسانی که ارزش مکتب اسلام را درک می‌کنند، دعوت می‌نماید به جبهه جهاد فرهنگی آگاهانه و عاشقانه پیوندند. مسلماً، جهاد فرهنگی (جهاداکبر) تضمین‌کننده دست آوردهای جهاد اصغر بوده و عدم جهاد اکبر باعث از دست دادن تمام ارزش‌ها و دست آوردها جهاد اصغر می‌شود.

بدین منظور این کانون جهت نهادینه ساختن و استحکام جهاد فرهنگی در حوزات علمیه برای مسولین محترم مدارس پیشنهاد دارد تا یکی از شروط فراغت طلاب را تالیف یک عنوان کتاب و پیگیری برنامه‌های تذکیه نفس همچون سایر برنامه‌های بنیادی مد نظر داشته تا فارغین مدارس با تحقیق و مطالعه و تالیف کتب روی آورده اندوخته‌های‌شان را به نسل‌های آینده منتقل سازند.

در فرجام از همه کسانی که در به ثمر رساندن این اثر خالصانه و صمیمانه تلاش کردند و راه پرفراز و نشیب را طی کردند از خداوند ذوالجلال پاداش دارین استدعا دارم.

ولا نزکی علی الله أحدا

برادر شما عبدالرووف توانا

رئیس کانون علمی فرهنگی شهید استاد

عبدالقادر توانا

هفتم دلو ۱۴۰۰

## نقش عمل کردن در زندگی یک مسلمان

بحث «عمل» جدا از بحث «ایمان» نیست. در آیات قرآن کریم نیز «ایمان و عمل صالح» به صورت گسترده در کنار هم آمده است. با توجه به اینکه واژه عمل با همه مشتقاتش حدود ۳۵۶ بار در قرآن به کار رفته است و از این تعداد، حدود ۱۰۰ مورد، «عمل صالح» همراه با «ایمان» ذکر شده است، چه بهتر است که درباره آن از نگاه قرآن و حدیث بیشتر به غور و بررسی پردازیم. عمل صالح، که دین مبارک اسلام بدان تأکید می‌کند و همواره در روایات آنرا همراه با ایمان آورده است، منظور اش از عملی است که شایسته، بجا و درست با آنچه که الله ﷻ، و پیامبرش محمد ﷺ، آورده است و یا دستور انجام دادن و ندادن آنرا کرده است باشد. ایمان خودش، شبیه درختی می‌ماند که میوه‌ای آن اعمال آن است و اعمال، ریشه‌های است که از درخت ایمان تغذیه می‌کند و ایمان بدون عمل، دروغ است و ریاء. ایمان به باورهای دینی و اسلامی بدون حرکت و یا انجام دادن دستورات آن، ادعایی باطل است و عمل بدون داشتن ایمان و برقراری ناحیه‌ای روحی آن، همچون جسم بی‌روح و درخت خشک می‌باشد

که هرگز قابل مقایسه نیست. چه بسا کارهای نیک و پسندیده‌ای که بدون در نظر گرفتن ایمان و اخلاص صورت می‌گیرد و خود انجام دهنده آن عالی و پسندیده به نظر می‌رسد؛ ولی این عمل در قبولیت و مشروعیت نزد الله ﷻ، باطل و هیچ باشد. مسلمان خوب دارای ایمان حقیقی است، و با شناخت نیازها، امکانات، وسائل کار، جهت و ارزیابی موقعیت، عمل صالحی را با در نظر گرفتن ایمان و اسلام انجام می‌دهد که سودمند و بجا باشد.

اسلام دین انصاف و عدالت است، دین مقدس اسلام برای پیروانش دستور داده است که زندگی خویش را در چهارچوب و محور قانون، ارشادات و رهنمودهای آن آماده بسازند. اسلام برای اصلاح و تغییر فرد و جامعه تلاش کرده است و برنامه‌ای کامل و دقیق را ارائه می‌کند که اگر ما انسان‌ها به هدایات و رهنمایی‌های اسلام عزیز، عمل نماییم و آنرا جزء برنامه‌های اساسی زندگی سیاسی و اجتماعی خود قرار دهیم به یقین گفته می‌توانیم که همه‌ی ما از جمله مسلمین و مومنین حقیقی و رستگاران دنیا و آخرت خواهیم بود/ شد، و زود است که انسان‌های مضر، فسادپیشه و مکروبی که دایماً ضرر شان به جامعه‌ای انسانی می‌رسد، باقی نماند. خوب اگر حالا به جامعه امروزی که ما در آن زندگی می‌کنیم دقت نماییم در می‌یابیم افراد و اشخاصی که به ضرر جامعه هستند و همیشه دست به فساد، زورگویی، قتل و غارت می‌زنند با تأسف مسلمان‌اند و این افراد در جامعه‌ی مسلمانان بیشتر شده و وجود دارند؛ چرا؟ ما می‌توانیم به یقین این ادعا را بکنیم و اینگونه پاسخ بدهیم که این‌گونه اشخاص از دین مقدس اسلام و رهنمایی‌های آن (ارشادات و نواهی) آگاه نیستند و در انحطاط کامل فکری بسر می‌برند، و یا اینکه دانسته و قصداً دست به فساد می‌زنند و ارشاداتی اسلام را نادیده می‌گیرند و این نیز از ضعف ایمان و باورهای آنان است، چشمان‌شان را کور و گوش‌هایشان را کر کرده‌اند، گویا از بدی، زشتی و نیکویی اعمال هیچ خبری و یا اطلاعی ندارند، یا



اینکه دستگاه حکومتی که امر به نیکویی کند و نهی از بدی، در جامعه‌ی شان وجود ندارد؛ اما اگر متوجه شویم، شخص مفسد ادعا می‌کند که من مسلمانم و شخص جاهل و نادان هم می‌گوید من مسلمانم و این را هردو گروه مدعی‌اند که ما مسلمانیم، پس بلی همه مسلمان‌اند فقط در زبان نه در عمل؛ فرد مسلمان باید مومن واقعی باشد و ایمان‌اش تطابق حقیقی با اعمال‌اش داشته باشد، ما باید مسلمان عملی باشیم تا زبانی؛ اگر ما به ارشادات و رهنمایی‌های اسلام عمل نکنیم پس مسلمان حقیقی نیستیم؛ اگر فرد به ارشادات الله ﷻ بی‌توجه بوده، اعمال زشت و ناپسند را انجام می‌دهد و به انسان‌ها و جامعه ضرر وارد می‌کند که در حقیقت وارد عمق اسلام نشده و از آن چیزی نمی‌داند؛ پس مسلمان است به شکل موروثی و یا تذکره‌ای؛ برای اینکه ما مسلمان خوب باشیم باید در اسلام به گونه مکمل داخل شویم در حالی که امروزه ما مسلمانان به طور دقیق وارد اسلام نشده ایم و در بحر ژرف اسلام غواصی نکرده ایم تا قطره‌ی را بچشیم، الله ﷻ می‌فرماید:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ  
إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ) (البقره، ۲۰۸)

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید همگی به اطاعت [الله ﷻ] درآیید و گامهای شیطان را دنبال نکنید که او برای شما دشمنی آشکار است.

### چگونه می‌توان تشخیص داد که اعمال ما صالح و خوب است

اگر اعمال و کارهای ما، از ویژگی‌های که در پایین ذکر می‌نمایم برخوردار نباشند، آنگاه اعمال درست نبوده و در جمع اعمال «صالحات» قرار نمی‌گیرد؛ زیرا عمل صالح، به هر کار خوبی گفته نمی‌شود، بلکه عملی است که از عقیده و دستورات الهی نشأت گرفته باشد و فرد و جامعه را از «هست» به آنچه باید باشد، رهنمایی کند و آنها را در مسیر اهداف دین و باورهای دینی پیش ببرد.

«عمل صالح» است که دارای پاداش می‌باشد و الله ﷻ، از برای آن، مؤمن را به بهشت می‌برد.<sup>۱</sup> و اگر پاداش «اعمال صالح» در دنیا هم داده نشود، در آخرت که روز حساب و میزان است، قطعاً داده خواهد شد. و پیامبر ﷺ می‌فرماید: شما مومن کامل شده نمی‌توانید تا که خواهشات تان تابع آنچه شود که من آورده‌ام (قرآن و سنت).

### ویژگی‌های اعمال صالح:

- جدا نبودن از ایمان، باید رابطه‌ای مستحکم میان ایمان و اعمال باشد.
  - همراه بودن با آگاهی و از روی شعور و ادراک. یعنی اعمال را که انجام می‌دهیم باید بدانیم که چرا و برای چه انجام می‌دهیم.
  - جهت‌خدایی داشتن و به قصد تقرب انجام دادن. یعنی انسان در تلاش این باشد که با انجام اعمال خود را به سوی خدا نزدیک کند.
  - متناسب، بجا، به موقع بودن و در رابطه با نیازها و شرائط خاص زمانی و مکانی عمل کردن.
  - اثر بخش بودن. اعمال که ما انجام اش می‌دهیم باید اثرات آنرا در زندگی روزمره خود نظاره‌گر باشیم.
  - در حد قدرت و توان انجام دادن.
- روایت از حضرت علی کرم الله وجهه شده است که ایشان فرمودند:

اليوم عملٌ ولا حسابٌ وغداً حسابٌ ولا عملٌ.<sup>۲</sup>

«امروز، عمل است و حساب نیست و فردا (در قیامت) حساب است، و عمل نیست»

۱. مؤمن / ۴۰.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۴۲.

## مسلمان خوب، اهل آزار و اذیت نیست

عن عبد الله بن عمرو، عن النبي ﷺ قال: المسلم من سلم المسلمون من لسانه ويده...<sup>۱</sup> (صحيح البخاري)

ترجمه: پیامبر ﷺ فرمودند: "مسلمان حقیقی کسی است که سایر مسلمانان از آزار و اذیت دست و زبان آن در امن باشند.

ما در جامعه‌ی انسانی زندگی می‌نماییم و خود را مسلمان می‌دانیم، وظیفه یک مسلمان خوب اینست که همجنس و هم‌نوع خود را مورد آزار و اذیت قرار ندهد؛ اسلام با آزار و اذیت غیر انسانها هم مخالف است، هنگامیکه احادیث پیامبر ﷺ را مطالعه می‌کنیم با ده‌ها روایت روبرو می‌شویم که از آزار دادن حیوانات، پرندۀها، حشرات و غیره ممانعت می‌کند؛ مگر پنج چیز که آنها ضررشان بیشتر اند: مار، کژدم، موش، سگ درنده و غیلواج.

عن ابن عمر (رضی الله عنه) عن النبي قال: "خَمْسٌ مِنَ الدَّوَابِّ لَا جُنَاحَ عَلَيَّ مَنْ قَتَلَهُنَّ فِي الْإِحْرَامِ، وَالْحَرَمِ: الْغُرَابُ، وَالْفَأْرَةُ، وَالْعَقْرَبُ، وَالْكَلْبُ الْعَقُورُ"<sup>۲</sup>

در روایت دیگر نیز آمده است:

خَمْسٌ فَوَاسِقٌ يُقْتَلْنَ فِي الْحِلِّ وَالْحَرَمِ: الْحَيَّةُ، وَالْغُرَابُ الْأَبْتَعُ، وَالْفَأْرَةُ، وَالْكَلْبُ الْعَقُورُ، وَالْحُدَيَّا<sup>۳</sup> (متفق عليه)

در این روایت این پنج چیز را حرام خوانده و قتلش را در حلال و حرام یکسان حکم نموده است، اینکه چرا قتل این چیزها از بین سایر پرندگان و خزندگان مشخص گردیده است روشن است.

۱. أعلام الحديث (شرح صحيح البخاري، ج ۱ ص ۱۴۶)

۲. مسند أبي يعلى الموصلي، ۹ ص ۴۰۱

۳. كتاب إكمال المعلم بفوائد مسلم [القاضي عياض] ج ۴ ص ۲۰۸

پس مسلمان خوب ضررش به هیچ چیز باید نرسد، مگر آنچه که شریعت برایش اجازه داده است در این مورد حکمت های بسیار وجود دارد که این اثر حوصله یادآوری آنرا ندارد.

**یک مثال:** می گویند؛ "زخم تبر میروود و زخم زبان نی"

یعنی سخن بد و زشت در قلب اثر میکند و داغش سالها باقی میماند که تا پایان زندگی یک فرد به یاد می ماند، مسلمان خوب در تلاش خوشحالی قلب های دیگران می کوشد؛ نه اینکه قلب ها را جریحه دار بسازد و یا با دستانش مردم را اذیت کند. اگر شخصی دایما از اذیت نمودن دیگران، کتک کاری کردن، مشت و سیلی زدن و دعواء کردن با مردم لذت ببرد و همیشه مصروف زور گویی و یاغی گری باشد و گاهی هم به عزت و آبروی کسی تجاوز نماید و زمانی هم به جان و مال مردم یورش ببرد، از دیدگاه ارشادات پیامبر ﷺ مسلمان کامل نیست؛ زیرا شخص مسلمان و مومن همیشه در همه امور زندگی اش دست و زبانش را در اختیار دارد و به خود اجازه نمی دهد تا از اعمال و برخورد هایش یک مسلمان و انسان دیگر آزار ببیند و قلب را جریحه دار بسازد؛ یا اینکه چشم اش به مال و ریزاندن آبروی انسان دیگر باشد. جوان مسلمان در پی رساندن خیر و نیکی برای مردم و جامعه می باشد، جلو آزار و اذیت را از سوی خود و دیگران می گیرد، مردم را به کارهای خیر دعوت می کند و از کارهای زشت و آزار دهنده خود، خانواده و دیگران را منع می نماید و مردم را به سوی نیکویی و خیر خواهی رهنمایی می کند، برای فلاح و کامیابی خود، خانواده و جامعه مبارزه می کند، این از مسوولیت ها و رسالت های یک جوان و یک شخص مسلمان می باشد؛ متأسفانه امروزه در عصری زندگی می کنیم که تعدادی از جوانان در کوچه ها، بازار، مکتب، مدرسه، محل های تجمع مردم، تفریح گاه ها و... سبب آزار و اذیت مردم می شوند، پول، تلفن، بکس دستی، ساعت، زیورات، وغیره را از نزدشان می ربایند، عابری را مورد لت و کوب

قرار داده و حتی در بعضی حالات تهدید به مرگ می‌کنند که این خود بزرگترین جنایت محسوب می‌شود.

وعن ابي موسى الأشعري - رضي الله عنه - قال: قال رسول الله ﷺ  
من مرفي شيء من مساجدنا، أو أسواقنا، ومعه نبلٌ فيمسك، وليقبض  
على نصالها بكفه أن يُصيب أحدا من المسلمين منها بشيء<sup>۱</sup>

ترجمه: کسی که در مساجد و بازارهای ما در حالی عبور می‌کند که به دستش سلاح داشت محکم گیرد تا مسلمانی را آسیب نرسد - ترسانیدن مسلمان گناه است چه با سلاح نبل، تیر، چاقو، و سایر آله‌های جارحه و ناریه و چه با غیر آن، کلمات "فلمسک او ليقبض" بکار برده شده به این معنا که دارنده سلاح خوب متوجه سلاح دست داشته‌اش باشد و محکم گیرد تا مسلمان را نترساند.

### اخلاص در عمل و ارزش آن در زندگی یک مسلمان

زندگی وارزش انسان به فهم و علم وی است و ارزش علم و دانش به عمل کردن است، و ارزش و اهمیت عمل کردن ما انسان‌ها بر می‌گردد به اخلاص ما که اخلاص در نزد خداوند بزرگ یگانه راه قبولیت اعمال است. همانگونه که آب مایه‌ی حیات و زندگی همه زنده‌جان‌ها و نباتات است و عامل شادابی و طروات آنها می‌شود، اخلاص نیز باعث حیات بخشیدن و ارزش دادن به اعمال ما می‌شود و پشتوانه‌ای محکم برای بقاء و دوام آن است. اهمیت عمل بیش از آن که به کمیت و مقدار آن مربوط باشد بیشتر به چگونگی و کیفیت آن ارتباط دارد؛ الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

{الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا...} سورة

الملك: آیه ۲

۱. (ریاض الصالحین ت الفحل [النووي] ۲ ص-۵۴۹)

همانکه مرگ و زندگی را پدید آورد تا شما را ابتلاء کند (بیازماید) که کدامتان "نیکوکار" ترید.

در این جا خداوند ارزش اعمال را به درست و نیکو انجام دادن و با اخلاص و خلوص به پایان رساندن می داند. و نمی گوید: اکثر عملا. که به بیشترین اعمال شما. دقیق همانند همان درختی که میوه فراوان و زیاد دارد؛ اما اکثر آن فاسد و آفت زده است و قابل استفاده نمی باشد و در مقابل درختی است که میوه اش اندک؛ ولی میوه هاش سالم و به دور از آفت و خرابی ها است، به یقین که درخت دومی ارزش بالایی دارد.

پس اخلاص چیزی است که به اساس و ریشه‌ی اعمال ما ارزش و بهاء می بخشد و کیمیای کم یابی است که آهن زنگ زده‌ی اعمال آدمی را به طلای ناب سرخ مبدل می سازد. به همین جهت است که از خالص سازی عمل بعنوان سر و رازالهی یاد شده است:

### الاخلاص سر من اسراری اودعه فی قلب من احببته<sup>۱</sup>.

عمل بدون اخلاص مصداق این حکایت سعدی رح در کتاب گلستان است که وی چنین آورده است:

(زاهدی مهمان پادشاهی بود چون به طعام بنشستند کمتر از آن خورد که عادت او بود و چون به نماز برخاستند بیش از آن کرد که عادت او بود، تا خلق صلاحیت در حق او زیادت کنند... چون به مقام خویش آمد سفره خواست تا تناول کند پسری صاحب فراست داشت گفت: ای پدر باری به مجلس سلطان طعام نخوردی؟ گفت: در نظرایشان چیزی نخوردم که بکار آید. گفت: نماز را هم قضا کن که چیزی نکردی که بکار آید...<sup>۲</sup>)

۱. مستدرک الوسائل طبع جدید ج ۱۰۲/۱.

۲. کلیات سعدی - بوستان به اهتمام فروغی ۳۲۹.

عبادت به اخلاص نیت نکوست  
وگرنه چه آید ز بی مغز پوست  
چه ز نارمغ در میانت چه دلق  
که در پوشی از بهر پندار خلق

### اخلاص در عمل به دو گونه است:

اول: گاهی انسان عامل در عملش خود را می بیند و تلاش می کند که کارش را در جهت صحیح و مطلوب خداوندی انجام دهد و آن را با هیچ انگیزه دیگری آمیخته نسازد. این افراد را غالباً قرآن "مخلصین" معرفی می کند. گویا هنوز در آغاز کار است و قدم‌های اولیه خودسازی را بر می دارند زیرا می گوید: من کار خالصانه کردم و عمل من برای رضای پروردگارم بود.

دوم: آن است که انسان گردنه‌ها را در نور دیده واز موانع پیش راه به سلامتی گذشته واز نفوذ و وسوسه‌های شیاطین مصنوعیت پیدا کرده به گونه‌ای که در برابر انحرافات و لغزشها مصنوعیت یافته است. از این افراد قرآن به نام "مخلصین" یاد می کند.

قَالَ فِعْرَتِكَ لِأَعُوِيَّتِهِمْ أَجْمَعِينَ (۸۲)

"شیطان" گفت پس به عزت تو سوگند که همگی را از راه (حق) گمراه خواهم کرد.

إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ (۸۳)

جز بندگان مخلصت.  
چيست اخلاص دل از خود کردن  
کار خود را به خدا افکندن





امام ابن رجب حنبلی رحمه الله تعالی می فرماید: این حدیث یکی از احادیثی است که دین بر محور آن می چرخد.

این حدیث انسان مسلمان را به اخلاص در عبادت فرا می خواند و بر اهمیت آن تأکید می کند، زیرا هیچ عملی بدون اخلاص پذیرفته نیست و لذا هر کس به اندازه اخلاصی که در بندگی و عبادت دارد از آن اجر و ثواب می برد. هجرت به سوی الله ﷻ، برای طاعت و بندگی و به جای آوردن اوامر اوست و هجرت به سوی رسول الله صلی الله علیه وسلم، فرا گرفتن دین و اطاعت از ایشان است.

آنچه درباره ی نیت مهم است بدانیم این است که قصد قلبی انسان برای انجام هر کاری را نیت می گویند که صلاح و فساد (درستی و تباهی) آن کار را تعیین کرده و اجر و ثوابش نیز بدان بستگی دارد.

اصل در هر عمل و هر چیز اباحت است و در ذات خود بد نیست و انجام دادن هر عمل و کار، تعلق و بستگی دارد به اخلاص و نیت هر شخص که آنرا انجام می دهد؛ اگر شما اندکترین کار خیر از نظرتان خیلی نا چیز و کم ارزش است، مثلا دور نمودن سنگ، شیشه، خار، اشیا موزی، کاغذ، حتی برطرف کردن پوست کیله و سایر میوه جات از جاده وغیره؛ یا صدقه کردن و هدیه دادن چیزی به اندازه یک دانه خرما، یک افغانی، یک عدد سیب، یک لقمه نان برای یتیم و مسکینی، اگر نیت و اخلاص ویژه ی برای الله ﷻ، وجود داشته باشد و برای رضای وی صورت گرفته باشد، حقا که بزرگترین پاداش و اجر را کسب میکنید، و این کار شما بارنگ اخلاص و نیت سالم، رنگین میشود.

حضرت جابر انصاری (رضی الله عنه) روایت میکند: در غزوه بودم که بعضی از اصحاب حضور نداشتند پیامبر ﷺ فرمود: یقینا مردانی در مدینه هستند که با شما در اجر شریک اند هر مسیری را که شما طی می کنید و از هر پستی و

بلندی که پائین و بالا میشوید با شما شریک اند زیرا ایشان را مرض مانع شده است یعنی اگر مریض نمی بودند با شما در غزوه سهم می گرفتند (مسلم از جابر بن عبدالله)

خواننده گرامی! حالا به یقین از روایت فوق دانستیم که نیت پاک و اخلاص در عقب هر کار و عمل ما چه قدر ارزش والا دارد، سفر و جهاد کردن و اشتراک در غزوات در برابر نیروهای کفری و شرکی تادندان مسلح چقدر دشوار و سنگین است؛ اگر دقت کنید امروزه حین سفر های عادی که سوار بر موتر، هواپیما و متری که انجام می دهیم چقدر با چالش ها و سختی ها روبه رو می شویم چه جایی رسد به سفر های پیاده، کوه به کوه، وادی به وادی، گرسنه و تشنه با قبول نمودن انواع مشکل ها و...؛ اما داشتن نیت، اراده خیر و اخلاص نیک برای انجام عمل ولو که در توان ما نیز نباشد خالی از اجر و ثواب نیست، طوریکه صحابه های کرام رضوان الله علیهم اجمعین، که در بستر مریضی در مدینه بسر میبردند، در اجر و پاداش مجاهدین شریک میشدند و برابر ایشان اجر و پاداشت می گرفتند.

اگر ما واقعا دارای اراده، اخلاص و نیت های پاک بوده باشیم، عبادت و کار های خیری که در صحتمندی و جوانی خود انجام داده ایم ثوابش را الله ﷻ، در حالت مریضی و کهن سالی نیز از ما قطع نخواهد کرد، و همین اخلاص و نیت پاک ما، سبب نجات و دشواری های زندگی ما خواهد شد.

### اعمال نیک باعث ادامه زندگی ۳ جوان شد

عبدالله بن عمر (رضی الله عنه)، از رسول ﷺ، روایت می کند که وی فرمود: سه نفر از اُمتان گذشته راهی سفر شدند، هنگامیکه شب شد به مغاره‌ی داخل شدند تا شب را سپری نمایند، در نیمه های شب صخره‌ی از بالای کوه فرو افتاد و دهن مغاره را بند و مسدود ساخت، این مسافرین دیگر چاره نداشتند و ترس و وحشت

اینها را فرا گفته بود؛ زیرا این مغاره برایشان شبیه قبرستان شده بود و کسی هم ایشان را ندیده بودند، صدا می‌کردند ولی به گوش کسی نمی‌رسید جز الله ﷻ، مسافرین دیگر هیچ چاره نداشتند جز اینکه به الله سبحانه و تعالی رجوع کنند. بالاخره برای نجات از این مغاره به رای زنی و مشوره پرداختند تا که چه باید بکنند، و هیچ راه برای نجات و بیرون شدن از مغاره نیافتند، و در فرجام آنها به یک کلمه موافقه کردند و گفتند که دیگر هیچ راه نجات از این صخره بزرگ و بیرون شدن از این مغاره وجود ندارد؛ جز اینکه با اعمال صالحه‌ی ما که در طول عمر انجام داده ایم، به الله ﷻ مراجعه کنیم و اعمال نیک و صالح خود را که قبل از این با اخلاص بخاطر خدواند ﷻ انجام داده ایم وسیله نجات قرار دهیم. یکی از ایشان گفت الها! پدر و مادر پیر و بزرگ سن داشتیم که محتاج بودند، و من ایشان را مراقبت می‌کردم قبل از زن و فرزندم آنها را سیر می‌کردم و برای شان شیر می‌نوشاندم، اما روزی از روز هاگوسفندان ناوقت آمدند هنگامیکه شیر نوشیدنی والدینم را آوردم آنها خواب بودند، بیدار شان نکردم و کاسه شیر بر دستم، تاصبح بالای سرشان ایستاد بودم که بیدار شوند و شیر بنوشند در حالیکه فرزندانم شیر گفته فریاد می‌کردند و اما من بخاطری رضای الله ﷻ و خدمت پدر و مادر این کار را انجام دادم و این عمل نسبت به سایر اعمالم بهتر و با اخلاص تر است اگر مورد قبول و پسندات شده باشد به برکت این عمل صخره را از دهن غار دورگردان، صخره اندکی دور شد و روشنی روز داخل غار شده، مسافران مطمئن شدند که الله ﷻ قطعاً کمک شان میکند؛ شخصی دومی باصدق دل فریاد نمود: ای الها! مرا دختر کاکای بود که سخت دوستش داشتم و نسبت به همه مردم برایم محبوب و دوست‌داشتنی بود و اراده استفاده جنسی را از وی داشتم اما او قبول نمی‌کرد تا وقتیکه سال قحطی آمد و مردم چیزی برای خوردن نداشتند، این دختر کاکایم به نزد من آمد تا چیزی از پول، مال یا غذا برایش کمک نمایم اما این فرصت را برای رسیدن به آرمان دیرینه ام که

همانا رفع غریزه جنسی بود غنیمت دانستم و چانس خوبی برای موفقیتیم فکر میکردم و با خود میگفتم که دختر کاکایم این بار محتاج است و ضرورت دارد و حتماً پیشنهادم را قبول میکند، با پرداخت ۱۲۰ دینار همراهش موافقه نمودم ناگزیر قبول نمود اما زمانیکه میخواستم مقاربت جنسی نمایم دختر کاکایم برایم گفت: از الله ﷻ بترس به ناحق تجاوز مکن، پرده عفتم را مدر مگر به حق (نکاح اسلامی) اینجاست که من از الله ﷻ سخت ترسیدم و از نزدش دور رفتم و آن ۱۲۰ دینار را بخاطر الله ﷻ برایش بخشیدم، ای بار الها! اگر این عمل ام مقبول درگاه تو شده باشد ما را از این صخره بزرگ که در غارگیر مانده ایم نجات ده... صخره اندکی کنار رفت و لی نمیتوانستند که بیرون شوند. شخص سومی به مناجات پرداخت و گفت: الها! مردانی را برای پیش برد کار بر مزد می گرفتم و حق شان را می پرداختم غیر یک مزدکاری که حقتش به نزد من مانده بود و خودش بدون گرفتن مزد اش رفته بود که بعداً بر می گردد، من در نبودش حق و مزد آن مزدکار و اجیر را به کار انداختم و سرمایه کثیری از اموال به وجود آمد بعد از مدتی آن مزدکار، برگشت و تقضای پول مزدش را نمود، من برایش گفتم این شتران، گاو، بز و گوسفندان و غلامان و بردگان را که می بینی از مال توست، شخص اجیر گفت: ای بنده الله ﷻ مرا استهزاء مکن مزدم را بده، گفتم استهزاء نیست این مال شماست، پس آن همه را با خود برد و برای من هیچ نگذاشت و من صدایم را بلند نکردم این همه بخاطری الله ﷻ بود، الها! اگر این عمل مرا پذیرفته باشی ما را از این تنگنا و صخره ی عظیم، نجات ده! صخره کنار رفت و دهن غار باز شد و مسافران گیر مانده در مغاره، بر قدرت الهی ذوالجلال و به برکت اعمال صالح شان که دارای اخلاص و نیت های پاک بود نجات یافتند و به سفرشان ادامه دادند.

دیدم می شود که اخلاص در عمل چه جایگاهی ویژه و به خصوصی را دارد، هیچ کار ما باید از اخلاص خالی نباشد؛ نماز، حج، زکات، روزه، جهاد، ذکر،

تلاوت، صدقه، خیرات، کمک های انسانی و بشری همه و همه در صورت ارزش و قیمت پیدا میکنند که با رنگ اخلاص رنگین شده و با آب عقیده و نیت پاک آبداری شده باشند در غیر آن الله سبحانه و تعالی به عمل و عبادت کسی نیازمند نیست.

خلاصه کلام اینکه:

- اخلاص و اراده نیک در هر کار و عمل از اهمیت والای برخوردار است و باید اخلاص را در تمامی کارها، به ویژه عبادت ها توجه داشته باشیم.
- اخلاص، اراده و نیت نیک در قبال اعمال باید اصلاح گردد و به ویژه در عبادت ما.
- نیت در درستی یا نادرستی کارها نقش اساسی را دارد.
- پاداش و مجازات کارها و اعمال انسان ها به نیت و قصد آنها، بستگی دارد.
- نیت در همه ی عبادت ها شرط و رکن اول است و باید مد نظر داشته باشیم.
- با نیت می توان عادت را به عبادت تبدیل کرد.
- اگر کسی هجرت می کند باید هجرت وی برای الله و رسولش صلی الله علیه وسلم باشد زیرا هجرت یکی از بهترین و مهمترین عبادت ها است.

بدینسان باید ما بیشتر به قالب اعمال خویش محتوای اخروی و جاودانگی ببخشیم که این بدون اخلاص در عمل میسر و ممکن نیست. پس همه باید این نقطه را در اعمال خود و بیش از آن که به کمیت کار توجه می کنیم به کیفیت و ناحیه روحی آن اهمیت بدهیم و در زنده گی والگوهای ساخته شده، رهروان مسیر حق چون پیامبران، یاران رسول الله، اولیاء، علما و صالحین مکتب اسلام

عزیزکه الهام بخش راه درست و جهت صحیح زندگی ما می باشند درس بگیریم و آنها را دنبال نماییم و بدانیم که برای علم و عزت زنده‌گی و پشتیبانان عمل و رمز پیروزی مردان بزرگ در تاریخ اسلام مسلمانان، از برکت اخلاص در عمل نهفته است و بس.

## سبقت در عمل نیک

سبقت در لغت به معنای پیشی گرفتن در راه، کار، فکر و علم است؛ مسلمان خوب و دین دوست همیشه پی خیر و نیکی ها می رود و آنرا جستجو می نماید و در میدان های وسیع و گسترده ی نیکی ها سبقت می جوید، به سراغ خوبی ها رفته و از دیگران پیشی میگیرد؛ زیرا معیار ارزش وجود انسان در این کره ی خاکی انجام دادن کارهای نیک و خوب است.

الله ﷻ می فرماید:

{وَلِكُلٍّ وَجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيَهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا...} بقره:

آیه- ۱۴۸

ترجمه: در نیکی ها و کارهای خوب و خیر سبقت جوئید در هر جا که باشید.

از متن آیه ی مبارکه چنین برداشت می شود که یعنی در همه امور زندگی (بازار، دفتر، دانشگاه، مکتب، مدرسه، عبادتگاه، خانه، باغ، بازار، در سفر و حضر، خیابان، محل کار، پیاده و سواره و...) در هیچ حالتی الله ﷻ را فراموش نباید کرد

و از فرمان وی سرپیچی باید ننمود؛ زیرا او ما را در هر جای و مکان زیر نگاه خود دارد و بررسی مینماید و سبقت جویی ما را در زندگی با اسلام، احکام، عبادات، معاملات و اخلاص نیت ما را درست می‌دارد و مطابق با آن برای ما اجر و پاداش تعیین میکند. بعضی از مسلمانان سبقت جویی در عبادات را تنها در ماه مبارک رمضان، موسوم و زمان حج و عمره در کعبه و مدینه و یا جاهای مقدس چون عبادتخانه‌ها و مساجد خلاصه مینمایند؛ قطعاً چنین نیست اله سبحانه و تعالی می‌فرماید: (این ما تکونوا- یعنی در هر جا و مکانی) در هر زمان و مکان به سبقت جویی در دین و رسانیدن خیر به دیگران بشتابید و عجله نمایید، مثلاً: یک فقیر گرسنه و یک محتاج مریض است، یکی بی‌خانه است و دیگری مهاجر و تو منتظر بمانی تا رمضان برسد و بعد دستش را بگیری و کمکش نمایی! یا دروازه‌ات را بکوبد و به عبادت‌گاه‌ها بیاید و فریاد بزند که محتاجم، فقیرم و دستم را بگیرید، بعد کمک می‌کنی؛ یا می‌گویی اگر الله ﷻ مرا به زیارت خانه‌اش ببرد و حج را نصیب‌حالم کند آنجا نماز بر پا میدارم، تلاوت و یاد الله ﷻ را زیاد میکنم و یا حالا فرصت و وقت ندارم بعداً در کار خیر سبقت می‌جویم، یا الان جوان‌ام مسن که شدم بعد کارهای نیک انجام میدهم و به سبقت جویی در دین و کارهای نیک می‌پردازم و از همه بیشتر عبادت میکنم؛ خیر این اشتباه است! یک لحظه‌ی با خود دقت بکن ممکن عمر همراهی نکند و تو نتوانی به کعبه و مدینه راه یابی، ممکن قبل از فرا رسیدن ماه رمضان تو نباشی و یا امکانات مادی را نداشته باشی، شاید فقیر و گرسنه به دروازه مسجد نیاید و اگر بیاید دیگر تو نباشی، ممکن فرصت و توانایی که الآن الله ﷻ برایت دست داده است، فردا نداشته باشی!، شاید به سن بزرگی نرسی و کهولت فشار آورد و نتوانی کار خیر و نیکی را انجام دهی؛ پس با خود کمی فکر کن و امروز را از دست نده، هر جا که هستی و در شرایطی که قرار داری و در هر زمان و وقتی که قرار داری به کارهای نیک و خیر الهی بشتاب و نسبت به دیگران



سبقت نما، منتظر دیگران و روزهای بعد نباش! تا ببینی دیگران چه می‌کنند و چقدر کار نیک انجام میدهند و چقدر پول و سرمایه خرچ می‌کنند، چقدر تلاوت مینمایند، چند دقیقه به یاد الله ﷻ میباشند و چند ساعت در کارهای نیک مصروف میشوند و چه زمانی دست افتاده‌ی را میگیرند؛ کارهای نیک و خیر شما قطره قطره دریا میگردد و به هر نیکی شما ده برابر پاداش داده می‌شود؛ (من جاء بالحسنة فله عشر امثالها...)

ابوهریره (رضی الله عنه) روایت می‌کند که رسول الله ﷺ فرمود:

### بادروا بالأعمال الصالحة (مسلم)<sup>۱</sup>

ترجمه: به اعمال صالحه و خیر مبادرت کنید، در انجام عمل نیکو و خیر تاخیر نه نمایید.

حالاکه فرصت داریم، صحت داریم، زنده هستیم، مال و ثروت داریم، از این استفاده‌ی خوب کنیم و یک مقدارش را در راه الله ﷻ در مسابقه‌های میدان بزرگ عمل، خرچ نمایم و از دیگران در کارهای خیر پیشی گیریم، وقت، مال و صحت را غنیمت بشماریم.

عَنْ جَابِرِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: «قَالَ رَجُلٌ لِلنَّبِيِّ يَوْمَ أُحُدٍ: أَرَأَيْتَ إِنْ قُتِلْتُ، فَأَيْنَ أَنَا؟ قَالَ " فِي الْجَنَّةِ " فَأَلْقَى فِي يَدِهِ، ثُمَّ قَاتَلَ حَتَّى قُتِلَ»<sup>۲</sup>  
(متفق عليه)

ترجمه: جابر رضی الله عنه می‌فرماید: در روز احد مردی نزد رسول الله ﷺ آمده و گفت: خیر ده مرا اگر من در این غزوه (جنگ احد) کشته شوم، کجا خواهم بود؟ رسول الله ﷺ فرمود: در بهشت؛ سائل چند دانه خرمایی که در دست داشت به زمین انداخت و چنان رزمید تا که شهید شد.

۱. کتاب الأساس فی السنة وفقهها - العبادات فی الإسلام [سعید حوی] ج-۷ ص-۴۲۸

۲. کتاب مرعاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح [الملا علی القاری] ج-۶ ص-۵۲۴

اینست مسابقه در میدان جنگ و نبرد با مشرکین که خوردن چند عدد خرما برایش ناوقت بود.

بلی جوان عزیز و مسلمان! مسابقه و سبقت جویی در کارهای خیر و نیک سبب آموزش و مغفرت گناهان میگردد، به هر اندازه که یک جوان مسلمان در میدان عمل مسابقه نماید به همان اندازه مقام و مرتبه اش در بهشت بالا میرود؛ به گونه‌ی مثال: یک دهقان زمین زیادی را زراعت کند و از آن، نگهداری درست نکند حاصل چندانی نخواهد گرفت، و همچنان اگر یک ورزشکار ماهر در مسابقات جام جهانی خوب بدرخشد جایزه خوبی را از آن خود میکند و در غیر اینصورت موفقیت اش، ناممکن خواهد بود.

خداوند ﷻ می‌فرماید:

﴿وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ  
أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ﴾ سوره آل عمران: آیه - ۱۳۳

ترجمه: وشتابید برای رسیدن به آموزش الله تان، و بهشتی که وسعت آن، آسمان‌ها و زمین است، و برای پرهیزگاران آماده شده است.

سارعوا، از واژه‌ی مسارعت، به معنی کوشش و تلاش دو یا چند نفر برای پیشی گرفتن از یکدیگر در رسیدن به یک هدف گرفته شده است، که در کارهای خیر و نیک قابل ستایش و در کارهای بد و خلاف شریعت نکوهنده است، در حقیقت قرآن کریم در این جا مسابقه‌ی جایزه دار و بسیار بلند و با ارزشی را برای تشویق مسلمانان در جهت رسیدن به سعادت راه اندازی می‌کند، اگر انسان برای انجام دادن کاری تنها باشد معمولا کار را به شکل عادی و بدون سرعت انجام می‌دهد و اگر جنبه‌ی مسابقه داشته باشد و آن هم جایزه دار باشد با تمام نیرو، انرژی و امکانات که دارد به کار می‌اندازد و با سرعت کامل جهت رسیدن به هدف پیش می‌رود؛ اما این مسابقه مانند مسابقه‌های دنیایی

نیست، این جایزه‌های مانند طلاء، نقره، برونز و غیره نیست این مسابقه در مسیر سعادت است و آیه‌ای مبارکه نیکوکاران را تشویق به رحمت الهی می‌کند، سعی و کوشش اینان را به یک مسابقه‌ی معنوی تشبیه می‌دهد که هدف نهایی آن آمرزش الهی و نعمت‌های جاویدان بهشت است، کسانی که نشیب و فراز‌های زندگی را در پیرو از احکام شریعت و اسلام سپری نموده و قدم به قدم از سنت و روش رسول الله ﷺ، اطاعت می‌نمایند در عمل، اخلاص و تقوی نسبت به دیگران پیشی می‌گیرد بدون شک، در مسابقه برنده شناخته می‌شود و مستحق مغفرت و آمرزش الهی می‌گردد، از گناه‌ها پاک کرده می‌شود و بعد وارد بهشت کرده می‌شود که عرض و یا وسعت آن برابر آسمان‌ها و زمین است، و این بهشت با تمام وسعت فراخی و نعمت‌های گوناگون برای پرهیزگاران آماده شده است.

### پرهیزگاران کی‌ها اند؟

آنان که به غیب ایمان دارند، الله سبحانه و تعالی را به یگانه‌گی می‌شناسند و به آن شریک نمی‌آورند به، رسالت، کتاب‌های آسمانی، ملائکه‌ها، روز آخرت، جنت و دوزخ و به تقدیر باور دارند، نماز می‌خوانند و از آنچه که الله سبحانه و تعالی برای ایشان داده است خرج می‌کنند، اوامر و نواهی اسلام را می‌پذیرند به خرافات و گمراهی نمی‌روند، کار ناسزاء انجام نمی‌دهند و زمان‌گرانبها و باارزش‌شانرا در بیهوده‌گی، شنیدن موسیقی، درامه‌های مبتذل و خرافات، گفتگوهای بی‌مورد و بدون ضرورت و برنامه‌های شیطانی ضایع نمی‌سازند اینان پرهیزگارانند، سرقت و دزدی نمی‌کنند، قتل و غارت نمی‌کنند، مردم‌آزاری نمی‌کنند، از غیبت، تهمت، دروغ‌پردازی، قسم‌خوری خودداری می‌نمایند، از نوشیدن شراب، مواد مست‌کننده و مسکر دوری می‌جویند، حرام نمی‌خورند خلاصه این‌که خودشان کار نیک می‌کنند و دیگران را به نیکویی دعوت می‌دهند

خودشان کار غلط و بد نمی‌کنند و دیگران را از بدی منع می‌کنند و در این مسابقه‌ی بسیار دشوار و خطرناک، نفس و شیطان را شکست داده و پیروزی را از آن خود مینمایند.

### آیا می‌خواهید وارد میدان مسابقه شوید!

پس برای موفقیت در این مسابقه که همانا آمرزش الهی و بهشت جاویدان است با کاروان مسابقه‌کننده‌گان یکجا شوید، و برای پیروزی در مسابقه تلاش نمایید که سعی و تلاش تان بی نتیجه نخواهد ماند و سعادت نصیب تان خواهد شد، الله سبحانه و تعالی سعی‌کننده‌گان در کار خیر را دوست می‌دارد برای انجام کار خیر هرگز سستی و غفلت نکنید، پیروزی از آن شماست زیرا شما مومن هستید.

## عمل با شتاب زدگی و تندی

بعضی اوقات انسان شتاب زده، عاجل و سریع تصمیم می‌گیرد، فکر اش را به کار نمی‌اندازد، به آینده اش نمی‌نگرد که چه خواهد شد؟ آنچه که در مورد اش تصمیم گرفته است چه عواقبی بدی دارد؟ حتی اکثر اوقات این تصمیم عجولانه منجر به مرگ می‌شود که در عقب آن شیطان قرار گرفته و به عجله و شتاب دستور می‌دهد تا انسان از راه اعتدال و بکارگیری صبر منحرف شود، حق و عدالت را در نظر نمی‌گیرد زبان اش را کنترل نمی‌کند، عصبانی می‌شود، اختیار را از دست می‌دهد، کاری می‌کند که سبب نارضایتی الله ﷻ و رسول الله ﷺ می‌گردد. بعد از فروکش شدن خشم به ندامت و پشیمانی دچار شده حسرت می‌کند و خود را نکوهش و ملامت می‌نماید که دیگر فایده ندارد. بسا اوقات دست به خودکشی می‌زند و یا به جان زن، فرزند، پدر، مادر، برادر، خواهر و اقارب دیگر تجاوز نموده گاهی ایشان را مجروح و گاهی به قتل می‌رساند و خود اش یا فرار می‌کند یا به سلول‌های زندان برده می‌شود. همه ی عمر خود را ضایع می‌سازد از لذتهای زندگی محروم میشود. تصمیم گیری عاجل و

پیروی از شیطان دین و دنیای انسان را از بین میبرد، کاری را که در زمان خشم و عجله انجام میدهند دیگر قابل جبران و برگشت نیست؛ اگر قتل نموده دیگر مقتول زنده نمی‌شود، اگر خودکشی کرد با زندگی وداع گفته دیگر به زندگی بر نمیگردد، انجام عمل و کار در هنگام خشم و تندروری عاقبت بد و سخت دارد که فرجام آن یک عمر پشیمانی است. هیچگاهی در کار و برنامه تان عجله و شتاب نکنید که باعث خشم و نارضایتی الله ﷻ گردد، شیطان برای فریب دادن و گمراه ساختن شما در کمین است، او تلاش می‌نماید تا تعدادی کافر شوند، تعدادی قتل نمایند، تعدادی شرک کنند، تعدادی زنا کنند، تعدادی شراب بنوشند و تعداد همسران شان را طلاق بدهند. در تصمیم و کار تان شتاب نکنید که از بعضی کارها الله ﷻ نفرت دارد. در روایات می‌آید که هر روز ابلیس علیه لعنه تخت اش را بر سر اقیانوس میگذارد و نیروهای شیطانی را برای هر کاری دستور می‌دهد، هر شخص وظیفه دارد تا شخصی را گمراه بسازد، کافر نماید، قتل کند، زنا کند، طلاق دهد... در پایان روز هر یکی از این شیطان‌ها آمده به نزد ابلیس گزارش می‌دهند و ابلیس بعضی‌ها را تقدیر و تمجید نموده میگوید کار و فعالیت خوب انجام نداده‌اید که سبب افتخار و خوشحالی من گردد؛ اما شیطانی که در میان زوجین یعنی زن و شوهر جدایی آورده است و باعث انجام طلاق شده، ابلیس بر شانه‌های وی به رسم نوازش و تقدیر میزند و او را آفرین میگوید و از کارکرد آن اظهار سپاس و قدر دانی می‌نماید.

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «أَبْغَضُ الْحَلَالِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى  
الطَّلَاقُ» (ابوداود)

رسول الله ﷺ می‌فرماید: مکروه‌ترین حلال نزد الله ﷻ طلاق است.  
در روایت دیگری آمده است که با طلاق دادن، عرش الله ﷻ به لرزه می‌آید.

چون با انجام طلاق خانه خراب می‌شود، اطفال بی سرپرست و نادار میشوند، سرنوشت زن و شوهر به نابودی کشانیده می‌شود، مرتبه و عظمت شان کم می‌شود، بعد از طلاق شوهر پشیمان می‌شود، خانه خالی می‌گردد، زن آه و ناله می‌کند، اطفال پریشان شده اشک میریزند، گاهی به طرف مادر می‌روند مادر شان را محکوم نموده تمام جرم و گناهان را بر سر آن بار میکنند و اگر نزد مادر می‌روند پدر را مجرم معرفی می‌کنند، یکدیگر را توهین و تحقیر می‌نمایند، که این تاثیر منفی بس بزرگی به روح و روان اطفال می‌گذارد. وای به حال آنانیکه به گفته شیطان عمل می‌کنند، طلاق می‌دهند و زندگی پر از لطف و مهربانی ایشان را به غم و اندوه عوض می‌کنند، این همه از شتاب زده‌گی و عجله به میان می‌آید. باید خشم تان را فروبرید و در هنگام خشم و قهر بهتر است استغفار و اعدو بذالله... خوانده و به خدا پناه ببرید تا شیطان از نزد تان دور شود. برای قتل، خودکشی، جدایی و طلاق هرگز تصمیم نگیرید، این شیطان است که شما را به انجام این کارها تحریک می‌نماید و به طرف گمراهی و بی بندباری می‌کشاند و راه رفتن به جهنم را هموار می‌سازد، اکثر افراد زمانیکه احساساتی می‌شوند کفر می‌گویند، زبان از اداره خارج می‌شود و همسر شان را طلاق می‌دهند، فوراً در یک مجلس سه طلاق واقع میکنند که بعداً پشیمان شده و به هر طرف مراجعه نموده فتوا می‌خواهند و یا منکر می‌شوند که من ندانستم، در حال غضب و خشم بدم اصلاً نام طلاق را نگرفتیم و بعضی‌ها خود را به جنون و دیوانه‌گی متهم می‌کنند، گویا عقل نداشته و در عدم موجودیت عقل دست به چنین کاری زده است، برای پاکسازی نفس ات اینجا هر نوع مکاره‌گی و فریب‌نمایی، الله ﷻ را چگونه فریب میدهی او از قصد، نیت و اراده قلب تو آگاه است، برای رسیدن به اهداف شوم و به دست آوردن یک مشت پول ناچیز ده‌ها کار خلاف و نامناسب را انجام میدهی، خشونت‌های خانواده‌گی را در خانواده ایجاد میکنی، آبرو و عزت ده‌ها شخص را پایمال می‌نمایی مگر الله

ﷺ ترا نمی شناسد و از حال تو باخبر نیست، اگر کسی برایت توصیه نماید که نکن دست از خلاف کاری ها بردار، عامل خشونت در خانه نباش، از راه غلط و شیطانی منصرف شو، او را تهدید نموده برایش فحش میگویی و در مورد اش بسیار شتابان و سریع تصمیم میگیری که چی باید کنی، شیطان عقل شما را می رباید شما را به فساد و خشونت ها سوق می دهد به انجام غلط و خلاف تشویق میکند، به دزدی و چپاول، خانه درایی، کشتار، راهزنی، سرقت، شراب، قمار، بچه بازی و ده ها مرض دیگر دعوت می دهد، راه های غلط و نا مشروع را برای شما آرایش داده نشان می دهد تا در چشم شما خوب معلوم شود و شما به آن علاقه پیدا کنید، آنانیکه به انجام افعال و کارهای غلط و خلاف اخلاق اسلامی خوشنود میشوند شیطان را دوست دارند و شیطان نیز ایشان را دوست میدارد، آنهایی که برای ترویج فحشا پول مصرف می کنند و برای تقیض آن زود تصمیم می گیرند عجلولانه فیصله می نمایند و به زودی پشیمان میشوند. کاری را امروز انجام ندهید که فردایش پشیمان شوید، تندروی و شتاب زدگی شما را به ندامت و انفعال می کشاند، در هر کار صابر، شکبیا و استوار باشید، برای نجات فردا تلاش نمایید، مسلمان خوب هرگز عجلولانه تصمیم نمیگیرد، تندروی را در کارهایش انتخاب نمی کند، به او امر شیطان عمل نمیکند، شیطان را به حیث دشمن می شناسد، و بر خورد دشمنانه با وی انجام می دهد، اگر شیطان در اجرای عمل بالای شما موفق نشد و بر شما غلبه نتوانست پس شما پیروز هستید و کاری برای پشیمانی را انجام نخواهید داد، شیطان تلاش میکند تا عزت، شرف، وحدت، برادری و همدلی را از شما بگیرد، نفرت، بغض، کینه، دشمنی، اختلاف و تفرقه را در میان شما ایجاد نماید و شما را به شتاب و تندروی در کارهای نا مناسب که آینده بد و ناگوار دارد کمک و تعاون نماید.

**بلی جوانان عزیز! با شیطان مبارزه کنید و به عجله تصمیم نگیرید، با**



خانواده و مردم مهربان باشید، اگر برای انجام کاری تصمیم گرفتید با دوستان تان مشوره کنید، إن شاء الله در کارهایتان پشیمان نخواهید شد.



## میان‌ه روی در انجام اعمال

پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم میان‌ه روی را در هر کار توصیه نموده و امت را به میان‌ه روی تشویق کرده است.

### خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا<sup>۱</sup>

ترجمه: بهترین کارها همان است که حد اوسط و میان‌ه در نظر گرفته شود. حتی در عبادت نفلی علاوه از فرایض در سایر عبادت‌ها حد متوسط سبب سُستی و فطور در جسم و بدن انسان نمی‌گردد، الله پرستی و بندگی کردن تنها در نماز و روزه نیست آنهایی که واقعا می‌خواهند به الله ﷻ بندگی نمایند در اسلام به گونه کامل داخل می‌شوند، اوامر و نواهی را در نظر می‌گیرند، حلال و حرام را از نزدیک بررسی می‌کنند، کوشش می‌نمایند که به حرام و آنچه که نواهی شرعی و دینی خوانده شده است فریفته نشوند، حرام را وسیله هلاکت و ذلت دانند و حلال را سبب فلاح و پیروزی؛ اگر لقمه حرام داخل شکم می‌شود و اگر از پول حرام لباس می‌پوشد عبادت در آن قبول نمی‌شود نه فرایض پذیرفته

۱. کتاب جمع الفوائد من جامع الأصول و مجمع الزوائد [الرودانی، محمد بن سلیمان المغربي] ج ۱ - ص ۳۹

می‌شود و نه نوافل، نه حج قبول می‌شود و نه روزه همچنان سایر عبادات. برای قبولیت طاعات و عبادات، رزق حلال، خوردن غذای حلال و پوشیدن لباس حلال شرط است میانه روی را در هر کار بر گزیدن طریقه پیامبران و نیکان است، در کثرت حرام و مال نامشروع خیر نیست آنچه که کم و حلال است به مراتب بهتر از حرام زیاد می‌باشد.

زمانی طاعات و عبادات بنده مومن مورد قبولیت درگاه الهی قرار می‌گیرد که از رزق و روزی حلال تغذیه شود و لباس حلال بر تن داشته باشد از حرام پرهیز نماید هر گاه رزق و روزی، غذا و لباس ما از مدرک حلال بدست آمد، تقوی و پرهیزگاری در دل‌های ما نفوذ کرد، عبادت‌های ما در تطابق با فرمان الله ﷻ و رسول الله ﷺ صورت گرفت آنگاه از بهترین مردم میشویم.

از رسول الله ﷺ پرسیدند:

یا رسول الله ﷺ، مَنْ أَكْرَمِ النَّاسِ؟ قَالَ: أَتْقَاهُمْ<sup>۱</sup>

ترجمه: بهترین مردم کیست؟ فرمود: پرهیزگار تر شان.

بعضی‌ها عادت دارند عبادت شان را بر روی مردم می‌کشند، در میان مردم اعلان می‌کنند، به مسجد می‌روند اگر مردم باشد نوافل زیاد می‌خوانند، ذکر زیاد و تلاوت می‌کنند، روزه گرفته باشند یا شب به نماز تهجد بیدار خوابی کرده باشند در حضور مردم کیفیت و رازش را آشکار می‌سازند و در اکثر اوقات به فرمان شریعت پایبند نمی‌باشند، گرگ در صورت می‌ش است، حرام و حلال را تمیز نمی‌کند، خود را در حضور مردم و اجتماع شیخ، صوفی و اهل دین به نمایش می‌گذارد، نماز خوان، عابد، صاحب تسبیح و دستار می‌نماید؛ چون به خلوت رود کارهای می‌کند که مناسب حال اش نمی‌باشد.

از اینکه یک وقت نماز زیاد بخوانید، شب‌ها بیدار خوابی کنید و روزه‌ی

۱. کتاب جامع الأصول [ابن الاثیر، أبو السعادات] ج-۱۱ ص-۵۹۵

زیاد و پی در پی بگیریید بهتر است حد متوسط را در عمل اختیار کنید و به آن ادامه دهید تا اینکه بالای تان فشار نیآورد، ترک نشود و به مشکل مواجه نشوید، الله ﷻ بالای شما صد رکعت نماز نفل در یک شب، روزه های مسلسل و پی در پی در غیر رمضان، حج در هر سال را فرض نکرده است، خود تان به اختیار خود هستید؛ پس در عبادات حد اوسط را برگزینید.

عبادت که فرض، واجب و لازمی نیست به نخواندن اش مردم را ملامت نکنید و آنچه که خود تان انجام می دهید راز بین شما و الله ﷻ می باشد آنرا به مردم نگوئید و افشاء نسازید کوشش کنید در پنهانی، در غیر حضور مردم، در خانه و نیمه های شب خاموش انجام دهید، در عبادت نه افراط کنید و نه تفریط مطابق توانایی طوریکه الله ﷻ می فرماید:

﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ﴾ البقره: آیه-۱۸۵

ترجمه: الله آسانی و راحتی را برای شما می خواهد نه سختی و زحمت را. شما خود را به زحمت نیندازید، از قدرت و توان تان بالاتر چیزی را انجام ندهید حضرت رسول صلی الله علیه و سلم به نزد عایشه صدیقه تشریف فرما شدند، زنی نزد عایشه نشسته بود از کثرت عبادت های خود قصه می کرد، رسول الله ﷺ فرمود:

قَالَ: «مَنْ هَذِهِ؟»، قَالَتْ: «فُلَانَةٌ تَذْكُرُ مِنْ صَلَاتِهَا، قَالَ: «مَهْ، عَلَيْكُمْ بِمَا تَطِيقُونَ...»<sup>۱</sup>

ترجمه: این زن کیست؟ عایشه (رضی الله عنها) گفت: این فلان (نامش را گرفت) زن است از طول نماز و کثرت عبادت اش قصه می کند- رسول الله ﷺ فرمود: نه بر شما لازم است به اندازه طاقت تان...

خود را ملال و افسرده نسازید، اندک و کم اما دوامدار این بهتر است.

۱. کتاب الامع الصبیح بشرح الجامع الصحیح [شمس الدین البزماوی] ج-۱ ص-۲۵۳

ابن مسعود (رضی الله عنه) روایت میکند رسول الله ﷺ فرمود:

### هلك المتنطون، قالها ثلاثا (مسلم)

هلاک شد آنانی که تشدد می کنند، سه بار تکرار نمود. امام نووی رحمه الله می فرماید: المتنطون - آنهایی اند که در غیر موضوع تشدد فرو میروند و سخت می گیرند.

برای مردان و زنان پیر، شیخ فانی، اطفال، مریضان صعب العلاج و شبیه این بعضی از عبادات ادا نمودن اش از آنها برداشته شده است یعنی اینکه میتوانند انجام ندهند و به این انجام ندادن شان گناهکار نمی شوند، مثلا نگرفتن روزه ماه مبارک رمضان، خوردن روزه در سفر، نرفتن به حج بیت الله و...، برایشان مجاز است به انجام دادن این چنین مسائل در حالات خاص مکلف نیستند و با پیش آمدن چنین حالت باید فدیة پیر دازند؛ اما تعداد از مریضان، مردان و زنان مسن و کهن سال و آنهایی که مشکلات جدی صحی و جسمی دارند گاهی اوقات از حب و دوست داشتن زیاد اعمال نیک و عبادات، آرام ننشسته و به تکلیف خیلی زیاد روزه می گیرند، حج می روند، رفتن به مسجد و جماعت را ترک نمی کنند و حتی بر یک تعداد در عبادات شبانه و تهجد خواب سخت غلبه می نماید و بدن اش نیاز به آرام گرفتن دارد؛ اما خیلی سرسختانه باید تعداد رکعات نفل را تکمیل نماید که اکثرا در چنین حالت نمی دانند که چه میخوانند و چه می گویند و آداب و روش دقیق درست عبادات نیز به گونه که حق آن مراعات نمی شود که در این حالات ادای عبادت لازمی و ضروری نیست و شریعت برای چنین عذر ها راه حل های مناسب را پیشکش کرده است.

رسول الله ﷺ به مسجد نبوی رفت دید ریسمان بر دو ستون مسجد بسته

شده است پرسید: ما هذا الحبل؟ این تناب چیست؟

### قالوا: حَبْلٌ لَزِينَبَ، فَإِذَا فَتَرْتُ تَعَلَّقْتُ بِهِ<sup>۱</sup>

ترجمه: گفتند این ریسمان زینب است هنگامیکه سُست و ضعیف شود یا خواب بالایش غلبه کند به آن ریسمان خود را آویزان میکند.

رسول الله ﷺ دستور داد تا تناب را باز کنند و فرمود: نماز تا هنگام نشاط و شادمان بودن است، هر گاه خواب غلبه کرد پس بخوابد.

در عبادات نافله سخت‌گیری و تشدد خلاف سنت و اوامر رسول الله ﷺ است برای نوافل درجه فرض ندهید، فرایض حکم الله ﷻ است، کمی و زیادت را قبول نمی‌کند، اما در نوافل توانایی، نشاط و حد متوسط را بنگرید و آن به اختیار خود شما است.

انس (رضی‌الله‌عنه)<sup>۲</sup> می‌فرماید: کسی به خانه رسول الله صلی‌الله‌علیه‌و‌سلم رفته در مورد عبادت رسول الله ﷺ از ازواج مطهرات طالب معلومات شدند، بعد از گرفتن معلومات، احساس تقلیل و کمی در عبادت‌های‌شان کرده گفتند:

### أین نحن من رسول الله ﷺ وقد غفر له ما تقدم من ذنبه وما تأخر<sup>۲</sup>

ترجمه: ما کجا و عبادت رسول الله ﷺ کجا آنکه اول و آخر گناهان همه برایش بخشیده شده است.

باید زیاد عبادت کنیم. تصمیم بر این شد که یکی تمام شب نماز می‌خواند و هرگز خواب نمی‌کند، دومی گفت: من تمام روز روزه میگیرم و افطار نمی‌کنم و سومی گفت از زنان کنار می‌روم و هرگز ازدواج نمیکنم...

آنچه که ایشان تصمیم گرفتند مخالف روش رسول الله ﷺ بود؛ (الله ﷻ و پیامبر ﷺ به چنین چیزی دستور نداده است که همه شب را در نماز سپری نمایید

۱. کتاب جامع الأصول [ابن الأثیر، أبو السعادات] ج-۱ ص-۳۱۱

۲. کتاب غایة المرام فی تخریج أحادیث الحلال والحرام [ناصر الدین الگلبانی] ص-۱۴۱

و همه روز را به روزه بگذرانید، و ازدواج که سنت پیامبر ﷺ است ترک کنید، این رهبانیت است و رهبانیت در اسلام وجود ندارد).

رسول الله ﷺ موضوع را درک کرد و برای ایشان گفت: شما کسانی هستید که چنین و چنان گفتید؟ سوگند به الله ﷻ من پرهیزگار تر از شما هستم و نسبت به شما از الله ﷻ بیشتر میترسم، لیکن روزه میگیرم و افطار نیز می نمایم، نماز می خوانم و خواب هم میکنم، ازدواج هم می نمایم.

فَمَنْ رَغِبَ عَنِ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي<sup>۱</sup>

ترجمه: هر کس از سنت من برگردد از من نیست.

اعتدال در تمام امور زندگی حتی در عبادات امر پسندیده و شایسته است، عبادت در حالت نشاط و فکر آرام در اوقات مختلف با خشوع و خضوع انسان را به مقصد می رساند، عبادت و الله پرستی در روشنی شریعت و ارشادات الله ﷻ و پیامبر ﷺ لذت بخش و به اجابت نزدیک می باشد، زیاده روی و تشدد در عبادت به گونه‌ای که اعتدال و میانه روی در آن نباشد شخص را عاجز و در مانده می سازد.

عبدالله بن عمرو بن العاص (رضی الله عنه) سوگند خورده بود که تا زنده است تمام روز روزه میگیرد و شب نماز می خواند.

وَاللَّهِ لَأَصُومَنَّ النَّهَارَ، وَلَا قَوْمًا اللَّيْلَ مَا عِشْتُ

أَنْتَ الَّذِي تَقُولُ ذَلِكَ؟<sup>۲</sup>

ترجمه: رسول الله ﷺ برایش فرمود:

تو چنین گفتی؟

۱. کتاب تخریج أحادیث الإحياء = المغني عن حمل الأسفار [العراقي، زين الدين] ص ۴۱۰-

۲. صحيح البخاري [البخاري] ج ۴ ص ۱۶۰-



گفت: پدر و مادرم فدایت باد یا رسول الله ﷺ، بلی من چنین گفتم، پیامبر مهربان فرمود: این برایت دشوار است نمی توانی (فإنک لا تستطيع ذالک). رسول الله ﷺ راه اعتدال در عبادت را برایش نشان داد که در آن خیر بود و شامل ثواب، راحت و آسایش بود گفت: (فلا تفعل) چنین مکن روزه بگیر و افطار هم کن، شب نماز بخوان و خواب هم کن زیرا جسد، چشم‌ها، همسر و مهمان‌ات بالای تو حق دارند خلاصه اینکه او گفت: من توانایی و قدرت این را دارم و این را ادامه خواهم داد. هنگامیکه عبدالله بن عمر و بزرگ سال و ضعیف شد آرزو می کرد ای کاش رخصتی رسول الله ﷺ را قبول می کردم و به دستور وی در این مورد عمل می نمودم.

يَا لَيْتَنِي قَبِلْتُ رُحْصَةَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ<sup>۱</sup>

ترجمه: ای کاش قبول می‌کردم رخصت نبی صلی الله علیه و سلم.

درست است که او عشق و محبت بیشتر داشت تا الله ﷻ را بیشتر عبادت نماید در جوانی صاحب قوت و نیرو بود بالای خود لازم نمود که تا زنده است همه شب را به نماز و روز را به روزه سپری می کند، اما زمانیکه پیر شد دیگر توانایی نداشت، افسوس می کرد ای کاش گفته‌های رسول الله ﷻ را در این مورد می پذیرفتم اینجا است که رسول الله ﷻ می فرماید:  
بهترین عبادت همان است که کم و دوامدار باشد.

کم و اندک را شخص پیر و کهن سال نیز میتواند انجام دهد؛ به هر صورت اعتدال و میانه روی در هر کار قابل ستایش است انسان را به ندامت و پشیمانی نمی کشاند، هر گاه مسلمان فرایض الله ﷻ را اداء نماید و از حرام الله سبحانه و تعالی اجتناب نماید به احکام شریعت عمل کند، برای مردم شر و بدی نرساند

عمل اش را اصلاح نماید، از بهترین انسان های روی زمین شمرده می شود، پیامبر ﷺ می فرماید:

خَيْرَ النَّاسِ مَنْ طَالَ عُمُرُهُ، وَحَسَنَ عَمَلُهُ<sup>۱</sup>

ترجمه: بهترین شخص کسی است که عمر اش دراز و عمل اش نیکو بوده باشد.

پس برای هر یکی از شما خواننده گان گرامی عمر طولانی، عمل نیک و صالح آرزو دارم میانه روی و اعتدال در امور زندگی و همچنان در عبادات نفلی اختیار نمایید؛ این سنت و روش پیامبر گرامی اسلام ﷺ است و در این خیر و موفقیت است از افراط و تفریط اجتناب نمایید زیرا که انسان را به گودال هلاکت می اندازد.

اللهم إنا نسئلك الهداية والاستقامة في الدين و في كل أمور

ترجمه: ای بار خدایا از سوال هدایت و استقامت در دین و در تمام امور را می نمایم.

### عمل که الله سبحانه و تعالی را راضی می گرداند

برای شخص مسلمان خیلی ها مهم است که الله ﷻ را راضی بگرداند، کدام عمل را انجام دهد تا سبب خشنودی و رضای الله ﷻ گردد، زمانیکه به مطالعه و خواندن قرآن کریم و احادیث پیامبر اسلام می پردازیم، راه های رسیدن به الله ﷻ و اعمال که سبب رضامندی آن ذات مقدس می گردد را میابیم، الله سبحانه و تعالی برای هدایت و راهنمایی ما انسان ها پیامبران و کتاب های آسمانی را فرستاد و طریقه و روش درست زندگی را برای ما توسط پیامبران اش آموزاند، الله ﷻ که راه رسیدن به پیروزی را برای ما نشان داد، پیروزی و موفقیت ما

۱. کتاب التنوير شرح الجامع الصغير [الصنعاني] ج-۵ ص-۵۶۴

در اطاعت الله ذوالجلال است، انسان گاهی دست به عملی میزند که سبب رضای الله ﷻ می‌شود و گاهی کاری میکند که سبب نارضایتی وی میگردد، اما از عمل نیک انسان خوشش می‌آید و در بین عالم ملکوت به عمل نیک بنده اش افتخار می‌نماید، و عمل بد و ناپسند را بد می‌بیند. انسان بد عمل و زشت کار اگر از کارهای زشت و ناروایش دست نکشد و توبه ننماید به عذاب جهنم تهدید اش می‌کند؛ پس انسان مکلف است عملی را انجام دهد که باعث رضامندی و خشنودی الله ﷻ گردد.

رسول الله ﷺ می‌فرماید:

ان الله يرضى لكم ثلاثا ويكره لكم ثلاثا (مسلم عن ابی هريره)

ترجمه: الله ﷻ به انجام دادن سه عمل از شما راضی میگردد و سه عمل دیگر را بد می‌پندارد که انجام دهید.

۱. راضی میگردد از اینکه تنها او را عبادت و پرستش کنید.
۲. هیچ چیزی را به الله سبحانه و تعالی شریک نگردانید.
۳. به کتاب الله سبحانه و تعالی چنگ بزنید و تفرقه نکنید.

این سه چیز را الله سبحانه و تعالی دوست دارد و سبب رضامندی وی می‌گردد. هدف از آفرینش انسان شناسایی الله ﷻ و عبادت آن است. عبادت و الله پرستی به ترتیب که در قرآن و سنت ذکر گردیده، رسول الله ﷺ طریقه بهتر آنرا نشان داده است و اگر عبادت خلاف قانون و مقررات دینی باشد پسندیده نمی‌شود.

دومین چیزی که الله ﷻ را راضی می‌سازد شرک نکردن است. جزئی‌ترین کار و عمل شرک آمیز را نباید مسلمان انجام دهد اصل تمام اعمال توحید است و بدون توحید راه برای پیشرفت و رسیدن به الله سبحانه و تعالی وجود ندارد، توحید است که سایر اعمال صالحه را در اطراف خود جمع می‌نماید، توحید

است که شأن، مرتبه و مقام انسان را بالا می برد بدون توحید راهی برای موفقیت و کسب رضایت او سبحانه و تعالی وجود ندارد.

{وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا} سوره نساء: آیه، ۳۶

ترجمه: و الله را پرستید و چیزی را با او شریک مگردانید.

این پیام الله ﷻ و تمام پیامبران در کره زمین برای انسان ها بوده است که تنها الله ﷻ را عبادت کنید و با وی شرک نورزید.

سومین عملی که الله سبحانه و تعالی آن را دوست دارد تمسک و چنگ زدن به حبل الله یعنی قرآن کریم است که همه شما مکلف هستید بدون تفرقه و اختلاف به آن عمل نمایید و آن کتاب را سر مشق زندگی خود بگردانید، کتاب قانون، کتاب دولت، کتاب سیاست، کتاب فیصله و حل منازعات، کتاب عمل، کتاب زندگی و تمام شئون دنیوی را در بر دارد زیرا این حکم و دستور خالق انسان و الله قادر و توانا است.

{وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا} آل عمران: آیه-۱۰۳

ترجمه: و همگی به ریسمان الله چنگ زنیید و پراکنده نشوید.

الله ﷻ در موجودیت کتاب و سنت و روش و مسیر روشن، تفرقه، پراکنده گی و اختلاف را دوست ندارد. همه مشکل ها و موارد مرموز را قرآن کریم و سنت نبوی به صورت واضح و آشکار حل کرده و برای هر چالش راه حل داده است و برای هر مشکل آینده نیز راه حل دارد که در هر عصر و زمان جدید است، برای هر موضوع و در هر زمان پیام تازه دارد، سپس اختلاف و تفرقه برای چه؟

و اما سه چیزی که به نزد الله سبحانه و تعالی نا پسند و قبیح اند:

۱. قیل و قال (گفت و گوی بی جا و بیهوده).

۲. سوال نمودن زیاد.

### ۳. ضایع نمودن مال و دارایی.

گفتگوهای در هم و برهم، ناپسند، هیاهوی بی جا که اکثراً شامل بدگویی ها، غیبت، دشنام، هرزه، تهمت، دروغ و غیره می گردد و انسان را گنهکار می سازد که شنیدن اش هم گناه دارد. اگر خودت وارد گفتگو با دیگران نشوی تنها گوش کردن اش هم جرم و گناه است؛ پس بهتر است چنین مجلس را ترک نمایی.

دومین چیزی که پسند پروردگار نیست، زیاد پرسیدن سوال است منظور این، سوال های پراکنده، بی مورد، بی مناسبت، دور از آداب و اخلاق اسلامی که اصلاً نیازی به آن دیده نمی شود، یا سوال های در مورد کار، قدرت و صفات الله سبحانه و تعالی، در مورد ملائکه ها در باره جنت، دوزخ و مسایل آخرت است که دانستن آن هیچ مشکل را حل نساخته و نمی سازد جز اینکه انسان کم علم و ضعیف را به سوی کلام و فلسفه گرای بی برده و غرق در ابهام و تشویش نماید.

سومین چیزی که الله ﷻ دوست ندارد ضایع و به هدر دادن مال است، مال که سبب قوام و نظام زندگی انسان می باشد، بی جا خرج کردن و مصرف نمودن مانند خرج کردن در راه های غیر اخلاقی، فساد، ترویج فحشاء، ساختن مراکز شراب، قمار، روسپی گری و ده ها جنایت دیگر شبیه این. الله سبحانه و تعالی در روز رستاخیز از بنده گان اش در مورد مال می پرسد که از کجا بدست آوردی؟ و در کجا به مصرف رسانیدی؟ فکر نکنید که هر قدر مصرف کردیم پرسیده نمی شود، مال باید از طریق حلال به دست بیاید و در راه حلال و خیر مصرف شود، انسان های هستند که یک دالر در مسجد، مدرسه، مکتب، ساختن پل، کلینیک، برای فقیر و مسکین مصرف نمی کنند؛ اما برای ایجاد مراکز فحشا و ترویج فساد اخلاقی میلیون ها دالر پول و سرمایه را به مصرف می رسانند، الله ﷻ انسان را در مال و سرمایه اش امتحان و ابتلاء می نماید تا متوجه

شود که بنده‌ی وی چه مقدار کارهای خوب و چه مقدار کارهای بد و زشت را مرتکب می‌شود. آنانیکه از راه غیر مشروع پول به دست می‌آورند یا اسراف می‌کنند و پول را در راه‌های شیطانی، فساد و بد اخلاقی خرج می‌نمایند برادران شیطان اند، پول و مصارف بیهوده ایشان گناه جان‌شان می‌گردد.

{إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا} اسراء:

آیه-۲۷

ترجمه: به یقین اسراف کاران برادران شیطان هاینند و شیطان همواره نسبت به خداوند اش ناسپاس بوده است.

مسلمان خوب هرگز با پول حلال اش جهنم را نمی‌خرد مراکز فحشا باز نمی‌کند، از طریق پول و مال رضای الله ﷻ را جستجو می‌نماید و از تبذیر، فضول خرجی، اسراف و ضایع ساختن مال اجتناب می‌کند، حلال می‌خورد و الله سبحانه و تعالی را عبادت می‌نماید.

{كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ...} المومنون: آیه-۵۱

ترجمه: از چیزهای پاکیزه بخورید

به هر صورت این سه عمل ناپسند را از خود باید دور ساخت قیل و قال، کثرت سوال و ضایع ساختن مال. زبان را به قیل و قال و سوال‌های زیاد بی‌مطلب و بی‌هوده مصروف نسازیم، مال که نعمت الله ﷻ است در نافرمانی الله ﷻ خرج نکنیم و در زندگی کار پسندیده انجام دهیم و قبل از مرگ، الله ﷻ را راضی بسازیم.

آیا موافق هستید که مال تان را بیهوده خرج نکنید و ضایع نسازید؟

آیا دوست دارید که زبان تان را به خرافه و هرزه‌گویی مصروف نکنید؟

آیا برای انجام عمل نیکو که سبب خشنودی الله سبحانه و تعالی می‌گردد  
تلاش می‌ورزید؟

انشاءالله همه موافق‌اند، پس از فرصت حیات و زندگی استفاده نمایید زیرا  
که مرگ در کمین است و برای برگشت دوباره چانس داده نمی‌شود.





## ریا کاری و خودنمایی

ریا از ریشه «رأی» مشتق شده و به این معناست که شخص کاری را با انگیزه جلب توجه مردم انجام دهد. این واژه به معنای تظاهر و نشان دادن به غیر نیز استفاده می‌شود. معنای اصطلاحی ریا این است که انسان کار خوبی را به قصد تظاهر و نشان دادن به مردم انجام دهد، نه برای خدا؛ ریا هم در اعمال عبادی مانند نماز و هم در امور غیر عبادی مانند انفاق محقق می‌شود<sup>۱</sup>.

مسلمان خوب، ریا و خودنمایی را در کارها و اعمال‌اش انجام نمی‌دهد؛ زیرا ریا تمام اجر و مزد عمل را از بین می‌برد. عمل مانند چوب خشک و ریا مانند آتش است که تمام آنرا می‌سوزاند و جز سیاهی و ذغال چیزی باقی نمی‌ماند. اگر عمل نمودن به کارهای نیک و خدمت‌گزاری برای مردم و دین، برای نشان دادن نام و شهرت در میان مردم و لذت بردن از آن باشد، هیچ اجری ندارد ولو میلیون‌ها دالر و افغانی هم که مصرف شود. شب‌ها نماز خوانده شود، روزها روزه گرفته شود و سال‌ها بخاطر شهرت جهاد کرده باشد که مردم

---

۱. قاموس قرآن، ج ۳، ص ۳۰.

برایش قهرمان، شیخ، سخی، صاحب نان و سفره، عابد شب بیدار، حاجی و غیره القاب را بگذارند و به مدح و ستایش مردم خوش شود، کار و عملش را هم به همین خاطر انجام داده باشد که توصیفش کنند و در رسانه ها اعلان کنند و از این طریق صاحب عزت باشد و خودش به این عمل راضی باشد. اگر القاب نام برده را پسوند یا پیشوند نامش قرار ندهی، ناراحت شود همین ریا است، و ثواب عمل نیک را از بین می برد و پیامبر ﷺ اندک ترین ریا را، شرک گفته اند، {وقلیل من الریاء شرک}، اگر شخص عمل نیک و صالحه را بخاطر الله ﷻ انجام می دهد، شهرت طلب نیست، ریا و نمایش اعمال نیک را در سر نمی پروراند؛ اما مردم توصیف اش می کنند و او به مدح و صفت مردم خوشبین هم نیست پس مشکل ندارد و از اجر و ثوابش کاسته نمی شود.

علما، می گویند: روز قیامت شخصی ریا کار به چهار نام صدا کرده می شود:

۱. ای ریا کار! ۲. ای غدار! ۳. ای فاجر! ۴. ای زیانمند!

برو پاداش و اجر عملات را از آن کسی بگیر که برایش انجام دادی، به نزد

من هیچ ثواب و پاداش نداری.

(روزی از روزها حضرت ابو امامه (رضی الله عنه) به مسجد آمد و مردی را دید که

به سجده افتاده به آواز بلند گریان و دعا می کند، ابو امامه (رضی الله عنه) گفت: کاش

این کار را در خانه ات میکردی (یعنی کسی نمی دید) )

تاسف است به حال آنان که هیچ کارشان بدون ریا و نمایش دادن نیست، ریا

کاری را عمل خوب و شایسته می پندارند.

حضرت علی کرم الله وجهه می فرماید: ریا کار، در خلوت سست و تنبل

است اما در حضور مردم چست و بیدار، هنگامیکه توصیف اش کنند خوش

شده و در عمل اش زیادت می کند و اگر نکوهش اش کنند، دیگر عمل نیک را

کم می نماید.

در مسجد، در حضور مردم شیخ، ملا، صوفی، نفل گزار، صاحب تسبیح

دراز و طولانی و عابد شب خیز؛ اما در خلوت و جایی که کسی نباشد همه این ها را به فراموشی می سپارد، اگر عمل بخاطر الله ﷻ باشد، تنها و حضور مردم کدام فرقی ندارد؛ بلکه عبادت در تنهایی کیفیت عالی دارد که راز و نیازات را جز الله ﷻ کسی نمی داند اگر موضوع ریا نباشد، بهتر است نماز های سنن و نوافل در خانه خوانده شود، خیرات و صدقات نفلی، پنهانی داده شود تا کسی از رازی که بین الله سبحانه و تعالی و بنده است آگاه نشود؛ زیرا او به نام الله و به رضای وی عمل می نماید؛ پس ضرورت چیست که برای مردم اعلان کند و مردم را از معامله بی که با خداوند ﷻ نموده است خبر نماید؟ برای آگاهی و خبر شدن مردم از بلندگوهای مساجد، رسانه ها، صفحات اجتماعی، گرفتن عکس ها و... استفاده کند و این کار برایش خوب معلوم شود فکر کند که ثواب دارد. الله سبحانه و تعالی می فرماید:

{وَبَدَأَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ} زمر: آیه ۴۷.

ترجمه: آنها در دنیا اعمال را انجام می دادند به گمان اینکه آنها حسنات اند درحالیکه چنین نیست روز قیامت تمام آنها زشتی و گناه معلوم می شود. وقتی که این آیت تلاوت می شد علماء سلف و گذشته می گفتند: وای بر ریاکاران به قول قتاده <sup>(رضی الله عنه)</sup> شخصی ریاکار با الله ﷻ تمسخر می کند.

خواننده گرامی!

الله سبحانه و تعالی ریا و نمایش در اعمال را بد می پندارد، کسی که کاری را بدون اخلاص، صداقت، نیت پاک و صمیمت انجام دهد و مقصدش شنوندن و نشان دادن به مردم باشد و این روش را خوش داشته باشد، نه تنها این که ثواب ندارد؛ بر عکس سبب ذلت و رسوایی روز رستاخیز و آخرت نیز می گردد.

در حدیثی به روایت حضرت ابو هریره <sup>(رضی الله عنه)</sup>، آمده است که روز قیامت

برای اولین بار سه شخص جهت محاسبه حاضر کرده می شوند (از این سه شخص یکی آن ریاکار است که در دنیا خوب درخشیده و عمل کرده است؛ اما متأسفانه عمل و کار اش برای نمایش و شهرت بود).

شخص اول شهید است، کسی که جهاد کرده و در راه الله ﷻ شهید شده است، الله ﷻ، نعمت های که در دنیا برایش ارزانی نموده بود می فهماند و او درست می شناسد و اعتراف می کند؛ پس می پرسد چه انجام دادی در دنیا؟  
**شهید می گوید: قاتلت فیک حتی استشهدت**  
 در راه تو جهاد کردم تا اینکه به شهادت رسیدم

### قال کذبت، ولکنک قاتلت ليقال جری فقد قيل...

می گوید دروغ گفتمی به خاطر ی جهاد کردی برایت گفته شود که فلان شخص شجاع، دلیر، جنگجو، مبارز و قهرمان است و این کلمات برایت گفته شد؛ پس امر می کنند تا او را سرنگون به جهنم اندازند.

شخصی دومی، عالمی است که علم آموخته و به دیگران آموزانده و قرآن می خوانده (اما همه اش ریا، شهرت، نمایش و غیره) بود برای این هم نعمت ها شناسانده می شود و وی اعتراف می نماید؛ پس گفته می شود چه انجام دادی در دنیا؟ می گوید: الها! علم آموخته تدریس نمودم و برای دیگران آموزاندم، برای تو قرآن خواندم. **قال کذبت**

می گوید: دروغ گفتمی همه اش به خاطر ی این بود که برایت عالم گفته شود، توصیف ات کنند، قرآن را با لحن زیبا و خوش آوازی می خواندی تا برایت قاری گفته شود، از تو تعریف کنند این همه برای تو گفته شده، امر می کنند تا او را سرنگون به آتش دوزخ بیاندازند.

شخصی سومی حاضر کرده می شود و آن کسی است که الله ﷻ انواع مال و سرمایه برایش داده است. (تجار ملی و بین المللی) مانند: آن دو شخص

قبلی، برای این هم نعمت‌ها شناسانده می‌شود او می‌شناسد، می‌فهمد و اعتراف می‌کند، می‌پرسد تو چه عمل کردی؟ می‌گوید: الهها! همه‌ی راه که مورد پسند تو بود را از دست ندادم و در آن راه مال مصرف کردم، خرچ نمودم، انفاق کردم و آن همه برای خودت بود. **قال کذبت**

می‌گوید دروغ گفתי!، این کار را برای این انجام دادی که ترا بخشنده و سخی بگویند، و این در دنیا برایت گفته شده؛ سپس امر می‌کند تا وی را نیز سرنگون به جهنم اندازند. (مسلم)

در حقیقت جهاد، مبارزه و شهادت در راه الله ﷻ بزرگترین عمل و افتخار است، و آموزش علوم اسلامی و قرآن عظیم الشان، تعلیم، تدریس، دعوت، تبلیغ و تلاوت کلام الهی با صدای زیبا و رسا، خدمات ارزنده دینی میباشد، مصرف نمودن مال در راه الله ﷻ، کمک به فقرا، مساکین، ساختن مدارس دینی، مساجد، جاده‌های عبور مردم، پل و پلچک، ساختن مسافرخانه و شفاخانه‌ها، فراهم سازی آب آشامیدنی برای مردم و غیره ضرورت‌های عامه در یک جامعه، بزرگترین قربانی محسوب می‌شود و دارای خیر و ثواب بزرگ در پیشگاه الله ﷻ است، به شرط این که ریاء و فخر فروشی در آن نباشد هرگاه، در این کارها اندک‌ترین نمایش و شهرت طلبی به میان آید همه اش برباد می‌رود و جایگاه فاعل و کننده آن، جهنم سوازن است.

الله ﷻ از مرض ریاء و فخر فروشی بردیگران، پناه دهد.

### حکایت بهلول عاقل و مرد ریاکار

گفته اند: در زمان بهلول عاقل عبادت‌گاه می‌ساختند بهلول روزی از آنجا می‌گذشت و پرسید: چه می‌کنید؟ گفتند: عبادت‌گاه می‌سازیم.

بهلول گفت: برای چه عبادت‌گاه می‌سازید؟

گفتند: برای الله ﷻ

بهلول برای دریافت نمودن میزان صداقت و اراده ایشان که برای الله ﷻ عبادت گاه می سازند، مخفیانه سفارش داد تا بالای سنگ یا دیوار عبادت گاه بنویسند که این عبادت گاه از سوی بهلول وقف است. آن مرد با دیدن این حالت سخت ناراحت شد و در پی جستجوی بهلول بر آمد، و او را یافت و به بار کویک گرفتند و بی حساب لت و کوب نمودند اش که چرا زحمات و خرچ دیگران را به نام خودت قلمداد میکنی؟

بهلول گفت: مگر شما نگفتید که عبادت گاه را برای الله ﷻ ساخته ایم؟ اگر مردم اشتباه کنند و گمان کنند که من عبادت گاه را ساخته ام، الله ﷻ که اشتباه نمی کند؟ او می داند که عبادت گاه را کی و برای چه ساخته است؟ پس انتقاد و سنگ تان برای چه؟

امروزه اکثر مردم در ظاهر از نام الله ﷻ و رضای الله ﷻ استفاده می کنند؛ اما در دل ها و باطن شان، چیزهای دیگری دارند.

### علایم و نشانه های ریا

از آن جا که برای ریا اقسام و نشانه های است که برخی روشن و بعضی هم مخفی است و تشخیص نمونه های مخفی آن بسیار مشکل است، اندیشمندان و پژوهش گران دینی برای آن، علایم و نشانه هایی بیان کرده اند که اگر کسی خواست خود را بیازماید و بفهمد که آیا در او، این صفت ناپسند وجود دارد یا نه، می تواند با آن علایم و نشانه ها تشخیص دهد. اگر کسی در خلوت و تنهایی رغبتی به عبادت نداشته و حتی نماز واجب خود را با کسالت بسیار می خواند، ولی وقتی در مسجد یا اجتماعات دیگر در انظار عموم قرار می گیرد، از کسالت فارغ شده و حالت نشاط پیدا می کند، ریاکار و عمل او ریایی است. او دوست دارد که در جمع از کارهایش تعریف کنند. توقع شنیدن مذمت یا بیان نقایص را ندارد. اینها علامت ریاکاری است.

## علل و عوامل ریا

➤ نداشتن شناخت حقیقی از الله سبحانه و تعالی:

اگر کسی واقعاً خالق جهان را با عقل و درک خود نه به شکل موروثی شناخته باشد و معتقد باشد که در نظام هستی قادر مطلق غیر از او وجود ندارد، دیگر معنا ندارد، چشم طمع به دیگران دوخته و امید فیض و بخششی از دیگران داشته باشد. به تعبیر دیگر، اگر به مرحله ای از یقین برسد که بفهمد همه امور و همه خیر و شر، و نفع و ضرر، در دست خالق تواناست و از احدی بدون رضای او کاری ساخته نیست، یقیناً دیگر در فکر افکار مردم نسبت به خود نمی باشد؛ چه رسد به آن که اعمال خود را برای او انجام دهد. بنابراین اولین منشأ برای ریا و خودنمایی در انظار انسان ها، ضعف ایمان و عدم یقین و شناخت دقیق و عقلی، نسبت به خالق جهان است.

➤ حب سیادت و یا جا و مقام

این حب سیادت و جاه و مقام است که انسان را وادار به ریا می کند تا به این وسیله در چشم مردم برای خود کسب آبرویی نموده و در نتیجه به پست و مقامی دست یابد.

## نتایج و آثار ریا

ریا از گناهان کبیره ای است که باعث هلاکت و تباهی انسان، کفر، شقاوت و سبب داخل شدن او در عذاب جهنم است که به بعضی از نتایج شوم آن در اینجا اشاره می کنیم.

## ۱. شرک و کفر

در روایات اسلامی از ریا به شرک نیز تعبیر شده و انسان ریاکار را مشرک خوانده است. رسول خدا صلی الله علیه وسلم ریا را شرک اصغر دانستند و فرمودند:

إِنَّ أَخْوَفَ مَا أَخَافَ عَلَيْكُمُ الشُّرْكَ الْأَصْغَرَ، قَالُوا: وَمَا الشُّرْكَ الْأَصْغَرَ  
يا رسولَ الله؟ قالَ: هُوَ الرِّيَاءُ؛

بیشترین ترس من درباره شما از شرک کوچک است، سوال کردند: شرک کوچک چیست؟ فرمود: ریا.

## ۲. نفاق

ریاکاری جزء از صفات منافقین دانسته شده و اصولاً ریا جز دورویی و تفاوتِ ظاهر و باطن چیز دیگری نیست، زیرا به مردم ارایه می دهد چیزی را که خود در باطن به آن معتقد نیست.

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا  
كَسَالَى، يَرَاوُنَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا؛

منافقین می خواهند خدا را با خدعه و مکرشان بفریبند درحالی که خدا آنها را فریب می دهد (مکرشان را باطل می کند) و هنگامی که به نماز می ایستند از روی کسالت می ایستند و در برابر مردم ریا می کنند، و خدا را جز اندکی یاد نمی کنند.

## ۳. حبط اعمال

انسان ریاکار اگر اعمال صالح دیگری هم داشته باشد، با وسیله حالت ریایی که در اوست آن اعمال صالحه او نیز باطل می گردد و دیگر استحقاق ثواب نخواهد داشت. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند.



فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الرِّيَاءَ، فَإِنَّهُ شِرْكٌ بِاللَّهِ، إِنَّ الْمُرَائِيَ يَدْعَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ  
بِأَرْبَعَةِ أَسْمَاءَ: يَا كَافِرُ! يَا فَاجِرُ! يَا غَادِرُ! يَا خَاسِرُ! حَبِطَ عَمَلُكَ وَبَطَلَ  
أَجْرُكَ، وَلَا خَلَاقَ لَكَ الْيَوْمَ، فَالْتَمِسْ أَجْرَكَ مِمَّنْ كُنْتَ تَعْمَلُ لَهُ؛

از خدا بترسید و از ریا اجتناب کنید، زیرا ریا شرک به خداست و برای  
ریاکار در قیامت چهار اسم است و او را با چهارنام می خوانند: ای کافر! ای  
فاجر! ای غادر(مکار)! و ای خاسر(زیان دیده و ورشکسته)! عمل تو از بین رفته  
و اجر تو، باطل گردیده است و برای تو در این روز نصیب و بهره ای نیست،  
برای هر کسی که عملت را انجام داده ای، مزدت را نیز از او دریاب.

#### ۴. تحقیر خدا

هر کاری انسان انجام می دهد به انگیزه جلب منفعت و یا دفع مفسده است،  
عملی که ریاکاران برای غیر خدا و نشان دادن به مخلوقین و جلب توجه آنان،  
انجام می دهند، نیز مطابق همان قاعده است. این نشانه آن است که اینان  
مخلوق را قادرتر از خالق دانسته و توجه خود را به مخلوق معطوف داشته اند،  
و خود را مقرب مخلوق قرار داده و تقرب مخلوق را بهتر و مفیدتر از تقرب به  
خالق دانسته اند، و آن جا که کار را هم برای خدا و هم برای مخلوق انجام می  
دهند، خدا را تا حد مخلوق پایین آورده اند، آن چنان که عمل را برای هر دو  
انجام داده اند، و این از اکبر کبایر است.

#### خواننده گان گرامی...

چون عمل ریا از روعیت و نشان دادن به مردم است، انسان کوشش کند که  
کارهای نیک را در خفا و پنهانی انجام دهد و پس از انجام عمل در خفا، همت  
به خرج دهد که آن کار برای همیشه مخفی بماند و برای مردم آشکار نشود،  
یعنی همان گونه که انسان گناه را مخفی انجام می دهد و اصرار دارد که کارهای

زشتش برملا نشده و کسی از آن آگاهی پیدا نکند، در کارهای نیک هم این چنین باشد، و این عمل آن قدر ادامه پیدا کند تا نفس عادت کند و آن مرض روحی از ریشه کنده شود و دیگر نفس، طمع در ریا نکند. اگر انسان اینگونه به صورت عملی، به خوبی رفتار نماید یقیناً این مرض معالجه شده و این شخص از این بیماری نجات پیدا خواهد کرد.

## حرمت به شعائر الله

{ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ} حج: آیه-۳۲  
ترجمه: این است [فرایض الله ﷺ] و هر کس شعایر الله ﷺ را بزرگ دارد در  
حقیقت آن [حاکمی] از پاکی دلهاست.  
و در جایی دیگر می فرماید:

{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ}

ترجمه: ای اهل ایمان! [هتک حرمت] شعایر خدا را حلال مشمارید.  
شعائر جمع شعیره به معنی نشانه و علامت دین الله ﷺ است، یکی از ویژه  
گی های مسلمان خوب اینست که شعایر الهی را احترام نموده و قلباً آن را  
دوست میدارد، مناسک حج، قربانی، مساجد، عبادات، صفا، مروه، و تمام  
آنچه که در برنامه های دینی و مذهبی وارد شده و انسان را به یاد الله ﷺ و عظمت  
و بزرگی آئین و دین آن می اندازد شعائر الهی است و بزرگداشت آن نشانه تقوی  
دلهاست پیامبر ﷺ میفرماید: (التقوی هاهنا) حقیقت تقوی اینجاست.

حقیقت و تعظیم و بزرگداشت شعائر الله جل جلاله، اینست که مقام و موقعیت شعائر را در افکار و اذهان، ظاهر و باطن بالا ببرند و آنچه در خور عظمت و بزرگی آن است به جای آورند، و از عمق قلب به شعایر حرمت بگذارند، در آیه مبارکه الله ﷻ، می فرماید: هرکس شعائر و نشانه های دین وی را بزرگ دارد این تقوی دلهاست - دل به یادآوری مخصوص شده زیرا دل مرکز تقوی است - محبت و عشق مسلمان نسبت به علامه ها و نشانه های دین و آیین الله سبحانه و تعالی، از قلب و دل باید سرچشمه بگیرد، دل که مرکز تقوی است، مرکز عشق و محبت نیز است، تقوی و عشق الهی که در قلب جای گرفت احترام به شعائر الله جل جلاله، بگونه احسن و بهتر صورت میگیرد، حج درست، قربانی بهتر، نماز با خشوع، روزه پاک، صدقه با اخلاص، و غیره. قلب را از عشق و محبت اغیار باید خالی نمود، قلب مسلمان مرکز ارتباط با الله ﷻ است، اگر قلب آلوده به محبت غیر بود ارتباطش از الله ﷻ قطع میگردد، سیاه می شود و جزئی ترین احترام به شعائر الله ﷻ نمیکند به نشانه های آیین الله ﷻ و به عظمت آن توجه نمی نماید، این تقوی و عشق است که بنده را آماده هر نوع قربانی نسبت به الله ﷻ میگرداند تا از این طریق به الله ﷻ برسد. شاعری می گوید.

بر امید وصل تو من جان خود قربان کنم  
 جان چه باشد نزد تو تا من حدیث جان کنم  
 صد چنین جان در ره عشقت فدای نام تو  
 ترک جان گفتم حدیث از وصلت جانان کنم  
 مور عورم، در جهانم نیست یک پای ملخ  
 من که باشم تا سلیمان ترا مهمان کنم  
 وقتی که در قلب عشق الله جل جلاله، پیدا شد دیگر خواب از چشمانش

فرار میکند شب های دراز در نماز، دعا، ذکر، تلاوت، و تسبیح مشغول می شود، روزها روزه میگیرد، مال و دارایی اش را بنام الله ﷻ قربان میکند، هرچه دارد از الله ﷻ است، در گذشته ها در میان بعضی از مذاهب رسم بر این بود که قلب خالی از تقوی و عشق را از سینه خارج میکردند و سرش را میزدند، اعتقاد بر این بود، انسانی که قلب مملو از تقوی و عشق نداشته باشد وارد بهشت نخواهد شد؛ این قلب دارای تقوی است که به شعائر الله ﷻ حرمت میگذارد و آن را تعظیم میکند، (ومن يعظم شعائر الله فانها من تقوى القلوب) کعبه، مقام ابراهیم، حجرالاسود، صفا و مروه، عرفات، مینا قربانی و غیره مناسک حج، شعائر الله سبحانه و تعالی است و شخص که به زیارت کعبه می رود، طواف میکند، نماز میخواند، حجرالاسود را لمس مینماید، میان صفا و مروه سعی مینماید در مقام ابراهیم دو رکعت نماز میخواند، آب زمزم می نوشد، قبلش درد پیدا میکند، از چشمانش اشک سرازیر می شود، به تمام شعائری که آنجا است سخت احترام میگذارد و روزی که برگشت میکند، حزین، غمگین با قلب پر از درد، سوز و چشمان اشک آلود برمی گردد، این نشانه تقوی و عشق است، قربانی نشانی دیگر از دین الله سبحانه و تعالی است، قلبی که تقوی و عشق دارد بهترین حیوان را بنام الله سبحانه و تعالی قربان میکند، او را درست نگهداری میکند و برایش احترام نموده از وی مراقبت جدی مینماید، در روز دهم ذوالحجه هنگامیکه ذبح نمود بسیار مودبانه ذبح میکند و گوشتش را بنام الله ﷻ برای مساکین و فقرا هدیه مینماید، و آنانیکه در قلب های شان نه تقوی است و نه عشق، به شعائر الله جل جلاله، احترام ندارند حج را گردشگری، قربانی را گوشتخوری بیش نمیدانند، مساجد شعائر دیگری است که در میان مسلمین از حرمت خاص برخوردار است مسلمانان پنج بار در یک شبانه روز برای عبادت و ادای نماز جماعت جمع میشوند و پیامبر ﷺ مساجد را احب البلاد الی الله خوانده است که محبوب ترین حصه زمین به نزد الله جل جلاله

مساجد است، در روایت دیگر آمده است: مساجد تنها برای نماز، ذکر و تلاوت مجاز است پس در حدیث دیگر به روایت حسن رضی الله عنه، آمده است:

قال رسول الله ﷺ: سيأتي على الناس زمان يقعدون في المساجد حلقا حلقا إنما نهمتهم الدنيا فلا تجالسوهم فإنه ليس لله فيهم حاجة  
(بيهقي في الشعب الايمان)

ترجمه: رسول الله ﷺ فرمود: زمانی بر مردم خواهد آمد که سخن ها و مجالس دنیوی ایشان در مساجد شان است، پس با ایشان یکجا نه نشینید، الله ﷻ به ایشان ضرورت ندارد.

متأسفانه امروز در بسا جای ها از مساجد طعام خانه، مجالس دنیوی، جمع شدن برای کارهای مردمی، خوردن خیرات و غذای عروسی، محل ایجاد جرگه های قومی (به ویژه روزهای عید) مشوره ها و ده ها کاری به مناسبت اموری که به دنیا تعلق دارد ساخته اند، این دستور و امر رسول الله ﷺ صلی الله علیه وسلم، است که با چنین قوم و مردمی که به مسجد احترام ندارند مسجد را در امور و کارهای مربوط به دنیا استعمال می کنند هرگز نشست نکنید زیرا مسجد از شعائر الله ﷻ است و احترام اش بر مسلمین واجب می باشد، عبادت خانه است نه جرگه خانه و طعام خانه؛ علامه ابن الهمام رحمه الله، در شرح هدایه می نویسد: کلام و سخن مباح هم در مسجد کراهت دارد و حسنات انسان را از بین می برد، در مسجد قصه کردن، تلفن نمودن، سخن های دنیوی را مطرح کردن همه و همه گناه دارد و بی حرمتی به شعائر الله ﷻ است، خرید و فروش، اعلان مفقودی، سرودن اشعار و انتقام گرفتن در مساجد جواز ندارد - ابوداود و ترمذی در این مورد احادیث را روایت نموده اند که جهت اختصار صرف نظر نمودیم، مجالس کمپاین های انتخاباتی، تعیین نماینده مردمی، انتخاب

محافظ جنگلات، گرفتن چوپان قومی برای محافظت گاوها و گوسفندان مردم، انتخاب میرآب برای تنظیم آب زمین های زراعتی و باغ ها، مشوره های همبستگی و معلوماتی در امور مختلف همه و همه در مساجد صورت میگیرد که این بزرگترین ظلم است.

پیامبر ﷺ میفرماید: الله ﷻ به این مجالس نیاز ندارد، در این چنین مجالس خیر نیست، اگر در مساجد چنین مجالسی دائر شود از اشتراک در آن پرهیز نمایید و حتی صدا و آواز تان را در مساجد بلند نکنید اگر ضرورت باشد از مسجد خارج شده صدا کنید و تلفن را جواب دهید، آنانیکه حق مساجد را ادا نمی کنند به مساجد حرمت نمی گذارند قلب های شان خالی از تقوی است، در مورد حقوق مساجد معلومات ندارند و نسبت به شعائر دین الله جل جلاله، عشق نمی ورزند.





## ویژگی های مسلمان خوب

در بحث فوق ذکر کوتاه نمودیم که الله ﷻ، ۱۳ ویژه گی مسلمان خوب را به عنوان "عباد الرحمن" یا بنده گان الله ﷻ در سوره فرقان یاد نموده است و هر شخص که این صفات سیزده گانه را در خود بیابد بدون شک از عباد الرحمن و بنده گان نیک الله ﷻ خواهد بود، مسلمان خوب کوشش میکند تا صفات خوب را از آن خود نماید؛ و چه خوب است که مکث کوتاه بر این صفات سیزده گانه عباد الرحمن یا همان بنده گان نیک الله ﷻ، داشته باشیم و آن صفات عبارت اند از:

۱. در زمین متکبرانه راه نمی روند تواضع و فروتنی اختیار می کنند.
۲. حلیم و بردبار اند.
۳. شب را به عبادت، قیام و سجده سپری می نمایند.
۴. از الله ﷻ و عذاب آن ترس و بیم دارند.
۵. در انفاق و صدقه کردن حد اعتدال را در نظر می گیرند و از افراط و تفریط در هر چیز و هر عمل، دوری می گزینند.
۶. موحد و بکتا پرست هستند، شرک، اعمال شرکی و دوگانه پرستی را قبول ندارند.

۷. به قتل و خونریزی انسان های بی گناه آلوده نیستند.
  ۸. زنا هرگز نمی کنند و عفت شان را حفظ می نمایند.
  ۹. به حقوق دیگران احترام داشته و شهادت دروغ نمی دهند.
  ۱۰. هرگاه با لغو و بیهوده گی برخورد کنند بزرگوارانه از کنار آن می گذرند.
  ۱۱. به آیات و نشانه های الله ﷻ فکر می نمایند و به گونه کر و کور از کنار آن عبور نمی کنند.
  ۱۲. به تربیت فرزندان و خانواده خویش توجه لازم داشته و خود را در برابر ایشان مسئول می دانند.
  ۱۳. می خواهند امام و پیشوای جماعت مومنان باشند و دیگران را به سوی حق، اصلاح و تغییر، دعوت دهند.
- الله ﷻ، بعد از ذکر اوصاف سیزده گانه به بنده گان نیک خودش، عباد الرحمن و مسلمان خوب را در یک جمع بندی کوتاه در جملات خاص برای پاداش و اجر آنها پرداخته و آنرا چنین بیان میدارد:

{أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا} سوره

الفرقان: آیه - ۷۵

ترجمه: عباد الرحمن و بنده گان نیک الله ﷻ کسانی هستند که درجات عالی بهشت را در برابر صبر و استقامت شان به آنها پاداش داده می شود، و در آن غرفه ها و منازل زیبای بهشت با تحیه و سلام رو به رو میشوند و در آنجا جاویدانه خواهند ماند و شریفانه خواهند زیست.

اما، باید یک مبارزه طولانی، بنده گی کامل، مبارزه با طغیان شهوات و خواهشات نفس، ترک شهادت زور و کذب، قبول تواضع و فروتنی و گذشته از آن در برابر دین همه صبر و استقامت اختیار نمایند.

آری، خواننده‌ی گرامی! این صفات و ویژه گی های ذکر شده از صفات مومنان ممتاز و مسلمان خوب است که در صف مقدم قرار دارند و همیشه فکر، قلم، زبان، مال، علم، بیان و قدرتشان پیوسته در مسیر هدایت خلق الله ﷺ مصروف و مشغول است، برای نجات انسان تلاش می ورزند، آنها الگوها و اسوه های جامعه بشری هستند، آنها سرمشق تقوی و پرهیز برای پرهیزگاران هستند، آنها مانند چراغ رهنما در تاریکی های جهالت اند و بشریت را از افتیدن در گودال جهل و نادانی نجات داده و به سوی روشنی و رستگاری هدایت می نمایند، آنها وقت و مالشان را برای خدمت به دیگران وقف می کنند، آنها از هیچ نوع قربانی در راه الله ﷻ دریغ نمی ورزند و هر نوع سختی را در راه رسیدن به الله ﷻ متحمل می شوند، آنها چون زاهدان گوشه گیر و صوفیان منزوی، تنها گلیم خویش را از آب بیرون نمی کشند، سعی شان اینست که دست غرق شده ی را بگیرند، مردم را کمک نمایند، انسانها را از جهل، گمراهی و نادانی نجات دهند؛ آنها تنها برای نجات خودشان نمی کوشند؛ بلکه نجات مردم را هدف و مقصد اصلی شان می دانند و در این هدف همیشه با قوت شوق ایمانی و انسانی گام برمی دارند.

صاحب‌دلی به مدرسه آمد ز خانقاه  
 بشکست عهد صحبت اهل طریق را  
 گفتم میان عالم و عابد چه فرق بود  
 که اختیار کردی از آن این فریق را  
 گفت آن گلیم خویش بدر می برد ز موج  
 وین جهد میکند که بگیرد غریق را

(سعدی)

مسلمان خوب و فروتن، چشم و گوش باز دارد و راه اسلام را درست می‌پیماید، ژرف نگر و نکته‌شناس می‌باشد، موضوع روز را آگاهانه درک میکند در برابر سختی‌ها ایستاده‌گی و استقامت می‌نماید، فریب شیطان‌های انسی و جنی را نمی‌خورد، وسیله دست دشمن و طعمه خوبی برای آنها نمی‌شود، از مسیر اصلی دین و مذهب به انحراف نمی‌رود، ثبات و مقاومت شان چون کوه استوار بوده و هرگز محیط آلوده در آنان اثر نمی‌گذارد، مسلمان خوب دروغ نمی‌گوید، زنا نمی‌کند، حق کسی را به باطل نمی‌خورد، قتل نمی‌کند، نافرمانی پدر و مادر را انجام نمی‌دهد، ترک نماز، روزه، حج و زکات نمی‌کند، در مجالسی لهو، لعب، و خرافه اشتراک ندارد، به قانون شریعت پایبند می‌باشد، به کسی تهمت نمی‌بندد، غیبت نمی‌کند، دشنام نمی‌دهد، فحش نمی‌گوید، قمار باز نیست، شراب و هر آنچه که مسکر و مست‌کننده است را نمی‌نوشد، از دخانیات پرهیز می‌کند، از شنیدن موسیقی مبتذل، دیدن سریال‌های خرافی، برنامه‌های انحرافی اینترنتی و... اجتناب می‌نماید، با زنان بیگانه و نا محرم سخن نمی‌گوید، رشوه نمی‌گیرد، سود نمی‌خورد؛ خلاصه سخن اینکه از تمام بدی‌ها و اعمال که در تضاد با احکام اسلام و شریعت است اجتناب نموده و آنچه که در آئین اسلام با ارشادات الهی و سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم، مطابقت دارد به آن عمل می‌نماید؛ چون از نشانه‌های ایمان داری و مسلمان خوب همین است.

## حقوق مسلمانان بر همدیگر

همه مسلمانان در اصل با هم برادر اند و یکی بالای دیگری حق میداشته باشند و در ادای حقوق همدیگر مکلف اند، حق شناسی وظیفه مسلمان است و مسلمان خوب حق برادر و خواهر مسلمانش را به گونه درست و احسن ادا میکند، مسلمانان در پیشبرد نظام دینی و دنیوی حیثیت یک بنیان و شالوده را دارند که برای تحکیم آن همه با هم همکار باشند مثل که رسول الله ﷺ صلی الله علیه وسلم، فرمودند:

المؤمن للمؤمن كالبنيان يشد بعضه بعضاً، وشبك بين  
أصابعه<sup>۱</sup> (متفق علیه)

هیچ بناء و تعمیری بدون تحکیم خشت، ملات و مواد ضرورت آن، ساخته نمی‌شود؛ چند جنس باهم یکجا شده از آن بنیاد ساخته می‌شود، مومنان هم به تنهایی کاری کرده نمیتوانند تا که به کمک یکدیگر شان در همه امور نپردازند و پیامبر صلی الله علیه وسلم، انگشتان هر دو دستش را با هم در آویخت و برای

۱. کتاب جامع الأصول [ابن الأثیر، أبو السعادات] ج-۶ ص-۵۶۴

مسلمانان نشان داد که در راستای رسانیدن خیر و همکاری به همدیگر باید چنان باشند و حقوق یکدیگر را در نظر بگیرند و برای ادای حقوق تلاش نمایند و در میان هم مهربان باشند.

احادیثی که امام بخاری و مسلم پیرامون حقوق مسلمان بالای مسلمان روایت کرده اند اولین حق مسلمان سلام دادن را گفته است، هرگاه مسلمان با مسلمان رو برو شود اولین حق اش این است که سلام دهد اینکه مسلمان از هر قوم، تبار و ملتی باشد، شناس یا غیر شناس باید برایش سلام دهد سلام دادن حق مسلمان است، در سلام دادن خیر است، سلام دادن کار نیک، نشان مسلمانی و سنت پیامبر ﷺ است، سلام دعای خیر و سلامتی خواستن برای جانب مقابل میباشد اگر در یک ساعت چند بار با برادر مسلمان رو به رو شوی باید سلام بدهی و همچنان هر بار که داخل خانه، دفتر، دکان، صنف و محل کار میشوی باید سلام بدهی.

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "حَقُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ خَمْسٌ: رَدُّ السَّلَامِ وَعِيَادَةُ الْمَرِيضِ وَاتِّبَاعُ الْجَنَائِزِ وَإِجَابَةُ الدَّعْوَةِ وَتَشْمِيتُ الْعَاطِسِ" (متفق عليه)

حق شماره دوم عیادت مریض است، اگر مسلمانی مریض می شود عیادت و پرسن اش ضرور است در صورت امکان ضمن عیادت همکاری مالی، یا تحفه، سوغات و هدایا با خود بردن بهتر است و همچنان توصیه لازم، مشوره های نیک، تشویق برای صحت یابی مریض و او را خشنود ساختن؛ اما از نشستن طولانی و قصه های دراز و بی مورد که سبب آزار و اذیت مریض می شود اجتناب شود، بهتر این است که نشست کوتاه و دعا برای مریض صورت گیرد. پیامبر ﷺ میفرماید: هرگاه به عیادت مریض رفتید بگویید: لا باس طهور

انشاء الله - خیر ان شالله خوب است. مرض سبب پاکی و ریختن گناهان ات خواهد شد ان شالله، یعنی برای مریض تسلی داده شود که تشویش نکن مشکل نیست ان شالله خوب میشود، حق سوم اشتراک در جنازه مسلمان است، اگر خبر شدی که فلان مسلمان وفات شده و فلان ساعت جنازه است بخاطر رضای الله ﷻ به جنازه اش اشتراک کن و اگر عذری نداری این حق مسلمان است، هرکس و از هر شهر و قریه که باشد به هر قوم و قبیله که وابسته باشد برابر کوه احد ثواب داده می شود برای شخصی که در جنازه مسلمان اشتراک میکند و اگر به مراسم تدفین برود دو برابر کوه احد ثواب و اجر داده می شود و از طرف دیگر برای میت کمک و دعا میکنی که ممکن دعایت در جنازه در حق آن قبول گردد و میت را کمک کرده باشی زیرا وی به دعای مسلمانان نیاز دارد، محتاج است به کمک ضرورت دارد برای همکاری و کمک اش بشتاب تا حقیقتش را ادا نموده باشی زیرا وی برادر و خواهر مسلمان است، از میان مسلمین می رود، تنها سفر میکند دشواری ها، سختی ها، نشیب ها و فراز های طولانی پیش رو دارد و سفر اش خیلی ها خطرناک است، برایش دعا و استغفار بخواهید و کمک اش کنید این آخرین همکاری و همدردی است که شما همراه اش در دنیا انجام میدهید، حق چهارم اجابت دعوت است، اگر مسلمان برای کاری خیری دعوت میدهد اجابتش کن، دعوتش را نادیده نگیر، حق پنجم، اگر مسلمان عطسه زد برایش تشمت یعنی یرحمک الله بگو، به شرط که شخص عطسه زننده الحمد لله گفته باشد، اگر الحمد لله نگوید مستحق دعا شمرده نمی شود، و در روایت مسلم، شش حق ذکر شده است که ششم آن نصیحت است؛ اگر کسی نصیحت خواست برایش نصیحت کن یا مشوره خواست برایش مشوره نیک و مفید بدهید، و همچنان کمک کردن با مظلوم، به جای آوردن قسم، عفو کردن، ترحم و دلسوزی، عیب پوشی، دعای مغفرت بعد از وفات، رفتن به قبرستان برای تدفین، گوش فرا دادن به سخن

خیر، دادن مشوره نیک، غیبت و تهمت نکردن، ضرر نرساندن، آزار و اذیت نکردن، و صلح و آشتی نمودن همه و همه از حقوق مسلمان دانسته شده است. اما امروز در بسا مناطق حقوق مسلمان تلف می‌شود به روایات و احادیثی که پیرامون حقوق مسلمان نقل شده است عمل صورت نمی‌گیرد مسلمان‌ها به جنازه کسی می‌روند که آشنا و شناخت باشد از قبیل خودشان باشد برایش زنگ زده باشد که در جنازه فلان دعوت هستی و یک تعداد بخاطر گرفتن پول فدیه، خیرات، اسقاط و غیره به جنازه اشتراک می‌کنند و بعضی‌ها به نیت اینکه یکی از اقارب از جمله دوستان اش است خفه نشود یا خود را در بین مردم نشان بدهد یا بخاطری جنازه می‌رود که فردا در جنازه او و اقارب اش بیایند و می‌گویند در جنازه ما آمده بودند و ما به جنازه ایشان باید برویم و سهم بگیریم که اکثراً بخاطر رضای الله ﷻ و ادای حق مسلمان در جنازه اشتراک نمی‌کنند و هرکسی هر نیتی دارد، دعوت در طعام ولیمه (عروسی)، خیرات و غیره اکثراً به کسانی داده می‌شود که رفیق، شناخته، پول دار، صاحب تعمیر و موتر خوب بوده باشد فقرا و مساکین که یک وقت نان برای خوردن ندارند دعوت نمی‌شوند، پیامبر ﷺ در مورد طعام ولیمه می‌فرماید: شر الطعام، بدترین طعام همان طعامی است که فقرا در آن دعوت نشوند، برای عیادت و پرسیانی مریض اکثراً مردم خود را در بی خبری و غفلت می‌اندازند، به دعوت فقیر و بیچاره کسی ارزش قایل نیست و قبول نمی‌کنند، در حالیکه در اسلام جنازه، سلام، دعوت، عیادت مریض و جواب عطسه برای همگان یکسان حکم دارد، سرمایه دار نسبت به فقیر برتری ندارد، سفید نسبت به سیاه برتری ندارد، افغان نسبت به غیر افغان برتری ندارد، عرب بر عجم برتری ندارد، همه مسلمان اند و در اسلام هیچ کس به کس دیگر تفاوت و برتری نمیداشته باشد مگر بر تقوی، مسلمان خوب تلاش مینماید تا مطابق سنت عمل نموده و کار اش بخاطر الله ﷻ بوده باشد هرکار که به نیت پاک و رضای الله سبحانه و تعالی، صورت گیرد دارای اجر و پاداش میباشد



پیامبر ﷺ می فرماید: اگر مسلمانی به عیادت مریض در اول روز برود هفتاد هزار ملائکه تا غروب آفتاب برایش درود میفرستند و اگر در آخر روز برونند تا صبح برایش درود میفرستند (ترمذی عن علی رضی الله عنه) پس در عمل نیت معتبر است انما الاعمال بالنیات - خواننده گان گرامی و جوانان عزیز! آنچه پیرامون حق مسلمان بر مسلمان ذکر شد در اسلام است و دین مقدس اسلام اصل انسانیت و روش زنده گی را برای پیروان خود نشان میدهد و همه را برادر و اعضای یک خانواده میداند و اعضای این خانواده را به لطف، مهربانی، شفقت، ترحم، محبت و همکاری، نسبت به یکدیگر امر میکند.

نه افغانیم و نه ترک و نه تتراریم  
چمن زاریم و از یک شاخ ساریم  
تمیز رنگ و بو بر ما حرام است  
که ما پرورده یک نوبهاریم

(علامه اقبال لاهوری<sup>۱</sup>)

---

۱. محمد اقبال لاهوری یا علامه اقبال (۱۲۵۶ سیالکوت تا ۱۳۱۷ لاهور) شاعر، فیلسوف، سیاستمدار و متفکر مسلمان پاکستانی بود که اشعار زیادی نیز به زبانهای فارسی و اردو سروده است. اقبال نخستین کسی بود که ایده یک کشور مستقل را برای مسلمانان هند مطرح کرد که در نهایت منجر به ایجاد کشور پاکستان شد. اقبال در این کشور به طور رسمی «شاعر ملی» خوانده می شود.



## تواضع و فروتنی

تواضع و فروتنی یکی از عادات و ویژه گی های مسلمان خوب میباشد، تواضع کلید ایمان است و شخص متواضع و فروتن را، الله ﷻ و انسان ها دوست دارند؛ پیامبران و دوستان الله سبحانه و تعالی، دارای عادت و خصلت های خوبی مثل فروتنی، عاجزی و تواضع گری بودند، تواضع و فروتنی در تمام ذرات وجود ایشان نفوذ داشت شخص متواضع را در میان مردم به درستی میشد تفکیک نمود، متواضع را از راه رفتن، سخن گفتن و اعمال ظاهری اش شناخته می شود، انسان متواضع و فروتن همیشه نرم، مهربان، شکیبیا، صابر، دلسوز و سنگین میباشد، حرکت عجولانه ندارد، زود احساساتی نمی شود، سخن زشت نمی گوید، در برابر انسان های جاهل، بی ادب و بد اخلاق کریمانه حرکت می کنند و خود را با ایشان آلوده نمی سازد، کبر، غرور، تفوق طلبی، خودخواهی و خود برتر بینی را در نهادشان راه نمی دهند، زنده گی و حرکت ایشان مطابق به دستور های قرآن و ارشادات پیامبر ﷺ میباشد، آنانیکه تواضع می کنند در حقیقت بنده گان خاص الله ﷻ اند و الله ﷻ اجر و پاداش بزرگ را نصیب شان میکند زیرا ایشان

همیشه به احکام و فرامین الهی گوش فرا داده و به آن عمل مینمایند و هیچگاه حرکت متکبرانه از خود نشان نمی دهند و می دانند که شخص متکبر به نزد الله ﷻ جایگاه و ارزشی ندارد و متکبر را الله ﷻ بد می بیند و برایش وعده جهنم داده است، پیامبر صلی الله علیه وسلم، میفرماید:

لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ كِبَرٍ<sup>۱</sup>

ترجمه: داخل جنت نخواهد شد آنانی که در قلب شان به اندازه ذره کبر و غرور بوده باشد.

الله ﷻ، بهشت را برای متکبران حرام گردانیده است مگر اینکه توبه کنند و دست از تکبر و استهزاء دیگران بردارند، شخص متکبر مرتبه و مقام برای دیگران قائل نمی باشد و خود را بالاتر و شایسته تر از دیگران میدانند و این سبب ذلت و رسوایی اش میگردد.

قرآن عظیم الشان صفات و ویژه گی های مسلمان خوب را تحت عنوان عبدالرحمن به معرفی میگیرد سیزده صفت از صفات ویژه آنان را در سوره فرقان بیان میکند و نخستین توصیف که از ایشان میکند نفی کبر، خودخواهی و غرور است، تکبر وسیله ذلت و رسوایی انسان است.

ابوهریره (رضی الله عنه) روایت میکند که پیامبر ﷺ فرمود که الله ﷻ میفرماید: تکبر چادر، و عظمت ازار من است هر کس در این دو با من منازعه کند، آتش جهنم جایگاهش خواهد بود (ابن ماجه)

یعنی این هردو صفات من است و مخصوص برای من میباشد پس کسیکه به این دو صفت من دست میزند جایگاه خویش را در جهنم میسازد، برای بنده عاجز و بیچاره درست نمیباشد که تکبر نماید و در روی زمین الله ﷻ مغرورانه حرکت کند.

۱. صحیح مسلم [مسلم] ج ۱- ص ۹۳

تواضع ز گردن فرازان نکوست  
گدا گر تواضع کند خوی اوست

تواضع انسان را بر تسلیم در برابر حق وا میدارد، تواضع و فروتنی انسان را به الله ﷻ می رساند، تواضع وسیله موفقیت، پیروزی، عزت و افتخار در حضور الله ﷻ میباشد.

الله ﷻ، میفرماید:

{وَلَا تَمْسِرْ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ  
طُولًا} (اسراء، آیه ۳۷)

ترجمه: و در [روی] زمین به نخوت گام برمداز چرا که هرگز زمین را نمی توانی شکافت و در بلندی به کوهها نمی توانی رسید.

پس تکبر برای چه؟ تو نسبت به زمین، کوه ها و جهان هستی بسیار ضعیف، ناتوان و کوچک هستی خوی و عادت متکبرانه و غرور را از سرت دور کن، این کار تو نیست، تکبر به الله ﷻ زیب و زینت دارد.

در حدیث روایت کرده شده است که روزی رسول الله ﷺ از کوچه‌یی عبور میکردند، جمعی از مردم را در یک نقطه مجتمع دیدند، پرسیدند چرا مردم اینجا جمع شده اند؟

عرض کردند: اینجا دیوانه‌یی است که اعمال جنون آمیز و خنده آورش، مردم را متوجه خود ساخته است،

پیامبر ﷺ آنها را به سوی خود فرا خوانده فرمود: آیا دیوانه واقعی را به شما معرفی نکنم؟ همه خاموش شدند و گوش گرفتند، فرمود: کسیکه با تکبر و غرور راه میرود، پیوسته به دوطرف خود نگاه میکند، پهلوهای خود را با شانه هایش حرکت میدهد، اندیشه اش از خودش فراتر است غیر از خود کسی را

نمی بیند، مردم بر خیرش امید ندارند و از شرش در امان نیستند، دیوانه واقعی اوست، اما این شخص را که میبینید مریض است.

"صاحب فردوس حدیثی را به روایت عبدالله بن عباس (رضی الله عنه) آورده است که پیامبر ﷺ فرمود: این از تواضع است که آب و غذای پس خورده را استفاده کند یعنی بنوشد و بخورد، در اینصورت ۷۰ حسنه برایش نوشته و ۷۰ سیئه یا گناه بخشیده و درجه اش در علین بالا میرود.

"از جابر رضی الله عنه، روایت شده که: نوح علیه السلام برای پسرش گفت: خصال را برایت نشان میدهم که هر کس آن را داشته باشد متکبر نیست ۱- اعتقال یا نگهداری گوسفند. ۲- سوارشدن بر مرکب (خر). ۳- پوشیدن لباس پشمی. ۴- همنشینی با فقراء و مساکین. ۵- غذا خوردن با عیال (زن و فرزندان)؛ این پنج خصلت را هرکس داشته باشد متکبر نیست زیرا شخص متکبر از گوسفند چرانی، مرکب سواری، پوشیدن لباس پشمی ساده، نشستن با فقراء و حتی غذا خوردن با زن و اطفال را خوش ندارد و نمی کند.

حضرت عمر رضی الله عنه، می فرماید: بنیاد و اصل تواضع اینست که در سلام دادن اول باشی اینکه شخص را میشناسی یا نه، به کمترین جای در مجلس راضی باشی و خوش نداشته باشی که مردم توصیف ات کنند<sup>۱</sup>.

متکبر اول سلام نمی دهد و منتظر می باشد که اول دیگران برایش سلام دهند، در مجلس به ادنا ترین جای هرگز راضی نمی باشد و در صدر مجلس جایش را می بیند و اگر توصیفش کنند خشنود می شود. لباس کهنه پوشیدن، ساده زنده گی کردن از نشانه های تواضع و فروتنی است، کسیکه تواضع و فروتنی را عادت کند الله ﷻ مرتبه اش را بلند نموده و برایش عزت میدهد.

پیامبر ﷺ فرموده: **من تواضع لله رفعه الله و من تکبر وضعه الله<sup>۲</sup>**

۱. دره الناصحین ص، ۲۰۱.

۲. کتاب کنز العمال [المتقی الهندی] ج-۳ ص-۱۱۳

ترجمه: هر که تواضع را پیشه کرد الله ﷻ در عزت و مرتبه، بلند اش مینماید و کسیکه تکبر نمود الله ﷻ ذلیلش میگرداند.





## چگونه می‌توان یک مسلمان خوب شد؟

{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ } سوره حج: آیه- ۷۷

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید رکوع و سجود کنید و الله تان را پرستید و کار خوب انجام دهید باشد که رستگار شوید.

این جمله شامل تمام نیکی‌ها شده میتواند که مکارم اخلاق و صله رحمی که از ابن عباس نقل شده جزء این مفهوم می باشد، مسلمان خوب زمانی شده میتوانیم که به تمام نیکی‌ها عمل نماییم و از تمام بدی‌ها پرهیز کنیم، قدرت پیروزی و موفقیت را پیدا نموده و راه رسیدن به پیروزی را جستجو نماییم.

### راه رسیدن به الله سبحانه و تعالی

رستگاری و پیروزی خویش را در کدام عمل و چگونه به دست آوریم؟ چگونه قدرت تفکر پیدا کنیم؟ و روی پیروزی و موفقیت آینده تلاش نماییم که فردای قیامت ذلیل و شرمسار حشر نشویم، اگر الله ﷻ در روز قیامت از ما بپرسد که

در دنیا برای من چه کردید؟ برای دین چه کردید؟ باید جوابی داشته باشیم، دست آورد و دلیل داشته باشیم، الله ﷻ انسان ها را عبث و بیهوده نیافریده، قدرت تفکر، عقل، شعور دریافتن، دانستن، قوه ادراک و تمیز را برای انسان ارزانی داشته است؛ پس، از این باید برای مسلمان خوب شدن استفاده کرد و از امکانات که الله ﷻ در اختیار انسان گذاشته بهره گرفت.

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کار اند

تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

همه از بهر تو سرگشته و فرمان بردار

شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری

(سعدی)

این کمال بی انصافی است که رزق و روزی الله ﷻ را بخوریم، از زمین، هوا، آب، فضا، آفتاب و تمام نعمت ها استفاده نماییم و فرمانبرداری او را نکنیم، یک مسلمان خوب، قدرت شکست دادن خواسته های نفسانی و شیطانی، هوا و هوس را داشته باشد و برای غالب شدن بر آن تمرین و تلاش ورزد؛ و راه دقیق موفق شدن به این، نیز دریافتن و شناختن آن خواسته ها و خواهشات غلط است که اول باید دشمن را شناخت و بعد برای مبارزه با آن با آماده گی کامل و شناخت دقیق از نکته های منفی و باطل بدان غالب و پیروز گردیم.

شما گاهی فکر کرده اید که چرا ذره بین، پارچه، کاغذ، و اشیای نازک را می سوزاند و شیشه پنجره یا کلکین این توانایی را ندارد، در حالیکه هر دو نور را از آفتاب میگیرند و انتقال می دهند؟

جواب ساده است: شما دقت بکنید ذره بین نور آفتاب را جذب نموده و از طریق کانون خود آن را به یک نقطه خاص انتقال می دهد و قوه سوزاندن در آن پیدا می شود؛ اگر کاغذ یا پارچه را جلوی آن بگذارید می سوزاند و اما شیشه ی

دروازه و پنجره اتاق، با وجود آنکه نور آفتاب را از خود عبور میدهند؛ ولی توان سوزاندن را ندارند و نمی‌سوزاند به دلیل اینکه شیشه قدرت متمرکز ساختن انرژی و قوه‌ی بدست آمده را ندارد، نور آفتاب را به همان طریق که جذب نموده انتقال میدهد و ذره بین برعکس است.

چرا این مثال را یادآور شدیم؟ منظور از ذکر این نمونه این بود که باید مسلمانان و یک فرد مومن توانایی و قدرت قبول ایمان و عمل را پیدا کند و نور ایمان در قلب‌ها و افکار به حد راسخ و محکم گردد طوری که ذره بین نور را با قدرت تمرکز خود انتقال می‌دهد و همینگونه باید نور ایمان توانایی و قدرت دفع گناه‌ها و سوزانیدن آنرا داشته باشد که ایمان برای شخصی ایماندار و جوان مسلمان، اجازه انجام گناه را ندهد و در امر مبارزه با گناه و شیطان به پیروزی درآید، این از ویژگی‌های مسلمان خوب و بنده‌گان واقعی الله جل جلاله، می‌باشد.



## تفکر و تدبر سنت فراموش شده

تفکر و اندیشه کلید انوار معرفت و سرآغاز آشنایی به سوی علوم و آگاهی است. برای تفکر و اندیشه سالم رسول الله ﷺ مسلمانان را ترغیب و تشویق نموده است او می فرماید:

تفکر ساعه خیر من عبادته سنه و فی روایه ستین سنه (ابن حبان)

تفکر و اندیشه یک ساعت بهتر از عبادت نفلی یک سال است، و در روایت دیگر آمده است که تفکر یک ساعت بهتر از عبادت شصت سال است. هدف از تفکر، بدست آوردن علم و آگاهی در قلب است. تفکر و اندیشه در قدرت الله ﷻ، در معانی اسماء و صفات الله ﷻ، تفکر در صنعت و خلقت الهی، از قبیل آفرینش آسمان ها، زمین، ستاره گان، کوه ها، کهکشان ها، مه و خورشید، درختان سبز، رنگ های مختلف، نور، تاریکی، رفت و برگشت شب و روز و هزاران نوع جاندار و جانور دیگر برای پی بردن به عظمت قدرت وی ﷻ، عبادت است؛ و یک ساعت تفکر برابر یک سال و یا شصت سال عبادت

محسوب می‌شود؛ اما در ذات الله نباید تفکر کرد. ابن عباس (رضی‌الله‌عنه) روایت می‌کند که رسول الله ﷺ فرمود:

تفکرو فی خلقی الله ولا تفکروا فی الله فانکم لن تقدروا قدره...<sup>۱</sup>

ترجمه: در باره آفرینش الله ﷻ بیندیشید و تفکر نمایید؛ نه در باره ذات الله ﷻ زیرا که شما نمی‌توانید به ذات اقدس او ﷻ پی ببرید.

این تفکر که یک ساعت اش عبادت سال یا سالها محاسبه می‌شود تفکر دینی است. جریان تفکر و اندیشه دینی هر لحظه اش اجر و پاداش بس بزرگی میداشته باشد و جریان فکر دینی بیان ارتباطی بین بنده و الله ﷻ می‌باشد. در آفرینش مخلوقات الله ﷻ، عقل‌ها متحیر می‌شود مخلوقات بزرگ چون آسمان نیلگون بدون ستون، بدون دیوار چگونه بالای سر مان ایستاده است. قرآن کریم مردم را به اندیشه و تفکر در این آفرینش بزرگ جلب و جذب می‌کند، تا هرکس به اندازه استعداد و تفکراش از این اقیانوس بی‌کران سهمی ببرد و از سرچشمه صاف اسرار آفرینش سیراب گردد. جهان آفرینش یا نقشه‌ها و رنگ‌های زیبای طرح شده در اقطار آسمان‌ها و اطراف زمین، نظام تغییر و تبدیل آب و هوا، سردی و گرمی، طول و قصر شب و روز دلیل بسیار روشن برای توحید و یکتایی الله ﷻ است. تفکر در مخلوقات عظیم الله ﷻ که آمیخته با ذکر وی باشد واقعا که نجات بخش است. در حدیثی آمده است که رسول الله ﷺ، بر جماعتی از صحابه در حال عبور کرد که ایشان خاموش بودند و در فکر فرو رفته و باهم سخن نمی‌گفتند، وی فرمود: ما لکم لا تتکلمون؟ چه سبب شده است که سخن نمی‌گویید؟ گفتند: در باره آفرینش الله ﷻ می‌اندیشیم و تفکر می‌نماییم، رسول الله ﷺ فرمود:

۱. کتاب فتاوی و استشارات الإسلام الیوم [مجموعه من المؤلفین] ج-۴ ص-۲۵۰

## فَكَذَلِكَ فَافْعَلُوا تَفَكُّرًا فِي خَلْقِهِ وَلَا تَفَكُّرًا فِيهِ...<sup>۱</sup>

پس تفکر نمایید در باره آفرینش الله ﷻ نه در باره ذات او.

در عصر امروزی بسا افراد هستند که شب‌ها و روز‌ها را در مطالعه این صفحه هستی سپری می‌کنند کشف‌های جدید می‌نمایند، دریچه‌های تازه بسوی معرفت و شناسایی الله ﷻ می‌گشایند، فاصله‌های که بین سیارات، ستاره‌گان و کهکشان‌ها کشف شده، سرعت نور که ۳۰۰ هزار کیلومتر فاصله را در ثانیه طی مینماید، ۳۸۴ هزار کیلومتر فاصله بین مهتاب و زمین و ۵۰ میلیون کیلومتر فاصله بین زمین و آفتاب و همچنان فاصله‌های بین هر سیاره و کهکشان، فاصله بین زمین و آسمان، نظام شمسی و قمری، حرکت و چرخش هریک از اینها، در مسیر برخورد دلیل واضح و روشنی بر وجود خالق کاینات است. بسا کسان به اثر این تفکر و مطالعه ایمان آوردند، الله سبحانه و تعالی را شناختند و تعداد از خدا ناباوران با وجود دلایل روشن و مطالعه فلکی خود این نظام شگفت‌انگیز را می‌بینند به گوشه و کنار این نقشه دل‌انگیز و زیبای جهان آفرینش نظر می‌کنند، عظمت و بزرگی این فضای لایتناهی و حیرت‌انگیز را مشاهده می‌نمایند، اما عینک توحید بر چشم ندارند و الله سبحانه و تعالی را به یگانگی نمی‌شناسند و به این باورمند نیستند که این نظام هستی خالق دارد که او مستحق اطاعت و عبادت باشد. کاش از تفکر و مطالعه جهان هستی فایده درست بگیرند. از امام اوزاعی پرسیدند: فایده تفکر در این نشانه‌های آفرینش چیست؟ فرمود: آنها را بخوانند و در آنها تدبر و تفکر نمایند و به فواید آنها پی خواهند برد. تفکر و تدبر در مخلوقات عظیم الله ﷻ وسیله شناسایی بهتر الله یگانه برای خدا ناباوران خواهد بود، الله ﷻ می‌فرماید:

۱. کتاب فتاوی و استشارات الإسلام الیوم [مجموعه من المؤلفین] ج-۴ ص-۲۵۰

{سُنُرِبِهِمْ آيَاتِنَا فِي الْاٰهَاقِ وَفِي اَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ بَيِّنَ لَهُمْ اَنَّهٗ الْحَقُّ اَوْلَمَ  
يَكْتُفِبْرَبِّكَ اِنَّهٗ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ...} {فصلت: آیه، ۵۳}

ترجمه: به زودی نشانه های خود را در افقهای [گونگون] و در دل‌هایشان بدیشان خواهیم نمود تا برایشان روشن گردد که او خود حق است آیا کافی نیست که پروردگارت خود شاهد هر چیزی است.

آیات و نشانه های افقی چون ماه و خورشید، ستاره گان، ابر و باد ها، انواع گیاهان، جانداران، کوه ها، وادی ها، دره ها، دریاها، چشمه سارها، با عجایب و شگفتی های بی شمار اش موجودات و ذرات گوناگون اسرار آمیز اش که هر زمان اسرار تازه و جدید از خلقت آنها کشف می شود و هر یک علامه و نشانه از قدرت الله ﷻ است. آیات و نشانه های انفسی چون آفرینش دستگاه های مختلف جسم انسان، شکل و ساختمان حیرت آور رگ و پی، گوشت، پوست، استخوان، قلب، جگر، گرده، کلیه، دست، پا، سر، گردن، لب، دندان، زبان، موی، ناخن، ترکیب، جنین در بطن مادر و نظام داخلی انسان که هر یکی کتاب دیگری از معرفت و شناسایی الله ﷻ متعال است؛ منکرین توحید از هر چه انکار می کنند، بکنند ولی نمی توانند از یک نظام شگفت انگیز و حساب شده در عالم هستی، در اطراف و نواحی و وجود خود انسان ها انکار نمایند، جسم و بدن انسان جهان دیگریست انواع پرزه ها و ابزار در بدن و کالبد انسان که برای زندگی انسان به هر وظیفه و انجام کاری توظیف شده است، هرکس میداند و محققین که سال های از عمرشان را در مطالعه ساختمان چشم، گوش، قلب، معده، شش، جگر، ترکیب استخوان، مغز و غیره سپری می کنند، کتاب ها نوشته اند و هنوز اعتراف می نمایند که آنچه لازم بود بدست نیامد و اسرار ناگشوده در مورد انسان باقی است. اختلاف رنگ، اختلاف زبان ها، هم شکل نبودن انسان ها، اختلافات در کوتاهی و طول قد و قامت، چاقی و لاغری، اختلافات در زیرکی و هوشیاری، این همه دلایل دیگری بر وجود الله ﷻ و قدرت کامل



اوست. اگر یک عضو بدن انسان از فعالیت باز ماند میلیون ها دالر و افغانی به مصرف برسد، دیگر آن را به گونه یی که بود نمی توان بدست آورد.

یکی از دوستانم به مرضی دچار شده بود که تنها آب دهان اش خشک می شد، برای معالجه به چندین کشور سفر نمود، پول هنگفت را مصرف کرد اما هیچ فایده نکرد و برای مرطوب نمودن حلق و دهان اش از آب معدنی استفاده می کرد و همیشه ظرف آب به دست داشت، گریه می کرد و می گفت: بسیار به تکلیف هستم برایم دعا کنید تا مشکل را الله ﷻ حل نماید. اینکه در مرطوب بودن دهن، گلو، بینی و چشم چه حکمت های است، الله ﷻ بهتر میداند. در داخل جسم و درون انسان آیات و نشانه های زیادی برای شناسایی الله ﷻ وجود دارد، کجاست چشم بینا و عقل سلیم؟

اگر از جسم انسان بگذریم و به روح آن توجه و تمرکز کنیم کانون عجیبی است که تا هنوز همه علماء و دانشمندان را متحیر ساخته است، جسم انسان، روح انسان، این گیتی پهناور و این جهان بزرگ همه و همه نشانه های از وحدانیت و حق بودن الله متعال است که او یکتا است و شریک ندارد. کور باد چشمانی که از دیدن این همه دلایل انکار می کنند و به توحید الله ﷻ باور ندارند. در حقیقت انسان های خردمند، ذکی، هوشیار، و موفق آنانی اند که از دیدن دلایل افقی و انفسی به جای رسیده اند، به افق و اطراف خود نظر کرده اند، الله سبحانه و تعالی را به یگانه گی شناختند و در عظمت، قدرت و آفرینش آن فکر نمودند، در هیچ حالتی الله سبحانه و تعالی را فراموش نکردند، در حال قیام، قعده بر پهلو نشسته و خوابیده الله سبحانه و تعالی را به بزرگی یاد می کنند و در آفرینش زمین و آسمان تفکر می نمایند و الله ﷻ این کار ایشان را چنین می ستاید:

{الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ  
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...} آل عمران: آیه ۱۹۱

ترجمه: همانا که خدا را در همه احوال ایستاده و نشسته و به پهلو آرامیده یاد می کنند و در آفرینش آسمانها و زمین می اندیشند.

**خوانندگان گرامی:** به هر اندازه که در باره ملک، ملکوت، آسمان ها، زمین، نظام هستی، خلقت انسان ها، آفرینش جهان هستی و همچنان در معانی اسماء و صفات الله ﷻ تفکر و تدبر صورت گیرد به همان اندازه محبت و عشق الله سبحانه و تعالی در قلب انسان پیدا می شود، آنانیکه در قلب و فکر شان عشق الله سبحانه و تعالی وجود ندارد انسان های غافل و دور از حق اند. برای دریافتن حق به دلایل افقی و انفسی باید مراجعه نمایند و به عظمت مخلوقات و صفت الهی فکر کنند و باید بدانند که انسان بدون هدف آفریده نشده است. وسایل و ذرات یک موجود که در دنیا می بینیم هر کدام برای هدفی ساخته شده است، هواپیما، ماشین آلات، وسایل الکترونیکی، تلفن، کامپیوتر، ساعت، رادیو، ماشین رخت شویی و غیره هر کدام هدفی دارد، آیا ممکن است آفرینش انسان و یا مجموعه جهان هستی بی هدف باشد؟

{أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ...} مومنون: آیه،

۱۱۵

ترجمه: آیا گمان کردید شما را بیهوده و عبث آفریده ایم و بسوی ما باز نمی گردید؟

{أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى} قیامه: آیه ۳۶

ترجمه: آیا انسان فکر میکند بیهوده ترک می شود؟ هرگز نه، ناممکن است، انسان برای هدف بزرگی آفریده شده است که باید

هدف را بداند، چگونه میتوان باور کرد که الله ﷻ این جهان پهناور را، با این همه شگفتی ها و زیبایی ها برای انسان آفرید، و در آفرینش انسان هدفی نباشد و همین گونه عبث و مهممل گذاشته شود؟

{وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ} الذاریات: آیه، ۵۶

من جن و انس را نیافریدم، جز برای اینکه عبادت ام کنند.  
 عبودیت، خدا شناسی، ابتلاء توسط خوشی ها و بلا ها و اظهار آخرین درجه خضوع و عاجزی در برابر معبود یکتا و رسیدن به رحمت الهی هدف اصلی آفرینش انسان است، هدف از عبادت الله سبحانه و تعالی در مسیر خواست او، و مطابق فرمان او گام برداشتن، روح و جان را به او سپردن، عشق او را در دل جای دادن است که به عبارت دیگر تکامل انسانی از آن یاد می شود.  
 عطاء بن ابی رباح می گوید: روزی من و عبید بن عمیر با هم نزد مادر مومنان عایشه (رضی الله عنها) رفتیم، عبید (رضی الله عنه) پرسید، ای مادر مومنان، شگفت انگیز و عجیب ترین اعمال رسول صلی الله علیه و سلم، که در عمرت دیده ای چه بود؟ عایشه (رضی الله عنها) شروع به گریستن کرد و فرمود: تمام کار پیامبر صلی الله علیه و سلم شگفت انگیز بود، ولی از همه عجیب تر اینکه شبی از شب ها در کنار من بود فرمود: بگذار خدایم را عبادت کنم؛ برخواست لباس پوشید، کنار مشک آب رفت وضو گرفت و به نماز ایستاد شد و آنقدر در حال نماز و در جذبہ خاص الهی اشک ریخت که ریش مبارک و جلو لباس اش تر شد بعد به سجده رفت چنان گریست که زمین تر شد و این حالت تا طلوع صبح ادامه داشت، هنگام صبح بلال (رضی الله عنه) برای اذان آمد و رسول الله ﷺ، را در حال گریه و اشک دید، عرض کرد یا رسول صلی الله علیه و سلم چرا گریه می کنید؟ شما که شامل لطف الله ﷻ هستید؟ گناهان گذشته و آینده شما بخشیده شده است، فرمود:

وَيَحَاكَ يَا بِلَالُ، وَمَا يَمْنَعُنِي أَنْ أَبْكِي وَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى فِي هَذِهِ  
الَّيْلَةِ<sup>۱</sup>: {إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...} آل عمران: آیه ۱۹۰ -

۱۹۴

ترجمه: وای بر تو ای بلال چگونه مرا منع میکنی از اینکه گریه کنم.  
بدون شک الله امشب این آیه ها را بر من نازل کرد، آیت ها را تلاوت فرمود  
وبعد گفت:

### ویل لمن قراها و لم يتفكر فيها (الحديث)

وای بر حال کسیکه آن را بخواند و در معنی و مفهوم آن تفکر نکند. یعنی  
در صنع بدیع و بزرگی آسمان ها و زمین و آنچه که از مخلوقات در آنهاست  
بیندیشند. بعضی از علماء گفتند: مراد از ذکر در آیات مذکور نماز است یعنی  
مسلمان خوب در هیچ حالت نماز اش را ترک نمی کند و در میان ذکر و فکر  
جمع میکند، ذکر اش آمیخته با فکر و فکر اش آمیخته با ذکر میباشد.

**بلی جوانان عزیز:** تفکر یک ساعت برابر یک سال عبادت است به شرط  
که آمیخته به ذکر الهی باشد؛ بطور مثال شما روی ساختار یک عدد سیب، کینو  
یا مالت می اندیشید و فکر می کنید که آغاز اش چگونه است، چندین مرحله را  
طی می کند؟ و چند بار چنین تغییرات به وجود می آید تا آماده خوردن شود؟ این  
همه رنگ ها، لذت ها، آب داخل مالت، کینو و سیب، دانه ها، پوست های نازک  
و تیره و ترکیب داخلی و خارجی آن همه از قدرت الله ﷻ است. دهقان، باغبان،  
وسایل زراعتی همه از ساختن چنین چیزی عاجز اند، در حالی که به قدرت  
بزرگ الله سبحانه و تعالی می اندیشید در عین حال ذکر الله سبحانه و تعالی را  
می کنند، الحمد لله این همه میوه ها و نعمت ها را برای ما انسانها آفریده است.  
در یک شبانه روز ۲۴ ساعت اگر یک ساعت آنرا در صنع، خلقت و آفرینش الله

۱. کتاب موسوعة الإعجاز العلمي في القرآن والسنة [النابلسي، محمد راتب] ج-۱ ص-۲

ﷺ صرف نمایید بزرگترین عبادت و پاداش را از آن خود می‌کنید، بسا اشخاص و افراد هستند که ساعت‌ها را در خیال بافی، تصورات غلط، رویای نادرست، اندیشه‌های پوچ، پندارهای نامناسب، افعال و تصویر غلط گذشته را در ذهن تجدید و احیاء می‌نمایند، نیروی فکری‌شان را در وهم و خیال مصرف می‌کنند که این کار نه تنها ثواب ندارد بلکه ضیاع وقت و عذاب دردناک در قبال میداشته باشد که از این نوع تفکرات غلط باید پرهیز صورت گیرد.



## امر به معروف چیست و وظیفه‌ی کیست؟

یکی از شعبه‌های اصلاحی در نظام اسلامی شعبه امر به معروف و نهی از منکر است، امر به معروف و نهی از منکر در حقیقت مبارزه با فساد و دعوت به سوی حق می‌باشد، این دو فریضه اسلامی هر مسلمان است، امر به نیکی و نهی کردن از بدی راه تمام پیامبران علیهم‌السلام می‌باشد هر پیامبری که آمده این وظیفه را اجرا نموده است در امر به معروف و نهی از منکر فواید زیاد نهفته است، جلو فساد گرفته می‌شود، روزی مردم حلال می‌گردد، حقوق تمام افراد جامعه تأمین می‌گردد، وحدت مردم حفظ می‌شود، کسی به آبرو و ناموس مسلمان تجاوز کرده نمیتواند، از عمل و کارکردهای مردم نظارت می‌شود، قانون و فرمان الهی تطبیق می‌گردد؛ این فریضه الهی حالا به امت سپرده شده به تمام امت، زیرا دیگر پیامبری برای اصلاح امت نمی‌آید سلسله‌ی نبوت خاتمه یافته این وظیفه هر فرد مسلمان جوان، کهن سال، عالم، عابد، شیخ، صوفی، مرد، و زن است که همه باید امر به معروف کنند.

اللهم میفرماید:

{وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ  
وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ} توبه: آیه- ۷۱

ترجمه: و مردان و زنان با ایمان دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده و  
می دارند و از کارهای ناپسند باز می دارند.

بعضی در امر به معروف و نهی از منکر کردن باهم شریک اند این وظیفه  
مشترک مردان و زنان مسلمان است، اصلاح جامعه منحصر به ادای همین دو  
فریضه الهی می باشد، امر به معروف و نهی از منکر ضامن بقای حفظ اجتماع  
جامعه و ملت است، الله ﷻ شمارا بهترین امت خوانده است چرا؟  
شما را از میان امت ها بهتر و برتر گردانیده و بزرگترین مقام را برای شما داده  
است که برا امتان گذشته نداده بود.

{كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ  
وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ} آل عمران: آیه- ۱۱۰

ترجمه: شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده اید به کار  
پسندیده فرمان می دهید و از کار ناپسند باز می دارید و به الله ﷻ ایمان دارید.  
شما بهترین امت بودید که به سود و منافع انسان ها آفریده شده اید، به خاطر  
اینکه امر به معروف و نهی از منکر میکنید و به الله ﷻ ایمان دارید این از ویژه  
گی های شما امت است و همین، دلیل بهتر بودن شما نسبت به سایر امت ها  
است، شما وظیفه پیامبران ﷺ را به دوش دارید، امر به معروف و نهی از منکر،  
ایمان به الله ﷻ خدمت گذاری برای مردم است و ضامن گسترش ایمان ما و  
اجرای تمام قوانین در جامعه انسانی می باشد، نظامی که در آن امر به معروف  
و نهی از منکر نباشد ریشه های ایمان در دل ها سُست و ضعیف گردیده و  
پایه های آن از هم می پاشد، فساد و بی بند باری گسترش می یابد جرأت گناه  
کردن در هرکس پیدا می شود و هرکه هرچه خواست از منکرات را انجام میدهد،



مسلمانان تا زمان امت بهتر و ممتاز اند که حد اقل یک گروهی برای امر به معروف و نهی از منکر در میان ایشان وجود داشته باشد مردم را به سوی حق دعوت کنند و با فساد مبارزه نمایند در غیر آن این امتیاز را از دست خواهند داد.

{وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ} رستگارانند. آل عمران: آیه-۱۰۴

ترجمه: و باید از میان شما گروهی [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند و آنان همان رستگارانند.

باید از میان شما، گروهی دعوت به نیکی، امر به معروف و نهی از منکر کنند، و آنها رستگارانند؛ در صورتیکه همه مردم امر به معروف و نهی از منکر نتوانند گروهی خاص باید این وظیفه را ادا نمایند و سایر مردم با ایشان دست همکاری دهند تا جلو فساد گرفته شود و احکام الله ﷻ در میان مردم تطبیق گردد، شما خیرالناس، خیرالامم و بهترین مردم هستید در زمین الله ﷻ از شما بهتر کسی نیست، شما وظیفه پیامبری دارید، پیر و جوان برای ادای فریضه امر به معروف و نهی از منکر به پا خیزید، این وظیفه مقدس را ترک نکنید که امتیاز خیرالامم و خیرالناس بودن را از دست می‌دهید.

خدیفه (رضی الله عنه) روایت میکند که پیامبر ﷺ فرمود:

وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَتَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَلَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيُوشِكُنَّ اللَّهُ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عِقَابًا مِنْهُ ثُمَّ تَدْعُونَهُ فَلَا يَسْتَجِيبُ لَكُمْ (ترمذی)

ترجمه: قسم به ذاتی که نفس من به دست بلاکیف اوست هرآنکه امر به معروف و نهی از منکر کنید در غیر آن قریب است که الله ﷻ عذابی را به سراغ شما بفرستد، بعد در آن زمان دعا هم کنید در آن وقت دعای شما قبول نشود. ترک امر به معروف و نهی از منکر موجب آمدن عذاب الهی می‌گردد، عذابی

که برای دور شدن اش دعا می‌شود ولی دعا قبول نمی‌گردد در بعضی از روایات آمده است در صورت ترک امر به معروف و نهی از منکر الله ﷻ ستمگر را بالای شما مسلط می‌سازد که نه به پیران و بزرگان احترام می‌کند و نه به خرد سالان رحم مینماید، نیکان و صالحان شما در آن وقت دعا می‌کنند و از الله ﷻ یاری می‌طلبند دعای ایشان مستجاب نمی‌گردد و الله ﷻ ایشان را کمک نمی‌کند.

مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ فَهُوَ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَخَلِيفَةُ رَسُولِهِ، وَخَلِيفَةُ كِتَابِهِ<sup>۱</sup>

ترجمه: آنانی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند خلیفه الله، خلیفه رسول الله ﷺ و خلیفه کتاب الله ﷻ در زمین الله ﷻ اند.

شخصی به خدمت رسول الله ﷺ در حالی حاضر شد که پیامبر اکرم ﷺ بفرزاد منبر نشسته بود پرسید، من خیرالناس؟ بهترین مردم کیست؟ پیامبر ﷺ فرمود: کسی که بیشتر امر به معروف و نهی از منکر کند، از همه پرهیزگارتر باشد و در راه رضا الله ﷻ بیشتر گام بردارد. (مسند، احمد)

**بلی جوانان عزیز!** شما وظیفه خطیری امر به معروف و نهی از منکر را عهده دار هستید، خلیفه الله ﷻ در زمین هستید بعد از پیامبران ﷺ از بهترین انسانهای روی زمین شمرده می‌شوید. الله ﷻ، پیامبر اکرم ﷺ و قرآن کریم شمارا بهترین خواننده است، به واقعیت شما بهترین هستید، چرا؟ چون به الله ﷻ ایمان دارید، مردم را به خیر دعوت میکنید، امر به معروف و نهی از منکر مینمایید، این صفات شمارا به درجه بهترین رسانیده است و الله ﷻ انسانهای بهتر را خلیفه خود در زمین انتخاب میکند، اجرای امر به معروف و نهی از منکر کار پیامبران ﷺ و خلفا است، اما امروز نه پیامبری می‌آید و نه خلیفه وجود دارد پس وظیفه امر به معروف و نهی از منکر مسؤلیت امت، علما، دانشمندان،

۱. (قرطبی، ج ۴ ص ۴۷)

خطباء، استادان، اهل علم و عرفان، جوانان تحصیل کرده، اهل خرد و دانش است در صورت غفلت و تعطیل این وظیفه دینی تمام احکام و اصول اخلاق ارزش خود را از دست خواهد داد؛ پس جلو فساد، ظلم، بد اخلاقی و منکرات را با گفتار نرم و دعوت مؤدبانه بدون خشونت بگیرید امر به معروف و نهی از منکر خشونت نیست، مداخله در کار مردم نمی باشد این امر الهی است در فضای برادری و اخوت اسلامی با الفاظ شیرین در قالب ادب و اخلاق اسلامی پیشکش نمایید اگر منع نشدند شما مسیر را ترک نکنید و از ملامتی ملامت کننده نترسید طبق قدرت و توانایی، امر به معروف و نهی از منکر نمایید، مسؤلیت اداء می شود و مقام بهتر بودن حفظ می‌گردد، در غیر آن بزرگترین خساره و زیان را متحمل خواهیم شد.

پیامبر ﷺ میفرماید:

إِنَّ أَوَّلَ مَا دَخَلَ النَّفْسُ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ كَانَ الرَّجُلُ يَلْقَى الرَّجُلَ،  
فَيَقُولُ: يَا هَذَا! اتَّقِ اللَّهَ، وَدَعْ مَا تَصْنَعُ؛ فَإِنَّهُ لَا يَحِلُّ لَكَ. ثُمَّ يَلْقَاهُ مِنْ  
الْغَدِ وَهُوَ عَلَى حَالِهِ؛ فَلَا يَمْنَعُهُ ذَلِكَ أَنْ يَكُونَ أَكِيلَهُ وَشَرِيبَهُ وَقَعِيدَهُ،  
فَلَمَّا فَعَلُوا ذَلِكَ<sup>۱</sup>.

ترجمه: اولین نقص و زبانی که بر بنی اسرائیل وارد شد این بود که مردی می‌گفت: ای فلان از الله بترس، بگذار این کار حلال برایت نیست، فردا می‌دید که آن شخص همچنان به منکر ادامه می‌دهد، چیزی برایش نمی‌گفت و با وی در خوراک نوشیدنی اش شریک میشد و با او می‌نشست.

پس الله ﷻ قلب هایشان را در هم زد و به زبان داود و عیسی بن مریم ﷺ ایشان را لعنت کرد؛ اگر شما هم چنین کنید مانند بنی اسرائیل قلب های تان درهم زده خواهد شد مورد لعنت قرار خواهید گرفت، مردم مسؤلیت دارند که

۱. کتاب رساله الشرك ومظاهرة) [مبارک الملبی] ج-۱ ص-۸۴

دست ظالم را بگیرند، جلو فساد ایستاد شوند و کلمه حق را برای ایشان بگویند، اگر قرار باشد که از این موضوع صرف نظر شود یا مصلحت‌ها دنیوی و روابط شخص‌خدا شده دار نشود مثلاً بعضی‌ها میگویند که برایش چیزی نمی‌گویم که خفه می‌شود، آمر اش است، دوست اش است، شریک کار و اطاق اش است یا می‌ترسد به دلایل نمی‌تواند امر به معروف و نهی از منکر نماید؛ امر به معروف به خیر همه اقشار جامعه است در صورت ترک، امکان آمدن عذاب به گونه عام است که همه را شامل خواهد شد.

پیامبر ﷺ میفرماید:

إِنَّ النَّاسَ إِذَا رَأَوْا الظَّالِمَ فَلَمْ يَأْخُذُوا عَلَى يَدَيْهِ أَوْشَكَ أَنْ يَعْمَهُمُ اللَّهُ  
بِعِقَابٍ مِنْهُ<sup>۱</sup>

ترجمه: به یقین مردم ظالم را در حالی ببینند که ظلم می‌کنند و دست‌ش را از ظلم بر ندارند، قریب است که عذاب عام از جانب الله ﷻ بر سرشان بیاید. گفتن کلمه حق به نزد ظالم بزرگترین جهاد است، اگر امر به معروف نشود و جلو منکرات گرفته نشود ظلم و فساد عام می‌شود و ضرر اش به تمام جامعه می‌رسد که در این وقت عذاب الهی نازل خواهد شد و در صورت نزول عذاب، گنهگار و بی‌گناه همه هلاک خواهند گشت.

در حدیثی آمده است که: جمعیتی در کشتی سوار است سفر می‌کنند یک نفر از میان ایشان به سوراخ کردن کشتی می‌پردازد تا آب بگیرد اگر جلو آن فرد گرفته نشود کشتی سوراخ گردد آب به داخل کشتی نفوذ نموده تمام اهل کشتی را غرق مینماید؛ این خوب‌ترین مثال نشان‌دهنده‌ی امر به معروف و نهی از منکر است که خاموش نشستن و تماشا کردن سبب هلاکت مردم و جامعه می‌گردد، در برابر منکرات نباید خاموش نشست.

۱. کتاب الجامع الصغیر و زیاده [السیوطی] ص ۷۳۶

اگر بینی که ناپیناه و چاه است اگر خاموش بنشیننی گناه است  
مردم را به نیکی و معروف امر نکردن و از منکر و بدی ها منع نه فرمودن ترک  
فریضه الهی است انسان را سخت مورد عذاب قرار داده و در گناه و معصیت  
شامل اش می گرداند و شخص به نکرده آن، گنهکار می شود و زمینه فساد برای  
مفسدین فراهم میگردد، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه هر فرد شماس است  
این مسؤلیت بزرگ بدوش شما جوانان دین دوست، تحصیل کرده و طبقه چیز  
فهم انداخته شده است جزی ترین غفلت از خود نشان ندهید خیر ملت و جامعه  
درهمین است، این امر پروردگار، سنت و روش همه پیامبران، طریقه علما،  
وصالحین می باشد این یک برنامه الهی است نظامی که در آن امر به معروف  
و نهی از منکر نباشد و مردم به سوی نیکی ها دعوت نشود، حق به فراموشی  
سپرده شود خیری در آن نمی باشد و الله ﷻ از چنین نظامی راضی نخواهد بود،  
امر به معروف و نهی از منکر تضمین کننده تمام خوبی ها در جامعه می باشد،  
امر به معروف و نهی از منکر بهترین وسیله اصلاح جامعه خواهد بود، جامعه  
و مردم که به امر معروف و نهی از منکر اصلاح نشود به چیزی دیگری اصلاح  
نخواهند شد، پس از این وسیله برای جلوگیری منکرات و دعوت به نیکی ها  
و خوبی ها با دست و زبان وارد عمل شوید در غیر آن بد دیدن با قلب آخرین  
وضعیف ترین درجه ایمان خواهد بود، سخنان امر به معروف و نهی از منکر  
شما حتما تأثیر دارد و سبب رضای الله ﷻ خواهد شد زیرا شما خلیفه الله ﷻ  
در زمین الله ﷻ هستید به شیوه یی مردم را بفهمانید که به گفته های شما گرایش  
پیدا کنند و زیر تأثیر سخنان شما قرارگیرند، حق را دریابند و به کاروان آمرین  
بالمعروف و نهی کننده گان منکر بیوندند، سخنان شما به حد نرم، مؤثر، دل  
انگیز و خوش نما باشد که در قلب مخاطب نفوذ کند و تعهد بسپارد که دیگر از  
منکرات و کارهای بد دست بر می دارد و به کارهای نیک و معروف رو می آورد  
و تا زنده است از اعمال شیطان اجتناب نموده هرگز به فساد نزدیک نمی شود و

با فساد پیشه گان همنشینی نمیکنند، از اوامر الله ﷻ اطاعت میکند و به سنت پیامبر ﷺ عمل مینماید، فرایض الهی را به جا میکند و تا به پای مرگ در زیر چتر اسلام مطابق قانون الهی زنده گی مینماید؛ امر بالمعروف و نهی عن المنکر وظیفه شماست.

### آنهايي که می گویند ولی عمل نمی کنند

آنهايي که مردم را به حق دعوت می دهند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند اما خود شان عمل نمی کنند بر خود ظلم و ستم روا میدارند، این کار سخت گناه دارد و عذاب ایشان فردای قیامت شدید تر و سخت تر از هر کسی دیگر است، این بزرگترین جرم است که دیگران را به نیکویی و خیر دعوت دهی و خودت به غیر آن عمل نمایی.

الله ﷻ می فرماید:

{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ } الصف: آیه ۲-۳

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید چرا چیزی می گوئید که انجام نمی

دهید.

{ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ }

ترجمه: نزد الله ﷻ سخت ناپسند است که چیزی را بگوئید و انجام ندهید.

گناه بزرگ و بغض شدید در نزد الله ﷻ است که سخنی را بگوئید و به آن عمل نکنید، آنهايي که دعوت گر اند، امر به معروف و نهی از منکر می کنند گفتار شان نباید خالی از عمل باشد در میدان عمل باید مردم را دعوت دهند عمل ایشان نمایانگر دعوت ایشان بوده باشد، مثلا شخصی را به ترک شراب، بنگ و اضرار سیگار با خبر می سازد و خود اش سیگار به دست دارد و میخواهد دود کند هرگز بالای مخاطب تاثیر نمیکنند، وقتیکه دیگران را از ضرر های سیگار

آگاه می‌سازی قبل از آن خودت باید ترک کرده باشی در عمل برای مخاطب نشان بدهی که این پدیده ضرر جانی و مالی دارد، انسان را هلاک میکند، یا کسی در مورد اهمیت ریش از دیدگاه اسلام در حالی سخن می‌گوید و مردم را دعوت می‌دهد که خودش ریش را تراش می‌نماید، این گونه دعوت‌ها هیچ تأثیری بالای شخص مخاطب و شنونده نمی‌داشته باشد و در عین حال موجب خشم الله ﷻ می‌گردد. جای دیگر الله ﷻ می‌فرماید:

{أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ} البقره: آیه-۴۴

ترجمه: آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید با اینکه شما کتاب [الله] را می‌خوانید آیا [هیچ] نمی‌اندیشید.

هر گاه دعوت‌گر امر به نیکی‌ویی و معروف و منع‌کننده منکرات در عمل، خود را اصلاح بسازد سخن‌اش تأثیر بیشتر خواهد داشت، سخن‌گوی مردم را باید توأم با عمل دعوت دهد و خود را در میدان به نمایش بگذارد تا مردم تماشا کند و از آن بیاموزند.

از حضرت اسامه بن زید (رضی‌الله‌عنه) روایت است او می‌گوید از رسول الله صلی‌الله‌علیه و سلم شنیدم که می‌گفت: روز قیامت مردی را می‌آورند و به آتش جهنم می‌افکنند چنان عذاب‌اش می‌نمایند که امعاء و یا روده‌هایش خارج می‌شود و آن مرد در اطراف روده‌ها می‌چرخد طوری‌که مرکب در اطراف میخ آسیا بچرخد، اهل دوزخ در اطراف‌اش جمع میشوند و می‌گویند: هی فلان! مگر تو امر به معروف نمی‌کردی؟ و از منکرات منع نمی‌نمودی؟ او می‌گوید بلی: امر به معروف می‌کردم، اما خودم عمل نمی‌کردم، نهی از منکر می‌کردم، و خودم از منکر منع نمی‌شدم. (بخاری و مسلم)

دیگران را به نیکی‌ویی دعوت دادن، امر به معروف و نهی از منکر نمودن و

خود به آن عمل نکردن، دیگران را از بدی منع کردن و خود در بدی فرو رفتن عواقب بسیار بد و دشوار دارد که عذاب چنین شخص در جهنم خلاف عذاب سایر دوزخیان می باشد و چه عذاب رسوا کننده که روده ها از شکم خارج می شود و شخص در اطراف روده ها در داخل دوزخ دور میزند، دوزخیان عذاب خودشان را فراموش نموده متوجه وی می شوند و آن شخص را می شناسند که در دنیا مردم را به نیکی ها و خیر دعوت میداد، امر به معروف و نهی از منکر می کرد، اما حالا چرا در دوزخ به این شکل عذاب کرده می شود؟ پرسان میکنند که تو شخص خوب و نیک بودی در دنیا امر به معروف و نهی از منکر میکردی چگونه به این عذاب مبتلا شدی؟ میگوید: برای مردم می گفتم، تبلیغ میکردم، امر به معروف می نمودم و خودم هیچ عمل نمی کردم این سزای من است که امروز در جهنم میبینم؛ پس چه بهتر که انسان اول خود را اصلاح نماید عمل خود را درست کند و بعد به دعوت دیگران بپردازد، امر به معروف و نهی از منکر نماید تا جای ایراد و انتقاد برای مردم نماند و آنچه را که می گوید، اول خود اش به آن عمل کند در غیر آن مورد باز پرسى الله ﷻ قرار گرفته عذاب خواهد شد، آنهایی که دیگران را برای نماز جماعت دعوت می دهند و امر می کنند، خودشان برای وضوء آماده نیستند آنهایی که مردم را به دادن زکات و صدقه امر می نمایند و خودشان دهن جیب های شان را قفل میزنند، آنانیکه دیگران را از شراب نوشی، قمار، و زنا منع میکنند، اما خودشان به استقبال شراب و زنا میروند، و آنانیکه مردم را از گرفتن رشوه و سود منع می نمایند و خودشان از خوردن سود و گرفتن رشوه پرهیز نمیکنند باید بدانند که در جهنم چنان عذاب می شوند که روده ها از شکم خالی شده و در اطراف آن می چرخند و همه دوزخی ها به تماشای ایشان جمع خواهند شد که آن بزرگترین رسوایی و ذلت در محضر عام خواهد بود آنهاییکه به کمترین ذلت و رسوایی در دنیا در حضور



تعداد اندکی از مردم راضی نیستند به سخت‌ترین عذاب ذلت بار در حضور مجمع بزرگ از دوزخیان چگونه راضی خواهند شد؟  
آنهاییکه اندک‌ترین ملامتی را در دنیا قبول نمیکنند در روز قیامت ملامت ملانکه‌ها و دوزخیان را چسان قبول خواهند کرد؟ وای بر حال آن‌هایی که مردم را امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و خودشان از عمل کردن صرف نظر می‌نمایند.

### {لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ} الصف: آیه-۲

ترجمه: چرا می‌گویید آنچه را که خودتان عمل نمیکنید؟  
دنیا بهترین مکان و زندگی بهترین وقت برای اصلاح عمل و نیت می‌باشد، اصلاح شدن قبل از مرگ وسیله خوشحالی‌های بعد از مرگ خواهد بود، اعتراف نمودن به گناه و پشیمانی و ندامت در دنیا بهتر از آن است که در آخرت اظهار عجز و ندامت‌نمایی و پذیرفته نشود؛ اینکه زنده هستی هنوز وقت و فرصت داری تا خودت را اصلاح‌نمایی و از گناهان پاک‌سازی تا فردای قیامت در عذاب جهنم رسوا و ذلیل نگردی.

الها از عذاب جهنم و از رسوایی روز قیامت به تو پناه می‌بریم!

اللَّهُمَّ! أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةٌ أَمْرِي، وَأَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعَاشِي، وَأَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي إِلَيْهَا مَعَادِي، وَاجْعَلِ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ، وَاجْعَلِ الْمَوْتَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ!



## صداقت و راستی راز موفقیت

واژه «صداقت» از «صدق» در اصل به این معنا است که گفتار و یا خبری که داده می‌شود، مطابق با خارج باشد، و کسی را که خبرش مطابق با واقع و خارج باشد، «صادق» و «راست‌گو» می‌گویند. اما از آن‌جا که به طور استعاره و مجاز، اعتقاد، عزم و اراده را هم قول نامیده‌اند، در نتیجه صدق را در آنها نیز استعمال کرده، انسانی را هم که عملش مطابق با اعتقادش باشد و یا کاری که می‌کند با اراده و تصمیمش مطابق باشد، صادق و راست‌گو نامیده‌اند!

مسلمان خوب، صادق و راست‌گو می‌باشد؛ راستی و صداقت به عزت و مقام شامخ انسانی می‌افزاید و او را در میان مردم و جامعه انسانی، آدم خوب معرفی می‌کند، صداقت در قول و عمل سبب نجات انسان می‌گردد، الله ﷻ شخص راست‌گو را دوست دارد، دین مقدس اسلام، مسلمانان را به صداقت و راستگویی دستور می‌دهد.

الله ﷻ، در قرآن کریم می‌فرماید:

---

۱. ۱۴۱۷ق؛ راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۴۷۸، دارالعلم الدار الشامیة، دمشق بیروت.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ {سوره توبه: آیه-}

۱۱۹

ترجمه: ای مومنان از الله ﷻ بترسید و با صادقان باشید.

در برابر امر و فرمان الله ﷻ مخالفت نکنید آنان که از الله میترسند هرگز فرمان الله ﷻ را نادیده نمیگیرند و با صادقان و راستگویان همگام میباشند، در کار و معامله شان خیانت و دروغ را راه نمیدهند، در آیه شماره سی و پنج سوره احزاب الله ﷻ برای مردان و زنان راستین و صادق القول و عده مغفرت و اجر عظیم را نموده است؛

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ  
وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ  
وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ  
وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ  
اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا (الاحزاب ۳۵)

ترجمه: مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان و مردان و زنان عبادت پیشه و مردان و زنان راستگو و مردان و زنان شکیبا و مردان و زنان فروتن و مردان و زنان صدقه دهنده و مردان و زنان روزه دار و مردان و زنان پاکدامن و مردان و زنانی که خدا را فراوان یاد می کنند خدا برای [همه] آنان آمرزشی و پاداشی بزرگ فراهم ساخته است.

در ده ها جای قرآن کریم و روایات پیامبر ﷺ از انسان های صادق و راستگو تمجید به عمل آمده و ایشان را توصیف نموده است؛ پس صداقت و راستی راه نجات است، مسلمان خوب از راه صداقت و راستی نباید منحرف شود؛ چون برای مسلمانان و مومنان درست نمیشود که از فرمان الله ﷻ سرکشی نمایند،

برای اینکه بتوانند راه پر خم و پیچ تقوا را بدون اشتباه و انحراف بپیمایند امر میفرماید که با صادقان باشید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ (التوبه: ۱۱۹)

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا تقوا کنید و با راستان باشید. اینکه منظور از صادقین چه کسانی اند؟ در میان علماء بحث و جدال است؛ اما خلاصه و فشرده آن اینست که صادقین و راستگویان آنهایی هستند که تعهدات خود را در برابر ایمان به الله به خوبی انجام میدهند و عهد شکن نمیشوند، گفتارشان با اعتقاداتشان هماهنگ میباشد، در برپاداری نماز پایبند بوده و زکات اموال خود را می پردازند، برای ضعیفان، بی سرپناهان، مسافران و بینویان خرج می کنند، با اقارب و نزدیکان شان صله‌ی رحمی می نمایند و در حالت های دشوار و سخت استقامت مینمایند، از کار های غلط و نامشروع پرهیز می کنند، کوتاه سخن اینکه؛ صادقین دارای ایمان به تمام مقدسات و بدنال عمل آن در تمام زمینه ها باشد.

(نافع از عبدالله ابن عمر (رضی الله عنه) روایت میکند: الله ﷻ نخست مسلمانان را دستور داد که از الله ﷻ بترسند، سپس فرمود: (کونوا مع الصادقین)، ای مع محمد ﷺ و اصحاب (باشید با صادقان یعنی همراه محمد ﷺ و یاران اش) مراد از صادقین اینجا محمد ﷺ و یاران اش (رضی الله عنه) اند؛ در روایت دیگر (مع محمد ﷺ و اهل بیته) (مراد از صادقین محمد ﷺ و اهل بیت است) منظور از همراه بودن با محمد ﷺ، یاران و اهل خانواده اش و پیروی نمودن و دنبال نمودن راه آنان و همگام بودن با آنها است، نه همنیشینی با ایشان؛ چون منظور آیه عام است و شامل صادقین و راستگویان هر عصر و نسل شده میتواند. (تفسیر فخر الرازی - تفسیر البرهان)

بلی خواننده گرامی! صدق و راستی در قول و عمل آرامش و اطمینان خاطر به بار می آورد؛ پیامبر ﷺ میفرماید:

(فان صدق طمانینه...)

صدق و راستی آرام بخش است.

اگر شخص از صفت راستی و صداقت در گفتار و کردار اش محروم باشد همیشه مضطرب، آشفته و لرزان خواهد بود، وقار و مرتبه اش در میان هموعان کم خواهد شد، مردم بالایش بی باور شده و اعتماد اش را از دست خواهد داد؛ جوانی که به صداقت و راستی عمل می نماید هرگز دچار اضطراب و آشفته گی نمی شود؛ چون راست میگوید، راست کار میکند و در قول و وعده اش صادق است و از هیچ کسی هراس ندارد. صداقت و راستی، شخص راستکار و صادق را به طرف نجات و نیکی رهنمایی میکند و نیکی، شخص را به بهشت میرساند. عبدالله ابن مسعود (رضی الله عنه) روایت که میکند رسول الله ﷺ فرمود:

انَّ الصَّدْقَ يَهْدِي إِلَى الْبِرِّ، وَإِنَّ الْبِرَّ يَهْدِي إِلَى الْجَنَّةِ،...

ترجمه: به یقین که راستی به سوی نیکویی و نیکویی به سوی بهشت هدایت میکند.

مگر تو ای جوان مسلمان؛ نمی خواهی صادق و راستکار باشی تا وارد بهشت جاویدان شوی؟ مگر نمی خواهی که با پیامبر اکرم s، اهل بیت و یارانش همگام و هم قدم باشی؟ آیا نمی خواهی از برکت راستی و درستی دل ات همیشه آرام و روان ات شاد باشد؟ نمی خواهی مردم ترا به نام نیک یاد کنند و در صف مسلمانان راستین قرار بگیری؟ انشاء الله پاسخ مثبت است و همه دوست دارند.

## راست گویی مرد که باعث نجات کاروان، از ره‌زنان شد

گفته اند: شیخ عبدالقادر جیلانی رحمه الله، با اتفاق قافله‌ای در یک سفر با گروه دزدان و ره‌زنان برخورد کرد، ره‌زنان قافله را توقف داده و به گرفتن و غارت اموال شان آغاز نمودند. آهسته آهسته نوبت شیخ رسید.

دزد پرسید: چه مقدار پول داری و در کجا پنهان کردی؟

شیخ جیلانی رحمه الله، که نمی‌توانست دروغ بگوید و از کودکی مادرش راستی و صداقت را برایش آموخته بود و تعلیم میداد که: (هیچگاه در زندگی دروغ نگو و همیشه راست بگو و همیشه راستگو باش!) توصیه مادر از همان دوران و آوان کودکی در دل اش جا گرفته بود و او راست اش را گفت و مقدار پول و مکان آنرا برای ره‌زن نشان داد؛ این در حالی بود که سایر کاروانیان پول‌ها و وسایل قیمتی شانرا پنهان کرده بودند و کوچک‌ترین کاروانیان از لحاظ عمر و سن شیخ عبدالقادر بود، ره‌زنان تعجب نمودند و از شیخ پرسیدند:

چه باعث شد که راست گفתי و مقدار پول را با جای خودش نشان دادی؟

شیخ گفت: مادرم برایم توصیه کرده بود که هرگز دروغ نگویم و راستگو و

صادق باشم.

در نتیجه‌ی راستگویی شیخ، ره‌زنان به هیچ‌یک از کاروانیان آسیب نرساندند و خودشان نیز هدایت شدند. پس راستگویی و صداقت وسیله نجات در دنیا هم شده میتواند. یک مثال مشهور است که: (راست بگو و از پادشاه نترس!) راستگویی در تجارت، خرید، فروش و معامله‌های بین افراد و اشخاص سبب برکت و رشد اقتصادی در تجارت میگردد.

عن عبد الله بن الحارث عن حکیم بن حزام رضي الله عنه: أن رسول  
الله ﷺ صلى الله عليه وآله وسلم قال: (البيعان بالخيار ما لم يفترقا،  
فإن صدقا وبيننا بورك لهما في بيعهما، وإن كتما وكذبا محقت البركة  
من بيعهما)<sup>۱</sup>

۱. شرح سنن أبي داود للعباد، ۲۵۵-۲۵ ص

ترجمه: از عبدالله بن حارق و او از حکیم بن حزام رضی الله عنه روایت میکند که رسول الله ﷺ گفت: اگر خریدار و فروشنده در بیع و معامله خود راست گفتند و موضوع را روشن نمودند (عیب، نقص، کیفیت، نوع و غیره ی) جنس را واضح ساختند در بیع و تجارت ایشان برکت است و اگر پنهان کردند، چشم پوشی نمودند و دروغ گفتند خیر و برکت از خرید و تجارت شان برداشته می شود و کلام سود و فایده نمیداشته باشند.

امروز اکثر مردم در تجارت صادق نیستند، عیب و نقص کالا را نمی گویند، کیفیت و نوعیت جنس را با چرب زبانی، چُستی، نیرنگ و فریب، بهتر از آنچه هست وصف می کنند، خریدار را فریب داده و به نرخ و قیمت بسیار گزاف بر بالای شان به فروش می رسانند، هئیت های خریداری تدارکات را در اجناس مورد ضرورت هنگام نرخ گیری با خود همنظر میگردانند، جنس خراب و بی کیفیت را به جای کالای عالی و با کیفیت به نام های استندرد، جاپانی، کوریایی، جرمنی، روسی، از فلان، فلان کمپنی های مشهور دنیا به قیمت بلند نام گرفته معامله می کنند که این همه خالی از خیر و برکت است. منافع که از طریق دروغ و خیانت بدست می آورند خالی از کراهیت نیست و تجارت رشد نمیکند و این عمل سبب سقوط کار و بار و رشد اقتصادی میگردد. بازرگان و تجارت پیشه ی راستکار همراه پیامبران و صدیقین حشر و نشر میشوند. مسلمان خوب، صادق و راستکار میباشد، کسی را فریب نمیدهد، راستی و صداقت اش را در عمل بروز میدهد، از خیر و برکت راستی استفاده مینماید، راستی و صداقت را پیشه خود قرار میدهد، تا اینکه به فرمان الله ﷻ و رسول اش لیبیک گفته و عمل کرده باشد.

{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ} سوره توبه: آیه-



ترجمه: ای مومنان از الله ﷻ بترسید (خیانت نکنید، دروغ نگوئید، مردم را فریب ندهید) و با صادقان باشید.

نام خود را در فهرست راستگویان و صادقان درج نموده و با ایشان همگام حرکت نمایید.

راستگویی را برای فرزندان تان بیاموزانید، قصه های خوبی از مردان و زنان راستین تاریخ را برای شان تعلیم دهید تا از کودکی و خوردی عادت به راستگویی نمایند. در راست گویی خیر و برکت نهفته است، آدم راستگو را مردم دوست میدارند و الله ﷻ برای راستگویان وعده مغفرت و اجر بزرگ را داده است. الله سبحانه و تعالی در سوره محمد ﷺ آیه ۲۱ فرموده است.

عَزَمَ الْأَمْرُ فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ { سوره محمد: آیه - ۲۱

ترجمه: اگر به الله ﷻ راست گویند این بهتر است برای شان (یعنی در صدق و صفا و راستی وارد شوند). یعنی از در صفا و صدق و راستی وارد شوید.

مسلمان خوب در همه معامله ها و تعهدات اش نسبت به الله ﷻ و بندگان وی راست می باشد و راستی و صداقت است که شخص راستکار و صادق را به اوج عزت و مرتبه می رساند و هرکس او را بنام مسلمان راستکار و جوان صادق در قول و عمل توصیف میکند و در جامعه مسلمانان مورد احترام خاص قرار میگیرد.

### حکایت تاجر که صادق بود

بازرگان مسلمانی می خواست برای بازرگانی و تجارت سفری کند؛ اما پول کافی نداشت، نزد کسی رفت و هزار دینار خواست، صاحب پول موافقه نمود که هزار دینار را به وی بپردازد به شرط اینکه یک شاهد و یک ضامن بیاورد.

بازرگان گفت: الله ﷻ شاهد و ضامن است، صاحب پول صداقت و ایمان داری وی را درک نموده گفت: راست می گویی و پول را بگیر، پول را برایش داد،

هر دو موافقه نمودند که پول را در وقت معین برگرداند و تسلیم اش کند. این مرد بازرگان بعد از گذشت زمان معینه نزدیک بحر رفت تا بر کشتی سوار شده برود و پول قرض خود را در وقت معین آن بپردازد، متاسفانه هیچ کشتی نیافت، خیلی ناراحت و غمگین شد که نزد صاحب پول خائین و دروغگو شناخته نشود او در فکر فرو رفته بود که چه باید کند؟ ناگهان چوبی را کنار بحر دید آن را گرفت شکستاند و شق کرد و هزار دینار را با یک نامه‌ی نوشت و در میان چوب گذاشت و چوب را با ریسمان محکم بست و در آب انداخت و گفت: الها تو توانایی که این پول را به صاحب آن برسانی؛ زیرا من خودت را شاهد و ضامن گرفته بودم. امواج بحر چوب را با خود برد و از نظر این مرد بازرگان و تاجر ناپدید گشت، صاحب پول در روز معین که میان آنها تعیین شده بود کنار بحر آمد که ممکن تاجر طبق وعده و تعهد خود پول را بیاورد و تسلیم کند، خیلی منتظر بود نه از کشتی خبری شد و نه هم از بازرگانی؛ بعد از انتظار زیادی تصمیم به برگشتن نمود تا به خانه برگردد، چوبی را در آب دید که آب با خود حمل میکند، چوب را از آب برداشت تا هیزم می برای سوخت خانه‌ی خود سازد؛ زمانیکه به خانه رسید خواست چوب را بشکند و آتش دهد ناگهان چشم اش به هزار دینار و یک نامه‌ی نوشته شده افتید که از طرف همان مرد بازرگان که از وی پول گرفته بود است. پول را برداشت و شکر گذاری الله ﷻ را کرد؛ بعد از مدتی و با گذشت چندین روز و ماه، تاجر نزد صاحب پول آمد و خیلی با ابراز تأسف و عذر خواهی به صاحب پول گفت: با معذرت زیاد که نتوانستم در وقت و زمان معین برگردم و ممنون از شما از برای مقدار پولی که به عنوان قرضه برایم داده بودید و این هم پول شما. صاحب پول، پول را نگرفت و گفت: پول را که با نامه‌ی در میان چوبی گذاشته بودید، الله ﷻ برایم رسانید و آنرا در همان روز معین دریافت نمودم؛ الله ﷻ ترا اجر و پاداش نیکی دهد ای شخص راستکار و مسلمان خوب.

ای جوان عزیز و مسلمان خوب! از این حکایت چه می‌آموزی؟

## درجه صدافت در اعمال

صدافت یا در گفتار است یا در رفتار و یا هم در احوال. پایین ترین درجه صدافت این است که انسان در همه حالات سخن راست بگوید و از دروغ بپرهیزد. و کمال راستگویی - صدق در گفتار - در این است که تا ضرورت ایجاب نکند از سخنان غیر صریح خودداری کند که مبدا خلاف منظورش فهمیده شود و قلبش صورت کاذبی به خود بگیرد. و سزاوار آن است که انسان، با الله ﷻ و خلق الله ﷻ، راستگو باشد. کسی که هنگام نیت به نماز می گوید: روی به سوی خدا کردم؛ ولی در قلبش به غیر او توجه دارد، یا می گوید: فقط تو را می پرستیم، در حالی که دنیا و هوای نفس خود را می پرستد، یا می گوید: فقط از تو یاری می جویم در حالی که از غیر خدا یاری می طلبد، دروغگو است. پس از این مرحله، مرتبه صدق در نیت است یعنی باید نیت را از ناخالصی ها پاک کرد و هر عملی را فقط برای الله ﷻ، انجام داد.

پس از آن صدق در عزم و اراده است. و عزم همان تصمیم قاطع برای انجام اعمال نیک است. عزم و تصمیم همیشه مقارن با خود عمل نیست. گاهی قبل از رسیدن وقت عمل انسان برای انجام آن تصمیم می گیرد. مثلا با خود می گوید: اگر خدا مالی به من دهد تمام یا قسمتی از آن را صدقه خواهم داد یا اگر با دشمنی برخورد کنم در راه خدا با او مبارزه می کنم و باکی ندارم اگر چه کشته شوم. این تصمیم گاهی نوعی ضعف و تردید است که با صدق در تصمیم متضاد می باشد.

مرحله بعد صدق در وفا به تصمیم است، نفس انسان در تصمیم گیری دست و دل باز است، چون وعده دادن مشقتی ندارد، ولی هنگامی که وقت عمل می رسد و انسان می تواند به تصمیم خود عمل کند، امیال و شهوات به هیجان می آیند و تصمیم فراموش می شود. و این مخالف صدق در تصمیم است. ولذا قرآن کریم می فرماید:

{... رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ...} {سوره النور: (۲۳)}

یعنی افرادی که به عهد خویش وفاء کردند.

مرحله بعد صدق در اعمال است، به این معنی که انسان در مقام عمل تمام تلاش خود را به کار گیرد تا ظاهرش مخالف باطن اش نباشد. البته منظور این نیست که ظاهر را مطابق باطن کند و به طور کلی دست از عمل بردارد، بلکه باید باطنش را به گونه ای مسخّر کند که با اعمال ظاهرش مطابق باشد، و این گونه عمل، عمل ریایی نیست. زیرا ریا کار کسی است که برای مردم عمل می کند. ولی چه بسیار کسانی که در نماز با حالت خشوع می ایستند و قصد ریا ندارند، اما در عین حال قلبشان از نماز غافل است. هر کس به او نگاه می کند، می بیند که در مقابل خدای تعالی ایستاده، در حالی که او در باطن در میان بازار، در مقابل یکی از امیال و شهوات خویش ایستاده است. همچنین گاهی انسان با سکون و وقار راه می رود در حالی که درونش دارای سکون و وقار نیست. چنین انسانی در عملش صادق نیست اگر چه به مردم توجه، و تصمیم ریا نداشته باشد. راه نجات از این حال، تعادل ظاهر و باطن است به این معنی که باطنش مطابق یا بهتر از ظاهرش باشد. چنان که حضرت علی (کرم الله وجهه) فرمود: به خدا قسم شما را به طاعتی ترغیب نمی کنم مگر آن که خود قبل از شما انجامش می دهم و از معصیتی نهی نمی کنم مگر آن که قبل از شما از آن کناره می گیرم.

مرحله بعد که بالاترین و کمیاب ترین مرتبه صدق است، صدق در اصول و مقامات دین می باشد، مثل صدق در خوف و رجا، تعظیم پروردگار، زهد، محبت، توکل و سائر مکارم اخلاق، زیرا هر یک از این اخلاقیات مبدائی دارند که به مجرد ظهور آن مبدأ نام خلق بر آن نهاده می شود ولی در حقیقت هر یک از آن ها کمال و حقیقتی دارد و صادق کسی است که به حقیقت آن ها برسد.

از ابوذر (رض) درباره ایمان سؤال شد، ایشان در جواب آیه ای در مورد صداقت

را تلاوت کرد. به او گفتند: ما درباره ایمان از تو سؤال کردیم ولی تو درباره صدافت جواب فرمودی. فرمود: من هم وقتی از رسول الله ﷺ، درباره ایمان سؤال کردم آیه‌ای در مورد صدافت تلاوت فرمود. به عنوان مثال، صفت خوف را در نظر می‌گیریم، هر کس که ایمان می‌آورد دارای صفت خوف است. به طوری که می‌توان او را خائف نامید، ولی در مراتب اولیه، این خوف به حدّ صدق و حقیقت نرسیده است، و لذا می‌بینیم وقتی کسی از سلطانی یا راهزنی - در ضمن سفر - می‌ترسد، رنگش زرد می‌شود، اعضایش به لرزه می‌آید، و زندگی بر او تنگ می‌گردد، خورد و خوابش آشفته و افکارش مشوش می‌شود به طوری که از قیام به وظائف خانوادگی عاجز می‌ماند و گاهی از وطن آواره و حالت انس و راحتش به وحشت و مشقت مبدل می‌گردد، و خود را در معرض خطرهای فراوان قرار می‌دهد تا به آن چه می‌ترسد گرفتار نشود. ولی همین شخص در حالی که ادعای خوف از خدا را دارد معصیت می‌کند و هیچ یک از این آثار در او ظاهر نمی‌شود.

و لذا نبی اکرم ﷺ، فرمود: چیزی مثل جهنم ندیدم که خائف آن خوابیده باشد، و چیزی مثل بهشت ندیدم که طالب آن در خواب باشد. صدق در رجا هم همین‌طور است. بنده ممکن است در همه امور صادق باشد که در این صورت صدیق نامیده می‌شود. و ممکن است فقط در بعضی از امور صادق باشد که در این صورت فقط نسبت به آن امور صادق نامیده می‌شود مثل صادق القول و صادق العمل.

از مجموع این نوشته‌های بالا چنین نتیجه می‌گیریم که «صادقین» آنهایی هستند که تعهدات خود را در برابر ایمان به پروردگار به خوبی انجام می‌دهند، نه تردیدی به خود راه می‌دهند، نه عقب‌نشینی می‌کنند، نه از انبوه مشکلات می‌هراسند، بلکه با انواع فداکاری‌ها، صدق ایمان خود را ثابت می‌کنند. شک

نیست که این صفات مراتبی دارد، بعضی ممکن است در قله آن قرار گرفته باشند مانند پیامبران، اولیاء الله و اصحاب، و بعضی در مراحل پائین تر.

## تقوی و پرهیزگاری رمز رستگاری

تقوا، از مصدر وقایه و ریشه «وقی»، در لغت به معنای «حفظ کردن و نگاه داشتن از بدی و گزند» است. گفته‌اند این کلمه در اصل «وقوی» بوده که واو آن به تاء تبدیل شده است. اسم فاعل آن، تَقَى و مُتَّقَى به معنای «صاحب تقوا» است. این کلمه معادل دقیقی در فارسی ندارد و کلمه‌های معادل هر کدام جنبه‌ای از معنای آن را منتقل می‌کنند ولی بیشتر آن را معادل واژه «پرهیزکاری» دانسته‌اند.<sup>۱</sup>

در قرآن کریم واژه «تقوا» ۱۷ بار و مشتقات آن بیش از ۲۰۰ بار آمده است. از منظر قرآن، فقط اعمال متقیان پذیرفته است و به کاری که بنیان آن براساس تقوا نباشد اعتنایی نمی‌شود؛ مسلمان خوب همیشه در امور زندگی اش از الله سبحانه و تعالی می‌ترسد و کار خلاف امر الله ﷻ و پیامبرش ﷺ را انجام نمی‌دهد، اسلام عزیز رهروان اش را به تقوی و الله ﷻ ترسی دعوت می‌دهد.

---

۱. برای اطلاع بیشتر رک: ده گفتار از استاد شهید مطهری، گفتار تقوا

{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا } سوره احزاب:

آیه - ۷۰

ای کسانی که ایمان آورده اید: تقوی الهی پیشه کنید و سخن حق بگوئید.  
در آیهی ۱۰۲ آل عمران می فرماید: ای کسانی که ایمان آورده اید، از الله ﷻ  
چنان بترسید و تقوی پیشه کنید که حق تقوی است و در سورهی تغابن می فرماید:

{ فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ... } سوره التغابن: آیه - ۱۶

از الله ﷻ بترسید تا آنجا که توانایی دارید.

این سه آیهی مبارکه که مسلمانان را به سه چیز عمده توصیه می نماید:

۱. { قولا سدیداً }

مسلمان خوب باید به حق استوار باشد و همیشه سخن حق، صواب، خالی  
از کذب و دروغ، موافق حق، خلل ناپذیر و دارای صلاح و رشاد را برای مردم  
بگوید تا از این طریق جلو امواج فساد و باطل را گرفته باشد.

۲. حق تقواء: مسلمان خوب و پرهیزگار؛ حق تقواء را باید ادا کند؛ چون الله  
ﷻ می فرماید:

• { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ } آل عمران: ۱۰۲

• ای مومنان از الله ﷻ بترسید و حق تقواء را اداء کنید!

### حق تقواء چیست؟

علماء می گویند: حق تقواء عالی ترین و آخرین درجهی پرهیزگاری است،  
تفسیر المنشور می نویسد: حق تقواء و پرهیزگاری این است که پیوسته از الله  
ﷻ فرمان برداری کنی، هیچ گاه نافرمانی نکرده و همواره به یاد او باشی، او را  
فراموش نکنی و در برابر نعمت هایش شکر گذار باشی و هرگز ناشکری و کفران  
نعمت نکنی.



۳. ما استطعتم: مسلمان خوب، برای پرهیز و تقوای بهتر هر قدر توانایی که دارد به خرج می‌دهد.

مخاطب این همه آیات مومنان اند، شما هرکس و در هر جا که هستید، در هر عصر و زمانی که باشید، آن‌گونه‌ی که حق تقوی و پرهیزگاری است نسبت به الله ﷻ داشته باشید و بترسید. معیار برتری مسلمانان تقواء است، رنگ، زبان، قوم، نژاد، منطقه، شرقی و غربی بودن اعتبار ندارد، فقط تقواء؛ اگر مسلمانان همه اهل تقواء شوند، عوامل ایجادکننده‌ی اختلاف‌ها، پراکنده‌گی‌ها و تفرقه‌های مذهبی، سیاسی، قومی و سمتی و... تضعیف شده و آهسته آهسته نابود می‌گردد و یک جامعه‌ی عاری از اختلاف و تفرقه و کاملاً سالم بوجود می‌آید، این آیات تمام مسلمانان را هشدار میدهد که آگاه باشید! تنها شعار مسلمان بودن کافی نیست؛ از احکام و فرامین اسلام درست پیروی کنید، راه تقوی و الله ﷻ ترسی را پیشه کنید، ایمان و اسلام خود را تا آخرین ساعت‌های زندگی حفظ کنید، آتش‌های خاموش شده دوران جهالت را روشن نسازید، کینه، کدورت، دشمنی، و مرض‌های قوم‌پرستی را دامن‌نزد، کاری نکنید که مردم بدبخت شوند، جامعه به فساد کشانیده شود، از الله ﷻ در هر جا و هر وقت بترسید {انقوالله حیث ما کنتم} اگر مسلمانی دارای تقواء بود و از الله ﷻ می‌ترسید تقوایش او را از گناه، معصیت و نافرمانی جلوگیری می‌کند، اگر جوانی اهل تقواء بود هرگز دست به فساد، جنایت، و گناه نمی‌زند، اگر کارفرما، کارمند و کارکن دولت، شرکت و یا اداره تقواء داشت هرگز فساد نمی‌کند و رشوه نمی‌گیرد، اگر بازرگان و یا کسبه‌کاری از الله ﷻ می‌ترسید هیچ‌گاه سود نمی‌خورد، اگر فرد عادی پرهیزگار بود کسی را اذیت نمی‌کند و اگر افراد یک جامعه اصلاح‌شدند همه جامعه اصلاح می‌شود، مردم از زندگی لذت می‌برند، تقواء برای اشخاص با ایمان فرمان می‌دهد.

شخص اگر بخواهد گناهی را انجام دهد، دفترداری و یا ماموری، اگر اراده گرفتن رشوه را داشته باشد، جوان اگر اراده فساد اخلاقی را بکند تقوا علیه‌شان

قیام نموده و فریاد می‌کشد؛ (اتقوا الله - از الله بترس) زیرا تو مسلمان هستی و قرآن کریم تو را به اطاعت از الله و مسیر حق، دعوت می‌دهد و الله از عمل و کارهایت، مراقبت می‌کند و ترا می‌بیند؛ مگر از الله شرم نمی‌کنی؟ مگر در حضور الله رشوه می‌گیری، در حضور الله سود می‌گیری، در پیشگاه الله زنا می‌کنی و صد ها گناه و بی حیایی دیگر...  
 تقوا اجازه نمی‌دهد تا انسان گناه را مرتکب شود و تقوی سپر گناهان است، تقوا انسان را به بزرگترین قله‌های شامخ انسانیت و شرافت می‌رساند.

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ: مَنْ أَكْرَمُ النَّاسِ؟  
 قَالَ: «أَتْقَاهُمْ»... بخاری

ترجمه: ابوهریره (رضی‌الله‌عنه) می‌فرماید: شخصی از رسول الله پرسید: ای رسول الله گرامی‌ترین مردم کیست؟ فرمود: پرهیزگارترین ایشان، (کسی که به مرحله‌نهایی تقوا و طهارت رسیده است، گناه نمی‌کند، پرهیزگاری را پیشه خود قرار داده است، سخن حق و استوار بر عدالت می‌گوید، حق تقوا را نسبت‌الله ترسی‌اداء می‌کند، این است خوب‌ترین و بهترین مردم از دیدگاه رسول معظم. جوان عزیز! معیار ارزش‌های انسانی، تقوا است. جاده‌ی تقوا فراخ، روشن، راست و هموار است. آیا می‌خواهید در این جاده قدم بردارید و از این جاده‌ی هموار و روشن عبور نمایید؟  
 انشاءالله جواب مثبت است چون هیچ‌کس نمی‌خواهد در جاده‌ی تاریک، تنگ، پر خطر و نا هموار سفر نماید؛ زیرا سفر کردن در چنین جاده‌ی عواقب بد و دشوار دارد.

حضرت ابی امامه باهلی رضی‌الله‌عنه می‌گوید: از رسول گرامی صلی‌الله‌علیه‌و سلم شنیدم در حالیکه خطبه حجته الوداع را می‌خواند، فرمود:

وَعَنْ أَبِي أُمَامَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «صَلُّوا خَمْسَكُمْ، وَصُومُوا شَهْرَكُمْ، وَأَدُّوا زَكَاةَ أَمْوَالِكُمْ، وَأَطِيعُوا ذَا أَمْرِكُمْ، تَدْخُلُوا جَنَّةَ رَبِّكُمْ»<sup>۱</sup>. (رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ)

ترجمه: از الله ﷺ بترسید، پنج وقت نماز تان را بر پا کنید، روزه رمضان را بگیرید، زکات اموال تان را بپردازید، از امرای تان اطاعت کنید، به بهشت الله تان وارد شوید.

این همان جاده تقوا است که به بهشت منتهی می شود و اهل تقوا و پرهیز را در نیمه‌ی راه ترک نمی کند، تقوی و پرهیزگاری برای هر فرد مسلمان، خیلی ها مهم و حیاتی است؛ در این روایت دیده می شود که قبل از نماز، روزه، زکات و اطاعت امیر ها، به تقوا و پرهیزگاری تاکید شده است؛ اگر شخص تقواءدار بود، به تمام فرایض، واجبات و سنن عمل می کند؛ و اگر اهل تقواء نبود، پروای نماز، روزه، زکات و اطاعت امیر را ندارد؛ پس تقوا است که انسان را به سرزمین بهشت می رساند، از طرف دیگر تقوا سبب فراخی و ازدیاد رزق و برکت در عمر می گردد.

الله ﷻ می فرماید:

{وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ...} {سوره

طلاق: آیه - ۲-۳}

ترجمه: و هر کسی تقوا و پرهیزگاری پیشه کند الله ﷻ راه نجاتی برای او فراهم می کند- و او را از جایی که گمان ندارد روزی میدهد.

(تقوای و پرهیزگاری از یک طرف باعث حل مشکلات زندگی شده و از طرف دیگر سبب فراخی در رزق و روزی می گردد، و امید بخش ترین آیه های از قران کریم است که روح و قلب شخص مسلمان را منور ساخته، پرده های

۱. کتاب مصابیح السنة [البغوي، أبو محمد] ج- ۱ ص- ۲۵۳

یأس و ناامیدی را بر می دارد. حضرت ابوذر غفاری (رضی الله عنه) می فرماید: من آیتی را در قرآن کریم می شناسم که اگر تمام مسلمان ها دست به دامن آن زند برای حل مشکلات ایشان کافی است؛ پس از آن آیت را تلاوت می کرد و تکرار می نمود- مجمع البیان-ج-۱-ص-۳۰۶)

### حکایت:

عوف بن مالک رضی الله عنه یکی از یاران رسول الله ﷺ بود، فرزند اش اسیر دشمنان اسلام شد، فقر و تنگدستی او را تهدید می نمود، وضعیت زندگی اش خیلی دشوار بود، به نزد رسول الله ﷺ رفت، از ماجرا او را باخبر ساخت و از تنگ دستی و پریشان حالی اش شکایت کرد؛ رسول الله ﷺ برایش توصیه کرد و فرمود: تقوا را پیشه ی خود بساز، شکیبا باش و ذکر زیاد کن و این کلمه را بخوان **لا حول ولا قوة الا بالله** او بر توصیه های رسول الله ﷺ عمل نموده و این کلمات را بسیار می خواند، روزی از روزها در خانه نشسته بود که دروازه کوبیده شد، دروازه را باز کردن ناگهان فرزند اسیر اش را دید که از زندان دشمن فرار کرده و حتی از دشمنان شتر آورده است، بعضی ها تعداد شتران را صد گفته اند، عوف بن مالک با تمام خانواده اش خوشحال شد و مشکلات زندگی شان را الله ﷻ حل ساخت و در رزق ایشان فراخی آورد. علمای تفسیر می گویند: آیه ی مبارکه فوق در اینجا نازل شده و از گشایش مشکل این شخص با تقوا و پرهیزگار و رسیدن روزی از جای که انتظار اش را نداشت خبر می دهد. تفسیر فخر الرازی، روح البیان.

عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت می کند که رسول الله صلی الله علیه و سلم چنین دعا می نمود:

اللهم إنا نسألك الهدى والتقى والعفاف والغنى،<sup>۱</sup> (رواه مسلم)

۱. کتاب ففروا إلى الله - القلموني [أبو ذر القلموني] ج-۱ ص-۷

ترجمه: ای بار الها! از تو سوال هدایت، تقوی، عفت و غنی را می‌کنم.  
 در حقیقت این دعاء برای ما و شما امت است که از خدواند ذوالجلال  
 سوال نماییم که ما را اهل هدایت، تقواء، عفت و غنی بگرداند؛ پس این دعای  
 زیبا را بیاموزید و برای اعضاء خانواده هایتان آموزش دهید و آنها را به تقواء و  
 پرهیزکاری دعوت دهید، انشاءالله خانواده‌ی پرهیزگار و با تقواء در میان سایر  
 خانواده‌ها مانند ستاره‌های درخشان در میان ستاره‌ها خواهد بود و تقوی و  
 پرهیزکاری شمارا دیده، دیگران نیز پرهیزگار خواهند شد و تلاش به خرچ دهید  
 که الگواء از تقوی و پرهیزگاری برای دیگران باشید.

مسلمان خوب و پرهیزکار، به ارشادات و دستورهای الله ﷻ و فرستاده‌اش  
 محمد صلی الله علیه و سلم عمل می‌نماید، مثل که مریض به دستورهای  
 معالج و طبیب خود گوش فرا داده و آنرا انجام می‌دهد. هرگاه که مریض به نزد  
 معالج‌اش برود، معالج و پزشک بعد از بررسی و تداوی دارویی که لازم است  
 برایش می‌نویسد و رهنمایی که لازم باشد انجام می‌دهد، از چیزهای‌های که  
 ضرر رسان است منع می‌کند؛ اگر مریض به هدايات معالج عمل نمود، پرهیز  
 را رعایت نمود روز به روز بهبود یافته و حالش بهتر می‌گردد؛ ولی اگر پرهیز  
 ننمود و هدايات معالج را نادیده گرفت، پس در این شک نیست که مشکل  
 اش بیشتر شدت گرفته و مریضی‌اش ازدیاد می‌یابد و در فرجام، آهسته آهسته  
 شخص مریض از بین می‌رود؛ پس باید دقت بکنیم که گناه کردن و نافرمانی از  
 اوامر الله ﷻ و پیامبر اش صلی الله علیه و سلم مانند یک مرض کشنده و مهلک  
 است که اگر تقوی و پرهیزگاری درست نشود، انسان را در فرجام به عذاب‌های  
 گوناگون در دنیا و آخرت می‌رساند. ده‌ها تن از شیاطین انسانی و جنی برای  
 گمراه‌سازی انسان‌ها هر روز ماموریت داده می‌شوند و آنها به اعمال ناشایسته  
 و خلاف شریعت دعوت می‌دهند، برنامه‌های مبتذل، خرافی، فحش، بی‌پهوده،  
 و غیر اخلاقی و انسانی را برای ضایع ساختن وقت مسلمان به ویژه نسل جوان،

راه اندازی می‌کنند تا موضوع تقوی، پاکی، و پرهیزگاری به فراموشی سپرده شود، و نسل جوان را به امراض کشنده و مهلک، رذایل اخلاقی و بسته های گمراه کننده تشویق می‌کنند که اگر متوجه نشوند، مانند همان مریض لا علاج که به توصیه و هدایات معالج عمل نکرده، دارو را مطابق دستور معالج استفاده نموده، پرهیز نکرده است؛ اگر هلاک شد و صحتمند نگردید، پس معالج و یا پزشک در این جا تقصیری ندارد و مسئول نیست؛ حالا دقت بکنید، اسلام، قرآن، سنت، دین، مذهب، همه و همه برای نجات انسانیت تبلیغ می‌کند و تقوی و پرهیزگاری را وسیله نجات می‌داند، دوزخ که دیوارها، سقف، فرش و پرده هایش همه از آتش است، برای شیطان ها و انسان های گمراه ساخته شده است و هر روزی از روزهای آخرت برابر با پنجاه هزار سال دنیا طول می‌کشد که گمراهان و انسان های بیگانه و دور از دین، ایمان و تقوی در آن باید مجازات شوند، این مهربانی و دلسوزی اسلام است که انسان ها را در دنیا قبل از اینکه بمیرند و رهسپار آخرت شوند دعوت میدهد که راه صراط المستقیم (مسیر هدایت شده ها، تقوی، پرهیزگاری، دین داری، و ایمان) را باید انتخاب کنند، فریب شیطان ها را نخورند، به سوی گمراهی و بیراهه نروند، از وسایل و برنامه های گمراه کننده اجتناب کنند، چند روزی که در دنیا زندگی می‌کنند در روشنی شریعت، قرآن، و زیر سایه‌ی اسلام زندگی نمایند، اهل تقوی و پرهیزگاری شوند و با کاروان متقی ها و پرهیزگاران یکجا شده و از جاده‌ی تقوی عبور نمایند، این طریق نجات و کامیابی است؛ پس آنان که دعوت اسلام را قبول نمی‌کنند و از گمراهی، اعمال و کارهای خرافی و فساد انگیز پرهیز نمی‌کنند، توبه نمی‌کنند شب و روز در فساد، بداخلاقی و انجام کارهای باطل و غلط مصروف اند؛ اگر در چنین حالت مرگ به سراغ ایشان بیاید و بدون ایمان و توبه از دنیا مرخص شوند؛ پس اسلام مسئول نیست، زیرا ایشان مریض های هستند

که نه طبق هدایت و دستور معالج و یا همان پزشک، دارو را خوردند و نه از اشیاء مضر پرهیز نمودند.

## تقوا و فواید دنیوی و اخروی آن

تقوا فایده های دنیوی و اخروی زیادی دارد که توجه و دقت در آنها، انسان را برای بدست آوردن ملکه تقوا آماده تر می کند. در اینجا به چند فائده از فواید تقوا اشاره می کنیم:

### فواید اخروی:

الف) تقوا موجب درک حقایق و تمییز حق از باطل و آمرزش گناهان انسان می شود. در قرآن می خوانیم: «ای کسانی که ایمان آورده اید اگر از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، برای شما وسیله ای جهت شناختن حق از باطل قرار می دهد و گناهانتان را می پوشاند و شما را می آمرزد.

ب) تقوا موجب جلب محبت خداوند می شود، خداوند می فرماید: «آری کسی که به پیمان خود وفادار باشد و پرهیزگاری پیشه نماید (خدا او را دوست می دارد، زیرا) خداوند پرهیزگاران را دوست دارد.

ج) تقوا، ترس و اندوه را از انسان دور می سازد، خداوند حکیم می فرماید: «کسانی که پرهیزگاری پیشه کنند و عمل صالح انجام دهند، نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می شوند.

### فواید دنیوی

بعضی از فایده های تقوا در دنیا عبارتند از:

الف) تقوا موجب گشایش در روزی می شود، چنانکه در آیه مبارکه آمده است: «هر کس تقوای الهی پیشه کند خداوند راه نجاتی برای او فراهم می کند و او را از جایی که گمان ندارد روزی می دهد.

ب) تقوا موجب نزول برکات زمین و آسمان و نیز آسان شدن امور زندگی می شود. خداوند می فرماید: «اگر اهل شهرها و آبادیها ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می گشودیم. و نیز می فرماید: «هر کس تقوا پیشه کند، خدا برای او در کارهایش آسایش و راحتی فراهم می کند. ج) تقوا و در محضر خدا بودن.

راه دیگر برای کسب تقوی توجه به آگاهی خداوند بر اعمال و رفتار انسان است. خداوند می فرماید: «تقوای الهی پیشه کنید که خداوند از آنچه انجام می دهید آگاه است؛ این روش تربیتی مناسبی است که خداوند برای اینکه به انسان کمک کند تا در صدد کسب تقوا بر آید برگزیده است، چون انسان دارای ویژگیهای روانی خاصی است، از جمله این که، اگر بداند که دیگری ناظر اعمال اوست، از انجام اعمال ناشایست خودداری می کند.

تقوی راه نجات است، تقوی ارزش انسان را در پیشگاه الله تعالی بالا می برد، تقوی وسیله رسیدن به الله تعالی است، تقوی انسان را به بهشت می رساند، اهل تقوی و طهارت را، الله تعالی دوست می دارد، بهشت را با تمام نعمت هایش برای متقیان آماده ساخته است. (اعدت للمتقین - الایه) تقوی ایمان را مستحکم می سازد، فرد متقی و پرهیزگار با پیامبران و صالحین حشر می شود، مسلمان خوب خالی از تقوی نمی باشد، عبادت شخص با تقوی را الله تعالی قبول می فرماید و مشکل اش را حل می سازد.

آیا می خواهید یک مسلمان پرهیزگار و با تقوی باشید؟ آیا می خواهید با پیامبران و صالحین حشر شوید؟ پس راه یکجا شدن با ایشان پرهیز و تقوی است - و بالاخره تقوی وسیله پیروزی و موفقیت در دنیا و آخرت می باشد.

**اللهم اجعلنا من المتقین!**

الها! ما را از جمله پرهیزگاران بگردان



## نفرین و دشنام دادن

وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ  
كَذَلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا  
يَعْمَلُونَ (سوره: الانعام)

ترجمه: و آنهایی را که جز خدا می خوانند دشنام مدهید که آنان از روی دشمنی [و] به نادانی خدا را دشنام خواهند داد این گونه برای هر امتی کردارشان را آراستیم آنگاه بازگشت آنان به سوی پروردگارشان خواهد بود و ایشان را از آنچه انجام می دادند آگاه خواهد ساخت.

بعضی از مسلمانان عادت لعن و نفرین و دشنام کردن را دارند، در برابر اندک ترین رنجش و ناراحتی نفرین می فرستند و زود لعنت می نمایند که این عمل از دیدگاه اسلام جواز ندارد. مسلمان خوب لعان و نفرین کننده نمی باشد. لعن به معنی راندن و دشنام دادن است. کسی را که لعن میکنید گویا او را دشنام داده اید و از الله ﷻ، خواسته باشید که او را از رحمت اش دور نماید و همچنان به معنی عذاب است.

لعنت فرستادن به کسی عذاب خواستن برای آن است. این اشتباهی بزرگ است که در اکثر خانواده ها وجود دارد، انسان های که در مورد لعنت و نفرین چیزی نمی دانند و هر لحظه‌ی که عصبانی شدند، زن، فرزند، برادر، خواهر و اقارب و دوستان خویش را لعنت می فرستند و حتی بر حیوانات خودشان؛ ماشین، موتور، دوچرخه و سواری شان اگر روشن نشود و راه نرود لعنت و نفرین می کنند، اگر غذا و طعام مورد میل شان نبود بر طعام و آشپز آن لعنت می فرستند، لباس و کفش ها هنگام پوشیدن اگر اندک نواقص داشت، لعنت می کنند، حتی در برابر سردی و گرمی هم حوصله ننموده و نفرین میفرستند.

## همسایگان خوب و حقوق آنان

انسان ها از ابتداء آفرینش زندگی، تنهایی را خوش ندارند و زندگی کردن به تنهایی برای انسان ها سخت و دشوار است؛ چون انسان موجودی است که در جمع زندگی کردن و در جامعه بودن در فطرت اش محک شده است و باید با هم و کنار هم زندگی کنند، همسایه باشند و همجوار باشند، همسایه ها عموماً به دو دسته تقسیم میشوند:

۱. همسایه های خوب

۲. همسایه های بد

### همسایه خوب

همسایه های خوب همیشه در خیر و شر همدیگر می رسند، همسایه خیر خواه همسایه ی می باشد که در نبود اش از خانه، مال و ناموس وی حفاظت مینماید، حقوق اش را ادا میکند، و لو اگر غیر مسلمان باشد؛ چون همسایه حق دارد و به حق اش باید رسیده گی صورت گیرد، اگر مریض شد به عیادت اش می رود، وفات شد نقش بزرگ همسایه گی را در تکفین، تدفین، دعا، و در نگهداری و

مهربانی اطفال یتیم و بیوه ی آن، انواع همکاری های بشری را انجام میدهد، متوجه غذا، خوراک، لباس و پوشاک ایشان شده و در حد توان ایشان را کمک و تعاون مینماید، همسایه خوب در تمام امور زندگی شریک و همکار خوب برای همسایه اش می باشد، همسایه خوب کار های نیک و خیر همسایه را تقدیر و ترغیب نموده و از کار های منکر و بد اش جلوگیری می نماید و دلسوز خوبی برای همسایه می باشد؛ و اما همسایه و همجوار بد چندان علاقه به ادای حقوق همسایه گی و همجواری نداشته و خیر اش برای همسایه کم و اندک و شر اش بیشتر می رسد، همسایه از آزار، اذیت، غوغا و انجام اعمال زشت و ناپسند آن ناگزیر می شود تا خانه را ترک نماید و یا به فروش برساند که الله ﷻ هیچ کسی را با چنین شخص همسایه نگرداند که خود اش، کار اش، زن و فرزند اش همه و همه در آزار و اذیت باشند برای همسایه و همجوار خود؛ همسایه خوب آنچه را بپزد، بدون همسایه به تنهایی نمی خورد و هنگام پختن حق همسایه را در نظر میگیرد.

رسول الله ﷺ برای ابوذر <sup>(رضی الله عنه)</sup> میفرماید:

وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا طَبَخْتَ مَرَقَةً،  
فَأَكْثِرْ مَاءَهَا، وَتَعَاهَدْ جِيرَانَكَ<sup>۱</sup>» أَخْرَجَهُ مُسْلِمٌ

ترجمه: هرگاه شوربا، {آبگوشت} پختید آب اش را زیاد کن و همسایه ها را در نظر بگیر یعنی برای همسایه ها بفرست (مسلم)  
چون ابوذر <sup>(رضی الله عنه)</sup> همسایه خوب است و یکی از نشانه های همسایه خوب اینست که هر چی پخت به همسایه ها میفرستد پس باید آب شوربا زیاد تر شود تا به همسایه ها برسد - ابوذر <sup>(رضی الله عنه)</sup> می گفت:

۱. کتاب توضیح الأحكام من بلوغ المرام [عبد الله البسام] ج-۷ ص-۳۴۳

وعن أبي ذر رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ، إِذَا طَبَّحْتَ  
مَرْقَةً، فَأَكْثِرْ مَاءَهَا، وَتَعَاهَدُ جِيرَانَكَ<sup>۱</sup>

ترجمه: به یقین که دوست محبوبم محمد (صلی الله علیه و سلم) مرا  
توصیه نموده است: که آب شور یا را زیاد کنم و به اهل بیت همسایه ها بگونه  
معروف و نیک بفرستم.

ابوذر (رضی الله عنه) این کلمات را با افتخار میگفت و به آن عمل می نمود و از  
این کار اش برای نسل بعدی امت درس و سنت همسایه گی را می آموزاند و  
حق همسایه را در دیگ و طعام که پخته می شود مشخص می نماید. همسایه  
خوب شور و غوغا برپا نمی کند، بانگ و فریاد نمی کشد فتنه انگیز نمی باشد،  
آواز موسیقی و تلویزیون را از بلندگو به گوش همسایه نمی رساند، صدایش را  
هنگام مطالعه هم جوار خود از سخن گفتن در تلفون بلند نمی کند بلاخره  
کاری نمی کند که سبب آزار و اذیت همسایه گردد.

وعن أبي هريرة رضي الله عنه: أن النبي صلى الله عليه وسلم قال:  
والله لا يؤمن، والله لا يؤمن، والله لا يؤمن! قيل: من يا رسول الله  
ﷺ؟ قال: الذي لا يأمن جاره بوائقه<sup>۲</sup>

ترجمه: از ابی هریره (رضی الله عنه) روایت است که نبی کریم صلی الله علیه و  
سلم فرمود: قسم به الله که مومن نیست سه بار تکرار می کند، گفته می شود، کی  
یا رسول (صلی الله علیه و سلم)، چه کسی مومن نیست؟ فرمود: شخصی که از  
هنگامه و غوغای آن همسایه اش در امن نباشد.

در روایت مسلم آمده است:

۱. کتاب ریاض الصالحین ت الفحل [النووي] ج-۱ ص-۱۱۷

۲. کتاب ریاض الصالحین ت الفحل [النووي] ج-۱ ص-۱۱۷

وَعَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:  
لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ لَا يَأْمُنُ جَارَهُ بِوَأْتِقَهُ<sup>۱</sup>

ترجمه: از انس (رضی الله عنه) روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم، فرمود: به بهشت وارد نخواهد شد کسی که همسایه اش از شور، غوغا، چیغ و فریاد وی در امن نباشد.

همسایه آزاری و اذیت همجوار مانع رفتن به بهشت می‌گردد؛ آزار به این معنی نه که شما بی اجازه داخل خانه و منزل همسایه شده چیزی را بی اجازه بردارید، بلکه سرو صدای را که در اطاق و خانه خود تان ایجاد میکنید یا اینکه وقت خواب، مطالعه و کار همسایه، موسیقی، تیپ، تلویزیون را بلند میکنید، یا اینکه در خانه و حریم خودتان خشونت برپا می‌کنید به آواز بلند خنده می‌نمایید، دروازه همسایه را بی مورد دق الباب نموده و از خواب بیدار اش می‌کنید، هنگام غذا خوردن مزاحمت می‌کنید، این همه آزار و اذیت است. همسایه اگر ظاهراً حیا کند و شما را چیزی نگوید و حرف به میان نیاورد برای شما مناسب نیست که با استفاده سوء از اخلاق نیک و حیای همسایه، او را مورد آزار و اذیت قرار دهید. البته حالت های اضطرار جدا از این موضوع است، مثلاً شب در خانه همسایه دزدان داخل شدند یا زن همسایه مریض شده، یا به مشکل دیگری مواجه شدند باید در نیمه های شب از خواب بلند شده به کمک همسایه بشتابیم زیرا که این حق همسایه است، همسایه در پی کمک رسانی همسایه اش شب و روز را مد نظر نمی‌گیرد و هر لحظه آماده همکاری می‌باشد. حضرت ابن عمر و عایشه (رضی الله عنهما) روایت می‌کنند که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود:

مَا زَالَ جُبْرِيلُ يَوْصِينِي بِالْجَارِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيُورَثُهُ<sup>۲</sup>

۱. کتاب مرآة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح [الملا علی القاری] ج-۷ ص-۱۰۹  
۲. کتاب تخریج احادیث الإحیاء = المغنی عن حمل الأسفار [العراقی، زین الدین] ص-۵۷۵

ترجمه: همیشه جبرئیل علیه السلام در مورد همسایه مرا توصیه مینمود حتی فکر میکردم که شاید میراث ببرد.

یعنی به حد تاکید مینمود که گمان میکردم شاید همسایه از همسایه میراث بگیرد. پیامبر صلی الله علیه وسلم، زنان امت را در مورد همسایه توصیه می نماید که حقوق همسایه را در نظر بگیرند و همسایه های خوبی برای همسایه های شان بوده باشند.

عن أبي هريرة رضي الله تعالى عنه أن رسول الله ﷺ قال: يا نساء المؤمنات لا تحقرن جارة لجارتها لو فرسن شاة<sup>۱</sup>

ترجمه: از ابی هریره (رضی الله عنه) روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: ای زنان مسلمان هیچ همسایه ای، همسایه دیگر تان را حقیر و کوچک مپندارید ولو فرسن (سم، پاچه گوسفند یا ناخن آن) گوسفندی هم باشد.

یعنی اگر یک پاچه نا چیز گوسفندی را پخته باشید نگوید که این کم است ناچیز است، حقیر مپندارید برای ادای حقوق همسایه آن را بفرستید. یعنی در کم و اندک بودن آن شرم نکنید، می شود که همسایه به آن نیاز داشته باشد و چیزی نپخته باشد، یا چیزی برای پختن نداشته باشد؛ اینکه شما پاچه کوچک گوسفندی را پخته اید از الله تعالی تشکری نمایید که شما را روزی داده است یا هر چیزی دیگری مانند سبزی، دال، برنج، لوبیا، وغیره اندک و کم بودن آن مهم نیست بلکه به خانه همسایه فرستادن مهم است و این عمل از یک طرف صدقه و ثواب می شود و از طرف دیگر حق همسایه نیز ادا می گردد و مهم تر از همه به حدیث و ارشاد پیامبر صلی الله علیه وسلم، عمل صورت می گیرد و خداوند تعالی خشنود می شود. همسایه خوب آنچه را که پخته میکند برای فردایش ذخیره

۱. کتاب حق الجار [الذهبي، شمس الدين] ص-۴۵

نمی‌کند و در یخچال‌ها تا چند روز نگهداری نمی‌نماید، بخل نمی‌ورزد، یک قسمت آن را برای همسایه‌ها به خصوص آنهایی که فقیر و ناتوان اند می‌فرستد؛ چه بهتر که با طعام و غذای شما زن و فرزندان همسایه تغذیه شوند، شکم ایشان با نان شما سیر شود، سیر نمودن شکم گرسنه بزرگترین اجر و ثواب را دارد؛ عایشه صدیقه رضی الله عنها، مادر مومنان می‌گوید:

قلت يا رسول الله ﷺ! إنَّ لي جارين أيهما أهدي؟ قال: إلى أقربها منك  
بأباً<sup>۱</sup>

ترجمه: گفتم: یا رسول الله ﷺ مرا دو همسایه است به کدام یکی از ایشان هدیه کنم یعنی چیزی بفرستم؟ فرمود: آنکه دروازه اش برایت نزدیک تر است. یعنی همسایه که دروازه اش نزدیک است از همسایه دور حق دار تر میباشد، حق اولویت از همسایه نزدیک است، علما می‌گویند: تا چهل خانه از هر طرف همسایه شده میتواند اگر همسایه نزدیک و در به دیوار غنی و ثروتمند باشد بهتر است برای همسایه که دور است اما محتاج و نیازمند به او کمک شود و چیزی پخته کرده و به آن بفرستند، در صورت که طعام کم باشد و اگر زیاد بود طبق قلت و کثرت آن به چند خانه همسایه که می‌فرستند اول همسایه های نزدیک را در نظر گرفته شود و بعد همسایه های دور. نیکویی با همسایه ها نشان و علامه ایمان داری و مومن بودن است؛ پیامبر صلی الله علیه وسلم، می فرماید:

مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُحْسِنِ جَارَهُ<sup>۲</sup>

ترجمه: کسی که به الله و روز قیامت ایمان دارد پس باید که با همسایه اش نیکویی کند.

در روایت از عبدالله بن عمر رضی الله عنهم، آمده است که:

۱. کتاب توضیح الأحکام من بلوغ المرام [عبد الله البسام] ج-۵ ص-۴۳۷  
۲. کتاب مواقف حلف فیها النبی صلی الله علیه وآله وسلم [خمیس السعید محمد] ص-۱۲۸



قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: خَيْرُ الْجِيرَانِ عِنْدَ اللَّهِ خَيْرُهُمْ لِجَارِهِ.

ترجمه: رسول الله ﷺ فرمود: بهترین همسایه به نزد الله شخصی است که با همسایه اش نیک باشد.

یعنی خیر خواه همکار، نیکوکار بوده و ادا کننده حقوق همسایه باشد اگر ضرورتی می شود که به دیوار همسایه میخ یا چوبی را نصب کند نباید جلوگیری و ممانعت نماید.

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: «لَا يَمْنَعُ جَارَ جَارِهِ أَنْ يَغْرِزَ حَشْبَهُ فِي جِدَارِهِ»<sup>۲</sup>

ترجمه: از ابی هریره (رضی الله عنه) روایت است به تحقیق که رسول الله صلی الله علیه و سلم، می فرماید: مانع نشود همسایه همسایه اش را از اینکه به خاطر ضرورت در دیوار اش میخ بکوبد.

همسایه خوب هر گز به همسایه شر نمی رساند، همسایه را اذیت و آزار نمی دهد، حقوق همسایه را مد نظر میگیرد، به زن و فرزند همسایه حرمت میگذارد، از همسایه حمایت و پشتیبانی مینماید، و نام همسایه خوب بعد از مرگ فراموش نمی شود؛ پس همسایه خوب باشید و نیکوکار، مهربان باشید و خوش اخلاق، به همسایه مشوره نیک دهید و از وی مشوره بگیریید همسایه را راضی داشته و در صورت بروز مشکلات و ناراحتی فوراً معذرت بخواهید زیرا که احسان و نیکویی با همسایه نشان مومن بودن و مسلمانی است و زمانی بهترین شخصیت شده میتوانیم که با همسایه های خود رفتار و رویه بهتر داشته باشیم و روابط نیک را گسترش دهیم، زمانی اجازه ورود به بهشت را در میابیم که همسایه ما از ما راضی باشد.

۱. کتاب مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح [الملا علی القاری] ج-۸ ص-۱۲۴  
۲. کتاب منحة الباری بشرح صحیح البخاری [الأَنْصَارِي، زَكْرِيَّا] ج-۵ ص-۲۳۷

بلی برادر مسلمان و جوانان گرامی! حقوق همسایه خیلی ها زیاد است. آنهایی که در کنار شما زندگی می کنند با شما یکجا به مدرسه، مکتب، دانشگاه و مراکز تحصیلی می روند، در یک چوک می نشینند، در یک صنف با شما درس می خوانند یک جا و در یک هواپیما، اتوبوس و خودرو سفر می کنند، در یک دفتر کار مینمایند، در یک خوابگاه هتل و تعمیر با شما اند اینان همه همسایه می باشند و شامل حقوق همسایه گی میشوند تمام حقوق که به همسایه مربوط می شود در آنان نیز شامل است؛ از هر قوم، قبیله، مذهب و کشوری که باشند همسایه محسوب میشوند و حقوق ایشان باید رعایت گردد، در اطاق، صنف، موتر، هواپیما، طعام خانه، حمام و بیت الخلا، حقوق همسایه گی باید جدا مراعات گردد؛ پس بهترین و خوب ترین همسایه و رفیق نسبت به همسایه ها و رفیق هایتان باشید، با روشن نمودن موسیقی، چراغ، قصه های بیهوده، پرگویی، آواز بلند، سگرت کشی و قهقهه ها ایشان را اذیت نکنید، به نظر و دید گاه همسفر، رفیق و همسایه ها احترام بگذارید این از مسولیت های مسلمان خوب، همسایه بهتر و رفیق جوان مرد میباشد.

### همسایه بد

آنچه که در مورد حقوق همسایه ها گفته شد روشن است که کدام نوع همسایه خوب است و کدام اش بد، هر آن کسی که حقوق همسایه را در نظر نگیرد و ضرر اش به همسایه برسد به آن همسایه ی بد گفته می شود که یک مقدار صفات همسایه بد در صفحات گذشته بحث شد، از نشانه های همسایه بد اینست که به مال و جان همسایه رشک میبرد، بد خواه وی میباشد و زوال مال، جاه، منصب و عزت آن را می خواهد و هر لحظه که با او روبرو شود حسد می ورزد و همیشه از وی شکایت میکند و بد گویی وی را مینماید، برای آزار و اذیت همسایه هنگامه و غوغا برپا میکند، رفتار نیک نمیداشته باشد، به خوشحالی

همسایه خوشحال نمی باشد و به غم و اندوه اش غمگین نمی شود، بخیل می باشد، هر چه بپزد به خانه او نمی فرستد در حالی که پیامبر صلی الله علیه وسلم، می فرماید:

لَيْسَ الْمُؤْمِنُ الَّذِي يَشْبَعُ وَجَارُهُ جَائِعٌ إِلَى جَنْبِهِ<sup>۱</sup>

ترجمه: مومن کامل نیست کسیکه سیر باشد و همسایه اش در پهلویش گرسنه باشد.

یعنی شخصی که انواع غذا ها را می خورد و همسایه گرسنه می خوابد مومن کامل شده نمی تواند.

عبدالله بن مسعود (رضی الله عنه)<sup>۲</sup> روایت میکند که شخص نزد رسول الله ﷺ آمد و گفت: یا رسول الله ﷺ چگونه بدانم که من نیکوکارم و یا بد کار؟

فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: « إِذَا سَمِعْتَ جِيرَانَكَ يَقُولُونَ: قَدْ أَحْسَنْتَ؟ فَقَدْ أَحْسَنْتَ، وَإِذَا سَمِعْتَهُمْ يَقُولُونَ: قَدْ أَسَأْتَ فَقَدْ أَسَأْتَ<sup>۲</sup> »

ترجمه: پیامبر صلی الله علیه وسلم، فرمود: هر گاه از همسایه ها شنیدی که میگفتند نیک و خوب هستی پس نیک و خوب هستی و اگر شنیدی که میگفتند بد هستی پس بد هستی.

یعنی خوبی و بدی همسایه و شخص به همسایه معلوم است و همسایه ها بنا به چشم دید ایشان در مورد خوبی و بدی همسایه قضاوت می کنند؛ همسایه خوب را خوب و بد را بد میگویند.

در روایت دیگر آمده است شخصی به رسول الله ﷺ از زنی شکایت کرد که نماز زیاد میخواند، روزه میگیرد، صدقه میدهد اما بد زبان است و همسایه ها را به زبان اش اذیت میکرد، پیامبر ﷺ فرمود: (هی فی النار) آن زن در دوزخ است.

۱. المقصد العلی فی زوائد أبي يعلى الموصلي [نور الدين الهيثمي] ج ۳-ص ۲۲  
۲. کتاب مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح [الملا علی القاری] ج ۸-ص ۱۲۴

کسیکه همسایه را آزار و اذیت میکند چه مرد باشد چه زن به جهنم می رود، نماز، روزه، و صدقه، از رفتن اش به جهنم منع نمی کند، و روز قیامت اولین بار محاسبه با آنان صورت میگیرد که حقوق همسایه را تلف نموده با همسایه به خصومت راه رفته و همسایه را آزار و اذیت کرده است. پیامبر صلی الله علیه وسلم، می فرماید:

وَعَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ الْجُهَنِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَوَّلُ  
خَصْمَيْنِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ جَارَانِ

ترجمه: از عقبه بن عامر جهنی <sup>(رضی الله عنه)</sup> روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: اولین دو مخالف که در روز قیامت رو برو خواهند شد همسایه ها می باشند.

همسایه بد مال همسایه را دزدی می کند، به زن و دختر همسایه تجاوز می کند که این بزرگترین جرم است.

از رسول الله ﷺ پرسیده شد که بزرگترین گناه به نزد پرودگار کدام است؟ فرمود: شرک آوردن به الله ﷻ در حالی که شما را خلق کرده است، قتل و کشتن اولاد از ترس اینکه با شما نان میخورد و زنا کردن با زن همسایه، زنا و سرقت در هر جا با هر کس جرم است و گناه دارد؛ اما با زن همسایه بیشتر گفته شده. با ده زن زنا کردن آسان تر از این است که با زن همسایه زنا کرده شود و همچنان دزدی و سرقت از ده خانه آسان تر است از اینکه از خانه همسایه دزدی نمایند. بدترین همسایه آن است که در غیاب همسایه به مال و ناموس همسایه تجاوز کند، این بدترین ظلم و ستم است که در حق همسایه صورت گیرد، مسلمان هرگز به مال و ناموس همسایه تجاوز نمی کند.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَيُّ الذَّنْبِ أَكْبَرُ

عِنْدَ اللَّهِ قَالَ أَنْ تَدْعُوَ لِلَّهِ نِدًّا وَهُوَ خَلْقَكَ قَالَ ثُمَّ أَيُّ قَالَ ثُمَّ أَنْ تَقْتُلَ  
وَلَدَكَ خَشِيَةً أَنْ يَطْعَمَ مَعَكَ قَالَ ثُمَّ أَيُّ قَالَ ثُمَّ أَنْ تُزَانِيَ بِحَلِيلَةِ جَارِكَ<sup>۱</sup>

ترجمه: از عبدالله بن مسعود روایت است که فرمود: مردی گفت: یا رسول الله ﷺ کدام گناه به نزد الله بزرگتر است؟ فرمود: اینکه به الله شرک کنی در حالی که او ترا آفریده است، گفت: بعد از آن کدام گناه بزرگتر است؟ فرمود: قتل کنی اولادت را از خوف اینکه با تو غذا می خورد، مرد گفت: بعد از آن کدام گناه بزرگتر است؟ فرمود: اینکه با زن همسایه ات زنا کنی.

ابوهریره رضی الله عنه روایت میکند که شخص نزد رسول الله ﷺ آمد و از همسایه اش شکایت کرد پیامبر صلی الله علیه وسلم، برایش به صبر توصیه نمود، بار دوم و سوم آمد شکایت نمود پیامبر صلی الله علیه وسلم، فرمود: برو مال، متاع، بستره، و ظروف هر چه داری بیرون انداز، شخص رفت هر چه داشت از بار و بستره به کوچه انداخت و مردم که از کوچه عبور میکردند می پرسیدند که چرا چنین کرده است؟ او ماجرا و بدگذرانی همسایه را برایشان میگفت، هر کس او را لعنت میکرد و نفرین می فرستادن و برایش دعای بد میکردند اخیراً همسایه بد از کار اش در حق همسایه پیشمان شد آمد معذرت خواست و گفت تو تمام این مال و متاع ات را به خانه برگردان بعد از این هیچگونه آزار و اذیت از من برایت نخواهد رسید.

علماء همسایه ها را به سه قسم تقسیم نموده اند:

۱. همسایه مسلمان که قرابت خویشاوندی داشته باشد.
۲. همسایه مسلمان بیگانه.
۳. همسایه غیر مسلمان.

۱. کتاب مشکاة المصابیح [التبریزی، أبو عبد الله] ج-۱ ص-۲۲

- اولی: سه حق دارد (حق اسلام، حق همسایگی و حق خویشاوندی)
- دومی: دو حق دارد (حق اسلام و حق همسایگی)
- سومی: یک حق دارد (حق همسایگی و بس) - اگر همسایه غیر مسلم و کافر هم باشد بالای همسایه حق دارد که با وی مدارا، احسان و نیکی کرده شود.

ابوداود در کتاب خویش روایت میکند که عبدالله بن عمر (رضی الله عنه) همسایه یهودی داشت که هر گاه گوسفندی را ذبح میکرد میگفت، به خانه همسایه یهودی گوشت بفرستند:

عَنْ مُجَاهِدٍ قَالَ: ذُبِحَتْ شَاةٌ لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا فِي أَهْلِهِ، فَلَمَّا جَاءَ قَالَ: أَهْدَيْتُمْ لَجَارِنَا الْيَهُودِيَّ؟ أَهْدَيْتُمْ لَجَارِنَا الْيَهُودِيَّ؟ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: مَا زَالَ جِبْرِيلُ يُوصِينِي بِالْجَارِ، حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيُورَثُهُ<sup>۱</sup>

ترجمه: از مجاهد (رضی الله عنه) روایت است که گفت: گوسفندی را در خانه ذبح کردند، عبدالله بن عمر آمد وگفت: آیا به همسایه یهودی فرستادید؟ آیا به همسایه یهودی فرستادید؟ من از رسول الله صلی الله علیه وسلم، شنیدم که میگفت: جبرئیل مرا همیشه در مورد حقوق همسایه توصیه میکرد حتی گمان میکردم که میراث می برد.

این حدیث را ترمذی نیز روایت کرده است از عایشه و ابوهریره (رضی الله عنه) حدیث شریف بر حقوق همسایه غیر مسلم نیز تاکید مینماید که از حقوق همسایه گی برخوردار بوده باشد، کافر بودن اش حق همسایگی را از آن برداشته نمیتواند و دین مقدس اسلام همان حقی که برای همسایه مسلمان داده است برای همسایه کافر و غیر مسلم نیز می دهد؛ همسایه کافر و غیر مسلم نباید

۱. الجامع الصحیح للسنن والمسائید [صهیب عبد الجبار] ج-۱۱ ص-۳۳۹

بخاطر کافر بودن اش مورد آزار و اذیت همسایه قرار گیرد زیرا اخلاق اسلامی برای چنین کاری اجازه نمی دهد؛ پس از بدی و آزار و اذیت هر نوع همسایه اجتناب نمایید، با همسایه ها مهربان باشید و هرگز در حق آنها بدی نکنید، همسایه از هر قوم، نژاد، تبار و مردمی که باشد در حقوق همسایه گی با هم برابر اند، مسلمان خوب هرگز به همسایه بدی نکرده و ایشان را مورد احترام قرار میدهد و همسایه غیر مسلم را زیر تاثیر اخلاق اسلامی اش آورده و برایش درس همسایه گی می آموزاند.





## از ترس الله سبحانه و تعالی باید گریست

مسلمان خوب، از الله سبحانه و تعالی می ترسد و قلب اش همیشه در ترس و خوف است (البته به این نکته باید توجه داشت که خداوند نه ظالم است و نه به کسی ستم میکند نه حق کسی را ضایع میکند بلکه ترس از خدا معرفت به مقام ربوبیت و عظمت خداست.)، از چشمانش اشک می بارد و می گرید، رابطه اش همیشه با الله سبحانه و تعالی برقرار است و به مجرد شنیدن کلمات الهی و آیه های قرآنی اشک از چشمانش سرازیر میگردد و چنان مجذوب و شیفته ی سخنان حق می شود که بی اختیار به سجده می افتد، و دل و جان را در راه او از دست میدهد، این بنده گان زنده دل و بیدار، عاشقان خداوند سبحان اند؛ الله سبحانه و تعالی در کتاب مبارک اش ایشان را چنین وصف می نماید:

{وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا} اسراء: آیه ۱۰۹

ترجمه: آنها با تمام معنی به خاک می افتند، اشک شان جاری می شود، گریه می نمایند و خشوع و عاجزی ایشان، در برابر الله افزون می گردد.

و یا همچنین در سوره ی التوبه می فرماید:

فَلْيُضْحِكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ سوره التوبه: آيه

۸۲

ترجمه از این پس کم بخندند و به جزای آنچه به دست می آوردند بسیار بگریند.

عَنْ أَبِي سَلَمَةَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَوْ تَعَلَّمُونَ مَا أَعْلَمُ لَضَحِكْتُمْ قَلِيلًا وَلَبَكَيْتُمْ كَثِيرًا...<sup>۱</sup>

ترجمه: از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: قسم به کسی که جان من در دست اوست، اگر شما هم آنچه را که من می دانم می دانستید، قطعاً زیاد گریه می کردید و کم می خندیدید. و در روایت دیگر از انس رضی الله عنه آمده است: اگر بدانید آنچه را که من میدانم (لضحکتکم قلیلاً و لبکیتم کثیراً...) هر آینه کمتر می خندیدید و بسیار گریه میکردید، اصحاب (رضی الله عنهم)، روی هایشان را پوشانیدند و گریستن (بخاری)

**خواننده‌ی گرامی!** اشک و قطره های که امروز از چشمان تان بخاطر ترس از عذاب و گرفت الله سبحانه و تعالی می ریزد، سبب نجات از عذاب فردای روز جهنم و دوزخ می شود. خنده های زیاد، قلب را میمیراند. به ویژه آنهایی که همیشه در گناه، معصیت، ظلم، استبداد، تجاوز، غفلت و حرام خوردن مصروف اند از این کارها پشیمانی نموده و باید بیشتر بگریند؛ آنان که از نماز، تلاوت کلام الهی، ذکر، توبه و ادای فرایض الهی غافل اند و بی خبر، باید بیشتر بگریند، آنهایی که شب ها، روزها، لحظه های شیرین از عمر شانرا مصروف دیدن فلم، سریال، قمار، غیبت، موسیقی مبتذل، و بازی های بی مورد می نمایند

۱. صحیح البخاری: حدیث شماره ۶۶۳۷

و عمر و وقت خود را به باد فنا می دهند؛ باید اشک بیشتر بریزند و در فرجام آنهایی که اکثر وقت های خودشان را در اینترنت کلب ها، مراکز فحشاء و فساد، گفتگو و خلوت کردن با زنان و مردان نامحرم سپری می کنند به حال خود آمده و به خودشان رحم نمایند لحظه ای بیاندیشند که در کدام حالت قرار دارند و با خود چه ظلم را انجام می دهند؟ این را به خاطر بسپاریم که ضایع نمودن وقت و عمر، آن هم در نافرمانی الله ﷻ و انجام گناه، سخت ظلم بزرگ است. حضرت عمر رضی الله عنه در عدالت شهرت جهانی دارد و از کسانی است که بهشتی بودن اش در دنیا مژده داده شده بود؛ اما او به حدی میگریست که اشک ها، در رخسارش خط کشیده بود. حضرت کعب الاحبار می گوید: گریه کردن از ترس و خوف الله ﷻ، که اشک از چشمانم جاری شود بهتر است برایم از اینکه به وزنم طلاء و صدقه دهم؛ زیرا قطره های اشک از ترس و خوف الله سبحانه و تعالی از آتش جهنم جلوگیری می نماید (مجلس الابرار).

آب دیده و قطره های اشک از ترس و خوف الله سبحانه و تعالی به نزد کعب الاحبار، بزرگ ترین عالم دین و یار پیامبر الله ﷺ بالاتر از طلاء ارزش دارد، امروزه در عصر طلایی زندگی میکنیم و ارزش و قیمت هر چیز در دنیا، مجتمع های تجاری، بازار های بزرگ سهامی و بانک های جهانی با طلاء مقایسه می شود و با ارزش ترین چیز در دنیای امروزی طلاء است و پول های رایج کاغذی کشورها (دینار، درهم، دالر، پوند، تومان، کلدان...) پشتوانه ی طلایی دارد و در برابر طلاء و ارزش آن لحظه به لحظه در حالت تغییر است، طلاء در میان مردم جایگاه خاص دارد، کسی که طلاء دارد گویا که هر چیزی دارد؛ اما برای مسلمان خوب آنچه که ارزش دارد تنها ایمان و عمل صالح است و هرگاه عمل صالح با اشک چشم و سوز دل تقدیم الله شود بالاتر از هر چیزی دیگر است، ارزش و بهاء قطره های اشک بالاتر از آن است که شخص به اندازه ی وزن بدنش طلاء صدقه دهد؛ وزن بدن هر کس متفاوت است (چهل و پنج الی

پنجاه، شصت و پنج الی هفتاد و...) کیلوگرام و یا بالاتر از آن؛ اگر همین کس که دارای وزن زیاد و بالاتر از صد کیلوگرام وزن دارد، همه امکانات زندگی را در اختیار دارد، پول گزاف، بلند منزل ها، موترهای مودل جدید، غذاهای متنوع، لباس های شیک، ساعت های برند و گوشی های که هرکدام ارزش ده الی بیست هزار دالر را دارد، زندگی مرفه که هرچه دلش خواست همان کند؛ پس گاهی هم به مرگ، عذاب قبر، پرسش های منکر و نکیر (دو فرشته‌ی که برای پرسیدن انسان در داخل قبر می‌آیند)، عذاب روز آخرت، پل صراط، عذاب جهنم، مواخذه الله، چالش های روز رستاخیز و... بیانده‌شد و به الله ﷻ بزرگ رجوع کند از عذاب الله سبحانه و تعالی بترسد؛ اگر گناه و معصیت انجام داده توبه نماید و اگر نکرده است شکرگذاری نماید؛ اما اشک بریزاند، قطره های آب از چشمانش در حال سرازیر شود که ترس و خوف الله ﷻ همه وجودش را فرا گرفته، قلب اش به درد آمده و از سوز دل گریه کند، از گناهان و کرده هایش پشیمان شود و به الله ﷻ تعهد بسپارد که دیگر جنایت، نافرمانی، و گناه نمی‌کند، به یقین که این آب دیده و قطره های از اشک از داخل شدن به آتش دوزخ حفاظت اش میکند و نمی‌گذارد که آتش دوزخ جسم اش را بسوزاند، هیچ کس آماده نیست که به مقدار وزن بدنش طلاء یا نقره صدقه دهد و هرکه هم اینقدر دارایی از طلاء و نقره ندارد، اما سوز دل و اشک چشم همه دارند، برای نرم شدن قلب و ریختن اشک باید توجه شود، در قلب ها باید عشق و محبت الله ﷻ جای گیرد، فکر آخرت پیدا شده و خوف الله ﷻ بالای جسم و روح حاکم گردد، با یا الله ﷻ گفتن و با گرفتن نام با عظمت آن، پوست و موهای بدن ایستاد شده و به لرزه درآید؛ اینجاست که اشک های چشم ارزش پیدا میکند و ارزش آن بلند می‌رود. پیامبر ﷺ در حال که معصوم و بیگناه است، محبوب الله ﷻ است؛ ولی شب ها گریه می‌کرد، روزها گریه می‌نمود، در سجده، هنگام تلاوت و... اشک می‌ریخت؛ ام المومنین عائشه (رضی‌الله‌عنها) می‌فرماید: برایش گفتم: یا

رسول الله ﷺ پدر و مادرم فدایت باد! چرا اینقدر اشک میریزی (قد غفرالله لك ما تقدم من ذنبك و ما تاخر - الله ﷻ ترا بخشیده است و پیامبر ﷺ میگوید: افلا اکون عبدا شکورا- آیا بنده ی شکر گذار الله ﷻ نباشم؟) آنان که از الله سبحانه و تعالی می ترسند و اشک میریزند، الله ﷻ آنها را دوست میدارد، و به قطره های از اشک شان حرمت میگذارد، دعاهایشان را قبول میفرماید، و نام شانرا در فهرست دوستان اش می نویسد.

"گفته شده است که الله ﷻ به موسی علیه السلام وحی فرمود: زهد زاهدان، تقرب متقربین، پرهیز پرهیزگاران، و عبادت عابدان نزد من به اندازهی اشک چشم آنان که از خوف و ترس من اشک میریزند، نیست؛ یعنی آنهایی که از الله ﷻ می ترسند و از خوف آن میگریند قطره های اشک شان بالاتر از زهد زاهد، قربت و نزدیکی متقرب، پرهیز متقیان و پرهیزگاران و عبادات عابدان می باشد" ابوهریره رضی الله عنه روایت می کند:

لَا يَلِجُ النَّارَ رَجُلٌ بَكَى مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ حَتَّى يَعُودَ اللَّبَنُ فِي الضَّرْعِ... (رواه ترمذی)

ترجمه: رسول الله ﷺ می فرمایند: داخل آتش جهنم نخواهد شد، شخصی که از ترس الله ﷻ می گرید؛ حتی که شیر بعد از دوشیدن آن به پستان برگردد. خواننده ی عزیز و گرامی! شما در خانه هایتان حیوان های متفاوت شیری دارید و حتمن جریان شیر دوشیدن را دیده اید؛ هیچ گاه به خاطر دارید و یا دیده اید که شیر دوشیده شده ی داخل ظرف دوباره به پستان حیوانات برگردد؟ بلی، این ناممکن است بر نمی گردد؛ مگر اینکه الله ﷻ برگرداند، سپس این شخص که از ترس الله ﷻ گریه میکند و اشک میریزاند در حالیکه به الله ﷻ ایمان کامل دارد، مطابق فرمان او عمل میکند به آتش و گودال جهنم وارد نخواهد شد و اگر

وارد شود آتش جهنم وی را نمی‌سوزاند و صحت و سالم از آن بدر خواهد آمد؛ پس برای نجات از آتش جهنم، باید گریست.

"آدم علیه السلام وقتی که از بهشت اخراج شد و به زمین آورده شد حدود سه صد سال گریست، اشک هایش به زمین سرازیر شد و از الله ﷻ حیاء می‌نمود، می‌ترسید و خوف داشت، آب چشم اش را پرنده‌گان می‌نوشید و تا زمانی اشک ریخت که الله ﷻ توبه اش را قبول فرمود (دره الناصحین)"

بلی، آب چشم و اشک که از ترس الله ﷻ می‌ریزد سبب شستشوی گناهان می‌گردد و آنهایی که اشک می‌ریزند و گریه می‌نمایند از الله ﷻ می‌ترسند و فردای قیامت در سایه‌ی عرش الله قرار می‌گیرند، روزی که هیچ سایه‌ی جز سایه‌ی عرش الله ﷻ نیست، **یوم لا ظل الا ظله...** رسول الله ﷺ می‌فرماید که در آن روز هفت طبقه از مردم در زیر سایه‌ی عرش الله قرار خواهند گرفت: یک: پادشاه و حاکم عادل.

دوم: جوان که در عبادت الله ﷻ پرورش یافته است.

سوم: شخص که قلب اش به مسجد معلق (هر لحظه منتظر و در فکر نماز) است. چهارم: دو کسی که به خاطر الله ﷻ دوستی می‌کنند و باهم یکجا جمع و جدا می‌شوند

پنجم: مرد که از سوی زنِ صاحب زیبایی و صورت برای عمل زشت زناء دعوت می‌شود، رد می‌نماید و در جواب می‌گوید: **انی اخاف الله یعنی من از الله ﷻ بصیر و قهار می‌ترسم.**

ششم: شخصی که به خاطر رضامندی الله ﷻ پنهان و آشکار صدقه می‌نماید و کسی را آگاه نمی‌سازد و حتی دست چپ از دست راست اش خبر نمی‌شود.

هفتم: کسی که با یاد الله ﷻ از چشمانش اشک سرازیر شود (بخاری و مسلم، عن ابی هریره)

این خود بزرگترین مرتبه و مقام است که در میان هزاران ملیون انسان برایش اجازه داده شود که در زیر سایه‌ی عرش الله ﷻ تشریف ببرد، از گرمی آفتاب سوزان روز رستاخیز و عذاب دردناک جهنم در امن باشد؛ خوشا به حال ایشان. خوشا به حال آنانیکه در زیر سایه عرش الله ﷻ دعوت می شوند و مورد الطاف، مهربانی و رحمت الله ﷻ قرار میگیرند.

### {فَمَنْ لِّلّٰهِ عَلَيْنَا وَوَقَانَا عَذَابَ السَّمُومِ...} {سوره طور: آیه - ۲۵}

ترجمه: مومنان با همدیگر گفتگو می کنند و می گویند: الله سبحانه و تعالی، بر ما احسان و منت گذاشت و ما را از عذاب سوزان جهنم حفاظت کرد. آنان که از ترس و خوف الله ﷻ گریستند اشک های امروز شان، نجات بخش فردای شان خواهد شد، جهنم که دارای هفتاد هزار زمام برای مهار کردنش است و هر زمام به دست هفتاد هزار ملانکه می باشد تا مهارش کنند، برای فروکش نمودن گنهکاران زبانه میزند و شعله ور می شود، اما اشک های که از خوف و ترسی الله ﷻ در دنیا ریخته است شعله هایش را به عقب میزند و از شخص که بخاطر الله ﷻ گریسته است دفاع می کند، اشک چشم با دود جهنم یکجا نمی شود، گریه های امروز، اشک های دوران زنده گی از خوف الله ﷻ سبب خوشحالی های فردا میگردد، فردایی که هیچ کس به کسی کمک کرده نمیتواند هیچ شخص به شخص دیگری همکاری نمیتواند حتی برای خوبترین دوستش، برای اعضای خانواده کمترین کمک را هم نمیتواند، پس برای نجات روز های سخت و دشوار آینده اشک بریزان و گریه کن تا شعله های آتش جهنم از کثرت اشک و آب دیده ات خاموش گردد و در زیر سایه عرش الله ﷻ قرار بگیری و از رحمت الله ﷻ برخوردار شوی.

**جوان عزیز و خواننده گرامی!** آیا برای رسیدن به سایه عرش الله گریه میکنی؟ آیا از الله ﷻ می ترسی؟ آیا برای خاموش شدن شعله های سوزان جهنم

اشک می ریزانی؟ آیا امیدوار به رحمت الله ﷺ هستی؟ پس به فردا دیر است امروز گریه کن، امشب در تنهایی از خواب برخیز دو رکعت نماز بخوان و اشک بریزان از سوز دل گریه کن، از خوف الله ﷺ گریه کن، تنها گریه کن، با اخلاص گریه کن تا قطره های اشک ات در حضور الله ﷺ جمع شوند و برای خاموش نمودن شعله های آتش بکار روند، اگر گریه ها از ترس الله ﷺ اهمیت نمیداشت، اگر اشک های چشم ارزش نمیداشت پیامبر معصوم ﷺ گریه نمی کرد و اشک نمی ریخت، رسول ﷺ به عبدالله بن مسعود (رضی الله عنه) امر میکند تا برایش قرآن بخواند، عبدالله بن مسعود میگوید: یا رسول الله ﷺ چگونه در حضور شما قرآن بخوانم در حالیکه قرآن به شما نازل شده است؟ رسول الله ﷺ می فرماید: من دوست دارم تا قرآنکریم را از دیگران بشنوم، ابن مسعود (رضی الله عنه) میگوید: سوره نساء را تلاوت کردم و در شماره آیه چهل و یک رسیدم؛

{فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدًا...}

سوره النساء: آیه-۴۲

ترجمه: پس چگونه است [حالشان] آنگاه که از هر امتی گواهی آوریم و تو را بر آنان گواه آوریم.

پیامبر ﷺ فرمود: حسبک الآن - الآن بس کن، ابن مسعود رضی الله عنه میگوید، به طرفش نظر نمودم چشمان مبارک پر از آب بود و می گریست (متفق علیه).

ابوبکر صدیق خلیفه اول مسلمین هنگام تلاوت قرآن کریم گریه میکرد، وقتیکه رسول الله ﷺ، مریض شد و از شدت مرض نمیتوانست به نماز جماعت به مسجد برود گفت: به ابوبکر بگوئید مردم را نماز دهد، عائشه (رضی الله عنها) مادر مومنان فرمود: ابوبکر شخص نرم دل است هنگام تلاوت قرآن کریم، زیاد گریه میکند؛ و در روایت دیگر آمده است عائشه (رضی الله عنها) گفت: اگر ابوبکر (رضی الله عنه)



در مقام شما (محراب) ایستاد شود از بس که گریه میکند مردم چیزی جز گریه نمیشنوند، اما پیامبر ﷺ میگفت: خیر برایش بگویند نماز بدهد.

حضرت عثمان بن عفان رضی الله عنه خلیفه سوم مسلمین به حدی گریه میکرد که ریش مبارک و رخساره هایش همه تر میشد و اشک هایش به زمین می ریخت، علی (رضی الله عنه) خلیفه چهارم مسلمین همچنان میگریست همه اصحاب رضوان الله علیهم اجمعین، گریه میکردند، ابوبکر و عمر رضی الله عنهم، بعد از وفات رسول الله ﷺ به زیارت ام الایمن رضی الله عنها، رفتند او را در حالی یافتند که گریه میکرد و این هردو هم با وی سخت گریستند.

عبدالرحمن بن عوف آن قدر گریه میکرد که نان خورده نمی توانست، (یکی حتی ترک الطعام - الله ﷻ قطره های آب دیده چشم مومنین را دوست میدارد، پیامبر ﷺ می فرماید:

ليس شيء احب الى الله تعالى من قطرتين و اثرين ...

ترجمه: هیچ چیزی به نزد الله ﷻ محبوبتر از دو قطره و دو اثر نیست.

وَعَنْ أَبِي أُمَامَةَ الْبَاهِلِيِّ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - : " لَيْسَ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنَ قَطْرَتَيْنِ وَأَثَرَيْنِ ، وَ قَطْرَةٌ مِنْ دُمُوعٍ فِي حَشِيَّةِ اللَّهِ ، وَ قَطْرَةٌ دِمِّ تُهْرَأَقُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ... ١

ترجمه: از ابی امامه باهلی (رضی الله عنه) روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: هیچ چیزی به نزد الله ﷻ محبوبتر از دو قطره و دو اثر نیست، قطره اشک که از ترس الله ﷻ می ریزد و قطره خون که در راه الله ﷻ می ریزد.

و اما دو اثر؛ اثر قدم در راه الله ﷻ و در جهاد، و اثر قدم در فریضه از فرائض الله ﷻ (قدم که در راه الله ﷻ به جهاد علیه مشرکین و کفار برداشته می شود و قدم که برای ادای فریضه الله ﷻ برداشته می شود به نزد الله ﷻ از محبوبیت خاص

برخوردار میباشد و اما اشک های که از ترس الله ﷻ سرازیر می شود محبوب تر از همه) پس اشک بریز تا توان داری گریه کن و گناهانت را با آب دیده ات شستشو ده و آن قدر گریه کن تا اشک هایت خشک شود و مقام و مرتبه محبوبیت به نزد الله ﷻ را کسب نمایی و به حیث یک مسلمان خوب نزد الله شناخته شوی.

## آنهای که قابل توقیر (احترام) اند

الله ﷻ انسان ها را اشرف مخلوقات آفریده است و نسبت به هر مخلوق دیگر برای انسان ها شکل، قیافه، صورت، رنگ و قامت زیبا داده است، زبان گویا برای ایشان نصیب نموده است و هر چیز را برایشان مسخر گردانیده است؛ عظمت، بزرگی، عزت و شرف را مخصوص ایشان گردانیده است به ویژه آنان که مومن اند، به فرمان الله ﷻ و رسول الله ﷺ عمل می کنند، در برابر احکام ایشان سر تسلیم دارند و گردن خم می نمایند، همه قابل توقیر و تعظیم اند؛ و اما آنهای که از میان ایشان مقام خاص، ماموریت خاص و ویژگی های دارند، بیشتر قابل حرمت گذاری، و بزرگداشت اند. حرمت و تعظیم اینان از واجبات است اگر کسی برای ایشان بی احترامی نماید، جفا کرده است؛ قرآن کریم ایشان را از بنده گان معرفی کرده که از الله ﷻ بیشتر می ترسند.

{إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ} فاطر: آیه ۱۱

ترجمه: از میان بندگان او تنها دانشمندان و علماء (ربّانی) خشیت الهی دارند، بی شك الله، عزیز و آمرزنده است.

رسول الله ﷺ ایشان را وارثین انبیاء خوانده است:

"الْعُلَمَاءُ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ"

معلمین و آموزگاران نسبت به عوام بهتر اند، اربابان علم و دانش اند که عمر شانرا برای خدمت به دین صرف می کنند، وقت گرانهای شانرا در نوشتن کتاب، دعوت، تبلیغ، و تدریس به مردم و جامعه سپری می نمایند، امر به معروف و نهی از منکر می کنند؛ علماء دین، شیوخ، بزرگان، اساتید و معلمین، آموزگاران حق و عدالت، خادمین قرآن و سنت، اهل آسمان ها و زمین، حتی ماهی ها در داخل آب برایشان درود خوانده و استغفار می طلبند، سپس علماء و اهل علم و دانش از میان همه ی مردم بیشتر قابل حرمت و توقیر اند؛ معلمین و آموزگاران بیشتر قابل قدر و تعظیم اند، آنهایی که دین را برای مردم می فهمانند، اسلام را درست به معرفی می گیرند، کتاب الله ﷻ و سنت رسول الله ﷺ را تفسیر و تشریح می نمایند، راه های خیر و اصلاح را برای مردم نشان می دهند، علیه باطل، طاغوت، شرک و فساد صدا بلند نموده و مبارزه می نمایند، قابل توقیر و احترام اند.

عن الحسن مرسلًا، قال: سئل رسول الله ﷺ عن رجلين كانا في بني إسرائيل: أحدهما كان عالمًا يصلي المكتوبة، ثم يجلس فيعلم الناس الخير، والآخر يصوم النهار ويقوم الليل؛ أيهما أفضل؟ قال رسول الله ﷺ صلى الله عليه وسلم: ((فضل هذا العالم الذي يصلي المكتوبة ثم يجلس فيعلم الناس الخير على العابد الذي يصوم النهار ويقوم الليل كفضلي على أدناكم).<sup>۲</sup>

ترجمه: کسی از رسول الله صلى الله عليه وسلم در مورد دو شخص از بنی

۱. صحیح ابن حبان، ج ۱ ص ۲۹۱-

۲. رواه الدارمي، شرح المشكاة للطبي الكاشف عن حقائق السنن [الطبي] ج ۲ ص ۷۰۲-

اسرائیل پرسید که یکی از آنها عالم بود و نماز فرض را اداء می نمود و برای تعلیم خیر (مسائل دینی، عبادات، قناعت، ریاضت، صبر و...) برای مردم می نشست؛ دومی روزانه روزه گرفته و شب ها مصروف نماز خواندن بود، کدام یکی از اینها بهتر است؟ رسول الله ﷺ فرمود: فضل و برتری عالم که نماز فرض را میخواند و به تعلیم خیر (تدریس دین و مسائل مربوط به آن) می نشیند و مردم را می آموزاند بر آن عابد که شب نماز میخواند و روز را روز میگیرد مانند فضل و برتری من بر ادنی ترین و ضعیف ترین شماست.

علماء و فقهاء پیشوایان دین اند، خدواند برای ایشان بزرگی و مرتبه داده است اگر چهل حدیث را در امور دین برای منافع دینی مسلمانان انتقال داده باشد و یا حفظ نموده باشد که بدان عمل می کند و برای دیگران می رساند، در روز قیامت در صف فقهاء حشر می شود و رسول الله ﷺ ایشانرا شفاعت مینماید و به فقهی بودن اش شهادت می دهد.

وَعَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ قَالَ: سُئِلَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ: مَا حَدُّ الْعِلْمِ الَّذِي إِذَا بَلَغَهُ الرَّجُلُ كَانَ فَقِيهًا؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ حَفِظَ عَلَيَّ أُمَّتِي أَزْبَعِينَ حَدِيثًا فِي أَمْرِ دِينِهَا بَعَثَهُ اللَّهُ فَقِيهًا وَكُنْتُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَافِعًا وَشَهِيدًا»<sup>۱</sup>

ترجمه: ابودرداء رضی الله عنه روایت میکند که از رسول الله ﷺ پرسیده شد، حد علمی که شخص را به درجه فقهی برساند چیست؟ فرمود: کسی که در امر دین چهل حدیث را حفظ کند و برای امت برساند فقیه حشر می شود و من برایش شفاعت و شهادت می دهم.

این خیلی ها آسان است که یک شخص خود را به درجه فقهاء یا حفظ و انتقال چهل حدیث در امور دین برساند و فردای قیامت در صف ایشان قرار

گیرد، یک مهندس، یک دکتر طب، یک قانوندان، یک ساینس دان و یا یک استاد ریاضی اگر چهل حدیث از رسول الله ﷺ حفظ نموده و به دیگران انتقال دهد و یا چاپ نموده و در میان مردم توزیع نماید، خود اش هم بدان عمل نموده و دیگران را دعوت دهد، الله سبحانه و تعالی فضل و کرم اش را شامل حال وی خواهد ساخت، و این بزرگترین افتخار برایش خواهد بود که در کنار فقهاء کرام، در پهلوی علماء دین حشر شده و رسول الله ﷺ برایش شفاعت نماید. علماء، فقهاء، دانشمندان مسلمان، معلمین خیر، آموزگاران قرآن و حدیث مانند ستاره‌گان آسمان در زمین اند؛ در روشنی علم، تبلیغ و هدایت ایشان مردم راه می‌روند، احترام و تعظیم شان برای مردم واجب است، هرکدام از ایشان به تنهایی مانند یک امت در روز رستاخیز حشر می‌شوند و اینها به نزد الله ﷻ از شان و شوکت ویژه برخوردارند.

علماء و معلمین را دست کم نگیرید، عالم ستیز و دین ستیز نباشید، به لباس های ژولیده و قیافه‌ی بی آرایش و بی آرایش بعضی از ایشان نبینید، به زندگی ساده و بی نقش و نگار ایشان خیره مشوید، آنها دوستان الله ﷻ اند، الله ﷻ ایشان را عزت داده است و آنها با عام مردم یکسان نمی‌باشند؛ زیرا ایشان می‌دانند مسائل دین را؛ ولی مردم نمی‌دانند.

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ {

الزمر: آیه ۹

ترجمه: آیا آنانکه می‌دانند و آنانکه نمی‌دانند، باهم برابرند؟

وَعَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - هَلْ تَذَرُونَ مَنْ أَجُودُ جُودًا؟ " قَالُوا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ.

قَالَ: " اللَّهُ تَعَالَى أَجْوَدُ جُودًا، ثُمَّ أَنَا أَجْوَدُ بَيْنِي أَدَمَ وَأَجْوَدُهُمْ مِنْ بَعْدِي رَجُلٌ عِلْمٌ عَلِمًا فَنَشَرَهُ، يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمِيرًا وَحَدَهٗ أَوْ قَالَ: أُمَّةً وَاحِدَةً"

ترجمه: انس ابن مالک رضی الله عنه روایت میکند که رسول الله ﷺ فرمودند: آیا می دانید سخاوت مندترین و بخشنده ترین کس، کی است؟ اصحاب عرض نمودند! الله و رسول اش بهتر میدانند، فرمود: الله سبحانه و تعالی است، و بعد من (رسول الله ﷺ) هستم و بعد مردی که علم آموخته و آنرا نشر (تعلیم، تدریس، تالیف، تبلیغ، دعوت و...) کرده است؛ روز قیامت طوری می آید که گویا امیر جماعت یا امت واحد باشد.

با اعزاز و سربلندی، با عزت، وقار، از برکت علم که آموخته به آن عمل نموده و آن را برای مردم رسانیده است به این مقام می رسد؛ و اما آنانی که علم آموختند و عمل نمودند، علم را برای مردم نرسانند، به دین خدمت نکردند، از نام علم، کتاب و عالم استفاده سوء کردند، از لباس روحانیت و پارسایان استفاده نامشروع نمودند، علم را وسیله رسیدن به اهداف و مقاصد، آرمان ها و خواهشات نفسانی شان ساختند، از این مقام و بزرگی در قیامت محروم اند؛ زیرا آنها مقام و عزت را در دنیا خواستند، از نام استفاده نموده و طمع و توقعات بیجای نمودند، در مال و دولت حرص کردند، زمان و فرصت برای خدمت دین نیافتند....)

زیاد ابن حدید رحمه الله، میگوید: عمر رضی الله عنه برای من گفت: هل تعرف ما يهدم الاسلام؟ آیا میدانی که اسلام را چه خراب و منهدم می سازد؟ قلت لا. گفتم نه نمیدانم، فرمود:

يَهْدِمُهُ زَلَّةُ الْعَالِمِ، وَجِدَالُ الْمُنَافِقِ بِالْكِتَابِ وَحُكْمُ الْأَيْمَةِ الْمُضِلِّينَ<sup>۲</sup>

۱. مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح [الملا علی القاری] ج ۱ ص- ۳۲۸  
۲. کتاب مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح [الملا علی القاری] ج ۱ ص- ۳۳۴

ترجمه: از زیاد بن حدید (رضی الله عنه) روایت است که خطا و لغزش عالم، جدال و ستیزه منافی با کتاب، حکم و فرمان سرداران و پیشوایان گمراه، دین را خراب و منهدم می‌سازد.

عالم دین طماع و آزمند نباشد علم را وسیله نسازد، نزد اهل دنیا خود را ذلیل نگرداند حضرت عمر فاروق (رضی الله عنه) برای کعب (رضی الله عنه) گفت:

مَنْ أَرْبَابُ الْعِلْمِ؟ قَالَ: الَّذِي يَعْمَلُونَ بِمَا يَعْلَمُونَ. قَالَ: فَمَا أَخْرَجَ  
الْعِلْمَ مِنْ قُلُوبِ الْعُلَمَاءِ؟ قَالَ الطَّمَعُ<sup>۱</sup>

ترجمه: صاحبان و اربابان علم چی کسانی اند؟ فرمود: آنانی که به علم شان عمل می‌کنند، باز پرسید؟ چه چیز علم را از قلب های علما خارج می‌کند؟ فرمود: طمع و حرص دنیا.

زمانیکه عالم دین حریص مال، منصب و جاه شد به دنیا علاقه مند گشت دیگر علم در قلب اش ایستاد نمی‌شود، حتی فتواهایی را برای رسیدن به قدرت، مال و منصب نیز صادر میکند، برای به دست آوردن یک نمره حویلی، یک آپارتمان، یک مُشت پول یک عراده موتر علم را خوار و خود را ذلیل می‌سازد، حق را گفته نمیتواند و این سبب تخریب دین می‌شود.  
ابن عباس (رضی الله عنه) روایت میکند که رسول الله ﷺ گفت:

إِنَّ أَنَا مِنْ أُمَّتِي سَيَفْقَهُونَ فِي الدِّينِ، وَيَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ، وَيَقُولُونَ  
نَأْتِي الْأَمْرَاءَ فَتَصِيبُ مِنْ دُنْيَاهُمْ، وَنَعْتَرِلُهُمْ بِدِينِنَا وَلَا يَكُونُ ذَلِكَ كَمَا لَا  
يُجْتَنَى مِنَ الْقِتَادِ إِلَّا السُّوْكَ<sup>۲</sup>

ترجمه: به تحقیق مردمانی از امت من دین را می‌آموزند و قرآن را می‌خوانند، می‌گویند: به نزد اُمراء و فرمان‌روایان می‌رویم، از دنیای شان می‌گیریم، و با دین

۱. کتاب مشكاة المصابيح [التبريزي، أبو عبد الله] ج-۱ ص-۸۸

۲. کتاب جمع الفوائد من جامع الأصول ومجمع الزوائد [الروداني، محمد بن سليمان المغربي] ج-۱ ص-۵۱



مان بر میگرددیم، چنین شده نمی‌تواند، طوریکه از درخت قتاد گرفته نمی‌شود جز خار، از نزد آنها هم گرفته نمی‌شود جز خار.

محمد بن صباح که یکی از راویان حدیث است میگوید: استثناء یعنی خطاها- پیامبر ﷺ در این حدیث اُمرأ و پادشاهان را به درخت خاردار قتاد تشبیه داد، اگر کسی از درخت قتاد بخواهد استفاده نماید جز خار چیزی دیگری برایش نمی‌آید و اگر برای آتش کردن قطع نماید هم خارها او را اذیت مینماید و درد مند میسازد چاره نیست علماء و قاریان که به نزد اُمرأ و پادشاهان به این نیت می‌روند که پول میگیریم از دنیای شان استفاده میکنیم و از ایشان کنار میرویم تا در گناه ایشان شریک نشویم، این راه ندارد که شما به دروازه ایشان رفتید و از آنها توقع مال، پول، منصب کردید، پیشنهادها برای ایشان دارید آنها هم از شما توقع دارند تا حمایت شان کنید، برای منافع شان فتوی دهید، کمپاین کنید، عضو فعال حزب شان باشید، گفته‌ها، قول و فتوی شما دلیل برای مشروعیت ایشان بوده باشد پس راه ندارد که از دنیای ایشان بگیرید و با دین تان سالم کنار بروید اینها همان درخت خاردار اند که خار اش حتماً به شما اصابت میکند و در روز قیامت شمارا درد مند میسازد.

آنانی که به علم شان عمل نمی‌کنند، حریص و آزمند مال دنیا اند، حق را بر ملا نمی‌گویند، در نشر و پخش دین سعی و تلاش نمی‌نمایند از بدترین انسانهای روی زمین اند.

إِنَّ مِنْ أَسْرِّ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ مَنْزِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ: عَالِمٌ لَا يَنْتَفِعُ بِعِلْمِهِ. رَوَاهُ  
الدَّارِمِيُّ.<sup>۱</sup>

ترجمه: یقیناً بدترین شخص از نگاه منزلت در روز قیامت نزد الله ﷻ عالم است که به علم اش عمل نمی‌کند.

۱. کتاب مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح (الملا علی القاری) ج-۱ ص-۳۳۴

در روایت علی (رضی الله عنه)<sup>۱</sup> آمده است، زمانی فرا می رسد که علما از بدترین کسانی می باشند که در زیر آسمان اند از نزد ایشان فتنه خارج می شود و به ایشان بر میگردد، این هنگامی است که از اسلام تنها نام و از قرآن تنها رسم می ماند و مساجد زیبا و تعمیر شده اما خراب حال، از هدایت و عبادت می باشد قریب است که این دور فرا رسد.

يُوشِكُ أَنْ يَأْتِيَ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقَى مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ وَلَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ مَسَاجِدُهُمْ عَامِرَةٌ وَهِيَ خَرَابٌ مِنَ الْهُدَى عُلَمَاؤُهُمْ شَرُّ مَنْ تَحْتَ أَدِيمِ السَّمَاءِ مِنْ عِنْدِهِمْ تَخْرُجُ الْفِتْنَةُ وَفِيهِمْ تَعُودٌ.<sup>۱</sup>

ترجمه: زمانی برای مردم فرا می رسد که از اسلام هیچ چیز باقی نمی ماند جز نام آن، و باقی نمی ماند از قرآن مگر تنها صورت آن، فقط مساجد زیبا و قشنگ اند به ظاهر در حال که مخروبه‌ی بیش نیست، علمای شان شیر ترین آدم ها در تحت آسمان اند و از نزد شان فتنه و اختلاف خارج می شود و برمی گردد.

و اما آنهایی که علم شان بر خواهشات شان غالب است، پاک دل اند عامل اند از کسی طمع ندارند، حریص نیستند، در خدمت دین قراردادند از بهترین انسان های روی زمین اند، ملت به وجود شان افتخار میکند، فرشتگان آسمان، ماهی های دریا و مورچه های زمین برای ایشان استغفار میطلبند و آمرزش میخواهند، خدمت به این طبقه علماء، نشستن بایشان، نظر کردن بر چهره های شان عبادت است اینها علم را از پیامبران به میراث گرفته اند وارثین انبیا اند موجودیت ایشان در میان مردم رحمت است و اطاعت شان باعث کامیابی و سرفرازی در قیامت می باشد، دوستی با ایشان سبب نجات دوری از عذاب خواهد بود.

۱. کتاب مشكاة المصابيح [التبریزی، أبو عبد الله] ج-۱ ص-۹۱

در روایتی آمده است: شخصی مرد عالمی را در قریه به دوستی گرفته بود صبحگاهی به زیارت اومی رفت، الله ﷻ فرشته را به صورت انسان بر سر راه وی فرستاد تا سوال کند از وی که کجا و برای چی می رود؟  
گفت: به زیارت عالمی به آن قریه می روم  
فرشته پرسید: کدام خویشاوندی دارید؟ گفت خیر  
پرسید: کدام کاری دنیوی دارید؟ گفت: خیر  
پرسید: پس برای چی می روید؟ گفت او را دوست دارم و از برای الله ﷻ  
به زیارت وی می روم فرشته فرمود: من فرشته ام، بشارت باد ترا که الله ﷻ به  
واسطه دوستی آن عالم ترا آمرزید (ریاض الناصحین) علماً و روحانیون دارای  
فضل کثیر اند.  
ابو امامه (رضی الله عنه) روایت میکند که پیامبر ﷺ فرمود:

### فضل العالم علی العابد کفضلی علی أدناکم

ترجمه: فضل و برتری عالم بر عابد مانند فضل و برتری من بر ادنای شما  
است.

مسلمان خوب همنشین علماء می باشد از علماء مشوره می گیرد به گفته  
های شان عمل میکند، ارتباط شان همیشه با علماء و اهل دانش می باشد ایشان  
را دوست میدارد و در رأستای توقیر، تعظیم و حرمت گذاری از دیگران سبقت  
میکند، آنهایی که با علماً نشست، برخاست و دوستی دارند مانند کسی است که  
در تاریکی با خود چراغ دارد، علماء چراغ درخشان جامعه اند در جای و محلی  
که عالم نباشد آنجا روشنی نیست کسانی که به علماء و اهل دانش توهین و تحقیر  
می کنند قلب های ایشان خالی از حکمت و راستی است، جاهل و نادان اند.  
پیامبر ﷺ می فرماید:

لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَرْحَمْ صَغِيرَنَا، وَيَعْرِفَ شَرَفَ كَبِيرِنَا<sup>۱</sup>

ترجمه: از ما نیست کسی که به اطفال خورد سال ترحم نکند و مرتبه و قدر بزرگان ما را نداند.

علماء بزرگان دین و امت اند ولو عمرشان کمتر و جوان هم باشند ایشان باید مورد احترام، توقیر، تعظیم و قدر تمام اقشار جامعه در هر وقت قرار گیرند، تعظیم و حرمت گذاشتن به ایشان در حقیقت تعظیم و حرمت گذاری به پیامبر ﷺ است.

مَنْ أَطَاعَنِي فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَمَنْ عَصَانِي فَقَدْ عَصَى اللَّهَ<sup>۲</sup>

ترجمه: کسی از من اطاعت و فرمان برداری کند به یقین که از الله ﷻ فرمانبرداری کرده است و کسی که نافرمانی مرا کند الله ﷻ را نافرمانی کرده است. علماء نسبت به سایر مردم از دین و سنت پیامبر ﷺ بیشتر میدانند و اطاعت و فرمانبرداری می کنند، علماء حق و پارسا سعی می نمایند در نقش قدم پیامبر ﷺ قدم بگذارند و در تمامی مسایل زنده گی از سنت وی پیروی نمایند پس اطاعت و فرمانبرداری ایشان در امور دین در حقیقت اطاعت از پیامبر ﷺ است و اطاعت پیامبر ﷺ اطاعت الله ﷻ است، با علماء باشید انشاء الله گمراه نخواهید شد.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ، وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَمِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ، وَمِنْ دَعْوَةٍ لَا يُسْتَجَابُ لَهَا.

ای بار الها: پناه می بریم به تو از علم که سود و نفع نداشته باشد و پناه می بریم به تو از قلبی که در آن ترس الله نباشد، و پناه می بریم به تو از نفسی که سیر نشود، و پناه می بریم به تو از دعایی که مستجاب نشود.

آمین یارب العالمین!

۱. کتاب المسند الجامع [محمود محمد خلیل] ج-۱۱ ص-۱۹۳  
 ۲. کتاب المسند الجامع [محمود محمد خلیل] ج-۱۶ ص-۷۳۶

## حرمت به آموزگار

استاد یا آموزگار در اسلام از جای گاه و مقام خاص بر خوردار است کسیکه علم، هنر، حرفه، و کسب را برای شخص و یا شاگردی می آموزاند حرمت استادی دارد به ویژه استادان علوم دینی (قرآن کریم، حدیث نبوی، فقه اسلامی)، شاگرد از احترام و تعظیم استاد به مقصد می رسد مقام استاد کمتر از مقام پدر نیست استاد روح و روان انسان را زیر تربیه سالم می گیرد و روح انسان از گفته ها، توصیه ها و درس استاد تغذیه میشود، خیر و برکات که از استاد به شاگرد انتقال پیدا میکند به وسیله احترام و تعظیم می باشد شاگرد گستاخ، بد اخلاق، بی احترام، بی ادب و بی توجه نسبت به استاد چندان منفعتی از درس استاد بر نمیدارد و آینده خوبی نمیداشته باشد، هر گاه استاد از شاگرد برنجد و آزرده خاطر شود ممکن الله ﷻ ناراض گردد و شاگرد از علم، حرفه، هنر و کسب خیر نبیند.

در تعلیم المتعلم (کتاب ویژه آموزشی برای دانشجویان) می آورد: نفع نیابد متعلم مگر به تعظیم علم، اهل علم، تعظیم و توقیر استاد.

حضرت علی (رضی الله عنه) می گوید: «من بنده کسی ام که حرفی از علم برایم آموخته باشد، و از جوان مردی و مروت است اگر کسی بتواند در برابر هر حرفی هزار درهم برای استاد بپردازد، زیرا حق استاد به مراتب زیاد است»  
شاعر می گوید:

رأيت حق الحق حق المعلم اوجبه حفظا على كل مسلم  
لقد حق ان يهدى اليه كرامة لتعليم حرف واحد الف درهم

استاد باید به چشم تعظیم و دیده قدر نگریسته شود و شاگرد در حق استاد بد گمان نباشد، از استاد هنگام راه رفتن پیش نرود و بالای آواز استاد صدا بلند نکند، درس استاد را به جان و دل گوش نماید وقت درس گفتن متوجه استاد باشد، نکات مهم را به ذهن بگنجاند و در کتابچه یاد داشت کند، هنگام درس سوال نکند و اگر سوال داشته باشد بعد از ختم درس مطرح نماید، در گفتار، توصیه و درس استاد دقیق باشد تا غلط نقل قول نکند، گفته های استاد لازم و واجب العمل است؛ مگر اینکه امر به منکر و گناه نماید، کوشش کند استاد را در هنگام درس و بعد از آن هرگز نرنجاند و همیشه برایش احترام داشته باشد، اگر شاگرد از استعداد عالی و فوق بر خور دار باشد که بالاتر از استاد درس و کتاب را بداند باز هم احترام استاد برایش واجب است در برابر آن نه ایستد، انتقاد غیر مودبانه نکند درس را گوش بگیرد و بعد از ختم درس در جای مناسب و در فضای دوستی و احترام با رعایت ادب و حسن معاشره به گونه گفتگو و مذاکره علمی برایش پیشکش نماید و این در صورتیکه در استاد ضعف تدریسی دیده شود و استاد توانایی تدریس را نداشته قناعت شاگردان را فراهم کرده تواند در غیر آن ضرورت نیست ممکن است در درس سویی و قوت غبی ترین شاگرد را در نظر گرفته تدریس نماید که همان درس کم و ضعیف برای شاگردان تنبل و غبی دشوار می باشد چون همه شاگردان یک سان نمی باشد بعضی خوب میفهمند و بعضی نمیدانند به هر صورت احترام استاد در صنف، کوچه، بازار،

مسجد، خانه، سفر و حضر همیشه و در هر جا لازم می باشد، شاگرد هر قدر زیرک، هوشیار و با استعداد باشد به حد استاد نمی رسد، در حضور استاد به سوال و پرسش کسی پاسخ ندهد ولو ضرورت هم باشد سوال را به استاد راجع نماید.

شعر:

جواب مسئله کردن به حضرت استاد

اگر چی عین صواب است هم خطا باشد

ز روی شرع سوال کنم جوابم گویی

به پیش آب تیمم کی روا باشد

اگر در هنگام درس، تبلیغ و توصیه کاری پیدا شود که ناگزیر باید انجام دهید بدون اجازه استاد خارج مشوید از استاد اجازه بگیرید و بهتر است اجازه را در پایان درس بگیرید و اگر ضرورت خدمت به استاد باشد به خدمت اش بشتابید زیرا خدمت استاد سعادت است، از درس هرگز خود را محروم نسازید و بر استاد نیز لازم است که با کمال امانت داری به درس حاضر شود و با بلاغت، فصاحت و تشریح درست و کامل درس را به شاگردان تشریح کند، درس ضعیف و عدم توجه استاد و همچنان غیر حاضری و تأخیر در ساعت درسی، عدم فصاحت و بلاغت، تکرار اضافی و بدون ضرورت، خشونت و رفتار غیر اخلاقی، تندروی و ترش رویی در برابر شاگرد، ضرب و شتم، شاگرد را پای گریز می نماید و تنگدل می سازد، استاد مکلف است اصول تدریس، اخلاق اسلامی و روش مناسب را در برابر شاگردان اختیار نماید، کار و حرکات استاد طوری نباشد که شاگرد را متنفر سازد، به هر صورت استاد حق زیاد دارد و قابل قدر است از برکت دعای استاد شاگرد به کمال می رسد.

یکی از علماء می گوید: زمانیکه طلبه بودم استادم آب وضوء خواست، روز جمعه بود آب برایش آوردم و به دست و پایش آب می ریختم تا به سهولت

وضوء نماید در ختم وضوء آب غُساله ی پای وی را گرفتم و به دست و روی خود مالیدم دیدم رنگ وی بر افروخت و لب به دعاء گشود و خیر دنیا و آخرت را برای من از الله ﷻ می خواست، و هر چه یافتم از آنجا یافتم دولت و سعادت بزرگ مرا دست داد، و اما کسانی که استاد را نافرمانی میکنند سبب آزار، اذیت و رنج وی می گردند به قول علماء کرام وارد بهشت شده نمی توانند مگر اینکه توبه نمایند و به استاد رجوع نموده معذرت بخواهند و استاد را از خود راضی بسازند.

### و یفعل العاق ماشاء ان یفعل فلن یدخل الجنة<sup>۱</sup>

(احترام و تعظیم استاد برای شاگرد لازم است و هر که به استاد بی حرمتی و گستاخی نماید او عاق است، نماز و امامت اش قبول نخواهد شد (مختارالفتوی) عاق والدین و عاق استاد دنیا و آخرت را خراب میکند در کتاب تحفة الفقهاء آورده است:

ذبیحه عاق حلال نیست و امامت اش جواز ندارد، زیرا عاق فوراً مرتد می گردد و جایگاه اش جهنم است.

به هر سلسله استاد از هر فن، هنر و علمی که باشد حق دار است و قابل احترام می باشد به خصوص استاد علوم دینی و شرعیات چون مسئله نماز، قرائت، امامت، خطابت و مسایل مربوط به دین را از استادان علوم اسلامی می آموزند و این موضوع شامل دنیا و آخرت می گردد، احتیاط لازم است تا استادی را نرنجانید و احترام اش را به جا آورید، واقعا اگر استادان نباشند، علماء و جود نداشته باشند علم را از چه کسی می آموزیم، مسایل و ضرورت های مربوط به دین را از چه کسی می گیریم، مردم و جامعه را چه کسی رهنمایی می کند؟ این استادان و علماء اند که ما در روشنی هدایات و رهنمایی های ایشان راه میرویم،

۱. تفسیر ابی مسعود ج ۱۳- روح المعانی ج ۱۵



حلال و حرام، جایز و نا جایز، مشروع و غیر مشروع را از ایشان می آموزیم، حق و باطل را تمیز میکنیم، اخلاق و انسانیت را یاد می گیریم؛ پس استاد قابل حرمت است و برایش باید حرمت گذاشته شود.

جوان مسلمان هرگز پدر، مادر و استاد را نا فرمانی و بی حرمتی نمیکند برای ایشان خدمت می نماید به هدایات و راهنمایی های ایشان عمل میکند و اگر خواسته باشد کاری را انجام دهد از ایشان مشورت می گیرد، در صورتیکه ایشان را آزرده خاطر و رنجیده ببانند به خاطر ایشان حاضر شده طالب معلومات میشوند و اگر رنجش از وی بوده باشد فوراً معذرت خواسته ایشان را راضی می سازد.

**بلی برادران و خواهران گرامی:** پدر، مادر و استاد بعد از الله ﷻ بزرگترین حق را می داشته باشند احترام هر یکی از ایشان واجب است کسیکه ایشان را حرمت نمود خوار و ذلیل نخواهد شد اگر شما ایشان را مورد تعظیم و احترام قرار دادید و از خود راضی ساختید مورد احترام و تعظیم دیگران قرار خواهید گرفت و این سبب معرفت و کامگاری شما در دنیا و آخرت خواهد شد، پس اگر یک روز هم به نزد استاد درس خوانده باشید و یا یک جمله و کلمه را آموخته باشید احترام اش لازمی است زیرا یک کلمه و یا جمله را از وی آموخته اید. به قول علی (رضی الله عنه): من غلام و برده ی کسی هستم که یک حرف را برایم آموخته است.

اللهم اجعلنا من الصالحين والصالحات!



## غنیمت های روزگار

آنچه که بدون رنج و زحمت به دست آید به آن غنیمت گفته می‌شود، فایده و سود بردن از چیزی که در دسترس قرار دارد غنیمت است. الله ذوالجلال بسا چیزها را برای انسان ها بدون گرفتن کدام امتیاز و پول و بلا عوض داده است نه برای بدست آوردن اش زحمت کشیده اند، نه رنج دیده اند و نه پول مصرف کرده اند مانند آفتاب، مهتاب، ستاره گان فضای بزرگ بین زمین و آسمان، هوای آزاد، آب های فراوان، روشنی زمین فراخ برای زندگی، دست و پا، چشم و گوش و همه وجود و پرزه های که در بدن جا به جا شده اند، غنیمت های اند که هر لحظه از الله ﷻ باید تشکری نمود و الحمدلله گفت.

غنیمت های روزگار زیاد است و اما آنچه که در یک حدیث آمده است پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم پنج چیز را از غنیمت های روزگار معرفی نموده است:

یک: جوانی، دو: صحت، سه: ثروت، چهار: فراغت، پنج: حیات  
ما مکلف هستیم که از این غنیمت ها پاسداری نمایم قدر و قیمت غنیمت

ها را بدانیم و برای هر یکی از این غنیمت‌ها ارزش قایل باشیم و این‌ها را به هدر ندهیم و ضایع نسازیم، قدر و ارزش این غنیمت‌ها به مردم معلوم نمی‌شود تا وقتی که به فقدان آن مبتلا نشده باشند، قدر آفتاب را در فصل سرما و زمستان می‌دانند هرکس عاشق آفتاب است، قدر مهتاب و ستاره‌گان را در تاریکی شب، قدر دست و پای و چشم و گوش را در هنگام ناشنوایی، نابینایی و معلولیت که مبتلاء گردد، قدر نان را در گرسنگی، قدر صحت را در مریضی، قدر جوانی را در پیری، قدر مال و دارایی را در حالت فقر و تنگدستی، قدر زندگی را بعد از مرگ و قدر فراغت را بعد از شغل میدانند.

رسول الله ﷺ می‌فرماید:

اغْتَنِمَ خَمْسًا قَبْلَ خَمْسٍ: شَبَابَكَ قَبْلَ هَرَمِكَ، وَصِحَّتَكَ قَبْلَ سَقَمِكَ  
وَغِنَاكَ قَبْلَ فُقْرِكَ، وَفَرَاغَكَ قَبْلَ شُغْلِكَ، وَحَيَاتَكَ قَبْلَ مَوْتِكَ<sup>۱</sup>

ترجمه: غنیمت بدان پنج چیز را قبل از پنج چیز: جوانی‌ات را قبل از پیری، صحت‌ات را قبل از مریضی، غنای‌ات را قبل از فقر، فراغت‌ات را قبل از شغل‌ات و زندگی‌ات را قبل از مرگ‌ات.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم در حالیکه ابوذر (رضی الله عنه) را توصیه می‌کرد فرمود: پنج چیز را قبل از رسیدن پنج چیز دیگر غنیمت بدان اول از جوانی نام برد، زیرا جوان طاق و توانایی هر کار را دارا می‌باشد جوان می‌تواند با قوت و نیروی جوانی الله ﷻ را بیشتر عبادت کند و نسبت به کهن سالان و پیران در همه بخش‌های عبادت بیشتر بدرخشد، نماز خوب، حج بهتر، جهاد، صدقه، و غیره؛ اگر جوان تمام شب را به نماز، و روز را به گرفتن روزه سپری کند توان و قدرت این را دارد، مشقت‌ها و زحماتی که جوانان در سنگرهای جهاد و جنگ علیه کفار متحمل می‌شوند از قدرت و توانایی شخص پیر و ضعیف نمی‌باشد،

۱. الجامع الصحیح للسنن المسانید [صهیب عبد الجبار] ج-۹ ص-۴۷۹

در اداء مناسک حج و روزه‌های فصل گرما و روز‌های دراز و طولانی آن، جوان به آسانی عبادت می‌کند و فرایض را اداء می‌نماید؛ اما اشخاص پیر به مشکلات دچار میشوند. جوان در تمام بخش‌های کاری در سفر و حضر مقام اول را می‌داشته باشد که برای پیرها و اشخاص ضعیف دشوار است، عبادتی که در جوانی کرده می‌شود در پیری هرگز نمیتوان کرد.

در جوانی توبه (عبادت) کردن نیشه‌ی پیامبر است

گر به پیری می‌رسد گبر هم مسلمان می‌شود

جوان که جوانی‌اش را در طاعات و عبادات الله ﷻ سپری کرده باشد روز قیامت بالای تپه‌های مشک قرار می‌گیرد، الله ﷻ در زیر سایه عرش او را جای میدهد در آن روزیکه جزء سایه عرش، دیگر سایه وجود ندارد، پس جوانی غنیمت است، و این را در گمراهی، بی‌بند باری، عیاشی، فساد، فحشاء، شراب نوشی، قمار، بی‌نمازی، ترک طاعات و عبادت و کارهای شیطانی ضایع نسازید که قدرت عبادت جوانی را در پیری ندارید، هنگام پیری آرزو میکنید که چرا جوانی را در فساد و عدم طاعات و عبادات سپری کردم؟ چرا جوانی را در خرابات، باده‌نوشی، عشق و هوس‌های بی‌مورد، موسیقی و آواز خوانی ضایع ساختم؟ چرا از جوانی استفاده خوب نکردم و چرا الله ﷻ را در دوران جوانی راضی نساختم؟ و ده‌ها چراهای دیگر به خاطر آن می‌آید؛ اما ندامت فایده ندارد، (جوانی چند روزی بود و بگذشت) این نعمت بزرگ و غنیمت الهی را در عبادت و رضاء الله ﷻ خرج کنید و نگذارید که بی‌فایده سپری شود، جوان مطیع و فرمان‌بردار از اوامر الله ﷻ رسول الله ﷺ باشید، جوان مسلمان و تقوا دار الله ﷻ را دوست می‌دارد، پس از جوانان اهل تقوی و طهارت بوده باشید و بندگی الله ﷻ را در جوانی بهتر تمثیل کنید، الگوی اخلاق و شرافت باشید به کمک بیچاره‌گان و مظلومین بشتابید، دست افتاده‌گان را بگیرید، گرسنه‌ها را

طعام دهید، الله ﷻ را همیشه یاد کنید و کاری که در آن رضای الله ﷻ نباشد هرگز انجام ندهید.

**جوان عزیز!** تو قدرت و توانمندی هر کار را داری، اما کوشش کن این توانمندی را در راستای خدمت به دین الله ﷻ و در راه رضاء الله ﷻ به مصرف برسانی تا در ایام پیری کارهای که در جوانی انجام داده ای مایه حسرت و افسوس برایت نشود، و همچنان صحتمندی را غنیمت دان قبل از آن که به مرض مبتلاء شوی، ایام مریضی و پیری ایام محتاجی انسان است شخص پیر و مریض به جای رسیده نمیتواند به کمک نیاز دارد کار را انجام داده نمی تواند حتی نماز را درست خوانده نمی تواند مریض باید نشسته نماز بخواند، روزه گرفته نمی تواند باید بخورد به حج رفته نمی تواند بلاخره محتاج دیگران می باشد، ایام صحت غنیمت است و از صحت استفاده خوب نمایید، همچنان ثروت، مال و دارای بزرگترین غنیمت و نعمت الهی برای شخص است روز های مال داری و غنামندی را غنیمت دان قبل از اینکه فقیر شوی یک مقدار پول را در راه الله ﷻ برای مساکین، بیوه ها، یتیم ها، مسافرین خرج کن، یک مقدار پول را بنام الله ﷻ در ساختار مساجد و مدارس دینی، مسافرخانه، پل، سرک، کندن کاری چاه آب، خانقاه و مراکز دینی به مصرف برسان، بی نوایان و قرضداران را کمک کن تا در وقت فقیر شدن ات حسرت نخوری، پول و سرمایه یک امتحان و آزمون است ممکن چند سال بعد هیچ پول، سرمایه و دارایی در اختیار نداشته باشی پس روز های غنামندی و ثروت را غنیمت دان و از آن در راه الله ﷻ خرج کن و همچنان فراغت و آسوده حالی دنیا را قبل از اینکه به حساب و کتاب آخرت و عذاب آن مشغول گردی غنیمت شمار، دنیا محل طاعت، عبادت، توبه، استغفار و کارهای نیکو است، دنیا میدان عمل است، دنیا کشت زار آخرت است، در دنیا میتواند انسان رضای الله ﷻ را بدست آورد و ذخیره بزرگی از اعمال نیک و صالح را جمع آوری نماید، اما در آخرت فرصتی برای

این کارها نیست آنجا مشغول محاسبه هستی در دنیا این فراغت را غنیمت بدان، و از دنیا استفاده نیکو نما تا در آخرت پشیمان نشوی که چرا عمر خود را در دنیا ضایع ساختم و از فراغت در دنیا استفاده نکردم؟ و نعمت زندگی که یکی از این غنیمت‌ها در آخر حدیث شریف ذکر شده، زندگی است که تمام چیزها با آن ارتباط می‌گیرد قبل از مرگ زندگی را غنیمت دان، اینکه زنده هستی شکر بکش از زندگی بهره خوب و نفع بهتر حاصل کن، در زندگی عمل نجات بخش را انجام بده تا بعد از مرگ سبب راحتی ات گردد، عمل را نکن که باعث رفتن ات به جهنم شود؛ زیرا بعد از مرگ دیگر جزئی ترین عملی را انجام داده نمی‌توانی.

### إِذَا مَاتَ ابْنُ آدَمَ انْقَطَعَ عَنْهُ عَمَلُهُ<sup>۱</sup>

ترجمه: هرگاه که ابن آدم وفات کند عمل اش قطع می‌شود.

دیگر کاری از مرده نمی‌آید، برای اینکه از زندگی پشیمان نشوی و زندگی مایه حسرت اندوه و غم در قیامت نگردد، باید عمل شایسته و نیکو را به کثرت انجام دهی زندگی بهترین نعمت و خوب ترین غنیمت است؛ اما هر جانور با آمدن مرگ این نعمت را از دست می‌دهد؛ پس خزانه‌های بزرگی آخرت را قبل از مرگ سرمایه گذاری کن، تخم خوبی از نیکی‌ها را برای آخرت در زندگی بکار، زندگی غنیمت است که بعد از مرگ دوباره به دست نمی‌آید و به قیمت خریده نمی‌شود همان لحظه که اجل فرا رسد دیگر برای توبه، استغفار و نماز، تسبیح و تحلیل فرصت نمیدهند سالها زیر انبارهای خاک در قید می‌باشید اما اجازه ندارید که یک بار سبحان الله بخوانید پس زندگی را به هدر ندهید وقت گرانبها را ضایع نسازید، زندگی غنیمت است.

زندگی آمد برای بنده‌گی زندگی بی بنده‌گی شرمنده‌گی

۱. کتاب سبیل السلام] [الصنعانی] ج-۲ ص-۱۲۶





## ستودن و ستایش انسانها

شریف ترین مخلوقات الله ﷻ، انسانها اند، انسان های که به الله ﷻ بنده گی می کنند و از احکام و قوانین الهی پیروی می نمایند، در دین غلو، تجاوز و حد گذاری نمی کنند اهل تقوی و طهارت اند به شریعت اسلامی پایبند هستند، اگر عمل صفات و ویژگی های برای ستودن داشته باشد تمجید و ستایش کردن اش مباح است و آن هم به قدر و اندازه که در آن غلو و زیاده روی نباشد و در حضور شخص، زیان نگشاید که این کار کمر وی را می شکند بهتر است ستایش و توصیف در غیاب شخص صورت گیرد و آنچه که حقیقت است باز گو گردد و شخص موصوف هم به ستایش و مدح مداحان چندان خوشحال نمی شود زیرا او هر چه میکند به خاطر رضای الله ﷻ می کند، اجر، پاداش و مزد اش را از الله ﷻ می خواهد و انجام کار های نیک را از مسولیت های ایمانی و انسانی خود می داند به توصیف و ستودن مردم خوش نمی شود و به عدم توصیف و ستایش ناراحت و تنگدل نمی گردد، اگر اینگونه اشخاص واقعا قابل توصیف و تمجید باشند پس بهتر است در غیاب شان ستوده شوند تا

در حضور شان، ستایش روبرو کراهت دارد و مسابقه در ستایش و ثناء خوانی به حدی که شخص موصوف مستحق آن نمی باشد درست نیست زیرا کسی که ستایش کرده می شود الله ﷻ بهتر می داند و می شناسد که چی کاره است قابلیت توصیف را دارد یا خیر؟

### وَلَا أَرْكَبُ عَلَى اللَّهِ أَحَدًا

ترجمه: تزکیه و پاک نفسی کس را به پرودگار مکن.

او خودش بهتر می داند که چی مقدار پاک نفس و صاحب تزکیه است و شما در حق اش ثناء خوانی می نمایید و چه مقدار خبیث و پلید النفس است شما از وی به دروغ ستایش می کنید و او را درجه پاک نفسی میدید کسی که سال ها ظلم نموده قتل کرده، جنایت نموده، در حق الله ﷻ، پیامبر ﷺ، دین و مردم تجاوز کرده، جزی ترین منافع دینی و دنیوی نداشته نه به دین خدمت کرده و نه به ملت، تا زنده بوده حق مردم را پایمال نموده، خیانت کرده، مال مردم را به قُلدوری و زور گویی خورده و غصب نموده چنین شخص را در زندگی یا بعد از مرگ توصیف کردن و یا پاک نفس اعلان کردن گناه است؛ هر شخص دارای دو خصوصیت می باشد:

۱. خوبی ها

۲. بدی ها

شخص نیکو و صالح خوبی هایش بر بدی هایش غالب می باشد شخصی مفسد بدی ها و خرافات اش بر نیکی ها و خوبی هایش غالب می باشد، نباید یک طرفه قضاوت شود طرفی نیکی ها و بدی ها هر دو دیده شود و از توصیف و ستایش دروغین اجتناب گردد به خصوص در حضور شخص ستایش کردن

کار مناسب و خرد مندانه نیست، کسی در حضور پیامبر ﷺ مردی را ستود و مدح کرد نبی علیه السلام فرمود:

وَيَحَاكَ قَطَعْتَ عُنُقَ صَاحِبِكَ يَقُولُهُ مَرَارًا إِنْ كَانَ أَحَدُكُمْ مَادِحًا أَخَاهُ لَا مَحَالَةَ فَلْيُثَلِّ: أَحْسِبُ كَذًّا وَكَذًّا

ترجمه: الله بالایت رحم کند، یا افسوس بر تو گردن رفیقت را بریدی (شکستی) بار بار می گفت، و اگر ضرور است که مدح کنید پس بگویید: گمان میکنم که (فلان شخص) چنین و چنان است.

اگر آنچه می گوئید در وی باشد، الله ﷻ برایش بس است او میداند نباید او را به نزد الله ﷻ تزکیه نمایید، مبالغه در ستایش و ثنا خوانی افراد و اشخاص خلاف ارشادات پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم می باشد امروز کسانی هستند که تمام روز به عوض اینکه الله ﷻ را ثنا و ستایش کنند به توصیف و ستایش مخلوق می پردازند، رهبر حزب، گروه، ریس قبیله، ریس دفتر، ریس کشور، فرماندار، فرمانده، وکیل پارلمان، وزیر، آمر، کاندید، مدیر، دبیر و غیره که اکثرا در توصیف این اشخاص غلو می نمایند، تجاوز می کنند و حتی به خاطر ایشان بعضی از انسانهای کم خرد و ضعیف العقل باهم پرخاش می کنند، خشونت می نمایند و در محبت و توصیف زیاده روی نموده به جان یکدیگر می تازند دشمنی و قتل می کنند، در هر گروه و یا حزب سیاسی که باشید و هر رئیس، وکیل و فرماندار را دوست دارید بالا از الله ﷻ و رسول الله صلی الله علیه و سلم دوست نداشته باشید، در چوکات شرف، عزت و انسانیت اگر مستحق دوست داشتن و توصیف باشد دوست بدارید و توصیف کنید به خاطر مدح و ستایش وی الله ﷻ را فراموش نکنید و الفاظی را در ثناء و صفت ایشان استعمال نه نمایید که سبب گناه برای شما گردد، اشعار و سروده های غلو آمیز را در مدح

و ستایش ایشان نه سراید که اعتقادات شما را بر هم زند، مرتبه الهی و پیامبری برای ایشان قایل نشوید، خیر است اگر شما را تکریم و تشویق کرده باشد، حد گذری و تجاوز در توصیف و ستایش انسانها کار خوب نیست.

حضرت ابو موسی اشعری (رضی الله عنه) روایت می کند که شخصی به نزد رسول اکرم صلی الله علیه و سلم کسی را در حال مدح و ستایش می کرد که در ستایش و ثناء مبالغه و تجاوز نمود، رسول الله ﷺ فرمود:

أَهْلَكُكُمْ أَوْ قَطَعْتُمَ ظَهَرَ الرَّجُلِ<sup>۱</sup>

ترجمه: او را هلاک و نابود ساختید- و یا گفت کمر اش را شکستید.

غلو و حدگذری در اسلام حرام است، افراط گرایی و غلو انسان را به گمراهی می کشاند به انحراف می برد عواقب بسیار بد میداشته باشد مسلمان نباید افراط گر و متجاوز باشد.

شخصی به نزد خلیفه سوم عثمان بن عفان (رضی الله عنه) نشسته او را مدح و ستایش میکرد، حضرت مقداد (رضی الله عنه) بر خاست و بر دو زانو نشست شروع به انداختن خاک بر صورت آن شخص کرد، عثمان (رضی الله عنه) به او گفت: چی کار میکنی؟ مقداد (رضی الله عنه) فرمود: از رسول الله صلی الله علیه و سلم شنیدم که میگفت:

إذا رءایتم المداحین، فاحثوا فی وجوههم التراب<sup>۲</sup>

ترجمه: هرگاه مداحان و ثناء گویان را دیدی به صورت آنان خاک بپاشید. این به خاطری است که در حضور شخص ممدوح ثناء خوانی می نماید و ممکن در مدح و ثنائش مبالغه و حد گذری نماید که به عبادت و پرستش او بیانجامد که امروز بعضی ها در مداحی، ثنا خوانی و مرثیه سرایی در مورد

۱. کتاب جامع المسانید والسنن (ابن کثیر) ج-۱۰ ص-۳۲۴

۲. کتاب مشکاة المصابیح (التبریزی، أبو عبد الله) ج-۳ ص-۳۵۸

بعضی اشخاص کاملاً غلو، افراط و زیاده روی می کنند که قریب او را درجه فوق بشری دهند و پرستش نمایند، ممکن این کار، بعضی اشخاص را که ستایش و توصیف بیش از حد برایش می کنند مغرور نموده و او را در فتنه افکند و فکر کند همچو منی دیگری نیست لهذا از توصیف بیش از حد و روبرو در احادیث ممانعت صورت گرفته است، پس آنانیکه در ستایش و مدح غلو می کنند و در حضور شخص ممدوح چیزی را می گویند که در شأن آن نیست خاک بر دهن اش بزنید یعنی به این معنی که توصیه نمایید، بفهمانید تا وقت اش را در توصیف و مدح اشخاص ضایع نسازد الله ﷻ را بیشتر ستایش و ثناء گوید زیرا که او قابل ستایش و ثناء است.

**بلی برادر و خواهر مسلمان!** در مدح و ستایش اشخاص ثواب نیست به خاطر ستودن دیگران الله ﷻ را ناراض مگردان، بر سر توصیف و ستودن اشخاص خشونت و پرخاش برپا مکن، خیر خواهی افراد، رجال برجسته و همه مسلمین باش در هر حزب، گروه و قومی که هستی با الله ﷻ باش کار خلاف شریعت انجام نده، هر کس به تنهایی در قبر خود اش می خوابد و در مورد اعمال خود اش جواب می دهد آنانی را که شب و روز ستایش و مدح می نمایند در قبر به شما کمک نمی توانند، روز آخرت در مورد اعمال شما از آنها پرسیده نمی شود، ارتباط و محبت شما با فرارسیدن مرگ خاتمه می یابد، پس چه بهتر همیشه با الله ﷻ باشید، در هر زمان و مکان او را ستایش و توصیف کنید.

**اللهم أرنا الحق حقاً وارزقنا اتباعه وأرنا الباطل باطلا وارزقنا اجتنابه**

ای بار الها! حق را برای ما حق نشان ده و پیروی از حق را برای ما روزی بگردان، و باطل را برای ما باطل نشان ده، دوری و اجتناب اش را برای ما نصیب بگردان!



## حقیر شمردن انسانها

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَرُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (سوره: الحجرات، ۱۱)

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید نباید قومی قوم دیگر را ریشخند کند شاید آنها از اینها بهتر باشند و نباید زنانی زنان [دیگر] را [ریشخند کنند] شاید آنها از اینها بهتر باشند و از یکدیگر عیب مگیرید و به همدیگر لقبهای زشت مدهید چه ناپسندیده است نام زشت پس از ایمان و هر که توبه نکرد آنان خود ستمکارند.

بر اساس تعالیم دین اسلام تحقیر و تمسخر هیچ انسانی جایز نیست؛ لذا از نگاه قرآن تفاوت نمی‌کند که فرد مورد تحقیر و تمسخر از خانواده خود شخص، یا خانواده دیگران باشند. مخاطب این آیه همه مؤمنان اند، اعم از مردان و زنان، این آیه در مقام بیان یکی از آداب معاشرت است و آن این که اهل ایمان یکدیگر

را به مسخره نگیرند و در گفتگو و رفتار همدیگر را سبک شمارند و استهزاء ننمایند، و همواره در نظر داشته باشند امکان دارد که آن شخصی که او را مسخره نموده و سبک شمرده‌اند در واقع نزد پروردگار بهتر و گرامی‌تر باشد.

جوان مسلمان و انسان نیکوسرشت به عزت برادر مسلمان اش می‌اندیشد و هیچ وقت طرفدار حقارت و ذلت مسلمان نمی‌باشد؛ چون خوار و ذلیل نمودن مسلمان جرم است. دین اسلام برای مسلمانان دستور می‌دهد که کسی را حقیر، ذلیل، زبون و خوار نکنند. بعضی اوقات افراد عیبجو، مغرض و مفسد مسلمانی را به زبان، اشاره‌ی چشم و ابرو، و با گفتن نام‌های پست و الفاظ زشت در میان مردم و جامعه، حقیر و ذلیل می‌سازد و یا به شکل مدرن و پیشرفته‌تر با استفاده از عکس و فلم‌های ساخته شده‌ی فتوشاپ شده آنرا در جامعه میان مردم حقیر می‌کند که به هیچ وجه جواز ندارد؛ برعکس، کننده‌ی این کار گنهکار و عاصی پنداشته می‌شود؛ نباید جوان مسلمان برای ذلیل و زبون ساختن خواهر و برادر مسلمان اش کمر ببندد و شخصیت دیگران را زیر سوال ببرد زیرا این از عادت فرد مسلمان نیست.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ، می‌فرماید:

أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ دِمَاءَكُمْ وَأَعْرَاضَكُمْ عَلَيْكُمْ حَرَامٌ إِلَى أَنْ تَلْقَوْا رَبَّكُمْ<sup>۱</sup>.

ترجمه: ای مردم! ریختن خون یکدیگر و لطمه زدن به حیثیت دیگران، تا وقت مردن و لقای پروردگارتان بر شما حرام است.

از نظر آموزه‌های وحیانی اسلام، حفظ شخصیت و کرامت انسانی مهمترین چیز در امنیت خرد و کلان اجتماع است. از این رو تامین امنیت اخلاقی و شخصیت افراد جامعه در دستور کار قرار گرفته و در قالب آموزه‌های معرفتی و حتی دستوری و به شکل بایدها و نبایدهای شرعی و اخلاقی به آن توجه شده



است. بسیاری از احکام مانند حرمت غیبت، تهمت، افترا، دشنام، ناسزا، قذف و مانند آنها در راستای حمایت از شخصیت و شرافت و کرامت انسانی وضع شده است و گاه حتی نه تنها در حوزه اخلاق بلکه در حوزه حقوق کیفری و جزایی، احکام سخت و شدیدی وضع شده تا هر گونه تعرض به شخصیت و هتک حرمت‌ها و آبروی انسانی، موجب کیفر جزایی در دنیا و آخرت باشد. بنابراین، قوانین بازدارنده و پیشگیرانه و نیز مجازات و عقاب‌های متعددی از سوی شارع مقدس وضع می‌شود تا شخصیت و آبروی افراد حفظ شود و امنیت اخلاقی و ناموسی و عرضی افراد تامین گردد.

خداوند ﷻ، به صراحت در آیاتی هتک بر حرمت و آبروی مردم تاکید داشته و هر گونه هتک حرمت و آبروریزی را حرام کرده و جزو گناه کبیره‌ای دانسته که مجازات آن دوزخ و عذاب آن است.

### {وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ} همزه: آیه ۱

ترجمه: وای بر هر بدگویی عیبجویی.

عیب‌جویان، مسخره‌کننده‌گان، غیبت‌کننده‌گان و آنانی که برای تحقیر و ذلت مسلمانان در میان مردم دست به چنین اعمال می‌زنند، تهدیدکوبنده‌ی است که با واژه ویل آغاز می‌شود، یعنی هلاکت باد ایشان را و نفرین باد برایشان. در آغاز اسلام دشمنان دین چون: ولید بن مغیره، اخنس بن شریق، امیه بن خلف و عاص بن وائل در عقب پیامبر اکرم ﷺ، عیب‌جویی و غیبت می‌کردند و پیش روی ایشان استهزاء و مسخره می‌نمودند. کسی که دارای این صفات باشد در هر وقت و زمان شامل این حکم شده می‌تواند، آنانی که با نیش زبان، مردم را به مسخره می‌گیرند و هدف تیرهای طعن، تهمت، غیبت، استهزاء، و عیب‌جویی قرار می‌دهند تا از این طریق ایشان را ذلیل، خوار و زبون ساخته باشند باید بدانند که سخت گناه کردند؛ چون حقیر نمودن مسلمان به

هرگونه‌ی که باشد جرم و گناه است. حیثیت و آبروی اشخاص از نظر اسلام بسیار محترم است و هر کار که موجب تحقیر، توهین و ذلت مسلمان گردد گناه بزرگ است. در بعضی از روایات می‌آید:

يَحْسَبُ امْرِيٍّ مِنَ الشَّرِّ أَنْ يَحْقِرَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ، كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ، دَمُهُ، وَمَالُهُ، وَعَرْضُهُ (الأربعون النووية: ص ۱۰۲)

ترجمه: کافست برای شخص از شر (گناه) اینکه حقیر بیندارد برادر مسلمان اش را؛ هر چیز مسلمان برای مسلمان حرام می‌باشد، خون، مال و آبرویش. یعنی کسی که مسلمان را به گونه‌های مختلف حقیر و زبون سازد همین کار برای بد بودن و بی ارزش بودن شخصیت خودش کفایت می‌کند، در اسلام عیب جوئی، استهزاء، تجسس، بدگمانی، غیبت و القاب زشت ممنوع است، جامعه اسلامی بر اساس معیار اخلاقی استوار است برای هیچ مسلمان، قوم و قبیله‌ی درست نمی‌باشد که قوم دیگر، قبیله دیگر، شهر و قریه دیگر و یا فرد و اشخاص دیگر را توهین، تحقیر و استهزاء نمایند و یا با القاب زشت و غیر مناسب یاد کنند؛ الله ﷻ در آیه‌های شماره ۱۲/۱۱ سوره حجرات از این چیزها منع فرموده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَرُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ} سورة حجرات: آیه ۱۱

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید نباید قومی قوم دیگر را ریشخند کند شاید آنها از اینها بهتر باشند و نباید زنانی زنان [دیگر] را [ریشخند کنند] شاید آنها از اینها بهتر باشند و از یکدیگر عیب مگیرید و به همدیگر لقبهای زشت

مدهید چه ناپسندیده است نام زشت پس از ایمان و هر که توبه نکرد آنان خود  
ستمکارند.

و در آیه بعدی می فرماید:

{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا  
تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ  
مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ} سوره هجرات: آیه ۱۲

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید از بسیاری گمانها بپرهیزید که پاره ای  
از گمانها گناه است و جاسوسی مکنید و بعضی از شما غیبت بعضی را نکند آیا  
کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده اش را بخورد از آن کراهت دارید  
[پس] از الله ﷻ بترسید که الله ﷻ توبه پذیر و مهربان است.

مخاطب این آیت ها تمام مسلمانان است، اعم از مردان و زنان که مربوط به  
هر قوم و نژادی باشند، ارزش های مادی و ظاهری در اسلام اعتبار ندارد، هیچ  
قوم از قومی دیگری برتر نیست همه مسلمان و باهم برادرند، معیار ارزش ها به  
نزد الله ﷻ تقوی است، و این بسته گی به نیت، قلب پاک، تواضع، اخلاق و ادب  
اسلامی دارد، پیامبر ﷺ می فرماید:

### کونوا عباد الله اخوانا<sup>۱</sup>

ترجمه: بنده گان الله و باهم برادر باشید.

در پی تحقیق و ذلت یکدیگر نباشید از طعن و عیب جوئی اجتناب نمایند  
و یکدیگر را با القاب زشت و ناپسند یاد نکنید.

{وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَرُوا بِاللِّقَابِ بِنَسِ الْأَسْمِ الْمُسَوِّقِ بَعْدَ  
الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ} هجرات: آیه ۱۱

۱. درس للشیخ محمد المختار الشنقيطي [محمد المختار الشنقيطي] ج-۱۶ ص-۴

ترجمه: از یکدیگر عیب مگیرید و به همدیگر لقبهای زشت مدهید چه ناپسندیده است نام زشت پس از ایمان و هر که توبه نکرد آنان خود ستمگارانند. بسیاری از افراد فاقد اخلاق، و بی‌بندوبار اصرار می‌کنند تا بر دیگران القاب زشت و نام‌های خراب و نامناسب گذاشته، ایشان را از این طریق حقیر نمایند و شخصیت ایشان را بکوبند و اگر کاری بدی را در گذشته انجام داده باشد بعداً توبه نموده و ترک کرده باشد بازهم انسان‌های جاهل لقبی را بر او می‌گذارند که بازگوکننده وضع سابق او باشد و او در میان مردم خجل شود. نام‌های کفرآمیز و فسق را نباید بر مردم بگذارید و از مسلمانان اگر کسی به این مرض آلوده باشد باید توبه نماید، سخنان نیش‌دار و تحقیرآمیز قلب مردم را جریحه‌دار می‌سازد، شخصیت انسان را کم می‌کند، آبروی شخص را می‌برد، نباید کسی را که بسته‌گی به یک قبیله کوچک دارد یا از اقلیت‌های مردمی در یک کشور است بخاطر زبان، چهره، رنگ، جسم و غیره استهزاء و تحقیر نماید یا بخاطر فقر، بیکاری، بی‌سوادی او را ملامت نموده دلیل‌اش کنید و وسیله‌سخریه و تفریح قرار دهید و قلبش را آزار دهید، هیچ‌کس نمی‌تواند از لحاظ کثرت قومی، رنگ زیبا، قامت بلند، منصب، وظیفه خوب، معاش بالا، سرمایه زیاد، تحصیل عالی، خانواده بزرگ، صاحب حسن و جمال به نزد الله ﷻ بهتر باشد معیار ارزش‌ها در جامعه اسلامی تقوی است، پیامبر ﷺ می‌فرماید:

الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ، لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يَخْذُلُهُ، التَّقْوَى هَاهُنَا، التَّقْوَى هَاهُنَا... (رواه مسلم)

ترجمه: مسلمان برادر مسلمان است، بالایش ظلم و ستم نمی‌کند، ذلیل‌اش نمی‌گرداند، حقیر‌اش نمی‌کند، تقوی اینجاست، بر سینه مبارک اشاره می‌نماید.

۱. الموسوعة الفقهية الميسرة في فقه الكتاب والسنة المطهرة [حسين العوايشة] ج ۶ - ص ۱۴۳

بلی جوان عزیز و برادر مسلمان! برای از بین بردن فرهنگ تبعیض، تحقیر، خود برتر بینی، استهزاء، کبر و غرور باید مبارزه نموده و جامعه را از این امراض کشنده که باعث نفرت، انزجار، جنگ و بدبختی می‌شود باید پاک کرد و روح تقوی و الله ترسی را در مردم باید زنده نمود، فرهنگ خرافی نژادپرستی و قومیت، سخریه و تحقیر باید نابود گردد هیچ کس ادعای غرور، تفوق طلبی، کبر و بالادستی را نکند، تقوی و الله ترسی در قلب‌ها حاکم گردد، نام شخص و قومی به بدی گرفته نشود، هیچ کس مورد طعن و عیب جویی قرار نگیرد، اگر به دستورات این آیات و احادیث عمل صورت گیرد به یقین که آبرو و عزت تمام افراد جامعه حفظ خواهد شد و جان، مال، ناموس، و آبروی مسلمانان در امن خواهد ماند، شخصیت کسی از بین نخواهد رفت برای حقارت دیگران کسی زبان نخواهد گشود. پیامبر ﷺ می فرماید:

قال رسول الله ﷺ صلی الله علیه وسلم: کل المسلم علی المسلم حرام  
 ماله و عرضہ و دمه حسب امریء من الشر أن یحقر أخاه المسلم؛ ان  
 الله لا ینظر الی اجسادکم، ولا الی صورکم، ولاکن ینظر الی قلوبکم<sup>۱</sup>  
 (رواه مسلم)

ترجمه: خون، آبرو و مال مسلمان بر مسلمان حرام است، الله به‌سوی جسد های شما، صورت‌ها و جوانی شما نمی‌نگرد، لکن به قلب‌های شما می‌نگرد. پس قلب‌ها را برای پذیرش و همدلی پاک بسازید. غش، خیانت، کبر، غرور، عیب جویی، استهزاء به دیگران را از قلب و ذهن تان دور کنید، جسم های زیبا، چاق و صورت‌های آرایش شده‌ی شما نزد الله ﷻ اهمیت ندارد. آنچه که در خور اهمیت است قلب‌های شما است، التقوی‌ها... تقوی اینجاست آنهای که مسلمانان را به جرم داشتن دستار، ریش، لباس‌های سنتی، خانه‌های

۱. کتاب الجامع الصغیر وزیادته [السیوطی] ص- ۵۳۸

گلی و زنده گی ساده، فقر و بیچاره گی، حقیر و خوار می شمارند نه تنها اینکه از تقوی دور هستند؛ بلکه گناه و معصیت می کنند. الله ﷻ می فرماید:

{وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ} حجرات: آیه ۱۱

ترجمه: اگر از این اعمال شان توبه نکنند ایشان ستمگر اند.

تعالیم دین مقدس اسلام به ما می آموزاند که انسان ها دارای ارزش و احترام می باشند؛ به ویژه انسان مؤمن و خداترس و با تقوا دارای احترام ویژه ای است. در روایتی می خوانیم: «ارزش انسان با ایمان از حرمت و احترام کعبه بیشتر است». در روایات آمده است که آبروی مؤمن مانند مال و جان او دارای حرمت است و هر کاری که باعث ریختن آبروی او گردد از گناهان بزرگ و سنگین شمرده شده است.

به همین خاطر است که گناهانی مانند غیبت و تهمت که آبروی افراد را در معرض خطر قرار می دهد در دین اسلام و قرآن و روایات به شدت مورد نهي و سرزنش واقع شده اند و تجسس از حال مردم و کشف اسرار آنان و حتی سوءظن و بدبینی در مورد آنان ممنوع، حرام و گناه می باشد.

ممکن است از انسان در پنهان گناه و خطایی سر بزند که وقتی به خود بیاید و متوجه شود پشیمان می گردد و عذر تقصیر به پیشگاه خداوند می آورد و بدین ترتیب آثار بد و عواقب سوء آن با توبه و پشیمانی و جبران خطا برطرف می گردد و افشا و آشکارکردن آن توسط دیگران باعث ترویج و تبلیغ گناه و خدشه دار شدن دامن اجتماع و باعث بدبینی و ایجاد اخلال و خدشه در روابط بین افراد اجتماع می گردد و اجتماعی که از نظر اسلام افراد اش باید به یکدیگر اطمینان داشته باشند و نسبت به هم خوش بین باشند، صحنه بدبین و عدم اعتماد می گردد و نظام چنین اجتماعی از هم گسیخته می گردد و این کار بر

همه جنبه های اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و سیاسی و امنیتی اجتماع اثر بد و ناپسند دارد.

درست به همین خاطر است که در اسلام بر پنهان کردن و پوشیده داشتن گناه و تظاهر نکردن به آن و آشکار نساختن از آن تأکید فراوان شده و در قرآن کریم می فرماید: «ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشه فی الذین امنوا لهم عذاب الیم فی الدنیا والاخره؛ کسانی که انتشار زشتی ها را در میان اهل ایمان دوست می دارند، در دنیا و آخرت دچار عذاب دردناک می گردند» (نور، آیه ۱۹).

یعنی حتی میل به شیوع و انتشار گناهان و زشتی ها تا چه رسد به ترویج و نشر آن انسان را سزاوار عذاب الهی می کند و ریختن آبروی مردم و آشکار ساختن گناهان پوشیده و عیب های مخفی و پنهان آنها، اقدامی عملی در انتشار گناهان و منکرات در اجتماع است که عاقبت آن دچار شدن به عذاب خداوند است.

### **نکات اساسی و خلاصه؛ عزت دیگران عزت ما است:**

از وظایف دینی پیروان قرآن شریف این است که همواره مراقب عزت خویش و عزت برادران ایمانی خود باشند، نه قدمی بردارند که مایه ذلت خودشان شود و نه به آبروی برادران دینی خود آسیب برسانند. این مطلب ضمن روایات متعددی از رسول اکرم صلی الله علیه وسلم و بزرگان دینی خاطر نشان گردیده است که سطور گذشته مشت از آن را به عنوان نمونه‌ی از خروار خدمت خواننده گان گرامی عرض کردیم.

آبرو بسیار ارزش دارد و همه مردم در برابر آبروی یک «فرد» مسئول اند و دفاع از آبرو و حیثیت، واجب است. از موارد حفظ آبرو و شرف دیگران در اسلام می توان به این نکته اشاره کرد که: برای اثبات زنا، چهار شاهد مقرر کرده است، و حتی اگر سه شاهد گواهی دهند، هر سه شلاق می خورند، ولی برای اثبات

قتل، دو شاهد کافی است. آبروی زن و مرد مومن، محترم و لطمه زدن به آن گناه بزرگی است.

خلاصه ی کلام اینک:

به طور کلی خداوند برای اهل ایمان حریمی را قرار داده و حریم مؤمن بسیار مهم است. چنانکه در روایات می‌خوانیم: حفظ آبروی مؤمن به اندازه خون او احترام دارد و ارزشمند است؛ به همین دلیل ما باید حرمت دیگران را رعایت کنیم. احیاناً اگر ما از حریم دیگران اطلاعاتی پیدا کردیم و از راز دیگران با خبر شدیم؛ حق بازگو کردن آن را نداریم.

خدای سبحان عیوب بندگان خود را می‌پوشاند، که اگر کتمان او نمی‌بود - و او ستار العیوب نمی‌بود - اکثر مردم رسوایی‌های زیادی داشتند، زندگی کردن مشکل می‌شد ولی خداوند پوشاننده عیب‌هاست.

جوان عزیز و خواننده گرامی؛ آبرو و شخصیت دیگران را محترم بدان و سعی کن از اعتبار دیگران کم نکنی، به عیب خود مشغول باش و برای آن بکوش که رفع عیب از اعظم مسائل زندگی و از بهترین کارهاست و هرچه برای تو انجام اش سود ندارد از آن درگذر و بترس از این که با مشغول شدن به عیب دیگران از طریق غیبت و تهمت افترا عمرت را فنا کنی و این سرمایه گرانبهای هستی را از دست بدهی.

ثروت و مال زیاد، قبیله سرشناس، جوانی زیبا و تحصیلات عالی شما را به تفوق طلبی، غرور و خودبرتربینی نکشاند، که همین سبب سخریه و تحقیر دیگران می‌شود، کوچکترین چیزی که مایه تحقیر مسلمان شود در اسلام جواز ندارد، پس از حقیر شمردن مسلمان پرهیز کنید و هیچ مسلمان را ذلیل و کم نینید، مسلمانان همه مانند یک جسم و نفس واحد اند، اگر کسی را مسخره و تحقیر کردید در واقع خودتان را مسخره و تحقیر کرده اید.



## خیانت کار از امت من نیست

عن ابی هریره رضی الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ: من غش فلیس

منا<sup>۱</sup>

ترجمه: از حضرت ابی هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: کسیکه به ما خیانت کند از ما نیست.

در روزگاری قرار داریم که اکثر مردم اش فریبکار، دغل باز، حيله گر، مکار و خاین اند. هرکس به هر اندازه که میتواند مردم را فریب میدهد و خیانت می‌کند. در گذشته ها کسی خیانت میکرد، می‌گفتند منافق شده است؛ اما امروز اکثر مردم به مرض خیانت، غدر و فریب‌کاری مبتلا اند و این را یک کار عادی و ساده پنداشته و هوشیاری و چالاکی تلقی می‌کنند، در حالی که اسلام، غش و خیانت را حرام حکم نموده است و برای هیچ مسلمانی اجازه خیانت و فریبکاری را نمی‌دهد، پیامبر ﷺ شخص خاین و دغل باز را، از امت

۱. رواه مسلم، کنز العمال: ج ۴، ص ۶۰

بودن خارج می‌کند یعنی میگوید فلیس منا (از ما نیست، از پیروان من نیست) الله ﷻ فرموده است:

{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ} انفال: آیه ۲۷

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید، به الله و پیامبر خیانت نکنید و نیز در امانت های خود خیانت روا مدارید، در حالیکه میدانید (این گناه بزرگی است) ابن عباس (رضی الله عنه) می‌گوید: هرکسی چیزی از برنامه اسلامی را ترک کند یک نوع خیانت را نسبت به الله ﷻ و پیامبر ﷺ انجام داده است؛ خیانت به الله ﷻ و پیامبر ﷺ نافرمانی و معصیت ایشان است. آنچه را الله ﷻ و رسول (رضی الله عنه) دستور داده است عمل نکردن به آن خیانت است؛ و همچنان خیانت در امانت های خود نکنید! خیانت در اصل خودداری از پرداخت حقی است که انسان، پرداختن آن را تعهد کرده و آن ضد امانت است. امانت در منطق قرآن مفهوم فراخ و وسیعی دارد که شامل تمام شئون زندگی اجتماعی، سیاسی و اخلاقی شده میتواند. بعضی از علما گفتند: امانت الله دین و آیین وی است، امانت رسول خدا سنت و طریقه آن است و امانت مومنان اموال و اسرار ایشان است. به هر صورت خیانت در همه چیز گناه است؛ اما در امانت، از منفورترین اعمال و زشت ترین گناهان محسوب می‌شود، خیانت در امانت نشان منافقت است پیامبر ﷺ می‌فرماید:

وَعَنْ جَابِرٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: "أَيُّهُ الْمُنَافِقُ ثَلَاثٌ: إِذَا حَدَّثَ، كَذَبَ، وَإِذَا وَعَدَ، أَخْلَفَ، وَإِذَا أُؤْتِمِنَ، حَانَ"<sup>۱</sup>.

ترجمه: نشانه منافق سه است ۱- هنگام سخن گفتن دروغ می‌گوید ۲- در

۱. رواه بخاری، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد ت حسین أسد: ج ۲، ص ۱۶۴

و عده‌ی که می‌دهد تخلف می‌کند ۳- و اگر امانتی نزد اش گذاشته شود خیانت می‌کند.

اصولا ترک خیانت در امانت از واجبات و حقوق انسانی است حتی اگر صاحب امانت، مسلمان هم نباشد نمی‌توان در امانت او خیانت کرد (و انتم تعلمون)، شما خوب میدانید که خیانت گناه دارد آگاهانه اقدام به خیانت نکنید.

در حدیث فوق سه نوع خیانت ذکر شده:

#### ۱. خیانت در قول و سخن:

- پیامبر ﷺ می‌فرمایند:

#### المَجَالِسُ بِالْأَمَانَةِ (رواه ابو داود)

گفتگوها و رازهای مجالس خصوصی، امانت است.

نباید راز مجلس را در اختیار دیگران بگذارید. مشوره‌های مهم که برای امنیت، آرامش و صلاح جامعه صورت می‌گیرد باید حفظ شود و یا هم سخنان بین دو و چند نفر و رازهای خصوصی نباید افشا شود.

#### ۲. خیانت در وعده:

هنگام وعده و تعهد سپردن به فرد یا اشخاص نباید تخلف نماییم، مثلا: برای انجام کاری، اشتراک در مجلس، رفتن به برنامه وعده میدهیم بعدا مخالفت نموده و اشتراک نمیکنیم.

#### ۳. خیانت در امانت:

کسی چیزی، مال، پول، موبایل، کامپیوتر، موتر، ماشین، گوسفند، ساعت، قلم، کتاب و غیره را در نزد ما امانت گذاشت، اگر بدون اجازه استفاده نماییم

۱. کتاب مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح [الملا علی القاری] ج-۸ ص ۱۶۶

هم خیانت است و اگر در وقت مطالبه اینهارا انکارکنیم بزرگترین خیانت است و گناه دارد. پیامبر ﷺ می فرماید:

أَدُّ الْأَمَانَةِ إِلَىٰ مَنْ ائْتَمَنَكَ وَلَا تُخْنُ مِنْ خَانَكَ (رواه الترمذی)

کسیکه ترا امین شمرده امانت اش را ادا کن و کسی که برایت خیانت کرده خیانت اش ممکن.

اگر کسی با تو خیانت کرده باشد اجازه خیانت کردن را با آن ندارید، در مقابل بدی، نیکی باید کرد.

#### ۴. خیانت در معامله و داد و ستد:

بسا از تجار ها و دکانداران در خرید و فروش و داد و ستد مرتکب خیانت میشوند، دروغ می گویند، قسم می خورند و مبیعه خراب، ضعیف و فاسد را به عنوان خوب، بهتر و اعلیٰ بالای مشتری به فروش می رسانند که این بزرگترین نوع خیانت است و گناه بزرگ دارد.

و عن أبو هريرةَ أَنَّ النَّبِيَّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَرَّ فِي السُّوقِ عَلَيَّ صُبْرَةَ طَعَامٍ، فَأَذْخَلَ يَدَهُ فِيهَا، فَتَأَلَّتْ أَصَابِعُهُ بِلَلًا، فَقَالَ: ((مَا هَذَا يَا صَاحِبَ الطَّعَامِ؟)) قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ، أَصَابَتْهُ السَّمَاءُ. قَالَ: ((أَفَلَا جَعَلْتَهُ فَوْقَ الطَّعَامِ حَتَّى يَرَاهُ النَّاسُ، مَنْ غَشَّنَا فَلَيْسَ مِنَّا<sup>۲</sup>

ترجمه: از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر روزی از مسیری بازار، عبور می کرد که در آنجا توده گندم بود دست اش را به گندم فرو برد انگشتان اش تر شد، دید که زیر توده گندم آب دارد و تر است؛ اما بالا و فوق آن خشک است، پیامبر فرمود: این چیست ای صاحب گندم؟ گفت: باران شده

۱. شرح مشکل الآثار [الطحاوی] ج-۵ ص-۹۱

۲. لمسلم، والترمذی، و ابی داود: کنز العمال، ج ۲، ص ۲۱۰

بود یا رسول الله ﷺ، پیامبر فرمود: چرا گندم تر و باران زده را در بالای توده گندم نگذاشتی که مردم می دید، کسی که خیانت کند از ما نیست.

فروشنده روی باران رسیده گندم را پایین و حصه پایین گندم را که خشک بود و باران نرسیده بود بالای آن انداخت تا مشتری فکر کند که گندم تر نیست، این فریب کاری و خیانت است. باید مخلوط و پایین و بالا نمی کرد و به حالت اصلی اش می گذاشت.

تجاران گندم، برنج، آرد، لوبیا، نخود، دال و تمام حبوبات و غله جات، در مندوی و غله بازارها در خرید و فروش دچار خیانت می شوند و مردم را فریب می دهند. گندم و برنج خراب را با گندم و برنج اعلی یا متوسط را مخلوط می کنند و بنام اعلی و بهترین به فروش می رسانند، غله خوب را به مشتری نشان می دهند بعد از منظور و قبول شدن، خراب و بی کیفیت آنرا عرضه می کنند، آرد خراب، لوبیا، نخود و دال خراب و کم ارزش را بنام اعلی و خوب به قیمت بالا به فروش می رسانند، در بوجی ها می نویسند که پنجاه کیلوگرام، بیست و چهار کیلوگرام؛ اما وقتی که دقت شود در میابی که یک یا دو کیلوگرام، در هر بوجی کم می باشد و وزن کامل ندارد. برعلاوه این ها ده ها نوع خیانت دیگر دارند که خودشان بهتر می دانند. بیرون و خارج بوجی، کارتن و ظرف که مواد خوراکی در آن است چیزی نوشته شده که در داخل آن مطابق نوشته و اعلامیه آن چیزی وجود ندارد، نشانه و نوشته بیرونی یک چیز است و مواد داخل کارتن و بوجی چیز دیگر؛ این همه فریب و خیانت است و همچنان در مارکیت رخت فروشی، فرش فروشی، مواد اولیه، مواد تعمیراتی، زرگری و طلا فروشی خیانت ها و فریب کاری ها به کثرت وجود دارد مال و جنس بی کیفیت چینیایی، پاکستانی، هندی، ایرانی و غیره را بنام مال و جنس با کیفیت جاپانی، کوریایی، هانکانگی، عربی و غیره به فروش می رسانند؛ کالا، لباس، طلا و زیورات بی کیفیت و ارزان را به نرخ بالا و بنام مال باکیفیت به فروش می رسانند و همچنان در مارکیت

ادویه جات انسانی، حیوانی و زراعتی غل و غش وجود دارد. آنانی که خیانت در تجارت نمی‌کنند تعدادشان خیلی کم اند و حشر ایشان در روز قیامت با شهدا، صدیقین و انبیاء خواهند بود؛ و تجار خائین، دروغگو، فریبکار و قسم خور با فجار و منافقین، حشر خواهند شد.

پیامبر ﷺ در دنیا برای تجارت پیشه های خیانت کار، حيله گر و فریب دهنده اعلان نموده است که من غشنا فلیس منا، هرکی در معامله، تجارت، مشوره و غیره با ما یعنی با افراد امت و مسلمانان خیانت کند از ما نیست یعنی از امت من نیست. این امت، امت خائین و فریبکار نیست. امت صادق، راستکار، امین، مخلص، وفادار و متعهد به اسلام است. خیانت و فریبکاری در میان امت اسلامی، جای ندارد. عبدالله بن عمر (رضی الله عنه) روایت میکند:

عَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: «نَهَى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
عَنِ النَّجْشِ»<sup>۱</sup>

ترجمه: ابن عمر رضی الله عنهما گفت: که رسول الله ﷺ صلی الله علیه وسلم از نجش (یعنی بازار سیاه و فروختن اجناس با قیمت غیر معمول) منع و نهی فرموده است.

در روایت ابوهریره (رضی الله عنه) آمده است (لاتناجشو) بازار سیاه درست نکنید، قیمت ها را بالا نبرید. در زبان عربی به خیانت های تجارتي، فریب کاری، به دروغ وارد معامله شدن و قیمت زیاد روی جنس گذاشتن را نجش می‌گویند که در دین اسلام جواز و جایگاه ندارد. خیانت در هر چیز که باشد بد، زشت و ناپسند است خیانت در عبادات، خیانت در معاملات، خیانت در برابر زن و فرزند، خیانت در برابر شوهر و صاحبان حقوق، خیانت در برابر شاگردان مکتب و مدرسه، خیانت در گفتار، کردار و افعال، خیانت سیاسی در امور

۱. المسند الموضوعي الجامع للكتب العشرة: ج ۱۵، ص ۲۳۴

حکومت داری و اداره کشور مانند گرفتن آرای مردم هنگام انتخابات با دادن وعده‌های دروغین، انجام تعهدات و بستن پیمان‌ها که بعداً به آنها وفا نمی‌کنند یا از قدرت و توان‌اش نمی‌باشند که به وعده‌هایشان عمل نمایند این همه خیانت است؛ حق شخص، قوم، قبیله و شهری رابه شخص، قوم و شهری دیگر دادن، بر حقوق حق داران تجاوز نمودن خیانت است. و مراتبی دارد که بعضی آن از بعضی دیگرش در گناه برتر و بزرگتر می‌باشد؛ مثلاً: خیانت به شخص و خیانت به قوم، خیانت به پول و خیانت به ناموس فرق می‌داشته باشد.

وعن أبي هريرة - رضي الله عنه - قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَنْ خَبَبَ زَوْجَةَ امْرِيٍّ، أَوْ مَمْلُوكَهُ، فَلَيْسَ مِنِّي». رواه أبو داود

ترجمه: شخصی زن و غلامی کسی را فریب می‌دهد از ما نیست.

یعنی بین زن و شوهر یا برده و ارباب تفرقه ایجاد کند و ایشان را از هم جدا سازد، یا در میان مردم تفرقه افکند، این بزرگترین گناه و خیانت است. اسلام دین عدل، انصاف و رحمت است. طرفدار خیانت، تفرقه و پراکنده‌گی و اختلافات نمی‌باشد، روز قیامت هر غدار خیانت‌پیشه و هر حيله‌گر فریب‌دهنده و آنانی که به عهد‌شان وفا نکردند، پیمان‌شکنی نمودند به اندازه‌غدر و خیانت‌شان پرچم و بیرق‌ها همراه ایشان بلند کرده می‌شود تا مردم بشناسند که این‌ها خیانت‌کاران امت در دنیا بودند. پرچم کسی بلند و بزرگ و از کسی کوچک و پایین، یعنی از هر کسی به قدر خیانت و فریب‌اش است.

عن ابن عمر رضي الله عنهما قال: قال رسول الله ﷺ "إذا جمع الله الأولين والآخرين يوم القيامة يرفع لكل غادر لواء فليل هذه غدره فلان بن فلان" (متفق عليه)

ترجمه: از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که رسول الله ﷺ فرمود:

وقتی که الله همه‌ی انسان‌های اول و اخیر را در روز قیامت حشر می‌نماید، هر غدار و خائین پرچمی دارد، گفته می‌شود این غدر و خیانت فلان است. و در روایت دیگر ابو سعید خدری (رضی‌الله‌عنه) آمده است که رسول الله ﷺ فرمود: هر خائین روز قیامت بیرقی در سرین خود دارد که به اندازه خیانت اش بلند کرده می‌شود و هیچ خیانتی بزرگتر از خیانت امیر عامه (فرمان‌روای عمومی) نمی‌باشد (رواه مسلم).

پس مسلمان خوب نه تنها اینکه خیانت نمی‌کند؛ بلکه دیگران را به خیانت و فریب ندادن دعوت می‌نماید، همه خیانت‌ها بد است؛ اما خیانت در دین، بدترین نوع از همه خیانت‌ها و دغل‌بازی‌ها و بدی و زشتی است. آنهایی که می‌دانند خیانت جرم است و گناه دارد، دانسته خیانت می‌کنند بدتر اند. اگر می‌خواهید پرچم خیانت در سرین تان فردای قیامت افزاشته شود پس خیانت کنید، به هر اندازه که بیشتر خیانت کنید به همان اندازه پرچم تان بلندتر خواهد بود.

آیا برای ترک خیانت آماده هستید؟ آیا به تعهدات تان وفادار خواهید ماند؟ آیا برای اصلاح جامعه تلاش خواهید کرد؟ پس برای این هدف بسیج شوید و جامعه را از آلوده‌گی‌های خیانت و فریب پاک سازید.



## با سه شخص الله (ج) سخن نمی گوید

انسان در امور زنده گی کاری نکند که سبب ناخشنودی الله ﷻ بگردد، الله ﷻ که انسان را اشرف مخلوقات آفرید و برای هدایت اش کتابها و پیامبران ﷺ را فرستاد و همه امکانات زندگی را در اختیارشان گذاشت، انواع مختلف نعمت ها را برایش ارزانی نمود، انواع و اقسام لذت ها را برای خشنودی اش آفرید همه مخلوقات را برای خدمت اش مسخر ساخت؛ پس مناسب نیست که از امر الله ﷻ نافرمانی و سرکشی نماید و او را غضبناک و خشمگین سازد، بطور مثال: اگر شما خدمتکار و مزدوری داشته باشید که در برابر پول و اجره کار می کند، اگر خلاف فرمان شما کار کند و یا هم به کاری استخدام کنید که آن کار را مطابق امر و فرمان شما انجام ندهد حتما خشمگین می شوید اگر اصلاح نشود ممکن مزد اجره اش را ندهید و یا از کار اخراج اش نمایید و قرارداد را فسخ کنید؛ پس بنده گان الله ﷻ در صورت که حکم الله ﷻ را رعایت نکنند و به فرمان اش عمل نمایند سبب خشم و نارضایتی وی میگردد. ممکن کسی را به جهنم

افکند و بعضی را سزا دهد و با تعداد سخن نگوید و از رحمت اش دور نماید مگر اینکه توبه کنند و تعهد بسپارند که دیگر گردن کشی نمی کنند.

{إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ} آل عمران: آیه ۷۷

ترجمه: کسانی که پیمان الله ﷻ و سوگندهای خود را به بهای ناچیزی می فروشند آنان را در آخرت بهره ای نیست و الله ﷻ روز قیامت با آنان سخن نمی گوید و به ایشان نمی نگرد و پاکشان نمی گرداند و عذابی دردناک خواهند داشت.

سه شخص، شخصی اند که الله ﷻ در روز قیامت با ایشان سخن نمی گوید، و به ایشان نمی نگرد، ایشان را پاک نمی سازد، و برایشان عذاب دردناک در نظر گرفته شده است. پیامبر ﷺ این جملات را سه بار تکرار کرده است. ابوذر (رضی الله عنه) می گوید:

عن أبي ذر عن النبي قال: ثلاثة لا يكلمهم الله يوم القيامة ولا ينظر إليهم ولا يزكّيهم ولهم عذاب أليم قال: فقرأها رسول الله ﷺ ثلاث مرات قال أبو ذر خابوا أو خسروا من هم يا رسول الله ﷺ قال: المبسل والمنان والمنفق سلعته بالحلف الكاذب، وفي رواية المبسل ازاره. ١ أخرج مسلم وأبو داود والنسائي والترمذي والدارمي وابن ماجه وأحمد.

ترجمه: از ابی ذر (رضی الله عنه) و او از پیامبر ﷺ روایت میکند که رسول الله ﷺ فرمود: سه شخص است که الله در روز قیامت با آنان سخن نمی گوید و به ایشان نمی نگرد و پاکشان نمی گرداند و عذاب دردناک خواهند داشت. او

١. ص ۱۲۶ - کتاب غایة المرام فی تخریج أحادیث الحلال والحرام - أول الكتاب - المكتبة الشاملة الحديثة

فرمود رسول الله ﷺ بعد آن سه مرتبه این را قرائت کردند و من گفتم: نامراد شدند و زیان کردند کیست یا رسول الله ﷺ؟ پیامبر گفت: شخص که پاچه های ازارش از شتالنگ اش پایین است، دوم کسیکه احسان و نیکی میکند و نیکی اش را به روی شخص می کشد، سوم شخصی که به سوگند دروغ سودا و مبیعه اش را به فروش می رساند.

این سه شخص را الله ﷻ بد میبندد؛ چون کاری که اینها می کنند برای یک فرد مسلمان مناسب نمی باشد، و مورد پسند الله ﷻ قرار نمی گیرد. علماء میگویند: آنکه پاچه های ازار را همیشه از شتالنگ ها پائین میدارد از روی تکبر باشد، مورد خشم و غضب الله ﷻ قرار میگیرد و اگر از روی تکبر نباشد، یا عذری داشته باشد شامل این وعید نمی گردد. اما متکبرین نه تنها در گشت و گذار و جریان روز پاچه ها را از شتالنگ ها بالا نمی کنند؛ بلکه در هنگام نماز نیز بالا نمی دارند. در حالیکه به بالا نمودن پاچه ها الی نصف ساق تاکید شده است و همچنان کسی که منت میکند و احسان اش را بار بار یاد میکند، و به روی شخص که همراه اش نیکی نموده است می کشد که از یک طرف ثواب و اجر اش از بین میرود و از سوی دیگر مورد خشم و غضب الله ﷻ قرار میگیرد. اما مرد سومی همان تاجر و فروشندهی است که به دروغ سوگند یاد میکند، نوعیت و کیفیت جنس را بالا میبرد، مشتری را فریب میدهد، با قسم دروغ و تعریف زیاد جنس را به قیمت بلند به فروش می رساند؛ اگر این سه شخص توبه نکنند و از این عمل بد شان دست برندارند خشم الله ﷻ بر سر شان باقی خواهد ماند و فردای قیامت به تاوان و زیان بزرگ مواجه خواهند گردید. در روایت دیگر آمده است که پیامبر ﷺ فرمود: الله ﷻ برای من وحی فرستاده است، شما تواضع و انکساری نموده یکی بر دیگر تان تجاوز و فخر فروشی نکنید - و امام بخاری رحمه الله حدیثی را به نقل از ابوهریره <sup>(رضی الله عنه)</sup> روایت میکند که رسول الله ﷺ فرمود:

عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: "ثَلَاثَةٌ أَنَا حَصْمُهُمْ  
يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ أُعْطِيَ بِي ثُمَّ عَدَرَ وَرَجُلٌ بَاعَ حُرًّا فَأَكَلَ ثَمَنَهُ وَرَجُلٌ  
اسْتَأْجَرَ أَجِيرًا فَاسْتَوْفَى مِنْهُ وَلَمْ يُعْطِهِ أَجْرَهُ".<sup>۱</sup>

ترجمه: از نبی صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمود، الله ﷺ می فرماید: سه کسی است که در روز قیامت با ایشان خصومت و پیکار خواهم کرد؛ شخص که چیزی را بنام من بخشش کند و بعد غدر و خیانت نماید، دوم شخص که انسان آزاد را بفروشد و پول اش را بخورد، سوم شخص که اجیر را به اجره و مزد بگیرد، کار اش را تکمیل نماید و سپس حق آنرا نپردازد.

در عصر کنونی چنین اشخاص به کثرت وجود دارد؛ زمین، دوکان، باغ، موتر و بعضی چیزهای دیگر را برای دوست، رفیق، خویشاوند، اقارب و غیره بخشش می کند و بعد از مدتی پشیمان شده دوباره می گیرد و از بخشش و اعطاء اش انکار می نماید و می گوید من بخشش بلاعوض نمی کنم، فروختن مرد یا زن آزاد را بنام غلام و برده در اسلام جایگاه ندارد و حتی کسانی که دختران شان را بنام نکاح و عروسی در بدل پول گزاف به فروش می رسانند و برای دختر هیچ اختیاری در پول گرفته شده و انتخاب همسر نمی دهند، پول مهر را که به دختر نمی دهند، به هرکسی که داد و هر قدر پول که گرفت دختر کار نداشته باشد، اگر صدایش را بلند نمود یا انتقاد کرد منجر به خشونت فامیلی می گردد وضعیت خراب می شود؛ باید خاموش باشد. و همچنان نپرداختن حق اجیر و مزدور، هستند اشخاصی که زورگویی می کنند و زمانی که کار را به اجاره می دهد اجیر را در عوض یک مقدار پول به اجره می گیرد وقت کار، نوع کار، تاریخ و مدت کار تعیین می شود، بعد از اینکه کار تکمیل شد وقت و زمان اجره و مزدوری پایان یافت، پول را نمی پردازند. می گوید پول ندارم، قرض دار هستم، صبر کن، ماه ها و سال ها سپری می شود و در اخیر انکار می کند و زور می گوید تهدید به

۱. اُرشیف منندی الفصحیح - ۲ [مجموعه من المؤلفین] المكتبة الشاملة

مرگ می نماید. الله ﷺ به دفاع این سه طبقه مظلوم در روز رستاخیز می پردازد و با آن سه کس مخاصمه می نماید. آیا توان خصومت و دشمنی با الله ﷻ قدیر و بصیر را دارند؟ آیا می توانند خود را از پیکار و خصومت الله ﷻ نجات دهند؟ در روایت دیگر آمده است: (رجل اقسام بالله ثم غدر) یعنی شخص که بنام الله ﷻ قسم یاد کند برای اعتماد جانب مقابل سوگند نماید، که عهد شکنی نمی کند پیمان بسته شود و بعد از مدتی، نقض عهد نماید. این روایت شامل آنانی نیز خواهد شد که هنگام استخدام و وظیفه و خدمت به مردم و وطن سوگند یاد می کنند که نسبت به مردم و ملت خیانت نمی کنند و بعد از مدتی دست به خیانت می زنند، سوگند و عهدی که بستند نقض می نمایند. ابو هریره (رضی الله عنه) روایت می کند که رسول الله ﷺ فرمود:

عن النبي صلى الله عليه وسلم أنه قال: ((ثلاثة لا يكلمهم الله، ولا ينظر إليهم يوم القيامة، ولا يزكّيهم، ولهم عذاب أليم: ملكٌ كذاب، وشيخ زان، وعائل مستكبر - ويُرُوى - وفقيرٌ محتال. (النبوات لابن تيمية)<sup>۱</sup>

ترجمه: سه کسی است که الله ﷻ روز قیامت با ایشان سخن نمی گوید، از گناه پاکشان نمی کند و به نظر رحمت به سوی ایشان نمی نگرد و برای ایشان عذاب دردناک است، ۱- پیر زناکار ۲- پادشاه دروغگو ۳- فقیر متکبر.

این سه ویژگی یا خصوصیت که در هر شخص باشد قبیح، زشت و بد است؛ اما در انسان های پیر، بزرگسال، پادشاه کشور و فقیر بیچاره نهایت بد و ناپسند است. حالت پیری و ضعف نشان و علامه مرگ و نزدیک به مردن است، در این وقت انسان پیر و ضعیف، باید بیشتر مصروف طاعات و عبادات بوده باشد، مشغول ذکر الله ﷻ، توبه و تضرع بوده باشد. زنا برای هر کسی بد است

۱. ص ۵۵۶ - کتاب النبوات لابن تيمية - فصل قول الباقلاني لا يدل على صدق النبي إلا المعجزات ولو لم تدل للزم عجز القديم - المكتبة الشاملة الحديثة

الله سبحانه و تعالی می فرماید: (ولا تقربوا الزنا) به زنا نزدیک نشوید، این حکم متوجه پیر و جوان و مرد و زن می شود، هیچ کس به زنا نزدیک نشود به این معنی نیست که زنا برای مرد پیر بد است و به جوان خیر، و همچنان دروغ عمل زشت و نامشروع برای هر کس است اما برای انسان‌های بزرگ و صاحب مقام و عزت چون پادشاه، وزیر اعظم، والی ولایت، رئیس پارلمان و سایر بزرگان دین و دولت به مراتب بدتر و شنیع تر است. نباید پادشاه به مردم و ملت اش دروغ بگوید، به دروغ مردم را وعده چنین و چنان دهد و فریبکاری نماید و فقیر و مسکین متکبر و در مجموع برای تمام انسان ها تکبر نمودن گناه بزرگ را در پی دارد. تکبر ویژه الله ﷻ است، برای بنده مناسب نیست که تکبر کند ولو پادشاه بوده باشد اما برای شخص فقیر و مسکین هرگز درست نیست که تکبر و خودخواهی نماید. اگرگرسنه است، قرضدار است، برای پوشیدن لباس ندارد، درخانه نان نیست، وضعیت کاملاً خراب است؛ اگر مسلمانی دل‌سوزی می کند به خانه اش چیزی می فرستد یا برایش صدقه و کمک می نماید از پذیرفتن اش صرف نظر میکند و برعکس حرف های بیهوده می گوید، کم است، من خیرات طلب نیستم، برو به کس دیگر بده، ضرورت ندارم. وقتیکه کسی برایت چیزی میدهد قبول کن، الحمد لله بگو از الله ﷻ تشکری کن و به شخص که همراه ات کمک نموده جزاک الله بگو و برایش دعای خیر کن. این سنت پیامبر گرامی است، رسول ﷺ برای مادر مومنان عائشه (رضی الله عنها) می گفت کسی برایت چیزی آورد بگیر اما از کسی سوال مکن.

کسی از دوستان می گفت: همسایه داریم فقیر و ناتوان هرچه پختیم برایش می فرستیم، آنها غذای فرستاده شده ما را نمی خورند و به حیوانات می دهند و یا کنار سرک و جوی آب می اندازند، تکبر ایشان اجازه نمی دهد تا غذای خانه همسایه را صرف نمایند یا پول و مواد غذایی، ملبوسات اندک و کم را قبول کنند.

روزی فقیری به دروازه رسول الله ﷺ آمد و خیرات خواست یک خرما برایش آوردند، خرما را به زمین انداخت و قبول نکرد، فقیری دیگر آمد باز یک خرما برایش دادند، او خرما را به جان و دل قبول نمود و گفت: (تمره من رسول الله ﷺ) خرما از جانب رسول الله ﷺ است. فقیر که متکبر نباشد هرچه برایش داده شود قبول می کند و خوشحال می شود اما متکبر برعکس خشونت برپا میکند و شکایت می نماید، در روایت ابو ذر (رضی الله عنه) آمده است الله ﷻ سه شخص را بد می بیند و با ایشان بغض میکند ۱- پیر زناکار ۲- فقیر متکبر ۳- و غنی ظالم لفظ حدیث غنی ظالم است یعنی سرمایه دار کثیر الظلم که حق مردم را نمی پردازد و از طریق مال و سرمایه اش بالای مردم ظلم می نماید (ترمذی و نسایی)

بلی خواننده گان گرامی! آنچه که سبب خشم و غضب الله ﷻ می گردد نباید انجام داد. مسلمان خوب هرگز عمل زنا، دروغ، تکبر و ظلم را در برابر مسلمان روا نمی دارد. اینها اعمالی اند که انسان را از رحمت الله ﷻ دور ساخته و به غضب و خشم الله ﷻ مبتلا می نماید. انسان یک مخلوق، ضعیف، ناتوان و نهایت عاجز و درمانده است که تکبر به آن هیچ مناسبتی ندارد، چهار روز که در دنیا زندگی می کند امتحان بزرگی دیگریست در برابر نفس و شیطان که باید درک کند، همین تکبر بود که شیطان را از مقام اش انداخت، فرعون، نمرود و شداد دعوی خدایی کردند؛ بسا انسان های دیگر از حکم الله ﷻ سرکشی نمودند بالاخره جایگاه شان جهنم شد. الله ﷻ همه مسلمین را پناه دهد.

دایم اندر خویشتن دارد نظر  
زان سبب باشد ز عالم بی خبر  
زین صفت آید تکبر در وجود  
همچنان کز آتش سوزنده دود

{وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ  
مُخْتَالٍ فَخُورٍ} لقمان: آیه ۱۸

ترجمه: و از مردم [به نخوت] رخ برمتاب و در زمین خرامان راه مرو که الله خودپسند لافزن را دوست نمی دارد.<sup>۱</sup>

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: " لَا  
يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ كِبَرٍ " .<sup>۲</sup>

ترجمه: پیامبر ﷺ می فرماید: داخل بهشت نخواهد شد کسی که در قلب  
اش ذره کبر باشد.

۱. <http://www.parsquran.com>

۲. ص ۳۵۹ - کتاب اكمال المعلم بفوائد مسلم - باب تحريم الكبر وبيانہ [القاضي عياض]



## گناه سخن نگفتن یا ناراحت شدن بالاتر از سه روز

ترک سخن، گفتگو و قطع رابطه با برادر مسلمان از سه روز بیشتر گناه دارد. مسلمان خوب با برادر مسلمان اش قطع روابط و ترک مکالمه نمی‌کند ما در عصر زندگی می‌کنیم که بعضی از انسان‌ها سالهای متمادی با اعضای خانواده خویش، اقارب و دوستان شان سخن نمی‌گویند و حتی با همسران شان هفته‌ها و ماه‌ها خفه، قهر، خشم آلود و بر لبان شان مهر سکوت نهاده‌اند و اراده سخن گفتن را ندارند؛ مگر نمی‌دانند که این گناه بزرگ است. اعمال صالح و نیک ایشان به درگاه الله ﷻ قبول نمی‌شود، ترک سخن و گفتگو برای مسلمان روا نیست حضرت انس (رضی الله عنه) روایت می‌کند که رسول الله ﷺ فرمود:

لَا تَقَاطِعُوا، وَلَا تَدَابِرُوا، وَلَا تَبَاغِضُوا، وَلَا تَحَاسِدُوا، وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ  
إِخْوَانًا، وَلَا يَحِلُّ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَهْجُرَ أَخَاهُ فَوْقَ ثَلَاثٍ (متفق عليه)

ترجمه: با یکدیگر قطع رابطه نکنید، به یکدیگر پشت نگردانید، دشمنی با هم نکنید، حسد نورزید، بنده گان الله با هم برادر باشید و حلال نیست برای

هیچ مسلمانی که بالاتر از سه روز برادر مسلمان اش را ترک نماید. (یعنی قطع سخن و مکالمه کند).  
در روایت ابو هریره (رضی الله عنه) آمده است:

تُعْرَضُ الْأَعْمَالُ فِي كُلِّ اثْنَيْنِ وَخَمْسٍ، فَيَغْفِرُ اللَّهُ لِكُلِّ امْرِيٍّ لَا يُشْرِكُ  
بِاللَّهِ شَيْئًا، إِلَّا أَمْرًا كَانَتْ بَيْنَهُ وَبَيْنَ أَخِيهِ شَحْنَاءٌ، فَيَقُولُ: أَتْرَكُوا هَذَيْنِ  
حَتَّى يَصْطَلِحَا...<sup>۱</sup>

ترجمه: اعمال انسان ها روزهای دوشنبه و پنج شنبه به درگاه الله ﷻ پیش کرده می شود الله می بخشد هر شخص را که به الله شرک نکرده باشد مگر کسیکه بین او و برادر مسلمان اش دشمنی باشد گفته می شود: بگذارید این هر دو را تا که صلح و آشتی کنند.

به این معنی که اعمال نیک آنهاست که با هم دشمنی، حسد و بغض دارند قطع رابطه نموده سلام و کلام ندارند، باهم سخن نمی گویند، خفه هستند و قبول نمی کنند تا که صلح و آشتی با هم نمایند؛ اعمال ایشان چون نماز، روزه، حج، زکات، تلاوت، ذکر الله سبحانه و تعالی و غیره در حالت معلق قرار می گیرد و مورد اجابت قرار نمی گیرد و هرگاه که به آشتی و صلح رو آوردند، باهم سخن گفتند یکدیگر را عفو کردند و در آغوش گرفتند، الله ﷻ اعمال نیک ایشان را که در روزهای دوشنبه و پنجشنبه بالا می رود قبول می فرماید؛ پس برای قبولیت اعمال نباید با برادر مسلمان به دشمنی و عدم گفتگو پرداخت و بالا از سه روز خفه و ناراضی او را ترک نمود.

لَا يَحِلُّ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَهْجُرَ أَخَاهُ فَوْقَ ثَلَاثٍ، فَمَنْ هَجَرَ فَوْقَ ثَلَاثٍ فَمَاتَ  
دَخَلَ النَّارَ...<sup>۲</sup>

۱. همان، ج-۱ ص-۴۴۷

۲. کتاب سلامة الصدر [سعید بن وهف القحطاني] ج-۱ ص-۳۱

ترجمه: برای هیچ مسلمانی حلال نیست که برادر مسلمان اش را فوق سه روز ترک کند و سخن نگوید، اگر این کار را کند و در این ایام وفات شود به جهنم خواهد رفت.

یعنی سخن نگفتن در حدود سه روز خیر است و اشکالی ندارد؛ اما اگر این حالت از سه روز بالا ادامه پیدا کند و شخص وفات شود به دوزخ می رود. (خداوند ﷻ ما را در پناه خود داشته باشد و به او پناه میبریم) در روایت ابی خراش <sup>(رضی الله عنه)</sup> آمده است که رسول الله ﷺ فرمودند:

مَنْ هَجَرَ أَخَاهُ سَنَةً فَهُوَ كَسَفِكَ دَمَهُ<sup>۱</sup>

ترجمه: کسیکه یک سال برادر اش را ترک نماید گویا که وی را قتل نموده و خون اش را ریزانده باشد.

یعنی گناه و جرم یک سال سخن نگفتن با برادر مسلمان برابر قتل وی است؛ مسلمان خوب، هرگز برادر اش را بدون گناه به قتل نمی رساند؛ چون می داند که قتل برادر مسلمان بدون گناه جرم بزرگ است و انسان را به جهنم می اندازد که نجات و خلاصی برایش نیست. قتل نمی کند اما سال ها سخن نمی گوید، به خانه اش نمی رود، مریض شود احوال پرسی نمی کند به خیر و شر اش کاری ندارد، اگر در مسیر راه، خیابان، کوچه می بیند رویش را به طرف دیگر می گرداند و سلام نمی دهد خشم آلود و غضبناک از نزد اش عبور می کند و اگر در صف نماز در مسجد ببیند در پهلویش ایستاد نمی شود؛ دور در یک صف دیگر ایستاد می شود که این سراسر ظلم است. شیطان اجازه سخن گفتن با برادر مسلمان را برایش نمی دهد و این هم به گفته شیطان عمل نموده از سخن گفتن و نزدیک شدن به برادر مسلمان اش انکار می ورزد، نمی داند که این راه جهنم است، راه که انتخاب نموده دوری جستن از مسلمان و قطع صله

۱. الجامع الصحیح للسنن والمسائید [صهیب عبد الجبار] ج ۹ - ص ۳۴۸

رحمی با ایشان به دوزخ منتهی می‌گردد. و اما اگر این دو برادر مسلمان با هم آشتی می‌کنند و یکدیگر را در آغوش می‌گیرند مسیر را تغییر می‌دهند و شیطان را مایوس می‌سازند، الله ﷻ از صلح و آشتی ایشان خشنود می‌گردد، در این حالت اگر وفات شوند به بهشت می‌روند، خوب اگر یکی بغضش کمتر است حقیقت را دریافته که سخن نگفتن با برادر مسلمان برابر است با رفتن به جهنم و یک ساعت در جهنم ماندن مصادف است با طول سالهای دنیا؛ مگر توان و قدرت ایستادن در جهنم را که دارد؟ آنکه آماده آشتی است و می‌خواهد که از گناه خود را رها کند و مسیر جهنم را به بهشت تغییر دهد پس در هر جای که با آن شخص ناراض و خفه رو به رو شد برایش سلام دهد اگر او جواب سلام را داد هر دو از گناه رها می‌شوند و اگر اعراض کرد و روی گردانید؛ پس این شخص که سلام نموده است از گناه پاک شده است.

رسول الله ﷺ می‌فرماید:

أَيَحِلُّ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَهْجَرَ مُؤْمِنًا فَوْقَ ثَلَاثٍ، فَإِنْ مَرَّتْ بِهِ ثَلَاثٌ، فَلْيَلْقَهُ  
فَلْيُسَلِّمْ عَلَيْهِ، فَإِنْ رَدَّ عَلَيْهِ السَّلَامَ فَقَدْ اشْتَرَكَا فِي الْأَجْرِ، وَإِنْ لَمْ يَرُدِّ  
عَلَيْهِ فَقَدْ بَاءَ بِالْإِثْمِ، وَخَرَجَ الْمُسَلَّمُ مِنَ الْهَجْرَةِ<sup>۱</sup> (ابو داود)

ترجمه: روا نیست که شخص مومن، مومنی را بالاتر از سه روز ترک کند، اگر سه روز سپری شد هر جا که رو به رو شد سلام دهد بر وی اگر سلام را جواب داد هر دو در اجر و پاداش شریک شدند و اگر جواب نداد آن به گناه برگشته است و این که سلام داده است از گناه رها شده و خود را نجات داده است.

اما امام ابو داود رحمه الله، بعد از روایت حدیث می‌گوید: اگر این ترک سخن و کلام بخاطر الله سبحانه و تعالی بوده باشد گنهکار نخواهد شد، اذا

۱. کتاب جامع الأصول [ابن الأثیر، أبو السعادات] ج-۶ ص-۵۴۶

کانت هجره لله تعالی، فلیس من هذا فی شی. ممکن این در صورتی باشد که شخص کارهای غلط و نامشروع را انجام دهد همیشه مصروف گناه باشد، هر قدر که گفته می‌شود بس نمی‌کند و ناگزیر ترک سخن و گفتگو می‌نماید که این هم تاثیر دارد بالای شخص مذکور؛ اما این کار اش فقط بخاطر الله سبحانه و تعالی می‌باشد، و اگر تیره گی و کشیده گی بین ایشان بخاطر معامله های دنیوی یا چیز دیگری بوده باشد که با هم قطع رابطه نموده اند بهتر است به اصلاح و آشتی رجوع نمایند و یا هم اشخاص سومی در میان ایشان میانجی شود و صلح بیاورند، تا ایشان را از گناه رها نموده و مسولیت ایمانی و اسلامی خویش را ادا نمایند؛ زیرا الله ﷻ می فرماید:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ الحجرات: آیه، ۱۰

در حقیقت مؤمنان با هم برادرند پس میان برادران تان سازش دهید و از خدا پروا بدارید امید که مورد رحمت قرار گیرید.<sup>۱</sup>

در میان برادران تان صلح نمایید، این وظیفه مسلمانان است که در میان طرف های درگیر، ناراض و خفه که سالها و ماه ها سپری می‌شود با هم سخن نمی‌گویند، دشمنی دارند آشتی و صلح بیاورند و تماشاچی نباشند که به من چه و مرا چی نگویند که این کار عواقب بد دارد. هرگاه دو شخص، دو همسایه، دو قبیله، با هم جنگ و دشمنی کردند، مقاطعه نمودند، شخص سوم، همسایه و قبیله سومی به آوردن صلح و آشتی، در میان ایشان مکلف اند تا میانجی قرار گیرند؛ چون امر الله متعال است که باید خاموش ننشینند و این بزرگترین اجر و پاداش را می‌داشته باشد.

رسول الله ﷺ می فرماید:

1. <http://www.parsquran.com/data/show.php?lang=ara&sura=49&ayat=10&user=far&tran=>

أَلَا أُخِرُّكُمْ بِأَفْضَلٍ مِنْ دَرَجَةِ الصِّيَامِ وَالصَّدَقَةِ وَالصَّلَاةِ...<sup>۱</sup>

ترجمه: آیا شما را به بهترین درجه و ثواب رهنمایی نکنم که از روزه، صدقه و نماز بیشتر باشد؟

اصحاب (رضی الله عنه) عرض کردند چرا نه یا رسول الله ﷺ، نشان بده و رهنمایی کن، فرمود:

اصلاح ذات البین و فساد ذات البین هی الحالقه - ابو داود و ترمذی -

اصلاح میان دو فرد یا دو گروه، این زیاد ثواب دارد، و فساد ذات البینی آن دورکننده نیکی ها و خیراست. اگر دو شخص یا دو گروه ترک کلام و سخن نموده و با هم قطع رابطه می نمایند این فساد ذات البینی است و خرابی های زیادی به بار خواهد آورد که منجر به قتل و کشتار انسان ها می شود، به مسجد و نماز جماعت رفته نمی توانند، به مراسم مذهبی اشتراک کرده نمی توانند، به بازار و کاروبار خویش رسیده گی کرده نمی توانند، با مشکل های زیادی رو به رو می شوند، که این همان حالقه است که رسول الله ﷺ فرموده اند:

دَبَّ إِلَيْكُمْ دَاءُ الْأُمَمِ قَبْلَكُمْ الْحَسَدُ، وَالْبُغْضَاءُ هِيَ الْحَالِقَةُ...<sup>۲</sup> (رواه

احمد)

ترجمه: درد امت های گذشته به شما سرایت نموده است، حسد و بغض این همان حالقه است و دور کننده خیر است در قسمت آخر حدیث می فرماید:

لَا أَقُولُ تَحْلِقُ الشَّعْرَ وَلَكِنْ تَحْلِقُ الدِّينَ...<sup>۳</sup>

ترجمه: من نمیگویم که موی را دور میکند بلکه دین را دور میکند.

۱. الجامع الصحيح للسنن والمسائید [صهیب عبد الجبار] ج-۱۱ ص-۸۹۹

۲. مشکاة المصابیح [التبریزی، أبو عبد الله] ج-۳، ص-۴۵۱

۳. کتاب مشکاة المصابیح [التبریزی، أبو عبد الله] ج-۳ ص-۴۰۱

یعنی جنگ، نفاق، دشمنی، بغض، کینه، حسد، ترک سخن و کلام، آهسته آهسته به حدی می رسد که دین از آن آسیب می بیند. واژه حالقه به معنی تراش کردن موی می آید.

رسول الله ﷺ می فرماید: من نمی گویم که این امر موی را تراش می کند؛ بلکه حسد و دشمنی، دین را از شما می تراشد.

در روایت ابو هریره (رضی الله عنه) آمده است که از فساد ذات البینی اجتناب کنید که این حالقه است. این حقیقت دارد اگر اشخاص سومی در جامعه جلو فساد ذات البینی را نگیرند و برای صلح بین طرفین تلاش نکنند تاثیرات منفی و بد آن سالها طول میکشد و نسل به نسل انتقال می نماید که سبب تراش دین و از بین رفتن آن می گردد. برای حفظ دین، ایمان، وحدت، آبرو و عزت دو شخص، دو همسایه، دو گروه، و دو قبیله اشخاص سوم و صلح طلب باید به پا خیزند تا از یک طرف اجر و پاداش نماز، روزه و صدقه نفل را از آن خود کنند و از طرف دیگر جلوی فساد ذات البینی و دشمنی دو طرف را بگیرند تا سبب تراش دین (ضعیف ساختن دین) ضعف و نابودی ایشان نگردد.

به هر صورت ترک نمودن و ناراحت بودن از برادر مسلمان بالاتر از سه روز، مقاطعه و سخن نگفتن با وی عواقب بد و گناه بزرگ دارد که انسان را به جهنم می رساند؛ پس بهتراست در صورت بروز چنین حوادثی در روشنی آیات و احادیث گرانبهای رسول الله ﷺ حرکت نموده و جانب مقابل را در آغوش گرفته و رویش را باید بوسید که این خود از صفات و اخلاق مسلمان خوب و جوان با خدا است.

**بلی خواننده گان گرامی:** هجران و ترک بالا از سه روز، بغض و حسد را بیشتر می نماید، شخص اگر در این دوران وفات شود به جهنم می رود، شیطان را خشنود می سازد، الله ﷻ را ناراض می گرداند، به دین آسیب و ضرر می رساند، اگر این حالت هجران یک سال ادامه پیدا کند گناه آن برابر با قتل یک

انسان به ناحق می‌شود. اعمال شخص به درگاه الله ﷻ قبول نمی‌شود تا که آشتی نکرده باشند؛ پس قبل از اینکه بمیرید کسی را خفه و ناراض نگذارید و ترک سخن و مقاطعه با کسی نکنید، پوزش بخواهید، عفو طلب کنید و خود را پاک نموده از دنیا سفر نمایید تا بعد از مرگ تان شما را به خوبی یاد کنند.

اللهم انا نعوذبك من منكرات الخلاق، والاعمال، والاهواء



## شفقت و مهربانی

### مسلمان خوب نسبت به اطرافیان اش مشفق و مهربان می باشد

شفقت و مهربانی از موضوعات مهم در دین مقدس اسلام است، شامل مهارت ها و ویژگی هایی است که نقش مهمی در روابط فردی و اجتماعی انسان ها بر پایه مهربانی، و توجه به نیاز و مشکلات افراد دارد و موجب همبستگی و مسئولیت پذیری انسان ها در جامعه می شود. هرچند در عصر حاضر که ما در آن زیست داریم نقش شفقت به عنوان الگوی تربیتی موثر در جامعه، مجهول و پوشیده مانده است، ولی قرآن عظیم الشان و روایات وارده در این بحث، به عنوان منابع هدایت و تربیت انسان به آن پرداخته است. مهربانی، شفقت، ترحم، عشق، و محبت چیزی است که انسان ها را به هم دیگر نزدیک می سازد، کینه و بغض را از بین می برد. اسلام عزیز پیروانش را به ترحم، و مهر ورزی نسبت به هم دیگر توصیه کرده است، در اسلام این مهم نیست که کی از کجاست، مربوط کدام قوم است، از کدام کشور، سمت، زبان و نژاد است؛

مهم ایمان و مسلمان بودن است ولو که از هر قوم و قبیله‌ی که باشد باید مهربان و صاحب مهر و عاطفه نسبت به مردم و اطرافیان اش باشد.  
پیامبر اسلام ﷺ می فرماید:

مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ وَتَرَاحُمِهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ مَثَلُ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرَ الْجَسَدِ بِالسَّهْرِ وَالْحُمَّى<sup>۱</sup> (بخاری)

ترجمه: مثال مومنان در محبت، ترحم و عاطفه مانند یک جسد اند، اگر عضو این جسد به درد آمد تمام جسد به تب و بی خوابی مبتلا خواهد شد، و همه جسد مورد آزار و اذیت درد، تب و بیخوابی قرار خواهد گرفت.

سعدی شیرازی<sup>۲</sup> این حدیث را در قالب شعر اش چه زیبا سروده است:

بنی آدم اعضای یکدیگر اند که در آفرینش ز یک گوهر اند

چو عضوی به درد آورد روزگار دیگر عضوها را نماند قرار

پس هر انسان و مسلمان که در هر نقطه زمین و گوشه‌ی از دنیا زیست و زندگی می‌نماید، نباید از محبت و مهربانی سایر مسلمانان جهان محروم شود؛ چون او عضو همین جسد واحد است، دردمندی و محرومیت او، باید تمام جامعه مسلمین را دردمند بسازد؛ اگر مسلمان درد برادر مسلمانش را در گوشه دنیا احساس نکند و صدای عدالت خواهی برایش بلند نسازد، در هنگام مظلومیت و دردمندی اش به او کمک نکند در حقیقت او عضو این جسد واحد نیست، و الله ﷻ بالایش رحم نخواهد کرد، زیرا الله ﷻ در کلام اش چنین وعید داده است؛

۱. بخاری و مسلم عن النعمان ابن بشیر، حدیث رقم: ۵۸۴۹ فی صحیح الجامع

۲. ابومحمد شرف‌الدین مُصلِح بن عبدالله بن مشرف (۶۰۶ - ۶۹۰ هجری قمری) متخلص به سعدی، شاعر و نویسنده پارسی‌گوی است. اهل ادب به او لقب «استاد سخن»، «پادشاه سخن»، «شیخ اجل» و حتی به‌طور مطلق، «استاد» داده‌اند. او در نظامیه بغداد، که مهم‌ترین مرکز علم و دانش جهان اسلام در آن زمان به حساب می‌آمد، تحصیل و پس از آن به‌عنوان خطیب به مناطق مختلفی از جمله شام و حجاز سفر کرد. سعدی سپس به زادگاه خود شیراز، برگشت و تا پایان عمر در آن‌جا اقامت گزید. آرامگاه وی در شیراز واقع شده‌است که به سعدیه معروف است.

## مَنْ لَا يُرْحَمُ لَا يُرْحَمُ<sup>۱</sup>

ترجمه: کسی که رحم نکند بر او رحم کرده نمی‌شود.  
یا در روایت جریر ابن عبدالله (رضی الله عنه) آمده است که پیامبر ﷺ فرمودند:

### من لا یرحم الناس لا یرحمه الله (بخاری)

ترجمه: کسیکه نسبت به مردم مهربان نباشد ﷻ بالایش رحم نمی‌کند.  
واژه "الناس" (مردم) شامل تمام اقشار انسانها شده میتواند، در تمام حالت ها و برای هرکس مهربانی کردن و رحم کردن را باید و وظیفه خود دانست، پیامبر ﷺ بالای نمازگزاران در صف نماز جماعت نیز مهربان بود، وی ﷺ می فرماید: روزی برای اقامه نماز جماعت بلند شدم و دوست داشتم نماز را طویل و دراز بخوانم، لکن ناله و گریه صدای طفلی را شنیدم که با مادرش به مسجد آمده بود، نماز را مختصر و کوتاه کردم تا مادرش احساس تکلیف و تشویش فرزندش را نکند.

و همچنان برای مسلمانان دستور میدهد که:

عَنِ الْأَعْرَجِ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ لِلنَّاسِ فَلْيُخَفِّفْ، فَإِنَّ فِيهِمُ الضَّعِيفَ وَالسَّقِيمَ وَالْكَبِيرَ، وَإِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ لِنَفْسِهِ فَلْيُطَوِّلْ مَا شَاءَ.<sup>۲</sup> (متفق عليه)

ترجمه: هرگاه یکی از شما اگر مردم را نماز میداد یعنی امام نماز میشد نماز را مختصر و کوتاه بخواند؛ زیرا در میان نمازگزاران انسان های ضعیف، مریض، و بزرگسال وجود دارد که طولانی کردن نماز، سبب اذیت شان می‌گردد، و اگر

۱. کتاب غایة المقصد فی زوائد المسند [نور الدین الهیثمی] ج-۴ ص-۳۳۷

۲. عن ابوهریره، أخرجه مالك ((الموطأ)) (۱۰۳)

امام نبود و نماز را تنها اداء می نمود پس هر قدر که خواست طویل و دراز بخواند.

و نیز وی علیه السلام، طرفدار این نبود که مومنان روزه وصال بگیرند (پی در پی مسلسل روزه گرفتن بدون افطار) برای اینکه ضعیف و بی انرژی نشوند؛ روزی اصحاب رضی الله عنهم، عرض کردند یا رسول الله صلی الله علیه و آله شما خودتان روزه وصال می گیرید و ما را منع می فرمایید، گفت من مانند شما نیستم من را الله تعالی تقویت میکند.

عن أبي حمزة أنس بن مالك خادم رسول الله صلی الله علیه و آله قال: سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله يقول: لا يؤمن أحدكم حتى يحب لأخيه ما يحب لنفسه. (رواه البخاري ومسلم)

ترجمه: مومن کامل شده نمیتواند یکی از شما تا وقتی که دوست بدارد برای برادر مسلمان خود آنچه را که برای خودش دوست میدارد.

اگر ما چیزی را برای خودمان نخواهیم و مورد پسند ما نباشد نباید برای یک برادر و خواهر مسلمان خود بپسندیم، مثلا چیزی ناقص و بی کیفیت است، خراب و بی اعتبار است، آینده ندارد و چیزیست که سبب آسیب و زیان دیگری می شود یا با انجام دادن آن انسان ذلیل و بی ارزش می گردد، منفور جامعه قرار می گیرد، حیاتش در خطر می افتد، مثلا راهی است که در آنجا قطع الطريق و ره زنان وجود دارد به مال و جان مسافر حمله میکند، همیشه مردم را مورد آزار و اذیت قرار می دهد یا هتل و مسافر خانه ای است که جان و مال مسافر در آنجا مصئون نمی باشد یا موتر، ماشین مسافر بری، کشتی، هوا پیمایی کهنه و فرسوده است و مسافر را به مقصد نمی رساند، حیات ایشان در خطر میباشد و یا هم معامله های زیان مند و خساره آورکه برای شخص خود و خانواده خود اصلا نمی خواهیم، نمی پسندیم و در این صورت باید برای مسلمان و انسان

دیگر نیز نپسندیم؛ زمانیکه خود ما دوست نداریم در چاه بیفتیم در آب غرق شویم، به مقصد نرسیم؛ پس در طلب افتادن در چاه و غرق شدن برادر و خواهر مسلمان مان نیز نباشیم؛ آن خیری را که برای خود می پسندیم برای دیگران نیز بپسندیم، آن فلاح، کامیابی، عزت، خوشحالی، منصب و وظیفه خوب، آینده روشن که برای خود می پسندیم باید برای دیگران نیز بپسندیم؛ زیرا دیگران را نیز به عنوان یک انسان و هم‌نوع یا بزرگتر از آن، به حیث یک برادر و خواهر دینی خود نگاه داشته باشیم؛ "انما المومنون اخوه" (اهل ایمان باهم برادرند).

### داستان حیرت انگیز از گفت و گوی یک جوان با پیامبر صلی الله علیه

#### وسلم

جوانی نزد رسول الله ﷺ آمد در حالی که غرایز شهوت و عشق زنان اجنبی در او جوش می زد از پیامبر اکرم ﷺ خواست اجازه زنا کردن برایش دهد، پیامبر ﷺ او را دید که در مورد بی گناه و بی عفت ساختن خواهر مسلمان چیزی نمیداند و تمام آرزوهایش برآورده ساختن خواهشات حرام زنا و لذت بردن از آن است و پروا ندارد که خواهر و مادر مسلمانش بی عفت و بی ارزش شود، برایش گفت جوان! مادر داری؟

جوان گفت بلی، پیامبر ﷺ پرسید خواهر داری؟

جوان گفت بلی، پیامبر ﷺ فرمود: آیا دوست داری کسی با مادرت عمل زنا

انجام دهد؟

جوان گفت نه هرگز نمی خواهم، این ننگ و بی غیرتی را هرگز قبول ندارم.

پیامبر ﷺ فرمود: پس دیگران هم نمی خواهند که تو با مادرشان زنا کنی،

آیا تو می خواهی کسی با خواهرت زنا کند؟

جوان گفت: هرگز نمی خواهم؛

پیامبر ﷺ فرمود: پس دیگران هم نمی خواهند که تو با خواهرشان زنا نمایی؛

زیرا آنها هم دوست دارند تا عزت و عفت خواهران شان زیر پا نشود، آنچه را برای خود نمی پسندی، پس برای دیگران هم میسند جوان عزیز!

جوان آهسته، آهسته، نرم شد و از سوال و پیشنهاد که داشت سخت پشیمان شده به توبه رجوع نمود، و از رسول الله ﷺ معذرت خواست، گریه کرد، اشک ریزاند، خود را اصلاح ساخت و برای اصلاح دیگران تلاش کرد.

بلی جوان عزیز و مسلمان! این یک مسئولیت اسلامی و انسانی است که چیزی را برای خود نمی پسندی، پس برای دیگران هم میسند. بعضی ها عادت دارند پول های که ارزش پولی خویش را از دست داده، مندرس و کهنه شده، یا جعلی است، و یا هم لباس و غذایی که گنده، فاسد و خراب شده قابل استفاده نیست آن را برای فقراء و سائل ها صدقه و خیرات دهند و در اعانه و یا کمک مساجد و مدرسه ها دهند، غذای خراب و فاسد شده را برای مسافر و فقیران بی نوا بفرستند که خود شان هر گز آماده نیستند آن را قبول کنند و برای خود پسندند، آیا به این اشخاص مسلمان گفته می شود؟

پس چرا آنچه را برای خود نمی پسندی برای دیگری می پسندی؟  
خودت نمی خواهی متضرر شوی به دیگران هم ضررات مرسان، "خیرالناس من ینفع الناس"

و اگر خیرت نمی رسید پس شر و ضرر را نیز نرسان. مرا از خیری تو امیدی نیست، پس شر مرسان.

پس برای یک جوان مومن و جوانمرد مسلمان، لازم است که در شئونات و معاملات زندگی با همدیگر مهربان باشند و در تمام مشکلات دست همدیگر را بگیرند، جلو شرارت ها و ضرر های فردی و اجتماعی را بگیرند و خود را الگویی از مهربانی، نرمش، اخلاق، محبت و مهر بسازند، دست مهربانی و خدمت بدهند. (یکی از دانشمندان می گوید: دست های که در حال خدمت اند، مقدس تر از لب های هستند که دعا می خوانند.)

جوانان مومن و خیرخواه، بیایید نسبت به یکدیگر مهربان بوده و مهربانی را وظیفه خود بدانیم؛ زیرا پیامبر ﷺ می فرماید:

کسیکه مشکلی از مشکلات و سختی یک مسلمان را در دنیا حل نماید، خداوند مشکل آخرتش را حل می نماید و کسیکه بالای مسلمان آسانی بیاورد (یعنی دستش را بگیرد و او را خوشحال سازد) الله سبحانه و تعالی در دنیا و آخرت بالایش آسانی می آورد، و کسیکه گناه مسلمان را بپوشاند او را رسوا نکند الله ﷻ گناه وی را در دنیا و آخرت می پوشاند و او را در میان مردم رسوا و ذلیل نمی سازد؛ تا وقتیکه یک بنده در کمک و رسانیدن خیر برای برادر مسلمانش است الله ﷻ او را کمک نموده و مورد مهربانی و لطف اش قرار میدهد. (ریاض الصالحین ج-ص ۱۲۲۶)

پس مهربانی، لطف و لبخندی که شما به روی یک مسلمان می کنید به ویژه فقرا، مساکین، بیچاره ها، کودکان و بزرگ سالان، در حقیقت مورد لطف و مهربانی پرور دگار قرار می گیرید. در روایت دیگری آمده است هر گاه شما خدمت مردم پیر و کهن سال را می کنید، دسش را گرفته در اتوبوس، موتر، خیابان و سرک برایش کمک می کنید و او را بر محل نشست و چوکی خودتان می نشانید، محموله و بارش را از دستش می گیرید؛ اگر این همه از برای الله ﷻ و خدمت به انسانیت باشد و هنگامیکه شما پیر و ضعیف شدید و در همچون حالت قرار گرفتید، خداوند ﷻ برای شما خدمت گذاری پیدا می کند تا شما را کمک نماید و محتاج نشوید. در اصل این همه مهربانی ها و شفقت ها عبادت بوده و خالی از اجر و پاداش نمی باشد.





## رفتار نیک با زنان

{و عاشروهن بالمعروف} النساء: آیه ۱۹

و با زنان بطور شایسته رفتار نمایید.

بلی! این امر خالق جهانیان است که بندگان اش را به رفتار نیک و شایسته در برابر زنان و همسران شان دستور میدهد. قبل از اسلام با زنان رفتار نامناسب و جاهلانه صورت می گرفت، عدالت بین زوجین، مهربانی، تقوی، پرهیز و رفتار شایسته که مناسب حال یک همسر باشد وجود نداشت، مهر نمی پرداختند، اموال شان را تملک می کردند، زنان را به میراث می گرفتند، با وسایل گوناگون ایشان را تحت فشار قرار میدادند تا مهر خود را ببخشند و طلاق گیرند و اگر دختر به بار می آوردن مورد شکنجه های مختلف قرار میدادند که چرا دختر به بار آوردند و با زنان ثروتمند که از خوش صورتی و زیبایی برخوردار نبودند بخاطر ثروت و مال شان نکاح می کردند حق همسری را ادا نکرده مانند یک زن شوهردار همراه شان رفتار نمیشد؛ نه آنها را طلاق می دادند و نه به حیث یک همسر رفتار می کردند فقط منتظر مرگ شان می بودند که چه وقت مرگ فرا

رسد و اموال شان را تملک نمایند؛ اما اسلام عزیز این همه جنایات را محکوم نموده و جایگاه زنان را از نظر اسلام برای مردم معرفی کرد و برای مردان به ویژه شوهران دستور داد که با ایشان سلوک و روش اسلامی و انسانی نمایند، ایشان را از رفتار نامناسب، غلط، خشن و بد اخلاقی با زنان منع نموده و زنان را قشر قابل ترحم خواند و به صراحت اعلان کرد که رفتار خشونت بار با زنان ممنوع است، زنان شما اسیران شما نیستند در برابر ایشان مانند یک اسیر رفتار نکنید زنان شما کنیزان شما نیستند مانند کنیز با ایشان سلوک نکنید، زنان آزاد اند و شریک زندگی شما می باشند، بالای شما حق دارند و شما برای پرداخت حق ایشان مکلف هستید که مطابق فرمان الله سبحانه و تعالی و پیامبر ﷺ عمل نمایید، اعمال و عادات ناروا و ناپسند دوران جاهلیت را تقبیح کرد و خوب ترین شخص، کسی را معرفی نمود که با زن و همسر گرمی اش اخلاق نیکو و رفتار شایسته داشته باشد.

رسول الله ﷺ فرموده است:

أَكْمَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَخَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِنِسَائِهِمْ<sup>۱</sup> (رواه ترمذی)

ترجمه: کامل ترین مومنان از نظر ایمان داری کسی است که دارای اخلاق نیکو بوده و با همسران شان روش پسندیده داشته باشند.  
و در حدیث دیگر آمده است {لَا تُضْرَبُوا أُمَّةَ اللَّهِ...} "ابوداود" بنده گان الله را زنید، اماء به معنی کنیز است که مراد زنان می باشند {الَا وَتَوَصَّوْا بِالنِّسَاءِ خَيْرًا...} "رواه ترمذی" خبردار! آگاه باشید یکدیگرتان را در مورد زنان توصیه به نیکویی کنید.

از خشونت، بد اخلاقی، ضرب مبرح، لت و کوب فحش گویی، دشنام

۱. کتاب مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح [الملا علی القاری] ج-۵ ص-۲۸

دادن، آزار و اذیت، نفقه نه پرداختن، اخراج از خانه، جدایی و طلاق دادن جلوگیری و پرهیز نمایید، {خیارکم خیارکم لِنساءهم} بهترین شما کسی است که با همسرش نیکویی و احسان کند، در خانه همکار و دوست خوب برای همسرش باشد، در کارهای خانه و امور منزل او را همکاری و تعاون نماید حقش را به گونه درست ادا نماید، اگر گاهی همسر کار ناشایسته را انجام دهد که برای شوهر خوش آیند نباشد کاری دیگری انجام خواهد داد که خوش آیند خواهد بود، انسان همیشه به یک حالت نمی‌باشد ممکن اشتباهی نماید، سهو خطایی را مرتکب شود اما شما عجلولانه تصمیم نگیرید شکیبیا و صبور باشید. رسول الله ﷺ می‌فرماید:

لَا يَفْرُقُ مُؤْمِنٌ مُؤْمِنَةً إِنْ كَرِهَ مِنْهَا خُلُقًا رَضِيَ مِنْهَا آخَرَ (رواه مسلم)

ترجمه: نباید مرد (زوج) مومن با زن مومنه اش بغض و دشمنی نماید اگر چیزی از اخلاقش را بد دید از کار دیگرش راضی خواهد شد.

اگر شوهران مسلمان، دوست و همکار خوبی برای همسران شان باشند آنها کمتر اشتباه می‌کنند و کاری را انجام نمی‌دهند که سبب نارضایتی شوهران شان گردد؛ چون آنها می‌خواهند با شوهران شان زنده گی کنند، تشکیل خانواده نمایند، آینده با عزت و روشن داشته باشند اگر مرتکب اشتباهی شدند اشتباه شان را جبران می‌کنند و به حیث یک زن مسلمان به زنده گی اش ادامه میدهد، عزت و آبروی شوهر و خانواده شوهرش را حفظ می‌نماید و تلاش میکند که از بهترین زنان دنیا شمرده شوند. زن مسلمان در صورت داشتن تقوی و اخلاق نیکو از بهترین متاع دنیا به حساب می‌رود، رسول ﷺ می‌فرماید:

الدُّنْيَا مَتَاعٌ، وَخَيْرُ مَتَاعِهَا الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ<sup>۲</sup> (رواه مسلم)

۱. همان، ج-۵ ص-۱۱۸

۲. کتاب جامع الأصول [ابن الأثیر، أبو السعادات] ج-۱۱ ص-۴۲۸

ترجمه: دنیا متاع (اسباب و وسایل زنده گی) است و بهترین متاع آن زن نیک عمل و نیکو سرشت است.

زن که احکام الله ﷺ و رسول اش را رعایت میکند، زن که اهل تقوی و پرهیز است، زن که به قانون شریعت پای بند است، نماز های پنجگانه را در وقت اش میخواند، روزه اش را میگیرد، بدون ضرورت از خانه بیرون نمی شود، بدون اجازه شوهر اش به جای نمی رود، حجاب اسلامی را رعایت میکند، در غیاب شوهر از آبرو، عزت، مال و اولاد شوهرش حفاظت مینماید، کسی را به خانه شوهرش بدون اجازه وی نمی گذارد، مطیع و فرمان بردار شوهرش است، پس همین زن صالحه و نیکو سرشت از بهترین های دنیا است بلی بهترین های دنیا. **مادران و خواهران عزیز:** شما از بهترین های دنیا هستید به شرط که مطابق فرمان الله ﷺ در چوکات اسلام زندگی را عیار نمایید، شما روشنی و چراغ خانه ها هستید بدون شما خانه ها تاریک و زندگی برای مردان لذت ندارد، زنان مایه آرامش مردان اند، الله سبحانه و تعالی می فرماید:

{وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ  
بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً...} { الروم: آیه ۲۱

ترجمه: و از نشانه های قدرت اوست که برایتان از جنس خودتان (انسان) همسران آفرید، تا در کنار ایشان آرامش یابید.

زن مایه شگوفایی و نشاط مرد است. زن و مرد جنس مکمل یکدیگراند. هر یک بدون دیگر ناقص است این از مواهب و بخشش الهی می باشد که هر دورا برای یک زندگی بهتر یکجا آفریده است که یکی برای دیگر مایه شادمانی و پرورش می باشند و آرامش جسمی، روحی، فردی و اجتماعی نصیب ایشان می گردد. هنگامیکه جوان مسلمان از مرحله مجرد به مرحله ازدواج و زندگی خانواده گی پا می گذارد شخصیت تازه در خود می یابد و احساس آرامش

خاطر و مسولیت بیشتری میکند که این احساس را قبل از ازدواج نداشته است. زن موجود ظریف، با احساس و عاطفه قوی و نیرومندی است که الله ﷻ او را آفرید تا بخشی از بار رسالت تعلیم و تربیت جامعه را بر دوش گیرد و در مسیر کمال گام بردارد، زن مظهر جمال الهی است او مسولیت دارد تا خانه و اعضای خانواده را در سایه مهر، عاطفه و رحمت خود بیاراید؛ چرا که الله ﷻ می فرماید: **وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً** - و در میان شما مودت و رحمت آفرید - پس کاری نکنید که سبب آزار، رنج و درد زن شود آنانیکه معاشره نیک با همسران شان دارند، حاجت ها و ضروریات زندگی آنان را فراهم می سازند در راستای ادای حقوق شان پای بند هستند و از بهترین انسان ها خوانده شده اند رسول الله ﷺ می فرمایند:

**يَعْمَدُ أَحَدُكُمْ فَيَجْلِدُ امْرَأَتَهُ جَلْدَ الْعَبْدِ فَلَعَلَّهٗ يَضَاجِعُهَا فِي آخِرِ يَوْمِهِ...<sup>۱</sup> (بخاری مسلم)**

ترجمه: این مناسب نیست که شخص همسر اش را مانند غلام کتک زند و ممکن در آخر روز همراه اش همبستری نماید.

مسلمان خوب همیشه در پی زندگی با عزت در سایه اوامر الله ﷻ و قانون اسلام می باشد و با همه افراد بشر به ویژه زن و فرزند و اعضای خانواده رفتار نیکو و حسن معاشره می داشته باشد. از رفتار خشن، بد اخلاقی و سوء ظن اجتناب می نماید؛ پس برای اینکه مسلمان خوب باشیم باید به کتاب الله سبحانه و تعالی و احادیث رسول الله ﷻ چنگ بزنیم و به ارشادات دین مقدس اسلام و توصیه علمای کرام عمل نماییم زیرا رفتار نیکو و حسن معاشره با زنان، از دستورات الله ﷻ و پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم است که فرموده با زنان

۱. کتاب مشکاة المصابیح [التبریزی، أبو عبد الله] ج-۲ ص-۹۶۸

رفتار نیکو نمایید، خیرکم خیرکم لاهله - بهترین شما کسی است که به خانواده اش بهترین باشد و رفتار نیکو نماید.

### حقوق زن بالای شوهر

اسلام دینی است که برای هر موجودی در زندگی دنیا حق داده است و هر صاحب حق می تواند که در صورت عدم رعایت حقوق اش مطالبه حق نماید و آنانیکه حق بالای ایشان واجب است مکلف به پرداخت و ادای آن می باشند. در صورت تخلف اسلام به مجازات آنان دستور میدهد، آنچه در مورد حقوق زنان بر شوهران ذکر شده است:

۱. حق مهر: و آتو النساء صدقاتهن نحله (النساء ۴) مهر زنان را بطور کامل به عنوان بخشش و عطیه الهی بپردازید. این یک فریضه است که شوهر باید بپردازد و این حق مسلم زن است و پرداخت اش بر شوهر لازمی می باشد.
۲. پرداخت نفقه زن: تمام مخارج و مصارف زننده گی تهیه مسکن، غذا، لباس، مداوا و معالجه به عهده شوهر است، دلیل وجوب نفقه در سوره نساء و احادیث رسول اکرم (صلی الله علیه و سلم) ذکر گردیده است.
۳. حسن معاشره و رفتار نیکو که در صفحات گذشته به تفصیل بحث گردید که یکی از مصداق آن پرداخت نفقه و خرج کردن شوهر به اندازه توان و قدرت مالی آن است که رسول الله ﷺ این را صدقه گفته است، و در حدیث که ثوبان (رضی الله عنه) روایت کرده خرج و نفقه بر زن و فرزند را افضل و بهترین صدقه گفته است: {افضل دینار ینفقه الرجل دینار ینفقه علی عیاله} {رواه مسلم}
۴. مشوره نمودن: زن حق دارد که شوهر اش در امور منزل و مسئله ازدواج دختران و بعضی مصالح و مسائل دیگر با وی مشوره نماید، در بعضی از روایات دیگر آمده است که در مورد ازدواج دختران شان با مادران شان

- مشوره نمایید؛ چون مادران به رازها و حرف های دل دختر بیشتر میدانند.
۵. از ضرب مبرح و استعمال کلمات زشت در حق زن پرهیز نمودن: رسول الله ﷺ می فرماید: {واضربوهن ضربا غیر مبرح} اگر ضرورتی به ضرب یا زدن باشد، ضرب آزار دهنده نباشد یعنی برای ادب و آموزش ضرب اندک جواز دارد، (ولا تقیح یا قیحک الله) بد دعایی نکنید، رویت سیاه خاک بر سرت و دعا های بد و زشت را در حق زن نکنید.
۶. ترک بستر و همخوابی نکنید؛ مگر در صورت نشوز و بد اخلاقی.

{الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَأَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنِ اطَّعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا}

النساء: آیه ۳۴

ترجمه: مردان سرپرست زنان اند به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و [نیز] به دلیل آنکه از اموال شان خرج می کنند پس زنان درستکار فرمانبردارند [و] به پاس آنچه خدا [برای آنان] حفظ کرده اسرار [شوهران خود] را حفظ می کنند و زنانی را که از نافرمانی آنان بیم دارید [نخست] پندشان دهید و [بعد] در خوابگاه ها از ایشان دوری کنید و [اگر تاثیر نکرد] آنان را ترك کنید پس اگر شما را اطاعت کردند [دیگر] بر آنها هیچ راهی [برای سرزنش] مجوید که خدا والای بزرگ است.<sup>۱</sup>

...وَلَا تَهْجُرُوهُنَّ إِلَّا فِي الْبَيْتِ.<sup>۲</sup> (ابو داوود)

ترجمه: و ترک اش مکن، مگر در خانه

1. <http://www.parsquran.com/data/show.php?lang=ara&sura=4&ayat=34&user=far&tran=>  
۲. مجلة جامعة أم القرى ۱۹ - ۲۴ [مجموعه من المؤلفين] ج. ۳، ص. ۲۵۱

۷. در چهره یا روی هرگز ننزید: {ولا تضرب الوجه} زیرا چهره محل زیبایی و حسن است نباید داغدار شود.

### ...ولا تضرب الوجه...<sup>۱</sup>

۸. ممانعت نکردن از رفتن به زیارت پدر و مادر و اقارب.
۹. حفاظت عزت و آبروی زن.
۱۰. یاری نمودن در کارهای منزل و خانه.
۱۱. برآورده ساختن خواهشات جنسی.
۱۲. آراسته شدن با ظاهر پاک و تمیز برای زنان: این نیز حق زن است. در روایتی آمده است که ابن عباس (رضی الله عنه) روزی برای اصلاح سر و صورت خود جلوی آئینه (شیشه) ایستاده بود، از وی پرسیدند چرا این همه به خودت می رسی؟ فرمود: بلی وقتیکه همسرم خود را برای من آراسته می سازد پس حق دارد که من هم خود را برای آن آراسته نمایم.
۱۳. گفتن کلمات خوش، شوخی یا مزاح با رعایت ادب.
۱۴. تعلیم و تربیه دینی.
۱۵. رفتن به نزد طبیب، داکتر جهت معالجه و تداوی: این از حقوق زنان بالای شوهران است که با رعایت آن زنده گی زوجین به خوبی سپری خواهد شد.

### حقوق شوهر بالای زن

حق شوهران بر زنان زیاد است. زمانیکه زنان حق شوهران را رعایت نمایند و شوهران ایشان در حالی از دنیا بروند که از زنان شان راضی باشند و هنگام که زنان فوت نمودند وارد بهشت می شوند. رسول الله ﷺ می فرماید: اگر سجده



کردن به غیر الله جواز میداشت من زنان امتم را امر می‌کردم تا شوهران شان را سجده کنند. (ترمذی)

اطاعت شوهر واجب است. زنان بدون اجازه و مشوره شوهر نباید کاری را انجام دهند. در هر کاری باید از شوهر اجازه و مشوره گیرند. عائشه (رضی الله عنها) می‌فرماید: ای زنان؛ اگر شما میدانستید که شوهران تان بر شما چه حقی دارند، خاک پای ایشان را با مژگان تان پاک می‌کردید.

زنی که از الله ﷻ میترسد همواره در اطاعت الله ﷻ، رسول الله ﷺ و شوهر اش باید از خود جدیت نشان بدهد و در خشنودی شوهر اش تلاش نماید؛ زیرا شوهر است که باعث دخول وی در بهشت یا دوزخ می‌گردد، ام سلمه (رضی الله عنها) روایت میکند که رسول الله ﷺ فرمود:

{يُيَمَّا امْرَأَةً مَاتَتْ وَزَوْجُهَا رَاضٍ عَنْهَا دَخَلَتْ الْجَنَّةَ...} (رواه ترمذی)

ترجمه: هر زنیکه بمیرد و شوهر اش از وی راضی باشد وارد بهشت می‌شود.

در حدیث دیگر آمده است: زن که پنج وقت نماز را ادا کند، روزه رمضان را روزه بگیرد، از شوهرش اطاعت کند، از هر دروازه بهشت که خواسته باشد داخل می‌شود (احمد الطبرانی)

آنانی که اطاعت شوهران شان را می‌کنند؛ پرنده‌ها در هوا، ماهی‌ها در آب، آفتاب، مهتاب، ملائکه‌ها در آسمان برای شان آمرزش و مغفرت می‌خواهند و در صورت نافرمانی الله سبحانه و تعالی، ملائکه‌ها و همه مردم لعنت و نفرین می‌کنند. حضرت علی (رضی الله عنه) می‌فرماید: من و فاطمه نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم رفتیم و دیدیم که بسیار گریه میکند، برایش گفتم: پدر و مادرم فدایت یا رسول الله صلی الله علیه و سلم چه چیز شما را به گریه آورده است؟

۱. کتاب جمع الفوائد من جامع الأصول و مجمع الزوائد [الرودانی، محمد بن سلیمان المغربي] ج ۲- ص ۱۴۲

فرمود: ای علی، شبی که به معراج برده شدم، زنان امت را در جهنم دیدم که به عذاب های گوناگون شکنجه می شدند به همین خاطر گریه می کنم، زنی را دیدم که از موهای سر اش در آتش جهنم آویزان است و مغز اش می جوشد، زنی را دیدم که از زبان آویزان است و آب جوش در حلق اش انداخته می شود، زنی را دیدم که از سینه ها آویزان است عذاب می شود، زنی را دیدم که پاهایش در سینه و دست هایش بر سرش بسته شده عذاب می شود، زنی را دیدم که سر اش مانند سر خوک و بدن اش مانند خر به هزاران نوع عذاب گرفتار است، و زنی را دیدم که به صورت سگ آتش از دهن اش داخل شده و از طرف پایین خارج می شود و فرشته گان به چکش (آله آهنی که با آن میخ و آهن را می کوبند) و آتشین است او را می زنند، علی (رضی الله عنه) میگوید: در این وقت فاطمه (رضی الله عنه) برخاست و گفت: یا رسول الله ﷺ این زنان چه جرمی داشتند و مرتکب چه اعمال شده بودند؟ حضرت رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: آنکه از موی سر آویزان بود در آتش جهنم، مو هایش را از مردان اجنبی پنهان نمی کرد (آنانیکه سر برهنه بدون چادر و حجاب اند) و او زنیکه از زبان اش آویزان بود شوهر اش را به زبان اذیت می کرده و آنکه از پای ها و دست ها بر سر اش بسته بود زنی بوده که از جنابت و حیض غسل نمی کرد و به نماز استهزا می نموده و او زنیکه مانند خوک و بدن اش مانند خر بود کسی بوده که دروغ میگفت و سخن چینی میکرد. و آنکه بصورت سگ در آمده و آتش از دهن اش داخل و به پایین اش خارج میشد زنی بود که نیکی هایش را به رخ شخص می کشیده و او را مورد منت و احسان اش قرار می داد و به دیگران حسد میکرد - الکبائر امام ذهبی.

**خواهران گرامی و مادران عزیز:** رسول الله ﷺ شبی که به معراج رفت بسا چیزها را در آن شب مشاهده کرد و از جمله جنت و دوزخ را نیز مشاهده نمود و اکثرا کسانی که در جهنم و عذاب آتش گرفتار بودند زنان امت بودند و یگانه چیزی که سبب رفتن ایشان به جهنم شده است نافرمانی و ناشکری از

شوهران شان گفته شده است، رعایت نکردن احکام اسلامی، بی اطاعتی از الله ﷻ و رسول الله ﷺ، بیرون رفتن از خانه بدون اجازه شوهر، آرایش نمودن برای اشخاص و افراد بیگانه، گفتگو و نشست و برخاست با کسانی که محرم نیستند، عدم رعایت حجاب اسلامی، بد زبانی و نشوز، شوهر را به مافوق قدرت اش تکلیف دادن این همه چیز های است که زنان را به دوزخ می کشاند. حضرت علی (رضی الله عنه) برای سیده النساء حضرت فاطمه (رضی الله عنها) گفت: بهترین کار برای زنان چیست؟ فرمود: آنکه نه خود را به مردان نشان دهد و نه مردان او را ببیند. یعنی حجاب و تقوی را رعایت نماید، در برابر حوادث زندگی و نابسامانی های که به وقوع می پیوندد صبر کند، حقوق الله سبحانه و تعالی و شوهر را ادا نماید ان شاء الله به بهشت خواهد رفت، و اما حق عمده که شوهران بر زنان دارند.

۱. نفس خود را از شوهر منع نکند: رسول الله ﷺ می فرماید: اذا باتت المرأة هاجره فراش زوجها لعنتها الملائكة حتى تصبح (بخاری و مسلم) هرگاه زنی بستر شوهرش را ترک نماید فرشته گان تا صبح لعنت اش می کنند. این حق شوهر است که زن در بستر کنار اش بخوابد، و در حدیثی آمده است: اولین چیزی که در روز قیامت از زنان پرسیده می شود نماز و شوهر است. در روایت ابو داوود (رحمة الله علیه) آمده است: در صورتی که مرد زن اش را به بستر دعوت کند، و زن دعوت او را قبول نکند ملائکه ها او را تا صبح لعنت میکنند.

۲. بدون اجازه شوهر از خانه خارج نشود: زیرا در حدیث آمده است: هر زنی که بدون اجازه شوهر از خانه خارج شود ملائکه ها او را لعنت می کنند تا آنکه به خانه برگردد و یا توبه نماید. (طبرانی)

۳. بدون اجازه شوهر روزه نگیرد: در صورت که شوهر در خانه حاضر باشد؛ زیرا رسول الله ﷺ می فرماید: لا یحل لامرأة ان تصوم و زوجها شاهد الا باذنه (بخاری عن ابی هریره) حلال نیست برای هیچ زنی که شوهر اش

- در خانه حاضر باشد و او روزه نفلی بگیرد مگر به اجازه شوهر.
۴. بدون اجازه شوهر کسی را به خانه نگذارد: زیرا در حدیث آمده است: ولا تاذن فی بیته الا باذنه.
۵. مال شوهر را بدون اجازه وی برای کسی ندهد.
۶. در غیاب شوهر به وی خیانت نکند.
۷. در وقت سخن گفتن شوهر، برایش با دل و جان گوش فرادهد.
۸. از مال و اولاد شوهر، در غیاب اش درست نگهداری و توجه نماید.
۹. خود را برای شوهر بیاراید و به چهره خشم و قهر طرف اش نظر نکند.
۱۰. اوامر اش را بجا نماید و هرگز نافرمانی نکند.
۱۱. به اقارب شوهر احترام نماید و در حضورشان بی ادبی و گستاخی نکند.
۱۲. هرگاه برایش چیزی آورد ولو ناخوشایند باشد از وی تشکری نماید و الحمد لله گوید.
۱۳. راز اش را حفظ کند و از افشاء نمودن آن پرهیز نماید.
۱۴. هرگاه نماز خواند برای شوهر اش دعا نماید.
۱۵. اگر اذیتی برایش رسید صبر کند و فریاد نکشد.
۱۶. اگر اشتباهی را مرتکب شد مورد عفو قرار دهد.
۱۷. از شوهر اش در حضور کسی دیگر شکایت نکند.
۱۸. اگر شوهر کار غلط و خلاف شریعت انجام دهد مودبانه او را منع نماید.
۱۹. شوهر اگر مال، جوانی و قیافه خوب نداشت حقیر نشمارد.
۲۰. شوهر را درکارهای خیر و نیک مشوره دهد و هرگاه به خانه آمد از وی به گرمی و الفاظ شیرین استقبال نماید.
- در صورت که زن مکلف به اطاعت شوهر و ادای مسولیت در امور

زنانشوهری باشد پس شوهر نیز مکلف است که حقوق زن را به گونه احسن ادا نموده و از راه لطف، مهربانی و حسن سلوک با وی رفتار نماید. زن خوب عزت شوهر و شوهر خوب، عزت زن را تامین نموده و زندگی مشترک را در سایه عشق و محبت یکدیگر سپری می‌نمایند و برای هر دو (زن و شوهر) در برابر سوء رفتار، اخلاق، بد رنگی و زیبایی کمتر و اندک، توصیه به صبر و شکیبایی شده است و در صورت که صبر کنند الله ﷻ اجر و پاداش بزرگ را نصیب ایشان می‌نماید. صبر ایوب ﷺ برای مردان و صبر آسیه ﷺ زن فرعون، برای زنان باد.

امام اصمعی رحمه الله می‌گوید: در صحرا رفتم دیدم زن محسنه و خوشگل با شوهر اش که مرد بد شکل و زشت بود می‌رفتند، برای زن گفتم: تو با این حسن و زیبایی مربوط به این مرد بد شکل هستی؟ گفت خیر: ممکن است او با الله ﷻ و الله ﷻ با او خوب باشد و الله ﷻ مرا ثواب او بگرداند، و اگر من با وی بدی کنم ممکن است مرا جزای او بگرداند. زن و شوهر اگر یکی از ایشان خوشگل و زیبا بود حتما نعمتی از طرف الله ﷻ است باید شکر الله ﷻ را بجا آرد و اگر بد شکل، بد رنگ، بد اخلاق و بد قیافه بود محنت و آزمایش از طرف الله ﷻ است که باید صبر کند جز صبر چاره چیست؟ الله ﷻ ثواب شاکران را برای آن زوج یا زوجه شکرگذار و ثواب صابران را برای آنکه صبر مینماید میدهد؛ اما سخن مهم اینست که در آغاز تحقیق نمایید و در انتخاب همسر دقیق باشید تا بعد از عقد ازدواج پشیمان نگردید؛ در غیر آن بهترین راه صبر و مدد جویی از خداوند ﷻ است.

مابلا را به کس عطا نکنیم

تا که او را ز اولیا نکنیم

پس کسیکه در برابر رنج ها، مصیبت ها، بلاها صبر می‌نماید به یقین که دوست و ولی الله ﷻ می‌باشد و الله ﷻ بیشتر دوستان اش را به رنج و مشقت می‌آزماید.

دردم چو تو دادی از کی جویم درمان  
 یارم چو تو باشی از کی خواهم یاری  
 طریق عشق جانان جز بلا نیست  
 زمانی بی بلا بودن روا نیست  
 بلا کش تا لقای او بینی  
 که مرد بی بلا مرد لقا نیست

مسلمان خوب نسبت به همسر اش مهربان، دوست، همکار، رحیم، صابر، رفیق، و خوش رفتار می‌باشد. از کار و عمل خوب اش تقدیر و تشکر می‌کند و به آزار و اذیت اش صبر می‌نماید، به کسی شکایت نمی‌کند و زود تصمیم به جدایی نمی‌گیرد؛ پس مسلمان خوب باشید و به آنچه که الله سبحانه و تعالی و رسول الله صلی الله علیه و سلم دستور داده است عمل نمایید.

آیا آماده هستید که حق همسران تان را آن طور که در روایات ذکر شد، اداء نمایید و هرگز خشونت و بداخلاقی را در خانه و خانواده انجام ندهید؟ آیا می‌خواهید که زندگی تان مملو از عشق و محبت باشد؟ و خود را از بهترین ها در امور زندگی خانواده‌گی تان به نمایش بگذارید و به حدیث رسول الله ﷺ عمل نمایید که می‌گوید: بهترین شما کسی است که در خانواده بهتر باشد. در روایت دیگر چنین ذکر گردیده است که بهترین شما کسی است که به خانواده مهربان‌تر باشد؛ پس مهربان باشید و مهربانی را شیوه خود سازید و دیگران را به مهربانی نسبت به همسر و خانواده اش تشویق نموده و دعوت دهید.

## در خانه‌ی که یتیم است

بهترین خانه همان است که در آن با یتیمان سلوک و روش نیک صورت می‌گیرد. یتیمان آنهایی اند که در طفولیت پدران یا مادران شان را از دست داده اند آنها باید مورد ترحم و حمایت قرار گیرند. دل‌جویی و نوازش یتیم سبب خوشحالی الله ﷻ می‌گردد. یتیمان کسانی هستند که از مهر، عاطفه و نوازش پر از عشق پدر محروم مانده اند و به نوازش و مهربانی نیاز دارند؛ کسی بالای یتیمی مهربانی کند، الله ﷻ به وی مهربانی خواهد نمود؛ مسئله اطعام و انفاق، خرچ و مصرف یتیم‌ها نیز مهم است. تداوی، معالجه، لباس، تعلیم، تربیه و سایر حقوق ایشان مورد توجه قرار گیرد، یتیم‌ها به گونه نگهداری شود که هرگز احساس بی‌پدیری نکنند. هرگاه با یتیمی رو به رو شوید برخورد پدرانه همراهش نمایید، لطف، مهربانی، ترحم و همکاری را فراموش نکنید، هرگز قهر نشوید و خشم نگیرید ولو کار ناشایسته را انجام دهد توصیه نمایید، در آغوش بگیرید و مؤدبانه برایش بفهمانید کاری که می‌کند ناشایسته است، عزیزم چنین کار که توبه آن مشغول

هستی یا عادت کرده ای در اسلام گناه دارد، با محبت و نرمش فهمانده شود زیرا الله ﷻ می فرماید:

{فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ} الضحی: آیه ۹

ترجمه: پس یتیم را تحقیر مکن یا قهر مشو بالای یتیم.

زیرا با قهر شدن، یتیم می رنجد، دلش آزرده می شود، لطف، مهربانی و آغوش پر از عاطفه پدر به یادش می آید اشک از چشمانش سرازیر می شود و این زمانی است که الله ﷻ ناراحت می شود. مسلمان خوب نمی خواهد یتیمی را آزار دهد و الله ﷻ را ناخشنود کند. درد بی پدری و یتیمی بسیار سخت است این درد را تنها آنانی درک می کنند که در دوران طفولیت و کوچکی پدرانشان را از دست داده باشند و از آغوش گرم پدر محروم شده باشند. کودکان بی پدر و یتیم از جهات مختلف باید مورد حمایت قرار گیرند، آنها از نظر عاطفی دارای کمبودی های هستند که اگر خلاء وجود آنها از این نظر پر نشود کودکان ناسالم، سنگدل، بد اخلاق، جانی و خطرناک بار می آیند. عواطف انسانی و اخلاقی اسلامی ایجاب می کند که آنها همچون سایر فرزندان جامعه مورد حمایت و توجه عموم مردم باشند و مردم از آینده ایشان مطمئن شوند، تمام امکانات زنده گی به ویژه درس، تعلیم، تربیه سالم و تحصیلات ایشان فراهم شود که در این راستا حکومت ها و موسسات خیریه مسولیت بیشتر می داشته باشند. یتیمان در بسیاری از موارد، دارای اموال هستند که باید با دقت کامل و امانت داری برای آنها حفظ شود و جزئی ترین خیانت در مال ایشان صورت نگیرد. وارثین از خوردن مال یتیم جدا اجتناب کنند که الله ﷻ می فرماید:

{وَأْتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَيْرَ بِالْطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ

إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا} النساء: آیه ۲



ترجمه: و اموال یتیمان را به آنان [باز] دهید و [مال پاک] و [مرغوب آنان] را با [مال] ناپاک [خود] عوض نکنید و اموال آنان را همراه با اموال خود مخورید که این گناهی بزرگ است.

در هر اجتماعی بر اثر حوادث گوناگون پدران از دنیا می‌روند و فرزندان یتیم از آنها می‌مانند، خصوصاً در کشور های که گرفتار جنگ های داخلی هستند در روز ده ها و صد ها نفر کشته می‌شوند و از ایشان اطفال خورده‌سال، بجا می‌مانند که به حمایت همه جانبه نیاز دارند، در آیه مبارکه ذکر شده، سه دستور مهم برای حفاظت اموال یتیمان داده شده است:

۱. مال یتیمان را بعد از رسیدن به رشد شان پس بدهید.
۲. مال های خراب و فاسد خود را با مال های خوب یتیم ها عوض نکنید.
۳. از خوردن مال یتیم با مال خودتان اجتناب کنید که گناه بزرگ است.

علماء گفتند: رشد به معنی بلوغ، عقل، هوشیاری و زیرکی آمده است یعنی یتیم روش زنده گی و مصلحت را بداند مال را ضایع نسازد، خیر و شر زندگی را درک نماید مال برایش سپرده شود، تصرف شما در مال یتیم به عنوان سرپرست، مانند یک امانت‌گر و ناظر می‌باشد؛ نه مالک، بعضی از سرپرستان و وارثان یتیم ها، در مال یتیم ها فساد می‌کنند، قبل از رشد و بلوغ یتیم مال اش را عوض می‌کنند و به فروش میرسانند، مصرف می‌کنند حتی اسناد و قبالة زمین، دکان، باغ و موتر یتیم را به نام خودشان می‌کنند و بعد از بلوغ و رشد یتیم برایش می‌گویند: پدر ات چیزی نداشت این همه جایداد از من بود، و یا اینکه پدر ات مریض بود من برایش مصرف کردم ناگزیر اموال اش را فروختم معالجه نمودم، خیر و خیرات کردم قرض دار بود برای قرضداران دادم بالاخره چیزی برای شما نمانده است. حیف و میل میکنند و از خودش را پس انداز می‌نمایند و برای مصرف روزانه اندکی از مال خودش و دیگر از مال یتیم را با هم مخلوط

نموده صرف می‌کند و در مصرف مال یتیم عجله می‌نماید تا قبل از رشد یتیم اموال اش را پایان بخشد. این پایمال نمودن حقوق یتیم و ظلم بزرگ در حق ایشان است.

{وَأْتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَبَدَّلُوا الْخَيْثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ  
إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا} النساء: آیه ۲

ترجمه: و اموال یتیمان را به آنان [باز] دهید و [مال پاک] و [مرغوب آنان] را با [مال] ناپاک [خود] عوض نکنید و اموال آنان را همراه با اموال خود مخورید که این گناهی بزرگ است.

تجاوز در مال یتیم گناه بزرگ است، آنانی که در مال یتیم خیانت می‌کنند، مصلحت و آینده یتیمان را مد نظر نمی‌گیرند به بهانه های مختلف مال یتیمان را غارت می‌نمایند، دختران یتیم را به فرزندان شان بدون پرداخت مهریه و مصرف یا بخاطر که اگر مال داشته باشد، مال اش را تصرف کنند به نکاح می‌دهند، حقوق زوجیت و عدالت را رعایت نمی‌کنند، تنها هدف تصرف مال یتیم است. این همه تجاوز، بی انصافی، بی عدالتی و ظلم قبل از اسلام در جامعه جاهلی عرب، معمول بود آنگاه که اسلام آمد بر این موضوع اهمیت خاص و فوق العاده قایل شد؛ خیانت کاران و متجاوزین در اموال یتیمان را به مجازات شدید تهدید نمود، سرپرستان و ورثه یتیمان را به عدم خیانت و مراقبت های جدی دعوت نمود، مسلمانان صدر اسلام به حدی می‌ترسیدند که غذای یتیمان را با غذای خودشان یکجا و مخلوط نمی‌نمودند، که این به هردو طرف خیلی دشوار و سخت تمام میشد تا اینکه الله ﷻ آیه ۲۲۰ سوره بقره را نازل فرمود:

{وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ  
وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ وَلَوْ سَاءَ لَشَاءَ اللَّهُ لَاَعْتَنَتُكُمْ إِنْ اللَّهُ عَزِيزٌ

حَكِيمٌ} البقره: آیه ۲۲۰

ترجمه: و در باره یتیمان از تو می پرسند بگو به صلاح آنان کار کردن بهتر است و اگر با آنان همزیستی کنید برادران [دینی] شما هستند و الله ﷻ تباهاکار را از درستکار باز می شناسد و اگر الله ﷻ می خواست [در این باره] شما را به دشواری می انداخت آری الله ﷻ توانا و حکیم است.

و روی شرایط خاص موانع را برداشت، هیچ سرپرست و وارث یتیم مالک و متصرف مال وی شده نمی تواند و اگر مال یتیم را بدون مجوز شرعی بخورد در حقیقت آتش جهنم را خورده است و اگر ضرورت به خوردن مال یتیم پیدا شود باید در حضور دو نفر شاهد اندازه ضرورت از مال یتیم را بگیرد، و برای پرداخت اش سند بنویسد که بعدا می پردازد. مال یتیم برای خود یتیم باید مصرف شود؛ نه برای دیگران.

شخصی از قبیله بنی غطفان، برادر ثروتمندی داشت که وفات شد، او به عنوان سرپرستی از یتیمان برادر، اموال و جایداد او را تصرف نمود، هنگامی که یتیمان به رشد و بلوغ رسیدند مطالبه مال کردند. کاکایشان از پرداخت مال یتیم ها امتناع ورزید، موضوع را خدمت رسول الله ﷺ پیش کردند، آیه شماره دوم سوره نساء نازل شد که خوردن مال یتیم گناه بزرگ دارد. مرد غاصب غطفانی آیه را شنید فوراً به توبه رجوع کرد و از کار اش پشیمان شد و مال را به یتیمان تسلیم نمود و گفت: اعوذ بالله من الحوب الکبیر: پناه می برم به الله ﷻ از گناه بزرگی که به آن آلوده شوم. آنهایی که از یتیمان پدر مرده به گونه درست سرپرستی می نمایند، از خوردن مال یتیم ها پرهیز و دوری می جویند با پیامبر ﷺ یکجا در بهشت می باشند:

وعن سهل بن سعد رضی الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَنَا وَكَافِلُ  
الْيَتِيمِ فِي الْجَنَّةِ هَكَذَا) وَأَشَارَ بِالسَّبَابَةِ وَالْوُسْطَى، وَفَرَّجَ بَيْنَهُمَا. رواه  
البخاري<sup>۱</sup>. (رواه بخاری)

۱. کتاب التجريد الصريح لأحاديث الجامع الصحيح [الزبيدي، زين الدين] ج ۱ ص ۵۴۱

ترجمه: از سهل بن سعد رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: من و سرپرست یتیم در بهشت چنین هستیم، اشاره به انگشت سبابه و انگشت وسطی نمود با اندکی فاصله بین هر دو انگشت.

همین روایت با تفاوت اندکی از طریق ابو هریره (رضی الله عنه) در مسلم شریف نیز ذکر شده است، در حدیثی آمده است: کسیکه از روی شفقت و مهربانی به خاطر رضای الله ﷺ بر سر یتیمی دست کشد به هر تار موی که زیر دستش قرار میگیرد حسنه و ثواب است و شخصی که به یتیم دختر یا پسر، نیکویی کند من و او در جنت مانند این میباشیم و به دو انگشت اش اشاره نمود (رواه احمد) و امام ترمذی نقل نموده است که رسول الله ﷺ فرمود: کسیکه یتیمی مسلمانی را در آب و غذای خود شریک سازد تا وقتی که الله ﷻ او را مستغنی گرداند الله ﷻ برایش بهشت را واجب میگرداند مگر اینکه عملی را انجام دهد که قابل آمرزش نباشد - ترمذی -

### از گریه یتیم عرش الله ﷻ می لرزد

طوری که در صفحات گذشته ذکر نمودیم مراقبت و نگهداری از یتیم ها سبب همسایگی با رسول الله صلی الله علیه و سلم، در بهشت می شود. هر لقمه ی نان، هر گیلان آب، هر پیاله ی شیر و نوشیدنی، هر جوهر لباس، کفش و هر ذره ی نیکی با یتیمان سبب خشنودی و رضامندی الله ﷻ می شود. ترحم و مهربانی با یتیمان قلب انسان را نرم میکند.

شخصی به نزد ابودرداء (رضی الله عنه) آمد و گفت: مرا نصیحت کن، ابودرداء (رضی الله عنه) فرمود: به یتیمان نزدیک شو و ایشان را ترحم کن، برایش طعام بده، من از رسول الله ﷺ شنیدم که شخصی نزد وی صلی الله علیه و سلم آمد و از سختی و قساوت قلب اش شکایت کرد حضرت فرمود: اگر بخواهی که دل تو نرم باشد یتیمان را به خود نزدیک کن بر سر ایشان دست مرحمت بکش

و برایشان طعام بخوران این باعث نرمی دل می‌شود. برای خشنودی و مسرت یتیمان باید تلاش نمود؛ کاری و عملی را در برابر طفل یتیم انجام ندهیم که سبب آزردگی، رنج و ناراحتی یتیم شود و او را به گریه آورد. برای اطفال مان توصیه نماییم در خانه هنگام خوردن طعام، در کوچه وقت بازی و تفریح، در راه رفتن به مکتب، مدرسه، پارک و غیره یتیمان را آزار ندهند؛ اگر یتیم رنجید و اشک چشم اش ریخت باید فوراً اشکهایش را پاک نموده برای برقراری خوشحالی و آرام نمودن فکر اش تلاش نمایید زیرا که اشک وی در کف رحمان می‌افتد و سبب نارضایتی الله رحمن می‌گردد و عرش الله ﷻ از گریه یتیم به لرزه می‌آید {ان الیتیم اذا بکی اهتز لبعاءه عرش الرحمن} در تفسیر امام فخر رازی آمده است {اذا بکی الیتیم وقعت دموعه فی کف الرحمن} هرگاه یتیم گریه کند، اشک های او در دست الله رحمان میریزد.

الله ﷻ خطاب به ملائکه ها می‌فرماید: ای ملائکه های من، چه کسی این یتیم پدر مرده را به گریه آورده است؟ ملائکه ها می‌گویند: الها، خودت بهتر میدانی. الله ﷻ می‌فرماید: ای ملائکه های من، من شما را گواه میگیرم هر کسی گریه او را خاموش و قلب اش را خشنود کند، من روز قیامت او را خشنود خواهم کرد - مجمع البیان

گفته شده روزی یتیمی به نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم، آمد و عرض کرد: یا رسول الله ﷺ کودک یتیم هستم، خواهر یتیم و مادر بیوه در خانه دارم، از آنچه الله ﷻ برایت اطعام کرده است برای ما بده و ما را اطعام کن، تا الله ﷻ آنچه نزد او است برای تو بدهد که خشنود شوی، رسول الله ﷻ گفت: چه زیبا گفتی ای پسر؛ پس رو به طرف بلال کرده فرمود: برو از آنچه نزد ما است بیاور، بلال رفت و ۲۱ خرما با خود آورد، رسول الله ﷻ فرمود: هفت دانه برای تو، هفت دانه برای خواهرات و هفت دانه برای مادرات معاذ بن جبل (رضی الله عنه) برخاست، دست شفقت بر سر یتیم کشید و گفت: الله ﷻ یتیمی تو را جبران

کند، و ترا جانشین صالحی برای پدر ات سازد. رسول الله ﷺ رو به معاذ کرده فرمود: انگیزه این کارت چه بود؟ معاذ (رضی الله عنه) عرض کرد: محبت و رحمت بود، رسول الله ﷺ فرمود: هرکسی از شما یتیمی را سرپرستی نماید، حق آنرا ادا کند و دست مرحمت به سر یتیم کشد الله ﷻ به عدد موی سر او حسنه برایش می نویسد و به هر تار موی او گناه از وی محو می کند و به هر موی او درجه ای به او می بخشد.

حضرت انس بن مالک (رضی الله عنه) می فرماید: بهترین خانه ها آن است که در آن به یتیم احسان شود و بدترین خانه آن است که در آن به یتیم بدی کرده شود و محبوب ترین بنده گان الله سبحانه و تعالی کسی است که با یتیمان و بیوه ها نیکی و احسان نماید.

سرپرستی و نگهداری یتیمان ثواب زیاد دارد. از یتیمان مانند یتیمان خودتان مراقبت نمایید، طور تربیه و آموزش دهید که افراد شایسته و لایق جامعه باشند، آنها را گاهی سیر و گاهی گرسنه نگذارید، به کارهای شاقه امر نکنید، از تعلیم و تربیه، مکتب و مدرسه محروم نسازید، در بسا جای ها از یتیمان مانند اجیر و مزدور، کار می گیرند و از نعمت سواد محروم می کنند، حقوق شان را پایمال می نمایند، پول و دارایی شان را می خورند، از مزد و کارشان حقی برایشان قایل نمی شوند با مال شان تجارت می کنند؛ اما منافع آن را برایشان نمی دهند به عنوان سرپرست بزرگترین ظلم را مرتکب میشوند و اگر تقاضا و مطالبه یی نماید برخورد خشونت آمیز علیه ایشان می کنند و خدمات اش را به روی یتیم می کشد که من با تو چنین و چنان کردم حالا بزرگ شدی، جوان شدی بالای من انتقاد میکنی و او را زیر بار احسان خود می آورد. آنانیکه از یتیمان سرپرستی درست می کنند در روز قیامت در زیر سایه عرش الله سبحانه و تعالی قرار میگیرند. داود علیه سلام در مناجات اش میگفت: الهی کسیکه بخاطر رضای تو به یتیم و بیوه کمک می کند اجر و پاداش آن چیست؟ فرمود: اجر و پاداش

اش اینست که در زیر سایه عرش خود قرار میدهم که در آن روز هیچ سایه دیگری نیست.

### حکایت نیکویی با یتیم

از بعضی سلف نقل شده است که کسی گفته: در آغاز شخص خوبی نبودم، شراب می نوشیدم و به معاصی عادت داشتم، روزی با طفل یتیمی رو به رو شدم، او را طعام دادم، شکم اش را سیر نموده حمام بردم و برایش لباس پوشانیدم و چنان عزت اش کردم مثل اینکه پدر با پسرش کند بلکه بیشتر از آن، شب خوابیدم در خواب دیدم که قیامت برپا شده است و مرا برای محاسبه خواستند و امر کرده شد که بسوی دوزخ برده شوم زیرا گناه و معصیت زیاد کرده ام؛ پس فرشته‌گان مرا به سوی دوزخ کشیدند و من در دست فرشته‌گان خوار و ذلیل قرار داشتم، که ناگهان همان یتیم فرا رسید و گفت: ای فرشته‌گان الله ﷻ بگذارید من برای وی شفاعت کنم، زیرا او برای من نیکی و احسان کرده است، فرشته‌گان گفتند، ما به این کار مامور نشده ایم، باید این را به جهنم ببریم ناگاه صدای از طرف الله ﷻ شنیده شد که می‌گفت: بگذارید و از وی دور شوید من بخاطر احسان که با این یتیم کرده بود او را بخشیدم و شفاعت این یتیم را در حق وی قبول کردم، از خواب بیدار شدم و به الله سبحانه و تعالی توبه و رجوع کردم و بعد از آن احسان و کوشش بیشتر را برای یتیمان متوجه ساختم - امام ذهبی الکبائر

پس برای رضامندی الله ﷻ و نرم شدن قلب ها با یتیمان سلوک و روش مناسب اختیار نمایید؛ زیرا خانه که یتیم در آن خوشحال است الله ﷻ از آن خانواده خوشحال می‌باشد شخصی که با یتیمان مهربانی و لطف می‌کند یتیم را نان، لباس داده و ضروریات اش را رفع می‌نماید مورد عفو و بخشش الهی قرار می‌گیرد، شاد نمودن یتیم سبب شادی الله ﷻ می‌شود، پاک نمودن اشک های

یتیم وسیله نجات انسان خواهد شد، لبخند یتیم برای کسیکه بر لبان اش خنده آورده خالی از اجر و پاداش نمی باشد.

**بلی خواننده عزیز:** با یتیمان مهربان باشید، اشک یتیمان را پاک نموده جلو گریه شان را بگیرید، بر سر ایشان دست رحمت و شفقت بکشید، ترحم با ایشان را وظیفه خود بدانید به خصوص در ایام عید و خوشحالی ها به حیث یک مسلمان خوب مسولیت های اسلامی و مسلمانی خود را در قبال پرورش یتیمان، تعلیم و تربیه ایشان ادا نمایید و این کار سبب می شود تا فردای قیامت در زیر سایه عرش الله ﷻ قرار بگیرید، روزی که جز سایه عرش الله ﷻ دیگر هیچ سایه وجود ندارد.



## بخشش و ایثار

بخشنده‌گی و ایثار‌گری از صفات مسلمان خوب است، و الله سبحانه و تعالی ایثارگر را دوست دارد و اسلام عزیز مسلمانان را به ایثار و بخشنده‌گی تشویق می‌نماید؛

ایثار به معنای «برگزیدن، دیگران را بر خویش مقدم داشتن و مانند آن است» و در اصطلاح عبارت است از «بخشش به کسی در مورد چیزی که خود فرد به آن نیاز دارد.»<sup>۱</sup> ایثار از پرشکوه‌ترین مظاهر جمال و جلال انسانیت است و تنها انسانهای بزرگ به این قله شامخ صعود می‌کنند. ایثار شامل گذشتن از جان، مال، مقام، شخصیت و مانند آن در را خدا می‌شود اگرچه بیشتر در مقدم داشتن دیگران در امور مالی یا مقدم داشتن خواسته دیگران به کار برده می‌شود. خودخواهی و خودپرستی ضد ایثار و گذشت و فداکاری است که انسان را از کارهای ارزشمند بسیاری مانند جهاد و مبارزه باز می‌دارد. جوان‌مردی و ایثار کار مردان نیک و اشخاص دین‌دار، کریم و خوش اخلاق است که در اوج

۱. دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه دهخدا، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۹ هـ.ش، ج ۸، واژه ایثار.

مردانگی قرار دارند، دیگران را بر خود مقدم دانستن، ترجیح دادن و حق خود را برای دیگران بخشیدن تنها کار آنانی است که عادت کریمانه دارند و تعاون، همدردی، ایثار و فداکاری در اسلام و فرهنگ اصیل مسلمانان از جایگاه بلند و برازنده برخوردار می‌باشد، الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

{وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ...} سوره حشر: آیه-۹

ترجمه: و آن‌ها را بر خود مقدم می‌دارند اگرچه خودشان بسیار نیازمند و فقیر باشند.

آیه مبارکه روحیه‌ی عالی، ایثار و جوانمردی مسلمانان را می‌ستاید به ویژه آنانیکه در صدر اسلام دست به ایثار و بخشش می‌زدند و نان دهن‌شان را برای برادران مهاجر و مسلمان‌شان می‌دادند در حال‌که خودشان نیازمند بودند.

عبدالله ابن عباس (رضی‌الله‌عنه) می‌گوید: پیامبر علیه السلام روز پیروزی بر یهود بنی‌نضیر، به انصار مدینه فرمود: اگر می‌خواهید اموال و خانه‌های‌تان را با مهاجرین تقسیم نمایید و در غنیمت با آنها شریک شوید پس از مال غنیمت چیزی برای شما داده نمی‌شود. انصار مدینه گفتند: یا رسول الله ﷺ هم اموال و خانه‌هایمان را با ایشان تقسیم می‌نماییم و هم چشم‌داشتی به غنایم نداریم، و ما آنها را بر خود مقدم می‌داریم. به این کار مملو از ایثار، فداکاری و بخشنده‌گی انصار آیت مبارکه نازل شد و از این عمل‌شان ستایش نمود.

خانه و اموال شخصی و ملکیت خویش را با دیگران تقسیم کردن کار هرکس نیست، انصار خانه و زندگی‌شان را در خدمت مهاجرین قرار داده بودند و لقمه دهن‌شان را در دهن آنها می‌گذاشتند، آنها را دوست می‌داشتند و از ایشان به خوبی استقبال می‌کردند؛ پس نخواستند که در مال غنیمت با آنها شریک شوند، مصلحت و ضرورت مهاجرین را بر مصلحت خودشان مقدم دانستند.

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

فَقَالَ: إِنِّي مَجْهُودٌ، فَأَرْسَلْ إِلَيَّ بَعْضَ نِسَائِهِ، فَقَالَتْ: وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ نَبِيًّا مَا عِنْدِي إِلَّا مَاءٌ، ثُمَّ أَرْسَلْ إِلَيَّ أُخْرَى فَقَالَتْ مِثْلَ ذَلِكَ، حَتَّى قُلْنَ كُلُّهُنَّ مِثْلَ ذَلِكَ، فَقَالَ: "مَنْ يُضِيفُ هَذَا اللَّيْلَةَ رَحِمَهُ اللَّهُ" فَقَامَ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ، فَقَالَ: أَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ، فَأَنْطَلِقَ بِهِ إِلَيَّ رَحْلِي، فَقَالَ لِامْرَأَتِهِ: هَلْ عِنْدَكَ شَيْءٌ؟ قَالَتْ لَا، إِلَّا قُوتٌ صَبِيَانِي...<sup>۱</sup>

ترجمه: مردی نزد رسول الله ﷺ آمد و گفت: یا رسول الله ﷺ به من فقر و گرسنه‌گی رسیده است، آن حضرت صلی الله علیه و سلم نزد ازواج مطهرات فرستادند تا چیزی برایش بیاورند متاسفانه هیچ چیز یافت نشد، پیامبر ﷺ فرمود: آیا کسی نیست امشب او را مهمان کند؟ مردی از انصار گفت: انا رسول الله ﷺ من حاضر می‌باشم یا رسول الله ﷺ تا شب او را مهمان کنم، مهمان را با خود به خانه برد و به زنتش گفت: مهمان رسول الله ﷺ است هر چه داری خرچش کن، همسرش گفت به الله ﷻ قسم غیر از قوت (غذای) اطفال دیگر هیچ چیز نیست، مرد گفت: خیر کودکان را به خواب کن، برای خوابیدن کودکان تدبیر نمود آنها به خواب رفتند، غذا را نزد مهمان به سر سفره گذاشتند و خودشان نیز نشستند تا مهمان تنها خجالت نشود زیرا غذا تنها برای یک نفر کفایت می‌کرد. چراغ را خاموش کردند و دهن‌شان را تکان می‌دادند بدون اینکه غذا بخورند، مهمان گمان می‌کرد صاحب خانه با وی غذا می‌خورد مهمان به قدر کافی غذا را خورد و خوب سیر شد؛ اما صاحب خانه با زن و فرزندانش گرسنه خوابیدند، هنگام صبح خدمت پیامبر گرامی ﷺ آمدند، پیامبر ﷺ به آنها نگاه کرد و فرمود: آنچه که شب با مهمان تان انجام دادید الله ﷻ از شما خشنود شد و آیت را تلاوت کرد.

اینست مهمانی ایثارگرانه که لقمه دهن زن، طفل و خودت را برای دیگران

بدهی در حال که خودت محتاج هستی و ضرورت داری؛ چه قربانی بزرگی! فقط بخاطر الله ﷻ..

یاران پیامبر ﷺ در ایثار، مردانه‌گی، بخشش و فداکاری از هم پیشی می‌گرفتند و مصلحت دیگران را بر مصلحت خودشان مقدم می‌دانستند؛ داستان هفت تن از زخمی‌های غزوه احد نیز مشهور است که آنها سخت تشنه بودند و آب می‌خواستند، کسی آب به مقدار نوشیدن یک نفر آورد، به سراغ هر یکی از ایشان می‌رفت که آب را برایش بدهد به دیگری حواله می‌داد و او را به خود مقدم می‌شمرد و سرانجام همه‌گی تشنه جان سپردند (رضی الله عنهم).  
اگر چه نزول آیه خاص است؛ ولی حکم اش عام است، شامل ایثارگران مسلمان در هر عصر و زمان شده می‌تواند.

**جوان عزیز و خواننده گرامی!** ایثار و جوان‌مردی را وظیفه خود بدانید از بخل دوری کنید، بخل مرض است که انسان را از خیر و ثواب محروم نموده و کاخ سعادت انسان را ویران می‌سازد.

جابر رضی الله عنه روایت می‌کند که پیامبر ﷺ فرمود:

طعام الواحد یکفئ الاثنین، وطعام الاثنین یکفئ الأربعة، وطعام  
الأربعة یکفئ الثمانية<sup>۱</sup>

ترجمه: از جابر رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند:  
غذای یک نفر برای دو، دو نفر برای چهار و غذای چهار برای هشت نفر کفایت می‌کند.

در این شکی نیست آنچه را پیامبر ﷺ می‌گوید راست و حق است اگر طعام با رعایت آداب و روش که از رسول الله ﷺ نقل شده است خورده شود، بلی طعام یک نفر برای دو و از دو نفر برای چهار و همین‌گونه بالاتر از آن کفایت

۱. أحمد (ج: ۳، ص: ۳۰۱ و ۳۱۵)

کننده است، و اگر ایثار، بخشش، جوان‌مردی و سخا وجود داشته باشد در هنگام صرف غذا، توصیه‌های دینی، طبی و صحنی در نظر گرفته شود مسئله‌ی کفایت کردن غذای یک نفر به چند نفر واضح می‌گردد؛ اما برعکس امروزه مردم در میل نمودن غذا افراط نموده و پرخوری می‌کنند که فریاد معده به گوش کسی نمی‌رسد و باعث امراض مختلف در جسم و بدن می‌گردد که محققین اکثر امراض را ناشی از خوراک‌های مختلف و غیر معیاری می‌دانند، بعضی اشخاص هستند که غذای چند نفر را به تنهایی صرف می‌کنند، در خانه، طعام خانه، دعوت‌ها، عروسی‌ها، ختم و خیرات‌ها اکثر اوقات از کمبودی نان، گوشت، پلو، سبزی و... شکایت می‌کنند و از عدم سیر شدن به اداره و فرد مسئول شکایت می‌نمایند، غذای چند نفر را یک نفر می‌خورد و اگر اندکی کم شود دست به خشونت می‌زنند، آشپز را تهدید می‌کنند، مادران و خواهران را که در خانه آشپزی می‌نمایند در بعضی خانه‌ها مورد لت و کوب قرار می‌دهند، دیگران را تحقیر می‌کنند و در وقت غذا خوردن آداب غذا رعایت نمی‌شود، نظافت و حفظ الصحه در آشپزخانه، طعام خانه، سفره و ظروف غذا خوری در نظر گرفته نمی‌شود، در غذا بیشتر اوقات عیب‌جویی می‌نماید و خورده می‌گیرند، بعضی خانواده‌ها هر قدر که پخته باشند آماده نیستند تا یک مقدار آن را برای همسایه‌ها، فقراء و مساکین صدقه کنند، اگر فقیری، یتیمی، بیوه‌ی به دروازه آمده دق‌الباب کنند و غذا بخواهند معذرت می‌خواهند، این‌گونه اشخاص ندانستند که ایثار چیست؟ اسلام برای ما پیرامون خوردن غذا چه دستور و توصیه‌های دارد؟ مهمان، رفیق سفر، رفیق اتاق، رفیق رستوران و... هنگام که غذا می‌خورد بالایش چه حق دارد؟

اشعری‌ها در مدینه رسم داشتند، وقتی به غذا خوردن می‌رفتند و یا خانواده‌هایشان به کمبودی طعام و غذا مواجه می‌شدند، جمع شده و هر چه می‌داشتند بر بالای یک چادر می‌ریختند بعد از آن با ظرف مساویانه در میان هم تقسیم

می‌کردند که این یک نوع هم‌کاری با کسانی بود که چیزی نداشتند و محتاج بودند؛ رسول الله ﷺ در مورد ایشان فرمود:

(فهم منی و انا منهم - متفق علیه -)

ایشان از من اند و من از آنان.

این هم نمونه دیگری از ایثار و بخشش یاران پیامبر (رضی الله عنهم) که طعام و غذای مورد ضرورت شان را برای دیگران می‌دادند و تقسیم می‌کردند. کسانی که دو جوهره لباس می‌داشتند، یکی آن را به شخصی می‌داد که لباس نداشت کسی که دو عدد سواری می‌داشت یکی آن را به کسی می‌داد که پیاده می‌بود، نمونه های از خیر و ایثار یاران پیامبر ﷺ در احادیث از پیامبر ﷺ بسیار نقل شده است، و تاریخ اسلام فداکاری ها، قربانی ها، جوان مردی های آنان را در راستای خدمت به اسلام و مسلمین درج نموده است آنها از نمونه ایثار و همدردی بودند از هیچ‌گونه قربانی و ایثار نسبت به برادر مسلمان دریغ نمی‌ورزیدند و با حرص و بخل مبارزه می‌کردند.

نسل بیدار امروز، جوانان آگاه و مردم شریف و دین دوست عصر کنونی و بعضی از بازرگانان در جامعه اسلامی شکر الهی به این روش پیامبر ﷺ عمل می‌کنند و ایثار و فداکاری را وظیفه خود می‌دانند، به آیات و احادیث عمل می‌کنند و خیر شان را در هر نقطه دنیا می‌رسانند، الله ﷻ قبول بفرماید.

خوب است به خاطر الله ﷻ قدم برای دیگران بردارید، برهنه را لباس دهید، گرسنه را نان دهید، قسمتی از عواید روزمره، ماهانه و سالانه را برای آخرت سرمایه گذاری کنید! شاید بهترین روزهای زندگی تان همان روز باشد که دست مظلوم، فقیر، بیچاره، گرسنه و مسکین را گرفته باشید و مرهم به زخم تیر خورده گذاشته باشید، ادویه‌ی برای مریضی هدیه کرده باشید، دست شفقت و مهربانی بر سر طفل بی پدر و مادر کشیده و اشک آنان را پاک کرده باشید، پیاده و پیری

را سوار کرده باشید، بار و محموله یک ناتوان را برداشته باشید راه های دشوار زندگی را برای کسی آسان نموده باشید که این همه از نمونه های ایثار و بخشش است، بر محض اینکه اراده رساندن خیر و نفع را برای دیگران می کنید مورد رحمت الله ﷺ قرار می گیرید، به ایثار و بخشش چند برابر افزوده می شود؛ پس دست کم نگیرید! یک قرص نان که میل می کنید با فقیری شریک کنید، یک جوهر لباس که خریدید، لباس کهنه را به کسی هدیه کنید تا مستمند را کمک کرده باشید، اندکی از وقت تان را در خدمت دیگران صرف نمایید؛ اگر هیچ نتوانستید با لطف خوش و زبان شریف سخن بگویید و برایش دعاء موفقیت و سلامتی بکنید، ایثار و فداکاری شمارا به بهشت نزدیک می سازد.

الله ﷻ می فرماید:

{وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا} سوره دهر: آیه ۸-

و غذای خود را با اینکه به آن علاقه دارند و نیاز دارند به مسکین، یتیم و اسیری می دهند.

این طعام دادن توأم با ایثار در هنگام نیاز شدید است، طعام دادن گرسنه گان، محرومان، نیازمندان، مسکین ها، یتیم ها، و اسیرها از بهترین کارهای اسلامی و انسانی شمرده می شود، سیر نمودن شکم گرسنه صدقه شمرده شده و لو که اسیر و یتیم کافر هم بوده باشد.

الله سبحانه و تعالی می فرماید:

{إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا} دهر: آیه ۹

ترجمه: ما شمارا تنها برای الله ﷻ طعام می دهیم نه پاداشی از شما می خواهیم و نه تشکری.

ایثارگران، به تقدیر و تشکر مردم نیاز ندارند، ثنا و ستایش مردم را

نمی‌خواهند، هدف شان رضایت الله ﷻ است انواع فقیرها، مسکین، اسیر و یتیم از هر قوم، قبیله، کشور، نژاد و تبار که باشد طعام دادن و کمک کردن شان بالای سایر مسلمانان لازم است؛ گرچه بعضی از علماء می‌گویند: این آیه در مورد علی (رضی‌الله‌عنه) و فاطمه (رضی‌الله‌عنها) نازل شده است که آنها روزه داشتند، برای افطاری سه قرص نان آماده کردند، قبل از افطار مسکینی به دروازه آمد و فریاد سر داد مسکین هستم! گرسنه هستم و نان می‌خواهم، یک قرص نان را به آن داد چند دقیقه بعد یتیمی دروازه را کوبید یتیم هستم! پدرم در یکی از غزوه‌ها شهید شده است هیچ نان نداریم گرسنه هستیم، قرص نان دومی را به یتیم داد، لحظه‌ی بعد دروازه کوبیده شد و صدا بلند شد که اسیر هستم بسیار گرسنه هستم و نان می‌خواهم! قرص سومی نان را به وی دادند و خودشان گرسنه به روزه ادامه دادند اینست ایثار، لقمه‌ی که ضرورت به خوردن است آن هم در حالت روزه نزدیک افطار برای دیگران ایثار نمایند، خودرا گرسنه داشتن و نان را به دیگران دادن نوعی از ایثار است؛ اما امام قرطبی رحمه الله در تفسیر این آیت می‌فرماید: صحیح آن است که آیت در مورد همه نیکان و ابرار نازل شده است.

**بلی خواننده گرامی!** اگر شما گرسنه باشید و هنگام صرف طعام و غذا باشد مسکینی به دروازه‌ی اتاق تان بیاید آیا آماده هستید تا یک مقدار از غذایی که صرف می‌کنید یا همه‌ی آن را برای مسکین بدهید؟ اگر این کار را کردید پس شما ایثار نموده‌اید و این عمل تان را الله ﷻ می‌ستاید و مورد قبول درگاه خود قرار می‌دهد و این عمل خالصانه را وسیله نجات در آخرت می‌گرداند؛

علامه ابن کثیر رحمه الله نقل می‌کند: عبدالله بن عمر (رضی‌الله‌عنه) مریض می‌شود، دلش انگور می‌خواهد این در حالی است که انگور جدیداً به بازار آمده (هر چیزی که جدید در مارکیت بیاید نرخ‌اش بالا است) صفیه همسرش یک درهم داد تا برای عبدالله یک خوشه انگور بیاورند، انگور به خانه آورده شد، سانلی دروازه را زد و صدا کرد- السائل! السائل! ابن عمر گفت: انگور را



برای سائل بدهید، خوشه‌ی انگور را برای سائل دادند، صفیه یک درهم دیگر داد تا یک خوشه انگور دیگر آوردند، این بار باز سائل دیگر پیدا شد صدا نمود، السائل! السائل! ابن عمر گفت برایش بدهید، مرتبه سوم باز یک درهم دیگر فرستاد تا خوشه انگور بیاورد برای مریض. این است نمونه از ایثار و فداکاری که مریض دل اش به انگور شده باشد و در حال که باید خودش بخورد، اگر ده بار هم سائل می‌آمد و ابن عمر (رضی‌الله‌عنه) انگور می‌داشت برایش می‌داد؛ اگر شما میوه‌ی قیمتی را چون انگور، انار، سیب و غیره برای مریض تان خریده باشید سائل پیدا شود تقاضای میوه کند برایش می‌دهید؟ اگر دادید و ایثار کردید پس شما هم از روش و ایثارگری عبدالله بن عمر (رضی‌الله‌عنه) پیروی کرده اید؛ پس مسلمان خوب ایثارگر و فداکار می‌باشد، تنگ‌دستی، مریض، حالت های خوشی و غم جلوی ایثار و بخشش را نمی‌گیرد همیشه تلاش می‌کند تا خیرش به دیگران برسد اگرچه اندک و ناچیز باشد، الله ﷻ اخلاص و نیت پاک را می‌بیند و مطابق به آن اجر و پاداش می‌دهد.

خواننده‌گان گرامی! ایمان به خداوند و اعتقاد به آن لازمه اش ایثار است، انسان با خلوص نیت و عقیده پاک می‌تواند وارد میدان عمل شود و با ایثار و کمک خود می‌تواند تکیه گاهی برای محرومان باشد و همواره برای رفع نیازمندان جامعه کوشش و جدیت کند. انسان با اخلاص خود و با مال و ثروتی که در اختیار دارد می‌تواند نیازهای جامعه را برطرف سازد و مایه افتخار و آرامش خود و دیگران شود و این بزرگترین خدمت است که با میل خود گره ای از مشکلات جامعه را باز کند و چنین اخلاصی مایه سربلندی انسان واقع می‌شود.



## قناعت و صرفه جویی

مسلمان خوب آنچه که الله سبحانه و تعالی برایش نصیب فرموده از کسب و کار، رزق و روزی، منصب، وظیفه، تنخواه، صحت، جمال، رنگ و هر آنچه که در زنده گی ضرورت است و الله ﷻ برایش مناسب دیده به آن قناعت میکند در حق و قسمت دیگران حریص و آزمند نمیباشد، قناعت راز خوشبختی است در قناعت آرامش خاطر و سکون روح و روان میباشد شخص که به داده های الله ﷻ قناعت میکند و چشمش به مال، ثروت، دارایی، جوانی، زیبایی، قصر، بلند منزل، موتر، مارکیت و باغ کسی نیست بزرگترین نعمت را نصیب شده است باید از الله ﷻ تشکری نماید که نعمت قناعت را برایش فراهم نموده است، الله ﷻ ویژه گی های اصحاب صفة را در آیت ۲۷۳ سوره بقره بیان می دارد، که آنها در حالیکه فقیر و بینوا بودند از کسی طمع نداشتند، سوال نمیکردند، نفس خویش را وقف دین و خدمت به اسلام کرده بودند، گرسنه بودند، اما از کسی نان نمی خواستند، برای جهاد آماده گی میگرفتند و در خدمت پیامبر ﷺ قرار داشتند که تعداد شان را علماء، چهار صد نفر گزارش داده اند و اما آثار فقر و گرسنگی در

سیمای ایشان دیده میشد اینکه سوال نمیکردند و از کسی توقع نداشتند مردم فکر میکردند که ایشان غنی و پول دار هستند و اگر پول نداشته باشند چرا سوال نمی کنند؟ چرا از مردم محل کمک نمی خواهند؟ چرا بنام مجاهد، مسافر، طلبه علم اعانه یا به اصطلاح امروز چنده (جمع آوری پول و درخواست کمک از مردم برای اجرای کارهای خیر و ساخت و ساز مساجد و مدارس که معمولاً در کشورهای مثل افغانستان، ایران، پاکستان و... مروج است) نمی کنند؟

**یحسبهم الجاهل اغنیاء من التعفف** - اینکه به مال و دارایی کسی چشم ندوخته بودند و از کسی توقع کمک نداشتند، انسان های بی اطلاع و نادان فکر میکردند که پول دار و غنی هستند، **تعرفهم بیسماهم**... راز گرسنگی و فقر را به کسی نمیگفتند ولی در چهره هایشان نشانه های از رنج و مشقت وجود داشت که شناخته می شدند رنگ رخساره سر و راز درون را به نمایش میگذارد؛ آنها فقط بخاطر اشتغال جهاد، آموختن فنون و علوم لازم، حفظ قرآنکریم، پاسداری پیامبر ﷺ و اسلام از تلاش برای معاش و تامین هزینه زنده گی، تجارت و کسب و کار باز مانده اند، که مستحق همکاری و تعاون میباشند؛ و ما **تتفقوا من خیر فان الله به علیم** - این جمله آیت برای تشویق انفاق کننده گان در راه الله ﷻ است، خصوصاً انفاق و خرچ کردن برای افرادی که دارای عزت نفس، طبع بلند و خوی کریمانه اند، عادت ندارند که به هر طرف دست دراز کنند و بخاطر دنیا خود را ذلیل بسازند، آنها صاحبان قناعت اند، حرص ندارند، به الله ﷻ توکل می کنند، پس کمک و همکاری مالی با اینگونه اشخاص بزرگترین اجر و پاداش را دارد، الله ﷻ از آنهایی که فقیر محروم، مسکین با حیاء، عالم فقیری که راز فقرش را به کسی آشکار نمیکند و بیچاره که از سوال کردن خجالت میکشد، از کسی سوال نمیکند و جرأت خیرات طلب کردن را ندارد جستجو مینماید و برایش کمک میکند خشنود میگردد و اجر پاداش اش را چند برابر می دهد زیرا وی اصل مستحق را یافته است و در بسا موارد، بخشش های در

پوشش غیر انفاق، در واقع به قصد انفاق نموده است، تا طرف مقابل ناراحت نشود از زکات، صدقه، عشر، فدیة و غیره نام نبرده به عنوان کمک و همکاری انفاق نموده است که مسلماً الله ﷺ از این نیت های پنهانی آگاه است و ایشان را به تناسب نیت و زحمت هایشان بهره مند میسازد.

عبدالله بن عمر روایت میکند که رسول الله ﷺ فرمود:

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ أَسْلَمَ وَرُزِقَ كَفَافًا وَفَتَعَهُ اللَّهُ بِمَا آتَاهُ (مسلم)

ترجمه: به یقین کامیاب شد کسیکه اسلام آورد، و به قدر ضرورت رزق داده شد و الله ﷺ به آن فناعتش داد.

در این حدیث بعد از اسلام، کامیابی و موفقیت را در فناعت معرفی نموده است، یعنی مسلمان که به اندازه کفاف و ضرورت روزی داده شده به آن فناعت میکند، در جستجوی رزق حلال میباشد از همان عواید اندک و ناچیز برای ضرورت های بشری صرفه جویی مینماید، حرص ندارد، به کم و اندکی که الله ﷺ برایش داده است صبر نموده از الله ﷺ تشکری میکند در حقیقت همین شخص کامیاب و موفق است. کسی را که الله سبحانه و تعالی از نعمت فناعت محروم کند اگر اکثر اموال دنیا از وی باشد، شرکت های بزرگ تجاری، پول های گزاف و بی حساب، وادی های فراخ از مواشی، حساب های بزرگ بانکی جهان از وی باشد احساس غنماندی نمیکند و در فکر ازدیاد اموال میباشد.

"آنانیکه غنی ترند محتاج ترند"

پیامبر صلی الله علیه و سلم میفرماید:

طوبی لمن هدی الی الاسلام، وکان عیشه کفافاً و قنع (ترمذی)

ترجمه: غنی آن نیست که مال زیاد داشته باشد بلکه غنی آن است که فناعت

داشته باشد. (نفسش غنی باشد، قلباً غنی باشد حریص و آزمند نباشد)

هستند کسانی که به پول و دارایی قناعت نمی‌کنند، شب و روز در پی جمع آوری مال دنیا اند، بخاطر به دست آوردن مال فرقی میان حلال و حرام را نمی‌کنند، از راه های حرام و نامشروع پول به دست می‌آورند، نمازها را قضا می‌کنند، روزه‌ها را می‌خورند، از رفتن به حج غفلت مینمایند به فقرا و مساکین کمک نمی‌کنند، جاهایکه به همکاری مالی نیاز باشد همکاری و تعاون نمی‌کنند، غرق دنیا و مال و متاع آن میباشند که پیک اجل فرا میرسد و جانش را می‌ستانند، از مال جمع آوری شده آن ورثه استفاده میکند و حساب اش را او میدهد که خیلی‌ها جای تأسف است، چه مقدار قسم و سوگند خورده باشد، چه قدر دروغ گفته باشد، چه اندازه غضب کرده باشد، خیانت، دشنام، بی‌حرمتی، گرفتن مال مردم بدون اجازه و ده‌ها مورد دیگر در معامله به وجود می‌آید که شاید این همه حرص باشد که به دلیل نداشتن قناعت صورت گرفته باشد و حق مردم بالایش مانده باشد اگر صاحب حق بخشش نکند فردای قیامت مسؤل میباشد که باید از نماز و روزه اش پرداخته شود و اگر نماز و روزه نداشت از گناهان آن شخص به این داده می‌شود، آنانیکه ثروت، سرمایه و دارایی ایشان بیشتر است حساب شان سخت تر است، برای آسان شدن حساب در روز قیامت به قناعت و سخاوت نفس مراجعه باید کرد و یک مقدار پول و سرمایه حلال در راه الله ﷻ انفاق گردد.

پیامبر ﷺ می‌فرماید:

خوشا به حال آنانیکه به اسلام هدایت شدند، و زنده گی شان به قدر کفایت است، در روایت عبید الله بن محض انصاری آمده است که پیامبر ﷺ فرمود: هر که صبح‌هنگام با امن و آرامش، صحت و عافیت در حالی برخیزد که قوت یک روز را داشته باشد گویا دنیا با تمام داشته‌هایش به وی داده شده است (ترمذی) بدون شک صحت و عافیت، امنیت و آرامش بزرگترین نعمت است، قوت، یعنی خوراک و طعام یک روزه، برای یک روز غذا و خوردنی دارد پس به آن

قناعت میکند گویا همه دنیا از آن وی است، اگر قناعت نباشد با وجود داشتن طعام و خوراک یک سال، داد و فغان گرسنگی، فقر و نداشتن را راه اندازی میکند گاهی به دفتر کمک های بشری، اداره ضد حوادث، امور مهاجرین، کمک های ملل متحد، صلیب سرخ، هلال احمر و غیره درخواست و پیشنهاد می کنند که از چند روز به این سو گرسنه هستیم هیچ چیز نداریم و یا هم نزد اشخاص و افراد مراجعه می کنند به مساجد می روند بنام های مختلف سوال می کنند، به عنوان های گوناگون مسجد میسازیم، مدرسه داریم، شاگرد داریم، عملیات شده ام، همسرم، فرزندم در شفاخانه بستراست، آواره شده ام، به بازار می روند تجاران و دکانداران را اذیت می کنند و از فقر شکایت می کنند؛ برادر مسلمان، ای کسیکه واقعا فقیر هستی اگر به فقر صبر نمایی و قناعت کنی الله ﷻ از تو خشنود می شود و ۵۰۰ سال قبل از اشخاص غنی و سرمایه دار ترا وارد بهشت می سازد.

پیامبر ﷺ می فرماید:

به دروازه بهشت ایستاد شدم اکثر کسانی که وارد بهشت می شدند مساکین و فقرا بودند و اهل ثروت و مال توقف داده شده بودند (بخاری و مسلم از ابو هریره).

سرمایه داران و اهل دنیا باید از مال و سرمایه هایشان حساب بدهند تا که حساب شان پایان نیابد اجازه داخل شدن به بهشت را ندارند اما فقرا و مساکین از این حساب بی غم اند، رسول الله ﷺ فقر را فخر میدانست و از فقر شکایت نمیکرد.

وعن عائشة (رضی الله عنها)، قالت: مَا شَيْعَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ خُبْزٍ شَعِيرٍ يَوْمَئِذٍ مُتَّابِعِينَ حَتَّى قُبِضَ. مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ (متفق علیه)

ترجمه: آل (خانواده) محمد صلی الله علیه و سلم از نان جو دو روز پی در پی سیر نکردند حتی که وفات شده اند.  
در روایت دیگر میگوید:

"ما به مهتاب نظر میکردیم یکماه، دوماه، حتی سه ماه سپری میشد در دیکدان ما آتش دود نمیکرد، یعنی برای پختن چیزی نبود که آتش میکردیم، عروه بن زبیر راوی حدیث پسر خواهر عائشه (رضی الله عنها) میگوید: برایش گفتم خاله جان، پس چه میخورید، زنده گی تان چگونه بود؟ فرمود: الاسودان، التمر و الماء... دو چیز سیاه، خرما و آب و اما رسول الله ﷺ دو همسایه انصاری داشت که کسی برای آنها منیحه (گوسفند یا شتر برای شیر خوری) کمک کرده بود که شیرش را استفاده کنند و بعد از قطع شیر دوباره به صاحبش برگرداند این در عرب رواج بود؛ از شیر آنها برای رسول الله ﷺ می فرستادند و ما از آن می نوشیدیم" (بخاری و مسلم روایت کرده است).

ابن سعید المقبری میگوید: حضرت ابو هریره از نزد قومی در حال میگذشت که ایشان گوسفند بریان (پخته) کرده بودند و ابو هریره (رضی الله عنه) را دعوت کردند او از خوردن گوشت بریان گوسفند انکار کرد و گفت:

خرج رسول الله ﷺ من الدنيا و لم يشبع من خبز الشعير (بخاری)

ترجمه: پیامبر ﷺ از دنیا در حالی رفت که شکمش از نان جو سیر نشد.

چگونه گوشت بریان بخورم، و ده ها روایت دیگر از این قرار...

خواننده گرامی و برادر مسلمان! پیامبر صلی الله علیه و سلم، فقیرانه زنده گی کرد، نمونه های از طعام و خوراکش را دیدید و خواندید که چگونه بوده، در عصری که ما زنده گی میکنیم عصر تکنالوژی، ترقی، رفاه، رزق و روزی، میوه های متنوع و غذا های مختلف است اگر چه فقرا و مساکین به همه اینها



دسترسی ندارند، اما کدام خانواده ی فقیری است که یک ماه در خانه اش دو آتش بیرون نشود و چیزی برای خوردن پخته نکند؟

کدام فقیر و مسکین است که نان جو بخورد و با آب و نان جو گذاره نماید؟  
 کدام فقیر است که یک جوهر لباس داشته باشد؟ در حالیکه عائشه (رضی الله عنها) یک چادر و یک ازار را به ابو موسی اشعری (رضی الله عنه) نشان داد و گفت: قبض رسول الله ﷺ فی هذین. رسول الله ﷺ در همین دو (چادر و ازار) قبض روح شدند (بخاری و مسلم)

سعد بن ابی وقاص (رضی الله عنه)، جنرال سپاه اسلام اولین شخصی بود که در راه الله ﷻ تیر انداخت، میگوید: با رسول الله ﷺ به جهاد رفتیم برای خوردن چیزی نبود الا ورق العجبله و هذا السمر، جز برگ حبله و سمر (دو درخت جنگل) و فضله یا مواد غایطه یکی از ما مانند فضله گوسفند یا شتر بود (بخاری و مسلم)  
 فقیر و مسکین عصر امروزی، بالاتر از سرمایه دار عصر آن زمان است چند نوع غذا باید بخورد در لباس، خانه، غذا و غیره با اهل ثروت رقابت مینماید و اکثرا به دروغ نزد این و آن رفته سوال میکند، اگر قوت یا خرج یک روز و دو روز را کسی داشته باشد سوال کردن برایش حرام است.

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -: «مَنْ سَأَلَ النَّاسَ أَمْوَالَهُمْ تَكْثُرًا فَإِنَّمَا يَسْأَلُ جَمْرًا، فَلْيَسْتَقِلَّ أَوْ لِيَسْتَكْبِرْ!»  
 ر (رواه مسلم)

ترجمه: از مردم سوال نکنید چیزی، کسیکه بدون ضرورت بخاطر ازدیاد و کثرت مال از مردم سوال میکند در حقیقت آتش جهنم را سوال میکند.  
 و حدیث دیگری:

وعن ثوبان - رضي الله عنه - قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

وسلم: «مَنْ تَكْفَّلَ لِي أَنْ لَا يَسْأَلَ النَّاسَ شَيْئًا، وَاتَّكْفَلَ لَهُ بِالْجَنَّةِ؟»  
فقلت: أنا، فكان لا يسأل أحدًا شيئًا.<sup>۱</sup> رواه أبو داود بإسناد صحيح.

(ابوداود)

ترجمه: کیست که برای من ضمانت کند که از مردم سوال نمی‌کند، من  
برایش بهشت را ضمانت میکنم؟ ثوبان<sup>(رضی‌الله‌عنه)</sup> میگوید: گفتم: من، پس  
ثوبان<sup>(رضی‌الله‌عنه)</sup> هرگز از کسی سوال نمی‌کرد.

عبدالله بن عمر رضی الله عنه، روایت می‌کند که پیامبر ﷺ فرمود:

شخصی سوال کننده روز قیامت با الله ﷻ طوری رو به رو می‌شود (لیس فی  
وجهه مزعه لحم) متفق علیه) در چهره و رویش پارچه گوشتی نیست (پوست  
بالای استخوان، کنایه از بی عزتی و ذلت است)

سوال کردن بدون ضرورت از مردم گناه بزرگ است، کسیکه به قدر ضرورت  
پول و مواد ارتزاقی دارد و از مردم سوال میکند آتش دوزخ را برای خود افزون  
میکند و در بعضی روایات آمده است که شهادت شخص سوالگر کسیکه  
دستش به طرف مردم دراز است قبول نمی‌شود.

مشت نمونه خروار، روایات زیاد وجود دارد که نمیتوان همه آن را خدمت  
شما عزیزان عرض نمود؛ پس به همین چند حدیث اکتفا می‌نماییم.

فقیر، مسکین و هر شخص دیگر اگر قناعت کند هرگز اجازه سوال کردن را  
به خود نمی‌دهد به یک لقمه نان خشک صبر میکند اما سوال نمیکند امروز به  
نامها و عنوان های مختلف از مردم سوال می‌کنند که گویا این شخص با عزت  
و صاحب شرف است سوالگر نیست، حج، عمره، زیارت کعبه، زیارت مسجد  
نبوی، قربانی، ساختن مسجد، مدرسه، خانقاه، دارالایتام، شاگردان مسافر،  
طلبه علم، شما در ثواب خود را شریک بسازید، این کار مسلمانان است، من  
خیرات طلب نیستم، بخودم جمع نمیکنم، هر چه دارم، بخاطر ثواب اینجا آمدم

۱. کتاب ریاض الصالحین ت الفحل [النووی] ج ۱- ص ۱۸۳

و ده ها جمله دیگر، اگر حج بالایت فرض شده یا به عمره و زیارت میروی پس از مردم چه میخواهی، مسجد به مسجد، خانه به خانه می رود و اعلان میکند که من چنین و چنان میکنم تا پول بدست بیارد، آقا خاموشانه برو، بخاطر الله ﷺ برو، از الله ﷺ طلب کن، قربانی ندارم پول قربانی بده، وقت پول نداشتی نه حج فرض است بالایت و نه قربانی واجب است، نکن گنهکار نمیشوی، سالها از مردم پول جمع میکنند نه مسجد ساخته می شود، نه مدرسه، پول جمع آوری شده در روزگار مصرف می شود، بنام مسجد و مدرسه تجارت میکند، شاگردان مسافر و لیلیه نیست اگر است چند نفر محدود و آنها هم ماهانه فیس می پردازند، پس سوال و خیرات طلبی برای چه؟ و یا هم کمک برای مجاهدین، مهاجرین، بی جا شده گان، مریضان و غیره یک فیصد کمک ها برای آنها در اکثر موارد نمی رسد یک نفر یا چند نفر تقسیم می کنند، نه تقوی ونه از الله ﷺ ترسی وجود دارد، نه قناعت و صرفه جویی، سوال کردن بدون ضرورت هم گناه، دروغ گفتن و به دروغ پول جمع نمودن دیگر گناه پس قناعت کجاست؟ انصاف کجاست؟ خوف و ترس الله ﷺ کجاست؟ اینگونه اشخاص فریبکار و دروغگو، خدمات دینی و بشری یک تعداد انسان ها و شخصیت های نیکوکار را زیر سوال می برند و مورد اتهام قرار میدهند در حالیکه خدمات شان قابل تقدیر و ستایش است، به هر سلسله الله ﷺ ایشان را توفیق دهد تا از آدرس دین، مسجد، مدرسه، زیارت، خانقاه، مجاهد، مهاجر، بی جا شده گان استفاده سوء نکنند و نعمت قناعت را نصیب همه گان بگرداند.

پیامبر صلی الله علیه و سلم، می فرماید:

### الاقتصاد في النفقة نصف المعيشة...<sup>۱</sup>

ترجمه: میانه روی و اعتدال در نفقه و خرچ روزگار نصف زنده گی است.

۱. کشف الخفاء ت هندای: ج ۱، ص ۱۷۸

آنچه انسان بدست می آورد حد متوسط را مد نظر بگیرد، به آن قناعت نماید و یک مقدار صرفه جوئی کند به آنچه که دارد صبر نموده از الله ﷻ جل جلاله، کمک بخواهد ان شاء الله که به مشکل مواجه نخواهد شد، از الله سبحانه و تعالی، طلب عفت و استغنا نماید.

پیامبر صلی الله علیه و سلم، می فرماید:

من يتعفف يعفه الله، و من يستغن يغنه الله (متفق علیه)

ترجمه: هرکسی از الله ﷻ عفت خواست عفتش میدهد و هرکسی از الله ﷻ استغنا خواست غنی اش میگرداند.  
و در حدیث دیگر آمده است:

کسیکه فقر و فاقه اش را به مردم شکایت کند حل نمی شود و اگر مشکلتش را با الله ﷻ در جریان بگذارد، دیر یا زود رزقی را الله ﷻ برایش فراهم خواهد ساخت (ترمذی و ابوداود).

پس چه بهتر که همه مشکلات روز افزون را به الله ﷻ پیشنهاد نماییم و امیدمان را از مردم قطع نماییم زیرا الله ﷻ مشکل کشا است و همه موانع را دور میسازد، در باغ قناعت قدم بگذاریم و از میوه صبر استفاده نماییم، دست سوال و نیاز به سوی کسی دراز نکنیم، زیرا پیامبر ﷺ می فرماید:

اليد العليا خیر من الید السفلی (بخاری)

ترجمه: دست بالا بهتر از دست پایین است. (یعنی دست صدقه دهنده بهتر از دست صدقه گیرنده است)

آیا قناعت میکنید؟ و در صورت داشتن مال و توانایی فقرا و مساکین را کمک مینمایید؟ مسلمان خوب قناعت و صرفه جوئی را عادت میکند، حریص نمیشد و از مردم سوال نمی نماید.

## ستمگر نباشید

مسلمان خوب از ظلم و ستم نفرت میکند زیرا ستم و ظلم سبب هلاکت و ذلت انسان میگردد، ظالم و ستمگر هرگز مورد حمایت الله ﷻ قرار نمیگیرد.

{وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْآزِفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاظِمِينَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ} (غافر، آیه ۱۸)

ترجمه: و آنها را از آن روز قریب [الوقوع] بترسان آنگاه که جانها به گلوگاه می رسد در حالی که اندوه خود را فرو می خورند برای ستمگران نه یاری است و نه شفاعتگری که مورد اطاعت باشد.

آنانیکه پیشینه ستمگری و زورگیری دارند هیچ کس شفاعت شان نمیکند و دوستان که در دنیا داشتند در قیامت آواز شان را برای دفاع از رفیق ستمگرشان بلند کرده نمیتوانند، مجازات الله ﷻ نهایت شدید، سخت و دردناک است، هر قوم، ملت، مردم، اشخاص، افراد و اهالی شهر و قریه که دست به ستم بزنند و پا را از مرز قانون الهی و شریعت اسلام فراتر نهند به هدایات و رهنمایی های پیامبران، اصحاب، علما، ائمه دین اعتنا نکنند، اندر زها و موعظه های

مبلغین اسلام و دعوتگران را نادیده بگیرند ﷻ، ایشان را سخت میگیرد و در نتیجه عذاب جهنم می فشارد (ان اخذ الیم شدید- یقین که گرفت الله سخت است)

الله سبحانه و تعالی می فرماید:

{وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَىٰ وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ...}

ترجمه: الله ﷻ برای ظالم فرصت میدهد و این فرصت و مهلت برای ندامت و برگشت به سوی الله است، برای توبه است هرگاه که گرفت نجات نمی یابد.

سوره هود، آیه- ۱۰۲)

بعد آیه مبارکه سوره هود را تلاوت فرمود؛ (آیه مبارکه اشاره بر این است که انسان های ظالم و بیدادگر در شهر و دیار به حدی در ظلم و ستم فرو میروند که ظلم از در و دیوار شهر میبارد انواع مختلف گناهان را مرتکب میشوند، زمین و فضای شهر، محیط، و منطقه به فغان می آید، بیدادگری و مظلومه به حدی زیاد شده که گویا شهر، آبادی، بازار، مارکیت، پارک، خیابان، قریه، خانه همه و همه را فرا گرفته است، هر کس ظالم است و هرکس ستم میکند، کسی بر خود ستم میکند، کسی به همسایه ستم میکند شخصی به رهگذر ظلم مینماید، امراء و روسا به رعیت ظلم می کنند رعیت در میان خودشان هر قوم و قبیله علیه یکدیگر دست به ظلم میزنند و ادامه میدهند)

طوریکه الله جل جلاله در سوره هود و سایر سوره های قرآن کریم از ظلم امت های گذشته خبر میدهد که آنها به شهرها و آبادی هایشان هلاک شدند، این یک قانون و برنامه عمومی الهی است هر قوم و ملتی که دست به ظلم بزنند نتیجه اش هلاکت است و عذاب به سراغشان خواهد آمد، و در واقع هشدار است برای تمام مردم جهان که گمان مبرید و فکر نکنید شما از این قانون مستثنی هستید یا این حکم آمدن عذاب مخصوص اقوام پیشین و امت

های گذشته بوده است، اگر شما هم ظالم شوید، دست به ستم بزنید، توبه نکنید عذاب حتمی است، اگر جلوی ستمگران گرفته نشود اگر امر به معروف و نهی از منکر صورت نگیرد، اگر برای از بین بردن ظلم، استبداد و بیداد برنامه های طرح نشود، هر روز دامن ظلم و استبداد گسترده تر شده و ریشه های فساد، ظلم، تجاوز، غارتگری، چپاول، راهزنی، آدم ربایی، دزدی، قتل و غیره محکم تر می شود و به تمام شهرها و قصبات سرایت میکند و زمان قهر، غضب و گرفت الله سبحانه و تعالی، فرا می رسد که هیچ نیرو و طاقتی جلو عذاب الهی را گرفته نمیتواند، اینکه الله سبحانه و تعالی، برای ظالم و ستمگر فرصت و وقت میدهد به این معنی نیست که عذاب نمی آید تاخیر عذاب بخاطر ندامت و پشیمانی ظالم از ظلم است و برای توبه کردن و رجوع کردن به الله ﷻ است، ظالم و ستمگر باید توبه نموده و مال مظلومه را به صاحبش برگرداند و از آنانیکه در حق شان ظلم نموده است عفو و بخشش بخواهد قبل از مردن در دنیا رضایت صاحب مال، زمین و جایداد را بگیرد، معذرت کند و اگر در آخرت بماند با مشکل بس بزرگی مواجه خواهد شد.

وعن أبي هريرة - رضي الله عنه - عن النبي - صلى الله عليه وسلم -  
 قَالَ: «مَنْ كَانَتْ عِنْدَهُ مَظْلَمَةٌ لِأَخِيهِ، مِنْ عَرْضِهِ أَوْ مِنْ شَيْءٍ، فَلْيَتَحَلَّلْهُ  
 مِنْهُ الْيَوْمَ قَبْلَ أَنْ لَا يَكُونَ دِينَارًا وَلَا دِرْهَمًا؛ إِنْ كَانَ لَهُ عَمَلٌ صَالِحٌ أُخِذَ  
 مِنْهُ بِقَدَرٍ مَظْلَمَتِهِ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ حَسَنَاتٌ أُخِذَ مِنْ سَيِّئَاتِ صَاحِبِهِ  
 فَحُمِلَ عَلَيْهِ» . (بخاری)

ترجمه: کسیکه مال برادرش را به جبر و زور گرفته باشد، به آبرو، عزت و نسب اش تجاوز نموده باشد، پس امروز باید از وی معذرت بخواهد و بخشش بگیرد قبل از آن روز که نه دینار است آنجا و نه درهم، اگر شخص ظالم و

ستمگر عمل صالح (نماز، روزه، حج، زکات و صدقه) داشت بقدر ظلم و ستمی که کرده، گرفته به شخص مظلوم داده می‌شود و اگر عمل صالح نداشت از گناه مظلوم گرفته به شخص ستمگر و ظالم داده می‌شود.  
در روایت ابی بکره نفع بن الحارث آمده است:

فان دمائکم و اموالکم و اعراضکم علیکم حرام...

ترجمه: یقیناً خون های شما، اموال شما، آبرو و عزت شما بر شما حرام است.

حق ندارید که به آبرو و عزت یکدیگر تان تجاوز کنید، مال یکدیگر تان را به یغما ببرید و خون یکدیگر تان را بریزانید، هر شخص که مال، زمین، دکان، پول، موبایل، کامپیوتر، درخت، چوب، موتر بالاخره حق مسلمان را به زور میگیرد آتش جهنم برایش واجب و بهشت برایش حرام میگردد.  
در روایت دیگر پیامبر صلی الله علیه وسلم، میفرماید:

وَعَنْ أَبِي أُمَامَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -  
-: «مَنْ اقْتَطَعَ حَقَّ امْرِئٍ مُسْلِمٍ يَمِينِهِ؛ فَقَدْ أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ النَّارَ،  
وَحَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ. فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: وَإِنْ كَانَ شَيْئًا يَسِيرًا يَا رَسُولَ اللَّهِ  
؟ قَالَ: وَإِنْ كَانَ قَضِيًّا مِنْ أَرَائِكِ» (رواه مسلم)

ترجمه: کسیکه حق مسلمان را به زور بگیرد ﷺ دوزخ را برایش واجب و بهشت را حرام مینماید، مردی پرسید: و اگر چیزی اندکی باشد یا رسول الله ﷺ؟ فرمود: ولو شاخچه درخت اراک (مسواک) هم بوده باشد.

گرفتن یک چوب مسواک یا یک شاخ درخت، میوه درخت، یکدانه خربوزه و یا هندوانه برای شما اندک و ناچیز معلوم می‌شود، اگر این چیزهای معمولی را بدون اجازه یا به زور بگیرید پس همین ظلم و ستم است، خوردن و استعمال



آن حرام می باشد چه رسد به اینکه جیب شخص را خالی کنید، تلفنش را بگیرید، موتر، زیورات و دارایی اش را برابید، امروز تعداد از مردمان به اینگونه اعمال زشت و خلاف اخلاق دست میزنند و از این طریق امرار معاش مینمایند و حتی گاهی بخاطر یک پایه کمپیوتر، یک سیت موبایل و موتر، یک انسان و یک شخص با ارزش جامعه را به قتل میرسانند بخاطر هزار افغانی خوبترین جوان را از بین میبرند، بخاطر چند جنس بی ارزش دنیوی با عزت ترین انسان را بی عزت می کنند، فردای قیامت در حضور الله ﷻ چه جواب میدهند، حتی از مسجد فرش ها و پاپوش های نمازگذاران را دزدی می کنند که اینها همه ظلم است، بیدادگری و ستم است، مسلمان خوب به این کارها دست نمی زند و اگر اشتباهاً مال کسی را گرفته باشد برایش برمیگرداند و از نزدش معافی و معذرت می خواهد و حق کسی را بالایش نمیگذارد قبل از مردن خود را از گناه پاک میکند.

عن عائشة رضي الله عنها، أن رسول الله ﷺ، قال: من ظلم من الأرض  
قيده شبر، طوقه من سبع أرضين<sup>۱</sup> (متفق عليه)

ترجمه: کسیکه به اندازه یک وجب زمین شخص را به ظلم و زور بگیرد هفت طبقه زمین به گردنش طوق خواهد شد.

یعنی وزن و ثقل هفت طبقه زمین به گردنش آویخته خواهد شد، آنانیکه مال و زمین مردم را به ناحق اخذ می کنند اسناد جعل میسازند، شهادت دروغ میدهند، قسم میخورند، رشوه می پردازند تا قطعه زمین مردم را از آن خود نمایند این در حقیقت زمین نیست بلکه آتش جهنم است.

أم سلمه (رضی الله عنها) مادر مومنان روایت میکند که رسول الله ﷺ فرمود:

شما خصومت ها و دعوا های تان را به نزد من می آورید شاید بعضی از

۱. کتاب الإفهام في شرح عمدة الأحكام [این بار] ج-۱ ص-۵۸۰

شما داناتر، چُست و چالاکتر در گفتن و ارائه دلیل نسبت به جانب مقابل بوده باشید و من آنگونه که میشنوم فیصله میکنم، اگر کسی به دروغ دعوی میکند و حق برادرش را برایش فیصله نمایم در حقیقت پارچه و قطعه از آتش جهنم را برایش داده ام (بخاری و مسلم)

دعوی دروغین، گرفتن مال و زمین مردم به ناحق هموار نمودن راه به جهنم است، شخص که دارای ایمان بوده باشد هرگز به چنین کاری دست نمی زند بالای کسی ظلم و ستم روا نمی دارد، حق مردم را نمیخورد، غصب نمیکند به آبرو و عزت احدی تجاوز نمی نماید، از روز ایستاد شدن در حضور الله ﷻ و فردای قیامت میترسد که مورد بازپرس قرار میگیرد.

### وستلحقون ربکم فیسئالکم عن اعمالکم... (الحدیث)

ترجمه: و زود است که با الله ﷻ ملاقات کنید و در مورد اعمال تان از شما پرسد.

پس این روز آمدنی است، ذره ذره اعمال تان توسط فرشته گان ضبط و ثبت گردیده مطابق آن جزا و سزا برای تان تعیین میگردد، آنجا اکثر مردم بیچاره و مفلس خواهند بود و پشیمان خواهند شد که چرا در دنیا خیانت، دزدی، چپاول، آدم آزاری، غصب و گناه کردیم.

برادر و خواهر مسلمان امروز برای توبه نمودن از گناهان وقت داری، امروز برای انجام اعمال نیکو فرصت کافی داری از این وقت استفاده کن و عملت را اصلاح نما.

### مفلس کیست؟

مفلس در لغت به معنی نادار، فقیر، تهی دست و کسیکه مال و دارایی نداشته باشد آمده است؛ پیامبر ﷺ روزی از روزها این سوال را در میان اصحاب (رضی الله عنه) مطرح نمودند که مفلس کیست؟

(التدرون ما المفلس؟) آیا میدانید که مفلس کیست؟

(قالو: المفلس فينا من لا درهم له ولا متاع)

گفتند: مفلس کسیکه نه درهم داشته باشد و نه اسباب وسایل دنیا. پیامبر ﷺ فرمود: مفلس امت من کسی است که روز قیامت با داشتن نماز، روزه و زکات حاضر می‌شود (یعنی تمام اعمال نیک و فرایض الله ﷻ را انجام داده است)، شخص می‌آید به الله ﷻ عرض میکند: این کس در دنیا مرا شتم کرده و دشنام داده بود؛ شخص دومی می‌آید عرض میکند: این کس مرا تهمت نموده بود، سومی می‌آید عرض میکند: این شخص مال مرا خورده بود، چهارمی می‌آید می‌گوید: این شخص خون مرا ریزانده بود، شخص دیگری می‌آید عرض میکند: مرا کتک، مُشت و لگد زده بود، (یکی پی دیگری می‌آیند و عرایض شان را به الله ﷻ تقدیم می‌کنند، شکایت های شان را به الله ﷻ می‌رسانند و می‌دانند که در نظام الهی عدالت است حقِ حقدار گرفته می‌شود، به فریاد مظلوم رسیده گی فوری صورت می‌گیرد، به مجرم، جنایت کار، خائین، ستمگر، قاتل، دزد، زناکار و غیره سزا داده می‌شود، فیصله ی عادلانه صورت می‌گیرد، انتقام گرفته می‌شود، حتی انتقام گوسفند بدون شاخ از گوسفند شاخ دار که به وی ظلم صورت گرفته باشد، گرفته می‌شود.

لَتَكُونَنَّ الْخُفُوقَ إِلَىٰ أَهْلِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّىٰ تَقَادَ الشَّاةُ الْجَلْحَاءُ مِنْ  
الشَّاةِ الْقَرْنَاءِ (مسلم)

الآن تعداد کثیری اطراف این شخص را گرفته اند، دادخواهی می‌کنند، حقوق شان را مطالبه مینمایند در حکومت عدل الهی باید حق به حقدار سپرده شود اما این شخص قلدر، زورگو، قاتل، غاصب هیچ چیزی ندارد که برای

آنانیکه به دادخواهی آمدند بدهد ولی یک چیز دارد، حسنات؛ پیامبر ﷺ به ادامه حدیث پیرامون شخص مفلس می فرماید:

فِيُعْطَى هَذَا مِنْ حَسَنَاتِهِ، وَهَذَا مِنْ حَسَنَاتِهِ، فَإِنْ فَنَيْتَ حَسَنَاتُهُ قَبْلَ أَنْ يُعْطِيَ مَا عَلَيْهِ أَخَذَ مِنْ خَطَايَاهُمْ فَطُرِحَتْ عَلَيْهِ، ثُمَّ طُرِحَ فِي النَّارِ  
(رواه مسلم)

ترجمه: پس می‌دهد آن یکی را از نیکی‌ها و حسنات اش و دیگر را نیز از حسنات ثواب همان نماز، روزه و زکات که داشته می‌دهد، این سلسله تا وقتی ادامه پیدا می‌کند که حسنات و نیکی‌های شخص مفلس خاتمه یابد و اما تعداد مطالبه‌گران و دادخواهان هنوز باقی مانده اند، در این هنگام از گناهان این اشخاص گرفته می‌شود بقدر مظلومه یا ستمی که به آنها شده است به این شخص مفلس داده می‌شود، و این شخص با بار بزرگ از گناهان مردم به جهنم انداخته می‌شود.

### حالا شناختید که مفلس کیست؟

مفلس دنیا با مفلس آخرت تفاوت زیاد دارد، مفلس که صحابه تعریف نموده (من لا درهم له و لا متاع) به واقعیت در دنیا همین طائفه فقرا و مساکین مفلس اند، اما مفلس امت در قیامت، مسلمانیکه با نماز، روزه، حج، زکات، و غیره از اعمال صالحه نزد الله ﷻ حشر می‌شود، شخص نماز خوان، اهل وضو و طهارت، اهل روزه، زکات، صدقات، اما در عین حال ستمگر، ظالم، قلدر، غاصب، خونخوار، دزد، رهنز و مردم آزار که هیچ توجه به آخرت و فیصله الهی نداشته ضمن اینکه نماز خوانده، روزه گرفته، زکات داده به احکام اسلامی عمل نموده از گناه پرهیز نکرده، دشنام داده، لت و کوب کرده، پول، زمین، مال و حق مردم را به زور گرفته، تهمت کرده اشخاص و افراد بی گناه را به زنا و فحشا

متهم نموده، خون مسلمان را به ناحق ریزانده و ده ها جرم و جنایت دیگر را تا زنده بوده انجام داده و قبل از اینکه توبه کند یا از اشخاصی که بالای ایشان ظلم نموده معذرت و عفو بخواهد وفات شده، این است مفلس امت، همه ثواب نیکی ها به مردم داده شده دیگر نیکی به وی باقی نمانده اما حق مردم هنوز باقیست چه باید کند؟

باید در برابر ظلم هایکه انجام داده است گناهان دیگران را یعنی آنانیکه حق شان باقی مانده است ناگزیر قبول نماید و گناهی هر کس را به قدر ظلم و ستمی که به او کرده است باید بپذیرد.

چاره چیست؟ راهی برای خلاص وجود ندارد؟

آرزو میکند ای کاش قتل نمیکردم، ای کاش مال و حق مردم را به زور نمیگرفتم، ای کاش به کسی دشنام نمی دادم ای کاش کسی را لت و کوب نمیکردم، کتک نمی زدم، ای کاش زن و مرد پاکدامن و با عفتی را تهمت نمیکردم، این چه حال بر سر من آمد؛ این است مفلس، این شخص قلدر، زورگو و زورگیر که در دنیا به قول خودش (سر کسی خبر نیست) در آخرت مفلس و ناتوان قرار میگیرد، پشیمان می شود، کسی به کمک اش نمی آید سرمایه اش که همان نماز، روزه و زکات است از نزدش گرفته می شود گناهان دیگران به گردن اش بار می شود بالاخره به جهنم فرستاده می شود، الله ﷻ مفلس تان نکند خیلی ها دشوار است.

**بلی خواننده عزیز!** اگر خواسته باشید که مفلس نشوید پس کسی را آزار ندهید، حق کسی را نخورید، به کسی آسیب نرسانید و قبل از مردن توبه نمایید و از دوستان، اقارب و کسانیکه همراه ایشان معامله دارید عفو بخواهید و ایشان را راضی بسازید.

آیا راضی هستید که مفلس نشوید؟ و ثواب اعمال نیک تان به مردم داده نشود؟ با ثواب و اجر اعمال نیک تان به بهشت بروید؟ حتما راضی هستید؛

پس سعی نمایید اگر حق شخص یا فردی بالایتان باشد الآن بپردازید و از وی مودبانه معذرت بخواهید، و اگر کسی از شما ناراض و خفه باشد همراه اش آشتی کنید و او را راضی نمایید، و با الله ﷻ تعهد بسپارید که هرگز در زنده گی به کسی ستم نمیکنید و با ستمگران یکجا نمی شوید.

صائب تبریزی<sup>۱</sup> شاعر فارسی زبان می گوید:

مایه اصل و نسب در گردش دوران زر است

هر کسی صاحب زر است او از همه بالاتر است

دود اگر بالا نشیند کسر شأن شعله نیست

جای چشم ابرو نگیرد چونکه او بالا تراست

ناکسی گر از کسی بالا نشیند عیب نیست

روی دریا، خس نشیند قعر دریا گوهر است

شصت و شاهد هر دو دعوی بزرگی میکنند

پس چرا انگشت کوچک لایق انگشتر است

آهن و فولاد از يك کوه می آیند برون

آن یکی شمشیر گردد دیگری نعل خر است

کره اسب، از نجابت از پس مادر رود

کره خر، از خریّت پیش پیش مادر است

کاکل از بالا بلندی رتبه ای پیدا نکرد

زلف، از افتادگی قابل به مشک و عنبر است

۱. میرزا محمدعلی صائب تبریزی اصفهانی (زاده ۱۰۰۰ هجری قمری — درگذشته ۱۰۸۰ هجری قمری) بزرگترین غزل سرای سده یازدهم هجری و نامدارترین شاعر زمان صفویه است. او در بار صقوی به عنوان ملک الشعراي رسيد و به او شاه شاعر سبک هندی می گویند.

پادشه مفلس که شد چون مرغ بی بال و پر است  
دائماً خون میخورد تیغی که صاحب جوهر است  
سبزه پامال است در زیر درخت میوه دار  
دختر هر کس نجیب افتاد مفت شوهر است  
صائبا! عیب خودت گو عیب مردم را مگو  
هر که عیب خود بگوید، از همه بالا تر است<sup>۱۲</sup>

---

۱. <https://www.tarafdari.com> / کاربران / مطالب / صائب-تبریزی-دود-اگر-بالا-نشیند  
۲. امیری فیروزکوهی، سیدکریم. مقدمه بر دیوان صائب با حواشی و تصحیح بخط خود آن استاد، انتشارات انجمن آثار ملی، تهران، ۱۳۴۵، ص، ۳۱





## به غیر پدر نسبت دادن

در دین مقدس اسلام هر شخص به نام پدر شناخته می‌شود و هیچ کس حق ندارد که کسی را به غیر پدر اش نسبت دهد، در صورتی که دانسته شخص را به غیر پدر اش نسبت دهد بزرگترین جرم را مرتکب می‌شود، پدر سرپرست و بزرگ یک خانواده به شمار می‌رود، و فرزندان (پسر و دختر) به نام پدر یاد میشوند، پدر در میان اعضای خانواده به ویژه فرزندان از مقام و جایگاهی خاص برخوردار است.

الله ﷻ می‌فرماید:

{أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ} لقمان: آیه-۱۴

ترجمه: شکرگذار من و پدر و مادرت باش.

احترام و شکر گذاری پدر و مادر بعد از احترام و شکر گذاری الله ﷻ بر اولاد واجب است و اولاد به واسطه پدر در جامعه انسانی شناخته می‌شود، اگر کسی شخصی را به نام غیر پدر اش صدا کند در حقیقت به وی توهین نموده و مادر اش را به زنا تهمت بسته است مثلاً فرزند عبدالله است

و خوب میشناسد، قصداً برایش آه بچه عبدالرحیم گفته شود در حالیکه پدر فرزند عبدالله است نه عبدالرحیم این یک نوع توهین به فرزند و مادر اش شد که اسلام چنین اجازه را برای کسی نمیدهد دین اسلام مسلمانان را به عزت، شرف و حسن معاشرت در برابر یکدیگر دستور می دهد؛ مسلمان خوب هیچوقت کسی را بنام غیر پدر اش صدا نمیکند، اگر نام شخص را یاد نداشته باشد به نام پدر اش صدا نماید و اگر نام پدر اش را هم یاد ندارد به نام برادر زاده، خواهرزاده، پسر کاکا، پسر خاله، پسرعمه و غیره صدا کند.

سعد بن ابی وقاص سپه سالار لشکر اسلام در عصر نبوت روایت می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم فرمود:

مَنْ ادَّعَى إِلَى غَيْرِ أَبِيهِ، وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ غَيْرُ أَبِيهِ، فَالْحَنَّةُ عَلَيْهِ حَرَامٌ<sup>۱</sup>

ترجمه: کسیکه به غیر پدر در حال نسبت داده شود که او میداند که آن شخص نسبت داده شده پدر اش نیست، پس بهشت بر وی حرام میباشد.

بعضی ها به قول خود شان خوش کلامی و خوش سخنی میکنند که فرزندان مردم را در حضور یا غیاب شان بنام غیر پدران شان یاد می کنند و صدا می نمایند، که از یک طرف گناه بزرگی را مرتکب شدند و از طرف دیگر خود را به این سخن شان از جنت محروم ساختند.

در روایت یزید بن شریک بن طارق آمده است که:

وَمَنْ ادَّعَى إِلَى غَيْرِ أَبِيهِ أَوْ اتَّمَى إِلَى غَيْرِ مَوْلِيهِ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ، لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْهُ صَرْفًا وَلَا عَدْلًا<sup>۲</sup>

ترجمه: کسیکه به غیر از پدر و مولایش شخصی را نسبت دهد لعنت الله

۱. کتاب المسند الجامع [محمود محمد خلیل] ج-۶ ص-۸۸

۲. السنن الصغیر للبيهقي [البيهقي، أبو بكر] ج-۲ ص-۱۶۷

ﷺ، ملائکه ها و تمام مردم بر آن کس باد توبه و فدیة اش پذیرفته نمی شود، و با هم فرایض و نوافل اش قبول نخواهد شد.

بنام غیر پدر، کسی را صدا کردن و نسبت دادن گناه عظیم و دوری از رحمت پروردگار است چرا که انسان مورد لعنت الله، فرشتگان و همه مردم قرار می گیرند، این را یک سخن معمول فکر نکنیم و دست کم نگیریم که در قهر و غضب الله ﷻ مبتلا می شویم، نسبت دادن کسی به غیر پدر تغییر نسب است و اسلام عزیز برای هیچ کسی این حق را نمی دهد حتی در روایتی به این گونه شخص، کافر گفته می شود.

### لیس من رجل ادعی لغير ابيه و هو يعلمه الا کفر (رواه مسلم)

ترجمه: شخصی که ادعا نماید از غیر پدر اش است در حالی که میداند چنین نیست کافر شده است.

و اما بعضی از انسان های کم نسب در مجالس و ادارات از گرفتن نام پدر و خانواده شرم و ابا می ورزد اگر منسوب به پدر و خانواده فقیر، مسکین، بیسواد و قبیله های ضعیف تر از لحاظ نسب باشد از نام بردن پدر و پدر کلان ابا می ورزد که این نیز گناه است، فرزند پدر بیچاره به مقام و منصب می رسد ریس دفتر تعیین می شود، در یکی از پست های بلند دولتی کار میکند یا هم فرمانده نظامی است؛ اگر پدر سال خورده ی پیر با کمر کُپ شده یا گوش های ناشنوا و چشمهای ضعیف و نابینا به محل کار فرزند اش می رود، آن فرزند در نزد دوستان، رفقاء و مامورین اش می گوید این همسایه و یا نگهبان ما است، از اینکه بگوید پدرم است نفرت میکند، این کار کاملاً نادرست و غیر مشروع است پدر هر قدر نادان، جاهل، بیسواد، بد اخلاق، سوال گر، از لحاظ جسمانی ضعیف و معلول باشد جایگاه پدری خویش را دارد هرگز از گرفتن نام پدر شرم مدار به جان و دل احترام اش کن و به دوستانت با کمال افتخار معرفی نما و

دستت را از کمک اش بر ندار و برایش احسان کن زیرا او از آوردن پیدایش ات تا جوانی ترا کمک نموده و پرورش داده است و ترا دوست می دارد.

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: لَا تَرْغَبُوا عَنْ آبَائِكُمْ  
فَمَنْ رَغِبَ عَنْ أَبِيهِ فَهُوَ كُفْرًا

ترجمه از ابوهریره (رضی الله عنه) روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: از پدران  
تان اعراض نکنید و روی نگردانید، هر شخصی که از پدر اش روی بگرداند  
کفر است.

در این حدیث خیلی ها سخت گفته شده روی گردانیدن از پدر و مخالفت  
با وی الله ﷻ را می رنجاند فرزندان نباید کاری کنند که پدر و مادر آزار ببینند در  
صورتیکه پدر و مادر ناراض باشند الله ﷻ ناراض می گردد.

رِضَا الرَّبِّ فِي رِضَا الْوَالِدِ، وَسُخْطُ الرَّبِّ فِي سُخْطِ الْوَالِدِ<sup>۲</sup>

ترجمه: رضاء الله ﷻ منحصر به رضای پدر و مادر و قهر الله ﷻ منحصر به  
قهر و ناراحتی پدر و مادر است.

۱. کتاب اللؤلؤ والمرجان فیما اتفق علیه الشیخان [محمد فؤاد عبد الباقي] ج-۱ ص-۱۳  
۲. کتاب مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح [الملا علی القاری] ج-۷ ص-۸۹

## شبيه سازى و گناه آن

شبيه سازى و همانند ساختن مردان با زنان و زنان با مردان در لباس، آواز، گفتار، حرکات جواز نداشته و از گناهان کبيره حساب مى‌شود، الله ﷻ احسن الخالقين است، مردها و زنها را زيبا آفريده است هر يکى از اين مخلوقات شيوايى و زيبايى خاص دارند که تمام مخلوقات ديگر در حسن و زيبايى ايشان متحير اند. حسن، جسامت، هيکل، صورت و قامت که براى مردان داده است چى زيبا است و همچنان حسن، چشم، شکل، رنگ، آواز و بدن که براى زنان داده است همه نعمت هاى بزرگ الهى است که براى هر يکى آواز مناسب و مقبول، لباس جداگانه، کفش هاى مناسب و مقبول و ضرورت هاى که لازم است تدارک ديده شده است. لباس مردانه براى مردان زيباست، و لباس زنانه براى زنان. آواز و صدای مردان براى مردها خوش است و آواز زنها براى زنها خوش و دلنشين است حرکت و خم پيچ شدن مردان براى مردها مقبول و خوش آيند است و از زنان براى زنها، الله ﷻ در آفرينش هر يک از زنان و مردان حکمت هاى را گذاشته و هر کدام اش در خلقت و آفرينش زيبا و مقبول است؛

اگر زنی مانند مردی پاها، دندان ها، انگشتان، ریش و غیره داشته باشد خیلی بد معلوم می شود مردم برایش زن نمیگویند و اگر مرد مانند زن باشد همچنان. هر یکی در آفرینش خود اش زیبا است پس به شبیه سازی چی ضرورت است که زن خود را به مرد شباهت دهد و یا مرد به زن شباهت کند. رسول الله ﷺ اینگونه اشخاص را لعنت کرده است و برای شان نفرین فرستاده است.

عن ابن عباس رضي الله عنهما قال: «لعن النبي صلي الله عليه وسلم  
المخنثين من الرجال والمترجلات من النساء»<sup>۱</sup>

ترجمه: از ابن عباس (رضی الله عنه) روایت است که گفت: لعنت کرده است نبی کریم صلی الله علیه و سلم مردهای را که خود را شبیه زنان میسازد و زنان را که خود را شبیه مردان میسازد.

در حدیث اول واژه مخنثین از مردان و مترجلات از زنان آمده است مخنث برای مردی گفته می شود که در خلقت، حرکت، گفتار، آواز، حالات به طور زنان خود را شبیه ساخته در هر چیز خود را به زن همانند می نماید که کنایه از مرد بد کار است، اینگونه مردان را رسول الله صلی الله علیه و سلم، لعنت کرده است و همچنان مترجلات زنان که خود را به شکل مردان در می آورند لعنتی اند، و در روایتی دومی همین هر دو را نیز لعنت کرده است نباید مرد خود را شبیه زن و زن خود را شبیه مرد بگرداند، در روایت ابوهریره (رضی الله عنه) آمده است:

لعن رسول الله ﷺ الرجل يلبس لبسة المرأة، والمرأة تلبس لبسة الرجل<sup>۲</sup>  
ترجمه: از ابی هریره (رضی الله عنه) روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه و سلم، لعنت کرده است مرد را که لباس زن را می پوشد و لعنت نموده است زن را که لباس مرد را می پوشد.

۱. کتاب شعاع من المحراب (سليمان بن حمد العوده) ج- ۸ ص- ۱۸۴  
۲. الجامع الصحيح للسنن والمسنايد (صهيب عبد الجبار) ج- ۱۳ ص- ۳۷۸

امروز شرکت ها و کمپنی های تولیدی ملبوسات برای مردان لباس جداگانه و برای زنان لباس های مقبول، رنگین، گلدار، و غیره را مطابق به حال خود شان عرضه میدارد و هیچ ضرورتی نمی شود که مرد لباس زنی را بپوشد و یا زن لباس مردی را، با وجود این همه سهولت ها اگر مردی پیدا شود که لباس زن را بپوشد یا زن لباس مردانه بپوشد بدون شک خود را به یک دیگر تشبیه داده و در این وقت مستحق لعنت شمرده میشوند. برای بزرگان و روءسای خانواده لازم است تا جلو ایشان را بگیرند زنان نباید در لباس و قیافه ظاهری، از مردان تقلید کنند یا مردان در قیافه و لباس زن تبارز کند هر یک مکلف اند تا لباسی را بپوشند که به آنها اختصاص داده شده است، اگر در لباس، کوتاه نمودن موی سر، چیدن ابرو و... از زنان غربی تقلید می کنند این نیز حرام میباشد زیرا رسول الله صلی الله علیه و سلم، می فرماید:

مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ<sup>۱</sup>

ترجمه: کسی که از هر قوم و گروهی تقلید کرد و خود را به ایشان شباهت داد او هم از آنها است.

منظور از این شبیه ساختن در لباس، صورت، قیافه، ظاهر، اخلاق و غیره است، مثلاً: زنان غربی و غیر مسلم اکثراً برهنه و نیمه برهنه ظاهر می شوند، لباس که همه تن را بپوشاند استفاده نمی کنند، موهای سر را کوتاه نموده رنگ های مختلف را به آن وصل می کنند، تنها سفر به می روند و از شوهران و بزرگان خانواده شان اجازه نمی گیرند، با مردان اجنبی و نامحرم نشست و برخاست دارند که اینها همه در اسلام جواز نداشته و برای زنان مسلمان مناسب نیست تا از فرهنگ غربی و از زنان غیر مسلمان تقلید و الگوگیری نمایند.

در حدیث به روایت ابو هریره (رضی الله عنه) آمده است:

۱. کتاب مشکاة المصابیح [التبریزی، أبو عبد الله] ج-۲ ص-۲۴۶

سیکون فی آخر امتی نساء کاسیات عاریات، علی رؤسهن کأسنمة  
الْبُخْتِ، العنوهنَّ فإِنَّهن الملعونات<sup>۱</sup>

ترجمه: زود است که در آخر امت من زنان نیمه برهنه و تمام برهنه که سرهای شان مانند کوهان شتر است بیایند ایشان را لعنت و نفرین کنید زیرا آنها ملعون اند.

زنان از اهل دوزخ اند، که ایشان نیمه برهنه و تمام برهنه اند (برای اظهار جمال و زیبایی اندام لباس نمی پوشند و یا لباس های نازک و رقیق می پوشند که تمام بدن ایشان معلوم می شود) از امر و اطاعت الله ﷻ سر کشی می کند و این عمل فحش و نارواری در میان مردم ترویج می دهند، در راه با ناز و خرامان و متکبرانه حرکت و رفتار می کنند و این کردار و رفتار را برای دیگران می آموزانند، سر های ایشان مانند کوهان شتر بلند می باشد (موها را جمع نموده پشت سر گره میزنند و با قیتک یا تکه بسته نموده بزرگ نمایی می کنند تا شباهت به کوهان شتر خود را زیبا به نمایش بگذارند) در این اواخر بعضی زنها از کلاه، پتلون و لباس مردانه استفاده نموده قیافه ظاهری خود را مرد گونه می سازند و بعضی زن ها با حجاب و چادر های زنانه دست به خرافه و فساد می زنند که در لعنت الله و پیامبر گرفتار اند کسیکه به لعنت الله و پیامبر گرفتار آید جایگاه اش جهنم می باشد؛ مگر اینکه توبه نماید و از اعمال زشت این شبیه سازی دست بکشد، در قسمت آخر حدیث می گوید: اینها داخل بهشت نمی شوند و نه بوی بهشت به مشام ایشان می رسد، و اگر برسد از مسیر چنین و چنان... یعنی اعمال نا مشروع، تخنث و شبیه سازی، بی حجابی و برهنه گی مانع رسیدن بوی بهشت به مشام میگردد و از مسیر بسیار دور هم بوی بهشت برای ایشان نمی رسد؛ پس بهتر است آنانیکه به این عمل آغشته اند و این را فرهنگ آزادی می نامند

۱. کتاب فتاوی الشبکه الإسلامية [مجموعه من المؤلفین] ج-۹ ص-۳۸۹



و حق خود می پندارد به سنت و رهنمایی های روشن رسول الله ﷺ و اصحاب کرام رجوع نمایند و در مورد عفت، عصمت، عزت، مقام و جایگاه یک مرد و زن مسلمان بدانند که مردان و زنان مسلمان در اسلام از چه جایگاه، منزلت، علو و شرف، بزرگی مقام جلال بر خوردار است.

مسلمان خوب به اوامر الله ﷻ و رسول الله ﷺ عمل می نماید از سنت و روش رسول الله ﷺ پیروی میکند، پیروزی و موفقیت ما در پیروی از احکام الله و پیامبر است آنچه که در تضاد با قانون الهی و ارشادات دین مبین اسلام است باید ترک کرده شود، مسلمان به این معنی که سر و پا خود را تسلیم احکام الهی بگرداند تنها به نام مسلمان بودن درد را دور نمی کند، در میدان عمل نیز باید مسلمان بوده باشیم و مسلمان گونه زندگی نماییم، در اسلام روش کار و زندگی برای مرد و زن تعیین شده است و حق هر یکی را مشخص نموده است، اسلام دین عزت است و پیام عزت با خود آورده است هر کس مطابق اسلام زندگی خود را آماده ساخت صاحب عزت می شود و از زندگی لذت می برد، آبرو و حیثیت اش حفظ می گردد، در دنیا و آخرت سر فراز می باشد ملایکه ها در وقت مرگ و بعد از مرگ استقبال اش می کنند و تا وارد شدن به بهشت ایشان را همراهی می نماید، نباید به خاطر خوشحال ساختن افراد و اشخاص، به خاطر بدست آوردن یک مشت پول اندک و یک زندگی مختصر و کوتاه رضاء الله ﷻ را از دست بدهیم و خود را از نعمت های جاویدان بهشت محروم بسازیم که حتی بوی بهشت به مشام ما نرسد و خشم الله ﷻ بالای ما نازل گردد و ما را از رحمت اش دور سازد.



## استعمال ابریشم و طلا برای مردان

مسلمانان در امور زندگی مکلف و مامور اند تا به احکام شریعت عمل نمایند و از ارشادات پیامبر گرامی صلی الله علیه و سلم پیروی کنند در عمل کردن به سنت و اوامر رسول الله ﷺ خیر بزرگی نهفته است.

رسول الله ﷺ می فرماید:

لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ يَكُونَ هَوَاهُ تَبَعًا لِمَا جِئْتُ بِهِ

ایمان یکی از شما کامل نخواهد شد تا وقتی که خواهشات و آرزوهایش تابع آنچه شود که من آورده ام.

مسلمان نباید به سوی خواهشات نفس و آرزوها برود؛ بلکه آرزوها و خواهشات را تابع شریعت و قوانین اسلام بگرداند آنچه را که به نکردن اش دستور داده است نباید کرد و آنچه را که به کردن اش امر نموده است انجام باید داد. زمانی که آرزوها و خواهشات نفس و احکام قانون شریعت هماهنگ شد و از فرامین و ارشادات الهی و رسول الله ﷺ پیروی نمود پس ایمان کامل

می‌گردد و برای وی مومن کامل گفته می‌شود. از قدم به قدم از شرایط و فرمان‌هایی رسول اکرم ﷺ پیروی می‌کند و دیگران را برای پیروی نمودن از سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم دعوت می‌دهد. یکی از این عوامل پوشیدن لباس ابریشمی برای مردهاست اینک در این چه حکمت است الله جل جلاله و رسول اش بهتر میدانند.

عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «لَا تَلْبَسُوا الْحَرِيرَ، فَإِنَّهُ مَنْ لَبَسَهُ فِي الدُّنْيَا لَمْ يَلْبَسْهُ فِي الْآخِرَةِ»

ترجمه: از عمر بن خطاب (رضی‌الله‌عنه) روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: لباس ابریشمی نپوشید هر مرد که در دنیا لباس ابریشمی پوشید در آخرت نخواهد پوشید.

یعنی مرد با پوشیدن لباس ابریشمی از بهشت محروم می‌شود و در پوشیدن لباس ابریشمی دنیا، نافرمانی رسول الله ﷺ صورت می‌گیرد؛ نافرمانی پیامبر نافرمانی الله ﷻ محسوب می‌شود که این بزرگترین گناه است.

استفاده مرد از ابریشم در موارد ذیل جایز نیست:  
پوشیدن لباس ابریشم.

۱. لباس ابریشمی نازک یا نوع از ابریشم قسی.
  ۲. پارچه که در بافت ابریشم بکار رفته باشد استبرق.
  ۳. پارچه ابریشمی ستبر.
  ۴. و پارچه‌ها برای پوشش زین و هر زیر انداز که از ابریشم ساخته شده باشد که در سوار شدن اسپها، شتر، موتر و موتر سکلت، از آن استفاده شود.
- حضرت براء بن عازب (رضی‌الله‌عنه) می‌گوید رسول الله ﷺ، ما را از هفت چیز منع فرمود:

وَنَهَانَا عَنْ سَبْعٍ: عَنْ آيَةِ الْفِصَّةِ، وَخَاتَمِ الذَّهَبِ، وَالْحَرِيرِ، وَالذَّبِيحِ،  
وَالْقَسِيِّ، وَالْإِسْتَبْرَقِ<sup>۱</sup>

ترجمه: پیامبر (ص) از هفت چیز منع فرمود: از نوشیدن در ظروف نقره‌یی، استعمال انگشتر طلایی، ابریشم، جامه‌ی ابریشمی، استفاده از تار ابریشم در دوخت و پارچه ابریشمی.

و در روایت ابو حذیفه (رضی‌الله‌عنه) آمده است، که رسول الله ﷺ فرمود:

نَهَانَا عَنْ الْحَرِيرِ وَالذَّبِيحِ وَالشُّرْبِ فِي آيَةِ الذَّهَبِ وَالْفِصَّةِ<sup>۲</sup>

ترجمه: منع نموده از پوشیدن لباس ابریشمی و از نوشیدن در ظروف طلا و نقره.

حذیفه (رضی‌الله‌عنه) می‌گوید: استعمال پارچه‌های ابریشمی را برای بعضی امراض چون خارش و سوزش (از بیماریهای جلدی است که پوست بدن سوزش می‌کند، دانه و جوش میزند که این مرض را به عربی جرب می‌گویند ساری است که بر دیگری زود سرایت می‌کند.) جایز دانسته‌اند در غیر آن هیچ‌کسی از مردان نمی‌توانند ابریشم استعمال کنند. استعمال ابریشم و استعمال لباس ابریشمی برای زینت، تحمل، آرایش و زیبایی حرام است. پارچه‌های ابریشم مخلوط که اکثریت بافت آن با ابریشم شده باشد را نیز غیر مشروع و حرام دانسته‌اند و همچنان استعمال طلا برای مردان امت جواز ندارد؛ از قبیل انگشتر، ساعت، زنجیر، دستبند و غیره؛ خوردن و نوشیدن در ظروف طلا و نقره نامشروع و حرام می‌باشد.

پیامبر ﷺ انگشتری از طلا را در دست مردی دید و از دست‌اش کشید و دور انداخت و گفت: یکی از شما قصد اخگر و پارچه از آتش را می‌کند و آن را به

۱. کتاب التجريد الصريح لأحاديث الجامع الصحيح [الزبيدي، زين الدين] ج ۱- ص ۱۸۷

۲. كتاب التوضيح لشرح الجامع الصحيح [ابن الملقن] ج ۲۷- ص ۲۳۱

دست اش می نماید؛ بعد از رفتن رسول الله ﷺ کسی به آن مرد گفت: انگشتر ات را بگیر در کدام راه دیگر استفاده کن یا بفروش برای یکی از زنان خانواده ات تا استفاده کند گفت:

قَالَ: لَا وَاللَّهِ لَا أَخْذُهُ أَبَدًا وَقَدْ طَرَحَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ<sup>۱</sup>

ترجمه: گفت: نه قسم به الله هرگز بر نمیدارم رسول الله ﷺ انداخته است. اما انگشتر نقره استعمال اش برای مردان جواز دارد به شرط که کمتر از یک مثقال باشد؛ پیامبر ﷺ مردی را دید که انگشتری برنجی به دست دارد فرمود: از تو به مشامم بوی بت می رسد انگشتر اش را انداخت دور و روز بعد دید انگشتری از آهن به دست دارد فرمود: این از زیورات اهل دوزخ است و انداخت: گفت یا رسول الله ﷺ از چه چیزی انگشتر بسازم فرمود:

اتَّخِذْهُ مِنْ وَرِقٍ وَلَا تُتِمَّهُ مِثْقَالًا<sup>۲</sup>

ترجمه: از نقره اما کمتر از مثقال...

حضرت علی (رضی الله عنه) روایت می کند که رسول الله ﷺ پارچه ابریشمی را بدست راست اش گرفت و طلا را به دست چپ اش بعد فرمود:

ان هذين حرام على ذكوراتي... (احمد، ابو داوود و نسایی)

ترجمه: به تحقیق این دو حرام است بر ذکورات من.

در روایت دیگر علی رضی الله عنه میفرماید:

نهانی رسول الله ﷺ عن خاتم الذهب وعن البس القسی والمباشر...

(ترمذی ابن ماجه)

۱. کتاب مشكاة المصابيح [التبریزی، أبو عبد الله] ج-۲ ص-۲۵۳

۲. شرح السنة للبغوی [البغوی، أبو محمد] ج-۹ ص-۱۲۱

ترجمه: رسول الله ﷺ منع فرمود: از استعمال انگشتر طلا، پوشیدن ابریشم و میاثر یعنی روپوش بالشت، چوکی، زین و غیره.

در احادیث و روایات دلیل برای جواز استعمال طلا و لباس های ابریشمی برای مردان دیده نمی شود حتی برای پسر بچه های کوچک، اینکه شرکت های تجارتي لباس ها و پارچه های ابریشمی، زنجیر و ساعت های طلایی تولید می کنند و به مارکیت و بازار ها عرضه میدارند به این معنی نیست که برای مردان مسلمان جواز داشته باشد اینکه در مراسم نامزدی و ازدواج حلقه هایی از طلا در انگشت داماد جوان می اندازند یا ساعت و زنجیر از طلا را تحفه و هدیه می دهند هیچ مشروعیت ندارد و این رسم مسیحیان و هندوها است و همچنان استعمال عینک و دکمه های طلایی یا آمیخته شده با آب طلا نیز برای مردان جایز نمی باشد؛ استفاده از قلم طلایی و شمشیری که قبضه یا دستگیر آن از طلا ساخته شده باشد جایز نمی باشد؛ سر توشکی و روسری های ابریشمی که بالای توشک ها انداخته می شود نیز جایز نیست البته این همه جواز نداشتن تنها برای مردان است نه برای زنان؛ زنان می توانند لباس ابریشمی بپوشند، می توانند از طلا و جواهرات استفاده نمایند.

بهتر است مراسم های ازدواج و نامزدی ساده و سنتی گرفته شود از مصرف های گزاف، خریدن طلای زیاد استعمال انگشتر و حلقه طلایی به دست داماد و رسم های که در اسلام اصلاً وجود ندارد صرف نظر شود آنچه که شریعت اسلام در مورد خوردن، نوشیدن و پوشیدن طریقه و روش زندگی درست را برای مسلمانان تدارک دیده که به آن عمل شود زیرا خیر در همین است؛ چون مسلمانی معنی اش همین است که به تمام احکام و فرامین الله ﷻ و پیامبر ﷺ تسلیم بوده گردن نهاده و به آن عمل می کند.

**بلی برادر جوان مسلمان!** پوشیدن لباس ابریشمی و زیورات طلایی برایت در بهشت جاویدان در نظر گرفته شده است، تمام انواع نعمت ها آنجا فراهم

گردیده، جایی که اصلاً مرگ به سراغت نمی آید طلا و جواهرات ات را کسی دزدی نمیکند، لباس های ابریشمی ات کهنه نمی شود، خودت پیر نمیشوی، جسم و تنت را با ابریشم خالص بپوشان با زیورات طلایی آرایش نما، شراب بنوش لذت ببر اما راه رسیدن به بهشت را از اینجا از همین زندگی دنیا انتخاب کن برای رفتن به بهشت و رسیدن به نعمت های گوناگون آن عمل صالح انجام بده آنچه که مسلمان را به بهشت می رساند بعد از ایمان، تقوا، اخلاص و عمل صالح است.

{فَاسْتَيْقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا} البقره: آیه، ۱۴۸

ترجمه: پس در کارهای نیک بر یکدیگر پیشی گیرید هر کجا که باشید.

«اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي وَأَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعَاشِي وَأَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي فِيهَا مَعَادِي وَاجْعَلْ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ وَاجْعَلِ الْمَوْتَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ.»

دین تصرف و تملک در مال غیر و ناحق را بی اساس و حرام حکم می نماید اما آنهایی که با پرداختن یک مقدار پول برای حاکم، قاضی و بازرس مال، زمین، دوکان و خانه های مردم را با آوردن شاهدان دروغین و چرب زبانی ها و پیش نمودن دلایل بدون موجه از آن خود می کنند برای ایشان حلال نیست، فیصله قاضی و حکام حرام را حلال کرده نمی تواند، امروز دلایل، شواهد و اسناد دست داشته را می بینند؛ اما اگر شخص به دروغ ساخته باشد و دعوایش دروغ و باطل باشد فردای قیامت مورد مواخذه الله جل جلاله قرار می گیرد و جایگاه اش آتش جهنم خواهد بود، اینجاست که الله ﷻ اشاره صریح نموده است:



﴿وَتَدُلُّوْا بِهَا اِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوْا فَرِيْقًا مِّنْ اَمْوَالِ النَّاسِ بِالْاِثْمِ وَاَنْتُمْ  
تَعْلَمُوْنَ﴾ البقره: آیه-۱۸۸

ترجمه: به عنوان رشوه قسمتی از آن را به قضات مدهید تا بخشی از اموال مردم را به گناه بخورید در حالی که خودتان [هم خوب] میدانید.

برای خوردن قسمتی از اموال مردم بیگناه بخشی از آن را بر قضات ندهید در حالی که می دانید اگر این بخشی از مال را به نام هدیه، تحفه، سوغات، حق الزحمه، همکاری و رشوت که همه یک چیز و برابر است در حقیقت همه اش رشوت و فساد است فقط تنها نام اش تغییر کرده است برای قاضی داده شده و بقیه مال به فیصله قاضی تملک شود، این برایشان حرام است و خوردن اش جواز ندارد.

**برادر مومن و مسلمان!** به ناحق دعوا مکن و نه به قاضی رشوه بده مسائل مالی را برای سوء استفاده به نزد حکام نبر حق یتیم، بیوه، برادر و خواهر کوچک را به دروغ غصب نکن، اسناد و قباله خانه، زمین و دوکان را بنام خودت مساز، هستند اشخاصی که بعد از وفات پدر برای برادران و خواهران کوچک یا بعد از وفات برادر برای یتیمان وی حق قایل نیستند زمانی که آن ها بزرگ شوند، حق خود را مطالبه نمایند. می گویند، این مال شخصی من است شما را در این حق نیست، من نمی توانم مال شخصی ام را برای شما بدهم.



## چه کسی شما را آب میدهد؟

آب نعمت بزرگ الله ﷻ است و هر چیز را از آب آفریده است. تمام مخلوقات به آب نیازمند است اگر آب نباشد هیچ چیز در دنیا نیست و زندگی بدون آب در دنیا ناممکن است، قدر آب را بدانید، نه در آب اصراف کنید و نه آب را از دیگران باز دارید. در بسا مناطق بر سر آب و چراگاه ها بین قبایل جنگ و خشونت وجود می داشته باشد. اگر درست فکر شود آب ها ملکیت شخصی کسی نیست و همچنان الله ﷻ به قدر کافی آب و چراگاه ها را آفریده است تا ساکنان زمین از آنها استفاده درست کنند؛ زمین را فراخ آفریده تا تمام زنده و مرده را در آغوش خود جای دهد؛ کسی که مردم را از آب و چراگاه های اضافی منع می کند، الله ﷻ در قیامت عذاب اش می نماید.

رسول الله ﷺ می فرماید:

آب اضافه از حاجت را منع نکنید که به واسطه آن نباتات را منع می کنید (بخاری و مسلم)

اگر آب از بالا منع شود و یا مسیری را تغییر دهند، کشت، زراعت، باغ،

گیاهان همه از بین رفته و خشک می گردد که این گناه است؛ رسول الله ﷺ می فرماید:

لا تمنعوا عباد الله فضل الماء ولا كلاً ولا ناراً فإن الله جعلها متاعاً  
للمقوين وقوة للمستضعفين<sup>۱</sup>

ترجمه: هرگز بنده گان الله ﷺ را از آب اضافی، از مراتع، چراگاه ها و از آتش منع نکنید، زیرا الله ﷻ این اشیا را وسیله زندگی مسافران و مایه قوت نیازمندان قرار داده است.

این چیزهای است که همه مردم در آن شریک اند و کسی حق منع کردن آن را ندارد.

امام احمد رحمه الله حدیثی را روایت می کند که رسول الله ﷺ فرمود: کسی که آب و چراگاه زیادی و اضافه از حاجت اش را از مردم منع می کند الله ﷻ او را در روز قیامت از فضل و احسان اش منع می نماید. آب ها و چراگاه ها همه ملکیت الله ﷻ است در مال الله ﷻ همه بندگان اش حق دارند که بهره گیرند. منع کردن آب و علف اضافی از ضرورت گناه دارد؛ در روایتی آمده است:

المسلمون شركاء في ثلاثة: في الكلاً والماء و النار<sup>۲</sup>

ترجمه: مسلمانان در سه چیز شریک اند آب، چراگاه و آتش.

این چیزهای عام المنفعه است هر مسلمان می تواند استفاده کند و فروش آن حرام است. در اسلام فروش آب، چراگاه ها و آتش جواز ندارد آنچه که از حاجت بیشتر است سایر مسلمانان حق بهره برداری و استفاده از آن را دارد، شما دقت بکنید لحظه ای، اگر الله ﷻ آب را در زمین فرو برد آیا کسی است که شما را آب دهد؟

۱. جامع الاحادیث، السیوطی، ج ۱۶ ص- ۳۴۵  
۲. رواه أبو داود و الإمام أحمد. "ص- ۱۲۶ - ۱۲۷"

اگر آب را زمین جذب و فروکش کند آیا کسی پیدا خواهد شد که دوباره جاری سازد؟

جواب روشن است که غیر از الله ﷻ قدرت دومی برای جاری نمودن آب در روی زمین نیست. این الله ﷻ است که آب را در روی زمین جاری ساخته است. چشمه سارها، نهرها، بحرها، چاه‌ها همه در خدمت انسان قرار داده شده‌اند.

{قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ {الملك: آیه

۳۰

ترجمه: بگو: خبر دهید مرا اگر آب‌های (سرزمین تان) در زمین فرورود چه کسی می‌تواند آب‌های جاری و گوارا را در دسترسی شما قرار دهد؟  
الله ﷻ آب‌های مورد استفاده شما را در زیر زمین نگه داشته و ذخیره نموده است. اگر قشر نفوذپذیر زمین آب‌ها را جذب می‌کرد و در عمق خود فرو می‌برد دیگر هیچ قدرتی وجود نداشت که به اثر کندن کاری و حفر نمودن از زمین آب را خارج می‌کرد.  
آب مایع، حیات موجودات زنده است و آب را از بنده‌گان الله ﷻ منع نکنید،  
الله ﷻ می‌فرماید:

{وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ {الانبیاء: آیه ۳۰

ترجمه: و هر موجود زنده را از آب آفریدیم، آیا ایمان نمی‌آورید؟  
آب‌های که در زمین جاری است و شما به راحتی از آن استفاده می‌کنید منبع و اصل آن از برف و باران است که الله ﷻ از آسمان نازل می‌فرماید. توان و قدرت نزول باران را بجز الله ﷻ دیگر کسی ندارد و باز نگهداری و ذخیره نمودن آن در زیر زمین و جاری ساختن اش از چشمه سارها، دره‌ها و محل‌های که آب از آن فوران می‌کند همه کار الله است. چاه‌های که دارای آب

شیرین، یخ و گوارا در کنار جاده ها، باغ ها و خانه های شما وجود دارد، همه لطف و مهربانی الله ﷻ است اگر این آب ها خشک شود و یا در زمین فرو رود چه کسی شما را آب می دهد؟ پس آب های اضافی را از مخلوق و بنده گان الله ﷻ منع نسازید. بدون آب زندگی نمی شود؛ طبق تحقیقات قسمت های عمده بدن انسان و اکثر حیوانات را آب تشکیل می دهد، انسان اگر آب ننوشد نمی تواند به زندگی ادامه دهد. حیات و زندگی همه موجودات بستگی به آب دارد. آنهایی که خانه هایشان در پهلوی چشمه و جوی بار ها است، آنانی که کنار درب حویلی و داخل خانه ها چاه های آب دارند مکلف اند برای عابرین، همسایه ها و کسانی که به آب مراجعه می کنند آب بدهند و هیچ نوع ممانعت نکنند، در آب دادن ثواب و اجر است و از جمله بهترین صدقه شمرده می شود. این که الله ﷻ بالای شما رحم کرده است، شما بالای دیگران رحم کنید. چشمه های آب را بند نکنید، چاه های آب را قفل نکنید، جویبار و نهرهای آب را به روی مردم نبندید، آب را الله ﷻ پیدا کرده است و ملکیت آن از اوست، همه مسلمانان در آن شریک اند.

رسول الله ﷺ می فرماید: سه کسی است که الله ﷻ روز قیامت با ایشان سخن نمی گوید، ایشان را پاک نمی سازد و برای ایشان عذاب دردناک است:

۱. شخصی که در صحرا، آب زیاد از ضرورت داشته باشد و آنرا از مسافرین منع نماید.

۲. کسی که با امامی به خاطر مال دنیا بیعت کند اگر مال بدهد وفاداری می کند و اگر ندهد به بیعت اش وفاء نمی کند.

۳. شخصی که متاعی را بعد از نماز عصر بفروشد و برای جلب توجه مشتری قسم بخورد که چنان و چنین خریداری کرده است در حالی که چنین نباشد (بخاری و مسلم).

امروز اکثر مردم از همین سه گروه اند آنان که چشمه های آب زیادی از

زمین و باغ های شان جاری است برای دیگران نمی دهند و اگر بدهند هم در مقابل پول هنگفت و زیاد که توان خریدن را دیگران ندارد، اشخاصی که با امام، که معنایش خلیفه اسلام است که در عصر موجوده با تأسف وجود ندارد؛ اما با بزرگان دینی و رهبران دینی شان بیعت و یا وعده همکاری میدهند که هدف عمده ایشان گرفتن یک مقدار پول است که بدون پول و مال هرگز وفاداری نکرده و به تعهدات شان عمل نمی کنند و همچنان تجار، دکاندار و سوداگری که بعد از عصر تا نیمه های شب فروشات دارد قسم می خورد، دروغ می گوید و مشتری را فریب میدهد که اینها نیز شامل این حدیث می گردد و در روز قیامت الله ﷻ با ایشان سخن نخواهد گفت، زیرا ایشان در آب اضافی و در عهد و بیعت و در خرید و فروش خیانت کردند و الله ﷻ خاینان و متخلفین را دوست ندارد.

مسلمان خوب آب زیاد از ضرورت اش را برای برادر مسلمان اش می دهد، چراگاه را از برادر مسلمان شان منع نمی کند. ولو از هرگوشه و کنار و از هر قوم و قبیله که باشد و همچنان اگر به آتش نیاز داشته باشد نیازمندی شان را مرفوع می سازند، در آب ها، صحرا ها، کوه ها و دره های بزرگ و اشیای که برای منافع عامه است، دعوی ملکیت نمی کند، در بیعت، تعهدات و تجارت عهد شکنی و خیانت نمی کند؛ مسلمان خوب عمل خود را اصلاح و تغییر داده و برای اصلاح و تغییر دیگران تلاش به خرج می دهند، هرگاه ما اصلاح و تغییر کردیم، جامعه رو به بهبودی می نماید؛ اگر جامعه بهبود یافت، فساد از بین رفته و راحتی و آسایش به وجود آمده و حقوق تمام مردم تامین میگردد و هرکس از آب، چراگاه و آتش می تواند استفاده کند.

اللهم اصلح احوالنا و احوال الامور، اللهم وفقهم لنصرة دينك و

عبادك المؤمنين، اللهم عليك باعداء الدين، اللهم ارفع راية الاسلام،  
اللهم ايقظ المسلمين. آمين!



## آیا دروغ گفتن جواز دارد؟

دروغ یا سخنی که حقیقت نداشته باشد گفتن اش در اسلام جواز ندارد و حرام است. اگر کسی سخن دروغ بگوید به دروغ قول نماید سخت گنهکار می شود و برای دروغگویان لعنت فرستاده شده است.

{فَنَجْعَلُ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ} سوره آل عمران: آیه-۶۱

ترجمه: و لعنت الله ﷻ، را بر دروغگویان قرار دهیم.

دروغ عمل زشت و ناپسند است، دروغ عزت و وقار شخص را کم میکند، شخص را در میان مردم و جامعه بی اعتبار و منفور می سازد، همه اعمال انسان ها توسط فرشته گان ضبط و ثبت می گردد حتی درگفتار و سخنان ایشان.

{مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ} ق: آیه-۱۸

ترجمه: آدمی هیچ سخنی را به لفظ در نمی آورد مگر اینکه مراقبی آماده نزد او آن را ضبط می کند.

گرچه در میان علماء گفتگو است که این دو فرشته (رقیب و عتید) چه سخنان

را می‌نویسند؟ ولی قول اتفاقی براین است که همه سخنان که گفته می‌شود، می‌نویسند.

## دروغ گفتن نشان منافق است

وعن عبد الله بن عمرو بن العاص رضي الله عنهما، أن النبي صلى الله عليه وسلم قال: أربع من كن فيه كان منافقًا خالصًا، ومن كانت فيه خصلة منهن، كانت فيه خصلة من نفاق حتى يدعها: إذا أوتمن خان، وإذا حدث كذب، وإذا عاهد غدر، وإذا خاصم فجر (متفق عليه)

ترجمه: از عبدالله بن عمرو بن العاص رضی الله عنهما روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: چهار خصلت است که در هرکس باشد منافق خالص است ۱- خیانت در امانت ۲- دروغ گفتن ۳- غدیریا عهدشکنی ۴- دشنام دادن است. دروغ انسان دورغگورا به جهنم می‌اندازد.

اشخاص و افراد که دروغ‌گویی را هنر می‌دانند، در دروغ گفتن به حد جسارت می‌کنند که گویا هیچ گناهی ندارد و حتی یک روز خاص را بنام دروغ‌گویی نام گذاری کرده و در آن روز به دروغ می‌پردازند و امروزه طوریکه در میان تعدادی از آن تحلیل می‌شود بنام روز دروغ؛ تاریخ اول اپریل را بنام اپریل فول<sup>۱</sup> (April Fool) روز دروغ‌گویی (یا تقلید از تعداد غربی‌ها و کشور های کفری که آنرا به عنوان یک فرهنگ، تحلیل می‌کنند و در آن روز به دروغ پردازی

۱. شرح ریاض الصالحین، ابن عثیمین: ج ۶، ص ۱۶۳

۲. روز دروغ اول ماه اپریل (April Fool's Day) در اغلب کشورها مناسبتی تاریخی است و به عنوان روز خاص شناخته می‌شود. در روز اول اپریل سال میلادی مردم با گفتن دروغ‌هایی به شوخی این روز را جشن می‌گیرند و با شادی سر می‌کنند. در برخی از کشورها دروغ گفتن و سر کلاه گذاشتن یکدیگر از صبح روز یکم اپریل آغاز می‌شود و تا شب ادامه پیدا می‌کند و فردی که پیش از شب حقیقت را فاش نماید احمق اپریل (April Fool) نامیده می‌شود. لیکن در برخی مناطق دیگر دروغ اول اپریل تنها تا پایان ظهر ادامه دارد و پس از آن به اتمام می‌رسد.

(/https://blog.safarme.com/others/everything-about-april-fools-day)

ودروغگویی می پردازند؛ اینان نیز با مشابهت آنها چنین کاری را انجام می دهند و بدین گناه به شکل یک سرگرمی و شوخی نظر می اندازند. دروغ اصل تمام بدی ها و رذایل است. دروغگو آرامش خاطر و راحت نفس ندارد، دروغ دارای پیامد های ناگوار و تلخ می باشد، از دروغ گفتن نفرت و دشمنی به جود می آید، دروغ مرض است و شخص دروغگو آهسته آهسته در گرداب هلاکت می افتد و از بین می رود؛ دروغگویی رزق و روزی را کم و برکتش را از بین می برد؛ طوری که در حدیثی ذکر است:

وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا - قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا كَذَبَ الْعَبْدُ تَبَاعَدَ عَنْهُ الْمَلَكُ مِيلًا مِنْ تَتْنِ مَا جَاءَ بِهِ» (رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ)

ترجمه: از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: هنگامی که بنده دروغ بگوید فرشتگان به اندازه یک میل دور می روند به دلیلی بدبویی دروغ که فرد مرتکب شده است.

یک میل تقریباً ۱۷۰۰ متر است و به عربی «زراع» میگویند که حدود ۴۰۰۰ زراع می شود، دروغ آنقدر بدبویی دارد، که الی ۴۰۰۰ ذراع یا گز فرشتگان را آزار می دهد و اذیت می کند. دروغگو را الله سبحانه و تعالی هدایت نمی کند.

{إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ} سوره غافر: آیه- ۲۸

ترجمه: چرا که الله ﷻ کسی را که افراط کار و دروغگو باشد هدایت نمی کند.

شخصی دروغگو را الله جل جلاله سخت عذاب می دهد و صورتش را به عقب می گرداند، دهنش را پاره می کند، چشم و بینی اش را از پشت سرش

می‌گرداند و عذابش می‌کند که این روایت در خواب طولانی که رسول الله ﷺ دیده بود ذکر شده و در کتاب صحیح البخاری شریف نیز وجود دارد.

در سود و معامله‌ی که دروغ گفته شود و برکت از آن گرفته می‌شود، شخص که به دروغ گفتن عادت کرده باشد از نگاه مردم افتیده و بی ارزش می‌شود. اگر گاهی سخن راست هم بگوید مردم باور نمی‌کنند و او را دروغگو خطاب می‌کنند؛ در گذشته‌ها قصه‌ها چوپان دروغگو مشهور بود و شاید شنیده و یا خوانده باشید.

« چوپانی به چراگاه می‌رفت و صدا میکرد که گرگ آمد، گرگ آمد، ای مردم گرگ آمد! فریاد می‌زد که لطفاً به دادم برسید که گرگ رمه‌ها را از بین می‌برد. زمانیکه مردم میرفتند متوجه می‌شدند که اصلاً گرگی وجود ندارد و از هیچی هم خبری نیست. برای بار دوم هم قضیه را همینگونه تکرار نمود، زمانی که مردم می‌آمدند متوجه می‌شدند که چوپان دوباره دروغ گفته است. روزی چوپان مصروف چرانیدن رمه‌ها در چراگاه بود که ناگهان گله‌ی از گرگ‌ها آمده و بر رمه حمله کردند و چوپان با داد و فریاد صدا می‌زد که های مردم، به کمک ام بشتابید! گرگ رمه‌ها را از بین برد، کمک ام کنید! هر قدر که چوپان صدا کرد که گرگ آمده، ولی اینبار هیچ کس به صدایش گوش نداد و به کمک اش نرفتند، و گفتند: او همان چوپان دروغگو است که همیشه دروغ می‌گوید. گرگ‌ها در فرجام همه رمه‌ی گوسفندان را از بین برد؛ ولی کسی به کمک اش نیامد.

متأسفانه امروز اکثر مردم دروغگو شدند، وعده خلاف و عهد شکن شدند یک بار و دوبار نه، بارها، بارها مکرراً دروغ می‌گویند و از الله ﷻ نمی‌ترسند، احساس گناه ندارند، وای بر حال دروغ‌گویان که به دروغ گفتن عادت نمودند. به دروغ از مردم پول میگیرند، رای میگیرند، عهد میگیرند و در عوض به پیمان شان وفاداری نمی‌کنند، در پول که از مردم برای تجارت، کار و غیره گرفتند، خیانت می‌کنند و این همه گناه است.

امام ذهبی رحمه الله، دروغ را از جمله گناهان کبیره حساب نموده است. **بلی جوان عزیز و مسلمان!** اگر برای بدست آوردن کار و یا شغل بدون گفتن دروغ، احراز و گرفتن آن پست، امکان داشته باشد در این صورت گفتن دروغ، حرام است و جواز ندارد؛ و اگر در این صورت بدون گفتن دروغ، ممکن نباشد و تنها راه نجات و رسیدن به مقصد دروغ بوده باشد، در این صورت علماء گفتن دروغ را جواز داده اند و آن هم در صورتی که شخص مطمئن باشد که شایسته گی احراز آن مقام را دارد و از طریق آن می تواند برای مردم و یا همان اداره و ارگان مؤثر واقع می شود.

به عنوان نمونه: ظالمی قصد کشتن اش را دارد، یا مال و دارایی اش را به جبر و زور می گیرد و یا برایش آسیب می رساند؛ اگر در این حالت نجات اش را در دروغ گفتن می بیند، باید دروغ بگوید و یا هم توریه (حقیقت را طور دیگر وانمود کردن) نماید.

علماء با استناد از حدیث ذیل دروغ گفتن را در سه حالت جایز دانسته اند:

وَعَنْ أُمِّ كَلْثُومِ بِنْتِ عُقَيْبَةَ بْنِ أَبِي مُعَيْطٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «لَيْسَ الْكُذَّابُ الَّذِي يُصْلِحُ بَيْنَ النَّاسِ فَيَنْمِي خَيْرًا، أَوْ يَقُولُ خَيْرًا» «مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ»

و در روایت از مسلم آمده که ام کلثوم رضی الله عنها گفت: من نشنیده ام از رسول الله ﷺ که دروغ را برای مردم رخصت گفته باشد؛ مگر در سه حالت:

إِلَّا فِي ثَلَاثٍ تَعْنِي: الْحَرْبَ، وَالْإِصْلَاحَ بَيْنَ النَّاسِ، وَحَدِيثَ الرَّجُلِ امْرَأَتَهُ، وَحَدِيثَ الْمَرْأَةِ زَوْجَهَا<sup>۲</sup>. «مسلم»

۱. مسند أحمد مخرجا [أحمد بن حنبل] ج، ۴۵، ص، ۲۴۰

۲. رياض الصالحين ط الرسالة [النووي] ص، ۱۴۰

اول در حالت جنگ، دوم در آوردن صلح میان مردم و سوم مرد به همسرش و همچنین زن به شوهرش دروغ گفته می‌توانند.

«دروغ مصلحت آمیز، به از راست فتنه انگیز (سعدی)»

خوب این سه حالت مستثنی بوده و دروغ گفتن در این حالت ها گناه ندارد و آن هم در صورتی که به راست گفتن، موضوع حل نشود و دروغ به خیر تمام شود و نیت شخصی که دروغ می‌گوید رسانیدن خیر و از بین بردن خشونت بوده باشد مجاز است. دروغ به منظور رفع اختلاف بین دو شخص و دو گروه و دو قبیله و یا دو قوم و مصالحه در میان ایشان، انتقال سخن خیر از یک طرف به طرف دیگر و برای تاثیر کلام سخنان ارزشمند گفته شود ان شاء الله که در آن خیر است و دروغ شمرده نخواهد شد.

### خواب های دروغین و گناه بزرگ آن

آنانی که عادت به دروغگویی دارند و از گناه بزرگ دروغ نمی‌ترسند و برای دروغ پردازی از صبح الی شام در میان مردم تلاش می‌کنند، طوری که در بحث قبلی ذکر شد که شخص دروغ اش شهره آفاق است و توسط ملایکه های که آلهی آهین به دست دارند، دهنش را تا پشت سر پاره نموده و شق می‌نمایند که این عذاب تا روز قیامت ادامه دارد و این گونه اشخاص گاه خواب های دروغین می‌سازند برای مردم قصه می‌کنند که گویا چنین خواب های زیبا و خیر دیده اند و مردم رانسبت به خواب هایشان متحیر می‌سازند و بعضی ها مجرد شنیدن آن، آرزو می‌کنند کاش چنین خواب های را من می‌دیدم در حالیکه این هرگز چنین خواب که روایت میکند، ندیده است. دروغ می‌گوید تا از یک طرف مردم را فریب دهد و از طرف دیگر خود را برای مردم شخص مهم معرفی کند، برای اینگونه اشخاص نیز عذاب دردناک است.

امام بخاری رحمه الله روایت می‌کند که رسول الله ﷺ فرمود: بدترین دروغ

ها بر الله جل جلاله آنست که شخصی بگوید من چنین وچنان خواب دیده ام، درحالیکه هیچ آن خواب را ندیده باشد.

عبدالله بن مسعود رضی الله عنه می گوید: اگر بنده به دروغگویی ادامه دهد و قصد دروغ را داشته باشد، درقلبش یک نقطه سیاه پیدا می شود و هر بار که دروغ میگوید سیاهی آن نقطه افزایش داده می شود، در اثر تکرار دروغ همه ی قلب آن سیاه می گردد و نزد الله ﷻ از جمله دروغگویان محسوب می شود (امام مالک)

یعنی دروغ عامل سیاهی و بیماری قلب است شخص دروغگو قلباً مریض است و مرض قلبی دارد، طوری که خداوند جل جلاله در مورد منافقین می فرماید:

{فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ} سوره البقره- آیه- ۱۰

ترجمه: در قلب هایشان مرض است؛ پس خداوند ﷻ به مرض شان افزود و ایشان را عذاب دردناک است به سبب آنچه که دروغ میگویند.

پس دروغگویان به مرض قلبی دچار اند، معالجه شان در این است که دروغگویی را بس کنند، توبه نمایند و به ذکر الله جل جلاله مشغول شوند؛ زیرا ذکر الله جل جلاله باعث اطمینان و اصلاح قلب میگردد.

{الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ} سوره الرعد: آیه- ۲۶

ترجمه: همان کسانی که ایمان آورده اند دلهایشان به یاد الله آرام می گیرد و آگاه باشند که با یاد الله دلها آرامش می یابد.

مسلمان خوب هرگز دروغ نمی گوید و ارتباط اش با الله ﷻ را قطع نمی کند

و همیشه به یاد الله جل جلاله می باشد، خواب های ساخته و بافته ی دروغین را به مردم تبلیغ نمی کند و از عذاب الله ﷻ می ترسد.  
ابن عباس رضی الله عنه از رسول الله ﷺ روایت میکند، که پیامبر ﷺ فرمود:

«من تحلم بحلم لم يره كلف أن يعقد بين شعيرتين ولن يفعل<sup>۱</sup>» رواه  
الإمام أحمد والبخاري

ترجمه: کسی که به دروغ خوابی را بسازد، درحالی که آن خواب را ندیده است، عذاب کرده می شود یا گره نمودن دو جو و گره نمودن دو شعیر از ناممکنات است.

دو عدد جو و یا شعیر را گره کردن خیلی ها دشوار است؛ اگر شخص دروغگو و کسی که به دروغ خواب می سازد و در میان مردم قصه میکند در آتش جهنم قرار داشته باشد و الله جل جلاله دوعدد جورا برایش بدهد که هرگاه این را گره کردی از عذاب من خلاص خواهی شد، فکر نکنید تا چه زمانی این شخص در داخل جهنم یا دوزخ باقی خواهد ماند؟ گره نمودن دوعدد جو آسان نیست، همین حالا در دنیا، دنیایی که زندگی می کنید دوعدد جورا بگیریید و گره بدهید اگر در اینجا انجام داده توانستید، سپس آنجا نیز میتوانید و اگر نتوانستید سپس بدانید که هرگز نمی توانید، پس درعالم رویا برای ساختن خواب دروغ هیچ گاهی خیال و تصور هم نکنید.

اگر خواب و یا رویایی دورغ را ساختید از زبان تان خارج نکنید و فوراً برای ترک اش تصمیم بگیریید تا خود را گنهکار نسازید و بعد از مرگ بخاطر آن خواب دورغین، در عذاب گرفتار نشوید و برای گره نمودن دوعدد جو مجبور نشوید. ذهن هایتان را هنگام خواب شدن از گفتن دروغ، ساختن خواب های دورغین، خیالات و تصورات باطل و دروغین خالی نمایید. طوری که لباس هایتان

۱. کتاب المداوی لعل الجامع الصغیر و شرحی المناوی [أحمد بن الصدیق الغماري] ج ۶-ص ۲۳۷



را از بدن تان خالی و تجرید مینمایید، تمام افکار باطل و تصورات غلط را به زباله دانی اندازید. باذهن پاک به رخت خواب رفته و مطابق سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم خواب نمایید، مسلمان خوب و جوان مسلمان و دارای مفکورهی اسلامی، هرگز به فکر های باطل و تصورات غلط خواب نمی رود و ارادهی هم برای ساختن و بافتن خواب های غلط نمی داشته باشد؛ چون باور دارد که خواب های دورغین عذاب اش سنگین است و عواقب بدی دارد.

### برای راحت خوابیدن چی باید کرد؟

اسلام عزیز همه روش ها و طریقه های زندگی را برای پیروانش نشاندهی نموده است حتی روش درست خوابیدن را، اگر طریقه درست خوابیدن را رعایت نماییم خیلی ها به راحتی به خواب می رویم، و فکر های ما به طرف خیالات و تصورات باطل نخواهد رفت. خواب های غلط، وحشتناک و ترساننده نخواهیم دید و در خواب چیغ و فریاد نخواهیم زد. به راحتی خواب خواهیم کرد، بهتر است با وضو، طهارت و پاکی به رخت خواب رویم، رخت خواب یا بستر را پاک نموده و سه بار تکان دهیم، به پهلوئی راست باید بخوابیم، و دعای خواب را باید بخوانیم.

اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ أَحْيَا وَأَمُوتُ<sup>۱</sup>

ترجمه: الهی به نام تو مرده و زنده میشوم.

اللهم قنی عذابک یوم تبعث عبادک<sup>۲</sup> (بخاری و مسلم)

ترجمه: الهی از عذاب روزی که بنده گان ات را زنده و حشر می نمایی،

نجات ام ده!

۱. مصنف ابن ابی شیبہ [ابو بکر بن ابی شیبہ] ج-۵ ص-۳۲۲

۲. کتاب لقاء الباب المفتوح [ابن عثیمین] ج-۸۹ ص-۱۳

الها به نام تو پهلویم را گذاشتم و بنام تو برمی خیزم، اگر مرا در خواب قبض روح نمودی پس بر من رحم بفرما، واگر زنده برخیزاندی؛ پس حفاظتم بفرما طوری که بنده گان صالح ات را حفاظت می فرمایی (بخاری مسلم)

۳۳ بار سبحان الله و ۳۳ بار الحمد لله و ۳۳ بار الله اکبر را تکرار نماید.

رسول الله ﷺ این تسبیحات را برای دخترگرمی اش فاطمه رضی الله عنها، زمانی تعلیم داد که او برای گرفتن خادمی برای خدمت، نزد رسول الله ﷺ رفته بود؛ اما رسول الله ﷺ فرمود:

### هو خیر من خادم...

خواندن این کلمه برایتان بهتر از خادم است.

دست راست را زیر رخسار راست گذاشته به خواب روید و همچنان خواندن آیت الکرسی، سوره اخلاص و معوذتین را فراموش نکنید.

امام ترمذی همچنان خواندن سوره الکافرون را روایت نموده است. علاوه از این، دعاها و اذکار زیادی در کتب حدیث روایت شده است «اگر خواب خوب را دید الحمد لله گوید خوابش رابه کسی قصه نکند مگر عالم یا دوست خوب و اگر خواب با ترس و وحشت باشد سه بار آب دهنش را به طرف چپ تف کند و پهلویش را عوض نماید إن شاء الله ضررنخواهد داشت، و هنگام بیدار شدن صبح این دعا را نیز ضمیمه نماید:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانَا بَعْدَ مَا أَمَاتَنَا وَإِلَيْهِ النُّشُورُ

ترجمه: حمد و ثنا الله را باد، آن ذات که ما را زنده کرده بعد از مرگ ما و به سوی اوست بازگشت ما!

### جوان عزیز و برادر مسلمان!

خواب در این حدیث به مرگ تشبیه شده بخاطر که در خواب عقل و حرکات

جسمانی که درحالت آسایش وراحتی درانسان به وجودمی آید، نیست، در اصطلاح عرب واژه "مرگ" و "موت" به سکون و آرامش نیز اطلاق می‌شود، ودرمیان مردم ما هم مشهور است که می‌گویند: (خواب برادر مرگ است).

به هر صورت این روش، آداب وطرئقه اسلامی درخواب رعایت شود، ان شاء لله خواب راحت نصیب خواهد شد. و اگر با دیدن سریال ها، فلم ها، سخنان بیهوده، قصه های دروغین، غیبت، آواز خواندن، موسیقی، برنامه های دور از اخلاق شبکه‌ای و نشستن پای آن تا نیمه شب و بعد برای یک الی دو ساعت خوابیدن مشکل ساز است، متأسفانه در عصر ما اکثر جوانان با گرفتن بسته های انترنیتی شبانه از خواب شان محروم هستند و بعضی ها خیلی اندک میخوابند که این سبب مریضی های چون سردردی، ضعف بدن، ضعف دید و قوه نور چشم، ضعف اعصاب وغیره می‌شود.

خواب نعمت الهی است اگر خواب نشویم انواع مریضی به سراغ ما می‌آید، جسم و بدن انسان به خواب نیاز دارد.

رسول الله ﷺ، می‌فرماید: جسم انسان بر بالای انسان حق دارد، حق جسم رانادیده نگیرید، همه شب را به خرافات و فلم، سریال و مجالس لهو و لعب سپری نکنید.

الله بزرگ جل جلاله از وقت می‌پرسد؛ وقت سرمایه است و باید برای هر چیز جدول زمانی منظم و تقسیم اوقات داشته باشیم، برای عبادت، برای درس، برای مطالعه، برای ورزش، برای کار، برای خواب وغیره، خوردن غذایی حلال، میوه جات، مطالعه کتاب های خوب، نشستن با اشخاص و افراد عالم، دانشمندان خوب، پرهیز کردن از مجالس خلاف شریعت، اشتراک در برنامه های مبتذل و خرافاتی در خواب راحت، تأثیرات از خود می‌داشته باشد.

اگر خواب بد و خراب دیدیم که خواب مانرا از چشم هایمان دور ساخت، یا تشویش داشتیم که خواب برای ما نمی‌آمد فوراً از رخت خواب خود برخاسته

وضو بگیریم، دو رکعت نماز خوانده و از خدواند جل جلاله طلب خیر نمایم، به ذکر الله ﷻ مشغول شویم، چند دقیقه بعد دوباره به خواب رویم البته مطابق به همان ترتیب که در صفحه های گذشته گفته شد ان شاء الله خواب راحت برای مان خواهد آمد.

از ابو هریره (رضی الله عنه) روایت شده است که خالد بن ولید (رضی الله عنه) نزد رسول الله ﷺ آمد و از وی از بی خوابی شکایت کرده گفت:

ای رسول الله ﷺ امشب هیچ خواب نکردم، خوابم نمی آمد.  
پیامبر: فرمود هرگاه خواستی به راحتی خوابت بیاید این را بخوان:

اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَمَا أَظَلَّتْ، وَرَبَّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا أَقَلَّتْ، وَرَبَّ الرِّيَّاحِ وَمَا أَدْرَتْ، وَرَبَّ الشَّيَاطِينِ وَمَا أَصَلَّتْ، إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَهَا وَخَيْرَ مَا فِيهَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا<sup>۱</sup>  
(رَوَاهُ الطَّبْرَانِيُّ فِي الْأَوْسَطِ، وَإِسْنَادُهُ حَسَنٌ)

ای بار الها! ای رب آسمان های هفت گانه و آنچه که آسمان سایه می افکند؛ و ای رب زمین ها و آنچه در زمین است؛ و ای رب شیطان آنچه که گمراه میکند مرا از شر تمام مخلوقات ات نگهدار، این که برای من آسیب و یا ضرر برساند صاحب عزت است. کسیکه پناهنش دهد، بزرگ است ثنای تو، نیست الهی خیره از تو و نیست الهی؛ مگر تو.

بعضی اوقات حالت های پیش میاید که خواب را از چشم می رباید، شب بالای انسان بسیار دشوار و سخت تمام می شود و به هر پهلوی که بگردی، خواب نمی آید. هنگام صبح بعد از طلوع فجر خواب غلبه میکند که از نماز فجر (صبح) محروم می شویم و نماز قضاء می گردد؛ به همین دلیل خالد ابن ولید رضی الله عنه به نزد رسول الله ﷺ شکایت می نماید و رسول الله ﷺ، برای

رفع این مشکل دعای فوق را برایش می‌آموزاند تا خواب راحت نصیب اش گردد.

وَعَنْ أَبِي الْأَزْهَرِ الْأَيْمَارِيِّ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ إِذَا أَخَذَ مَضْجَعَهُ مِنْ اللَّيْلِ قَالَ: «بِسْمِ اللَّهِ وَضَعْتُ جَنْبِي لِلَّهِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَاخْسَأْ شَيْطَانِي وَفُكَّ رِهَانِي وَاجْعَلْنِي فِي النَّدِيِّ الْأَعْلَى» (رواه أبو داود)

ترجمه: ابن‌الازهر الایماری روایت می‌کند که رسول الله ﷺ هنگام که به بستر خواب شان تشریف می‌بردند، این دعا را می‌خواندند، بنام الله پهلویم گذاشتیم، برای الله سبحانه و تعالی، بار الها گناهانم را بیامرز و شیطانم را دور کن، و نفسم را رها کن و مرا از اهل مجلس اعلی بگردان.

پیامبر صلی الله علیه و سلم، قبل از خواب شدن دعا ها و اذکار فراوان می‌خواندند و بعد از نصف شب دوباره به نماز و عبادت مصروف می‌شدند. امروز اگر امت اسلامی به طریقه رسول الله ﷺ عمل کنند با مشکلی مواجه نمی‌شوند، نه در خواب و نه در بیداری، پیامبر اسلام معصوم بود والله جل جلاله حفاظتش می‌کرد، شیطان و نفس، او را اغوا کرده نمی‌توانست؛ این همه دعا ها و موعظه در حقیقت برای امت است که پیامبر ﷺ برای ما آموزش میدهد که احاد امت بیاموزند و از شر و ضرر هرآنچیز که در زمین است محفوظ بمانند، او پیامبر محبوب و مهربان بود و حتی طریقه و روش خواب راحت و آرام را برای ما آموزش داده است.

وَعَنْ شَدَّادِ بْنِ أَوْسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَأْخُذُ مَضْجَعَهُ بِقِرَاءَةِ سُورَةِ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ إِلَّا وَكَّلَ اللَّهُ بِهِ مَلَكًا فَلَا يَقْرُبُهُ شَيْءٌ يُؤْذِيهِ حَتَّى يَهْبَّتَ مَتَى هَبَّ ۲. (رواه الترمذي)

۱. کتاب مشکاة المصابیح [التبریزی، أبو عبد الله] ج-۲ ص-۷۴۴

۲. کتاب مرعاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح [عبید الله الرحمانی المبارکفوری] ج-۸ ص-۱۴۵

ترجمه: هیچ مسلمان نیست که هنگام خوابیدن در بستر خواب، سوره‌ی ازکتاب یعنی قرآن کریم را بخواند الله جل جلاله ملایکه‌ی را برای حفاظت اش تعیین میکند، تا او را هیچ چیز مودی و مضر اذیت نکند و راحت بخوابد تا وقتی که بیدار می‌شود.

خوشا به حال آنانی که قرآن کریم را حفظ و یا قسمتی از آن را حفظ کردند، اقلاً سوره‌های کوتاهی از قرآن کریم را حفظ نمودند در نمازهای پنج وقت و غیر آن هنگام خواب تلاوت می‌کنند و از برکت آن، خواب راحت نصیب شان می‌گردد، و حتی فرشته‌ی را الله ﷻ برای حفاظتش تعیین میکند تا او را هیچ چیز و یا شی ضرر رسان و مضر اذیت نرساند، و راحت بخوابد تا وقتی که بیدار می‌شود. مانند یک شخص صاحب مقام و منصب که برای حفاظت اش محافظ و عساکر داشته باشد او را ماهانه معاش و پول می‌دهد تا از وی مراقبت و پاسپانی نماید، از الله باید سپاسگذار بود که از بنده‌گانش چیزی نمی‌خواهد و هر چیز را در خدمت ایشان گذاشته است، از پیامبر ﷺ، باید تشکری و قدردانی نمود که او راه‌های نجات، خیر، خوشحالی و مسرت را برای امت‌های خود نشاندهی نمود، و در هر بخش زندگی ارشادات و رهنمایی‌ها دارد؛ اینکه ما عمل نمی‌کنیم کوتاهی از ما است و برای حفظ و یاد کردن یک سوره از قرآن کریم و یک دعای ماثوره وقت نداریم که در زمان خواب بخوانیم؛ اما ساعت‌ها برای کارهای بی ارزش و بیهوده وقت داریم، ذهن ما ملال نمی‌شود، دلتنگ و آزرده نمی‌شود، وقت خواب همه کلمات و دعاها فراموش می‌گردد، چشم‌ها بر فلم، تلویزیون، صفحات اجتماعی، فیسبوک، و... دوخته می‌شود و بر همان شکل به خواب می‌رویم؛ نماز عشاء که باید خوانده میشد همه می‌ماند، امروز اکثر جوانان به این مرض گرفتارند، الله ﷻ توفیق شان دهد، بلی! مسلمان خوب در مسیر خوب گام بر می‌دارد و در سایه اسلام زندگی می‌کند و از ارشادات الله ﷻ و پیامبر ﷺ پیروی می‌نماید، حتی در وقت خواب فکر می‌کند که خواب

پیامبر ﷺ چگونه بود؟ هنگام خوابیدن کدام دعا را میخواندند؟ به کدام طریقه می خوابیدند؟ چند ساعت به خواب می رفتند؟ هنگام بیدار شدن از خواب چه انجام می دادند؟ اگر به یک سنت پیامبر ﷺ عمل کردیم اجر صد شهید را الله ﷻ نصیب ما می نماید. کامیابی و موفقیت در عمل کردن به سنت و روش پیامبر ﷺ، در زندگی است.

آیا آماده هستید که خواب راحت داشته باشید؟ پس طریقه‌ی که پیامبر ﷺ نشان داده است را فراموش نکنید و دعا‌های ماثوره و معوذات را حتما بخوانید. برای خواب راحت قصر دلگشاه، آپارتمان زرنگار و تخت خواب آراسته مهم نیست؛ بسا اوقات چوپان در صحرا، دهقان در مزرعه، باغبان در باغ، راننده در داخل ماشین خواب راحت دارند.





## سوگند و قسم

مسلمان خوب بدون ضرورت سوگند یا قسم نمی خورد زیرا سوگند خوری بدون ضرورت وقار و عظمت انسان را کم میکند، کاری نکنید که به قسم خوردن ضرورت شود، اگر ضرورتی برای قسم خوردن احساس می شد باید بنام الله ﷻ سوگند یاد کند، قسم و سوگند اش را حفظ نماید و هرگز بنام غیر الله قسم یاد نکند زیرا در روایات آمده است که قسم خوردن به غیر نام الله ﷻ شرک است، اگر این روایت برای تغلیظ و توبیخ هم باشد بازهم گناه بزرگ شمرده می شود، بسا بزرگان دینی بودند که در همه عمر یک بار قسم نخوردند. سوگند و قسم خوری کاری خوب نیست گرچه در قسم های لغو و بیهوده الله ﷻ بنده گان اش را مواخذه نمیکند؛ اما عادت نمودن به قسم و سوگند مناسب حال مسلمان نمی باشد. سوگند را اهل لغت به معنی گوگرد(مواد باروتی که برای آتش زدن استفاده می شود) ترجمه کرده اند و گفتند در گذشته ها قبل از اسلام برای تشخیص انسان های گنهکار از بی گناه یک مقدار گوگرد را با آب آمیخته برایش می خوراندند و از تاثیر آن مجرم بودن شخص را تعیین میکردند، بعد ها به معنی

قسم و عهد بکار رفته است که بواسطه آن اعتماد شخص بدست آورده می شود و یا اینکه برای جلوگیری از خیانت شخص نسبت به کار و وظیفه‌ی که دارد استفاده می شود که در کار و وظیفه اش غفلت و خیانت نرزد و به سوگندش وفادار بماند. بدون شک بعد از سوگند یاد کردن و تعهد سپردن اگر شخص مذکور عهد شکنی نماید و سوگند را نادیده بگیرد سخت گنهکار می شود و نزد الله ﷻ مسؤل می باشد و الله ﷻ روز قیامت ایشان را مواخذه مینماید، زیرا که از روی تصمیم و اراده قسم یاد کرده است الله ﷻ می فرماید:

الله شما را در برابر سوگند های که گره آنرا محکم کرده اید مواخذه میکند و شما را موظف به عمل کردن به آن میکند.

اگر شخص بنام الله ﷻ سوگند یاد کند که عمل نیک و خوب انجام دهد و در صورت عدم توجه و شکستن سوگند کفاره لازم می شود که پرداختن اش واجب است. بعضی اشخاص عادت قسم خوری دارند برای تصاحب نمودن مال و پول شخصی به دروغ دعوی میکنند، قسم می خورند، شاهدان دروغین می سازند، رشوه میدهند، دکان، خانه، زمین، باغ و پول مردم را از آن خود می نمایند، اینگونه اشخاص آتش جهنم را برای خود می خرند.

حضرت ابو امامه <sup>(رضی الله عنه)</sup> روایت میکند که ما نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم بودیم، فرمود: کسیکه به قسم خوردن مال مسلمان را بگیرد و تصاحب کند الله ﷻ آتش جهنم را بر او واجب گردانیده و بهشت را برایش حرام می نماید. شخصی گفت: ای رسول الله صلی الله علیه و سلم اگر آن مال کم و اندک باشد، فرمود: ولو شاخچه کوچکی از درخت تلخ و بد مزه هم باشد.

برای اینگونه قسم ها یمین غموس گفته می شود غموس به معنی فرو بردن، اینگونه قسم شخص را در آتش جهنم فرو می برد و از رفتن به بهشت ممانعت میکند مگر اینکه قبل از مرگ توبه نماید، مالی که به دروغ و قسم خوری گرفته است به مالک و صاحب آن برگرداند و از وی معذرت و عفو بخواهد. آنانیکه

بنام غیر الله ﷻ قسم و سوگند یاد می‌کنند، مانند قسم به کعبه، قسم به پیغمبر، قسم به فرشته گان، قسم به آسمان، قسم به زمین، قسم خوردن به جان، روح، بت، امانت، پدر، پسر، پادشاه، آفتاب، پیر، مرشد، مسجد، زیارت، قبر، زندگی، حیات و غیره اینها را قسم غموس میگویند و اینگونه قسم کفاره ندارد و جایگاه قسم خور جهنم است و این گناه کبیره میباشد؛ پس صاحب اش باید توبه نماید و تجدید ایمان کند.

ابن عمر (رضی الله عنه) روایت میکند که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود: الله تعالی شما را منع میکند از اینکه بنام پدر تان سوگند یاد کنید، هرکس که سوگند یاد میکند باید بنام الله ﷻ سوگند یاد کند و یا باید خاموش باشد.

در روایت امام مسلم آمده است: بنام طاغوت ها و پدر تان قسم نخورید. طاغوت به معنی بت، شیطان، باطل و هر چیزی و معبود غیر از الله آمده است.

ابن عمر رضی الله عنه از شخص شنید که میگفت: لا و الکعبه... نه قسم به کعبه، فرمود: لا تحلف بغیر الله، بنام غیر از الله ﷻ قسم مخور، من از رسول صلی الله علیه و سلم شنیدم که میگفت:

من حلف بغیر الله فقد کفر و اشرك<sup>۱</sup> (ترمذی)

ترجمه: کسیکه بنام غیر از الله ﷻ سوگند یاد میکند کافر و یا مشرک شده است.

یعنی راوی شک دارد که رسول الله ﷺ کافر گفت یا مشرک؛ اگر چنین قسم و سوگند یاد کند که من از قرآن بیزارم، از اسلام بیزارم، از دین بیزارم شامل این روایت میگردد. بسا انسان های اسلام ستیز و دین ستیز هستند که هنگام خشم و قهر چنین جمله های را به زبان می آورند، اگر اینگونه کلمات را به دروغ گفته

۱. کتاب الآداب الشرعية والمنح المرعية [ابن مفلح، شمس الدین] ج ۳- ص ۳۶۷

باشند گناه دارد و اگر راست و از صمیم قلب گفته باشند به اسلام بر نخواهند گشت، رسول الله ﷺ فرمود:

کسیکه سوگند یاد کند و بگوید که من از اسلام بیزارم، اگر دروغ گفته باشد، اگر راست گفته باشد به اسلام سالم برنمیگردد.

بهبتر است از احتیاط کار گرفته شود آنچه در مورد اش علم و معلومات ندارید به بحث نگیرید بعضی اوقات انسان کاری میکند که گنهکار می شود و راه رفتن به دوزخ را باز می سازد، اما خود اش خبر ندارد که چه کرده است، شما را کسی به قسم خوردن مجبور نمیکند و تلاش شود که هرگز قسم و سوگند یاد کرده نشود.

### اقسام سوگند ها و كفاره آن:

سوگند ها بر سه نوع اند، آنکه گناه ندارد، آنکه كفاره دارد و آنکه گناه دارد و گوینده سوگند را به آتش جهنم می برد.

۱. قسم لغو
۲. قسم منعقدہ یا محکم
۳. سوم قسم غموس

- سوگند لغو آن است که شخص قصد قسم خوردن را ندارد و بدون اراده هنگام سخن گفتن از وی صادر می شود، این گونه سوگندهای بیهوده اکثراً به طریق عادت از انسان خارج می شود که در هر کلمه نی والله، آری والله، به الله والله می گویند، سوگند های لغو باز پرسى و مواخذہ ندارد و همچنان كفاره در آنها واجب نمی باشد، از الله ذوالجلال باید تشکری نماییم که به اینگونه قسم مواخذہ نمیکند و همه مردم از قسم و سوگند های لغو خالی نمی باشد.
- سوگند های محکم و از روی قصد و اراده که آنرا منعقدہ نیز می

گویند، آنانیکه با اراده و قصد سوگند یاد می‌کنند بعداً نقض می‌نمایند و سوگند خود را می‌شکنند باید کفاره بپردازند، ده نفر را طعام اوسط بدهند که بعضی علما گفتند صبح و شام دو وقت شکم ایشان را سیر نماید این طعام اوسط است، اگر سه وقت غذا دادن طعام اعلی و یک وقت غذا دادن طعام ادنی است و یا هم به قول عایشه صدیقه مادر مومنان و عمر فاروق (رضی الله عنه) برای هر مسکینی نصف صاع (دو کیلوگرام) از گندم و یا خرما پرداخته شود که این مذهب احناف رحمه الله است و در مذهب شافعی رحمه الله برای هر مسکین یک مد (یک کیلوگرام) است، و یا هم ده مسکین را لباس بپوشاند (ایزار و پیراهن) و اگر کسی این را نیافت یا توان پرداخت طعام و لباس را نداشت سه روز پی در پی روزه بگیرد، این است کفاره سوگند های شما هنگامیکه سوگند را بشکنید. اول، ده مسکین را طعام متوسط دادن. دوم، لباس دادن (پیراهن و تنبان). سوم، سه روز روزه پیاپی گرفتن.

- قسم سوم سوگند همان قسم غموس است کفاره ندارد اما صاحب اش را به جهنم فرو می‌برد، مگر اینکه توبه نماید و با الله تعالی تعهد بسپارد که دیگر به نام غیر الله قسم یاد نمیکند، در آغاز اسلام اگر شخصی بنام بت‌ها، لات، عزی، منات و غیره نادانسته سوگند یاد می‌کردند چون در زمان جاهلیت به این نام‌ها سوگند می‌خوردند عادت شده بود نا آگاهانه از زبان بعضی‌ها چنین کلمات خارج میشد پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

کسیکه بنام لات و عزی سوگند نماید، باید *لااله الاالله* بگوید - بخاری و

مسلم

یعنی کفاره آنچه شود که از زبان اش خارج شده است؛ در آیه مبارکه علاوه

از این سه کفاره متذکره آزاد نمودن غلام یا برده نیز ذکر شده است، اینکه در عصر ما برده فروشی وجود ندارد، سوگند را اول بشکنند بعدا یکی از آن کفاره های که ذکر شد را ادا نماید، اگر برای یک موضوع چند بار قسم نموده بود یک کفاره کفایت میکند، اگر در موضوعات مختلف نموده باشد برای هر یکی کفاره جداگانه پردازد، اگر شخص در زندگی و حیات خود کفاره قسم را نپرداخت، در حالت مریضی باید وصیت نماید تا وارث اش کفاره سوگند را پردازد در غیر آن گنهکار خواهد بود.

**خوانندگان گرامی!** بهتر است در هیچ مورد قسم و سوگند یاد نکنید، سوگند نخورید، مسلمان خوب هرگز طرفدار قسم خوری نمی باشد به اندک ترین سخن عجولانه قسم نخورید حتی کوشش کنید قسم های لغو که مواخذه ندارد را هم عادت نکنید، امام شافعی رحمه الله میگوید: من هرگز در زندگی قسم نخوردم نه به قصد و نه بدون قصد پس به این سنت امام شافعی رح عمل نمایید؛ ممکن در بسا مسایل قسم بخورند و توجه نکنند مثل که امروز در اکثر مناطق مردم بر سر معامله ها سوگند یاد می کنند و آن را حفظ و نگه میدارند، و یا می شکنند و کفاره نمی پردازند، هنگام مرگ وصیت نمی کنند و از دنیا گنهکار می روند، الله ﷻ همه ی ما را هدایت بفرماید.

## مبارزه با شهوات

مطابق آموزه‌های شرعی، انسان در مسیر تکاملی خود با دشمن درونی به نام نَفْسِ اَمَّارَه در جنگ است. به تعبیر قرآن کریم ویژگی نَفْسِ اَمَّارَه، امرکننده به بدی و زشتی است:

إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ

به درستی که نَفْسِ (سرکش) بسیار به بدی‌ها امر می‌کند. منظور از نَفْسِ که دشمن انسان است، آن دسته از گرایش‌هایی است که مانع ترقی روح انسان و تقرب به سوی خداست. پُرِواضِح است که ایجاد زندگی سالم و پیشروی به سوی کمال مطلوب که فطرت آدمی آن را خواستار است، وقتی تحقّق می‌پذیرد که انسان توان مقابله با نَفْسِ اَمَّارَه را داشته باشد و در میدان ستیز و مبارزه با او زانو نزند، چون در صورت عدم توان مقابله با دشمن داخلی (نَفْسِ اَمَّارَه) و تبعیّت از او، آدمی هویت انسانی خویش را می‌بازد و از سِلْکِ انسانیّت خارج می‌شود و در مسیر حیوانیّت گام می‌نهد، بلکه بدتر از چهارپایان می‌شود.

مسلمان خوب شکسته نفسی را به شهوت پرستی ترجیح می‌دهد. اوقات گرانبهای خود را در طلب لذت های دنیا و برآورده ساختن آرزوهای باطل نفس و خواهشات آن، ضایع نمی‌سازد و در برابر حرکات و جنبش نفس که انسان را به بیراهه و گمراهی سوق میدهد مبارزه میکند، هوس های باطل و خرافی را کنار میگذارد. خواهشات نفس زیاد است؛ اما اصل و منشاء آن را علماء در شهوات شکم و جنسی خلاصه نموده اند و همه آفت ها از شکم و خواهشات آن سرچشمه میگیرد که شهوت جنسی نیز از آن انشعاب میکند، خوردن غذای حلال و به قدر ضرورت به نیت اینکه برای عبادت الله ﷻ تقویه شود نیکوست و برای نفس فرصت سرکشی و طغیان و شهوت رانی داده نمی‌شود، و اگر در غذا و خوراک های متنوع، حلال و حرام رعایت نشود فقط هدف گرفتن انرژی و تقویه سیستم ایمنی بدن بوده باشد، نفس آهسته آهسته طرفدار ناز و نعمت زیاد و تنعم می‌شود و در مبارزه با شهوت شکست می‌خورد.

الله ﷻ فرموده است:

{ يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ } سورة الاعراف: آیه - ۳۱

ترجمه: ای فرزندان آدم جامه خود را در هر نمازی بپوشید و بخورید و بیاشامید و [لی] زیاده روی نکنید که او اسراف کاران دوست نمی‌دارد. یعنی بخورید و بنوشید و اسراف نکنید که الله ﷻ اسراف کننده‌گان را دوست ندارد.

آنانکه پول های زیاد را در هوس رانی، شهوت پرستی و خوش ساختن نفس به مصرف میرسانند، فرموده الله ﷻ را نادیده گرفته؛ اسراف کردند، گناه کردند و الله ﷻ ایشان را دوست ندارد.

فضیل عیاض رحمه الله میگوید:



دو چیز دل را فاسد می‌گرداند، یک خوردن زیاد و خفتن یا خوابیدن زیاد. به قول علماء خوردن غذای بیشتر، نوشیدن آب زیاد، و زمانیکه آب زیاد نوشیدی و خواب زیاد نمودی، خواب زیاد کردی، بالاخره غفلت بالایت حاکم میگردد و همین غفلت سرانجام انسان را به جهنم میکشاند.

و در حدیث شریف از پیامبر ﷺ، روایت است که شما شکم تان را به سه حصه تقسیم نمایید؛ یک حصه برای آب، حصه دوم برای نان و حصه سوم برای تنفس کردن. اگر به این حدیث عمل شود، برای غفلت هیچ جایی نمی‌ماند و از پرخوری جلوگیری میگردد.

حسن بصری رحمه الله، روایت میکند که پیامبر ﷺ، فرمود:

افضلکم منزلته عندالله تعالی اطولکم جوعا و تفکرا و ابغضکم  
عندالله تعالی کل نوعم اکول شروب (احیاء العلوم الدین)

ترجمه: بزرگترین شما از منظر منزلت نزد الله ﷻ کسی است گرسنه‌گی و تفکرش بیشتر و طولانی تر باشد، و دشمن ترین شما نزد الله ﷻ کسی است که بسیار بخورید، بسیار بخورد و بسیار بنوشد.

در روایت دیگر آمده است:

جاهدوا أنفسکم بالجوع والعطش، فإن الأجر في ذلك كأجر المجاهد  
في سبيل الله وإنه ليس من عمل أحب إلى الله من جوع وعطش<sup>۱</sup>

ترجمه: به وسیله گرسنه‌گی و تشنه‌گی با نفس خود مجاهدت کنید، زیرا که اجر و پاداش آن مانند اجر و پاداش مجاهد در راه الله ﷻ است، بدون شک هیچ عمل نزد الله ﷻ محبوب تر از تحمل گرسنگی و تشنگی در راه او نیست.

در این روایات دیده می‌شود کسانی که با نفس شان مبارزه می‌کنند و در مخلوقات و صنایع الله ﷻ تفکر و تدبیر می‌نمایند از بهترین مردم به نزد الله ﷻ

شمرده میشوند؛ چون ایشان به خواهشات نفس، نه گفته و با نفس و شیطان جنگیدند، شهوت را شکست دادند، اسیر هواء نفس نشدند، نفس و شیطان را به زمین انداختند، برایشان جواب منفی دادند، غذا کم خوردند، تفکر و تدبیر زیاد نمودند.

یک ساعت تفکر در مورد قدرت و صنع الله ﷻ بیشتر از هفتاد سال عبادت نفلی است.

### تَفَكُّرُ سَاعَةٍ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً

ترجمه: تفکر و تدبیر نمودن یک ساعت در مورد مخلوقات الله ﷻ؛ بهتر از عبادت هفتاد سال است.

تفکر کسی میکند که نیروی روحی و قوت معنوی اش بر قوه شیطانی غلبه نماید، نفس و شهوت اش را شکست دهد؛ این موفقیت زمانی بدست میاید که نفس را تهدید نموده و شکم را گرسنه نگه دارد، گرسنه به این معنی نه که نان نخوری، غذا میل نمایی؛ چون این ظلم است، یعنی در خوردن طعام افراط و زیاده روی ننمایی، به اندازه غذا صرف نمایی که نفس، سرکشی و طغیان ننماید، برای تفکر در مخلوقات بزرگ الله ﷻ فرصت داشته باشی، قدرت تفکر بیایی، اجر و پاداش کسیکه خود را گرسنه و تشنه نگه داشته و در صنعت الله ﷻ فکر می نماید کمتر از اجر و پاداش مجاهد در راه الله نیست؛ مجاهد که برای بلند نگه داشتن کلمه الله و دفاع از دین و ارزش های آن، با شکم گرسنه و گلوی خشک به اثر تشنگی در برابر کفار می جنگد، این کار آسان نیست و هرکس نمیتواند آنرا انجام دهد، و این گرسنگی و تشنگی را خوبترین و محبوبترین عمل به نزد الله ﷻ معرفی کرده است. گرسنگی و تشنگی در راه الله ﷻ از بهترین عمل محسوب می شود به شرط که با صبر و شکیبایی هماهنگ بوده باشد؛

خواب، خوراک و نوشیدنی زیاد را ترک کردن، حد اوسط و اندک آنرا تنظیم نمودن، در حقیقت در امر مبارزه با شیطان و نفس پیروز شدن است، اگر این کار را کردی؛ پس بدان که شهوت را شکست داده ای و مقام عزت را از آن خود نموده ای، مسلمان خوب و جوان با همت هرگز به خواهشات نفس جواب مثبت نمیدهد و با نفس به مبارزه میپردازد و ساعاتی را در قسمت های از شب و روز برای تفکر بر میگزیند.

آیا آماده هستید که شهوت را در مبارزه شکست دهید؟ آیا آماده هستید که برابر مجاهد در راه الله ﷺ اجر و پاداش بگیرید؟ آیا میخواهید که مقام و عزت را از آن خود نمایید؟ اگر پاسخ تان بلی است؛ پس شکم پروری و شهوت جنسی را کنار بگذارید، خوردن غذای ساده و لی با کیفیت و حلال را عادت نمایید و طرف دار پرخوری و زیاده روی در همه امور زندگی نباشید، بعد از امروز مبارزه را آغاز کنید فردا فرصت نباشد.

دی رفت و فردا هم چنان موجود نیست  
در میان این و آن فرصت شمار امروز را

سعدیا!

### فواید کم خوری و نقش آن به ویژه در مهار شهوات

از دید شما چرا دین مقدس اسلام را کامل ترین دین نازل شده بر بشریت دانسته اند؟ یا چرا به قرآن کریم، کتاب زندگی و سلامتی می گویند؟ همه ی این ها از دلایلی برخاسته و این ادعاها حقیقت دارند. در اسلام عزیز، به مسائل پزشکی و طبی نظیر کم خوری و پر خوری و موارد دیگر غیر این نیز اشاراتی شده است؛ به این صورت که کم خوردن آثار بسیار مفیدی در جسم و روح انسان به جای می گذارد. زیرا نه تنها باعث سلامت جسم می شود، بلکه زمینه جذب و دریافت

عنايات الهی را در آدمی مهیا می‌سازد. ولی پرخوری زمینه بروز بسیاری از بیماری‌ها بوده و همچنین معنویت را از بین می‌برد.  
رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

مَنْ قَلَّ طَعْمُهُ صَحَّ بَطْنُهُ وَصَفَا قَلْبُهُ، وَمَنْ كَثُرَ طَعْمُهُ سَقَمَ بَطْنُهُ وَقَسَا قَلْبُهُ<sup>۱</sup>.

ترجمه: آن‌که غذا کم خورد، معده‌اش سالم ماند و صفای دل یابد. و هر که پرخور باشد معده‌اش بیمار و قلبش سخت شود.

در کم خوری فواید زیادی وجود دارد، اگر انسان کم خوری را عادت نماید همیشه صحتمند می‌باشد، به دواء، پزشک و داکتر کمتر مراجعه می‌کند.

داستان مشهوری است که بادشاهی طبیعی را برای معالجه اصحاب (رضی الله عنه) به نزد پیامبر ﷺ فرستاد، طیب یک مدت نزد رسول الله ﷺ اقامت گزید، هیچ مریضی به نزدش مراجعه نمود، طیب به نزد رسول الله ﷺ آمد و گفت: اگر اجازه باشد من بروم؛ چون هیچ مریضی طی این مدت به من مراجعه نکرد، پیامبر ﷺ فرمود: اینها قومی هستند که تا گرسنه نشوند غذا نمی‌خورند و قبل از سیر شدن خوردن غذا را بس مینمایند. طیب دانست که حکمت صحتمندی اینان در این نکته است.

بعضی از اصحاب (رضی الله عنه) می‌فرمایند:

أول بدعة حدثت بعد رسول الله ﷺ الشيع؛ إن القوم لما شبع

بطونهم جنحت بهم شهواتهم<sup>۲</sup>

ترجمه: نخستین بدعتی که بعد از وفات پیامبر ﷺ به وجود آمد پرخوری و

۱. تنبيه الخواطر: ۱ / ۴۶ منتخب میزان الحکمة: ۲۲

۲. التوکل [أبو یعلیٰ ابن الفراء]: ج ۱، ص ۶۰

شکم پروری بود؛ زیرا زمانی که پرخوری یک قوم را فرا گرفت آن زمان شهوت بر بالای آنها حاکم می‌گردد. پرخوری نفس را به سوی گناه و سرکشی و همچنان محبت و علاقه مندی دنیا می‌کشاند.

### فواید کم خوری

باید توجه داشت که مقصود از کم خوری، نخوردن و میل نمودن غذا نیست بلکه منظور از آن، پرهیز از پرخوری و بدخوری است.

در روایتی از حضرت رضاء رحمه الله نقل شده است که، بدن انسان به زمین زراعتی تشبیه شده و کم خوری بیش از اندازه و زیاده روی در خوردن را مانند آبیاری ناقص و آبیاری بیش از حد دانسته که هر دو سبب نابودی کشت و زرع می‌شوند.

حضرت علی کرم الله وجهه فرمودند: شایسته است که خردمند هنگام شیرینی غذا، تلخی دارو را به یاد آورد. (و پرخوری ننماید).

همچنین در روایتی دیگر فرمودند: معده ی خود را با غذای زیاد احترام نکن، بلکه جایی برای آب و مجالی برای هوا بگذار. و دست از خوردن غذا بردار با آن‌که هنوز اشتها داشته باشی. اگر این‌کار را انجام دادی، غذایت را به راحتی هضم خواهی کرد؛ زیرا سلامت بدن در کم خوری و کم نوشیدن است.

داشتن عمر طولانی و افزایش مقاومت بدن از دیگر اثرات کم خوری در روایات می‌باشند.

هم‌چنین در روایات روشنی فکر، صلاح باطن، کمک به عبادت، نورانیت باطن، نزدیکی به خداوند و حکمت، از فواید کم خوری شمرده شده‌اند. در اینجا چند نکته از فواید کم خوری را شماره وار یاد آوری می‌کنیم:

## فایده ظاهری و مادی کم خوری

۱. **صحت بدن:** پیامبر ﷺ، فرمودند: مادر تمام دواها، کم خوری است. در قسمت توجه به این نکته ضروری است که اگر حیوانات مریض شدند چه کاری انجام می دهند؟ وقتی حیوانی مریض شد خداوند عالم بطور غریزی به او یاد داده است که مدتی چیزی نخورد (هدایت تکوینی). یک اصل مسلم وجود دارد که وقتی میکروب وارد بدن شد جزء نیروی دشمن می شود و بدن به جنگ با او بر می خیزد و درگیری شروع می شود و علامت آن تب و لرز است. لحظه ای که تب میکند بدن او درگیر است. اگر این نیروی دشمن پشتیبانی نشود و ۲۴ ساعت غذا به او نرسد نمی تواند دوام پیدا کند. و میکروب از بی غذایی می میرد. به عنوان مثال می گویند هنگام سرما خوردگی و سرفه شربنی باب مصرف نکنید خطرناک است زیرا شربنی باب بهترین غذای رشد میکروب است. انسان نیز با توجه به هدایت تکوینی میداند که غذا ضرر دارد ولی با عقل و اختیار خودش چیز دیگری انتخاب می کند و به هدایت تکوینی بی توجهی می کند.

۲. **شادابی چهره:** حضرت عیسی علیه السلام، از شهری می گذشت دو نفر زن و مرد را دید که بر سر هم فریاد می کشند! حضرت فرمود چه شده است؟ مرد گفت ای پیامبر خدا ایشان همسر من است و او را مشکلی نیست زنی درستکار است اما میخواهم از او جدا شوم. حضرت فرمود چرا؟ مرد گفت: بی آنکه کهنسال شود چهره اش از طراوت و زیبایی افتاده است. حضرت گفت ای زن می خواهی چهره ات پر طراوت شود زن گفت بله ای پیامبر، حضرت فرمودند: چون غذا می خوری از سیر شدن حذر کن. آن زن چنان کرد و دیگر بار چهره اش طراوت یافت. و باید یاد آور شد که تقوی نیز موجب شادابی صورت می شود.

- اگر کمی به اطرافیان خودمان دقت کنیم یک دختر و پسر جوان قبل

از ازدواج با چهره زیبا، طولی نمی کشد به علت رعایت مواردی در زندگی بلایی بر سر چهره آنها می آید که از آن شادایی اولیه می افتند علت آن بی تقوایی است.

۳. **طول عمر:** لقمان حکیم میفرماید: اگر غذای انسان کم باشد، عمرش طولانی می شود.

کم خوری انسان را تندرست و صحت مند می سازد و چربی ها را از بین میبرد، مواد مضر و زایده بدن را از بین میبرد و اکثر بیماری ها را برطرف میسازد.

کم خوری شهوت و آرزوهای نفس را می شکند.

کم خوری توجه و فکر ایشار، قربانی و همدری با فقراء و بینوایان را در قلب پیدا میکند.

در کم خوری جلو اسراف گرفته می شود.

در کم خوری از ضیاع وقت در خریدن، پختن، رفتن بار بار به دستشویی جلوگیری می شود.

### فواید باطنی و معنوی کم خوری

۱. **صفای فکر و اندیشه:** حضرت علی کرم الله وجهه فرمودند: هر کس

غذایش کم باشد فکر زیبا پیدا می کند.

۲. **نور قلب:** پیامبر ﷺ، فرمودند: هنگامیکه انسان غذای خود را کم کند نور

در قلبش پر می شود.

۳. **رهایی از شیطان:** پیامبر ﷺ، فرمود: بانفس خود بجنگید بواسطه کم خوری

در غذا و آب، ملائک سایه بر شما می افکنند و شیطان از شما فرار می کند.

۴. **حکمت (حکیمانه سخن گفتن):** شکم اگر خالی باشد آدم حرف

درست حسابی می زند.

۵. کم خوری سبب صفایی دل و رقت قلب میگردد.
- با کم خوری روح و دل انسان آماده لذت پذیری مناجات، ذکر و عبادت الله میگردد.
- کم خوری غرور، تکبر، تفوق طلبی، مستی، عیاشی و خودخواهی را از ذهن و فکر انسان خارج نموده و نفس را ذلیل می سازد.
- کم خوری انسان را بیدار ساخته و از خواب بیش از حد معمول باز میدارد.
- کم خوری، روح و جسم انسان را تازه، شاداب و با طراوت داشته با آسانی به عبادت و یاد الله مشغول می سازد.

### آثار زیان بار پرخوری

پرخوری و چاقی احتمال مبتلا شدن به بیماری های مزمن و خطرناک مانند بیماری های قلبی- عروقی، افزایش چربی های خون، فشار خون بالا، دیابت یا شکر، درد های استخوان و مفاصل و... را افزایش می دهد. همچنین از نظر ظاهری، باعث نامتناسب شدن اندام فرد می شود که هنگام حضور در جمع مردم، از نظر روانی ایجاد اضطراب و ناراحتی می نماید و خود را زشت و بدقواره احساس می کند و از اشتراک در جمع خوشش نمی آید.

در اسلام نیز انسان ضمن نهی از پرخوری، به اعتدال در خوردن غذا توصیه شده است.

البته باید به خاطر داشته باشیم که منظور از کم خوری که در این جا ذکر می کنیم لاغری و لاغر اندامی نیست که حالا انسان هیچ نان نخورد و بگذارد بدن اش ضعیف شود، بلکه منظور مصرف غذا به قدر نیاز و احتیاج بدن (متعادل) است تا فرد دارای بدن سالم، روان آرام و تندرست باشد، زیرا در حال حاضر بعضی افراد جوان برای اینکه اندامی لاغر داشته باشند خیلی کمتر از



حد نیاز بدن خود غذا می‌خورند که این کار باعث کمبود مواد مغذی و معدنی در بدن شده و در آینده مشکلات جسمی مانند پوکی استخوان، کم خونی، سردردی مزمن، ضعف و سرگیجه و... می‌شود که این درست نیست.

رعایت اعتدال در همه موارد زندگی به ویژه در خوردن غذا و کم خوری، جز تأثیر بر سلامت جسمی افراد، بر سلامت روحی آنها نیز مؤثر است. در اینجا تأثیرات جسمی کم خوری را با عنوان «فواید ظاهری کم خوری» و تأثیرات روحی و معنوی آن را با عنوان «فواید باطنی کم خوری» در شماره مختصر بیان خواهیم کرد. امید است با توصیه به این رهنمودهای گرانقدر، همواره از جسم سالم و روح پرنشاط برخوردار باشید.

### ضررهای پر خوری

۱. **بیماری:** با پر خوری هیچ سلامتی (پایدار) نیست، چه بسا یک‌بار خوردنی که مانع از خوردن‌ها می‌شود.
۲. **آشفته‌گی:** حضرت علی کرم الله وجهه فرمود: از پر خوری بپرهیز، که هرکس چنین نکند، بیماری‌هایش بسیار میشود و رویاهای خوب نمی‌بیند. در روایتی از حضرت عیسی علیه السلام نقل شده که پر خوری، شادابی و طراوت صورت را از بین می‌برد.
۳. **قساوت قلب:** حضرت امام صادق رحمه الله فرمودند: برای قلب مومن، ضرر هیچ چیزی بیشتر از پر خوری نیست که دو چیز به دنبال دارد: قساوت قلب و تحریک شهوت.
۴. **کسالت به هنگام عبادت:** پر خوری و سنگینی شکم با شادابی در عبادت و مناجات سازگاری ندارد. این کار سبب کسالت شده و توفیق عبادت و مناجات با خدا را از فرد سلب می‌کند.
۵. **ترغیب شدن به گناه:** از حضرت علی رضی الله عنه روایت شده که

فرمود: سیری، یاوری است برای انجام گناهان.

- "یکی از بزرگان علی جرجاوی، را دید که قاووت (آرد نرم از گندم، جو و نخود) میخورد؛ گفت چرا به جای این نان نمی خوری؟ گفت: حساب نمودم تفاوت میان جویدن نان و انداختن قاووت در دهان هفتاد تسبیح می شود و از برای همین چهل سال می شود که نان نخوردم؛ چون در جویدن نان وقت ضایع می شود و خوردن قاووت اندک وقت را میگیرد؛ هر لحظه از عمر دارای قیمت و ارزش بی بدیل است که ضایع شدن آن با هیچ چیزی جبران نمی گردد."
- بنده گان خاص الله ﷻ، نمی خواستند که حتی در خوردن غذا، وقت شان زیاد صرف گردد چه رسد بر این که وقت را در غیبت و گفتگوهای بی مورد، قصه ها و افسانه ها، فلم ها و سریال های بی مورد ضایع سازد؛ بهتر است از ضیاع وقت در بیهوده گی ها و هرزه گویی ها جلوگیری شود.
- ابوالعباس قصاب رحمه الله، میگوید: هرگز طعام صرف نکردم؛ تا زمانیکه از گرسنگی بی طاقت نشدم، لاجرم هرگز مرا به هیچ طبیب حاجت نبود.

گاو از پی خوردن بسویار

نشخوار همی زندچومردار

آهو خورش اش گیاه خشک است

افکنده ی او مثال مشک است

به یقین که دواء و داروی همه ی بیماری ها کم خوری است، پاک و حلال

خوردن، کم خوردن، مطابق روش پیامبر خوردن، هرگز انسان را به چالش و مشکل مواجه نمی‌کند.

شاعر میگوید:

دیدم که نبشته اند در طب

الجوع دواء كل الداء

یعنی گرسنگی دواء و داروی هر مرض است، و بر عکس پرخوری منشاء همه امراض است.

قوله صلى الله عليه وسلم: «المعدة بيت الداء والحمية رأس كل

دواء...»<sup>۱</sup>

ترجمه: معده، مرکز دردها و امراض است؛ اما پرهیز و کم خوری اصل دواء است.

یگانه چیزی که باعث تضعیف قوه شهوانی می‌گردد همانا کم خوری است. کم خوری جرأت گناه را در انسان کم نموده و راه تقواء را می‌گشاید، پیامبر ﷺ برای جوانان توصیه می‌کند:

يا معشر الشباب! من استطاع منكم الباءة فليتزوج، فإنه أغض للبصر،

وأحصن للفرج، ومن لم يستطع فعليه بالصوم، فإنه له وجاء<sup>۲</sup>

ترجمه: ای گروه جوانان! کسانی که از شما توانمندی و قدرت مالی دارد، پس ازدواج نمایند؛ زیرا که نگه دارنده چشم و حفاظت کننده فرج است و اگر کسانی که توان مالی ندارند روزه بگیرند.

زیرا با گرفتن روزه شهوت به شکست روبرو می‌گردد، طغیان و سرکشی کرده نمیتواند؛ چون یک وعده غذا کم می‌شود و هر لحظه از نوشیدن چای، آب،

۱. فتوح الغیب فی الكشف عن قناع الريب (حاشیة الطیبی علی الکشاف): ج ۶، ص ۳۷۲

۲. تحفة الأبرار شرح مصابیح السنة: باب النکاح: ج ۲، ص ۳۲۹

نوشابه، میوه تازه و خشک جلوگیری می‌گردد. نفس تزکیه گردیده، شهوت کم می‌شود، تمام طبیب‌ها و پزشکان اتفاق نظر دارند که پرخوری باعث امراض کشنده می‌گردد.  
می‌گویند:

ز پرخوری در روزی صد بمیرد  
ز کم خوری یکی را تب نگیرد

کم خوردن و جویدن خوب غذا، به معده کمک و از بروز امراض جلوگیری مینماید.

" به خاطر دارم که یکی از دوستان میگفت: در یکی از قطعات عسکری کسی برایم مهمان شد، لوبیا و کچالو برایش پختم؛ مهمان خیلی زیاد نوش جان کرد و در همان شب مریض شد تا اینکه به بیمارستان انتقال اش دادیم، دوکتور مؤظف بعد از معاینه و تحقیقات مریض برایم گفت: مریض تان عملیات جراحی می‌شود. ناچار مجبور شدیم تا بپذیریم. در جریان عملیات جراحی، کچالوی را که روده‌ها را مسدود کرده بود بیرون کشید." " خوردن زیاد و نه جویدن آن به مرگ و عملیات جراحی انسان را می‌کشاند، پس چرا بر بالای خود ظلم نماییم؟ برای شکم، برای نفس؟

پیامبر ﷺ، می‌فرماید: کل بیمینک (به دست راست خود بخور) کل مما یلک (از نزد خودت بخور، یا با سه انگشتان خورده و خوب بجوید) اینها آداب طعام خوردن اند. در آغاز بسم الله و در اخیر الحمد لله باید گفته شود تا شکر الله ﷻ، بجا آید.

اهل ریاضت می‌گویند: در دو روز باید سه بار غذا خورده شود، روز اول صبح و شام و روز دوم چاشت و سار روزهای بعدی نیز به همین ترتیب و منوال...

در دو روز ات سه بار باید خورد  
تو به یک روز میخوری شش بار  
کسی نتواند علاج تو کردن  
ماشاءالله اگر شوی بی‌مار

امروز تحقیقات طبی ثابت نموده است که پرخوری، خوردن چربی زیاد، خوردن غذا داغ و گرم و میل نمودن چندین نوع غذا در یک وقت، نوشابه های الکولی و گاز دار، ترکاری ها، میوه های رنگارنگ در اخیر آن، چای های سبز و سیاه که در معده اصلا گنجایش وجود ندارد؛ برای نفس کشیدن و آکسیجن جایی باقی نمیماند سبب امراض گردیده و سیستم ایمنی و دفاعی بدن را مختل می نماید؛ علت اکثر بیماری های مزمن که امروز در جامعه دامنگیر مردم شده است، پرخوری و زیاده روی در طعام است. اگر از پرخوری و کثرت غذاهای چرب و قوی پرهیز گردد، ممکن امراض کاهش یابد؛ متأسفانه امروز در پرخوری و زیاده روی غذا مسابقه مینمایند. اینکه یک نفر چندین نوع خوراک را باید بخورد، برایش جایزه تعیین می نمایند.

پرخوری و خوردن غذاهای صنعتی و غیر طیب، معرفت را از فکر و ذهن می رباید و انسان را سست و تنبل می سازد، خواب آلود می نماید، چاق و پر وزن می سازد که اینها همه امراض اند که از خوردن و نوشیدن بیش از حد به وجود می آید؛ اما حضرت علی کرم الله وجهه روایت میکند: رسول الله ﷺ، فرمود: کسیکه هنگام خوردن، غذا را با نمک آغاز نماید و در ختم آن نیز با نمک ختم نماید الله ﷻ از وی هفتاد نوع مرض را دور می سازد. پس چه بهتر است که این سنت را زنده نگه داشته و عمل نماییم که هم ثواب باشد و هم خرما!

برادران و خواهران مسلمان! با توجه به این دسته از احادیث و روایات، می توان گفت اگر به توصیه های بهداشتی و سلامتی قرآن کریم، پیامبر ﷺ، و دیگر بزرگان

به ویژه افراد که تخصص در طبابت و پزشکی دارند عمل شود، میزان بیماری‌ها و مشکلات جسمی و روحی به طور قابل ملاحظه ای کاهش خواهد یافت. هرگز در خوردن، غذا افراط ننمایید، از اسراف در خوردن و نوشیدن بپرهیزید، آنچه که در خانه دارید و برای خوردن آماده نموده اید یک مقدارش را به مشوره بزرگان خانواده به فقراء و مساکین بفرستید، کم خوری را عادت همیشگی خود بسازید، این مطمئناً به خیر همه ما تمام خواهد شد، بخل نکنید، از خوردن غذا های متنوع در یک وعده غذایی اجتناب کنید، کوشش نمایید تا گرسنه نشده اید غذا میل نکنید، و قبل از سیر شدن شکم بس کنید؛ این همه حکم الله ﷻ و ارشادات پیامبرش ﷺ است.

به امید صحت و سلامتی همه تان!

## زیارت قبور (گورستان)

زیارت قبور مستحب است، فکر آخرت، ذکر و یاد نمودن مرگ و رقت قلب از آن به وجود می‌آید و از طرف دیگر دعا و استغفار برای میت و اهالی قبور از طرف زائر قبر صورت می‌گیرد. در زیارت قبور منافع برای زائر و یا زیارت کننده این است که با دیدن و اندیشیدن روی زندگی و مرگ گذشتگان پند و عبرت می‌گیرد و این حقیقت را می‌پذیرد که روزی خواهد از این دنیا رخت سفر بربست و به گورستان مرده‌گان کنار قبری چون سائر قبرها خواهد خوابید و زیر انبارهای خاک در خانه‌ی تنگ و تاریک، تنها و دور از خانواده، دوستان و اقارب قرار خواهد گرفت و برای نجات اش تلاش خواهد کرد و در آینده تلاش مضاعف را برای اعمال و کارهای نیک و پسندیده به خرج می‌دهد تا سبب وحشت، ترس و عذاب در قبر اش نشود و این اعمال همراه و یاور او شوند؛ زیرا این عمل و کارهای نیک و صالح است که صاحب نیک اش را در قبر و آن خانه‌ی وحشت و تنهایی تنها نگذاشته و یاری اش می‌رساند.

بلی برادر و خواهر مسلمان! مرگ حق است و هر کس روزی این دنیا را ترک

نموده و به آخرت می‌پیوندد و می‌میرد؛ اما چه بهتر که انسان با ایمان و دارای عمل صالح و شایسته باشد و داشتن چنین اعمال دنیای فانی را وداع گوید؛ پس زیارت قبور و گورستان‌ها برای نرم‌سازی دل‌ها و اندیشیدن به روی این زندگی زودگذر و ناچیز و یادآوری آخرت و سختی‌های آن و توجه برای حشر و نشر نسخه‌ی خوبی برای انسان است؛ بنابر روایات مادر مومنان عائشه صدیقه رضی الله عنها، حضرت محمد صلی الله علیه وسلم، جهت زیارت قبور به بقیع غرقده قبرستان مدینه منوره می‌رفتند و به اهل بقیع سلام می‌گفتند و برای ایشان استغفار و طلب آمرزش می‌کردند به ویژه در قسمت‌های آخر شب.

يُخْرِجُ آخِرَ اللَّيْلِ إِلَى الْبَقِيعِ فَيَقُولُ السَّلَامَ عَلَيكُمْ دَارَ قَوْمِ الْمُؤْمِنِينَ...  
(مسلم)

اما در مورد زیارت قبور از سوی زنان در میان فقهاء و علماء دین اختلاف و گفتگو است، بعضی‌ها بر این باورند که زنان نباید به زیارت قبور به گورستان‌ها بروند و دلیل ایشان حدیث ابوهریره رضی الله عنه، است.

ان رسول الله صلى الله عليه وسلم لعن زوارات القبور... (رواه  
احمد، ترمذی و ابن ماجه)

امام ترمذی این حدیث را حسن و صحیح گفته است. بعضی از علماء دیگر گفتند که زنان هنگام زیارت قبور دست به گریه و ناله، سروصدا و چیغ کشیدن، نوحه و شیون سر می‌دهند، خاک قبر را بر سر‌های شان باد میکنند، بی صبری می‌نمایند، کلمات و جمله‌های نامشروع را بر زبان می‌آورند، حجاب را درست رعایت نمی‌نمایند و بهتر است که به زیارت قبور به گورستان‌ها نروند. تعداد زیادی دیگری از علماء بنابر روایت عبدالله ابن مسعود رضی الله عنه زیارت قبور را برای زنان و مردان جایز دانسته و اجازه رفتن را به آن داده است.



ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: كنت نهيتكم عن زيارة القبور، فزوروها فانها تزهيد في الدنيا و تذكره الاخره... (رواه ابن ماجه)

از این روایت چنین برداشت می‌شود که زیارت قبور و رفتن به گورستان‌ها برای زنان و مردان کدام اشکال ندارد و علماء در باب این حدیث بیان می‌دارند که در آغاز برای زنان زیارت قبور مجاز نبود و بعداً پیامبر صلی الله علیه وسلم اجازه فرمودند و حدیث ابن مسعود رضی الله عنه عام است که مردان و زنان را شامل می‌شود، اکثر علماء بدین باور اند و اتفاق نظر دارند که زنان با رعایت حجاب اسلامی و آداب زیارت قبور می‌توانند به زیارت قبرها رفته در یاد و خاطر مرگ، آخرت و زندگی پر خم و پیچ دنیای بعدی بیفتند و از دنیای فانی و گذر روی گردانیده و به یاد و فکر آخرت باشند؛ زیرا اکثر زنان در عشق دنیا، زیورات قیمتی، لباس‌های مفشن و بروز، سیر و سیاحت و آرزوهای درازمدت مصروف اند و آخرت را به فراموشی سپرده اند، مرگ به خاطرشان نمی‌آید، به نماز، روزه، ادای نوافل، تلاوت، ذکر و انجام سایر عبادات توجه درست نمی‌نمایند، نمازها و روزه‌های قضا شده را در ایام مریضی، سفر و غیره دوباره نمی‌خوانند و زیارت قبور در چنین حالت‌ها نه تنها برای زنان؛ بلکه برای مردان نیز خالی از حکمت و تاثیر نخواهد بود و ممکن زیارت مرده‌گان و گذشته‌گان، برای ایشان درس و عبرتی بوده باشد برای آماده شدن به دنیای بقاء یعنی آخرت. یگانه هدف و مقصد از زیارت قبور یادآوری مرگ و آخرت است که با زیارت نمودن قبور این دورا انسان درک می‌کند.

## آداب زیارت قبور

بلی خواننده گرامی! برای هرچیز آدابی است و هر چیز روش و طریقه‌ی دارد،

زیارت قبور نیز دارای آداب و طریقه‌ی ویژه‌ی به خود است که باید زائر آن را در نظر بگیرد.

عبدالله ابن عباس رضی الله عنه روایت می‌کند که:

مر النبی صلی الله علیه وسلم بقبور بالمدينه فاقبل علیهم بوجهه فقال:  
السلام و علیکم یا اهل القبور یغفر الله لنا و لکم و انتم سلفنا نحن  
بالاتر. (رواه الترمذی)

ترجمه: رسول الله صلی الله علیه وسلم از نزد قبر های مدینه عبور کرد و به طرف قبر ها روی نموده و فرمود: السلام علیکم یا اهل القبور... سلام بر شما ای اهل مقبره، الله سبحانه و تعالی ما و شما را بیامزد، شما گذشتگان مایید و مایان در عقب تان (یعنی شما رفتید از دنیا به سوی آخرت و ما هم به تعقیب شما می‌آییم)

طوری که در این روایت دیده می‌شود زائر نخست رویش را به طرف قبر بگرداند و بعد سلام دهد و در مرحله سوم برای اهل مقبره دعا و استغفار نماید، این طریقه‌ی است که پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم نشان داده است؛ اما آنچه که امروز مردم در هنگام زیارت قبور انجام می‌دهند اکثرا بدعت و حرام است که از آن باید اجتناب و پرهیز کرد زیرا که مخالف شریعت و سنت پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم است و هیچ خیری از آن برای اهل قبور و مرده‌گان نمی‌رسد و زائر نیز گنهکار می‌شود و آن اعمال عبارت اند از:

۱. نشستن بی جا و بی مورد روی قبر.
۲. روشن نمودن شمع یا چراغ بر سر قبر.
۳. چادر و گل انداختن بر بالای قبر.
۴. نذر نمودن برای قبر.
۵. رقص و پای کوبی و ترانه سرایی در گورستان و یا بر بالای قبر (در بعضی

مناطق در ماه های بهار و فصل سرسبزی، بعضی از مردم برای اینکه گورستان های محله ها و قریه جات سرسبز و شاداب می شود و رنگ زیبایی به خود می گیرد آنجا رفته به لهور و لعب دنیایی می پردازند؛ در میان بعضی از اقوام فرهنگ غلط بنام (سبزه لگد) یا سبزه های سر کشیده را زیر پا نمودن برای خوشحالی و خوش آمد گویی از فصل بهار و تازه گی وجود دارد که تعدادی از مردم برای سیاحت و تفریح خود به گورستان ها رفته و آداب گورستان را مراعات ننموده و به پایکوبی و هرزه گویی می پردازند که این همه از بدعات و رسوم زشت در خلاف با طریقه ی پیامبر صلی الله علیه وسلم و سلف صالح است.)

۶. نصب نمودن چوب، تابلو، عکس، بیرق و جهنده و غیره موارد شبیه اینها.

۷. نوحه سرایی و داد و چیغ زدن بر سر قبر ها.

۸. لمس کردن و باد نمودن خاک میت بر سر روی و جامه ی خود.

۹. نماز خواندن به سوی قبر.

۱۰. سجده کردن قبر.

۱۱. شفا خواستن از قبر و یا میت.

۱۲. خواستن اولاد از قبر (بعضی ها به زیارت ها رفته و طلب اولاد و رهایی از

بی اولادی از قبر و یا میت می نمایند که گویا آن میت شهید و آدم نیکوکاری بوده و این کار این شخص می تواند باعث رهایی از مشکلات پیش آمده اش شود در حالی که این عمل به طور مستقیم شرک و گناه کبیره است؛ چون غیر الله سبحانه و تعالی هیچ کسی چه زنده جان و یا مرده جان نمی تواند از کسی چیزی که بر آن مقدر شده بگیرد و یا بدهد.)

۱۳. کمک و مدد جویی از مرده گان.

۱۴. بول و ادراار نمودن بر سر قبر ها و انداختن کثافات و مواد های اضافی خوراکی.

۱۵. پایمال نمودن قبر ها.
۱۶. آتش افروختن بر بالای قبر.
۱۷. حكاكى نمودن و پخته كارى نمودن قبر.
۱۸. چگونه و رنگ و روغن نمودن قبر.
۱۹. عقیده داشتن به اینکه صاحب قبر به فریادش می رسد و کمک اش می کند.
۲۰. ذبح نمودن حیوانی چون بز و گوسفند و... برای زیارت قبر.

و اما در بعضی مناطق و جاها رسم و رواج است که هرگاه میت را دفن و کفن کنند یک شخص را تا غروب آفتاب یا شام آن روز بر سر قبر می نشانند تا میت در قبر تنها نباشد و ترسد، بعد از آن تا سه روز بعد از نماز صبح اکثر مردم محله، خویشاوندان میت، همراه امام مسجد بر سر قبر می روند و این را یک امر لازمی و ضروری می دانند که اگر کسی نرود او را ملامت و نکوهش می کنند؛ اگر امام مسجد نرود او را از امامت مسجد برکنار می نمایند، عوام مردم فکر می کنند که تا سه روز بعد از نماز فجر بر بالای قبر رفتن فرض است و به نرفتن اش گنهگار می شود و مورد عتاب و سرزنش مردم قرار می گیرد، هستند کسانی که به نماز صبح بیدار نمی شوند، نماز را ترک می نمایند و خود را در قطار مردم بالای قبر رفتن حاضر می سازد و برای ادای فریضه الهی دو رکعت نماز صبح را آماده نیست بخواند و در مسجد رفته و به جماعت بپردازد تا در امان الله سبحانه و تعالی قرار گیرد.

برادر و خواهر عزیز و مسلمان! رفتن بر بالای قبر و زیارت از گورستان وقت و زمان مشخص ندارد و برای عام مردم هم لازم نیست تا همراه امام مسجد به گورستان بروند؛ اگر مقصد خبرگیری میت و اهل گورستان بوده باشد چند تن از مردم نزدیک به میت کفایت میکند که در جریان روز هر وقت و زمان خواسته باشند بروند و اگر گاهی زیارت قبر، دعا و استغفار برای میت باشد هم بعد

از نماز صبح با امام مسجد و جمع کثیری از مردم امر لازمی و واجب الاجرا نیست که کسی نرود و مورد سرزنش قرار گیرد. هیچ روایتی وجود ندارد که تمام مردم با امام مسجد الی سه روز حتمی بعد از نماز فجر بر سر قبر بروند و بعد از سه روز دیگر میت رابه فراموشی بسپارند؛ پیامبر صلی الله علیه وسلم، هر زمان که میخواست به زیارت قبر میرفتند و برای اهل مقبره سلام و دعا می نمودند حتی در قسمت های از شب؛ اما از مردم دعوت نمی نمود تا همراه اش به زیارت قبور بروند و کسی که نرفت از وی ناراحت نمیشد و کسی را به نرفتن اش نیز ملامت نمی نمود.

بعضی ها زمانیکه بر بالای قبر رفت قبل از اینکه سلام کند و دعا نماید، سنگ بالای قبر را دق الباب میکنند یعنی با انگشتان اش به سنگ قبر می کوبد و اسم میت را صدا می زند به این معنی که من نزد ات آمده ام و تورا فراموش نکرده ام، با این کارش می گیرید و نوحه سرایی میکند؛ اینگونه اعمال در دین هیچ اصلی ندارد، اگر جواز می داشت پیامبر صلی الله علیه وسلم این عمل را انجام میداد و به انجام دادن آن تاکید می ورزید. مسلمان خوب در پی تلاش و جستجوی حق می باشد، او نمی خواهد از مسیر حق کنار رفته و از نزد خود در دین و شریعت برنامه ریزی کند، آنچه را که سنن و شریعت اسلامی است به آن عمل می نماید. هیچ بخش زندگی از رهنمود های اسلامی خالی نیست. شریعت اسلامی در تمام ابعاد زندگی دخالت نموده و رهنمایی هایی دارد. هر کار و عمل که خلاف ارشادات و اوامر اسلامی صورت می گیرد در آن اجر و پاداش نبوده و عواقب و ضرر های بد و منفی در دنیا و آخرت دارد.

### ترحم و غم شریکی با خانواده ی میت

اگر کسی وفات می کند و یا کشته می شود تمام همسایه ها و اقارب میت، خود را در غم و مصیبت آن خانواده شریک باید بدانند. در تکفین و تدفین میت، تهیه

غذا برای زن و فرزند خانواده‌ی به عزا نشسته و دیگر موارد مورد ضرورت شان باید سهم فعال و درست گرفته شود؛ زیرا این اعمال اجر بزرگ نزد الله سبحانه و تعالی دارد. غسل دادن میت، کفن نمودن، جنازه و دفن آن، همه و همه اجر و پاداش گرانبهای دارد؛ آنهایی که بر خانواده و اهل میت ترحم و شفقت می‌نمایند، الله سبحانه و تعالی بر آنها سیلی از رحمت اش را جاری می‌سازد.

### و انما یرحم الله من عباده الرحماء (متفق علیه)

تنها اشتراک نمودن در جنازه‌ی یک مسلمان و اداء نمودن آن به اندازه کوه احد اجر و پاداش دارد؛ اینکه اگر کسی بعد از جنازه به گورستان جهت مراسم تدفین کسی برود اجرش دو برابر کوه احد می‌گردد، و اگر فردی و یا کسی برای بازمانده‌گان و یتیم هایش غذا تهیه نماید، شکم گرسنه و بیوه و یتیم مسلمان را سیر بسازد، شما دقت بکنید که به چه اندازه اجر و پاداش خواهد گرفت؟ اگر فردی دست مرحمت بر بالای یتیمی می‌کشد مورد مهربانی الله سبحانه و تعالی قرار می‌گیرد و به اندازه‌ی موی که زیر دستانش هنگام لمس موها به وجود می‌آید به همان اندازه اجر و پاداش داده می‌شود. اگر میت قرض دار است و دین دارد و آنرا ادا کرده باشد چه بهتر که پول و یا قرض صاحب مال داده شده باشد و اگر نداده باشد و خانواده‌ی آن توان باز پرداخت آنرا نداشته باشند، و در این صورت اگر صاحب قرض ببخشد و از مال داده شده صرف نظر نماید صرف برای اینکه رضامندی الله سبحانه و تعالی را کسب کرده باشد، الله سبحانه و تعالی رزق و روزی اش را برکت داده و چند برابر خواهد کرد و این عفو و گذشت و پرداخت قرض بزرگترین قربانی و ایثار است که با خانواده میت و خود میت صورت می‌گیرد.

با تاسف! بعضی از مسلمانان در هنگام مرگ و جنازه یک انسان در باب قرض خود سخت گیری میکنند که اول باید قرض مال مرا بپردازید و بعد

دفن اش کنید، این دعوا و خواست اش درست و بجا است و حق دارد که مال مقروضه اش را مطالبه نماید؛ اما فرد فقیر و گرسنه‌ی که هیچ چیز برای ادای قرض ندارد و میت، بیوه و یتیم های خورد سن و سال و محتاج از خود بجای گذاشته است پس با آنها باید مراعات نمود و اگر شخص صاحب دین و قرض، بخشش نکند، شخص دیگری برای رضایت الله سبحانه و تعالی، باید قرض میت را ادا نماید و گردن وی را از قرض بنده آزاد نماید.

رسول الله صلی الله علیه و سلم هنگام جنازه مرد مسلمان از همه می پرسید که آیا صاحب یا برادر فوت شده تان از کسی قرض دار نیست؟ اگر می گفتند است، می فرمود جنازه را شما بخوانید، خودش از تشیع جنازه منصرف می شد تا زمانی که قرض هایش پرداخت نمی گردید. و در روایت دیگری آمده است:

### نفس المومن معلقه بدینه حتی یقضی عنه (ترمذی)

ترجمه: نفس یا روح مومن معلق یا محبوس است تا زمانی که قرض اش اداء گردد.

مسلمان خوب همیشه در پی همکاری با بیچارگان، بیوه ها، یتیمان، بی سرپرست و انجام اعمال شایسته می باشد تا از این طریق خود را به الله سبحانه و تعالی نزدیک ساخته و یکی از بنده گان نیک و خوب وی سبحانه و تعالی باشد؛ و اما تعداد دیگری از مردم بستر خود را در خانه‌ی عزاء دار و میت می گستراند و خود را مهمان ناخوانده برای عزادارن می سازد و خانواده و اهل عزا ناگزیر برای مهمانان غذا، بستر و پوشاک تهیه کنند و حتی برای ایشان حیوانی را ذبح می نمایند تا باشد که از مهمانان پذیرایی کرده باشند. خانواده میت بنام های شب جمعه گی، روز سوم، روز هفتم، چهل روزه گی، خیرات سر ماه، خیرات سالگرد و اول سال، مردم را غذا میدهند و پذیرایی میکنند که این همه در

دین و آیین شریعت اسلامی جایگاه و ریشه‌ی نداشته و کاملاً بدعت و رسوم ساخته‌گی مردم است.

اگر کسی توانایی مالی خوبی دارد، بدون تعیین وقت، هر زمان که خواسته باشد می‌تواند خیرات و صدقه نماید و با این کار نه شریعت و نه مردم مخالفت دارد؛ اما در خانه عزاداران مهمان شدن و حق یتیمان را به بهانه های مختلف ضایع ساختن، ظلم بزرگ است، مسلمان خوب نباید دست به کارهای بدعت، حرام، و خلاف اسلام بزند، به خانواده های مستحق، با یتیمان، مادران ماتم زده باید همکاری و کمک صورت بگیرد و تا حد توان باید کمک های غذایی و مالی شده و از مال یتیم استفاده کرده نشود؛ بلکه مال خودشان را برای یتیمان، بیوه زنان و ماتم زده‌گان وقف نمایند، جلورسم و عنعنات باطل و فاسد را بگیرند تا خانواده عزاداران از لحاظ مالی و روحی آسیب نبینند و متضرر نگردند، آنها را اقارب و دوستان شان به این تحریک نکنند که باید برای دوره و اسقاط قرض گرفته و دوره و اسقاط نمایند تا در نزد مردم کم جلوه داده نشوند یا قرض را برای انجام دادن مراسم بی مورد و خیرات های پر مصرف مروج گرفته و به مصرف برسانند تا مردم اینها را به خیرات نکردن و خیر نبودن متهم نکنند. اگر دیده شود که میت و خانواده آنها سرمایه کافی دارند و میتوانند که صدقه دهند و خیرات نمایند پس از سوم حصه مال خود میت برداشته و در راه خیر و خیرات به مصرف برسد؛ در صورتی اگر دیده شود که پول و سرمایه ی باقی مانده ندارد و حتی اینکه از عهده یتیم اش بر نمی آید در این صورت باید ما مسلمانان همراه ایشان همکاری و تعاون نماییم و حق ایشان نباید خورده شود، روزها و شب های طولانی را به بهانه مهمانی و عزاداری در خانه میت سپری نه نماییم، چشم های ما را نباید به مال بیوه و یتیم دوخته باشیم، اگر در توان ما بود باید از کیسه و جیب خود برای همکاری و همیاری عزاداران کمک نماییم و آنها را نباید تنها بگذاریم؛ به نام فاتحه خوانی، مراسم مهمانی و چای خانه ترتیب ندهیم، در



خانه و عبادت خانه دسترخوان های پر از میوه خشک، چای و قهوه، دوشک و بالشت های مجلل، چوکی های قطار قطار در جاده های مراسم و تعدادی دیگری را روی پا ایستاد نمودن برای پذیرایی استخدام نباید بکنیم که پسندیده نیست؛ اگر بحث مراسم عزاداری و فاتحه خوانی است، این در شریعت از خود شیوه و طریقه ویژه دارد که اگر به ارشادات شریعت و این مراسم موجه امروز دقت شود و این دو، مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد، اینها هیچگونه برابری با شریعت نداشته و کاملاً بیگانه و نا آشنا اند. علماء و بزرگان دینی دعوت اجباری مردم را به مراسم، نشانند تعدادی از علماء و محاسن سفیدان را در صف های اول برای بیشتر از نصف روز، استفاده نمودن از بلندگوهای مساجد در مراسم فاتحه خوانی را به اینگونه دایر نمیکردند؛ چنین رسم های که امروز در میان آحاد مردم رایج است در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم، صحابه کرام رضوان الله علیهم اجمعین، تابعین، علماء سلف و بزرگان فقیهان دیگر نبود، این همه رسم و رواج های است که به سنت و ارشادات پیامبر صلی الله علیه وسلم ربطی ندارد. علماء و اهل خبره مسئولیت و مکلفیت دارند تا مردم عام و بی خیر را بفهمانند و آگاهی کامل دهند، به رسم و رواج های قومی و ناپسند صبغه و ریشه‌ی دینی ندهند، بدعت ها و خرافه ها را باید برای مردم معرفی نمایند و مسلمانان را از اسارت رسم های بیجا و باطل و نامشروع پیرامون غم، ماتم، و عزاداری که امروزه در میان مردم ریشه دوانیده و باعث اذیت مردم و عزاداران می شود، نجات دهند.



## آنگاه که راه می روید

اسلام عزیز تمام طریقه ها و روش های خوب زندگی را برای پیروان اش آموزانده است و زندگی فردی و اجتماعی زن، مرد، پیر و جوان را تضمین نموده است. هرگاه ما به رهنمایی های اسلام عمل نماییم با هیچ مشکل بر نخواهیم خورد. اسلام عزیز، برای حفظ عزت و آبروی شخص مسلمان شرایط و آدابی را در نظر گرفته است، اسلام دین عزت و عفت است، آداب سفر، آداب راه رفتن و بیرون شدن از خانه را نشان داده است که در هرکدام حکمت های نهفته است. هنگامیکه از خانه یا محل کار خارج می شوید باید نام الله ﷻ را به بزرگی یاد کنید **بسم الله توکلت علی الله، لا حول و لا قوه الا بالله** - را خوانده و به طرف راست خیابان، سرک و کوچه در حالی راه می روید که چشمان تان به طرف زمین فروکش شده باشد؛ از چشم چرانی جداً خود داری و پرهیز نمائید؛ چون جوان مسلمان برای چشم چرانی به کوچه و خیابان نمی رود، زیرا چشم چرانی در اسلام حرام است. الله ﷻ مردان و زنان مسلمان را به فرو گرفتن چشم

ها به زمین حکم می‌نماید که برای عفت، پاکدامنی و انحرافات جنسی نقش ارزنده دارد.

الله ﷻ می‌فرماید:

{قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ  
إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ} النور آیه - ۳۰

ترجمه: برای مومنان بگو چشم‌های خود را از نگاه به نامحرمان فروگیرند، عفاف و شرمگاه خود را حفظ کنند این برای آنان پاکیزه‌تر است، الله سبحانه و تعالی از آنچه انجام می‌دهند خبردار و آگاه است.

هنگام خروج از خانه و محل کار با ده‌ها تن از زنان نامحرم انسان رو به رو می‌شود که باید چشمانشان را فروکش کنند و همین حکم بر زنان مسلمان نیز است که هنگام برخورد با مردهای بیگانه و نامحرم چشم‌هایشان را به زمین پایین‌کنند و حجاب اسلامی را رعایت نمایند، این برای عفت و عزت ایشان است. از چشم‌چرانی پرهیز کنند؛ زیرا زن و مرد مسلمان مکلف است که به اوامر الهی عمل نمایند. حجاب که از ویژه‌گی‌های زن مسلمان است، چشم، چهره و محل زینت و آرایش ایشان را پنهان می‌دارد و فرصتی برای دیدن انسان‌ها و جوانان چشم‌چران و نامحرم نمی‌دهد. در بسا اوقات زنان بخاطر زیورات قیمتی‌شان، توسط آدم‌ربایان و سارقین ربوده شده‌اند که هم زیورات‌شان را با خود بردند و هم به ایشان تجاوز نموده و یا قتل و شکنجه کرده‌اند که یگانه علت‌اش بی‌حجابی و تنهاسفر کردن گزارش شده است. زنان مسلمان نسبت به ارشادات دینی که در آن حکمت‌های نهفته است نباید زیورات یا محل آن را ظاهر نمایند، خود را بدون حجاب به مردان اجنبی، بیگانه، نامحرم و مفسد نشان دهند و از زنان برهنه، بی‌حجاب، فاحشه و بی‌دین غربی و غرب‌مشرب تقلید کورکورانه و تبعیت نمایند؛ زیرا اینجا حکم الله ﷻ چنین آمده است:

{وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ

جُيُوبِهِنَّ...} النور - ۳۱

ترجمه: و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که طبعاً از آن پیداست و باید روسری خود را بر سینه خویش [فرو] اندازند.

این آیات با ترک حجاب و چشم چرانی مبارزه می کند و هدف اش حفظ عزت و عفت زن مسلمان است که پایمال نشود. امروز به هر اندازه که زنان حجاب را ترک کردند به چشم چرانی پرداختند به مراسم و محافل با مردان یکجا اشتراک نمودند، حجاب اسلامی را در هیچ حالتی نه تنها رعایت نکردند بلکه برعکس علیه آن مبارزه کردند، به همان اندازه عزت و عفت خود را زیر سوال بردند، الله سبحانه و تعالی را ناراض ساختند، خانواده، قوم و نسب خود را بی عظمت و حقیر ساختند و ندانستند که زن مسلمان در اسلام از جایگاه خاصی برخوردار است که مادر، خواهر و همسر افراد و اشخاص اند، آنها صاحبان عزت و عفت اند اگر زنی بی عفت می شود تمام خانواده آن زیر چتر بی عفتی قرار میگیرد، بنام مادر فلانی، خواهر فلانی و همسر فلان؛ این فلان های که از مقام و جایگاه خوبی در محیط و منطقه برخوردار بودند و مردم برای ایشان احترام می گذاشت حرمت و عزت شان را از دست میدهند.

**بلی مادران و خواهران گرامی:** در عصر ما که بعضی ها به آن عصر برهنه گی، بی حجابی و آزادی جنسی می گویند و افراد غرب زده و بی خبر از احکام و قانون اسلامی این همه بی بند و باری و بی حجابی زنان را از حق زن پنداشته و برای ترویج این فرهنگ ضد انسانی و ایمانی پول های گزاف را به مصرف می رسانند، مردم را دعوت میدهند و آن را جزء آزادی برای زنان تلقی می نمایند که برای آنان سخن از حجاب گفتن و چشم به زمین انداختن ناخوشایند و افسانه ای بیش نیست که در زمان های گذشته وجود داشته و منوط بر عصر حجر و عقب ماندگی است و حالا عصر آزادی، نواندیشی نوآوری و

نوفکری است. به قول خودشان که حجاب در کار نیست. این انسان های هوس باز، شهوت پرست و غرب زده تلاش می نمایند تا زنان را در اختیار عام و همه مردان قرار داده و به آسانی از آنان بهره کشی نمایند، لمس، بوسه، لبخند و آمیزش جنسی که حق شوهران است در آن خود را دخیل نمایند و زنان را به مسابقه عیاشی، نشان دادن اندام ها، متحرکین شهوت مردان و خوش گذرانی با مردان هوس باز و لجوج درگیر نمایند؛ مگر نمی دانند که برهنه گی، بی حجابی، نشان دادن محل زینت و آرایش برای مردان نامحرم، پیامد ها و عواقب بد دارد، چه مقدار مردم در دنیای غرب آلوده هوس بازی، فحشا و زنا هستند سالانه هزاران تن نوزاد نامشروع به دنیا می آیند و اکثر ایشان به امراض گوناگون به خصوص خودکشی، عصبی و روانی مبتلا اند که عامل اصلی آن برهنگی و آزادی جنسی است و شخصیت زنان را از بین برده و ارزش والای انسانی و شرافت وی را به فراموشی سپرده است. هرچه که خواستند در برابر زن انجام دادند و می دهند، عفت و عزت زن را ربودند و آنها را وسیله تبلیغات تجارتهای برای بازاریابی ها قرار دادند که حتی تصاویر زنان را روی شامپو ها، روغن ها، عطریات و پلاستیک ها و... برای جلب توجه مردم مورد استفاده قرار می دهند و تنها زن را به دید عروسک رفع غریزه جنسی می نگرند و بس؛ اما اسلام شخصیت زن را حفظ نموده است، برایش اجازه نمی دهد که مانند کالای بی ارزش و ارزان به بازار عرضه گردد با آلودگی ها و ناپاکی ها مبارزه می کند، راه عزت و شرف، پاکی و رسیدن به مقام شایسته انسانی را نشان می دهد، (ذلک ازکی لهم...) این طریقه اسلامی است که برای شان پاکتر و پاکیزه تر از همه مسیر هاست. بلی آنگاه که راه میروید متوجه باشید هدف تیر انسان های خرافی و هوس باز قرار نگیرید، حجاب اسلامی را رعایت کنید، با صدای بلند حرف نزنید، آواز خلخال، پای زیب و زیورات تان را بلند نسازید، در موبایل و تلفن بدون ضرورت مصروف نشوید و اگر ضرورت باشد خیلی آهسته صحبت نمایید، اگر مسیر دورتر باشد

تنها سفر نکنید، عکس و فلم زنان برهنه را تماشا نکنید، به تبلیغ آنائیکه به حجاب اسلامی و فرهنگ مسلمانان انتقاد و خرده گیری می کنند بدون فهم عمیق از مسایل و احکام دینی گوش فرانهید؛ زیرا این چیزهای است که در حفظ امنیت شما توصیه می شود. آنگاه که راه می روید لباس عزت را بر تن نمایید، این سبب انزوا و دور شدن از اجتماع نیست؛ بلکه حصار است که شما را از چشم چرانها و سو قصد ایشان محافظت می نماید. حجاب و پوشش اسلامی در هیچ کاری مزاحمت و موانع ایجاد نمی کند و نکرده است (به عنوان نمونه زنان عصرهای طلایی و قدرت مسلمانان، زنان امرزوه مالیزیا و...)، در راه رفتن میانه روی را اختیار نموده و به نخوت، تکبر، و خود ستایی گام برمدارید، از نشستن بر سر کوچه ها و جاده ها پرهیز کنید.

رسول الله ﷺ می فرماید:

### ایاکم و الجلوس علی الطرقات،

بر سر راه ها بدون ضرورت نشینید (ممکن برای عابرین مزاحمت شود به خصوص زنان و دختران) اصحاب (رضی الله عنه) عرض کردند:

### مالنا بد، انما هی مجالسنا نتحدث فیها

ترجمه: چاره نیست، ضرورت است در کوچه ها می برآییم سخن میگوییم، چه باید کنیم؟

رسول الله ﷺ فرمود: پس حق راه را در این صورت ادا نمایید. فاعطوا الطريق حقها گفتند: ما حق الطريق؟ حق راه چیست؟ پیامبر ﷺ فرمود:

غض البصر و كف الأذى، و امر بالمعروف و نهی عن المنکر...<sup>۲</sup> (متفق علیه)

۱. شرح النووي علی مسلم [النووي] ص، ج ۱۴، ص ۱۰۲  
 ۲. فصل الخطاب فی الزهد والرقائق والاداب [محمد نصر الدین محمد عویضة] ۱۰۱، ص ۱۷۴

ترجمه: چشمان تان را به زمین فروگیرید، کسی را اذیت نکنید، جواب سلام را بدهید، امر به معروف و نهی از منکر نمایید.

۱. فروکش نمودن و پایین انداختن چشمان به زمین حکم الله ﷻ است برای مردان و زنان که در صفحات گذشته عرض کردم، و این اولین حق راه و آداب راه رفتن است، آنگاه که راه می روید چشمان تان را به زمین فروگیرید.

۲. حق راه و آداب آن خودداری از آزار و اذیت است: در هنگام راه رفتن یا بر سر کوچه ها و خیابان نباید کسی را آزار و اذیت کرد؛ مسلمان خوب و جوان دین دار در مسیر راه کسی را آزار نمیدهد و شما جوانان مسلمان نیز از جملهی آنان باشید که جلو آزار دهنده گان را بگیرید، برای ایشان توصیه نمایند که آزار و اذیت انسان ها و حتی حیوانات گناه دارد. هستند تعداد از افرادی ادب که آداب راه رفتن را رعایت نمی کنند و زنان، دختران، مسافران، و عابری را اذیت می کنند. سافوت و شپلک (آواز و صدا) می زنند و بلند بلند می خندند، چشمان شان را به طرف رهگذر می اندازند، شماره های تلفن شان را نوشته جلو دختران و زنان می اندازند، حرکت های نامناسب را پیش روی عابری انجام می دهند، با صدای بلند آواز می خوانند، یاوه سرایی می کنند، چرند می گویند و دیگران را مسخره می کنند که این همه سبب آزار و اذیت عابری میگردد. این حق راه و مسیر است هنگام که به کوچه ها و جاده ها خارج میشوید حق آنرا ادا نمایید و به فرموده نبی اکرم صلی الله علیه و سلم، عمل نمایید.

۳. سلام دادن و جواب دادن آن: اگر کسی برایت سلام کرد جواب اش را بده و یا خودت اول سلام کن سلام نمودن حق راه، حق مسلمان و نشان از ایمانداری است.

۴. امر به معروف به کار های پسندیده امر نمودن و دور نمودن موانع چون سنگ، چوب، اشیا موذی، شیشه و غیره از سر راه.



۵. منع کردن از منکرات: کسانیکه کارهای زشت، اعمال نامشروع و خلاف اخلاق را در روی سرک، جاده و کوچه انجام می‌دهد جلوگیری نمودن.
۶. قضای حاجت بول و غایطه نکردن در سرک و کوچه، نینداختن مواد غایطه، خاکستر و خاک روبه‌ها به کوچه‌ها و خیابان. اگر اشیای موذی در سر راه باشد دور کردن اش صدقه است و ثواب دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم می‌فرماید:

### وتمیط الاذی عن الطریق صدقه'...

ترجمه: اگر اشیای موذی در سر راه باشد دور کردن اش صدقه است (بخاری و مسلم)

۱. تنگ نکردن راه و فشار نیاوردن بالای عابرین: سرک‌ها و جاده‌ها ملک مشترک همه مردم است از آن مانند خانه‌هایشان باید حفاظت کنند و آن را پاک نگهدارند و گذرگاه‌ها را برای عابرین وسیع و فراخ نمایند مثال مشهور و زیبایی داریم "شهر ما خانه ما، پاک و تمیز باشد لانه ما".
۲. در راه رفتن متوجه باشند که چتری، چوب دست، عصا، سلاح که به دست دارند باکسی برخورد نکنند و آسیب نرسانند. همچنان از تکان دادن و پایین و بالا نمودن دست‌ها در مکان‌های مزدحم اجتناب نمایند.
۳. راننده‌ها در مسیر از آداب راننده‌گی و قوانین ترافیکی کار گرفته عابرین و مردم پیاده را با بوق، شیپور، و بلندگوها و ترمز ماشین، اذیت نکنند و قانون راننده‌گی و ترافیکی را رعایت نموده به پلیس و ترافیک شهری احترام ویژه بگذارند.
۴. کسانیکه راه را گم کرده باشند، نزاع و جدال در سرک و خیابان‌ها ایجاد شده باشد و یا گرسنه و محتاج شده باشد، عذری برایشان پیش شده باشد

که موانع راه رفتن ایشان شده، برای شان باید کمک شود و دست شان را باید گرفت؛ چون این از اخلاق اسلامی و حق راه است.

۵. اعتدال در راه رفتن حتی اگر سوار بر ماشین های تیز رفتار، موتورسایکل، اسپ، شتر، مرکب و یا پیاده باشند میانه رویی را اختیار نمایند.

الله ﷻ می فرماید:

{ولا تمش فی الارض مرحا انا الله لا یحب کل مختار فخور... لقمان:

### آیه ۱۸

ترجمه: مغرورانه بر روی زمین راه مرو زیرا الله ﷻ هیچ متکبر مغرور را دوست نمیدارد.

آنگاه که راه می روید مواظب باشید که مطابق ارشادات قرآن و سنت گام برداشته شود و حق راه را پایمال نکنید، در مسیر راه از جمله ی انسان های باشید که خیرتان به مردم برسد نه شرتان. مسلمان خوب همه حرکات و سکنات اش در تطابق با احکام و قوانین اسلام می باشد. رسول الله ﷺ هنگام راه رفتن به آرامی و وقار راه می رفت، نگاه اش پیوسته به زمین افتاده بود و اگر با کسی رو به رو می شد می گفت اسلام و علیکم و... و از جمله ی اولین هایی بود که سلام تقدیم می کرد. قدم ها را به زمین نمی کشید، کسی مشکل میداشت برای حل مشکل ایشان می پرداخت. جوان مسلمان برای احیاء سنت و آداب راه رفتن هنگام خروج از خانه و سفر، سعی می ورزد حق راه را به گونه احسن ادا نماید، نمونه و الگوی خوب برای دیگران در راه رفتن در میان مردم باشد و برای ترویج و طریقه درست راه رفتن دیگران را دعوت می نماید.

آنگاه که راه می روید مواظب باشید تا شیطان شما را اغوا نکند.

## هنگام رانندگی

بہتر است هر کار به نام الله ﷻ آغاز شود، زیرا کار و عمل که به نام الله ﷻ آغاز می گردد در آن خیر است، رسول الله ﷺ می گوید: کار که به نام الله ﷻ آغاز نشود و یا نام الله ﷻ در آن گرفته نشود آن کار ناقص و ناتمام است، بسا رانندگان محترم هنگام رانندگی بسم الله... و یا آغاز نمودن با نام الله ﷻ را فراموش میکنند، ماشین و موتر را با موسیقی روشن می نمایند و با آهنگ های عشقی و سرگرم کننده به رانندگی آغاز میکنند، سیگار روشن می کنند و بعضی ها در جریان رانندگی در سفر و سیاحت های طولانی و گذراندن وقت خود از چرس و تابلیت «کا»<sup>۱</sup> (Tablet k) که مسکر و مست کننده است استفاده می نمایند؛ اگر

---

۱. این ماده مخدر روان گردان بسیار خطرناک یکی از مشتقات آمفتامین است که نام کیمیاوی آن میتایل دی اوکسی میتایل آمفتامین (MDMA) می باشد. یک بار مصرف تابلیت K مساوی است با تخریب حجرات دماغ و اختلال دائم در قدرت تفکر و تصمیم گیری.

این دارو از سبب عوارض جانبی خطرناک و بعضاً غیر قابل برگشت در جمله داروهای غیرمجاز شامل میباشد و استفاده آن در تمام کشورهای جهان ممنوع است.

چون تابلیت K به شیوه ی کیمیاوی و تغییر در ساختمان مولکول آمفتامین در آزمایشگاههای غیرقانونی ساخته می شود لذا میزان خالص بودن آن از یک آزمایشگاه به آزمایشگاه دیگر بسیار تفاوت دارد. البته ترکیباتی شامل متادون L.S.D و کتامین نیز به عنوان اکستیزی به صورت دست ساز در بازار موجود است که بسیار خطرناک است. این

راننده نیشه و مست شود دیگر نمیتواند که کنترل و اختیار ماشین را در دست داشته باشد، اینجاست که سفرها منجر به حادثه و تصادف می شوند و تعدادی

دارو بنام اکستسی که در فرهنگ فارسی به (وجد) و (نشاط) و از خود بیخود شدن معنی میدهد یاد میشود ولی نام های خیابانی زیادی از جمله بمب شادی، بمب هیجان، داروی عشق، داروی هم آغوشی، میتسوبیشی، سوپرمن، دندان گرگ، پوتین، ایفون، مرسدس بنز و... که در کشور ما بنام تابلیت K بیشتر مشهور است. اکستسی معمولا به شکل قرص های رنگی است که روی این قرص ها شکل هایی مانند قلب، ضربدر، پروانه، ستاره و حروف لاتین و... نوشته شده است. و در بسته بندی هایی به شکل های کارتونی مانند میکی موس و پوکمان ارایه می شود.

عوارض مصرف:

تابلیت کا ۲۰ دقیقه پس از مصرف به مغز می رسد و اثر آن بین ۴ تا ۶ ساعت ادامه دارد. تابلیت K بر شناخت، تفکر و حافظه اثر می گذارد و می تواند باعث اضطراب و توهم گردد. در بعضی از موارد فرد مصرف کننده دچار بیماری های روانی غیر قابل برگشت شده و حتی آثار مخرب مصرف اکستسی تا ۷ سال پس از یک بار مصرف در اسکن های انجام شده مغز مشاهده میشود و گزارش هایی نیز در مورد اقدام به خودکشی و خودزنی پس از مصرف آن رسیده است. فرد مصرف کننده دچار هیجان بیش از حد شده و می تواند ساعت های متوالی به رقص و پایکوبی بپردازد. اما پس از مدتی دچار تجربیات و آثار مخرب و ناخوشایندی مانند: بی قراری، رفتار آشفته و پریشانی، افزایش حرارت بدن، افزایش ضربان قلب، گرفتگی فک و عضلات خشک شدن دهان تشنگی و غیره میشود. از میان عوارض یاد شده افزایش حرارت بدن میتواند منتج به مرگ گردد.

چون از یک سو باعث بلند رفتن فشارخون، بی نظمی در ضربان قلب، کاهش نمک و آب بدن و نارسایی گرده می شود واز سوی دیگر اگر حرارت بدن بیش از حد افزایش می یابد آسیب جدی به مغز وارد ساخته و می تواند موجب مرگ فرد شود. ولی مهمترین و پایدارترین عارضه تابلیت K اختلال دوامدار در تفکر و تصمیم گیری درست می باشد.

عوارض نشانه های مصرف طولانی مدت: ...

- ۱- نداشتن هدف در زندگی و پوچ گرایی
- ۲- رفتار پرخاشگرانه و بی پروایی
- ۳- قفل شدن فک ها
- ۴- ساییدن دندان ها به هم
- ۵- خیره شدن به یک نقطه
- ۶- بی علاقهگی به مسایل روزمره، تحصیل، ورزش و غیره
- ۷- انتخاب دوستان جدید و رها کردن دوستان پیشین

شیوه تشخیص:

برای تشخیص از آزمایش ادرار و موی سر استفاده می شود.

تداوی:

چون اثرات تابلیت K به صورت تحلیل و نابودی حجرات دماغ است این اثرات غیر قابل بازگشت است متأسفانه اعتیاد به تابلیت K تداوی ندارد به علاوه اینکه بسیاری از افراد به علت مشکلات روانی حاصل آن لازم است به شکل طولانی مدت تحت تداوی قرار گیرند.

منبع: انجمن شفاخانه های خصوصی افغانستان، پیرزاد، دوکتور نفعی الله.

از مسافرین مریض و تعدادی هم زخمی و کشته می‌شوند که آقای راننده از بی‌پروایی و کشیدن چرس زیاد و مواد های نشه آور سبب مرگ و میر مسافرین گردیده است، در بعضیی موارد و روایت ها خود راننده بعضی اوقات از شدت مستی و افزودن سرعت به ماشین به اثر تصادف کشته شده است و در بعضی اوقات به زندان ها برده می‌شوند، این همه هرزه‌گی، استفاده از مواد های نشه آور چون تریاک، چرس، شراب و تابلیت k و غیره برای چه؟

چیزی که عقل و هوش را صدمه می‌زند، جان و روان را آزار می‌دهد، زندگی و حیات را پر خطر می‌سازد، در حالت رانندگی اگر یک لحظه غفلت شود زندگی راننده و مسافرین برهم می‌خورد؛ پس چرا باید از مواد مسکر و نشه آور در جریان سفر و رانندگی استفاده کرد؟

یک راننده مومن و مسلمان هنگام آغاز سفر و راننده‌گی تلاش می‌کند تا بعد از تنظیم و آماده ساختن ماشین و دستگاه مسافری برای زمانی که روی جلو ماشین نشست سه بار با نام الله سبحانه و تعالی تکبیر گفته و ماشین را روشن می‌نماید و دعای سفر را می‌خواند.

{سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرْنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ} الزخرف: آیه-۱۳

ترجمه: پاك است کسی که این را برای ما رام کرد و گرنه ما را یارای رام ساختن آنها نبود.

و دعاهای دیگر که از احادیث نبوی پیرامون سفر نقل شده است اگر یاد داشته باشد بخواند، برای آسان و سهل شدن سفر دعا کند، از سختی ها و شر سفر در مسیر راه به الله سبحانه و تعالی پناه برد، با خواندن تسبیح و تحلیل، تلاوت های قرآن عظیم الشان، تبلیغ علماء بنیشیند و با نعت های اسلامی سفر را رنگین سازد، اگر در مسیر راه خطر و خوف دشمن، سارقین و دزدان باشد دعاء خوف و ترس را بخواند:

### إنا نجعلك في نحورهم ونعوذ بك من شرورهم<sup>۱</sup>

ترجمه: خدایا! تورا در مقابل ایشان قرار میدهیم و از شر ایشان به تو پناه

میبریم.

راننده مسلمان با مسافری سلوک خوب نموده و ایشان را در سفر همکاری می نماید، سفر سخت و دشوار است، سفر را رسول الله ﷺ قطعۀ ی از عذاب خوانده است که خواب، غذا و راحتی که در خانه و حال اقامت است در سفر نمی باشد، راننده مسلمان مسؤل امنیت، آسایش، غذا و خواب مسافر می باشد باید مسافر را به جای امن، غذای درست و هتل مناسب رهنمایی کند، اگر مریض شود برای رساندن به داکتر، در مسیر راه یا توقف دادن ماشین چند لحظه برای راحت شدن و تفریح همکاری و کمک اش کند، هنگام فرا رسیدن نماز در کنار سرک، پهلوی مسجد جایکه امکانات آب و وضو باشد توقف نماید تا مسافری نماز را در وقت اش اداء نمایند، متاسفانه بعضی از رانندگان هنگام نماز مسافری را به غذا خوردن مصروف می کنند و خود شان مصروف غذا خوری و صرف چای در هتل میشوند نماز را فراموش می نمایند. آنهایی که به خواندن نماز مصروف میشوند از خوردن غذا محروم میشوند برای ایشان فرصت غذا خوری داده نمی شود و آنهای که غذا می خورند فرصت نماز خواندن برای شان نمی دهند که ناوقت می شود باید حرکت کنند و بعضی دیگر از راننده ها عادت دارند مسافری را برای اداء نماز پایان می کنند و خود شان مصروف کشیدن سیگار و چرس می شوند نماز نمی خوانند و فرصت کافی برای نمازگزاران مسافر نمیدهند آنها بسیار عجولانه و سریع وضوء نموده دو رکعت نماز می خوانند که نه قیام درست می کنند، نه قرائت درست و نه هم رکوع و سجده درست که الله ﷻ به این گونه نماز نیاز ندارد، همین راننده که

۱. کتاب فتاوی الشبکه الإسلامية [مجموعه من المؤلفین] ج-۳ ص-۳۰۶

سیگار و چرس روشن نموده مسؤل نماز مسافرین می باشد قبل از اینکه مسافر نماز را تمام کند راننده و یا شاگرد اش بوغ و شیپور می کشند، صدا می کنند، که ناوقت شد موتر می رود حرکت کن، جا نمائی، مسافر حیران می شود چگونه نماز بخواند در حالیکه تا هنوز وضو را تمام نکرده است؟ راننده ی خوب و مسلمان خود اش نماز میخواند و برای مسافرین مسلمان وقت کافی میدهد تا فریضه الله سبحانه و تعالی را درست اداء کنند با خشوع و خضوع نماز بخوانند، به عاجزی و انکساری دعا نمایند؛ زیرا دعاء مسافر قبول می شود و خطر های که پیش رو دارد از برکت دعا و تضرع دفع می گردد، کسی نمیداند که چند لحظه بعد در مسیر راه در سفر چی حوادثی به وقوع می پیوندد؟ آیا سلامت به مقصد می رسد؟ و آیا سفر بدون تکلیف و پریشانی خواهد بود؟ پس در سفر نباید الله ﷻ را فراموش کرد و حرکات شیطانی را به خود اختصاص داد، رسول الله ﷺ می فرماید:

هر گاه که سفر نمودید یکی از شما باید آمر سفر باشد و آمر سفر مسؤلیت حرکت، توقف، خواب، غذا، نماز، انتخاب مسیر و راه را میداشته باشد.

در عصر ما آمر سفر همان آقای راننده است در سفر های زمینی، ملاح یا کشتی بان در سفر های بحری و خلبان در هوا پیما و سفر های هوایی؛ پس این آمران سفر مسؤلیت خویش را در قبال مسافرین باید بدانند و حق که مسافر بالای ایشان دارد در نظر بگیرند، مسؤلیت ایشان تنها جمع آوری پول و گرفتن اجره نیست، راننده خوب و مسلمان در هنگام سفر، مسافرین را با دود غلیظ و بوی آزار دهنده چرس و سگرت اذیت نمی کند، گوش های مسافرین را با بلند نمودن موسیقی پر از گناه، خرافه و صدای شیطانی نا خوشایند آزار نمیدهد، راننده خوب برای سهولت مسافر و آزار ندادن مخلوق در مسیر راه می اندیشد، قانون رانندگی را در نظر گرفته و هیچ حیوان و انسانی را آزار نمیدهد، الله ﷻ را هر وقت یاد می کند نماز اش را در وقت اش میخواند، حقوق کسی را پایمال

نمیکند، به مسافر و آنچه که با خود دارد از وسایل و اسباب خیانت نمی نماید، از استعمال مخدرات پرهیز می کند، به قصد به دست آوردن روزی و لقمه حلال به کار آغاز می نماید، در کارش خیر و برکت است بِسْمِ اللَّهِ حمایت اش میکند، مسافرین برایش دعا می کنند و اوقات اش به خوبی سپری می شود. پس از راننده های خوب باشید، از آنانی باشید که حق الله بِسْمِ اللَّهِ و مسافرین را به طریق احسن و درست ادا مینمایند، از آنانی باشید که رانندگی ایشان خالی از تقوا و پرهیز نیست، از آنانی باشید که متصف به اخلاق عالی و اسلامی میباشند، فریبکار، دروغگو، خاین، دزد، خشین و بد اخلاق نباشید

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعَثَاءِ السَّفَرِ. وَمِنْ كَأَبَةِ الْمُتَقَلِّبِ، وَمِنْ سُوءِ  
الْمَنْظَرِ فِي الْمَالِ، وَالْأَهْلِ وَالْوَالِدِ (مسلم)



## حفاظت زبان

نگهداری و حفاظت از زبان امر دیگریست که مسلمانان برای حفاظت آن مکلف اند. مسلمان خوب زبان اش را کنترل و اداره می نماید و نمی گذارد که ساعت ها به غیبت، هرزه گویی و بیهوده سرایی بگذرد.

عبد الله بن عمر (رضی الله عنه) روایت میکند که پیامبر ﷺ فرمود:

### من صمت نجا (ترمذی)

کسی که خاموشی اختیار کند رستگار می شود.

البته خاموشی از شر و بدی و آنچه که گفتن اش گناه دارد و سبب اذیت دیگران می شود.

در روایت ابومنصور دیلمی آمد است:

### الصمت حکمه و قلیل فاعله...

خاموشی حکمت و دانش است اما کننده آن اندک.

مثل مشهور است "زبان هم قلا است و هم بلا" "زبه هم کلا ده و هم بلا"،

زبان اگر اداره و حراست شد، قلا است و انسان را حفاظت میکند و عذاب نمی‌شود، بی‌عزت نمی‌شود، به زندان نمی‌رود؛ و اگر زبان حفاظت نشد هر چه خواست بیرون انداخت به آبرو و عزت و شخصیت دیگران تجاوز کرد آن‌زمان بلا می‌شود. دروغ، غیبت، دشنام، مسخره، استهزا، لقب و نام بد گذاشتن، سرزنش و آبروریزی همه به وسیله زبان صورت می‌گیرد، بد زبانی آفت بزرگی است که انسان را به آسانی به جهنم می‌برد، انسان‌های بد زبان آنانیکه مردم را توسط زبان هدف می‌گیرند، تیرهای عمیق و کشنده بد زبانی ایشان قلب‌ها را مجروح و زخمی می‌سازد و زبان‌شان در جهنم عذاب کرده میشود و عذاب جهنم چه عذاب جانکاه و دردناکی است.

رسول الله ﷺ می‌فرماید:

مَنْ يَضْمَنُ لِي مَا بَيْنَ لِحْيَيْهِ وَمَا بَيْنَ رِجْلَيْهِ، أَضْمَنُ لَهُ الْجَنَّةَ<sup>۱</sup>

ترجمه: هر که زبان و شرمگاه خود را برای من ضمانت کند من بهشت را برایش ضمانت میکنم.

یعنی زبان را از گفتن کلمات کفری، شرک، گناه و حرف‌های زشت، نامشروع و ناسزا حفاظت کند و فرج را از استعمال نامشروع چون زنا و لواط نگه دارد، رسول الله ﷺ بهشتی بودن اش را تضمین می‌کند.

اکثرا چیزهای که انسان را به دوزخ می‌برد همین دو عضو انسان است:

۱. زبان

۲. شرمگاه

در صورت حفاظت این دو عضو، انسان از بزرگترین خطر و عذاب نجات میابد. زبان خطر عظیم دارد و رهایی از آن جز به خاموشی و سکوت امکان‌پذیر نیست، اینجاست که رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: خاموشی حکمت است. همه

۱. کتاب مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح [الملا علی القاری] ج-۷ ص-۲۵

سخنان کفر آلود، شرک آمیز، فحش که سبب قهر و غضب الله سبحانه و تعالی می‌گردد توسط زبان اجرا می‌شود.

علما نقل می‌کنند که روز قیامت الله ﷻ زبان را سخت‌ترین عذاب می‌کند و زبان شکایت می‌کند که ای الله مرا چنان عذاب کردی که دیگر اندام‌ها را چنین عذاب نکرده‌ای الله ﷻ می‌فرماید: از تو سخنی برآمد که به شرق و غرب رسید، و در نتیجه آن خون بی‌گناهان ریخت، مال‌های مردم به ناحق گرفته شد؛ پس سوگند به بزرگی و جلال‌ام ترا چنان عذاب دهم که دیگر عضو‌ها را نداده باشم. تا وقتیکه زبان راست نشود، دل راست نمی‌شود، تا دل راست نشود ایمان راست نمی‌شود؛ پس برای پاکی و راستی دل و ایمان زبان را پاک و راست نمود. مسلمان حقیقی و خوب همان است که به زبان‌اش کسی را آزار ندهد و زبان‌اش را در اختیار عقل خود داشته باشد.

ناسزا و زشت گفتن نیست کار عاقلان  
از برای نرم گفتن شد زبان بی‌استخوان  
رسول الله ﷺ می‌فرماید:

طَوَّبِي لِمَنْ أَمَسَكَ الْفُضْلَ مِنْ لِسَانِهِ وَأَنْفَقَ الْفُضْلَ مِنْ مَالِهِ... 'مجمع  
الصحابه

ترجمه: خوشا به حال آنکه فضل زبان یعنی زیادی زبان را نگه میدارد و زیادی مال را نفعه می‌کند و می‌بخشد.

به این معنی که سخنان هرزه، بیهوده و بدون ثواب را نمی‌گوید، زبانش را امساک یعنی بند می‌کند سخن زیادی و دور از حق را نمی‌گوید. و همچنان مال را جمع و ذخیره نمی‌کند. زیادت مال را بنام الله سبحانه و تعالی صدقه و خرچ می‌نماید، خوشا به حال چنین کس.

۱. تخریج أحادیث الإحیاء = المغنی عن حمل الأسفار [العراقی، زین الدین] ص-۳

عبدالله بن مسعود (رضی‌الله‌عنه) می‌گوید: قسم به الله که جز او معبودی نیست هیچ چیزی از زبان نیازمندتر به زندان طولانی نیست. انسان برای نجات از آتش جهنم باید زبان را زندانی کند و اجازه ندهد به هر طرف حمله و هجوم نماید در عقب هرکس و ناکس غیبت و گفتگوی بدون ارتباط نموده برای خود گناه جمع کند. تأسف است بحال آنانیکه به مساجد می‌روند جهت عبادت، نماز، توبه و تضرع آنجا زبان‌ها را بدون اختیار می‌گذارند و هرچه می‌گویند پیرامون این و آن، سخنان دنیوی، بی‌مورد، بی‌فایده در جاده‌ها و پارک‌ها و حجره‌ها جمع میشوند ساعت‌ها غیبت می‌کنند، افسانه می‌گویند، عقب زنان و دختران مردم سخن‌های تهمت‌آمیز می‌زنند، سخنان پر از تحقیر و توهین در حق افراد و اشخاص می‌گویند، پیش خود به نحو سیاست بازی می‌کنند و گاهی حکومت می‌سازند و برای بعضی مقام و مرتبه تعیین می‌کنند، بعضی‌ها را از مقام‌اش دور می‌سازند؛ همه این گفته‌ها هیچ ربطی به این‌ها ندارد مجلس‌هایشان همه خرافه، سخنان بیهوده، هرزه. یاوه‌زبانان هرچه می‌خواهند می‌گویند و بالای زبان‌شان حاکم نیستند، زبان‌زندان کرده نمیتوانند، همه حرف‌ها را می‌زنند و هرچه خواستند می‌گویند؛ در این تنها گناهی که زبان جمع می‌کند برای رفتن به دوزخ کفایت‌کننده است. تعدادی از جوانان (دختران و پسران) در تلفن، فیسبوک، انستاگرام، تلگرام، واتساپ، تویتر، یوتیوب، تیک‌تاک و غیره برنامه‌های اجتماعی خود را مصروف سخنان هرزه‌ی زبانی و نوشتاری می‌کنند، یاوه می‌گویند، چرند می‌نویسند که اصلاً مناسب حال ایشان نیست. جوان مسلمان نباید وقت طلایی و با ارزش خود را صرف چنین چیز نماید و برای خود ساعت‌ها گناه را جمع کند و خود را از زبان و پنجه به آتش جهنم آویزان کند. رسول الله ﷺ می‌فرماید: مسلمان خوب همان است که سایر مسلمانان از دست و زبان وی در امن باشند. ما باید مسلمان خوب باشیم تا مسلمان بد و آدم آزار.

معاذ بن جبل (رضی الله عنه) گفت: ای رسول (صلی الله علیه و سلم)، برایم سفارش بفرما: رسول الله ﷺ فرمود:

اعبد الله كأنك تراه و اعدد نفسك من الموتى و ان شئت انباتك بما هو املك لك من هذا كله- و اشار بيده الى لسانه... (طبرانی).

ترجمه: الله ﷻ را چنان عبادت و پرستش کن که گویا تو او را می بینی، و نفس ات را از مرده گان بشمار، اگر می خواهی تا ترا به چیزی آگاه سازم که از تمام اینها بیشتر ملک تو شود و با دست خود اشاره به زبان کرد.

زبان را باید حفظ نمایی و چیزی که با تو ارتباط ندارد به گفتن اش وقت ضایع می شود و گناه دارد مگو، برای عذاب شدن زبان خود حساب و کتابی نساز؛ به جای آن الله سبحانه و تعالی را ذکر کن در باره کار و امر خیری تفکر و تدبر نما و یا اقلأ سکوت و خاموش باش تا گنهکار نشوی.

رسول الله ﷺ می فرماید:

مِنْ حُسْنِ إِسْلَامِ الْمَرْءِ تَرْكُهُ مَا لَا يَعْنِيهِ... (ترمذی)

ترجمه: کنار گذاشتن کار بی فایده و غیر مهم از حسن و و خوبی اسلام شخص است.

تمام روز ناسزا و زشت می گویند و نام اش را گذاشتند سرگرمی مثل اینکه نام شراب را نوشابه بگذاری با نوشابه گفتن شراب حلال نمی شود همچنان با سرگرمی گفتن یا اینکه شوخی و مزاح بود از گناه زبان رهایی نیست. فرو رفتن در باطل و بحث های بی مورد انسان را تباه میکند.

{وَكُنَّا نَحُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ...} مدثر: آیه، ۴۵

ترجمه: ما با باطل گرایان و گمراهان در باطل و گمراهی فرو می رفتیم

در قیامت هنگامیکه از دوزخیان پرسیده شود چه چیز شما را به جهنم آورد؟ همین جواب را میدهند که با زبان مان تمام روز با گمراهان و باطل گرایان گفتگو میکردیم و در سخنان لهو، هرزه، کفری، شرکی، بیهوده فرو می رفتیم که این سبب شد وارد جهنم شویم.

مجالس امروزی ما هم از زنان و مردان، جوانان و پیران اکثرا گرفتار، خوض، باطل، مجادله، مناقشه، ستیزه جویی و سخنان پوچ اند، برای اینکه اهل مجلس را خوش کرده باشند، بخندانند و شاد باشند به گفتن باطل و یاوه فرو می روند در آخر مجلس هرکس سهم خود را از گناه بر میدارد. مجلسی که در آن ذکر الله ﷺ و درود بر رسول اکرم صلی الله علیه و سلم گفته نشود در آن خیر نیست، سهم گرفتن در چنین مجالس گناه دارد، (الوحدہ خیر من جلیس السوء...) تنهایی بهتر از همنشین بد است. تعداد دیگری زبانشان را در توصیف، ستایش و مدح مخلوق مصروف می کنند، برای رهبران کاذب، مکار و خودکامه می گویند و می نویسند، در مدح و ستایش آنها آنقدر زیاده رویی و تجاوز می کنند که به دروغ می انجامد. در مورد آن شخص اصلا معلومات ندارند بدون تحقیق ستایش با ریا و تزویر، تعریف و تمجید از حد بیرون را مینماید که در حقیقت آن شخص چنین نمی باشد. زبان و وقتش را بخاطر آن مصرف میکند اگر این شخص که برایش مدح و ستایش شده فاسق، ظالم و نا اهل باشد الله سبحانه و تعالی از این کار ناراض می شود و این جواز ندارد رسول الله ﷺ می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ لِيَغْضَبُ إِذَا مَدِحَ الْفَاسِقِ...<sup>۱</sup>

ترجمه: بدون شک الله ﷻ غضب می شود هنگامیکه شخص فاسق ستایش کرده شود.

زبان، نعمت الله سبحانه و تعالی است که به واسطه آن داشته های دلت

۱. کتاب تخریج أحادیث الإحیاء = المغنی عن حمل الأسفار [العراقی، زین الدین] ص - ۵۹۵

را بیرون مینمایی، مزه و ذایقه اشیاء را می چشی در خوردن غذا و بلعیدن آن استفاده میکنی به هر لسانی بخواهی سخن میگویی؛ پس این را در صفت و مدح افراد و اشخاص مصروف نکن و به عوض آن الله ﷻ را توصیف کن، کسی را ستایش کن که زبان را برایت ارزانی کرده است. زبان را به دروغ، یاوه، ناسزا آلوده مگردان و آن را قصدا در آتش جهنم نه انداز و عذابش مکن؛ اگر زبانت به اثر دروغ، تهمت، ناسزا و ستایش انسان های غدار، ظالم، متجاوز و بی رحم گنگ شود کسی است که نجات ات دهد و از گنگی رهایی ات دهد؟ هرگز نه، هیچ کس این قدرت را ندارد؛ پس زبان را از یاوه گوئی و سخنان باطل حفاظت نموده و الله سبحانه و تعالی را غضبناک و خشمگین نسازید.

**بلی جوانان مسلمان و دین دوست:** شما نیروی نجات هستید هر جا که مردم به مشکل مواجه شوند جوانان به کمک ایشان می رسند، آنانیکه روزها، هفته ها، ماه ها و سالها در وصف مخلوق مصروف اند برای مخلوق می خوانند، می نویسند و زبان شان را به سخنان باطل، زشت و ناروا آلوده می کنند، شغل ایشان ستایش دروغین اشخاص فاسق و ظالم است کمک کنید حق زبان را برای ایشان بفهمانید گناهی هرزه گوئی و ستایش های بی مورد را برای ایشان بفهمانید و در مورد حفاظت و حراست زبان برای ایشان ساعت ها سخن بگوئید و اگر به گفته های شما گوش فرادادند هرگز ناراحت نشوید، این وظیفه شخص مسلمان و جوان دین دوست است، این مسولیت جوانان مسلمان و دعوت گر است، جوانی که می خواهد فردای قیامت در تپه های مشک و در زیر سایه عرش الله ﷻ قرار بگیرد و او از گفتن حق دلتنگ نمی شود، حفاظت زبان از بدیها وظیفه هر مسلمان است. مسلمان خوب بد زبان نمی باشد در گفتار تکلف نمی کند، برای حفاظت زبان خود و سایر مسلمانان تلاش می نماید؛ پس مسلمان خوب باشید و زبانتان را از هرزه گوئی و یاوه سرایی، تهمت زدن و دروغ گفتن نگهدارید.





## فال بینی و کهانت

اسلام دین پاک و منزّه از فال، شگون، غیب گویی، کهانت و غیره می باشد. طریقه و روش زندگی پاک اسلامی را برای مسلمانان نشاندهی کرده است. آنچه که مسلمانان برای حل مشکل و یا کارهای روزمره ایشان بخواهند معلومات داشته باشند، قرآن و سنت بسنده است و طریقه مشروع را راهنمایی نموده است و مسلمانان مکلف اند که به آن چنگ بزنند و عمل کنند، برای حل مشکل دو رکعت نماز حاجت بخوانند با اخلاص کامل در تاریکی های شب از عمق قلب به الله سبحانه و تعالی مناجات کنند و دعا بخواهند اللهم مشکل و معضل مجهول و گنگ را حل خواهد کرد؛ زیرا او مشکل گشا است و به راز بنده گان اش بهتر میداند. اختیار بنده گان به دست اوست، فال بین، غیب گو، مُنْجِم، عراف، کاهن، کف شناس و غیره هیچ نقشی ندارند، تصدیق قول و گفته های ایشان گناه دارد. از رفتن به نزد چنین اشخاص برای معلومات چیزی و کمک خواستن از ایشان جداً جلوگیری و پرهیز نمایید. کار که این دسته بنام فالگیری، ستاره شناسی، کف شناسی و غیره می کنند، فریبی بیش نیست. هیچ کس نمیداند که

فردا چی حوادثی به وقوع می پیوندد، کی چی کار می کند و به کجا می رود، چه وقت ازدواج می نماید، چه زمانی سرمایه دار می شود، در کدام سرزمین وفات می کند و می میرد، چند سال عمر می بیند، تا چه زمانی زنده می ماند، از لحاظ وسعت و تنگی روزی وضعیت اش چسان خواهد بود، چند زن می گیرد، تعداد فرزندان اش به چند نفر می رسد، دختر یا پسر، نیک بخت خواهند شد یا بد بخت، آینده ایشان چگونه خواهد بود، تحصیل می کنند، آداب می آموزند، اخلاق درست می داشته باشند یا خیر، این همه مربوط به علم غیب است و علم غیب نزد الله ﷻ است غیر از الله سبحانه و تعالی دیگر کسی نمی داند؛ پس به نزد اشخاص متذکره نروید و سخنان ایشان را قبول نکنید، الله ﷻ می فرماید:

{قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ وَمَا يَشْعُرُونَ  
أَيَّانَ يُبْعَثُونَ...} نمل: ۶۵

ترجمه: بگو: کسانی که در آسمان ها و زمین هستند غیب را نمیدانند جز الله سبحانه و تعالی، و نمیدانند که چی وقت برانگیخته میشوند.

بدون شک آگاهی از غیب و اینکه فردا چه حوادث به وقوع می پیوندد، قیامت چه وقت برپا می شود مخصوص الله ﷻ است و دیگر کسی نمی داند، اگر پیامبر ﷺ پیشینی های دارد توسط وحی الهی است، آن را الله ﷻ آگاه ساخته و او را در روشنی دلایل از جانب الله ﷻ و وحی که برایش آمده است گفته است، این آقایان که امروز غیب می گویند، چه دلایل روشنی برای اثبات گفتار شان دارند؟ حتی جوگی ها (تعداد از زنان که به فال بینی و کهنات می پردازند که منسوب به یکی از فرقه های هندو است و به بهانه فال گیری و فال دیدن مردم آزاری می کنند) زنان جوگی به خانه ها می روند، فساد می کنند، زنان مسلمان را بنام فال فریب میدهند پول، برنج، آرد، مرغ، تخم، روغن، کالا، لباس و غیره ایشان را می ربایند، بعضی ها کنار جاده ها و سرک ها نشسته کتاب ها و اوراق

چند مندرس شده یا نقشه های کف دست و موضوعات دیگر فال بینی با خود دارند و مردم را کف شناسی می کنند، دروغ می گویند، فریب میدهند تا جیب و پول مردم را از این طریق به غارت برده و بگیرند؛ تعدادی از آنان حتی دکان و دفتر دارند بنام دم و درود جادوگری، کهنانت و کف شناسی می کنند و همچنان انترنتی و آنلاین بخت بینی و طالع بینی می نمایند؛ آنانیکه برای معلوم نمودن بخت و طالع خود به نزد کاهنان می روند، آنها را می گویند که برای معلوم نمودن اشیاء گم شده و مفقودی خود به نزد فال بینان و عرافان می روند و به گفته ایشان باور می کنند، برای آنها پول میدهند باید بدانند که الله سبحانه و تعالی و پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم را سخت رنجانیدند و ناراحت ساختند.

رسول الله ﷺ در این مورد می فرماید:

مَنْ أَتَى عَرَافًا فَسَأَلَهُ عَنْ شَيْءٍ فَصَدَّقَهُ، لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةٌ أَرْبَعِينَ يَوْمًا

ترجمه: کسی که به نزد عراف (منجم، فالبین، جادوگر، کاهن) برود و از وی در باره چیزی سوال کند و قول او را تصدیق نماید چهل روز نماز اش قبول نمی شود.

در حدیث دیگر آمده است:

مَنْ أَتَى كَاهِنًا فَصَدَّقَهُ بِمَا يَقُولُ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ... (مسند

احمد)

ترجمه: شخصی که به نزد کاهن (غیب گو) برود و به گفته اش باور و تصدیق کند، کفر ورزیده است به آنچه که بر محمد صلی الله علیه و سلم نازل شده است.

یعنی به قرآن کریم، در هر دو روایت کلمه فصدقه یعنی درست دانستن و باور کردن ذکر شده است که به گفته فالبین و عراف کسی باور کند به این معنی

که گواهی میدهد این شخص در قول اش صادق است و راست میگوید، همین تصدیق و باور سبب می شود که چهل روز نماز اش قبول نشود، و یا اینکه به قرآنکریم کافر شود، اگر تصدیق نکند به گفته فالبین و کاهن اعتماد ننماید قول اش را باور نکند در این صورت کافر نمی شود و نماز اش ان شاء الله قبول خواهد شد، تصدیق و عدم تصدیق قول جادوگر، کاهن، عراف و فالبین جایگاه و نقش خود را دارد و رفتن به نزد ایشان نیز خالی از گناه نیست.

قیبصه بن مخارق رضی الله عنها روایت میکند که از رسول الله صلی الله علیه و سلم شنیدم که می گفت:

إِنَّ الْعِيَافَةَ، وَالطَّرْقَ، وَالطَّيْرَةَ مِنَ الْجِبْتِ... (ابو داود).

ترجمه: عیافه، فال گرفتن از روی پرواز پرنده، طیر، فال بد گرفتن، طرق، فال زدن با سنگ ریزه ها، این ها همه جبت یعنی جادوگری و سحر است.

در جهالت مردم از این چیز ها و با این اعمال نامشروع فال می گرفتند، می خواستند سفر کنند یا کاری نمایند، پرنده را پرواز میدادند اگر بطرف راست پرواز میکرد فال نیک می گرفتند و به کار و سفرشان ادامه میدادند و اگر به طرف چپ پرواز میکرد از سفر و کار منصرف می شدند، با آمدن یا تولد و پیدا شدن کسی بد فالی می گرفتند که حالا هم در بعضی مناطق وجود دارد اگر طفل تولد شود و بعد از تولد پدر اش وفات شود یا مادر اش طلاق شود یا بمیرد از وظیفه برکنار گردد، قرضدار شود تولد آن طفل معصوم را فال بد میگیرند که این تولد شد چنین روزی بر سر ما آمد یا فلان کسی آمد حالت ما چنین و چنان شد و همچنان طرق، فال دیدن و فال گرفتن با سنگ ریزه ها و تیرها که در آنها نوشته های میکردند داخل خریطه ها می گذاشتند یکی یکی خارج میکردند تا مطلوب را بدست آورند که همه جهالت و نادانی و جبت است و جبت واژه ای است که

برای بت، کاهن و ساحر استعمال می شود اسلام عزیز با ظهور اش این همه خرافات را از بین برد و بالای رسوم غلط جاهلی، عقیده ها و پندار های کاذب خط بطلان کشید، کاهنان و جادوگران با یک کلمه راست ده ها و صد ها دروغ را می آمیزند و مردم را فریب می دهند، عایشه صدیقه (رضی الله عنه) می فرماید:

گروهی از مردمان از رسول الله ﷺ در مورد کاهنان پرسیدند، رسول الله ﷺ فرمود: {لیسو بشیء} کاهنان هیچ چیزی نیستند، گفتند: {انهم یحدثنا احیانا بشیء فیکون حقا} آنها بعضی اوقات چیزی میگویند که حق است (گفته های ایشان تحقق می یابد) فرمود: {تلك الکلمه من الحق} پس آن کلمه حق است که جن ها سرقت کردند و به گوش دوست انسی خود القا نموده است (که همان جادوگر و کاهن است) و با آن کلمه حق که از عالم بالا سرقت نموده صد دروغ و کذب را از نزد خودشان یکجا نموده برای مردم میگویند (بخاری و مسلم)

در حقیقت آنها کاذب و دروغگوی بیش نیستند، به هر صورت در هر منطقه خرافات گوناگون و عدد نویسی ها و تعویذ کشی های وجود دارد که اعتقاد کردن به آنها جرم بزرگ و گناه پنداشته می شود که انسان را به حد کفر و شرک می رساند؛ پس باید به الله ﷻ توکل کرد و هر چیز را از الله ﷻ باید خواست و این دعا را زمزمه باید کرد:

ای بار الها: تنها تو هستی که نیکی ها و خوبی ها را می آوری بدی ها را دور می نمایی هیچ قدرت و قوت نیست مگر ترا.

زید بن خالد الجهنی رضی الله عنه روایت میکند که: رسول الله ﷺ نماز صبح را در مقام حدیبیه برای ما در حال امامت کرد که شب باران شده بود، بعد از نماز بطرف مردم روی گرداند و فرمود: {هل تدرن ماذا} آیا میدانید که الله تان چی گفت؟ اصحاب (رضی الله عنه) عرض کردند: الله و رسول اش بهتر میدانند، رسول الله ﷺ فرمود: الله ﷻ می فرماید: بنده گانم در وقت صبح که می خیزند

بعضی برای من مومن اند و بعضی کافر، آنانیکه میگویند: به فضل و رحمت الله سبحانه و تعالی برای مایان باران شد مومن اند و آنانی که می گویند: به خارج شدن و آمدن فلان و فلان ستاره باران شد کافر اند، یعنی اگر باران را از فضل و رحمت الله می پندارند به الله سبحانه و تعالی مومن و به ستاره ها، کافر اند و اگر باران را از خروج فلان ستاره و فلان ماه میدانید به ستاره مومن اند و به الله کافر (بخاری و مسلم)

پس نسبت باران، برف، سردی و گرمی را به ستاره، ماه و ابر کردن در اسلام جواز ندارد. این الله ﷻ است که باران می باراند، سرد می سازد و گرمی به بار می آرد، ستاره هم مانند برف و باران مخلوق است و مخلوق بدون اجازه الله ﷻ کاری کرده نمیتواند. پیش بینی های که امروز در مورد آب و هوا گفته می شود با بکار انداختن و سایل ممکنه روز و امکانات دست داشته تکنالوژیکی، صد در صد حتمی نیست و تنها احتمالات را نسبت به گردش ابرها در هوا و باد ها در جریان زمین تحلیل نموده و پیش بینی می نماید که ممکن فردا باران شود در فلان و فلان قسمت های زمین ممکن آفتابی باشد، ممکن آنچه را که مرکز هواشناسی گفته است دقیقاً به وقوع بپیوندد و ممکن خلاف آن عمل صورت بگیرد، اختیارات کل نزد الله عالمیان است هر جا که او اراده باران کند باران می شود و اراده آفتاب نماید آفتاب می شود، ممکن ستاره ها و ابر ها نشانه و علامه برای نزول باران باشد و آن هم منحصر به اراده و خواست الله ﷻ و هیچ مخلوقی بدون امر و اراده الله ﷻ کاری کرده نمیتواند، اگر مرکز هواشناسی روز و ساحه باران را تعیین و تخمین نماید، ساعت، دقیقه، شدت و قلت باران را تعیین کرده نمیواند، قطرات باران را شمرده نمیتواند، منافع و ضرر آنها را دقیق پیش بینی کرده نمی تواند، مسیر باران را تغییر داده نمی تواند و اما نزد الله ﷻ این همه دقیق معلوم است و او میداند، یا من بیده ملکوت کل شی - همه چیز در اختیار اوست - و همچنان شوم و نامبارک دانستن بعضی روز ها و ماه

ها از اعتقادات دوران جاهلیت است، نمیتوان خیر و یا شری را به روز، سال و ماه نسبت داد، روز، سال و ماه همه مخلوق الله ﷻ است و حامل خیر و شر شده نمیتواند، البته چیزی به فال نیک گرفتن مشکل ندارد چون در روایت ابو هریره (رضی الله عنه) آمده است: از رسول (صلی الله علیه و سلم) شنیدم که میگفت: بدفالی و شگون هیچ اصلی ندارد، و بهترین آن فال است، گفتند: فال چیست؟ فرمود: کلمه نیک و صالحه سخن خوبی که یکی از شما می شنود و در روایت انس (رضی الله عنه) که فال به معنی کلمه طیبه آمده است.





## حکم وجود سگ و تصویر در خانه

سگ ها از جمله حیوانات اهلی اند و از نسل گوشت خواران که اکثرا برای پاسبانی نگهداری می شوند، سگها دارای نژاد های مختلف اند که تا کنون بیش از دو صد نوع آن در دنیا شناسایی شده است، سگ دارای عادات خوب می باشد، قناعت می کند بر آنچه که برایش داده شود. صبر میکند، از صاحب اش حراست نموده در حضور و غیاب اش از حرم وی پاسبانی می نماید، و از بیدار ترین حیوانات شمرده می شود، سگ در خانه که تربیه و بزرگ شود هرگز به آن خانواده خیانت نمیکند.

عن ابن عباس رضي الله عنه: كلب أمين خير من صاحب خؤون<sup>۱</sup>  
ترجمه: ابن عباس (رضی الله عنه) می فرماید: سگ امین بهتر از رفیق خاین است.  
و نیز روایت است که:

روی عمر بن شعیب عن أبيه عن جده، قال: رأى رسول الله ﷺ صلی

۱. زهر الأکم فی الأمثال والحکم [الحسن البوسی] ج ۳-ص ۲۳۵

الله علیه وسلم رجلاً قتيلاً، فقال: ما شأن هذا الرجل قتيلاً، فقالوا يا رسول الله ﷺ صلى الله عليك وسلم: وثب على غنم أبي زهرة، فأخذ شاةً فوثب عليه كلبُ الماشية فقتله، فقال صلى الله عليه وسلم: قتل نفسه وأضاع دينه، وعصى ربّه عز وجل، وخان أخاه، وكان الكلب خيراً من هذا الغادر، ثم قال صلى الله عليه وسلم: أيعجز أحدكم أن يحفظ أخاه المسلم في نفسه وأهله كحفظ هذا الكلب ماشيةً أربابه.<sup>۱</sup>

ترجمه: از عمر بن شعیب از پدر اش و او از پدر کلان اش روایت نموده است که رسول الله ﷺ دید مردی را که کشته شده است، پرسید: چگونه کشته شده است؟ گفتند به رمه گوسفندان بنی زهره حمله کرده و گوسفندی را گرفته بعداً سگ آن رمه به آن حمله نموده و او را به قتل رسانده است، رسول الله ﷺ فرمود: خود را قتل کرده، دین را ضایع نموده، نافرمانی الله ﷻ را انجام داده و به برادر اش خیانت کرده؛ پس سگ بهتر است از این مرد خیانت گر. سپس رسول الله ﷺ فرمود: آیا یکی از شما قادر به محافظت از برادر مسلمان خود در خانواده خود و خانواده اش نیست؟ زیرا این سگ، دام های اربابان خود را حفظ می کند.

سگ ها دارای حس شنوایی و شامه قوی هستند تادیب، تلقین و تعلیم را زود می آموزد، برای پاسبانی خانه، نگهبانی رمه و گله، باغ، زراعت و شکار بیشتر وقت ها استفاده میشود؛ اما بدون ضرورت نگهداری سگ در خانه حرام و گناه دارد، و برای این قول از پیامبر ﷺ است که می فرمایند:

عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ - صلى الله عليه وسلم «مَنْ أَمْسَكَ كَلْبًا فَإِنَّهُ يَنْقُصُ كُلَّ يَوْمٍ مِنْ عَمَلِهِ قِيرَاطًا؛ إِلَّا كَلَبَ حَرْثٍ، أَوْ مَاشِيَةٍ»<sup>۲</sup>

۱. آرشیف ملتقی أهل الحديث - ۲ [ملتقى أهل الحديث]، ج ۶۱ - ص ۱۹۵

۲. ج ۲ - ص ۱۱۰ - مختصر امام بخاری

ترجمه: از ابی هریره (رضی الله عنه) روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: کسیکه سگ را نگاه کند هر روز از عمل نیک اش یک قراط کم می شود به جز سگ زراعت، رمه و شبیه این...  
و در روایت ابن عمر (رضی الله عنه) نیز دو قراط ذکر شده است:

عن ابن عمر رضی الله عنهما قال: سمعت رسول الله ﷺ يقول من  
اقتنى كلباً إلا كلب صيد أو ماشية فإنه ينقص من أجره كل يوم قيراطان  
متفق عليه وفي رواية قيراط<sup>۱</sup>

ترجمه: از ابن عمر (رضی الله عنه) روایت است که گفت: از رسول الله صلی الله علیه و سلم، شنیدم که می گفت: شخص که سگ نگهدارد به جز سگ شکار و رمه، از اجر و ثواب آن دو قراط هر روز کم کرده می شود، و در روایت دیگر یک قیراط ذکر شده است (متفق علیه)

قیراط چی مقدار است؟ گر چه در حدیثی که برای اجر و ثواب اشتراک نمودن در مراسم جنازه و تدفین مسلمان قیراط را برابر کوه احد گفته است، اما قیراط که در بین مردم مروج است، اندازه نیم دانه خرما که تقریباً برابر وزن چهار دانه جو می باشد و یک جزء بیست و چهار هر چیز را قیراط می گویند و واحد بخش وزن الماس را نیز قیراط میگویند که تقریباً معادل یک پنجم ۱/۵ گرام است. اصل سخن اینجا است که چرا در خانه ها بدون ضرورت سگ نگهداری شود؟ و چرا هر روز از عمل نیک مسلمانان که در خانه سگ دارند یک قیراط یا دو قیراط کاسته شود؟

### زندگی در شهرها و قریه ها چی نیازی به نگهداری سگ دارد؟

آنانیکه بدون ضرورت نه باغ دارند، نه زراعت و کشت زار، نه رمه و نه گله دارند و نه شکار، سگ نگه می کنند اکثراً به مردم، همسایه ها و رهگزران اذیت می

۱. ج-ص ۱۲۸- شرح ریاض الصالحین [ابن عثیمین]

رسانند، این سگ ها اکثرا اطفال و مردم را گاز میگیرند، زخمی میسازد و از طرف دیگر اجر و پاداش نماز، روزه و عمل نیک هر روز یک قیراط و دو قیراط کم و کاسته می شود؛ اگر شما دو را در سیصد و شصت ضرب کنید و متوجه شوید که در یک سال چه مقدار ثواب اعمال شما به خاطر نگهداری سگ کم می شود و از بین می رود (۷۳۰ = ۲ × ۳۶۵) بر علاوه اینکه سگ های ولگرد در کنار خانه های شما جای گرفته سبب انتقال امراض، ویروس و میکروب ها می شوند، تعدادی را گاز میگیرند، همسایه ها را اذیت میکنند که سبب آزردهگی ایشان می گردد و سالانه ۷۳۰ قیراط اجر و ثواب اعمال نیک را از بین می برد، پس فایده اش چیست؟ در حدیث دیگر آمده است:

عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ: (لا تصحب

الملائكة رفقة فيها كلب أو جرس<sup>۱</sup>)

از ابی هریره (رضی الله عنه) روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: ملائکه و فرشتگان رحمت، گروهی را همراهی نخواهند کرد که در آن سگ و زنگ باشد.

در روایت دیگر آمده است که فرشتگان وارد خانه نمی شود که در آن سگ و تصویر باشد- فرشتگان رحمت با گروه مومنان همسفر میشوند، به خانه های مومنان وارد میشوند، اگر در گروه و یا خانه سگ وجود داشته باشد قریب آن گروه و خانه نخواهند شد زیرا فرشتگان، از وجود سگ، عکس های جاندار، زنگ و بدبویی نفرت دارند؛ پس چیز های که سبب آزار و اذیت ملائکه ها می شود از خانه ها دور کنید و در سفر با خود نبرید، امروز در اکثر خانه ها عکس ها و مزامیر وجود دارد که از وارد شدن ملائکه جلوگیری می نمایند. واژه جرس را رسول الله ﷺ به مزامیر الشیطان معنی کرده اند و مزامیر شامل سرود،

۱- ج- ۲۵۵-ص ۲۴- شرح سنن ابی داود للعباد [عبد المحسن العباد]

آواز خوانی، موسیقی و صدای نی می‌شود. در خانه که سگ نباشد آنجا تصویر و عکس‌های مبتذل و بدون ضرورت حتما است، آهنگ و موسیقی در بسا خانه‌ها وجود دارد، گروه‌های مسافری در جریان سفر اکثر اوقات موسیقی می‌شنوند که مانع اشتراک ملائکه‌ها در مجلس، سفر و خانه می‌گردد. مسلمان خوب برای اصلاح عمل تلاش می‌ورزد، چه در خانه باشد و چه در سفر، چچی تنها باشد و یا چه با جماعت؛ مگر نمی‌خواهید که ملائکه‌ها با شما همسفر باشند و در خانه‌های شما همگام باشند؟ بعضی‌ها خانه و اطاق‌ها را با نصب نمودن عکس‌ها و تصاویر بی‌مورد تزئین می‌نمایند که از یک سو شباهت با بت پرستان پیدا می‌کنند، و از طرف دیگر مانع آمدن ملائکه‌ها می‌شود، نصب عکس‌های مرده و زنده در خانه کدام فایده ندارد بهتر است برای مردگان دعا نمایید، نصب عکس‌های ایشان و حرمت کردن عکس‌ها به آنها هیچ کمک نمی‌کند. حتی آنها خبر نمی‌شوند که شما عکس‌های ایشان را به دیوارها نقش نموده‌اید. مسلمان خوب خانه و اطاق‌اش را با نور ایمان و عمل صالح تزئین می‌نماید با صدای قرآن و خواندن تسبیح و تحلیل منور می‌سازد، خانه را مرکز تجمع ملائکه‌ها و فرشتگان می‌نماید، اطاق را محل نزول رحمت الهی می‌سازد، کاری نمی‌کند که سبب نفرت ملائکه‌ها گردد که سال‌ها بگذرد و فرشته رحمت قریب خانه نشود، کنار دروازه ورودی سگ را بسته‌نماید و داخل اطاق‌ها و خانه‌ها عکس‌های این و آن را نصب نماید عکس‌های ذی‌روح و جان دار و لوازم صاحب خانه باشد هم گناه دارد، ابی‌طلحه (رضی‌الله‌عنه) روایت می‌کند که نبی کریم صلی‌الله‌علیه‌و سلم فرمود:

عَنْ أَبِي طَلْحَةَ، أَنَّ النَّبِيَّ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ-، قَالَ: «لَا تَدْخُلُ  
الْمَلَائِكَةُ بَيْتًا، فِيهِ كَلْبٌ، وَلَا صُورَةٌ»

ترجمه: از ابی طلحه (رضی الله عنه) روایت است که نبی کریم صلی الله علیه و سلم گفت: ملائکه ها به خانه های وارد نخواهند شد که در آن سگ و صورت (عکس) باشد.

ابن عباس (رضی الله عنه) می گوید: من از رسول الله صلی الله علیه و سلم شنیدم که میگفت:

مَنْ صَوَّرَ صُورَةً فِي الدُّنْيَا كَلَّفَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنْ يَنْفُخَ فِيهَا الرُّوحَ، وَلَيْسَ  
بِنَافِخٍ<sup>۱</sup>

ترجمه: کسیکه صورتی را در دنیا نقاشی نماید عذاب اش در روز قیامت این است که گفته می شود در آن روح بدمد و او روح را دمیده نمیتواند.

یعنی عکس ها و صورت های را که ساخته است باید زنده بسازد و زنده نمودن از قدرت تصویر سازان نیست؛ پس عذاب ایشان در جهنم ادامه پیدا میکند تا اینکه در پیکری جان ساخته گی اش جان بدر آرد، ابن عباس (رضی الله عنه) می فرماید: اگر بسیار علاقمند هستی که دیوار های خانه و اطاق را باید تصویر کشی نمایی پس با عکس های درختان، گل ها و منظره های زیبای بدون جان و روح نقش و نگار کن، این گناه ندارد، نقش نمودن سبزه زار ها، دریاها، کوه ها، گل های رنگارنگ، تعمیر ها و طبعیت زیبا و مقبول به زیبایی خانه، اطاق و دیوار ها می افزاید و جزئی ترین گناهی ندارد و مانع ورود فرشتگان نمیگردد. رسول الله ﷺ می فرماید: شدید ترین عذاب را در روز قیامت الله ﷻ برای تصویر گران و نقاشان میدهد، آنانیکه زنده جان ها را نقاشی می کنند و تصویر می سازند - (متفق علیه)

عایشه صدیقه مادر مومنان می فرماید: رسول الله صلی الله علیه و سلم در حالی از سفر تشریف آوردن که من پرده تصویر داری را به دیوار اطاق نصب

۱. ج-۲۸-ص-۲۱۷ کتاب التوضیح لشرح الجامع الصحیح [ابن الملکن]

کرده بودم، وقتیکه پرده را دیدند رنگ مبارک تغییر کرد و چهره ایشان سرخ گردید و گفت:

أَشَدُّ النَّاسِ عَذَابًا عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الَّذِينَ يُضَاهُونَ بِخَلْقِ اللَّهِ<sup>۱</sup>

ترجمه: سخت ترین عذاب به نزد پروردگار روز قیامت برای آنان داده می شود که در خلقت و آفرینش رضی الله عنهما شباهت می کنند.

عائشه (رضی الله عنها) میگوید: آن پرده را پاره کردیم و از آن یک یا دو بالشت ساختیم (بخاری و مسلم)

از ابن عمر (رضی الله عنهما) روایت شده است که میگوید: جبریل علیه السلام به رسول الله صلی الله علیه و سلم، وعده داد که به زیارت اش می آید، در وعده تاخیر شد و جبریل نا وقت کرد این امر بالای رسول الله صلی الله علیه و سلم، خیلی دشوار تمام شد، خیلی بعد جبریل آمد و رسول الله ﷺ از تاخیری که صورت گرفته بود برایش شکایت کرد که چرا در وقت تعیین شده جبریل تشریف نیاورد؟ جبریل علیه السلام گفت: ما در خانه ی که در آن سگ و تصویر باشد داخل نمیشویم (بخاری).

در روایت عائشه (رضی الله عنها) آمده است که هر گاه تاخیر در وعده صورت گرفت، رسول الله ﷺ فرمود: نه الله ﷻ وعده خلافی میکند و نه فرستاده گان اش، باز نگاه کرد چوچه سگی را زیر تخت دید و گفت: متی دخل هذا الکلب؟ این بچه سگ چه وقت داخل شده است؟ گفتیم: والله خبر ندارم، پس امر کرد تا او را خارج کردند پس جبریل آمد، و رسول الله ﷺ برایش گفت: وعده کردی برایم منتظر نشستم نیامدی؟ جبریل گفت: همان سگی که در خانه بود سبب تاخیر آمدن من شد، ما در خانه ی که سگ و تصویر باشد داخل نمیشویم (رواه مسلم).

۱. کتاب الفتح الكبير في ضم الزيادة إلى الجامع الصغير [السيوطي] (ج-۱ ص-۱۷۶)

بلی خواننده گان گرامی! وجود سگ، عکس و تصویر زنده جان ها چه از انسان باشد و یا از حیوان مانع آمدن ملائکه ها به خانه میگردد؛ هر صبح و شام که ملائکه ی رحمت به شهر ها قریه ها و خانه های مومنان تشریف می آورند به آن خانه ها و اطاق ها نمی روند که در آن جا سگ و تصویر باشد؛ پس خانه های که سگ و تصویر دارند از رحمت الهی و آمدن ملائکه ها محروم میگردند و همچنان پرده های در و دروازه با تمثال ها و صورت ها نقش گردیده است مانع ورود فرشته گان می شود، برای اینکه ملائکه ها بدون مزاحمت وارد خانه ها شوند باید از نگهداری سگ و نصب تصاویر پرهیز نمایید.

### نگهداشتن سگ ها در کدام حالات و برای کی ها توصیه می شود؟

برای سه طبقه از افراد نگهداشتن و داشتن سگ ها اشکال ندارد و می توانند از این حیوان استفاده نمایند و آن سه حالت:

۱. آنانیکه شکار می کنند، شکارچی ها برای شکار کردن میتوانند از سگ استفاده نمایند.
۲. آنهایی که رمه و گله دارند، برای حفاظت مواسی می توانند سگ نگهداری کنند تا بُز و گوسفندان شان را از خطر دزد، گرگ، پلنگ، شیر و حیوانات وحشی دیگر جلوگیری نمایند.
۳. کسانیکه کشت، زراعت و باغ دارند سگ نگهداشتن برای شان مجاز است زیرا اگر سگ نباشد ممکن نگهداشتن باغ و زراعت برای شان دشوار تمام شود، در غیر آن نگهداشتن سگ برای هیچ کس مجاز نمی باشد و از پاداش و اجر اعمال اش هر روز یک یا دو قیراط کاسته می شود.

و اما موضوع عکس و تصویر بدون ضرورت، تصویر در هیچ حالتی جواز ندارد مگر اینکه تصویر ذی روح نباشد، مسئله عکس های کوچک که برای گذرنامه، شناسنامه، عکس های یادگاری در گوشی های همراه، تذکره و غیره



گرفته می‌شود یا پول‌های که دارای عکس‌های ذی‌روح می‌باشد جدا از این موضوع است و اشکال ندارد.

### حکایت از وفاداری سگ برای صاحب‌اش

گفته شده است حارث بن صمعه شخصی بود که همنشین‌ها و دوستان زیاد داشت و اکثر اوقات دوستان او اطراف‌اش را می‌گرفتند و از وی جدا نمی‌شدند، حارث با دوستان سخت محبت می‌کرد و به ایشان حرمت می‌نمود، عشق، محبت و مهمان‌نوازی حارث سبب می‌شد با دوستان و هم‌نشینان‌اش در کنار او بمانند، روزی از روزها حارث با دوستان‌اش برای تفریح و گردشگری به صحرا رفتند، اما یک‌تن از دوستان‌اش تخلف ورزید و رفت و بعد از خروج ایشان زمینه نشست و برخاست و گفتگو با همسر حارث برای این دوست فراهم شد وی همسر حارث را تحت شعای عشق و محبت خویش در آورده با وی یکجا می‌خورد، می‌نوشید و بلاخره می‌خواستید، حارث در خانه سگی داشت که این حالت را از نزدیک مراقبت مینمود، سگ نمی‌خواست که به همسر صاحب‌اش یعنی حارث تجاوز صورت گیرد و حارث بی‌عزت شود؛ ولی با دیدن چنین حالت سگ حارث، ناگهان حمله کرد و هر دو را به قتل رساند سزای دوست خائن و همسر خیانت‌گر را داد. هنگامیکه حارث به خانه برگشت هر دو را کشته یافت و موضوع را فوراً درک کرد که سخن از چی قرار است، حارث در حالی که سخت ناراحت بود این شعر را زمزمه می‌کرد که ترجمه‌اش چنین است:

«همیشه رعایتم می‌کرد و حفاظت می‌نمود عروسم را و دوست خیانت کرد، وای افسوس بر دوستی که هتک حرمت می‌نماید، و یا تعجب بر سگی که چگونه حفاظت می‌نماید، یعنی سگ به دوست و صاحب‌اش خیانت نمی‌کند وای بر دوستی که برای بی‌حرمتی دوست‌اش سعی میکند و به ناموس

دوست تجاوز می نماید و به اندازه سگ هم نمی شود که حرمتی دوست را حفظ نماید.»

سگ از ناموس حارث دفاع می نماید و زن خائین را نیز به قتل می رساند چون او به شوهر اش خیانت کرد، اینجاست که محمد بن خلف مرزبان در فضائل سگ، کتابی نوشته و نام اش را (برتری سگان بر آنهایی که لباس می پوشند) گذاشته است و اقنع بعضی ها در ظاهر انسان اند، لباس می پوشند اما از انسانیت چیزی نمی دانند، وای بر آنهایی که در وفا داری، حرمت گذاری، صبر، قناعت، حراست، پاسبانی و غیرت به سگ نمی رسند البته آنچه که از خوبی های سگ گفته شد دلیل بر نگهداری بدون ضرورت سگ در خانه ها نمی باشد.

### سگ فروشی و حکم آن:

سگ با وجود اینکه خوبی های در آن است و در سه حالت نگهداری از آن جواز دارد، اما فروش اش درست نیست و از جمله منکرات است چون یک حیوان حرام است. غیر از حالت های سه گانه که در صفحه های گذشته ذکر گردید استفاده اش مجاز نمی باشد مانند جنگانیدن، فروختن و استفاده های نامشروع دیگر.

در بعضی مناطق سگ ها را جنگ می اندازند و برای آن پول تعیین می کنند، هر سگی که غالب و برنده شود باید به صاحب آن پول معینه پرداخت شود که این نوع از قمار است و پول که از این طریق به دست می آورد حلال نمی باشد و یا پیشه ی سگ فروشی دارد که این پول نیز حرام است. امروز در کشور های غیر اسلامی اگر سگ ها به قیمت های مختلف فروخته می شود و یا گوشت اش خورده می شود، و از پول فروش سگ امرار معاش می کنند، این کار دلیل برای مسلمانان شده نمی تواند، دین آنها جدا از دین اسلام است، زیرا آنها از

شریعت و احکام اسلام پیروی نمی کنند؛ حضرت ابی مسعود البدری رضی الله عنه روایت میکند که:

أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهَى عَنْ ثَمَنِ الْكَلْبِ وَمَهْرِ الْبَغِيِّ  
وَحُلْوَانِ الْكَاهِنِ<sup>۱</sup>

ترجمه: رسول الله صلی الله علیه و سلم، از پول سگ، مهر فاحشه (پول که از زنا به دست می آورد) و پول کاهن که از طریق کهنات به دست می آورد منع فرموده است.

و این هر سه عمل زشت، منکر و خلاف اخلاق است که در بعضی مناطق وجود دارد که مشاغل همان سگ فروشی، در برابر پول زنا کردن و از غیب گویی و کهنات پول به دست آوردن است که این اعمال در اسلام حرام و پولی که از این طریق به دست می آید نیز حرام می باشد؛ اما در یک قول که منسوب به امام ابو حنیفه رحمه الله است فروش سگ که عقور یعنی گزنده و گازگیر نباشد را جائز شمرده است. اجاره سگ نیز جواز ندارد اینکه سگی را به اجاره دهند و از آن طریق پول به دست آورند نیز روا نمی باشد. تمام انواع سگ های خورد و بزرگ نجس و حرام است؛ اگر به دیگ و ظرف دهن بزنند و یا بلیسد هفت بار باید شستشو داده شود و یک مرتبه با خاک باید شسته شود، رسول الله صلی الله علیه و سلم می فرماید:

إذا ولغ الكلب في إناء أحدكم فليرقه فليغسله سبع مرات إحداهن

بالتراب<sup>۲</sup>

ترجمه: هر گاه که سگی در ظرف یکی از شما زبان بزند پس باید آنچه که در ظرف است بریزانید و هفت مرتبه ظرف را بشوید یکبار از آن با خاک باشد.

۱. کتاب شرح النووی علی مسلم [النووی] ج-۱ ص ۲۳۱

۲. (تفسیر أحمد حطیبة) أحمد حطیبة [ج-۱ ص ۱۱۵]

روایات برای قتل سگها وجود دارد بخصوص سگ سیاه، (الکلب الاسود شیطان) سگ سیاه را شیطان خوانده است؛ در حدیثی دیگری آمده است:

نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ ثَمَنِ الْكَلْبِ وَثَمَنِ الدِّمِّ<sup>۱</sup>

ترجمه: رسول الله صلی الله علیه و سلم، از پول سگ و پول خون منع فرموده است.

مسلمان خوب هر گز به کار خلاف شریعت و منکر دست نمی زند؛ سگ بازی، سگ فروشی، جنگ انداختن حیوانات، پرند ه ها، خون فروشی همه منکر، حرام و نادرست است. اسلام عزیز می خواهد پیروان اش آلوده به خرافات و کثافات نباشد، با ویروس ها و میکروب ها تماس نگیرد، جسم مسلمانان و خون مسلمانان باید پاک باشد، مسلمان نباید وقت خود را را ضایع سازد، ساعت ها را در سگ بازی، کبوتر بازی، مرغ بازی صرف نکند؛ الله ﷻ از وقت پسران میکند؛ پس برای بدست آوردن لقمه حلال، کسب و کار حلال باید کرد. از پول نامشروع سگ، زنا، کفانت، شراب، قمار، خون و غیره، خوردن و بدست آوردن نان، مناسب حال یک مسلمان نمی باشد، هر لقمه ی حرامی که داخل معده انسان مومن و مسلمان می شود تا چهل روز عبادت و دعایش قبول نمی شود.

۱. (کتاب الکوثر الجاری إلی ریاض أحادیث البخاری [الکؤزانی، أحمد بن إسماعیل] ج ۴- ص ۴۸۳)

## احتکار و قیمت فروشی

دین اسلام پیروان اش را به انصاف و عدالت دستور می دهد، آنانیکه دست به احتکار و گران فروشی می زنند از انصاف و عدالت دور اند و کار شان خلاف فرموده های اسلام است، بعضی از تجاران و سوداگران عادت احتکار نمودن را دارند و اما این کار سبب می شود تا الله ﷻ از وی بیزار شده و شخصی محتکر را از رحمت اش دور نماید. مسلمان خوب هرگز در تجارت خیانت نمی کند و برای احتکار و ذخیره نمودن حبوبات و غله جات نمی اندیشد. احتکار به معنی انبار کردن و گرد آوردن غله جات (برنج، گندم، جو، لوبیا، نخود، دال، آرد و غیره) و نگهداشتن آن به قصد گران فروشی آمده است که این کار در اسلام جواز نداشته وکننده اش مجرم و گنهکار شمرده می شود، پیامبر صلی الله علیه وسلم، می فرماید:

شخص احتکار کننده خطا کار و گنهکار است (من احتکر فهو خاطی)  
و در حدیث دیگر میگوید: محتکر ملعون است، (والمحتکر ملعون) ابن

احتکار و گران فروشی یک امر مذموم، قبیح و ناپسند است. در جامعه که احتکار باشد نظم تجارت و خرید و فروش عامه را درهم و برهم می زند، برای مردم و جامعه تشویش ایجاد میکند، مردم را پریشان می سازد، هر کس در فکر ذخیره نمودن مواد خوراکی می شود؛ ولی این کار یک دسته محدودی از تجاران غله و دانه میباشد که اگر نرخ ها ارزان شود غمگین و ناراحت می شوند و اگر نرخ ها بالا رود خوشحال میگردند، اینگونه اشخاص را پیامبر صلی الله علیه و سلم، از بدترین بنده گان خدا گفته است.

و عن معاذ بن جبل رضي الله عنه قال: سمعتُ رسول الله ﷺ يقول:

«بئس العبدُ الْمُحْتَكِرُ، إن أرخَصَ اللهُ الأَسْعَارَ حَزِنَ، وإن أغلَاها فَرَحَ»

ترجمه: معاذ بن جبل (رضی الله عنه) روایت میکند که از رسول الله صلی الله علیه و سلم، شنیدم چی بد است که بنده محتکر زمانیکه الله ﷻ نرخ ها را ارزان نماید غمگین و ناراحت می شود و اگر نرخ ها را بالا ببرد خوشحال میگردد. مسلمان خوب آنچه را خرید، مطابق نرخ روز با منافع که شریعت و فقه اسلامی تعیین نموده است به فروش می رساند و در پی بالا رفتن نرخ ها و قیمت فروشی نمی باشد، هدف از تجارت اش خدمت به جامعه انسان و حصول رزق حلال است، تجار مسلمان با منافع کم و اندک قناعت میکنند، به بلند رفتن نرخ ها خوشحال نمی شود، سرمایه اش را برای جلوگیری از احتکار و محتکرین به کار می اندازد، نسبت به مردم و جامعه خیانت نمی کند، حشر اینگونه تجار ها با انبیاء، شهدا و صدیقین خواهد بود و در تجارت ایشان الله ﷻ برکت را نازل خواهد فرمود، و آنانیکه دست به احتکار می زنند با استفاده از فرصت ها گران فروشی می کنند الله ﷻ خیر و برکت را از تجارت ایشان میگیرد

و آنها را به مشکلات روز افزون گرفتار مینماید، بلاها و مصیبت ها را بر جان و مال ایشان مسلط میکند، پیامبر صلی الله علیه و سلم می فرماید:

مَنْ اخْتَكَرَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ طَعَامَهُمْ، صَرَبَهُ اللَّهُ بِالْجُدَامِ وَالْإِفْلَاسِ<sup>۱</sup>

ترجمه: کسی که طعام و مواد خوارکی مسلمانان را احتکار نماید الله ﷻ به مرض جذام و فقر متبلاش میکند.

جذام و فقر دو مرض است که پیامبر صلی الله علیه و سلم، از شر این دو به الله پناه خواسته است جذام مرض مزمن و خطرناکی است که انسان را به هلاکت می رساند و همچنان تنگدستی و فقر که همیشه انسان ذلیل، محتاج و خوار می باشد، پول و سرمایه ی که از گران فروشی و احتکار بدست آمده برای معالجه جذام به مصرف می رسد و یا به سرقت برده می شود، تاوان و خساره مینماید بلاخره الله ﷻ به فقر مبتلا میکند که نه دیگر مال برایش باقی میماند و نه سرمایه، گرفت الله ﷻ خیلی ها سخت است.

{وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقَرْيَ وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ}

هود: آیه، ۱۰۲

ترجمه: و این گونه بود [به قهر] گرفتن خداوند ات وقتی شهرها را در حالی که ستمگر بودند [به قهر] می گرفت آری [به قهر] گرفتن او دردناک و سخت است.

و پیامبر صلی الله علیه و سلم، میفرماید:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُمْلِي لِلظَّالِمِ فَإِذَا أَخَذَهُ لَمْ يُفْلِتْهُ<sup>۲</sup>

ترجمه: الله ﷻ برای ظالم مهلت می دهد هر گاه که گرفت رهایش نمیکند

۱. سنن ابن ماجه (ابن ماجه) ج-۲ ص-۷۲۹

۲. کتاب شرح النووي على مسلم (النووي) ج-۱۶ ص-۱۳۷

احتکار، جمع آوری و ذخیره کردن مواد غذایی برای بالا بردن نرخ ها و منافع شخصی، ایجاد تشویش، فقر و قیمتی در جامعه ظلم است، الله ﷻ سرمایه دار و اهل ثروت را در سرمایه و ثروت اش، تجار و سوداگر را در تجارت و سوداگری اش امتحان میکند که آیا واقعا رزق حلال، منافع سالم و خدمت به مخلوق را تعقیب و دنبال میکند یا از مردم سوء استفاده نموده ایشان را می فریبد و دست به احتکار و گران فروشی می زند.

وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنِ احْتَكَرَ طَعَامًا  
أَزْبَعِينَ يَوْمًا يُرِيدُ بِهِ الْغَلَاءَ، فَقَدْ بَرِيءٌ مِنَ اللَّهِ وَبَرِيءَ اللَّهُ مِنْهُ<sup>۱</sup>

ترجمه: از ابن عمر (رضی الله عنه) روایت است که رسول الله ﷺ، فرمود: شخص که به قصد بالا رفتن نرخ ها طعام و غله جات را احتکار کند و تا چهل روز به فروش نرساند او از الله ﷻ بیزار است و الله ﷻ از وی بیزار است.

محتکر اگر چه نماز میخواند، روزه میگیرد، مسجد می رود؛ اما به دلیل احتکار اش الله ﷻ از وی راضی نمی باشد و احتکار سبب بیزاری الله ﷻ از وی میگردد، و عمل احتکار نشان دهنده اینست که او از الله ﷻ بیزار است، اما یک راه وجود دارد که شخص احتکار کننده توبه نماید، احتکاری که نموده برای فقرا صدقه کند با الله ﷻ تعهد نماید که دیگر در آینده دست به احتکار نمی زند و به تعهد اش وفادار بماند، در این صورت خود را از لعنت و عذاب الله ﷻ نجات داده می تواند.

**بلی برادر مسلمان و جوان با شهامت!** اگر کسی را میشناسی که احتکار می کند، یا به بالا رفتن نرخ ها خوش حالی می نماید و به گران فروشی عادت دارد برای اصلاح اش به پا خیز و آهسته برایش بگو که این عمل در اسلام جواز ندارد، و پیامبر اسلام شخص احتکار کننده را ملعون، عاصی و گنهکار خوانده

۱. کتاب مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح [الملا علی القاری] ج-۵ ص-۹۵۲



است، برای چند رویه، دالر، دینار خود را در لعنت الله ﷻ گرفتار نساز احتکار عواقب بد دارد انسان را به مرض جذام، فقر و افلاس مبتلا میکند، الله ﷻ از شخص محتکر بی زار می‌شود، مسلمان جان و مال اش را قربان می‌کند تا الله ﷻ را راضی بسازد و برای رضامندی الله ﷻ از مال و نفس اش می‌گذرد، بیا دست از احتکار و گران‌فروشی بردار به عواید کم و اندکی حلال قناعت کن، دنیا محل جمع‌آوری پول، ثروت و دارایی نیست بار آخرت را دشوار و ثقیل مگردان، از انسان‌های باش‌که خیرات برای مردم و جامعه برسد، کثرت و افزایش مال نجات‌دهنده نمی‌باشد؛ مگر داستان ثروتمندترین شخص زمان موسی علیه السلام برایت نرسیده است؟ داستان خسف و فرو رفتن قارون به زمین، او در قهر و غضب و لعنت الله ﷻ گرفتار شد ثروت و مال اش نتوانست نجات اش دهد، پس الله ترسی و تقوای در راستای تجارت و خرید فروش پیشه نما، و برای بدست آوردن رزق حلال تلاش کن.

اللهم ارزقنا رزقاً حلالاً یا رزاق ذوالقوه الممتین!



## رشوه و اختلاس

اسلام عزیز مسلمانان را به خوردن غذای حلال، کسب و کار حلال و مشروع دستور می‌دهد و اجازه نمی‌دهد تا لقمه حرام داخل شکم مسلمان گردد و می‌فرماید اگر لقمه حرام داخل شکم مسلمان شود؛ تا ۴۰ روز عبادت وی پذیرفته نمی‌شود. مسلمان مکلف است تا برای بدست آوردن روزی حلال سعی و تلاش نماید و از طریق حلال امرار معاش نماید و هرگز طرفدار خوردن مال و غذای حرام و کسب حرام نباشد.

اللہ ﷻ می‌فرماید:

{وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِيَأْكُلُوا فَرِيقًا  
مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ} البقره: آیه ۱۸۸

ترجمه: و اموالتان را میان خودتان به ناروا مخورید و به عنوان رشوه قسمتی از آن را به قضات مدهید تا بخشی از اموال مردم را به گناه بنخورید در حالی که خودتان هم خوب میدانید.

کلمه باطل که در آیه مبارکه ذکر شده است شامل تمام حرام‌ها و حرام

خوری ها شده می‌تواند، اگر کسی غصب و زورگیری کند، اگر کسی باج گیری و قُلدری نموده مال مردم را تصاحب نماید، اگر کسی به سوگند و قسم و شهادت دروغ مال شخصی را بگیرد، اگر کسی اسناد زمین دوکان باغ موتَر شخصی را جعل سازی نموده از آن خود کند، و اگر حاکم، قاضی و مسئول بخشی از امور دولت در فیصله و حل منازعه پول تقاضا نماید، و بدون گرفتن پول فیصله نکند و به قول بعضی از علماء پول که از طریق قمار به دست می‌آورد شامل می‌شود. این آیت جامع است و تمام بخش های حرام را در بر می‌گیرد؛ بناء هرگونه رشوه و فیصله به نفع شخص حرام است، آنانیکه به ناحق دعوا می‌کنند و با پرداخت رشوه حق مسلمان را می‌ستانند باید از الله ﷻ بترسند، پیامبر ﷺ می‌فرماید: گاهی نزاعی به نزد من آورده می‌شود و بعضی در اقامه دلیل از بعضی قوی تر و چالاک تر است و من به مقتضای ظاهر دلیل اش بنفع وی قضاوت می‌کنم، در واقع مالی وی نباشد.

### فَإِنَّمَا هِيَ قِطْعَةٌ مِّنْ نَّارٍ، فَلْيُحْمِلْهَا أَوْ يُدْرِهَا<sup>۱</sup>

ترجمه: پس آن قطعه از آتش است که می‌گیرد، اگر آتش را می‌خواهد آن را بپذیرد و گرنه آن را رها سازد.

دروازه رشوه خوری و رشوه گیری از طرف طبقات حاکم باید مسدود شود و حاکمان مسلمان هرگز به رشوه فیصله نکنند، و طرفدار رشوه گیری نباشند، زیرا حقوق طبقه ضعیف و بیچاره ها پایمال می‌گردد، آنها برای حفظ حقوقشان رشوه پرداخت کرده نمی‌توانند و اموالشان را زورگیرها، قُلدرها و پول دارها با پرداخت رشوه از آن خود می‌نمایند.

(به قول نویسنده تفسیر نمونه: در هر اجتماع رشوه نفوذ کند، شیرازه ی

زندگی آنها از هم می‌پاشد، و ظلم، فساد، بی‌عدالتی، تبعیض در همه سازمانهای آنها نفوذ می‌کند، و از قانون عدالت جزء نام باقی نخواهد ماند»

لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الرَّاشِيَّ وَالْمُرْتَشِيَّ، فِي الْحَكْمِ

ترجمه: پیامبر ﷺ آنان را که در حکم رشوه می‌دهد و رشوه می‌گیرند لعنت و نفرین کرده است

رشوه در اسلام حرام و از جمله گناهان کبیره حساب می‌شود، رشوه دهنده و رشوه گیرنده هر دو از رحمت الله ﷻ دور اند؛ در روایت احمد رایش نیز آمده است یعنی کسی که در بین رشوه دهنده و رشوه گیرنده کار می‌کند دلالی می‌نماید، و زمینه گرفتن رشوه را فراهم می‌سازد او نیز ملعون است یا کسی که در میان هر دو شخص واسطه می‌شود، اکثرا زمینه را همین اشخاص سوم فراهم می‌سازد که خودشان نیز از پولی که به رشوه داده میشوند، حق می‌گیرند.

مسلمان زمینه رشوه ستانی را برای هیچ کسی فراهم نمی‌سازد، و خود را برای گرفتن یک مقدار مال ناچیز و جیفه های دنیا از رحمت الله ﷻ دور نمی‌کند، و در لعنت گرفتار نمی‌سازد.

اسلام رشوه را به هر نام، رنگ، شکل و قیافه که باشد، محکوم می‌کند در زمان پیامبر اسلام ﷺ یکی از فرمانداران اش برای جمع آوری اموال زکات رفته بود هنگام برگشت بعضی از مال را به عنوان هدیه برای خودش گرفت پیامبر ﷺ برآشفت و خطبه ایراد کرد، این کارش را نکوهش نمود و فرمود:

« در خانه پدر و مادر اش می‌نشست می‌دید که هدیه برایش می‌دهند یا نه؟ (بخاری مسلم)»

در بعضی از روایات آمده است که وی ﷺ فرمود:

چگونه آنچه که حق تو نیست میگیری؟

او در پاسخ گفت: هدیه بود یا رسول الله ﷺ.

فرمود: اگر در خانه بنشینید آیا مردم برای شما هدیه میدهند؟

سوء استفاده از وظیفه، گرفتن اموال مردم به عنوان تحفه، هدیه و سوغات به هیچ وجه جواز ندارد حتی برای قاضی اجازه نیست که به دعوت مردم برود، آنهایی که رشوه می گیرند، معاش و حقوق حلال خویش را حرام می سازند، و در لعنت الله ﷻ گرفتار میشوند، انواع بلاها و مصیبت ها بالای ایشان نازل میگردد، حیثیت و وقار شان نزد مردم کم می شود، به مرض های زمین گیر مواجه میگرددند و در میان مردم بنام رشوه خور لقب می گیرند؛ گاه به سلول های زندان کشانیده شده، از مقام، منصب و وظیفه سبک دوش میگردند و بلاخره در دنیا و آخرت رسوا و ذلیل می شوند. مسلمان خوب نه رشوه می دهد و نه رشوه می گیرد و نه در میان رشوه ده و رشوه گیر واسطه و میانجی می شود راه رشوت دهی و رشوت گیری را برای هیچ کسی باز نمی سازد؛ مسلمان خوب اگر کسی را دید که برای رشوه زمینه سازی می کند به نیت اصلاح، دعوت اش می نماید و از گناه رشوه آگاه اش می سازد و نمی گذارد که در لعنت الله جل جلاله گرفتار شود که این بزرگترین همکاری برای شخص رشوه خور، رشوه ده و شخصی میانجی است.

**بلی برادر مسلمانم!** معامله های آلوده به رشوه را هرگز قبول نکن و رزق حلال ات را حرام مگردان، معاش و درآمد اندک ات به مراتب بهتر و با برکت تر از پول زیاد وگراف رشوه است؛ اگر پیشنهاد رشوه در نیمه های شب در تاریکی و تنهایی دور از چشم مردم برایت شد یقین داشته باش که الله جل جلاله می بیند و هر لحظه مراقبت است.

{وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ} البقره: آیه ۱۴۹

ترجمه: و الله از آنچه می کنید غافل نیست.

الله ﷻ از آنچه امر میکند بی خبر نیست آنان که با الله ﷻ می جنگند یکی از راه های عواید نا مشروع و پول حرام معامله های سودی و رباء است قبل از اسلام این نوع معامله ها در میان عرب وجود داشت سود میگرفتند به رباء و سود پول میدادند مردم زیر بار سود سود خوران قرار می گرفتند، سالها سپری میشد از پرداخت پول سود رها نمی شدند اگر پول را در وقت معین آن نمی پرداختند صاحبان پول یعنی آنهایکه به سود پول داده بودند وقت را برایشان تمديد می کردند و در برابر اش سود را اضافه می نمودند که سود خوران عصر ما نیز چنین می کنند؛ بعد از اینکه اسلام عزیز آمد پیامبر ﷺ به حکم الله ذوالجلال بالای معاملات و مطالبات ربوی و سودی قلم سرخ کشید و آن را لغو اعلام کرد در صورت که اگر رباء خوران دست از رباء خوری و سود برنکشند با ایشان جنگ خواهد شد زیرا که سود خوری در اسلام حرام است و به هیچ وجه جواز ندارد. الله ﷻ آیات را در مورد تحریم رباء و سود نازل فرمود:

{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ  
\* فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ  
أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ} البقره: آیه ۲۷۸\_ ۲۷۹

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید، از الله ﷻ بترسید؛ و اگر مؤمن هستید، آنچه از رباء باقی مانده است واگذار نمایید، و اگر چنین نکردید، بدانید به جنگ با الله ﷻ و فرستاده وی برخاسته اید؛ و اگر توبه کنید، (سرمایه های شما از خودتان است). نه ستم می کنید و نه ستم می بینید.

این هشدار بزرگ از جانب الله ﷻ برای سودخوران است در صورتیکه سود خوری را ترک نکنند و توبه نه نمایند به پیکار و جنگ از جانب الله ﷻ و رسول اش آماده شوند.

در نظام ربوی و سود خوری بزرگترین خساره و زیان شامل حال طبقه

فقیر و بیچاره می‌گردد، خون مردم مستضعف چوشیده می‌شود، دایم زیر بارِ گران و ثقیل سود قرار می‌گیرند، همه منافع از آن سرمایه‌دار می‌باشد؛ در نظام رباخوری و سود خوری عدالت وجود ندارد، منافع یک طرفه است و فقط یک مُشت از سود بهره میبرد که در آن هیچ خیر و برکت نیست؛ در صورتیکه رباء خوران به حق و عدالت تسلیم نشوند و به این سود خوری و خون خوری ادامه دهند پیامبر ﷺ مکلف است با توسل به جنگ جلوشان را بگیرند و اما حالا که در عصر ما پیامبری وجود ندارد و خلیفه‌ی حاکم بر تمام امت در کره زمین نیست؛ پس مسئولیت جلوگیری از سود را کی‌ها دارند؟ اگر حکومت، اسلامی باشد میتواند با توسل به زور جلو سود خوران و ربا خواران را بگیرد، ایشان را سزا دهد، جریمه نقدی نماید، و بلاخره با ایشان بجنگد؛ متأسفانه امروز حکومت‌ها به نام اسلامی است پسوند و پیشوند اسلامی با نام حکومت‌ها اضافه شده است و تنها نام اسلامی به مانند تصویر وجود دارد و در عمل چیزی نیست؛ در زیر بار حکومت‌های لیبرالی و دموکرات، معامله به کار و بار سود در میان مردم آزادانه به مانند تجارت حلال ادامه دارد، بانک‌ها با سود و رباء کار می‌کنند و کسی جلو ایشان را نمی‌گیرد و مزاحمتی برای ایشان از طرف حکومت‌ها وجود ندارد، به تبلیغ و توصیه علماء و مبلغین توجه نمی‌کنند، آنان که به مرض سود خوری گرفتارند بدون زور و جبر دست از معامله‌ی سود بر نمی‌دارند، آنها به راحتی پول گزاف را از طریق رباء و سود به دست می‌آورند، به آسانی سود خوری را ترک نمی‌کنند که در اینجا حکومت‌ها مسئول درجه یک اند تا جلوی آن را بگیرد در غیر آن مورد بازپرسی الله ﷻ قرار خواهند گرفت و همچنین حکومتها مسئول اند تا زمینه کار را برای مردم فراهم نمایند تا مردم از طریق اجر و مزد که در بدل کار به دست می‌آورند امرار معاش نموده و فرصت برای گرفتن سود پیدا نکنند؛ اگر حاجت و ضرورت‌های مردم بر آورده شود



برای گرفتن پول سود و ربا به کسی مراجعه نمی‌کنند؛ تا ستم کش نباشد ستم گر کمتر پیدا می‌شود. طبقه فقیر و بی بضاعت قابل ترحم اند، الله ﷻ می‌فرماید:

اگر شخصی قرضدار پول نداشته باشد که پرداخت نماید باید برایش مهلت داده شود و اگر هیچ قدرت پرداخت نداشته باشد ایشان را ببخشید این برای شما بهتر است اگر بدانید.

﴿وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ البقره: آیه-۲۸۰

و اگر بدهکاران تنگدست باشد، پس تا هنگام گشایش، مهلتی به او دهید؛ و اگر به راستی قدرت پرداخت ندارد، بخشیدن آن برای شما بهتر است، اگر بدانید.

این یک مسئله ایمانی و اخلاقی است که تا دست باز شدن برایش مهلت داده شود و اگر به سود پول داده باشد تنها اصل مال را مطالبه نمایید نه سود را، اگر مدیون هیچ چیزی از مال و دارایی نداشت که بپردازد بخشش نمایید تا اجر و پاداشی برای آخرت تان باشد و قرضدار را کمک کنید. برعکس بعضی‌ها خانه و اسباب منزل مدیون را در عوض پول قرض و سود توقف میدهند و ایشان را مجبور می‌کنند که فرو کنند و به فروش برسانند قرض و سود وی را بپردازند که این، دور از مروت و مردانگی است.

ربا و سودخوری بزرگترین گناه است در سود خوری مخالفت صریح از امر الله ﷻ می باشد سود خور آماده جنگ با الله ﷻ است، گناه سود بالاتر از ۳۶ زنا است، پول سود هر قدر زیاد باشد برکت ندارد خیرات و صدقات از پول سود را الله ﷻ قبول نمیکند، داخل شکم سود خوران در روز قیامت مملوء از مارها است، سود خور از قبر مانند دیوانه برمی‌خیزد، سود خور ملعون است، و روز قیامت به شکل سگ و خوک حشر میشوند، چهره هایشان مسخ می‌گردد

## چنانچه که چهره‌های یهودیان اصحاب سبت<sup>۱</sup> به شادی و خنزر تبدیل شده و

۱. «سبت» در لغت به معنی تعطیل عمل برای استراحت است و اینکه در قرآن در سوره «نبا» می‌خوانیم «وَجَعَلْنَا تَوْمَكُمْ سُبَاتًا» [نساء/۹] خواب شما را مایه راحت شما قرار دادیم» نیز اشاره به همین موضوع است، و روز شنبه را از این جهت «یوم السبت» نامیده‌اند که برنامه‌های کسب و کار معمولی در آن تعطیل می‌شد، سپس این نام بر این روز باقی ماند. (تفسیر نمونه، ج ۶، ص: ۴۱۶).

آیات متعددی در قرآن به مساله حرمت روز شنبه پرداخته است که مساله ای مرتبط به قوم یهود است: «وَلَقَدْ عَلَّمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدُوا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ فَلَمَّا قَوْلُوا فِرْدَوْا خَائِبِينَ» [بقره/۶۵] به طور قطع از حال کسانی از شما، که در روز شنبه نافرمانی و گناه کردند، آگاه شده اید! ما به آنها گفتیم: «به صورت بوزینه‌هایی طرد شده درآید!»

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهَ فِرْدَوْهَا عَلَىٰ أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا» [نساء/۴۷] ای کسانی که کتاب (خدا) به شما داده شده! به آنچه (بر پیامبر خود) نازل کردیم - و هماهنگ با نشانه‌هایی است که با شماست - ایمان بیاورید، پیش از آنکه صورتهایی را محو کنیم، سپس به پشت سر بارگردانیم، یا آنها را از رحمت خود دور سازیم، همان گونه که «اصحاب سبت» [گروهی از تبهکاران بنی اسرائیل] را دور ساختیم و فرمان خدا، در هر حال انجام شدنی است!»

«وَقُلْنَا لَهُمْ لَا تَعْدُوا فِي السَّبْتِ وَأَخَذْنَا مِنْهُم مِثْقَالَ غَلِيظًا» [نساء/۱۵۴] و (نیز) گفتیم: روز شنبه تعدی نکنید (و دست از کار بکشید!) و از آنان (در برابر همه اینها،) پیمان محکمی گرفتیم.»

«وَسَأَلْنَهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْتَدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّعًا وَ يَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ» [اعراف/۱۶۳] و از آنها درباره (سرگذشت) شهری که در ساحل دریا بود بپرس! زمانی که آنها در روزهای شنبه، تجاوز (و نافرمانی) خدا می‌کردند همان هنگام که ماهیان شان، روز شنبه (که روز تعطیل و استراحت و عبادت بود، بر سطح آب،) آشکار می‌شدند اما در غیر روز شنبه، به سراغ آنها نمی‌آمدند این چنین آنها را به چیزی آزمایش کردیم که نافرمانی می‌کردند.»

«إِنَّمَا جَعَلَ السَّبْتُ عَلَى الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ وَإِنَّ رَبَّكَ لَبِحْكُم بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ» [نحل/۱۲۴] (تحریمهای) روز شنبه (برای یهود) فقط بعنوان یک مجازات بود، که در آن هم اختلاف کردند و پروردگارت روز قیامت، در آنچه اختلاف داشتند، میان آنها داوری می‌کند.»

«خلاصه ماجرا چنین بود: خداوند به یهود دستور داده بود، روز «شنبه» را تعطیل کنند، گروهی از آنان که در کنار دریا می‌زیستند به عنوان آزمایش دستور یافتند از دریا در آن روز ماهی نگیرند، ولی از قضا روزهای شنبه که می‌شد، ماهیان فراوانی بر صفحه آب ظاهر می‌شدند، آنها به فکر حيله گری افتادند و با یک نوع کلاه شرعی روز شنبه از آب ماهی گرفتند، خداوند آنان را به جرم این نافرمانی مجازات کرد و چهره شان را از صورت انسان به حیوان دگرگون ساخت.» (تفسیر نمونه، ج ۱، ص: ۲۹۷).

«در این آیات صحنه دیگری از تاریخ پرمآجرای بنی اسرائیل، که مربوط به جمعی از آنها است که در ساحل دریای زندگی می‌کردند، آمده است، منتها روی سخن در آن به پیامبر اسلام ص است، و به او می‌گوید که از یهود معاصر

مسخ گردیدند، خلاصه اینکه آسان ترین گناه سود برابر زنا با مادر است، آیا از سودخوری منع می شوید؟ در شهر و قریه که سود خوری رواج است مردم قرض حسنه نمی دهند، دروازه خیر و برکت مسدود می گردد، عذاب الله ﷻ بالای مردم نازل می گردد، و سودخوران در قهر و غضب الله ﷻ گرفتار می شوند، پیامبر ﷺ می فرماید: لعنت الله ﷻ باد بر سود خور و سود دهنده، و در روایت دیگر آمده است:

لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَكْلَ الرِّبَا وَمُوكِلَهُ وَكَاتِبَهُ وَشَاهِدِيهِ وَقَالَ: هُمْ سَوَاءٌ<sup>۱</sup>

ترجمه: رسول الله ﷺ به سودگیرنده، سود دهنده، نویسنده و شاهدان آن لعنت فرستاده است، و فرمودند: ایشان در گناه برابرند.

پس از کارمندان بانکهای سود، نویسندگان و شاهدان آن نیز شامل لعنت

خوبش درباره این جمعیت سؤال کند یعنی این خاطره را به وسیله سؤال در ذهن آنان مجسم ساز؛ تا از آن پند گیرند، و از سرکشی و کفیری که در انتظار سرکشان است بپرهیزند.

این سرگذشت، چنان که در روایات اسلامی به آن اشاره شده مربوط به جمعی از بنی اسرائیل است که در ساحل یکی از دریاها (ظاهراً دریای احمر بوده که در سرزمین فلسطین قرار دارد) در بندری بنام «ایله» (که امروز بنام بندر ایلات معروف می باشد) زندگی می کردند و از طرف خداوند به عنوان آزمایش و امتحان دستوری به آنها داده شد و آن اینکه صید ماهی را در آن روز تعطیل کنند اما آنها با آن دستور مخالفت کردند و گرفتار مجازات دردناکی شدند که شرح آن را در این آیات می خوانیم.

بدیهی است جمعیتی که در کنار دریا زندگی می کنند، قسمت مهمی از تغذیه و درآمدشان از طریق صید ماهی است، و گویا به خاطر تعطیل مستمری که قبلاً در روز شنبه در میان آنها معمول بود، ماهیان در آن روز احساس امنیت می کردند و دسته دسته به روی آب ظاهر می شدند، اما در روزهای دیگر که صیادان در تعقیب آنها بودند در اعماق آب فرو می رفتند! این موضوع خواه جنبه طبیعی داشته، و یا يك جنبه فوق العاده و الهی، وسیله ای بود برای امتحان و آزمایش این جمعیت، لذا قرآن می گوید: « ما این چنین آنها را به چیزی که در برابر آن مخالفت می کردند آزمایش می کردیم»

هنگامی که این جمعیت از بنی اسرائیل در برابر این آزمایش بزرگ که با زندگی آنان کاملاً آمیخته بود قرار گرفتند، به سه گروه تقسیم شدند:

گروه اول: که اکثریت را تشکیل می دادند، به مخالفت با این فرمان الهی برخاستند.

گروه دوم: که قاعدتاً اقلیت کوچکی بودند، در برابر گروه اول به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر قیام کردند.

گروه سوم: ساکنان و بی طرفان بودند، که نه همگامی با گناهکاران داشتند و نه وظیفه نهی از منکر را انجام می دادند. «

اند، و آنانیکه در میان سود خور و سود دهنده شهادت می دهند؛ یا سند قباله می نویسند از رحمت الله ﷻ دور و به لعنت وی گرفتارند.

در حدیثی دیگر آمده است کسی که برای شخص بخواهد شفاعت کند و در بدل شفاعت اش چیزی برایش بدهد و او قبول کند، بدون شک به دروازه ی از دروازه های بزرگ سود داخل شده است.

ابن مسعود (رضی الله عنه) می گوید: اگر شما بر شخصی قرض داشته باشید، و او برای شما چیزی هدیه دهد قبول نکنید که آن سود است.

حسن بصری رحمه الله می گوید: از خانه قرضدار تان نان نخورید، که سود می شود چون در حدیث است، هر قرض که منجر به فایده شود آن حرام است، که این مذهب امام ابوحنیفه رحمه الله، نیز می باشد.

پیامبر ﷺ در شب معراج کسانی را دید که شکم هایشان مانند، خانه بزرگ و در آن مارها و گژدم ها است که از پشت شکم دیده می شود از جبرئیل پرسید؟ اینها کی ها اند؟

جبرئیل گفت: اینها سودخوران اند، آنهایی هستند که در دنیا سود می خوردند.

**بلی برادر مسلمان و جوانان عزیز!** سود گناه بزرگی دارد کوشش نمایید تا در این گناه گرفتار نشوید برای رسیدن به لذت های کوتاه مدت دنیوی از باب سود استفاده نکنید و به خاطر خریدن خانه، دوکان، موتر، عروسی، ختم و خیرات هرگز سود نگیرید، در صورت ضرورت از شخص مسلمان قرض بگیرید، قرض حسنه و بدون سود و سپس برای ادای قرض تلاش نمایید انشاء الله در این خیر است و الله ﷻ کمک تان میکند.

مسلمان خوب نه به سود پول میدهد و نه از کسی سود می گیرد، و نه معامله سود را برای کسی می نویسد، و نه شهادت می دهد زیرا همه ی اینها گناه یکسان دارد و با این کار در لعنت الله ﷻ و پیامبر اکرم ﷺ گرفتار می شود.

## مهلت دادن قرضدار

با قرضدار و مدیون، رفق، نرمی و مدارا کردن از اخلاق اسلامی است. کسیکه پول و طلب خود را از او امداد و بده کار می خواهد به درنگ و آهسته گی باید مطالبه نماید، در طلب و خواستن وام و قرض با وامدار رفتار خشن نکند، زیرا او مجبور است و برای رفع مشکلات روزگار ناگزیر شده است تا پول قرض نماید، ممکن هنگام مطالبه دین چیزی نداشته باشد و تنگ دست باشد، اگر به دروازه قرضدار رفته شود که او در خانه نباشد یا از حیا و شرم خارج نشود بابت اینکه چون پول ندارد که وام را بپردازد، بالا از سه بار دق الباب نکند این از آداب مطالبه و اجازه خواستن است بسیار به نرمی دروازه را بکوبد تا سه بار اگر کسی جواب نداد بر گردد رسول الله ﷺ می فرماید:

الاسْتِئْذَانُ ثَلَاثٌ. فَإِنْ أُذِنَ لَكَ فَادْخُلْ وَإِلَّا فَارْجِعْ<sup>۱</sup>

ترجمه: اجازه خواستن تا سه بار است اگر اجازه داد (از خانه خارج شد و جواب داد) خوب در غیر آن برگرد.

۱. موطأ مالك ت الأعظمي (مالك بن أنس) ج-۵ ص-۴۰۳

بعضی‌ها عادت دارند دروازه را به شدت و سخت می‌کوبند سخن زشت و غیر اخلاقی میزنند، سختگیری میکنند، تهدید می‌نمایند، دشنام می‌دهند، وام خواستن چنین نمی‌باشد در صورت تنگدستی و فقر با برادر مسلمانان همکاری کن و دست‌اش را بگیر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌و سلم، می‌فرماید:

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: كَانَ رَجُلٌ يَدَاثِنُ النَّاسَ فَكَانَ يَقُولُ لِفَتَاهُ: إِذَا آتَيْتَ مُعْسِرًا تَجَاوَزْ عَنْهُ لَعَلَّ اللَّهَ أَنْ يَتَجَاوَزَ عَنَّا قَالَ: فَلَقِيَ اللَّهَ فَتَجَاوَزَ عَنْهُ<sup>۱</sup>

ترجمه: از ابی‌هریره رضی‌الله‌عنه، روایت است که رسول‌الله ﷺ فرمود: شخصی بود که برای مردم قرض می‌داد و برای جوان‌اش توصیه می‌کرد که هرگاه به نزد تنگدستی. رفتی بگذر از آن و عفوکن تا باشد الله ﷻ ما را عفو کند و از ما درگذرد.

رسول‌الله ﷺ می‌فرماید: شخص مذکور الله ﷻ را در حال ملاقات نمود که او را عفو و بخشش کرده بود؛ بلی‌وقتیکه انسان تنگ‌دست را مهلت دادی و سخت‌نگرفتی الله ﷻ در قیامت ترا سخت‌نمیگیرد، تو که از بنده مفلس گذشت کردی الله ﷻ با تو گذشت می‌کند، جزا و عوض نیکی‌های ترا الله سبحانه و تعالی می‌دهد.

{هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ} سورة الرحمن: آیه، ۶۰

ترجمه: مگر پاداش احسان جز احسان است.

رسول‌الله ﷺ می‌فرماید: کسی که حاجت مسلمان را بر آورده سازد و غم‌وی را دور نماید الله سبحانه و تعالی روز قیامت حاجت‌های او را بر آورده می‌سازد و غم‌اش را دور می‌کند. در حدیثی دیگر آمده است:

۱. کتاب مشكاة المصابيح [التبریزی، أبو عبد الله] ج-۲ ص-۳۷۷

مَنْ أَنْظَرَ مُعْسِرًا أَوْ وَضَعَ عَنْهُ أَنْجَاهَ اللَّهِ مِنْ كُرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ<sup>۱</sup>

ترجمه: کسی که تنگ دستی را مهلت دهد یا عفو کند الله ﷻ او را از غم و اندوه روز قیامت نجات می دهد.

در روایت دیگر آمده است که الله ﷻ آن شخص را در سایه عرش خود جای می دهد و از گرمی روز قیامت نجات اش می دهد.

مَنْ أَنْظَرَ مُعْسِرًا، أَوْ وَضَعَ عَنْهُ أَظْلَهُ اللَّهُ فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ<sup>۲</sup>

ترجمه: کسی که تنگ دستی را مهلت داد یا از آن گذشت الله ﷻ آن شخص را در سایه عرش خود جای می دهد در روزیکه جز سایه الله سایه دیگری نیست شخصی در زمان رسول الله صلی الله علیه و سلم، تجارت خرما را می نمود تاوان کرد و از مردم قرضدار شد، قرضدارها پول طلب می کردند اما وی چیزی نداشت که برای ایشان بدهد، رسول الله صلی الله علیه و سلم، از مردم خواست تا با وی همکاری نمایند.

فَتَصَدَّقَ النَّاسُ عَلَيْهِ، فَلَمْ يَبْلُغْ ذَلِكَ وَفَاءَ ذَنْبِهِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:  
«خُذُوا مَا وَجَدْتُمْ وَلَيْسَ لَكُمْ إِلَّا ذَلِكَ»<sup>۳</sup>

ترجمه: مردم صدقه دادند و همکاری نمودند اما قرض را پوره نکرد آنچه که جمع آوری شد از کمک های مردمی نسبت به پول قرضدارها کم بود رسول الله ﷻ، برای قرضداران گفت: آنچه که یافتید موجود است بگیریید شما را غیر از این چیزی دیگری نیست.

حدیث شریف نشان دهنده این است که برای قرض دار باید وقت داده شود، عفو شود و در صورت فشار قرضداران، مردم باید همکاری نمایند، و آنچه که

۱. کتاب مشکاة المصابیح [التبریزی، أبو عبد الله] ج-۲ ص-۳۷۷

۲. کتاب شرح الزرقانی علی الموطأ [الزرقانی، محمد بن عبد الباقي] ج-۴ ص-۴۷۷

۳. سنن أبي داود [السجستاني، أبو داود] ج-۳ ص-۲۷۶

از طریق مردم جمع آوری شده قرضدارها در بین شان تقسیم نمایند و دیگر شخص قرضدار را اذیت نکنند تا که او از حالت افلاس بیرون شود و دست اش باز شود. در بعضی روایات آمده است هر کسی که قرضدار و شخص مدیون را مهلت بدهد هر روز به اندازه قرض اش صدقه محسوب می شود تا که صدایش را بلند نکرده و قرض را مطالبه نه نموده باشد.

عَنْ عِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ صَلَّى مَنْ كَانَ لَهُ عَلَى رَجُلٍ حَقٌّ فَمَنْ أَخَّرَهُ كَانَ لَهُ بِكُلِّ يَوْمٍ صَدَقَةٌ<sup>۱</sup>

ترجمه: از عمران بن حسین (رضی الله عنه) روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم، فرمود: کسی که قرضدار و شخص مدیون را مهلت بدهد هر روز به اندازه قرض اش صدقه محسوب می شود.  
در روایت دیگر رسول الله ﷺ می فرماید:

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: مَنْ أَخَذَ أَمْوَالَ النَّاسِ يُرِيدُ أَدَاءَهَا أَدَّى اللَّهُ عَنْهُ، وَمَنْ أَخَذَ يُرِيدُ اتِّلَافَهَا أَتْلَفُهُ اللَّهُ<sup>۲</sup>

ترجمه: از ابی هریره (رضی الله عنه) روایت است که نبی کریم صلی الله علیه و سلم گفت: کسی مال مردم را بگیرد نیت این را داشته باشد که قرض را زود ادا مینماید الله سبحانه و تعالی، او را کمک میکند و اگر نیت نابود کردن مال را داشته باشد الله ﷻ نابود اش میکند.

بسا اشخاص هستند که سالها میگذرد قرض را ادا نمی کنند در حالیکه پول دارند، زور میگویند، قلدری می کنند و بلاخره انکار می کنند. رسول الله ﷺ می گوید: در صورتیکه پول داشته باشد و ندهد ظلم میکند.

۱. کتاب مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح [الملا علی القاری] ج-۵ ص-۹۶۴

۲. کتاب التوضیح لشرح الجامع الصحیح [ابن الملین] ج-۱۵ ص-۴۰۳



## مُظْلُ الْغَنِيِّ ظَلَمٌ<sup>۱</sup>

ترجمه: مرد ثروتمند اگر پول مظل کند ظلم است.

### رسول الله صلى الله عليه وسلم جنازه قرضدار را نخواند

قرضدار باید در کوشش ادای قرض و دین خود باشد به هر قیمتی که می شود خود را از وام و قرض رها نماید زیرا مرگ معلوم نیست و با قرض رفتن از دنیا خیلی ها دشوار است و با صالحین یک جا نخواهد شد، در قیامت وارد بهشت نخواهد شد مادامیکه قرض را اداء نماید.

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ نَفْسُ الْمُؤْمِنِ مُعَلَّقَةٌ بِدَيْنِهِ حَتَّى يُقْضَى عَنْهُ<sup>۲</sup>

ترجمه: از ابی هریره (رضی الله عنه) روایت است که رسول صلی الله علیه و سلم گفت: نفس مومن به قرض اش آویخته شده است تا که از وی ادا گردد. سلمه بن اکوع می گوید: نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم نشسته بودیم که جنازه آورده شد، گفتند: جنازه را بخوان، رسول الله ﷺ گفت: هل علیه دین؟... آیا میت قرضدار است؟ گفتند خیر، جنازه را خواند، بعدا جنازه دیگری آمد، باز پرسید آیا قرضدار است؟ گفتند بلی قرضدار است، فرمود: چیزی دارد؟ گفتند ثلاث دنانیر، سه دینار دارد جنازه را خواند (ممکن قرض اش به اندازه سه دینار بوده) جنازه سومی آورده شد پرسید: هل علیه دین؟ آیا این میت از شخصی قرضدار است؟ گفتند: بلی سه دینار قرضدار است، گفت: هل ترک شیا؟ آیا چیزی از وی باقی مانده است، گفتند: خیر، فرمود: صلوا علی صاحبکم - شما جنازه اش را بخوانید، ابو قتاده (رضی الله عنه) عنہ عرض کرد: یا رسول الله ﷺ شما

۱. کتاب التوضیح لشرح الجامع الصحیح [ابن الملکن] ج-۱۵ ص-۴۲۸

۲. کتاب حاشیة السندی علی سنن ابن ماجه [السندی، محمد بن عبد الهادی] ج-۲ ص-۷

جنازه را بخوانید قرض اش را من اداء میکنم، بعد از آن رسول الله صلی الله علیه و سلم، جنازه را خواند.  
برادر سعد بن اطول وفات می‌شود در حالیکه قرضدار است، رسول الله ﷺ می‌فرماید:

إِنَّ أَخَاكَ مَحْبُوسٌ بِدَيْنِهِ؛ فَأَقْضِ عَنْهُ<sup>۱</sup>

ترجمه: برادرت به خاطر دین و قرض اش محبوس و بندی است قرض اش را ادا کن.

او میگوید: رفتم تمام قرض هایش را ادا کردم مگر زنی که شاهد نداشت و ادعای دودینار قرض می‌کرد، رسول الله ﷺ گفت: برایش بده آن زن راست می‌گوید، در قسمت اول حدیث آمده است که برادرم بعد از وفات ۳۰۰ دینار داشت اما اطفال های صغیر و خورد سال از خود به جا گذاشته بود، من خواستم که ۳۰۰ دینار را به آنها مصرف کنم (احمد)

در روایت ابو موسی (رضی الله عنه) آمده است که بزرگترین گناه بعد از گناهان کبیره این است که انسان از دنیا رحلت کند و به نزد الله سبحانه و تعالی قرضدار برود و از خود چیزی برای اداء قرض نگذاشته باشد (احمد و ابو داؤد)

قرض از رفتن به بهشت جلوگیری می‌نماید، بهتر این است که قبل از مرگ قرض را اداء نمایند. در صورت که انسان قرضدار وفات شود وارثین از مال متروکه میت، باید قرض را اداء کنند و اگر مال نداشته باشد گردن میت را از قرض رها نمایند و از مال خود شان برای قرضداران اش بدهند.

حضرت معاذ بن جبل (رضی الله عنه) جوان سخی و بخشنده بود به خاطر سخا و جوان مردی خیلی ها قرض دار شده بود، رسول الله ﷺ با قرضدار های معاذ

۱. المنتخب من مسند عبد بن حمیدت مصطفی العدوی (عبد بن حمید) ج ۱- ص ۲۵۲

صحبت و گفتگو نمود، و مال که معاذ (رضی الله عنه) داشت همه را فروخت برای قرضدارها داد حتی که برای معاذ چیزی باقی نماند (مشکوٰۃ مصابیح) در صورتیکه قرض طولانی شود و قرض دارها مهلت ندهد و هر لحظه بر بالای تان فشار آورد، ناگزیر چیزی که دارید باید فروخته و برای ایشان برای تمامی قرض بدهید.

**بلی برادر مسلمان!** قرض خیلی سخت است تا مجبور نشده باشید از کسی قرض نکنید و اگر به گرفتن قرض مجبور شدید از انسان های نیک و صالح قرض بگیرید، تلاش نمایید هر چه سریع و عاجل قرض را اداء نمایید، در صورت نداشتن پول از کسی که بالای تان قرض دارد معذرت بخواهید و خواهش کنید تا فرصت را تمدید نماید، موضوع قرض را در کتابچه یاد داشت کرده و به اعضای خانواده بگویید، در صورت عدم پرداخت برای وارثین به ویژه فرزندان توصیه نمایید تا بعد از مرگ قرض ها را بپردازند، تا وقتیکه گردن تان از دین رها نشده باشد بوی بهشت به مشام تان نخواهد رسید؛ پس برای اداء قرض بشتابید و هرگز غفلت نکنید.

رسول الله ﷺ می فرماید: قسم به ذاتی که نفس محمد صلی الله علیه و سلم به دست اوست اگر مردی در راه الله سبحانه و تعالی کشته شود، باز زنده کرده شود دوباره کشته شود، باز زنده شود و در راه الله سبحانه و تعالی کشته شود که قرضدار باشد به بهشت نخواهد رفت تا قرض را ادا نکرده باشد (رواه احمد) کشته شدن در راه الله ﷺ در جهاد به خاطر دفاع از دین اسلام بزرگترین افتخار است و همه گناهان شهید از برکت شهادت بخشیده می شود، اما قرض نه، بارها زنده کرده شود، و در راه الله ﷺ کشته شود به بهشت رفته نمیتواند در صورتیکه قرضدار باشد. مسئله قرض را عادی فکر نکنید، در صورت داشتن پول قرض را به تعویق نه اندازید و همیشه دعا کنید که از دنیا قرضدار نمیرید.

الهم اکفن بحلالک عن حرامک و اغنی بفضلک عن سواک!

## طلب و جست‌وجوی رزق حلال

رسول الله صلی الله علیه و سلم می فرماید:

### طلب کسب الحلال فریضة بعد الفریضة<sup>۱</sup>

ترجمه: بعد از فریضة نماز و روزه طلب کسب و کار حلال فرض است. کسی که حلال بود پولی که از آن طریق به دست می‌آید، حلال می‌باشد و با رزق حلال عبادت قبول می‌شود، کسب و کار غلط و حرام روزی را حرام میگرداند و حتی گناهی که انسان مرتکب می‌شود سبب محرومیت رزق و روزی می‌گردد، شکم اش همیشه گرسنه، خوار، ذلیل و پریشان می‌باشد.

رسول الله صلی الله علیه و سلم می فرماید:

یک شخص بخاطر گناهی که میکنند از رزق محروم می‌شود. آنانیکه از پول سگ فروشی، خون فروشی، شراب فروشی، از پول زنا، لواطت، کهنات، اراضی، جادوگری قمار و غیره امرار معاش مینمایند به ارشادات و به فرامین اسلامی عمل نمی‌کنند، هرگز سیر نخواهند شد. آنانیکه

۱. کتاب فیض القدر [المنآوی] ج ۴ - ص ۲۷۰

مجلس های گناه بر پا می کنند، خرافه میگویند، وقت را ضایع می نمایند، عمل نامشروع و خلاف اخلاق انجام می دهند از آن مدرک پول پیدا می کنند و نان می خورند این همه عذاب و وبال جان ایشان خواهد شد. اینچنین افراد باید کار های زشت اخلاقی را ترک نمایند از راه های نامشروع و حرام نان نخورند، رزق و روزی شان را با گرفتن پول حرام از کسب حرام، حرام نسازند. کم و اندک اما حلال بهتر از آن است که زیاد و حرام باشد؛ زیرا در حرام خیر نیست، پول حرام و نامشروع برکت ندارد، اگر صدقه و خیرات کنید ثواب ندارد، کسیکه با غذای حرام تغذیه می شود، لباس می پوشد در آن الله ﷻ را پرستش میکند، عبادت اش قبول نمی شود.

رسول الله ﷺ شخصی را دید که به غلاف کعبه خود را آویخته است و الله، الله میگوید، رسول الله ﷺ فرمود:

### مطعمه، حرام و ملبسه حرام کیف يستجاب له الدعوه<sup>۱</sup>

ترجمه: غذایش حرام، لباس اش حرام دعایش چگونه قبول میگردد؟  
برای قبولیت دعا، نماز، روزه و سایر عبادات، غذا، لباس و کار حلال باشد از عواید مدارک حلال پول به دست آید و اگر او کم و اندک هم باشد برکت دارد و عبادت در آن پذیرفته می شود.

**خواننده گان عزیز و جوانان مسلمان:** آنچه که در قرآن کریم و احادیث نبوی به نکردن اش دستور داده شده حرام و از منکرات است؛ پس یکی از وظیفه و مسئولیت شخصی یک مسلمان اینست که همیشه امر به معروف و نهی از منکر نماید، در عصر ما منکرات در هر جا به کثرت دیده می شود روز به روز دامن منکرات به هر محیط و منطقه توسط افراد مفسد و بد اخلاق گسترانیده می شود، وسایل برای تبلیغ منکرات به کار انداخته می شود، برای ترویج فحشا و

۱. کتاب فقه الأذعیة والأذکار؛ [عبد الرزاق بن عبد المحسن البدر] - ج ۲ ص ۲۸-

منکر پول های گزاف مصرف می شود از سگ بازی، سگ فروشی و سگ جنگی تا شراب نوشی از مرغ جنگی، و بودن بازی تا زنا و فحشا، از قمار بازی تا خون فروشی و حرام فروشی، از جادوگری و کهنات تارقص، کنسرت و موسیقی همه منکرات و... برای گسترش و انجام دادن این اعمال انسان های شیطان صفت با پیروی از شیطان و همراهان وی، وقت و پول زیاد به مصرف می رسانند تا یک جوان مومن و مسلمان را به دام های شیطانی و اعمال نا مشروع آلوده و ملوث سازند.

یکی از خصوصیت های امت اسلامی و یک جوان مسلمان همین است که امر به معروف و نهی از منکر می نماید. الله ﷻ می فرماید:

{كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ  
وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ} آل عمران: آیه ۱۱۰

ترجمه: شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده اید به کار پسندیده فرمان می دهید و از کار ناپسند بازمی دارید و به الله ایمان دارید. و رسول الله صلی الله علیه و سلم می فرماید:

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخَدْرِيِّ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ «مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ وَذَلِكَ أَضْعَفُ الْإِيمَانِ» (رواه مسلم)

ترجمه: کسیکه از شما کار منکر و ناپسندی را دید باید آن را با دست اش تغییر دهد (منع نماید) و اگر نتوانست با زبان اش تغییر دهد و اگر نتوانست با قلب اش بد بیند این از ضعیف ترین درجه ایمان است.

در این حدیث سه درجه ذکر شده است:

۱. منع کردن منکرات و جلوگیری از آن با دست که این کار صاحبان قدرت و

زور می باشد.

۲. جلوگیری منکرات با زبان و تبلیغ که این کار علماء، دعوت گران و مبلغین است.

۳. بد دیدن کارهای زشت به دل و قلب و همراه ایشان یکجا نشدن، که این کار عوام است و ضعیف ترین درجه ایمان همین است.

متأسفانه امروز هر جا که مجلس خرافه چون سگ جنگی، مرغ جنگی، رقص، آواز خوانی و غیره برپا می شود عوام مردم در آن اشتراک نموده و از آن حمایت می کنند، و حکومت های فاسد و شیطانی امنیت آنرا تامین می نمایند که این کار سبب ترویج بیشتر فحشا، فساد و منکرات در جامعه می گردد. در صورتیکه این سه دسته خاموش شوند جلو فساد و منکرات توسط ایشان گرفته نشود امکان آمدن عذاب به گونه عام و بالای هر کس از سوی خداوند ﷻ بیشتر خواهد بود.

رسول الله صلی الله علیه و سلم می فرماید:

عن حذيفة بن اليمان رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم  
قال: والذي نفسي بيده لتأمرنَّ بالمعروف ولتَنْهَوْنَ عن المنكر، أو  
ليُوشكنَّ الله يبعثُ عليكم عقاباً منه، ثم تدعونهُ فلا يستجيبُ لكم.<sup>۱</sup>

ترجمه: از حذیفه بن یمان (رضی الله عنه) روایت است که نبی کریم صلی الله علیه و سلم، فرمود: قسم به آن ذاتی که نفس من در دست اوست اگر امر به معروف و نهی از منکر نکنید قریب است که الله ﷻ بالای شما عذاب را بفرستد و در آن وقت دعا کنید، دعایتان مستجاب نگردد.

سپس هر جا که کار منکر و ناپسندی را دیدید به نرمی توصیه نمایید و جلو منکر و فساد اش را بگیرید تا مسئولیت اسلامی را ادا نموده باشید، اگر

۱. (کتاب جامع الأصول) [ابن الأثیر، أبو السعادات] ج-۱ ص-۳۳۲



به سخن گوش ندادند و به فساد و منکر شان ادامه دادند در آن صورت شما  
گنهکار نیستید.



## صحت ثروت بی بدیل

انسان ها مکلف اند تا سلامتی بدن و جسم شان را حفظ کنند بهداشت، تندرستی و نگهداشتن صحت و جیبه هر مسلمان است، داشتن صحت سالم از جمله بزرگترین نعمت الهی می باشد، قدر این نعمت را باید دانست و هر لحظه از خالق کاینات باید تشکری نمود که دست، پای، چشم، زبان و بدن سالم داده است و به کسی محتاج نگردانیده؛ پس هرگز نافرمانی الله ﷻ را نکنیم مواظب حفظ الصحه و سلامتی خود و خانواده خود بوده باشیم.

زندگی بدون صحت دشوار است، قدر صحت و سلامتی را آنهایی میدانند که از نعمت صحت بر خوردار نیستند، فلج و معلول اند. صحت در حالی که نعمت بزرگ الهی است امانتی از جانب الله ﷻ نیز می باشد، هر گاه به سلامتی و بهداشت توجه نشود یا خود را قصدا به مواد های مسکر نشه آور و مست کننده عادت دهند بدون شک به این امانت الهی خیانت صورت می گیرد، حفظ الصحه فردی و جسم سالم را خدشه دار می سازد، در عصر ما میلیون ها انسان به مواد مخدر و دوا های مست کننده گوناگون معتاد اند، به نوشیدن و کشیدن

تریاک، هیرویین، مروفین، شیشه، حشیش، چرس، سیگار، الکل، شراب و غیره مداومت می‌کنند که به اثر آن عقل و قوه ادراک و تمیز را از دست داده اند، نماز نمی‌خوانند، روزه نمی‌گیرند، بدن و لباس خویش را از آلودگی‌ها پاک نمی‌دارند، دزدی و سرقت می‌کنند به سبب معتاد بودن و عقل نداشتن برای ایشان سزا تعیین نمی‌شود، زندان نیست، تداوی و معالجه‌ی درست ندارند، مردم را به ستوه آورده‌اند که این بزرگترین خیانت به صحت است و نعمت صحت را قصداً از دست داده‌اند و در اینجا مسول درجه اول خود ایشان‌اند؛ زیرا میدانند که استعمال مخدرات صحت ایشان را به نابودی می‌کشاند اما پرهیز نکرده و برای مداومت آن تلاش می‌نمایند و برای لذت کوتاه و گذرای آن، همه عمر زجر می‌کشند. مسول درجه دوم در قبال حفظ الصحه و جلوگیری از اعتیاد به مخدرات پدر و مادر و بزرگان خانواده ایشان‌اند و مسول درجه سوم حکومت‌ها‌اند که باید جلو این سیل‌کننده توسط ایشان گرفته شود، این مرض ساری در اکثر کشورها سرایت نموده و نسل جوان را به دام خودکشانده است.

در اعتیاد به مخدرات خیانت به صحت و ناشکری این نعمت الهی است، اعتیاد به مخدرات سبب امراض مختلف در جسم انسان می‌گردد، کرامت و شخصیت انسان را از بین می‌برد، بلایی است که تمام افراد خانواده، قریه و شهر را می‌رنجانند. هیچ معتاد معمولی در شغل‌اش امین نمی‌باشد کسیکه به جان‌اش رحم نداشته باشد به زن، فرزند و مردم‌اش هرگز رحم نمی‌کند، کشیدن سیگار در میان جوانان یک چیزی عادی فکر می‌شود در حالیکه بزرگترین وسیله تخریب صحت همین سیگار است. دقت بکنید تنها در انگلستان سالانه بین ۲۵ الی ۳۰۰۰۰ نفر به اثر سیگار کشی می‌میرند و طبق تحقیقات محققین، بیشترین کسانیکه به اثر سرطان ریه مرده‌اند نتیجه بیشتر سیگار کشی آنها بوده است. اعتیاد به مخدرات و اشیاء مست‌کننده حتی سیگار سبب آوردن امراض

چون سرطان ریه، شش، کبد، زخم سینه، بیماری های قلبی، سرطان حلق، حنجره، برانشیت ها و غیره می گردد.

تمام مخدرات و اشیاء نشه آور که مستی به بار آورد حرام است. رسول الله ﷺ می فرماید:

(هر آن چیزی که مستی به بار آورد و بدن را سست نماید حرام است) و همین سستی و فتور بدن، دور شدن عقل، مست شدن، صحت را نابود می سازد، انسان را از نعمت صحت محروم میکند، ضیاع مال به وجود می آید، اسراف و تبذیر صورت می گیرد، آهسته آهسته انسان را به کام مرگ فرو می برد، حفاظت صحت برای هر انسان واجب و لازم است، مسلمان خوب از نعمت صحت قدر دانی مینماید، در مورد حفظ الصحه فردی، محیطی و اجتماعی توجه میکند، از استعمال اشیاء مست کننده و نشه آور پرهیز می نماید حتی اندک و برای یک بار هم استعمال نمی کند؛ چون میداند که حرام است، این را همه می دانند که صحت ثروت و سرمایه است و آن را نباید با استفاده چرس، پودر، شراب، سیگار و غیره مواد های نشه آور و زائل کننده عقل، از دست داد.

**بلی خواننده گرامی!** افراد خانواده و محیط تان را از اضرار و خساره جانی و مالی مواد های نشه آور و مست کننده آگاه سازید که هم پول و مال شان مصرف می شود و هم صحت و جسم شان متضرر می گردد، اگر یک نفر از اعضای خانواده به چرس، هیرویین، کوکابین، پودر، شراب، سیگار و غیره عادت گرفت به مال و جان تمام خانواده آسیب میرساند، حتی نسوار کشیدن را اجازه ندهید که در میان اکثر جوانان آغاز اعتیاد از نسوار و سیگار بوده است. صحت نعمت است نگذارید که این نعمت عظیم به اثر بی توجهی از بین برود، شخص صحتمند به تمام کار های دینی و دنیوی خود می رسد، ضرورت های خود و خانواده را رفع میکند، عبادت خوب و عمل صالح برای الله ﷻ انجام میدهد، بار دوش کسی نمی باشد و اما شخص مریض و آنکه صحت را از دست داده

است به هیچ کاری رسیده نمیتواند و بار دوش اعضاء خانواده و جامعه می باشد و همیشه محتاج است آنانیکه نعمت صحت را نادیده گرفته و خود را متضرر ساخته اند با ترک اعتیاد میتوانند دوباره به سلامتی برگردند و از نعمت سلامتی بر خوردار شوند صحت از دست رفته را دوباره به دست بیاورند، خیانتی که نسبت به صحت از ایشان صادر شده جبران کنند، به اوامر شریعت اسلام عمل نمایند و برای گناهان شان آمرزش بخواهند.

پیامبر گرامی ﷺ می فرماید!

اللهم انى اعوذبك من شر ما عملت و من شر ما لم اعلم اللهم  
اغفرلى خطيئتي و جهلى، و اسرافى فى امرى و ما انت اعلم به منى<sup>۱</sup> -  
بخارى و مسلم

ترجمه: الها! پناه میبرم به تو از شر آنچه که انجام دادم و از شر آنچه که انجام نداده ام، الها! خطاها، جهل، نادانی و اسراف مرا در کار ام بیامرز و آنچه که تو نسبت به من بهتر می دانى.

۱. فصل الخطاب في الزهد والرقائق والآداب [محمد نصر الدين محمد عويضة]

## به شهر و باء یا امراض واگیر نروید

وباء مرض واگیر و خطرناکی است که هر وقت و در هر محل و منطقه بروز کند تعداد کثیری را مبتلاء می سازد این ویروس یا میکروب از زمان های قدیم شناخته شده و جان هزاران تن را در یک ساعت گرفته است، این بیماری کشنده به گونه های مختلف به انسانها از طریق آب، غذا، سبزیجات، هوای آلوده، تنفس یکدیگر و غیره سرایت میکند و علائم آن مانند سردردی، تب لرزه، سرگیچی، هذیان، اسهالات، استفراغ، دلبدی، ورم کبد، طحال، کلیه ها و دانه های مختلف در قسمت های از بدن، می باشد. در حالتی که این میکروب داخل خون انسان شود بسیار به زودی انسان را هلاک میکند و همچنان داخل شش و ریه ها گردد خطر ناک است، این مرض ساری است از یکی بر دیگری انتقال می کند و گاهی حیوانات سبب انتقال آن به انسان های که با حیوانات تماس دارند می گردد حتی توسط حشرات شبیه مگس و کیک، نیز انتقال پیدا می کند. در گذشته ها اکتشافات طبی نسبتاً کم و ضعیف بود امکانات لازم وجود نداشت هر گاه و باء می آمد عده زیادی از انسانها را به قتل می رساند.

در سال ۱۸ هجری در زمان خلافت حضرت عمر فاروق (رضی الله عنه) در شام یا سوریه امروزی مرض وباء شیوع یافت و بسیاری از صحابه های پیامبر (ص) و مسلمانان تلف شدند که در بعضی از کتاب ها ۷۰۰۰۰ نفر گزارش شده است. در کشور های اروپایی در اوایل قرن ۱۴ میلادی ۲۵ میلیون نفر را هلاک ساخت، در سنه ۱۶۶۴ میلادی تنها در لندن ۱۰۰۰۰۰ نفر را کشت، در زمان محمد علی پادشاه مصر، یک بر سه حصه ی مردم قاهره را به قتل رساند، در اواخر سال ۲۰۱۹ میلادی ویروس کشنده بنام کوید ۱۹ یا کرونا از شهر ووهان چین بلند شد که اکثر کشور های دنیا را زیر پوشش گرفت و بیشترین تلفات را آمریکا، ایتالیا، چین، برازیل، ایران و هندوستان داشت و تا هنوز (زمان نوشتن این کتاب) قرار گزارش سازمان صحتی جهان یک میلیون دوصد هزار نفر کشته شده است، و در حال کشتن و گرفتن جان مردم است که هر روز به آمار کشته شده گان هر کشور افزوده می شود، و یگانه چیزی که از انتقال وباء و این مرض کشنده جلوگیری به عمل می آورد مراعات نمودن اصول بهداشت، قرنطین و سفر نکردن به شهر های که مبتلاء به طاعون و وباء اند می باشد، اگر به نکات اصول بهداشتی و صحتی توجه صورت گیرد ممکن تلفات ناشی از وباء یا ویروس کشنده ی طاعون کمتر به وقوع بپیوندد، در غیر آن قوی ترین و با امکانات ترین کشور های غنی این دنیا جلو این مرض را گرفته نمی توانند، به همین دلیل رسول الله ﷺ فرموده اند:

وَعَنْ أُسَامَةَ بْنِ زَيْدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ:  
 إِذَا سَمِعْتُمُ الطَّاعُونَ بِأَرْضٍ، فَلَا تَدْخُلُوهَا، وَإِذَا وَقَعَ بِأَرْضٍ، وَأَنْتُمْ فِيهَا،  
 فَلَا تَخْرُجُوا مِنْهَا

ترجمه: از اسامه بن زید (رضی الله عنه) روایت است که نبی کریم صلی الله علیه



و سلم فرمود: هر گاه شنیدید که طاعونی در سرزمینی آمده است به آنجا نروید، و اگر در سرزمین و یا کشوری بودید که طاعون آمد از آنجا خارج نشوید. در روایت دیگر آمده است کسی که صبر نماید، به الله ﷻ توکل کند و از طاعون فرار نکند اگر وفات شد شهید می شود، شاید شخصیکه از شهر و بء زده فرار می کند خود اش به این مکروب مبتلاء شده باشد هنگام تماس با سایر انسان ها در مسیر راه، خانه، بازار، دفتر و غیره مکروب را انتقال دهد، به همین دلیل نباید از شهر و دیار که آنجا و بء آمده است فرار و یا سفر نماید تا انسان های صحتمند را مصاب سازد که این گناه است.

عایشه صدیقه (رضی الله عنها) مادر مومنان میگوید: از رسول الله صلی الله علیه و سلم در مورد طاعون پرسیدم گفت: طاعون عذابی است که الله سبحانه و تعالی بر کسانی که بخواهد می فرستد، و اما برای مومنان رحمت می گرداند آن را، اگر طاعون واقع شد و شخص مومن صبر نمود در شهر و دیار اش و باور داشت آنچه که در تقدیر اش باشد همان می شود اگر وفات شد اجر شهید برایش داده می شود. (بخاری)

نه به شهری که طاعون در آن است بروید و نه از شهری که طاعون در آن است فرار نمایید، مسلمان عقیده کامل دارد چیزی که در تقدیر باشد او شدنی است از مرگ فرار نمی شود اما قصدا هم خود را به هلاکت نسپارید. الله سبحانه و تعالی می فرماید:

{وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ} البقره: آیه-۱۹۵

ترجمه: خود را به دست خود به هلاکت نیندازید.

حفاظت جان فرض است، هر گاه خبر شدید که در فلان منطقه، شهر و قریه و بء آمده است، طاعون و یا ویروس کشندهی وجود دارد؛ پس به آن شهر و منطقه سفر نکنید و لو که ضرورت هم داشته باشید چون حکم شریعت همین

است نه خود را در مرض خطر ناک و کشنده بیندازید و نه مرض را به دیگران انتقال دهید، مسلمان خوب از مصاب شدن به امراض کشنده تا حد امکان تلاش می نماید که خود را حفاظت کند و سبب انتقال مرض به دیگران نگردد، خلاصه احادیث و روایاتی از رسول الله ﷺ در مورد طاعون نقل شده است این است که نه به شهری که در آن وباء است بروید و نه از شهری که در آن وباء آمد فرار نمایید.

ابن عباس (رضی الله عنه) روایت میکند: عمر (رضی الله عنه) به سفر شام و سوریه خارج شد در منطقه سرخ محل که حجاج شام در آنجا فرود می آمدند رسید، امیران لشکر (از شام، فلسطین، اردن، دمشق، حمس، قشرین و غیره) در آنجا با ایشان ملاقات کردند، ابو عبیده بن جراح (رضی الله عنه) و اصحاب اش وی را از وقوع وباء در سر زمین شام خبر دادند، ابن عباس (رضی الله عنه) میگوید: عمر (رضی الله عنه) برایم گفت: مهاجرین اولین را برایم جمع کن، ایشان را جمع کردم (در مورد ادامه سفر به شام سر زمینی که در آن وباء آمده است) مشوره نمود ایشان در مشوره، آراء مختلف داشتند بعضی ها به ادامه سفر رأی دادند و بعضی ها به عدم سفر، گفتند اصحاب رسول صلی الله علیه و سلم شما را همراهی می کنند نمیخواهیم به سرزمین وباء بروند.

عمر (رضی الله عنه) به ایشان فرمود: (ارتفعو عنی) بروید از نزد، برایم گفت انصار را دعوت کن، انصار را دعوت دادم جهت مشوره آمدند با آنها نیز مشوره نمود و مردم انصار مانند مهاجرین آراء مختلف داشتند، به آنها گفت: (ارتفعوا عنی) باز فرمود: مشایخ و بزرگان قریش از مهاجرین را صدا کن! ایشان را صدا کردم، آنها بدون اختلاف رأی دادند که باید از سفر شام منصرف گردند و به سر زمینی که در آن وباء آمده است نروند، بلاخره خلیفه دوم مسلمین امر برگشت را داد، ابو عبیده بن جراح (رضی الله عنه) گفت: (افرارا من قدر الله) آیا از تقدیر الله ﷻ فرار می کنید؟ عمر (رضی الله عنه) فرمود: (لو غیرک قالها یا ابا عبیده!) کاش غیر

از تو کسی دیگری این سخن را میگفت ای ابا عبیده (نعم نفر من قدرالله الی قدرالله...) بلی از تقدیر الله ﷻ به سوی تقدیر الله ﷻ فرار میکنیم.  
این هم از تقدیر است که مشوره به برگشت صورت گرفت، عمر (رضی الله عنه) در گفتگو با عبیده (رضی الله عنه) بود که عبدالرحمن بن عوف (رضی الله عنه) رسید و گفت: علم این موضوع نزد من است، من از رسول الله صلی الله علیه و سلم شنیدم که میگفت:

إِذَا سَمِعْتُمْ بِهِ بِأَرْضٍ، فَلَا تَقْدُمُوا عَلَيْهِ، وَإِذَا وَقَعَ بِأَرْضٍ وَأَنْتُمْ بِهَا فَلَا تَخْرُجُوا فِرَارًا مِنْهُ<sup>۱</sup>

ترجمه: هرگاه شنیدید که در سرزمینی وباء است نروید به آنجا و اگر وباء به سرزمینی آمد که شما در آن بودید خارج نشوید که فرار کنید از آن.  
پس عمر (رضی الله عنه) الحمدالله گفت و برگشت، نه به شهر وباء بروید و نه در شهر که وباء آمد از آن فرار کنید.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبَرَصِ، وَالْجُذَامِ، وَالْجُنُونِ، وَمِنْ سَيِّئِ الْأَسْقَامِ

بار الها! پناه می بریم به تو از پستی، دیوانگی، جذام و امراض بد.



## مادر زشتی‌ها (مشروبات الکولی)

قبل از اسلام می‌گساری و شراب‌نوشی در میان عرب رواج داشت هر کس در هر جای باید شراب مینوشید، می‌گساری عشق عرب جاهلی بود ولی اثرات بد و منفی در جامعه عرب داشت بعد از شراب‌نوشی به جنگ، جنایت، زنا، افتخارات آبا و اجداد و ده‌ها گناهی دیگر دست می‌زدند شراب‌نوشی و جنگ‌های قبیلوی را افتخار می‌دانستند؛ شراب‌نوشی به صورت بلای عمومی در هر خانه نفوذ کرده بود تمام خبیثات‌ها، پلیدی‌ها، و کثافات بر اثر شراب‌نوشی در جامعه عرب تبارز نموده بود، انسانهای دارای عقل و هوش نمی‌خواستند شراب بنوشند و می‌گساری نمایند چون عقل‌شان را از بین می‌برد و به انواع مختلف ناپاکی‌ها دست می‌زدند، در آغاز اسلام در مکه مکره مردم شراب می‌نوشیدند و نوشیدن آن حرام نشده بود، هنگامی که مسلمانان به مدینه هجرت کردند حکومت اسلامی تشکیل شد و بعد از آن دستور حرمت شراب نازل گشت که بعد از این نوشیدن شراب منع و حرام است، گرچه شراب در یک مرحله بطور قاطع حرام حکم نشده است؛ چون در رگ و پوست مردم نفوذ کرده بود، آهسته

آهسته به تدریج طی چند مرحله حرام گردید، تا افکار مردم برای ریشه‌کن شدن می‌گساری آماده شود و برای ایشان سنگین و دشوار تمام نشود. چرا شراب نوشی را الله ﷻ عمل شیطانی و هم‌ردیف بت پرستی خواند طوریکه در آیه شماره ۹۰ سوره مایده آمده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ مایده: آیه-۹۰

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید شراب و قمار و بتها و تیرهای قرعه پلیدند و از عمل شیطان اند پس از آنها دوری گزینید باشد که رستگار شوید. و پیامبر ﷺ می فرماید:

شَارِبُ الْخَمْرِ كَعَابِدِ الْوَثْنِ<sup>۱</sup>

ترجمه: شراب خوار همانند بت پرست است.

قَالَ ﷺ كُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ<sup>۲</sup>

ترجمه: هر آن نوشابه که مستی به بار آورد حرام است.

شراب نوشی در اسلام حرام و از جمله گناهان کبیره محسوب می‌شود. در شراب نوشی و می‌گساری نافرمانی و معصیت الله ﷻ و پیامبر ﷺ است و جایگاه نافرمانان جهنم میباشد.

عبدالله بن عمر (رضی الله عنه) می‌گوید: شراب بزرگترین گناه کبیره و ام‌الخبایث است و شراب نوش در چندین حدیث ملعون قرار داده شده است. (طبرانی) در روایت دیگر آورده است:

۱. مصنف عبد الرزاق الصنعاني [عبد الرزاق الصنعاني] ج-۹ ص-۲۳۷

۲. کتاب الجامع الصغير وزيادته [السيوطي] ص-۸۸۷

الْخَمْرُ أُمَّ الْحَبَائِثِ فَمَنْ شَرِبَهَا لَمْ تُقْبَلْ صَلَاتُهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا فَإِنْ مَاتَ  
وَهِيَ فِي بَطْنِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً<sup>۱</sup>

ترجمه: شراب اصل و اساس تمام پلیدی هاست کسی که شراب بنوشد تا  
چهل روز نماز اش قبول نمی شود و اگر بمیرد در حالی که شراب در شکم اش  
موجود باشد به مرگ جاهلیت مرده است.

از ابن عباس (رضی الله عنه) روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمود:

أَتَانِي جِبْرِيلُ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْخَمْرَ  
وَعَاصِرَهَا وَمُعْتَصِرَهَا وَسَارِبَهَا وَحَامِلَهَا وَالْمَحْمُولَةَ إِلَيْهِ وَبَائِعَهَا  
وَمُتَبَاعَهَا وَسَاقِيَهَا وَمُسْتَقَاَهَا.<sup>۲</sup>

ترجمه: جبرئیل ﷺ آمد و گفت ای محمد ﷺ، الله ﷻ بر شراب، کسی که  
شراب می سازد، کسیکه شراب برایش ساخته می شود، کسی که شراب می  
نوشد، کسی که شراب را انتقال میدهد، شخصی که می فروشد، شخصی که  
می خورد، ساقی شراب یعنی کسی که به دیگران تعارف می کند، و کسی که از  
دست آن می گیرد، همه را لعنت کرده است.

همین روایت در سنن ترمذی و ابن ماجه نیز نقل شده است آنانیکه  
می گویند: ما شراب نمی نوشیم و تنها در فابریکه تولید شراب کار می کنیم، یا  
از یک جا به جایی دیگر، از یک شهر به شهرهای دیگر انتقال می دهیم، یا در  
مراسم و محافل برای نوشنده گان توزیع می نماییم همه در لعنت الله ﷻ یکسان  
گرفتارند، پول که از این طریق به دست می آورند حرام است؛ مسلمان خوب  
در کار و بار شراب، ساختن، انتقال دادن، خرید و فروش و تمام معامله های

۱. کتاب الجامع الصغیر (زیادته) [السیوطی] ص-۵۵۵  
۲. کتاب الزواجر عن اقتراف الكبائر [ابن حجر الهیتمی] ج-۲ ص-۳۵۹

که به تولید تجارت انتقال شراب و سایر اشیاء مسکر و نشه آور تعلق می گیرد، اشتراک نمیکند ولو منافع زیاد و بزرگی داشته باشد.

شرابی اگر از شراب نوشی توبه نکند و قبل از توبه بمیرد مانند بت پرست، با الله ﷻ رو برو می شود، و عصاره دوزخ برایش نوشانده می شود.

در حدیثی آمده است پیامبر ﷺ فرمودند: کسی که شراب بنوشد و عقل اش مختل نشود، الله ﷻ چهل روز از وی اعراض می کند، و اگر عقل اش زایل و مست گردید، تا چهل روز طاعات و عبادات اش و مال و عدالت اش قبول نمی شود اگر در همین مدت وفات شود مانند بت پرست و مشرکین، مرده است و الله ﷻ حق دارد که برایش از ریم، چرک، و عصاره اهل دوزخ بنوشاند.

شخص معتاد به مشروبات الکولی اگر مریض شود قابل عیادت نیست، برایش سلام داده نشود؛ امام ذهبی رحمه الله در الکبایر حدیثی را نقل کرده است که پیامبر ﷺ فرمود: با شراب نوشان همنشین و مجلس نکنید اگر مریض شد به عیادت اش نروید، اگر بمیرد به جنازه اش اشتراک نکنید، شراب نوش در روز قیامت در حالی حشر می شود که رویش سیاه و زبان اش تا سینه اش آویزان می باشد، لعاب دهن اش می ریزد، و هر کس او را دید، بد می پندارد، می شناسد که وی شرابی است؛ پس شراب بدترین نوشیدنی است که عقل انسان را می رباید، از ذکر الله غافل می سازد، از شراب بهشت محروم می کند، در لعنت و عذاب الله ﷻ گرفتار می کند، روزه، حج و زکات انسان را الله ﷻ قبول نمی کند، و از رحمت الله ﷻ انسان را دور میکند، شراب عمل زشت، غلط و نامشروع است، و کسی که آلوده و معتاد به شراب باشد، باید توبه نماید، قبل از مرگ شراب نوشی را برای ابد ترک نماید حتی برای معالجه و تداوی هم شراب را استعمال نکنند که معالجه اش نیز حرام است.

حضرت ام سلمه (رضی الله عنه) این را روایت کرده است که پیامبر ﷺ فرمود الله ﷻ

شِفای امت مرا در چیزی حرام مقرر نکرده است.



مشروب اثرات آلوده و مرگ بار را در جامعه ی شراب‌نوشان، باده نوشان و اشراف ایشان گذاشته است اینکه در اسلام حرام حکم شده دلیل اساسی آن به خاطر جلوگیری از مفاسد است که برای جامعه بشری از اثر نوشیدن شراب به وقوع می پیوندد؛ در دنیا سالانه آمار بالا و رقم سرسام آوری از کشتار، ویران سازی، چپاول، خانه درآیی، تجاوزهای جنسی، خودکشی، انتحار و امراض گوناگون که سبب مرگ و میر معتادان شراب در سنین مختلف می شود، گزارش شده است. زیان و ضرر های الکلی به ویژه شراب را هر گروه و شخص می داند؛ آمار که در سال ۲۰۲۰م به اثر ویروس کشنده ی کوید ۱۹ یا کرونا (بیماری ویروس کرونا ۲۰۱۹ به انگلیسی: Coronavirus disease 2019) یا کووید-۱۹ (انگلیسی: COVID-19) که به آن بیماری تنفسی حاد ان‌کاو-۲۰۱۹ یا به‌شکل عمومی به آن کرونا نیز می‌گویند (- بیماری‌ای عفونی است که بر اثر کروناویروس سندرم حاد تنفسی (SARS-CoV-2) ایجاد می‌شود. این بیماری دلیل دنیاگیری ۲۰۱۹-۲۰ کروناویروس است. علایم معمول آن تب، سرفه، تنگی نفس و به تازگی ناهویایی هستند. درد عضلانی، تولید خلط، گلودرد، ناچشایی و سرخی چشم از جمله نشانه‌های کمتر معمول آن هستند. با این که اکثریت موارد این بیماری باعث علایم خفیف می‌شود، بعضی از موارد به سینه‌پهلو و نارسایی چند اندامی پیشرفت می‌کند. نرخ مرگ و میر بین ۱٪ و ۵٪ تخمین زده می‌شود ولی بر حسب سن و دیگر شرایط سلامتی تغییر می‌کند. این بیماری اساساً از طریق قطرات ریز تنفسی افراد مبتلا، وقتی سرفه یا عطسه می‌کنند، به سایر افراد سرایت می‌کند. زمان مابین در معرض بیماری قرار گرفتن و بروز نشانه‌ها، بین ۲ و ۱۴ روز است. از طریق شستن دست‌ها و دیگر تدابیر بهداشتی، می‌توان از پخش آن جلوگیری کرد<sup>۱</sup>). در جهان گزارش شد که اکثر

۱. کووید ۱۹ - ویکی‌پدیا، دانشنامهٔ آزاد (wikipedia.org)

ایشان معتادان شراب و مشروبات الکلی بودند که در برابر ویروس مقاومت نداشتند و زود جان می باختند.

بنتام<sup>۱</sup>، اندیشمند انگلیسی می گوید «مشروبات الکلی در کشورهای شمالی انسان را کودن و ابله ساخته و در کشورهای جنوبی دیوانه». به ادامه سخنان اش می افزاید: «دین اسلام تمام انواع شراب های الکلی را تحریم کرده است و این یکی از امتیازات اسلامی می باشد<sup>۲</sup>»

### ضرر های مشروبات الکولی بر اساس معتبرترین منابع علمی:

در اینجا با استفاده از معتبرترین منابع علمی جهان، عظمت قرآن و راز و حکمت حرام بودن مشروبات الکولی و نهی مسلمانان از آن را دربارهی موضوع شراب به بحث می گیریم که چرا اسلام عزیز این قدر تاکید جدی به نخوردن آن دارد و چرا نوشیدن آن حرام کرده شده است.

«سازمان اعتیاد آمریکا» در مورد ضررهای مصرف شراب اعلام کرده است: مصرف متعادل و گاه گاه شراب به طور خلاصه باعث موارد زیر میشود:

۱. اختلال در حافظه

۲. خاموشی (در مغز)

۳. بی مبالائی

۴. اختلال در تصمیم گیری

مصرف همیشگی و یا مصرف زیاد شراب به طور خلاصه باعث موارد زیر

میشود:

۱. کاهش اندازه ی مغز

۲. ناتوانی در تفکر انتزاعی

۱. Bentam

۲. دایرة المعارف فرید و جدی

۳. از دست دادن توانایی ادراک بصری
۴. سندروم ورنیکه کورساکوف (علائم این سندروم شامل گیجی و پریشانی روانی، فلج اعصاب حرکتی چشم، عدم توانایی راه رفتن و... است)
۵. از دست دادن حافظه
۶. از دست دادن دامنه‌ی حواس و دقت

این ضرر‌ها را «سازمان اعتیاد آمریکا» در مصرف نوشیدن شراب بیان داشته است.<sup>۱</sup>

نهاد‌ها، سایت‌های علمی بین‌المللی، نهاد‌های تحقیقاتی و بهداشتی زیادی در این مورد پژوهش‌هایی را انجام داده‌اند که همه بر این مهم صحه می‌گذارند که مصرف مشروبات الکولی زیان‌های جسمی و روحی زیادی را برای انسان وارد می‌سازد که تقریباً بیشترین امراض‌کشنده‌ی دنیا شبیه سرطان‌ها و میکروب‌های‌کشنده‌ی دیگر برخواسته از نوشیدن این مایع‌پلید و زشت بوده است؛ در اینجا به چند مورد از تحقیقات علمی غربی‌ها در مورد ضرر‌های ناشی از مشروبات الکولی اشاره می‌کنیم و تلاش صورت گرفته تا منابع و آدرس‌های آن نیز در پا ورقی صفحه‌ی کتاب یادآوری گردد تا عطف توجه انسان‌های کنجکاو و جوانان مسلمان که محقق‌اند قرار گیرد.

- سایت علمی live science اواسط ۲۰۱۶ اعلام کرد که مصرف شراب باعث هفت نوع سرطان می‌شود.<sup>۲</sup>
- «آکادمی سرطان آمریکا» اعلام کرد که بعضی از افراد چنین می‌اندیشند که فقط مصرف زیاد شراب مضر است، اما مصرف شراب با سرطان معده، سرطان دهان و حنجره، سرطان کبد و مری، سرطان گلو و رکتوم، سرطان پستان، سرطان دهان و سرطان

1. <http://americanaddictioncenters.org/alcoholism-treatment/mental-effects/>

2. <http://www.livescience.com/55497-does-alcohol-cause-cancer.html>

پانکراس رابطه‌ی مستقیم دارد.<sup>۱</sup>

- «انجمن تحقیقات سرطان بریتانیا» اعلام کرد هیچ محدوده‌ی امنی برای مصرف شراب وجود ندارد و مصرف شراب به هر میزانی با افزایش خطر سرطان رابطه‌ی مستقیم دارد.<sup>۲</sup>
- «موسسه‌ی ملی سرطان آمریکا» نیز اعلام کرد که در گذشته تصور میشد در شراب قرمز خواص ضد سرطان وجود دارد اما اکنون مشخص شده است که برخلاف تصور گذشته حتی شراب قرمز نیز با سرطان رابطه‌ی مستقیم دارد.<sup>۳</sup>
- سایت علمی science alert نیز در سال ۲۰۱۶ اعلام کرد که مصرف شراب به هر میزانی حتی به میزان کم، نه تنها عامل سرطان کبد است؛ بلکه عامل ۶ نوع سرطان دیگر نیز است.<sup>۴</sup>

شراب و نوشابه‌های الکلی عمر شخص معتاد را نسبت به افراد غیر معتاد کم میکند، طبق تحقیقات که دانشمندان غرب نموده اند، عمر معتادان شراب و الکل نسبت به دیگران ۲۵ الی ۳۰ درصد کمتر است، و حد اوسط عمر معتادان الکل و شراب ۳۵ الی ۵۰ سال می باشد، و ۴۵ درصد کودکان ایشان قبل از وقت و در حالی تولد می شوند که توانایی زندگی را ندارند، زیان و ضرر شراب در مقایسه با نفع و فواید آن کاملاً زیاد است.

كُلُّ مُسْكِرٍ خَمْرٌ وَكُلُّ خَمْرٍ حَرَامٌ<sup>۵</sup>

1. <https://www.cancer.org/cancer/cancer-causes/diet-physical-activity/alcohol-use-and-cancer.html>

2. <http://www.cancerresearchuk.org/about-cancer/causes-of-cancer/alcohol-and-cancer/how-alcohol-causes-cancer>

3. <https://www.cancer.gov/about-cancer/causes-prevention/risk/alcohol/alcohol-fact-sheet>

4. <http://www.sciencealert.com/alcohol-can-cause-sevenforms-of-cancer-new-analysis-finds>

۵. کتاب جامع المسائل لابن تیمیة ط عالم الفوائد - المجموعة السابعة [ابن تیمیة] ج ۱ - ص ۲۸۲

ترجمه: هر چیزی مست کننده مسکر یعنی خمر شراب است و هر مست کننده یعنی نشه آور حرام است.

این حدیث شامل تمام مشروبات الکلی و اشیایی که مست کننده و غیر مشروب است نیز می‌شود، هر چیزی که عقل انسان را برهم می‌زند و برایش خلل ایجاد کند استعمال اش حرام و ناجایز است، مانند: چرس، تریاک، هرئوئین، تابلیت های نشه آور و...؛ مسلمان باید به جان و مال اش رحم نماید شراب و اشیای مست کننده و نشه آور این هر دو سرمایه بزرگ که عبارت از جان و مال است را از بین می‌برد، مال و جان که امانت الهی است به اثر شراب نوشی و مخدرات متضرر می‌شود، زیان مالی و جانی به بار می‌آید، برای شخص مسلمان لازم است که از جان و مال اش استفاده نماید و خود را در هلاکت نه اندازد.

{وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ} البقره: آیه ۱۰۵

ترجمه: خود را به دست خود به هلاکت نه اندازید.

الله سبحانه و تعالی فردای قیامت از مال، عمر و جان تان قطعن می‌پرسد، از ام الخبایث و مادر پلیدی‌ها پرهیز نمایید و آنان که به این مرض مبتلا اند برای نجات آن تلاش و سعی به خرج دهید تا قبل از مرگ آن را ترک نمایند و به نزد الله ﷻ ملامت نباشند و علیه شما جوانان عزیز و دوستان شان انتقاد نکنند که ما پیرامون حرمت شراب و اشیای مسکر چیزی نمی‌دانستیم چرا ما را آگاه ساختید؟ این حق معتادان شراب، مواد مخدر، بنگ و سایر مشروبات الکلی است که برای ایشان در مورد اضرار و مفاسد شراب آگاهی داده شود، و جلو ایشان گرفته شود تا از هلاکت نجات یابند؛ شراب کلید تمامی بدی‌ها و فساد است، مادر و اصل تمام بد اخلاقی‌ها و جنایات، کسی که معتاد به شراب شد

و شراب نوشی و می گساری را عادت کرد، به تمام انواع فساد و گناه بی شرمانه دست دراز می کند.

رسول الله ﷺ می فرماید: شراب ننوشید، شراب کلید همه بدی ها است.

## محاسبه روز رستاخیز

اولین موضوع که در روز رستاخیز بدان پرداخته می‌شود، ایمان و عمل صالح می‌باشد. عمل که در دنیا به خاطر الله سبحانه و تعالی با اخلاص کامل صورت گرفته و عمل کننده جز رضای الله ﷻ دیگر هیچ نیتی نداشته باشد؛

و اما محاسبه اول از کجا آغاز می‌شود؟

در حدیثی که ترمذی، ابوداود، ابن حبان و حاکم روایت کرده اند، آمده است که اولین پرسش و محاسبه از نعمت‌ها آغاز می‌شود.

أَوَّلُ مَا يَحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: أَنْ يُقَالَ لَهُ: أَلَمْ أُصِحِّحْ لَكَ جِسْمَكَ  
وَأَرْوِكَ مِنَ الْمَاءِ الْبَارِدِ

ترجمه: اولین چیزی که از بنده روز قیامت پرسیده می‌شود این است، که به او گفته می‌شود آیا جسم ات را برایت سالم نگردانیدم؟ و ترا از آب یخ سیراب نساختم؟

جسم و بدن سالم، نعمت های خوردنی و آشامیدنی و... هدیه بزرگ از

جانب الله ﷻ می باشد؛ در جسم سالم صحت و عافیت تمام اعضای بدن شامل است، دست و پا، چشم و گوش، زبان و دندان، دل و جگر، معده و گردنه و آب یخ و گوارای فراوان که در هر جا پیدا می شود و... از بزرگترین نعمت ها محسوب می شود، که بدون آب زندگی ناممکن خواهد بود، الله سبحانه و تعالی در مورد جسم سالم و آب پاک می پرسد که از این نعمت ها چگونه استفاده نمودی؟

و در حدیث ابوهریره (رضی الله عنه) آمده است:

لَا تَزُولُ قَدَمَا عَبْدٍ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ أَرْبَعٍ

ترجمه: روز قیامت بنده قدمهایش را از جای برکنده نمیتواند تا که چهار سوال از آن نشده باشد.

۱. از عمر که در کدام راه و چی عملی فنا نموده است.
۲. از علم که چه قدر به آن عمل نموده است.
۳. از مال و سرمایه که از کجا به دست آورده و در چی راهی مصرف نموده است.
۴. از جسم و بدن که در کدام عمل و چه کاری آب ساخته، کهنه و فرسوده کرده است.

و اما نعمت عمر، مال، علم، جسم سالم و جوانی چیزی است که روز قیامت هرگز فراموش شدنی نیست و الله سبحانه و تعالی برای اولین بار که بنده را به محاسبه می کشاند از این چهار چیز می پرسد، بنده مسلمان و جوان دین دوست عمر اش را ضایع نمی سازد عمر بزرگترین سرمایه است هر لحظه از عمر از ارزش خیلی ها بالا برخوردار است، که با پول خریده نمی شود، و عمر رفته باز نمی گردد؛ پس عمر را در بی بند و باری، فساد، اعمال شیطانی، جنایت



و خلاف شریعت صرف نکنید، که جواب اش در روز بازپسین دشوار خواهد بود، و علم که آموخته اید به آن باید عمل نمایید، علم بدون عمل مانند شهر بدون آب و درخت بدون میوه است، الله سبحانه و تعالی از علم پرسان می‌کند، همچنان از مال و سرمایه‌ی که از مدرک حلال به دست آوردی یا حرام، از کدام طریق، و در کجا، در کدام راه خرچ نمودی؟ جسم و بدن زیبا، قوی، اندام‌های متوازن و زیبا... را در چه راهی استفاده کردی و فرسوده ساختی؟

در بعض احادیث اولین پرسش در مورد نماز آمده است:

إِنَّ أَوَّلَ مَا يُحَاسَبُ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ عَمَلِهِ صَلَاتُهُ، فَإِنْ صَلَحَتْ فَقَدْ أَفْلَحَ وَأَنْجَحَ، وَإِنْ فَسَدَتْ فَقَدْ خَابَ وَخَسِرَ<sup>۱</sup>

ترجمه: اولین چیزی که روز قیامت از انسان در مورد اعمال اش پرسیده می‌شود نماز اش است، اگر نماز درست بود شخص کامیاب و پیروز می‌گردد، و اگر نماز خراب و فاسد بود شخص زیان و تاوان میکند.

نماز فریضه الهی و آسان‌ترین عبادت است، نماز وسیله نجات در قیامت شده می‌تواند، نماز تجارتمی است که فواید بیش از حد دارد، رضای الله ﷻ در خواندن و ادای نماز است، نماز وسیله رسیدن به الله ﷻ و بهشت است، نماز از اهمیت خاص به نزد الله سبحانه و تعالی برخوردار است، نماز را رسول الله ﷺ، ستون دین خوانده است، دین که در آن نماز نباشد ناقص است، نماز روش عبادت تمام پیامبران علیهم السلام و امت هایشان است، در خواندن نماز، سکون قلب و آرامش و اطمینان روح می‌باشد، نماز وسیله ارتباط میان الله سبحانه و تعالی و بنده است، نماز را دست کم نگیرید چون فردای قیامت برای اولین بار از نماز پرسیده می‌شود، برپایی نماز سبب برپایی دین، ترک نماز سبب خرابی دین است و مسلمان بی‌نماز نمی‌باشد.

۱. کتاب شرح الزرقانی علی الموطأ [الزرقانی، محمد بن عبد الباقي] ج-۱ ص-۵۰۰

در حدیث دیگر چنین آمده است:

عَنْ أَنَسِ بْنِ حَكِيمٍ الصَّبِيِّ قَالَ «قَالَ لِي أَبُو هُرَيْرَةَ إِذَا أَتَيْتَ أَهْلَ مِصْرِكَ فَأَخْبِرْهُمْ أَنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ إِنَّ أَوَّلَ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الْمُسْلِمُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الصَّلَاةَ الْمَكْتُوبَةَ فَإِنْ أَتَمَّهَا وَإِلَّا قِيلَ انظُرُوا هَلْ لَهُ مِنْ تَطَوُّعٍ فَإِنْ كَانَ لَهُ تَطَوُّعٌ أَكْمَلَتْ الْفَرِيضَةَ مِنْ تَطَوُّعِهِ ثُمَّ يُفْعَلُ بِسَائِرِ الْأَعْمَالِ الْمَفْرُوضَةِ مِثْلَ ذَلِكَ»<sup>۱</sup>.

ترجمه: از انس بن حکیم ضبی روایت است که فرمود، ابوهریره رضی الله عنه برایم گفت، زمانیکه کسی از اهل شهر نزد ات آمد خبرشان بده که من شنیدم از رسول الله ﷺ که می‌گفت: اولین چیزی که بنده مسلمان در روز قیامت به آن محاسبه کرده می‌شود، نماز فرض است. اگر آنرا درست و کامل تمام کرده باشد خوب، در غیر آن گفته می‌شود نگاه کنید آیا نمازهای مستحب و نوافل دارد؟ اگر نوافل داشته باشد پس نماز فرض اش به آن کامل میگردد، سپس با سایر اعمال واجب او نیز چنین عمل می‌شود.

این روایت را امام احمد، ابوداوود، نسائی، حاکم و... نیز نقل کرده اند که روز قیامت از جمله ی اعمال انسان اولین بار از نماز پرسیده می‌شود؛ علامه ابن عساکر رحمه الله، نیز روایت نموده است که قبل از هرچیز با بنده، از نماز محاسبه می‌شود اگر نماز کامل و درست بود پس تمام اعمال وی درست و صحیح میباشد و اگر نماز درست نباشد سایر اعمال اش درست نخواهد بود. شاعر میگوید:

روز محشر که جان‌گداز بود

اولین پرسش از نماز بود

و در بعضی روایات، نخستین پرسش و محاسبه از بنده در روز قیامت در

۱. حاشیة السندي علی سنن ابن ماجه: ج ۱ ص ۴۳۵

مورد قتل و خون های ناحق آمده است، امام بخاری حدیثی را از ابن مسعود رضی الله عنه روایت نموده است:

رواه البخاري بإسناده عن عبد الله رضي الله عنه قال: قال النبي صلى الله عليه وسلم: أول ما يقضى بين الناس في الدماء وفي رواية مسلم: أول ما يقضى بين الناس يوم القيامة في الدماء<sup>۱</sup>

ترجمه: بخاری این حدیث را با سلسله سند خود از عبد الله رضی الله عنه روایت کرده که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: اولین چیزی که در روز رستاخیز میان مردم تصمیم گرفته می شود خونریزی (قتل نفس) است، و در روایت مسلم آمده است: اولین چیزی که در قیامت میان مردم به فیصله گرفته می شود، خونریزی (قتل نفس) خواهد بود.

کشتن مسلمان به ناحق بزرگترین جرم است. براء بن عازب (رضی الله عنه) روایت می کند که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

لَزَوَالِ الدُّنْيَا أَهْوَنُ عَلَى اللَّهِ مِنْ قَتْلِ رَجُلٍ مُسْلِمٍ<sup>۲</sup>

ترجمه: نابودی تمام دنیا به نزد الله ﷻ آسان تر از قتل مرد مومن به ناحق است.

در حدیث دیگر آمده است:

لزوال الدنيا وما فيها أهون عند الله من قتل مؤمن، ولو أن أهل سماواته وأهل أرضه اشتركوا في دم مؤمن لأدخلهم الله النار<sup>۳</sup>

ترجمه: اگر تمام اهل آسمان ها و اهل زمین در قتل مسلمان و مومن دست داشته باشند، الله همه را به دوزخ خواهد فرستاد.

۱. فتاوی دحسام عفانة: ج ۱۸ ص ۴۲-

۲. بخاری و فتح الباری، عبد الله ابن عمر

۳. الترغیب والترهیب لقوام السنة [إسماعیل الأصبهانی] ج ۳ ص ۱۸۷-

در حدیث دیگر ذکر شده است حرمت مومن نزد الله ﷻ بزرگتر از حرمت کعبه است در بعضی از روایات اولین محاسبه در مورد توحید و شرک آمده است. به هر صورت ممکن در بخش عقیده برای اولین بار از بنده در مورد توحید و شرک سوال می شود. در بخش عبادات از نماز پرسیده میشود و در مورد وقوع اولین بار از خون ناحق و قتل مسلمان که بدون جرم و گناه کشته شده است پرسیده میشود. و هم چنان از جسم سالم، علم، سرمایه، عمر، نعمت های گوناگون یکی پی دیگری محاسبه صورت میگیرد و روز محاسبه نهایت سخت و دشوار است.

رسول الله ﷺ دعا می کرد:

” اللهم! حاسبني حساباً يسيراً“<sup>۱</sup>

ترجمه: الهای! با من محاسبه آسان نما یعنی حسابم را آسان بگردان.

الله ﷻ کسی را که به رحمت اش بگیرد زیاد پرس و جو و سوال نخواهد کرد. اگر کسی را سخت گیرد از کوچکترین کارکرد هایش سوال می نماید و مورد بازپرسی سخت قرار می دهد که نجات نخواهد داشت آنان که حق الله ﷻ و مخلوق وی را پایمال کردند، آنان که قتل ناحق کردند، بخاطر پول، موتر، موبایل مسلمانی را به قتل رساندند و کشتند، آنهایی که نماز نخواندند، آنهایی که مال و سرمایه شان را در راه شیطانی، فساد، زنا و بد اخلاقی مصرف نمودند، آنهایی که عمر و وقت شان را در انجام عمل زشت و نامشروع ضایع ساختند و آنهایی که نعمت جوانی را قدر نکردند، جسم و بدن های قوی را در راه های شیطانی سپری نموده و کهنه ساختند و در تمام عمر کاری نکردند که الله ﷻ راضی باشد، نعمت های گوناگون الله را استفاده کردند اما شکر الله را بجا نیاوردند روز قیامت نهایت سخت است. هیچ کس قدم اش را از جایش

۱. أصل صفة صلاة النبي صلى الله عليه وسلم [ناصر الدين الألباني] ج ۳ - ص ۷

برکننده نمی تواند. تا که حساب نداده باشد، و نه فرار می تواند. اما الله ﷻ سریع الحساب است. بسیار زود محاسبه می کند تعدادی را به بهشت و تعدادی را به جهنم می فرستد. الله ﷻ از محاسبه رستاخیز همه‌ی ما را نجات دهد.

**بلی برادر و خواهر مسلمان!** برای اینکه فردای قیامت در حضور خالق کاینات شرمسار و خجالت‌زده نباشیم بهتر است در دنیا تمام بخش‌های زندگی را به شریعت (احکام الله ﷻ و پیامبر ﷺ گرامی اش) آماده بسازیم و لحظه‌ی از وقت، عمر و چیزی از مال مان را بیهوده و در فساد به خرج ندهیم. از نعمت‌های مختلف الله ﷻ مان استفاده نماییم و شکر اش را به مراتب ادا کنیم و کاری که در آن رضای الله ﷻ نیست از آن بپرهیزیم و با شیطان صفتان هم‌نشین نباشیم. به کسی ضرر نرسانیم و حق کسی را به زور و ظلم نخوریم و زندگی جاویدان‌پُر از سرور را برای زنده‌گی پُر مشقت دنیا از دست ندهیم.

اعوذوا بالله من جهد البلاء، ودرك الشقاء، وسوء القضاء، وشماتة

الأعداء



## عصبیت و قوم‌گرایی

اسلام عزیز دین عدالت و انصاف است برای هیچ مسلمان اجازه نمی‌دهد که دست به عصبیت، اختلاف، تفرقه‌افگنی و نفاق بزند. راهی را که اسلام برای مسلمانان تعیین نموده است در آن خیر و فلاح دنیا و آخرت برای تمام اقوام در نظر گرفته شده است و در اسلام هیچ قوم برتر از قوم دیگر نمی‌باشد مگر به تقوی. مسلمانان از هر قوم، نژاد و تباری که باشند با هم برادر اند، این فرمان الله است:

{إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ} حجرات: آیه- ۱۰

ترجمه: مومنان باهم برادر اند.

الْمُسْلِمُ أَخٌ الْمُسْلِمِ

ترجمه: مسلمان برادر مسلمان است.

تعصب لسانی، زبانی، قومی و ملیتی در اسلام عمل نا جایز و مردود شمرده

شده است و این عمل را زشت و بد بو خوانده است و شخص که به این عمل متعفن، بدبو و گنده گرفتار باشد بهتر است اجتناب نماید و خود را اصلاح سازد؛ در غیر آن در اسلام جای ندارد.

آنهایی که تعصب قومی، نژادی و سمتی دارند و به عصبیت مردم را دعوت می دهند، برای عصبیت می جنگند و به همین خاطر می میرند، رسول الله ﷺ ایشان را از اسلام خارج می نماید، چگونه مسلمان و اسلام است که جلو عصبیت و قوم پرستی را نمی گیرد؟ مسلمان مرز و قوم گرایی و عصبیت را میشکند به این اعمال زشت و خلاف شریعت خط بطلان می کشد، مسلمان متعصب، خودخواه، تفوق طلب و متکبر نمی باشد این ها مرض است که باید معالجه و مداوا شوند در غیر آن این مرض به دیگران سرایت می کند و این کشنده است.

رسول الله ﷺ می فرماید:

لَيْسَ مِنَّا مَنْ دَعَا إِلَى عَصِيَّةٍ، وَلَيْسَ مِنَّا مَنْ قَاتَلَ عَصِيَّةً، وَلَيْسَ مِنَّا مَنْ  
مَاتَ عَلَى عَصِيَّةٍ<sup>۱</sup>

ترجمه: کسی که به عصبیت و قوم پرستی دعوت می دهد از ما نیست، و کسی که به اساس عصبیت و قوم پرستی بجنگد از پیروان ما نیست و شخصی که در مسیر قوم پرستی و عصبیت بمیرد از پیروان ما نیست.

دعوت به عصبیت، و مردن در این راه را رسول الله ﷺ از امتی بودن اخراج می نماید، آنهایی که دست به تعصب های قومی، نژادی ملیتی و سمتی می زنند مگر نمیدانند که پیامبر علیه السلام در این مورد چی ارشادات و فرمان های دارند، بسیار واضح، مختصر و روشن گفته اند که همه بدانند و دست به چنین اعمال نا مشروع در آینده ها نزنند که سبب پارچه شدن امت و مسلمین بگردد،

۱. کتاب مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح [الملا علی القاری] ج ۷- ص ۷۷-



این ظلم است و قوم را به ظلم کمک کردن عصبيت است، در قلب کسی به قدر زره و یا دانه خردل (یک نوع گیاه که دانه های آن شکل کروی دارد) عصبيت باشد خود را از اسلام بیگانه ساخته و ریسمان ایمان را از گردن اش دور نموده است. عصبيت مرضی است که انسان را از پیروان محمدصلی الله علیه و سلم و از لیست امت آخر الزمان بیرون میکند، عصبيت مرضی است که بدتر از هر نوع مرضی دیگر و قابل معالجه نمی باشد، متأسفانه این مرض ساری در اکثر مناطق مسلمان نشین ریشه دوانیده و تعدادی را مصاب نموده است، اگر سیستم به این قرار ادامه پیدا کند اکثر مردم از صفوف امت محمدﷺ خارج خواهند شد و فردای قیامت در صف اُمّتیان محمد صلی الله علیه و سلم جای نخواهند داشت و به جرم تعصبات قومی، مذهبی، سمتی و نژادی از امتیازاتی که امت محمد صلی الله علیه و سلم دارد محروم خواهند شد، این امت بهترین و خیرالامم است، نباید تعصبات قومی و نژادی را دامن بزنند و جوانان امت را به سوی قوم‌گرایی و عصبيت دعوت دهند، جلو این مرض باید گرفته شود، کمپاین ضد عصبيت برپا کنند به عصبيت و آنهایی که قوم‌گرایی را خدمت می‌دانند نفرین بفرستند قوم‌گرایی و نژاد پرستی خدمت نیست، دوست داشتن قوم، مردم، ملت و خدمت‌گذاری به قوم عصبيت نمی باشد هر مسلمان قوم و قبیله اش را دوست دارد تجاوز به ناموس دیگران، غضب، زورگیری ملکیت‌ها، حق‌قایل نشدن به اقوام که مربوط قوم و قبیله ات نمی باشند، ارزش های دیگران را پایمال نمودن ترجیح دادن ادنی ترین فرد که منسوب به قوم و قبیله تو است به اعلی ترین شخصیت قوم و قبیله دیگر، بدبینی اقوام دیگر به دلیلی اینکه از قوم و تبار شما نیست، از وظیفه سبک دوش کردن، برکنار نمودن به دلیل که مربوط به قبیله و قوم شما نمی شوند این همه عصبيت است و عصبيت ظلم است، در هر مقام و منصب یا جایگاه مهم که باشید عدالت و انصاف را پیشه نمایید تمام اقوام مسلمان با هم برادر اند، خراب و مفسد قوم منسوب به شما، بهتر از خوب

قوم منسوب به غیر شما نیست که قانون را بالای دیگران تطبیق نمایید و آنهایی که منسوب به شما اند آزاد باشند. بی سواد و جاهل قوم منسوب به شما، بالاتر از با سواد و دانشمند سایر اقوام نمی باشد که این را به کار استخدام کنید و آن را به خانه اش بفرستید و یا هم یک دلیل نا موجه برایش ساخته روانه زندان اش کنید؛ محکوم و تهدید اش نمایید.

برای شخص مسلمان تقوی و الله ترسی مهم است شایستگی و دین داری مدار اعتبار است، اخلاق و خدمت گذاری نقش مهم میداشته باشد نه زبان پرستی، قوم گرایی و دعوت به عصیبت.

چه زیبا می فرماید رسول الله ﷺ:

کسی که به قوم گرایی دعوت کرد از ما نیست، و کسی که به خاطر قوم گرایی جنگید از ما نیست، و کسیکه در این راه مرد از ما نیست.  
از رسول الله ﷺ در مورد قوم گرایی پرسیده شد فرمود:

### ان تعین قومک علی الظلم (ابوداود)

اینکه قوم و قبیله خود را بر ظلم و ستم یاری نمایی.

مثلاً قوم منسوب به تو به خاطر موضوعات بر تری جویی، تفوق طلبی، کثرت گرایی، شهرت طلبی، ملکیت خواهی با قوم دیگر بجنگند آنها را در جنگ مسلح سازی و امکانات جنگی را برای شان فراهم سازی، مردم را به جنگ علیه ایشان به خاطر آب، زمین، دره، کوه و کمر، جاده و غیره دعوت نموده و بسیج کنی، ده ها مسلمان کشته شوند زنان شان بیوه و اطفال شان یتیم گردند، این کمک به ظلم است و عصیبت می باشد.

به خاطر غلبه قوم خود ات در مغلوب سازی دیگران تلاش مکن، بد های قوم خود ات را از نیکان و صالحان قوم دیگر بهتر ندان، پندار های نا مناسب قوم خود را بر پندارهای سالم قوم دیگر مزیت نبخش زیرا تو مسلمان هستی و

مسلمان در کار های مناسب، گناه، ظلم، ستم، فساد و تجاوز کسی را هم‌کاری و تعاون نمی‌کند، به دلیل قول الله ﷻ که می‌فرماید:

{وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ  
إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ} المایده: آیه- ۲

ترجمه: با یکدیگر هم‌کاری کنید و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید و از الله پروا کنید که الله سخت کیفر است.

تمام اقوام بدون تعصبات قومی، زبانی و سمتی با همدیگر باید دست برادری در اتحاد و اتفاق بدهند جلو فساد و قوم‌گرایی را بگیرند از مفسدین حمایت و پشتیبانی نکنند با فحشاء و فساد و آنهایی که در بین اقوام مسلمین به عصبيت دعوت می‌دهند مبارزه نمایند، نگذارند که عصبيت و قوم‌گرایی در میان امت گسترش یابد، در کار های خیر باهم هم‌کار باشند و جلو کار های ناپسند، شر و نا مشروع را مشترکا بگیرند و به عصبيت نه بگویند.

برادران متدین و روشن، برای جلوگیری از قوم‌گرایی و عصبيت به مردم توصیه و تبلیغ نمایید تا موضوع برای ایشان روشن گردد و بدانند که عصبيت و قوم پرستی گناه دارد و انسان را از امتی بودن به محمد (ص) اخراج می‌نماید، رسول الله ﷺ را ناراض میگرداند و روح پاک اش را می‌رنجاند.

**بلی برادر مسلمان!** آیا به خاطر خشنودی قوم، خود ات را از صف امت محمد صلی الله علیه و سلم اخراج میکنی؟ آیا به خاطر دعوت به عصبيت، جنگ و قتال به عصبيت خود را از خیرالامم و بهترین بودن محروم می‌گردانی؟ آیا به خاطر غلبه قوم خود و ترقی ایشان به سایر اقوام احترام نمی‌گذاری؟ و حرمت دیگران را نادیده میگیری در حالی که او برادر مسلمان ات است؟

شما باهم برادر هستید هیچ تفاوت نسبت به همدیگر ندارید مگر به تقوی، قومیت، زبان، رنگ، نژاد و سمت در اسلام اعتبار ندارد؛ پس عصبيت را هرگز

دامن نزنید، به عصبیت دعوت ندهید و به خاطر عصبیت خدمت نکنید و در راه عصبیت قدم نگذارید، عصبیت میکروب کشنده است برای از بردن و پاکسازی آن دست به دست هم دهید، الگوی مهر و محبت و انسان دوستی باشید خود را منسوب به اسلام بدانید و افراد مربوط به اقوام مسلمین را برادر خود بدانید برای وحدت امت مسلمه کار و خدمت نمایید.

اللهم بک اسلمنا و بک آمنا و علیک توکلنا و الیک انبنا، اللهم یا

مقلب القلوب ثبت قلوبنا علی دینک!

ترجمه: ای بار الها! برای تو تسلیم و منقاد هستیم، و برای تو ایمان آوردیم، و بر تو توکل کردیم، و به سوی تو برگشت ماست، ای بار الها! ای گرداننده دلها، دلهای ما را بر دین ات ثابت بگردان، کینه، کدورت، عصبیت، بغض و دشمنی را از قلب های ما پاک ساز و همه مسلمین را توفیق هدایت، وحدت و یک پارچه گی نصیب بفرما.

## زندگی ابتلاء یا آزمون

زندگی برای انسان ها همیشه یکسان نمی باشد گاهی راحتی و گاهی هم مشقت، گاهی عزت داشتن، آسایش و زمانی هم رنج و تکلیف، مصیبت و اندوه است این همه سختی ها، گرفتاری ها و راحتی ها در بخش های مختلف از زندگی به وقوع می پیوندد و انسان مورد آزمون الهی در هر حالت قرار می گیرد، الله ﷻ مراقب اعمال بندگان است و از کار، کردار و اعمال بنده ها دقیقا مراقبت می نماید.

{إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمُرْصَادِ} الفجر: آیه-۱۴

ترجمه: یقینا که الله ﷻ شما، در کمین است، شما را مراقبت می کند.

{وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ} الحديد: آیه-۴

ترجمه: الله ﷻ با شما است هر جای که باشید.

خیانت و صداقت شما را می بیند، در شب های تاریک، در حالت تنهایی، در دفتر و محل کار از کار شما و عمل شما مراقبت می نماید که چی مقدار

اخلاص در عمل شما و جود دارد، راستکاری و صداقت شما چه قدر است، مردم آزاری، کُند کاری، رشوه ستانی، بی اخلاصی و وقت گذرانی به چه اندازه است؛ فکر نکنید که شما در کار تان آزاد هستید، خیانت ها و راز های پوشیده شما را الله ﷻ، جهانیان خوب و بهتر می دانند.

{يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ} غافر: آیه-۱۹

ترجمه: الله ﷻ نگاههای دزدانه و آنچه را که دلها نمان می دارند می داند. هوشیار ترین انسان کسی است که از آزمون و ابتلاء الهی آگاهی دارد، خود و عمل خویش را اصلاح نموده و همیشه نفس اش را محاسبه می نماید، رسول الله ﷺ برای دادن درس عبرت و فهماندن امت اش داستان سه تن از قوم بنی اسرائیل را حکایت میکند که در زندگی خود مورد ابتلاء الهی قرار گرفته بودند.

«إِنَّ ثَلَاثَةً فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ أَبْرَصَ وَأَقْرَعَ وَأَعْمَى بَدَأَ اللَّهُ أَنْ يُبَيِّنَ لَهُمْ، فَبَعَثَ إِلَيْهِمْ مَلَكًا...»<sup>۱</sup>

«سه تن از بنی اسرائیل ۱- پیس (برص) مریضی که به اثر آن رنگ اش را از دست داده است ۲- کل یا (دغسر) کسی که موهای سر اش به اثر مریضی ریخته است ۳- نابینا کسیکه چشم و بینایی ندارد رنگ و جلد زیبا، موی سر و چشم های بینا از بزرگ ترین نعمت الهی است و قدر این نعمت هارا آنانی میدانند که ندارند، به مراتب الحمد لله بگویند که دارای این نعمت های بزرگ هستید.»

الله ﷻ این سه شخص را ابتلاء نموده و فرشته را به شکل انسان به خدمت ایشان فرستاد، فرشته به نزد پیس آمد و گفت: ای شیء احب الیک؟ چه چیز برایت محبوب و دوست داشتنی است؟ گفت رنگ مقبول و جلد زیبا، مردم از من نفرت می کنند همین دو چیز را میخواهم، فرشته الهی روی آن شخص

۱. کتاب الکواکب الدراری فی شرح صحیح البخاری [الکرمانی، شمس الدین] ج-۱۴ ص-۹۴

را مسح نمود همه پلیدی هایش دور شد و رنگ و جلد زیبا را در یافت، فرشته پرسید از مال دنیا چی میخواهی؟ گفت: شتر، برایش شتر ده ماهه باردار داده شد، فرشته دعای خیر و برکت برایش کرد و به نزد شخص دومی که کل و یا بی موی بود رفت، از شخص دومی پرسید: چی چیز را دوست داری؟ گفت: موی مقبول تا مردم از من نفرت نکنند این را نیز مسح نمود، موهای حسن و مقبول برایش داده شد، گفت از مال دنیا چی چیز را دوست داری؟ گفت: گاو، دعای برکت برایش نمود و دو گاو حامله برایش داده شد و رفت به نزد شخص سومی که مرد نابینا بود، فرشته پرسید چه چیز را دوست داری؟ گفت: چشم های بینا که مردم را ببینم، فرشته مسح نمود بینایی و دید چشم هایش داده شد، گفت: از مال دنیا چی را دوست داری؟ مرد گفت: گوسفند، دعاء نمود گوسفند چوپه دار برایش داده شد، برای هر یکی از این سه شخص وادی از شترها، گاوها و گوسفندان داده شد، یک مدت این ها را در راحت و آسایش مالداري و سرمایه زندگي گرداند بعد از مدتی دوباره امتحان شدند و مورد ابتلاء قرار گرفتند که این بار خیلی ها سخت بود تا روز های دشوار گذشته را فراموش نکنند و یک مقدار مال را بنام الله ﷻ صدقه دهند، هوشیارانه و بیدار حرکت کنند تا نعمت های الله ﷻ از دست نرود و دوباره به رنج و عذاب گرفتار نشوند، فرشته این بار به شکل و قیافه شخص مسافر، مسکین و سائل پیش می آید که شناختن اش برای آن سه تن مشکل بود، نزد مرد برص و یا پیس می رود و بعد به مانند سائل از او سوال می کند و میگوید: شخص مسافر و مسکین هستم اسباب و وسائل سفر ام تمام شده است هیچ چیزی برای رسیدن به مقصد ندارم، جزء الله ﷻ کمک و همکاری شما، به آن ذات که شما را رنگ و جلد زیبا داد و مال برای تان اعطاء نمود مرا کمک نمایید تا به سفر ام ادامه دهم، مرد پیس گفت:

الحقوق کثیره... حقوق زیاد است یعنی نمی توانم برای تو چیزی بدهم  
حق داران زیاد است، فرشته الله ﷻ باز تکرار کرد و سخنان فرشته همه برای

آن شخص نقل بود، ولی او در محبت مال دنیا و شترهای زیاد و رنگارنگ فرورفته بود، روزهای سخت و دشوار را فراموش کرده بود از ابتلاء و آزمون الهی غافل گردیده بود، بخل و حرص اش به حد بالا رفته که حتی مسافر و سائلی را همکاری نمی‌کرد و برای مسکین چیزی نمی‌داد، او باید فکر می‌کرد و گذشته اش را یاد آور میشد متأسفانه هیچ نکرد، فرشته برایش گفت: کانی اعرفک... گویا ترا می‌شناسم، مگر پیس نبودی که مردم از تو نفرت می‌کردند؟ فقیر نبودی که الله ﷻ برایت مال داد؟ گفت: این مال را از بزرگان و بزرگان ما برابم میراث مانده است، فرشته گفت: اگر دروغ می‌گویی الله ﷻ ترا به هیئتی اولی برگرداند.

فرشته از این مرد جدا شده و به همان شکل و صورت به نزد مرد کچل و یا کل رفت، و سوال های که از شخص پیس کرده بود از وی نمود، آن هم مانند مرد پیس جواب رد داد و آماده همکاری و کمک نشد، بلاخره به نزد مرد نابینا و کور رفت، به همان شکل و صورت که نزد آن دو رفته بود برایش گفت:

رَجُلٌ مَسْكِينٌ قَدْ انْقَطَعَتْ بِي الْحَبَالُ فِي سَفَرِي<sup>۱</sup>

ترجمه: مرد مسکین و مسافر ام اسباب سفرم خاتمه یافته امکان رسیدن نیست.

امروز جزء به کمک الله ﷻ شما به نام الهی که چشمان ات را بینایی داد سوال میکنم یک‌گوسفند برابم بده تا سفر ام را به آن ادامه دهم، شخص نابینا و کور که حالا صاحب چشمان و بینایی است روزهای کوری و نابینایی را فراموش نکرده بود روز های فقر و گرسنگی را به خاطر داشت می دانست که مال و متاع دنیا همیشه نیست و این آزمون از جانب الله ﷻ می باشد او مانند شخص پیس و کچل نبود، بخل نمیکرد، حریص نبود داستان گذشته را به فرشته

۱. کتاب شرح المشکاة للطیبی الکاشف عن حقائق السنن [الطیبی] ج-۵ ص-۵۳۵



الله ﷻ قصه کرد، گفت: من مرد کوری بودم الله ﷻ بینایی و دید چشمان ام را برابم باز گرداند (این بزرگ ترین نعمت است و هر چه دارم از الله ﷻ است) پس بگیر از مالم آنچه که می خواهی با خود ببر و آنچه که می خواهی بگذار، در گرفتن مال مخیر هستی، امروز آنچه را که به خاطر الله ﷻ می گیری اختیار داری و من برایت چیزی نمی گویم، فرشته گفت:

أَمْسِكْ مَالَكَ، فَإِنَّمَا ابْتَلَيْتُمْ؛ فَقَدْ رُضِيَ عَنْكَ. وَسَخِطَ عَلَيَّ صَاحِبِيكَ<sup>۱</sup>

ترجمه: مالت را نگهدار شما ابتلاء شدید، الله ﷻ از تو راضی شد و بر دو رفیق (پس و کل) غضب شد و ناخشنود گشت.

**بلی برادر و خواهر مسلمان!** زندگی ابتلاء و آزمایش است گاهی انسان در جسم و بدن ابتلاء می شود، پای و دست قطع می گردد، چشم کور می شود، گوش ها کور می گردد، اعضای سالم بدن ناسالم و غیر فعال می شود، زمانی در مال و اولاد انسان مورد ابتلاء و امتحان قرار می گیرد اولاد هایش وفات میشوند، مال اش به سرقت و هلاکت میرود، غرق می شود، در برابر این همه ابتلاء و آزمایش هرگز الله ﷻ را فراموش نکن و ارتباط را با الله ﷻ قطع نساز این همه آزمایش و خساره ها جبران خواهد شد، اینکه الله ﷻ را داری هر چه را داری و او را راضی و خشنود بگردان دنیا زود گذر است؛ اما آخرت زندگی طولانی و قطع ناشدنی؛ پس برای رضای الله ﷻ تلاش کن تا نعمت های بهشت را از آن خود نمایی و در آخرت مورد ابتلاء قرار نگیری در برابر همه سختی های زندگی و دشواری ها صبر باید کرد نصرت و کمک الهی بدون صبر نمی باشد، بعد از هر سختی آسانی خواهد آمد و بعد از هر تنگی فراخی می آید زندگی سراسر امتحان است.

۱. کتاب شرح المشكاة للطبيي الكاشف عن حقائق السنن [الطبيي] ج-۵ ص-۵۳۵

### وَاعْلَمُ أَنَّ التَّصَبُّرَ مَعَ الصَّبْرِ

ترجمه: بدان یاری و پیروزی با صبر یکجا خواهد آمد.

فراخی و گشایش در کار، بعد از تنگدستی، غم و اندوه می آید و همچنان آسانی و سهولت بعد از تحمل مشقت ها و سختی ها خواهد رسید، بدون رنج، زحمت و مشقت، راحتی وجود ندارد. این دنیا همه آزمایش و ابتلاء می باشد. واللہ ﷻ چه زیبا در مورد آنچه که در زندگی ما انسانها اتفاق میفتد می فرماید:

{وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ  
وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ} البقره: آیه-۱۵۵

ترجمه: و قطعاً شما را به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی و کاهش در اموال و جانها و محصولات می آزمایشیم و مژده ده شکیبایان را. ابتلاء و آزمایش الهی عمومی است برای پیامبران، اولیاءالله، علماء، صدیقین و عام مسلمانان همه در آزمایش قرار می گیرند، نمونه های که در آیت فوق به آن اشاره شد، از قبیل ترس و خوف دشمن، خوف مرض، مرگ، گرسنگی، زیان، خساراتی مالی و جانی، خساره ها در باغ، میوه، زراعت، کشت زارها و مواشی آزمایش و امتحان به این خلاصه نمی شود گاهی در عمل و انجام خیر و شر انسان ابتلاء می شود.

{الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ  
الْعَفُورُ} ملک: آیه-۲

ترجمه: همانکه مرگ و زندگی را پدید آورد تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارترید و اوست ارجمند آمرزنده.

{كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبَلُّوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ}

انبیاء: آیه-۳۵

ترجمه: هر نفسی چشمنده مرگ است و شما را از راه آزمایش به بد و نیک خواهیم آزمود و به سوی ما بازگردانیده می شوید.

بلاخره هر کس که باشید و در هر جای که زندگی کنید حتما در آزمون و امتحان قرار می گیرید، دنیا گذرگاه و محلی برای آزمایش است از متعلم مکتب، طلبه مدرسه، محصل دانشگاه تا چوپان صحراء، دهقان کشت زار، تاجر بین المللی، عالم دین، سیاست مدار ماهر و... همه و همه به ابتلاء گرفتار خواهند شد.

{أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يَتْرُكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ} عنكبوت: آیه ۲

ترجمه: آیا مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان آوردیم رها می شوند و مورد آزمایش قرار نمی گیرند.

ایمان آوردن دلیل برای عدم آزمون و ابتلاء نیست، باید امتحان دهند، دنیا محل آزمایش و امتحان است، بدون امتحان و آزمون الهی مسیر تکامل را پیمودن مشکل است؛ استعدادها و توانایی ها باید نمایش داده شود.

بلی امتحان حتمی است ولی با تفاوت ها؛ چگونه می توان از آزمون های بزرگ الهی کامیاب و موفق بدر آمد؟ و در فرجام راه موفقیت در این ابتلاء چیست؟ پاسخ این پرسش در قسمت اخیری آیه ی ۱۵۵ سوره البقره ذکر گردیده است و راز این موفقیت را صبر و استقامت خوانده است. مانند استقامت ابراهیم علیه السلام در برابر آتش نمرود، صبر و شکیبایی ایوب علیه السلام در برابر مرضی زمین گیر و طولانی، استقامت محمد صلی الله علیه وسلم در میان آزار و اذیت مشرکین. صبر و پایداری در برابر سختی ها، رنج ها و مشکلات گوناگون در جهان هستی، یگانه راه پیروزی و موفقیت است. اینجاست که الله

سبحانه و تعالی می‌گوید: «صابران را بشارت ده! یعنی بعد از صبر و استقامت در برار مصیبت‌ها، بشارت و مزه‌ی پیروزی و موفقیت داده می‌شود.» به هر حال زندگی امتحان الهی است؛ گاهی این امتحان به شکل فردی و گاهی هم به گونه اجتماعی، گاهی توسط مال و جان و زمانی به وسیله نعمت‌ها و حادثه‌های بی‌خبر، انسان‌ها آزمایش و ابتلاء می‌گردند. ممکن انسان چندین بار آزمایش شود؛ اگر صبر و استقامت که در کار نباشد، برای انسان پیروزی ناممکن خواهد بود.

یکی از استادان می‌گفت: «زمانی که دانشجو بودم، برای آموختن علم به جایی رفتم که علم و کتاب در آنجا بود؛ ولی غذا و نان نبود و همه به گرسنگی دچار بودیم، ناچار آنجا را ترک نموده و به جایی رفتیم که آنجا نان بود ولی درس نبود.» در این دنیا هر که و هر کسی به گونه‌ی مورد آزمایش و ابتلاء خداوندی قرار می‌گیرد؛ گاهی سخت و دشوار و گاهی هم آسان و ساده؛ خداوند برای همه‌ی ما صبر، استقامت و پایداری نصیب بفرماید.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ، وَدَرَكِ الشَّقَاءِ، وَسُوءِ الْقَضَاءِ،  
وَسَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ!

آمین

## ناامیدی

مسلمان خوب و جوان با ایمان ناامیدی و مایوسیت را هرگز در نهادش راه نمی‌دهد و هیچ‌گاه در زنده‌گی ناامید نمی‌شود و برای پیشبرد امور زندگی تلاش می‌نماید و لو بارها به زمین افتد؛ اما ناامید نمی‌شود چون الله دارد که روزی همه امیدها را برآورده می‌سازد و همه مشکلات را حل مینماید و رحمتش فراخ و بزرگتر از هر چیزی دیگر است او به تنهایی برای همگان کافی است و مشکل همه را خودش حل می‌سازد و میداند که چه کسی و در کجا و دارای چه مشکلی است؟ همه چیز را میداند و به همه چیز عالم است و میداند مشکل که آمده چه وقت باید حل شود.

{وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ...} سوره الاعراف: آیه - ۱۵۶

ترجمه: و رحمت من همه چیز را فرا گرفته است.

این رحمت فراخ و واسعه الله ﷻ ممکن است اشاره به نعمت‌ها و برکات دنیوی باشد که همگان را در بر گرفته و نیکوکار، بدکار، فاجر، موحد، مشرک، مسلمان، کافر و حتی حیوانات، پرنده‌ها و همه زنده‌جان‌ها از آن بهره می‌

برند و نیز میتواند اشاره به همه نعمت های مادی و معنوی باشد؛ زیرا نعمت های معنوی مخصوص قوم، قبیله و جمعیتی نمی باشد و رحمت الله ﷻ محدود نیست؛ مسلمان، کافر، حیوان، انسان، گنهکار، بی گناه، الله شناس، الله ناشناس، عالم، دانشمند، جاهل، نادان و غیره همه باید از زمین، آفتاب، آب و هوا، روشنی، شب و روز، رزق و روزی، میوه ها و غیره استفاده کنند و به زنده گی دنیوی شان ادامه دهند. الله ﷻ هیچ کافر، مشرک، گبر و نا مسلمان را از گرسنگی نمی گشود و برایشان روزی می رساند، این رحمت الله ﷻ است و دروازه های رحمت الهی به روی همگان گشوده است.

ای کریمی که از خزانه ی غیب  
گبر و ترسا وظیفه خور داری،  
دوستان را کجا کنی محروم  
تو که با دشمنان نظر داری

(سعدی شیرازی)

پس ناامید مشو؛ الله ﷻ امید هایت را برآورده می سازد، خوشحالی ها و راحتی ها را دیر یا زود به سراغت می فرستد.

"حضرت انس (رضی الله عنه) روایت میکند که شخصی نزد رسول الله ﷺ آمده گفت: یا رسول الله ﷺ گناه کردم حکم شریعت را بالایم جاری نما، وقت نماز بود پیامبر ﷺ به نماز ایستاد شد و آن شخص هم در نماز ایستاد شد، بعد از ختم نماز دوباره صدا کرد یا رسول الله (رضی الله عنه) گناه کردم حکم کتاب الله ﷻ را بالایم جاری کن، پیامبر ﷺ فرمود: آیا در نماز با ما حضور داشتی؟ شخص گفت: بلی. پیامبر ﷺ فرمود: **قد غفر لک** - پس گناهت بخشیده شد (متفق علیه)."

الله ﷻ چقدر مهربان است که با ادای نماز در عقب رسول الله (رضی الله عنه) گناه شخص را می بخشد و نماز را کفاره گناه اش میگرداند البته این گناه به حدی

نمود که حکم شریعت بالایش تطبیق میشد، گناهان کوچک و ناچیز با وضوء و نماز بخشیده میشوند در غیر آن باید حکم شریعت نافذ شود؛ مسلمان خوب اگر گناهی را مرتکب شد فوراً برای از بین بردنش تلاش میکند، توبه مینماید و خود را به قانون شریعت می سپارد تا شریعت در موردش تصمیم بگیرد، ناامید نمی شود به رحمت و بخشش الله ﷻ امیدوار میباشد، آن شخص برای محاکمه آماده بود و خود را در چنگال شریعت تسلیم داد، به رحمت الله ﷻ امیدوار بود الله ﷻ و پیامبر اش ﷺ او را بخشیدند و مورد عفو قرار دادند.

عبدالله بن عمر <sup>(رضی الله عنه)</sup> روایت میکند که از رسول الله ﷺ شنیدم که میگفت: روز قیامت شخص مومن نزدیک کرده می شود برای محاسبه و الله ﷻ به رحمتش می گیرد، شخص به گناهانش اعتراف میکند و اقرار مینماید، الله ﷻ می فرماید: این همه گناهانت را در دنیا پنهان کرده بودم (نخواستم ترا رسوا و شرمسار نمایم) اما امروز برایت می بخشم و صحیفه حسنات و نیکی ها را برایش میدهد (بخاری و مسلم)

هرگز نا امید نباشید الله ﷻ مهربان است و رحمتش فراخ و همه گیر است؛ شخص گنهکار در حضور الله ﷻ ایستاده شده به گناهانش یکی پی دیگری اقرار و اعتراف مینماید اما به رحمت الله ﷻ و مهربانی وی ایمان دارد نا امید نیست، چون الله ﷻ در کتاب مقدسش (قرآن کریم) می فرماید:

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (الزمر، آیه ۵۳)

ترجمه: بگو ای بندگان من که بر خویشتن زیاده روی روا داشته اید از رحمت الله ﷻ نومید مشوید در حقیقت الله ﷻ همه گناهان را می آمرزد که او خود آمرزنده ی مهربان است.

این آیت راه بازگشت را توأم با امیدواری به روی همه گنهکاران باز نموده و

فرمان عفو ایشان را صادر مینماید که شما مایوس نشوید، ناامید نباشید دریای رحمت الله ﷺ پایان ندارد شامل همه شما خواهد شد.

بلی جوان عزیز و خواننده گرامی! انسان گناه میکند، قلبش به اثر گناهان زیاد سیاه می‌گردد، زمانی با خود فکر میکند که هر نوع گناه را مرتکب شده است و قابل عفو و بخشش نمی‌باشد مایوس می‌شود بخصوص آنانیکه چندین بار توبه نمودند باز گناه کردند، فکر می‌کنند دیگر راهی برای بازگشت باقی نمانده است، این آیت در حقیقت برای چنین اشخاص مایوس مژده میدهد که نا امید نباشید دروازه رحمت الله ﷺ فراخ است، رحمتش بر غضبش سبقت بسته است پیامبر ﷺ می‌فرماید: هنگامیکه الله ﷻ مخلوقات را آفرید در کتاب نوشت:

إِنَّ رَحْمَتِي تَغْلِبُ غَضَبِي». وعند البخاري: «غلبتُ غضبي» (متفق

عليه)

ترجمه: یقیناً رحمت من بر غضبم غلبه نموده است و در روایت دیگر آمده است یقیناً رحمت من بر غضبم سبقت نموده است؛ و آنرا نزد اش بالای عرش گذاشت.

الله جل جلاله نسبت به یک مادر مهربان، نهایت مهربان‌تر است برای بنده گانش، ای بنده گان الله ﷻ، ای گنهکاران، ای جوانان که در بحر گناه غرق شده اید، ای کسانی که گناهان صغیره و کبیره شما را در محاصره گرفته است، ای آنانیکه بخاطر خوش نمودن نفس و خواهشات از هیچ نوع گناهی دریغ نکردید، ای آنهایی که بارها توبه کردید باز شکستید و به گناه رو آوردید، ای کسانی که از شیطان پیروی نمودید احکام الله ﷻ و اسلام را فراموش کردید، و ای آنانیکه، شراب نوشی، قمار بازی، قتل، زنا، دزدی، رهنی، چپاول، خانه دریایی و تجاوز به آبرو و عزت مسلمان را افتخار میدانستید، بیایید به الله ﷻ رجوع



کنید، توبه نمایید، اظهار ندامت کنید، تعهد بسپارید، دروازه توبه باز است و الله ﷻ وعده مغفرت نموده گناهانتان را می آمرزد، مایوس مشوید، این آیت به تمام شما نوید میدهد همان گونه که بر حضرت وحشی قاتل سید الشهداء حمزه (رضی الله عنه) کاکای گرامی رسول الله ﷺ نوید داد و او اسلام آورد و برای همیشه خود را از بند اسارت گناه نجات داد، و اسلامش را به گونه درست حفظ نمود به رحمت الله ﷻ پیوست، گنهکاران به هر اندازه که آلوده باشند و گناهان خویش را قابل عفو و بخشش ندانند باید باور کنند که رحمت الله ﷻ بالاتر از آن است که میپندارند؛

رو به درگاهش کی آوردی که گشتی نا امید

گر گدا کاهل بود تقصیر صاحب خانه چیست؟

اگر شما بخواهید مسیر را تغییر دهید، بار سنگین گناهان را از بالای شانه هایتان به دور افکنید و یک زنده گی نوین و جدا از گناه را آغاز نمایید، بدون شک الله ﷻ را خشنود ساخته و با وی آشتی نموده اید.

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْأَنْصَارِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ التَّائِبُ  
مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ وَالنَّدَمُ تَوْبَةُ التَّائِبِ حَبِيبُ اللَّهِ تَعَالَى إِنْ اللَّهُ  
يُحِبُّ التَّوَّابِينَ<sup>۱</sup>

ترجمه: از ابی سعید انصاری روایت است که گفت، رسول الله ﷻ فرمود: کسی که از گناه توبه کند، همانند شخصی است که اصلاً گناه نکرده است، و شخص پشیمان از گناه دوست الله ﷻ است، الله ﷻ توبه کننده‌گان را دوست دارد.

حکایت:

۱. نوادر الأصول في أحاديث الرسول: ج ۲، ص ۳۴۲

جوان گریه کنان، خدمت رسول الله ﷺ آمد و سخت ناراحت بود میگفت یا رسول الله ﷺ از عذاب الله ﷻ می ترسم. رسول الله ﷺ فرمود: شرک آورده ای؟ گفت: نه. فرمود قتل و خون ناحق ریخته ای؟ گفت: نه فرمود: الله سبحانه و تعالی گناه تو را می آمرزد هر قدر زیاد هم باشد. جوان گفت: یا رسول الله ﷺ گناه من از آسمان و زمین، عرش و کرسی بزرگتر است.

رسول الله ﷺ فرمود: گناهت از الله سبحانه و تعالی هم بزرگتر است؟ جوان عرض کرد: خیر الله ﷻ از همه بزرگتر است. رسول الله ﷺ فرمود: برو توبه کن که الله سبحانه و تعالی عظیم و بزرگ گناه بزرگ را می آمرزد. جوان نرفت و به گریه ادامه داد.

رسول الله ﷺ فرمود: آخر بگو گناه تو چیست؟ جوان گفت: ای رسول الله ﷺ از شما شرم میکنم چگونه بازگو کنم. رسول الله ﷺ فرمود: شرم نکن بگو جرمت چیست؟ جوان عرض کرد: هفت سال قبرها را نبش کردم و کفن ها را از مرده گان برمیداشتم تا اینکه روزی به هنگام نبش قبر، به جسد دختری از انصار برخورد کردم، بعد از آن که کفنش را گرفتم و او را برهنه کردم، نفسم به هیجان درآمد و در نتیجه... (ماجرای تجاوزش را بیان کرد) هنگامی که سخنش به انجام رسید رسول الله ﷺ سخت برآشفته و ناراحت شد فرمود:

این فاسق را بیرون کنید، و رو به سوی او نموده و اضافه نمود: تو چقدر به دوزخ نزدیکی؟ جوان بیرون گریه میکرد سر به بیابان گذاشت و عرض میکرد: ای الله محمد صلی الله علیه و سلم اگر توبه مرا می پذیری، پیامبرت را از آن

خبرکن، و اگر نه آتشی از آسمان بفرست و مرا بسوزان و از عذاب آخرت نجاتم ده.

جوان نباش از سوز دل گریه میکند، اشک می ریزاند و سر را به خاک میمالد، او پشیمان شده به الله ﷻ رجوع نموده توبه میکند و اما هنوز نا امید نیست از رحمت الله سبحانه و تعالی مایوس نشده و امیدوار است که الله ﷻ توبه را میپذیرد و گناهکاران را بعد از توبه در آغوش رحمت خویش قرار میدهد و بالای گناهانشان قلم عفو میکشد، خوب جوان نباش به گریه، فغان، توبه و تضرع خویش ادامه میداد؛ اینجا بود که پیک وحی الله سبحانه و تعالی بر رسول الله ﷺ نازل شد:

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (الزمر، آیه ۵۳)

ترجمه: بگو ای بندگان من که بر خویشتن زیاده روی روا داشته اید از رحمت الله ﷻ نومید مشوید در حقیقت الله ﷻ همه گناهان را می آمرزد که او خود آمرزنده مهربان است.

و این آیه را بر آنحضرت خواند و دروازه های توبه را به روی آن جوان تباش و سایر گناهکاران امت گشود، دروازه توبه تا وقتیکه آفتاب از مغرب طلوع نکرده به روی گناهکاران باز است، پس جوان عزیز که غرق گناه هستی، برادر گرامی که لحظه یی از وقت ات را صرف طاعات و عبادات نکردی، ای شخصی که انواع گناهان را مرتکب شدی هنوز فرصت داری برخیز توبه کن الله ﷻ توبه ات را قبول میکند و گناه ات را می بخشد نا امید مشو رحمت الله ﷻ بزرگ است، اهل مکه میگفتند: محمد ﷺ ما را به اسلام دعوت میدهد ما چگونه اسلام بیاوریم در حالیکه بت پرستیده ایم و دست هایمان به خون انسانها آغشته است چگونه توبه ما قبول شود، آنها مایوس و ناامید شده بودند چون بت پرستی بزرگتر از

هر گناه دیگر است و همچنان ریزاندن خون انسان بی گناه بزرگترین جرم است که مردم مکه به این دو نوع گناه آلوده بودند آیت متذکره ایشان را نوید میدهد که ناامید نشوید به مجرد اسلام آوردن، همه گناهانشان مورد عفو قرار میگیرد و بخشیده میشوند، رحمت الله سبحانه و تعالی بالاتر از آن است که فکر می‌کنند" (خلاصه از تفسیر ابوالفتح رازی)

وعن أبي موسى رضي الله عنه قال: قال الرسول صلي الله عليه وسلم:

((إن الله يسطر يده بالليل ليتوب مسي النهار، ويسطر يده بالنهار

ليتوب مسيء الليل، حتى تطلع الشمس من مغربها)

ترجمه: الله سبحانه و تعالی دست بلاکیفش را دراز میکند در شب تا گنهکاران روز توبه کنند و در روز دراز مینماید تا گنهکاران شب توبه کنند و این روش تا طلوع آفتاب از مغرب ادامه دارد.

مایوس نشوید قبل از مرگ توبه نموده به الله ﷻ رجوع کنید راهی برای خروج

از امواج پر تلاطم گناهان وجود دارد و پلی برای عبور است.

باز آ، باز آ، هر آنچه هستی باز آگر کافر، گبر و بت پرستی باز آ

این درگه ما درگه نامیدی نیست صد بار اگر توبه شکستی باز آ

## محافظت از اعمال نیک

مسلمان خوب محافظ اعمال نیک و شایسته اش می باشد؛ اگر کاری نیکی را انجام می دهید، مواظب باشید که به انجام دادن کار اشتباه و نادرست و خلاف شرع، اجر و پاداش آن از بین می رود و سرابی بیش نخواهد بود. اگر کمک و صدقه می کردید، اگر با کسی همدردی و همکاری نمودید، اگر تنگدستی را کمک نمودید، اگر دست بی نوا و فقیری را گرفتید، اگر افتاده‌ی را بلند کردید، اگر رهگذری را شب پناه دادید، اگر مصارف اتاق یا خرج سفریه ماشین را برای طلبه‌ی علم و دانشجوی ناداری پرداخت نمودید و اگر یک خوراک نان برای یتیم و بیوه‌ی دادید؛ به رویش نکشید و منت و احسان مگذارید، که همه باطل و نابود می شود.

الله ﷻ می فرماید:

{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ  
رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...} بقره: آیه ۲۶۴

ترجمه: ای مومنان صدقات و خیرات تان را به سبب منت گذاشتن و اذیت کردن باطل نسازید...

حکم آیت شامل تمامی کارهای نیک می‌شود، بعضی افراد تنگ نظر، در برابر کمک های ناچیز شان، هزارگونه زخم زبان به افراد آبرومند و صاحب عزت می‌زنند و شخصیت آنها را بخاطر همکاری نسبی که یک وقت و زمان نموده است درهم شکسته و زیر سوال می‌برند که این گونه اشخاص پیش از اینکه خیر و نفع برسانند، ضرر می‌رسانند؛ ارزش های اجتماعی انسان را از بین می‌برند و به آنانی که کمک کرده اند اذیت می‌رسانند و از طرف دیگر پاداش کارشان را نابود می‌سازند.

وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَبْتَئًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ  
كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ  
فَطَلَّ وَاللَّهُ بِمَا نَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (البقره ۲۶۵)

ترجمه: و مثل (صدقات) کسانی که اموال خویش را برای طلب خشنودی خدا و استواری روحشان انفاق می‌کنند، همچون مثل باغی است که بر فراز پشته ای قرار دارد (که اگر) رگباری بر آن برسد، دو چندان محصول برآورد، و اگر رگباری هم بر آن نرسد، باران ریزی (برای آن بس است)، و خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست.

این جمله قرآن کریم هشدار است به همه کسانی که می‌خواهند کار نیکی انجام دهند، که مراقب باشند کوچک ترین آلودگی در نظر اش و یا طرز کار اش پیدا نشود، زیرا الله ﷻ کاملاً کارکرد های ما را مراقبت میکند. محافظت عمل نیک را جدی بگیرد؛ زیرا این سرمایه‌ی آخرت شما است. هرکاری خیری که انجام می‌دهید در امر حفاظت اش تلاش نمایید، مثلاً: شما نهال غرس نمودید و یا زراعت کشت کردید اگر در امر نگهداری آن کوشش و توجه نکردید ممکن

خشک شده و از بین برود و هیچ فایده‌ی از آن نگیرید؛ پس انجام کاری در زندگی، بدون محافظت بی فایده است.

پیامبر ﷺ خطاب به عبدالله بن عمرو بن العاص گفت:

يا عبدالله، لا تَكُنْ مِثْلَ فَلَانٍ؛ فَإِنَّهُ كَانَ يَقُومُ اللَّيْلَ فَتَرَكَ قِيَامَ اللَّيْلِ!

ترجمه: ای عبدالله مثل فلان شخص مباش! که شب نماز می خواند اما حالا ترک کرده است.

عمل خوب و کار خیر اگر اندک و ناچیز هم باشد باید ادامه دار باشد و ترک نشود؛ زیرا این سرمایه‌ی است که برای تجارت آخرت سرمایه گذاری شده و قطره قطره دریا می گردد؛ اگر از این اعمال اندک، مراقبت شود وسیله نجات انسان در روز رستاخیز می گردد؛ مثلاً: شما هر روز از خانه به طرف دفتر، مکتب، مدرسه، دانش گاه، دکان و محل کاری می روید، در مسیر راه اگر ۱۰۰ بار الحمد لله، استغفار، درود و تسبیح خوانده بروید، اگر ادامه دهید یکسال ۳۶۵۰۰ حمد، درود، استغفار و تسبیح در حساب آخرت تان افزوده آید که این بزرگترین سرمایه است برای مسلمان خوب و جوان مومن؛ اما متأسفانه اکثر جوانان و غیر جوانان در مسیر راه با موسیقی مبتذل، غیبت، قصه های دروغین و خرافی، دشنام، بدگویی، تهمت، چشم چرانی و نظر انداختن به دختران و زنان مردم و آزار واذیت نمودن رهگذر و عابرین، پیش می روند؛ که سبب از بین بردن همان کارهای نیک و شایسته انسان می گردد که برای آخرت اش سرمایه گذاری بد کرده است؛ اگر در مسجد و عبادت گاه نماز می خواند، بیرون مسجد غیبت میکند، اگر روزه می گیرد و با گفتن دروغ و سوگند همیشه لب به سخن می گشاید، اگر حج می کند با پول حرام است، اگر قرآن می خواند، تبلیغ و دعوت می نماید و خودش به دستورهای آن عمل نمی کند، اگر جهاد

می‌کند عوض اش را در دنیا طلب می‌نماید و اگر کار خیری را انجام می‌دهد ثمره و فایده اش را در دنیا می‌طلبد و از حفاظت و مواظبت اش صرف نظر می‌کند؛ اینجاست که تجارت به فساد مواجه می‌شود. خوشا به حال آنانی که روزهای جوانی و قوت شان را در عبادت و پرستش الله متعال و اعمال صالحه و خیر رسانی به مردم، سپری نمودند و در حفاظت آن تا پای جان، می‌کوشند و هرگز دست به کار اشتباه نمی‌زنند، پاک زندگی می‌کنند و پاک می‌روند؛ پس کارهای نیک و پسندیده را محافظت نموده و برای نمو و رشد آن تلاش به خرج دهید تا قطره‌ها با هم یکجا شده و دریا شکل بگیرد.

الله ﷻ می‌فرماید:

{مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ مِثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا

مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ} سوره الانعام: آیه - ۱۶۰

ترجمه: هر که کار خیری را انجام داده او را ده برابر اجر است به شرطیکه بعد از انجام آن، کار و عمل زشت و ناپسندی را انجام ندهد.

قران کریم داستانی پیره زنی را بیان می‌کند که در شهر مکه مکرمه زندگی می‌کرد و از صبح تا پایان روز ریسنده‌گی می‌کرد و زحمت می‌کشید و شام‌ها آن همه تارها را پارچه پارچه می‌کرد و از بین می‌برد، وی از کارش محافظت و مراقبت نمی‌کرد، مردم شهر او را احمق می‌خواندند؛ دقیقاً، در صورت عدم توجه به اعمال نیک و یا به تعقیب آن، انجام دادن عمل زشت کار احمقانه است، مسلمان خوب و بیدار از اعمال نیک و کارهای خوب اش پاسبانی می‌کند و آن را نمی‌گذارد به هدر برود.

### ثبات و پایداری در انجام اعمال نیک

مسلمان خوب بعد از پذیرش احکام اسلام و ایمان و عمل بر ارشادات دین، از نعمت اسلام و ایمان سپاس‌گذار و مدیون الله سبحانه و تعالی بوده و در مسیر



الله ﷻ استقامت و پایداری می‌نماید. استقامت در راه دین، بزرگترین نعمتی است که اگر شامل حال انسان نشود بر خط صحیح و درست در اسلام، ثابت و استوار نخواهد ماند.

**خواننده گرامی!** استقامت در علم و عمل، استقامت در جهاد و مبارزه به ویژه در عصرهای تاریک و ظلمانی، کاری است بسا دشوار که به توفیق الله ﷻ نیاز دارد. انسان هر لحظه در بند خواهشات نفس، هوا و شیطان قرار می‌گیرد که بدون استقامت امکان پذیر نیست؛ ده‌ها شیطان انسی و جنی، هوای نفس، خواهشات نامشروع و تحرکات غریزه‌های انسانی برای گمراه‌سازی مسلمانان بخصوص در پی نسل جوان قرار دارد، آنان که از نعمت استقامت محروم‌اند، فریب وعده‌های دروغین شیطان را می‌خورند و به خواهشات نفسانی تسلیم شده و فرمان‌برداری می‌نمایند و از مسیر حق، عدالت و انصاف خارج می‌شوند. دشمنان اسلام از انواع مختلف وسایل گمراه‌کننده در جامعه‌ی اسلامی و ترویج فرهنگ فحشا در میان مردم، فعالیت می‌نمایند تا مرد و زن مسلمان به گمراهی کشانده شوند. به گونه‌ها و رنگ‌های متفاوت، نسل جوان را به فساد، فحشا، بی‌دینی، بی‌حجابی، بی‌حیایی، تحت نام و شعار گوناگون دعوت می‌دهند؛ پول خرج نموده و زمینه‌سازی می‌کنند. به بهانه‌های مختلف فرصت‌های شغلی، دانش‌جویی و سیاحت را از مصرف رفت و برگشت گرفته‌الی نان و غذا، ماشین و محل اقامت و زندگی، در کشورهای خودشان بدوش گرفته و فراهم می‌سازند. میلیون‌ها دالر را مصرف می‌کنند تا فرهنگ پوچ و گندیده‌ی شان را به واسطه‌ایشان به منطقه و کشور‌های اسلامی انتقال دهند و در میان مسلمانان در جامعه اسلامی از راه‌های مختلف ترویج بخشند و نشر کنند؛ اما جوان مسلمان، بیدار، زیرک و هوشیار می‌داند که چگونه خود و جامعه را از این حالت ناگوارِ هلاکت بار نجات دهد و در برابر این همه مشکلات چگونه استقامت نماید، چه باید کند تا دین، ایمان، فرهنگ و مقدسات اسلامی اش را

حفظ نماید، آنانی که در راستای رسیدن به حق و عدالت، در امور دفاع از دین و فرهنگ اصیل اسلامی استقامت می نمایند، از راه درست اسلام منحرف نمی شوند و تمام زندگی را به رنگ ایمان رنگین می کنند. بدون شک الله ﷻ برای ایشان بشارت های داده است.

{إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا  
وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ} فصلت: آیه ۳

ترجمه: به یقین کسانی که گفتند: الله ما الله ﷻ است، سپس استقامت کردند، فرشتگان به آنان نازل می شوند که: نترسید و غمگین مباشید، و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است.

**خواننده عزیز!** بعد از ایمان به الله یگانه، استقامت در دین نقش عمده‌ی می داشته باشد که بدون آن رسیدن به قله های کامیابی، خوشحالی و آسایش آخروی ناممکن خواهد بود. شخص مسلمان و جوان مومن بعد از ایمان، استقامت را در عمل و گفتار نشان می دهد و از جاده حق منحرف نمی شود، آنچه لازم آن است به نمایش می گذارد، مانند افراد و اشخاصی نیستند که سنگ عشق الله ﷻ در شیشه می زنند؛ ولی در عمل استقامت ندارند و هنگامیکه در برابر طوفان های شهوت و خواهشات قرار گیرند با ایمان و عمل وداع کرده، بنحاطر منافع ناچیز دنیوی شان، همه داشته ها را فراموش می کنند و همان ایمان ضعیف که دارند از دست می دهند.

عَنْ أَبِي عَمْرٍو، وَقَيْلٍ، أَبِي عَمْرَةَ سُفْيَانَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ:  
قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قُلْ لِي فِي الْإِسْلَامِ قَوْلًا لَا أَسْأَلُ عَنْهُ أَحَدًا غَيْرَكَ؟  
قَالَ: "قُلْ آمَنْتُ بِاللَّهِ ثُمَّ اسْتَقَمْتُ"

ترجمه: از ابی عمرو روایت است که، ابی عمره سفیان بن عبد الله رضی الله عنیه

عنه گفت: گفتم یا رسول الله ﷺ، قول وراه را برابرم نشان ده در اسلام، که سبب نجات من شود و غیر از خودت دیگر از کسی سوال نکنم، پیامبر ﷺ فرمود: بگو ایمان آوردم به الله ﷻ و استقامت کن.

حضرت علی (رضی الله عنه) می گوید: وقتیکه شما گفتید الله ما الله ﷻ است، اکنون به این لحن تان پایمردی کنید، بر انجام دستورهای او و در راهی که فرمان داده و در طریق پرستش شایسته او استقامت به خرج دهید، از دایره فرمان او خارج نشوید، در آیین او بدعت مگذارید و هر گز با آن مخالفت نکنید! انسان وقتی که همه رنج ها و مصیبت هارا به خاطر الله ﷻ و دین او متحمل می شود به استقامت ادامه می دهد، مورد اجر و پاداش الله قرار می گیرد و به جایی می رسد که فرشتگان پیام از رحمت، عشق و مهربانی را برای او اعلام می دارد که دیگر خوف، ترس، غم و اندوه بالای شما نخواهد آمد و شمارا بشارت بهشت است.

در آیه شماره ۳۱ همین سوره فصلت می فرماید:

نَحْنُ أَوْلَىٰ بِكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي  
أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ (۳۱)

ترجمه: در زندگی دنیا و در آخرت دوستانان ماییم و هر چه دلهایتان بخواهد در [بهشت] برای شماست و هر چه خواستار باشید در آنجا خواهید داشت.

تُزَلَّ مِنْ غَفُورٍ رَحِيمٍ (۳۲)

ترجمه: همه این نعمت ها و خوشحالی ها به عنوان پذیرایی یک میزبان از یک مهمان گرامی، از سوی الله متعال و غفور و رحیم به شما ارزانی داشته می شود.

جوان عزیز و مسلمان! آیا آماده هستی مهمانی الله ﷻ را در بهشتِ جاویدان و بدون درد و غم پذیری و برای همیشه در راحتی و آسایش باشی؟ پس اگر آماده هستی استقامت کن!

در این شکی نیست که نزول فرشتگان بر مومنان با استقامت و کمک و همکاری شان در دنیا و آخرت حتمی است؛ به خصوص در هنگام مرگ، هنگام ورود در قبر، وقت زنده شدن در روز رستاخیز الی بهشت، به هر حال بشارت های فرشتگان بسیار می شود که روح و جان شخص مسلمان و با استقامت را تقویه نماید و در طوفان های سخت زندگی به افراد با ایمان و با استقامت، توان و نیرو بخشد و ایشان را هرگز تنها نگذارد. استقامت در مسیر حق بر عمق ایمان می افزاید استقامت همچون عمل صالح میوه درخت ایمان است، هر کار استقامت و پای مردی می خواهد و در هر کاری که استقامت نباشد موفقیت و پیروزی نیست. استقامت در ایمان و عمل صالح ضامن رفتن شخص مسلمان به بهشت است.

یک مثال: اگر دانشجویی، طلبه علمی، شاگرد نجاری، فلزکاری، خیاطی و غیره در کار و درسش استقامت کرده پایمردی خود را حفظ نماید، تکلیف و رنج های که بر سرش بیاید مقاومت نموده و ثابت مانده فرار نکند و آنچه که استاد و مربی اش برایش آموزانده و توصیه نموده عمل نماید؛ مدتی بعد به مقصد و هدف خود می رسد، فارغ می شود، مدرک می گیرد و بالاخره ثمره و نتیجه زحمات و عمل خود را می یابد و یک مقدار راحت می شود. اگر استقامت نکرد و درس نخوانده فرار نمود، همیشه سرگردان و پریشان خواهد بود و آینده ی روشن و خوبی نخواهد داشت؛ پس دنیا مانند همان دانشگاه، مدرسه و یا مرکز فراگیری فن، کار و تجربه است. اینجا باید برای به دست آوردن مقام و عزت، آسایش و راحت در سرای آخرت، تلاش نمود.

کوتاه سخن اینکه ارزش انسان در ایمان، عمل صالح و استقامت به آن

خلاصه می‌شود. الله سبحانه و تعالی برای همه‌ی مسلمین استقامت و ثابت قدمی در دین را نصیب بفرماید.

رهرو آن نیست گهی تند و گهی خسته رود

رهرو آن است که آهسته و پیوسته رود



## منابع و ماخذ

- (١) قرآن كريم
- (٢) تفسير ابن كثير
- (٣) تفسير نمونه
- (٤) صحيح البخارى
- (٥) صحيح المسلم
- (٦) سنن الترمذى
- (٧) سنن ابوداود
- (٨) رياض الصالحين
- (٩) بيهقى
- (١٠) حيات الحيوان
- (١١) الكبائر
- (١٢) [مجموعة من المؤلفين]، مجلة جامعة أم القرى ١٩ - ٢٤ ج. ٣.

- (١٣) [الروداني، محمد بن سليمان المغربي] جمع الفوائد من جامع الأصول ومجمع الزوائد ج-٢
- (١٤) [صهيب عبد الجبار] الجامع الصحيح للسنن والمسانيد ج-١١
- (١٥) [النووي] شرح النووي على مسلم، ج ١٤
- (١٦) [محمد نصر الدين محمد عويضة]، فصل الخطاب في الزهد والرقائق والآداب
- (١٧) [العراقي، زين الدين] تخريج أحاديث الإحياء = المغني عن حمل الأسفار
- (١٨) [مجموعة من المؤلفين] فتاوى واستشارات الإسلام اليوم، ج-٤
- (١٩) [صالح آل الشيخ] التمهيد لشرح كتاب التوحيد ج-١
- (٢٠) [عبد الهادي البكري] تحقيق التجريد في شرح كتاب التوحيد ج ٢
- (٢١) [عبد الرزاق بن عبد المحسن البدر]، فقه الأدعية والأذكار {ج ٢
- (٢٢) [خميس السعيد محمد] مواقف حلف فيها النبي صلى الله عليه وآله وسلم
- (٢٣) [الملا على القاري] مرآة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح ج-٨
- (٢٤) [الأنصاري، زكريا] منحة الباري بشرح صحيح البخاري ج-٥
- (٢٥) [ابن الملقن] التوضيح لشرح الجامع الصحيح، ج-١٥
- (٢٦) [السندي، محمد بن عبد الهادي] حاشية السندي على سنن ابن ماجه ج-٢
- (٢٧) أعلام الحديث (شرح صحيح البخاري، ج ١،
- (٢٨) مسند أبي يعلى الموصلي، ج ٩،
- (٢٩) [القاضي عياض] إكمال المعلم بفوائد مسلم، ج-٤
- (٣٠) [النووي] رياض الصالحين ت الفحل، ج، ٢،
- (٣١) [نور الدين الهيثمي] غاية المقصد فى زوائد المسند، ج-٤
- (٣٢) [الطبراني] المعجم الكبير للطبراني ج، ١٣، ١٤، ج-١٣
- (٣٣) نهج البلاغه



- (٣٤) [سعيد حوى] كتاب الأساس في السنة وفقهها - العبادات في الإسلام، ج-٧
- (٣٥) [أبو ذر القلموني] ففروا إلى الله - القلموني، ج-١
- (٣٦) [ابن الأثير، أبو السعادات] جامع الأصول، ج-٤
- (٣٧) نواذر الأصول في أحاديث الرسول: ج ٢
- (٣٨) [السيوطي] الجامع الصغير وزيادته
- (٣٩) ياسر الحمداني [ياسر الحمداني] موسوعة الرقائق والأدب - ج-١
- (٤٠) [ابن المَلَك] شرح المصاييح لابن الملك، ج-٥ ص-٤٠٩
- (٤١) [ابن حجر العسقلاني] بلوغ المرام من أدلة الأحكام ت فحل، ج-١
- (٤٢) [الزبيدي، زين الدين] التجريد الصريح لأحاديث الجامع الصحيح، ج-١
- (٤٣) [ابن باز] الإفهام في شرح عمدة الأحكام، ج-١
- (٤٤) [أبو عمرو الداني] السنن الواردة في الفتن للداني، ج-٣
- (٤٥) [التبريزي، أبو عبد الله] مشكاة المصابيح، ج-١
- (٤٦) [المتقي الهندي] كنز العمال، ج-٣
- (٤٧) [أحمد بن حنبل] مسند أحمد مخرجا، ج، ٤٥
- (٤٨) [أحمد بن الصديق الغُمَاري] المداوي لعلل الجامع الصغير وشرحي المناوي، ج-٦
- (٤٩) الغزالي، الإحياء العلوم الدين: ج ٣
- (٥٠) فتوح الغيب في الكشف عن قناع الريب (حاشية الطيبي على الكشف): ج ٦
- (٥١) تحفة الأبرار شرح مصاييح السنة: باب النكاح: ج ٢
- (٥٢) [محمد المختار الشنقيطي] دروس للشيخ محمد المختار الشنقيطي، ج-١٦
- (٥٣) [حسين العوايشة] الموسوعة الفقهية الميسرة في فقه الكتاب والسنة المطهرة، ج-٦

- (٥٤) [مجموعة من المؤلفين] أرشيف منتدى الفصيح، المكتبة الشاملة
- (٥٥) [مجموعة من المؤلفين] فتاوى الشبكة الإسلامية ج-٩
- (٥٦) [الرازي، ابن أبي حاتم] علل الحديث لابن أبي حاتم ج-٣
- (٥٧) [ابن تيمية] جامع المسائل لابن تيمية ط عالم الفوائد - المجموعة السابعة ج-١
- (٥٨) فتاوى د. حسام عفانة: ج-١٨
- (٥٩) [إسماعيل الأصبهاني] الترغيب والترهيب لقوام السنة ج ٣
- (٦٠) [محمد فؤاد عبد الباقي] اللؤلؤ والمرجان فيما اتفق عليه الشيخان ج-٣
- (٦١) [ابن علان] الفتوحات الربانية على الأذكار النووية ج-٦
- (٦٢) [ابن كثير] جامع المسانيد والسنن ج-٥
- (٦٣) [الرافعي، عبد الكريم] العزيز شرح الوجيز المعروف بالشرح الكبير ط العلمية ج-٤
- (٦٤) اميرى فيروزكوهى، سيدكريم. مقدمه بر ديوان صائب با حواشى و تصحيح بخط خود آن استاد، انتشارات انجمن آثار ملي، تهران، ١٣٤٥

### منابع انترنيتى

5. <https://www.tarafdari.com/>
6. <http://www.parsquran.com/>
7. <http://americanaddictioncenters.org/alcoholism-treatment/mental-effects/>
8. <http://www.livescience.com/55497-does-alcohol-cause-cancer.html>
9. <https://www.cancer.org/cancer/cancer-causes/diet-physical-activity/alcohol-use-and-cancer.html>
10. <http://www.cancerresearchuk.org/about-cancer/causes-of-cancer/alcohol-and-cancer/how-alcohol-causes-cancer>
11. <https://www.cancer.gov/about-cancer/causes-prevention/risk/alcohol/alcohol-fact-sheet>
12. <http://www.sciencealert.com/alcohol-can-cause-sevenforms-of-cancer-new-analysis-finds>

## کتاب و رساله های منتشر شده از این قلم:

- مقام صحابه در قرآن
- اسلام یا مسیحیت؟
- مسائل نماز - ترجمه
- آداب مباشرت - ترجمه
- خشخاش از دیدگاه اسلام
- مسائل روزه (زیر چاپ)
- پرسش ها و پاسخ ها (مجموعه از پرسش های برنامه رادیویی معارف اسلامی) زیر چاپ
- اصلاح عمل (کتاب که اکنون در دست دارید)